

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ



دوفصلنامه علمی پژوهشنامه رسانه بین الملل

سال هشتم، شماره دوم، شماره پیاپی دوازدهم، پاییز و زمستان ۱۴۰۲
معاونت برون مرزی سازمان صداوسیما جمهوری اسلامی ایران

و دانشگاه صداوسیما

مدیر مسئول: دکتر احمد نوروزی
جانشین مدیر مسئول: دکتر منصوره اخوان
سردبیر: دکتر محمدقلی میناوند
مدیر داخلی: دکتر محمود ترابی اقدم

ویراستاران فارسی: مریم مهاجری و بهنام خسروی
سر ویراستار انگلیسی: دکتر محمدقلی میناوند
صفحه آرا: معصومه پورحجازی
طراح گرافیک: الهه ولایتی
هماهنگی توزیع: سهیلا نعمتی

ناشر: پژوهش‌های کاربردی معاونت برون مرزی صداوسیما
لیتوگرافی، چاپ و صحافی: چاپ نگارش

بر اساس ارزیابی کمیسیون بررسی نشریات علمی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری و پایگاه استنادی علوم جهان اسلام (ISC) در سال ۱۳۹۹، «پژوهشنامه رسانه بین الملل» از شماره ۴ (سال ۱۳۹۸) حائز رتبه علمی «ب» گردیده است.

به موجب ماده ۱۳ قانون مطبوعات، پروانه انتشار «پژوهشنامه رسانه بین الملل» با شماره ثبت ۸۱۹۰۹ در تاریخ ۱۳۹۷/۰۲/۱۷ از سوی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی صادر گردیده است.

دوفصلنامه «پژوهشنامه رسانه بین الملل»، توسط پژوهش‌های کاربردی معاونت برون مرزی سازمان صداوسیما جمهوری اسلامی ایران با مشارکت دانشگاه صداوسیما و همکاری انجمن ایرانی روابط بین الملل منتشر می‌شود. فرایند و امور علمی، اجرایی، اداری و مالی این نشریه توسط پژوهش‌های کاربردی معاونت برون مرزی سازمان صداوسیما جمهوری اسلامی ایران انجام می‌گیرد.

نشانی: تهران، خیابان ولیعصر، بالاتر از مسجد بلال، ساختمان اداری صداوسیما، طبقه پنجم

واحد پژوهش‌های کاربردی برون مرزی

کد پستی: ۱۹۹۹۷۱۳۱۱۳ تلفن: ۲۲۱۶۷۱۵۳

نشانی پایگاه اینترنتی نشریه پژوهشنامه رسانه بین الملل: <http://imfl.arc.iriborg.ir/>

نشانی پایگاه اینترنتی پژوهش‌های کاربردی معاونت برون مرزی صداوسیما: <http://arc.irib.ir>

دوفصلنامه علمی پژوهشنامه رسانه بین الملل
سال هشتم، شماره دوم، شماره پیاپی دوازدهم، پاییز و زمستان ۱۴۰۲

اعضای هیئت تحریریه (به ترتیب حروف الفبا)

دانشیار دانشگاه علامه طباطبایی (روابط بین الملل)	دکتر هادی آجیلی
استاد دانشکده وزارت امور خارجه (روابط بین الملل)	دکتر محمدرضا دهشیری
استاد دانشگاه تهران (مدیریت رسانه)	دکتر طاهر روشندل اربطانی
دانشیار دانشگاه صداوسیما (ارتباطات)	دکتر اردشیر زابلی زاده
استاد دانشگاه صداوسیما (مطالعات هنرهای نمایشی)	دکتر احمد ضابطی چهرمی
دانشیار دانشگاه تربیت مدرس (پژوهش هنر و مطالعات تلویزیون)	دکتر علی اصغر فهیمی فر
استاد دانشگاه تهران (مطالعات آمریکای شمالی و ادبیات انگلیسی)	دکتر سیدمحمد مرندی
استاد دانشکده روابط بین الملل وزارت امور خارجه (حقوق بین الملل عمومی)	دکتر رضا موسی زاده
دانشیار دانشگاه صداوسیما (ارتباطات)	دکتر داود نعمتی انارکی
دانشیار دانشگاه شهید بهشتی (حقوق بین الملل)	دکتر محمدحسین رضانی قوام آبادی

دوفصلنامه علمی پژوهشنامه رسانه بین الملل

سال هشتم، شماره دوم، شماره پیاپی دوازدهم، پاییز و زمستان ۱۴۰۲

اعضای هیئت مشاوران علمی (به ترتیب حروف الفبا)

رئیس سازمان صداوسیما و استادیار دانشگاه صداوسیما (ارتباطات)	دکتر پیمان جبلی
دانشیار دانشگاه شهید بهشتی (روابط بین الملل)	دکتر امیرمحمد حاجی یوسفی
دانشیار دانشگاه امام صادق ^(ع) (حقوق بین الملل)	دکتر توکل حبیبزاده
استاد دانشگاه صداوسیما (مدیریت راهبردی و رادیو)	دکتر حسن خجسته باقرزاده
دانشیار دانشگاه صداوسیما (پژوهش هنر و برنامه‌های تلویزیونی)	دکتر علی رجبزاده طهماسی
دانشیار دانشگاه صداوسیما (معارف اسلامی و تبلیغات)	دکتر مجتبی رضوی طوسی
دانشیار دانشگاه صداوسیما (مدیریت رسانه)	دکتر سیاوش صلواتیان
دانشیار دانشگاه بین المللی امام خمینی ^(ع) قزوین (علوم سیاسی)	دکتر حاکم قاسمی

راهنمای نگارش مقاله

- (۱) **عنوان و موضوع مقاله:** باید در چارچوب یکی از محورهای زیر باشد:
 - شبکه‌های تلویزیونی و رادیویی برون مرزی صداوسیما ج.ا. ایران (پرس‌تی‌وی، هیسپان‌تی‌وی، العالم، الکوثر، سحر، هوساتی‌وی، آی فیلم و ...)
 - دیپلماسی رسانه‌ای ایران با کشورها و مجامع منطقه‌ای و بین‌المللی
 - دیپلماسی فرهنگی، سایبری، حقوقی و هنری ایران و سایر کشورها
 - تحلیل راهبردی تحولات منطقه‌ای و بین‌المللی از منظر رسانه‌ای
 - نقاط قوت و ضعف رسانه‌های بین‌المللی و برون مرزی ایران و سایر کشورها
 - جایگاه قواعد حقوق بین‌الملل ارتباطات در رسانه‌های بین‌المللی و شبکه‌های اجتماعی
 - نقش رسانه‌های بین‌المللی در ارتباطات سیاسی جهانی و روابط بین‌المللی
 - مباحثات منطقه‌ای و بین‌المللی از منظر حقوق بین‌الملل بشر و بشردوستانه با تأکید بر دیپلماسی حقوقی
 - دیوان بین‌المللی کیفری در مواجهه با جنایات بین‌المللی از منظر رسانه‌ای
 - تحولات منطقه‌ای و جهانی از منظر حقوق بین‌الملل با تأکید بر دیپلماسی حقوقی
 - امکان‌سنجی تأسیس ائتلاف‌ها، بلوک‌ها و باشگاه‌های رسانه‌ای منطقه‌ای و جهانی
 - گام دوم انقلاب اسلامی و رسالت رسانه‌های برون مرزی و محور مقاومت
 - تولیدات هنری رسانه‌های بین‌المللی ایران و جهان از منظر دیپلماسی هنری
 - مخاطب‌شناسی رسانه‌های بین‌المللی ایران و جهان
- (۲) **حجم مقاله:** با احتساب تمامی اجزاء آن حداکثر ۸۰۰۰ کلمه و با فاصله خطوط یک سانتی‌متر باشد.
- (۳) **قلم مورد استفاده:** قلم مورد استفاده در داخل متن در عبارات فارسی BMitra با شماره ۱۳ و در عبارات انگلیسی Times New Roman با شماره ۱۱ باشد. در پاورقی فارسی و انگلیسی از دو فونت مذکور با شماره ۱۰ و ۹ استفاده شود.
- (۴) **صفحه اول:** باید شامل عنوان مقاله، چکیده، نام و نام خانوادگی نویسنده (نویسندگان) به همراه مدرک تحصیلی، درجه علمی و نشانی آدرس الکترونیکی آنان (در پاورقی) باشد.
- (۵) **چکیده:** چکیده باید به فراخور محتوای مقاله، بیانگر موضوع، مسئله، اهمیت، هدف (یا پرسش) اصلی، نظریه مورد استفاده، روش، یافته‌ها، نتیجه‌گیری و پیشنهادهای پژوهش باشد. چکیده نباید از ۲۵۰ کلمه تجاوز کند. به همراه چکیده فارسی، چکیده انگلیسی نیز ارسال گردد. واژگان کلیدی در انتهای چکیده به تعداد ۳ تا ۵ واژه ذکر شود.

۶ مقدمه: شامل مقدمه (موضوع) و مسئله، اهمیت و ضرورت، پیشینه، مبانی نظری، اهداف، پرسش‌ها، فرضیه‌ها و روش پژوهش است. در صورتی که هر یک از بخش‌های فوق مانند پیشینه، مبانی نظری و روش پژوهش، نیازمند شرح بیشتری باشد، مستقل آورده شود.

۷ بدنه اصلی مقاله: شامل سیر تاریخی موضوع، تحلیل راهبردی موضوع، تبیین شاخص‌های رویکردی و رفتاری بازیگران، سناریوهای محتمل درباره موضوع (با رویکرد آینده‌پژوهی) و ... است. بررسی بازنمایی رسانه‌ای پدیده مورد مطالعه در رسانه‌های برون مرزی ایران یا رسانه‌های رقیب در این بخش ضروری است.

۸ بحث و نتیجه‌گیری: در این بخش با توجه به سؤال‌ها یا فرضیه‌های مقاله، یافته‌های مهم دسته‌بندی و تبیین شود. استنتاج و استفاده از پیشینه پژوهش و مبانی نظری در این بخش ضروری است.

۹ پیشنهادها: پیشنهادهای مستخرج از مقاله که به فراخور موضوع در دو قالب پیشنهادهای رسانه‌ای و پیشنهادها برای پژوهش‌های آتی می‌تواند صورت‌بندی شود. پیشنهادهای رسانه‌ای، پیشنهادها سیاست‌گذاری و برنامه‌سازی برای شبکه‌های تلویزیونی، رادیویی و رسانه‌های مجازی برون مرزی باید باشد.

۱۰ منابع: متناسب با ماهیت موضوع مقاله، منابع باید از منابع دست اول و معتبر خارجی باشد. برای منابع فارسی نیز باید از کتب و مقالات علمی معتبر استفاده شود. از استاد به سایت‌های خبری و منابع غیرمعتبر جداً خودداری شود. ضروری است حداقل ۳۰ درصد منابع، از منابع خارجی معتبر که در ۵ سال اخیر منتشر شده‌اند، باشند.

شیوه منبع‌دهی: منابع مقاله با توجه به الگوی استاد درون متنی معرفی گردد:

در متن مقاله، هنگام استفاده از نقل قول‌ها (خواه مستقیم و خواه غیرمستقیم)، استاد به آراء و اقتباس از آثار دیگران حتماً نام مؤلف/ مؤلفان و سال انتشار و شماره صفحه اثر در داخل پرانتز آورده شود؛ مانند: (امیری، ۱۳۸۵: ۴۴).

منابع استفاده شده در متن مقاله، در پایان مقاله و بر اساس ترتیب حروف الفبایی نام خانوادگی نویسنده (نویسندگان) به شرح زیر آورده شود:

- کتاب: نام خانوادگی، نام (نویسنده یا نویسندگان) (تاریخ انتشار)، نام کتاب، (نام مترجم)، محل نشر: نام ناشر. مثال:

یک نویسنده. امیری، حسین (۱۳۹۲). *دیپلماسی رسانه‌ای*. تهران: نشر نی.

دو نویسنده. سورین، ورنر جی، و جیمز دبلیو. تانکارد (۱۳۹۰). *نظریه‌های ارتباطات*، (ترجمه علیرضا دهقان). تهران: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.

سه نویسنده. رایف، دانیل، استفن لیس، و فریدریک جی، فیکو (۱۳۹۱). تحلیل پیام‌های رسانه‌ای: کاربرد تحلیل محتوای کمی در تحقیق، (ترجمه مهدخت بروجردی علوی)، تهران: سروش.

– مقاله:

مقاله با یک نویسنده:

Fukugawa, N. (2022). Effects of the quality of science on the initial public offering of university spinoffs: evidence from Japan. *Scientometrics*, 127(8), 4439-4455.

بنی اسدی، نازنین (۱۳۸۳). مدیریت مشارکتی معلمان و ارتباط آن با رفتار جامعه مدنی دانش‌آموزان. *روان‌شناسی و علوم تربیتی*، ۳۴(۲)، ۱۹۸-۱۷۵.

مقاله با دو نویسنده:

Haunschild, R., & Bornmann, L. (2022). Relevance of document types in the scores' calculation of a specific field-normalized indicator: Are the scores strongly dependent on or nearly independent of the document type handling?. *Scientometrics*, 127(8), 4419-4438.

شجاعی، حسین، و ثقیان، علی (۱۳۹۶). تاثیر شناخت تحولات تاریخی زبان عربی بر گستره‌ی پژوهش‌های ریشه‌شناسی. *مطالعات قرآن و حدیث*، ۱۱(۲۱)، ۵-۲۸.

مقاله با ۳ نویسنده:

Vakkari, P., Chang, Y. W., & Järvelin, K. (2022). Largest contribution to LIS by external disciplines as measured by the characteristics of research articles. *Scientometrics*, 127(8), 4499-4522.

وزیری، اسماعیل، نقشینه، نادر، و نوروزی چاکلی، عبدالرضا (۱۳۹۸). موانع و چالش‌های اشتراک‌گذاری داده‌های پژوهشی. *پژوهشنامه کتابداری و اطلاع‌رسانی*، ۹(۲)، ۵-۲۳.

مقاله با بیش از ۳ نویسنده:

Wheeler, J., Pham, N. M., Arlitsch, K., & Shanks, J. D. (2022). Impact factions: assessing the citation impact of different types of open access repositories. *Scientometrics*, 127(8), 4977-5003.

ریاحی‌نیا، نصرت، رحیمی، فروغ، لطیفی، معصومه، و الله بخشیان، لیلی (۱۳۹۴). بررسی میزان انطباق ربط سیستمی و ربط کاربردمدارانه در پایگاه‌های اطلاعات. *تعامل انسان و اطلاعات*، ۲(۱)، ۱-۱۱. ضروری است شناسه منحصر به فرد DoI یا DOR یا هر دو در انتهای ارجاعات هر مقاله به شرح زیر درج گردد.

مثال:

رجب‌زاده، محسن، الهی، شعبان، حسن‌زاده، علیرضا، و مهرآیین، محمد (۱۴۰۱). اینترنت اشیا در مدیریت زنجیره تأمین: مروری نظام مند با استفاده از رویکرد قیف پارادایمی. *پژوهشنامه پردازش و مدیریت*

اطلاعات، ۳۷(۱)، ۸۲-۵۹. doi:10.52547/jipm.37.1.59

Rajabzadeh, M., Elahi, S., Hasanzadeh, A., & Mehraeen, M. (2022). Internet of Things in Supply Chain Management: A Systematic Review Using the Paradigm Funnel Approach. *Iranian Journal of Information Processing and Management*, 37(1), 59-82. doi:10.52547/jipm.37.1.59

– در منابع مربوط به کتاب‌ها، عنوان کتاب، در منابع مربوط به مقالات، عنوان نشریه و در منابع مربوط به سایت‌ها عنوان سایت ایتالیک شود.

۱۱) تمامی اسامی و اصطلاحات لاتین، در متن، به زبان فارسی و در زیرنویس، به صورت لاتین آورده شود.

۱۲) در صورتی که اصطلاح، مفهوم یا مطلبی نیاز به توضیح دارد، در پایان مقاله به عنوان پی‌نوشت آورده شود.

۱۳) رعایت آیین نگارش فارسی در مقاله الزامی است. از به کار بردن واژه‌های مبهم، ترکیب‌های واژگانی نامعمول و جملات طولانی و پیچیده خودداری گردد.

۱۴) در کنار تاریخ هجری شمسی، ذکر تاریخ میلادی رویدادها و تحولات مورد بررسی در مقاله ضرورت دارد.

سخن مدیر مسئول

توسعه کمی و کیفی معاونت برون مرزی سازمان صداوسیما جمهوری اسلامی ایران در چهار دهه اخیر، آن را تبدیل به یک نهاد رسانه‌ای عظیم و تأثیرگذار در عرصه بین‌المللی کرده است. این جبهه از رسانه ملی با اتخاذ آرایش رسانه‌ای هدفمند در حوزه‌های مختلف منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای، جایگاه بی‌بدیلی در انعکاس صدای اکثریت مظلوم و خاموش جهان، شکستن انحصار خبری نظام سلطه، انعکاس دستاوردهای انقلاب اسلامی، ترویج گفتمان عدالت‌خواه انقلاب اسلامی، مقابله با اسلام‌هراسی و ایران‌هراسی و پیشبرد و پشتیبانی از اهداف جبهه مقاومت کسب کرده است.

معاونت برون مرزی، مشتمل بر شبکه‌های تلویزیونی پرس‌تی‌وی، هیسپان تی‌وی، العالم، العالم، سوریه، الکوثر، آی فیلم (فارسی، انگلیسی، عربی و آی فیلم ۲)، سحر (آذری، کردی، اردو، بالکان و افغانستان)، تلویزیون‌های اینترنتی هوسا تی‌وی و پرس تی‌وی فرانسوی‌زبان، شبکه سحاب (با فعالیت در ۲۶ حوزه زبانی)، خبرگزاری تصویری بین‌المللی ایران پرس، اداره‌کل تولیدات نمایشی، اداره‌کل امور بین‌الملل، واحد پژوهش‌های کاربردی و یور مدیوم است. همچنین با هدف پویایی و رقابت در تولیدات رسانه‌ای بین‌المللی جبهه مقاومت و همراهی با هنرمندان معتقد به جهان چندقطبی، «جشنواره رسانه‌ای صبح» از سال ۱۴۰۱ آغاز به کار کرده است.

مقام معظم رهبری (مد ظله العالی) فرموده‌اند: «عنصر تحقیق و پژوهش در همه جا به صورت یک اصل در مجموعه کارها باید مورد توجه قرار گیرد». بر این اساس، از آغاز توسعه رسانه برون مرزی، پژوهش دارای نقش و جایگاه ویژه‌ای بوده است. طبیعتاً برای فعالیت مؤثر رسانه‌ای در حوزه بین‌الملل، نیاز به پژوهش‌های میان‌رشته‌ای راهبردی، کاربردی و رسانه‌ای است و این مهم همواره از سوی رؤسای محترم سازمان مورد تأکید قرار گرفته است.

واحد پژوهش‌های کاربردی معاونت برون مرزی که مسئولیت انتشار دوفصلنامه «پژوهشنامه رسانه بین‌الملل» را به عهده دارد، با هدف پشتیبانی علمی و سیاست‌گذاری محتوایی و ساختاری شبکه‌های رادیویی، تلویزیونی و اینترنتی برون مرزی با شعار «رسانه پژوهش‌مدار: رسانه تأثیرگذار» در حدود سه دهه فعالیت، علاوه بر پژوهش‌های مربوط به توسعه و تکمیل آرایش رسانه‌ای برون مرزی، توانسته است با انجام بیش از ۴۰۰ پژوهش برنامه‌ای، محتوای بسیاری از برنامه‌های رسانه برون مرزی را تأمین نماید. علاوه بر حفظ چارچوب‌های علمی و پژوهشی که ویژگی ذاتی فعالیت‌های تحقیقاتی است، مهم‌ترین خصیصه این پژوهش‌ها، داشتن صبغه برون مرزی، میان‌رشته‌ای بودن، کاربردی بودن در رسانه برون مرزی و بهره‌مندی از نشست‌های اندیشه‌ورزی است. به‌منظور کاهش فاصله پژوهش و برنامه‌سازی، طی پنج سال اخیر، پژوهش‌هایی که برای برنامه‌سازی نگاشته شده‌اند، بلافاصله در این واحد به مجموعه «متون برنامه‌ای چندرسانه‌ای» تبدیل شده و از طریق سامانه اینترنت در اختیار برنامه‌سازان برون مرزی و از طریق سایت اینترنتی این واحد (arc.irib.ir) در اختیار عموم قرار گرفته‌اند.

پژوهش‌ها در واحد پژوهش‌های کاربردی معاونت برون مرزی در دو قالب علمی «پژوهش‌های کاربردی» با محوریت تحقیقات میان‌مدت و «مجموعه راهبردهای پژوهشی رسانه‌ای و کاربردی» با محوریت تحقیقات کوتاه‌مدت تهیه می‌شوند. پژوهش‌های تولیدی در هر دو قالب، صرفاً معطوف به

پژوهش‌های منجر به برنامه‌سازی نیست، بلکه همسو با رهنمودهای مقام معظم رهبری در سند پیوست حکم، برای ارزیابی، تکمیل و توسعه آرایش رسانه‌ای برون‌مرزی، شامل: آسیب‌شناسی، روندسنجی، تدوین سیاست‌ها و راهبردهای اجرایی، تحلیل محتوای برنامه‌های شبکه‌های برون‌مرزی، پیشنهادهای رسانه‌ای، ایده‌های برنامه‌سازی، امکان‌سنجی تأسیس شبکه‌های جدید، مخاطب‌شناسی، شناخت نقاط ضعف و قوت رقبای رسانه‌ای، آینده‌پژوهی رسانه‌های برون‌مرزی، نشانه‌شناسی سریال‌های تولیدی برون‌مرزی و ... می‌شوند.

در این روند به‌منظور کمک به تقویت تولید فکر در زمینه دیپلماسی عمومی و رسانه‌ای؛ ترویج مطالعات راهبردی در عرصه‌های ارتباطات، روابط و حقوق بین‌الملل به‌ویژه با محوریت قدرت نرم؛ بهره‌مندی حداکثری از ظرفیت‌های علمی و دانشگاهی؛ انتشار «پژوهشنامه رسانه بین‌الملل» از سال ۱۳۹۵ در دستور کار معاونت برون‌مرزی صداوسیما قرار گرفت و در اثر مجاهدت گروه علمی - اجرایی آن، در سال ۱۴۰۰ موفق به کسب اعتبار علمی «ب» از وزارت علوم، تحقیقات و فناوری شد که این اعتبار از سال ۱۳۹۸ احتساب می‌گردد. این نشریه میان رشته‌ای، در ارزیابی وزارتخانه مذکور در سال‌های ۱۴۰۱ و ۱۴۰۲ جهش قابل‌توجهی در کسب امتیاز داشت و اعتبار علمی «ب» برای آن تمدید گردید. پژوهشنامه رسانه بین‌الملل، در پایگاه‌های اطلاعاتی پرتال جامع علوم انسانی، مگیران، سیویلیکا، نورمگز، پایگاه مرکز اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی (SID) و پایگاه استنادی علوم جهان اسلام (ISC) نمایه‌سازی شده است.

در نشست هیئت تحریریه نشریه در تیر ۱۴۰۲ تأکید شد در فرایند جدید تحول سازمان، بهره‌برداری از ظرفیت‌های علمی پژوهشنامه رسانه بین‌الملل برای پاسخ‌گویی به نیازهای علمی رسانه‌های برون‌مرزی هر چه بیشتر در دستور کار این معاونت قرار گیرد که انتشار «ویژه‌نامه بررسی جنایات رژیم صهیونیستی در غزه» در شماره‌های آتی از جمله مصادیق آن محسوب می‌شود.

امید است دوفصلنامه علمی «پژوهشنامه رسانه بین‌الملل» (به نشانی <http://imrl.arc.iriborg.ir>) برای بالندگی رسانه برون‌مرزی، بسط مرزهای کاربردی دانش‌های مرتبط با دیپلماسی (رسانه‌ای، فرهنگی، دیجیتالی، حقوقی و هنری) و تکمیل خلاء ناشی از فقدان نشریه علمی با رویکرد ارتباطاتی - رسانه‌ای به تحولات روابط و حقوق بین‌الملل، گام‌های علمی مؤثرتری بردارد.

احمد نوری

مدیر مسئول «پژوهشنامه رسانه بین‌الملل»

فهرست

- الگوی ارتباطی مطلوب جمهوری اسلامی ایران در قبال جمهوری فدراتیو برزیل
معصومه مرادجانی، جلال غفاری، پیمان جبلی، اکبر نصرالهی ۱۳
- بازنمایی ایران نزد کاربران لبنانی توئیتر در انتخابات پارلمانی ۲۰۲۲ لبنان
رضا جهانبازی، محمدرضا برزویی، سعید غفاری ۴۷
- دیپلماسی توئیتری دولت سیزدهم ایران در مذاکرات هسته‌ای «مطالعه موردی صفحه رسمی وزارت
خارجہ ایران در توئیتر»
علیرضا خسروی، محمدقلی میناوندچال، فرید اصغری تازه‌کند ۷۷
- بازنمایی اخبار جنگ اوکراین و روسیه در شبکه‌های خبری فارسی‌زبان خارجی (مطالعه موردی:
بی‌بی‌سی فارسی و ایران‌اینترنشنال)
راضیه شیروانی‌دستگردی، اردشیر زابلی‌زاده، علی‌اصغر کیا ۹۵
- رویکردهای دیپلماسی رسانه‌ای ایران برای همگرایی با افغانستان پس از بازگشت طالبان (اگوست
۲۰۲۱)
رویا موفق، نوروز هاشم‌زهی، ماندانا صنیعی، رحمت حاجی مینه ۱۲۳
- سناریوهای راهبردی شبکه جهانی جام‌جم در افق ۵ ساله
محمودرضا نجف‌زاده شهری، حمیدرضا حسینی دانا، داوود نعمتی انارکی ۱۵۳
- طراحی الگوی دیپلماسی فرهنگی ایران و ترکیه با تأکید بر صنایع فرهنگی (اصول و عوامل)
مهدی منیری، سیدرضا صالحی امیری، ابوذر ابراهیمی ترکمان ۱۷۷
- بررسی مبانی حقوقی ورود شورای امنیت به مباحث حقوق بشر دوستانه بین‌المللی (با ارائه پیشنهادی
رسانه‌ای)
سید حسام‌الدین لسانی ۲۰۹
- نقش جمهوری آذربایجان در سیاست تقابلی رژیم اسرائیل علیه جمهوری اسلامی ایران (۲۰۲۴-
۱۹۹۲)
شیوا علی‌زاده، حمیدرضا جوادی قلعه ۲۴۱
- پیوند ایران‌شناسی و دیپلماسی عمومی ایران (با تأکید بر نقش فرهنگ و رسانه)
رضا ذیحی ۲۷۳

الگوی ارتباطی مطلوب جمهوری اسلامی ایران در قبال

جمهوری فدراتیو برزیل*

معصومه مرادجانی^۱، جلال غفاری^۲، پیمان جبلی^۳، اکبر نصرالهی^۴

چکیده

در گذشته روابط کشورها اغلب متمرکز بر دیپلماسی رسمی بود، اما با گسترش ارتباطات، تحولی ژرف در جوامع انسانی، ساختارهای سنتی، دولت‌ها و رفتارهای آنان در عرصه بین‌المللی ایجاد شد و ابعاد دیگری از اثرگذاری اجتماعی و روابط بین‌دولت-ملت‌ها ظهور و بروز یافت. در این میان، دو کشور جمهوری اسلامی ایران و جمهوری فدراتیو برزیل سیاست مستقلی را در پیش گرفته و خواهان تثبیت جایگاه بین‌المللی خود هستند؛ لذا ضرورت دارد با عنایت به ۱۲۰ سالگی روابط دیپلماتیک دو کشور، نگاه مثبت ایران و برزیل به همکاری متقابل، متوازن‌سازی، تنوع‌بخشی و تعمیق روابط دوجانبه، با هدف راهبردی تقویت روابط چندجانبه دو کشور محقق شود. سؤال اصلی پژوهش حاضر این است که الگوی ارتباطی ایران در برزیل چگونه باید باشد تا بتوان ارتباط قوی، مؤثر و سازنده‌ای با این کشور برقرار کرد؟ ادبیات مفهومی این کاوش، ارتباطات توسعه، الگوی ارتباطی و قدرت‌های نوظهور است. در این پژوهش به‌صورت ترکیبی از روش مطالعه اسنادی و نظریه زمینه‌ای استفاده شده و با مراجعه به کتب، مقالات و گزارش‌های معتبر سازمان‌های بین‌المللی و همچنین انجام مصاحبه عمیق با ۱۲ نفر از نخبگان، یافته‌ها احصاء شد. براساس نتایج، الگوی رفتاری برزیل در نظام بین‌الملل بسیار محتاطانه و اقتصادمحور است؛ پس ضرورت دارد جمهوری اسلامی ایران راهبرد ثابت با تاکتیک متغیر متناسب با تغییرات جامعه هدف را در مواجهه با دولت، جامعه، نهادهای مدنی و رسانه‌های اجتماعی برزیل به کار بگیرد. همچنین با توجه به فضای گفت‌وگویی و رسانه‌ای این کشور، ایران باید ظرفیت‌های چند بُعدی دیپلماسی عمومی را با تمرکز بر دیپلماسی رسانه‌ای، دیپلماسی فرهنگی و دیپلماسی مبادله فعال کند.

کلیدواژه‌ها: الگوی ارتباطی، ارتباطات توسعه، قدرت نوظهور، جمهوری اسلامی ایران، جمهوری فدراتیو برزیل.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۴/۲۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۱/۱۸

* این مقاله مستخرج از رساله دکتری نویسنده اول با راهنمایی نویسنده دوم و مشاوره سایر نویسندگان است.

۱. دانشجوی دکتری علوم ارتباطات، دانشکده علوم اجتماعی، ارتباطات و رسانه واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. Sienta112@gmail.com

۲. دانشیار گروه فرهنگ و ارتباطات، دانشکده علوم اجتماعی و فرهنگی، دانشگاه امام حسین (ع)، تهران، ایران (نویسنده مسئول). Jalalghafari@gmail.com

۳. استادیار گروه ارتباطات، دانشکده ارتباطات و رسانه دانشگاه صداوسیما، تهران، ایران. Jebelli@irib.ir

۴. استادیار گروه مدیریت رسانه، دانشکده علوم اجتماعی، ارتباطات و رسانه واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. Akbar.nasrollahi@gmail.com

مقدمه

در قرن بیستم، دولت‌های غربی و سازمان‌های بین‌المللی با اهداف مختلف، برنامه‌های توسعه‌ای خود را در کشور برزیل اعمال و نتایج متفاوتی دریافت کردند. به باور کارشناسان، آمریکای لاتین یکی از جذاب‌ترین «آزمایشگاه‌های انسانی زنده» در جهت تغییر و تحولات اقتصادی، اجتماعی و سیاسی بوده و است (هوارد و هاروی، ۱۳۸۷: ۹۸۹) که بسیاری از دیدگاه‌های نظری با رویکرد اقدام‌پژوهی در این منطقه آزموده شده است.

جمهوری فدراتیو برزیل، بزرگ‌ترین و پرجمعیت‌ترین کشور آمریکای جنوبی، پایتخت آن برازیلیا و زبان رسمی آن پرتغالی است. در زمان حکمرانی پرتغال بر این کشور، به دلیل استعمارزدگی و توسعه نامتوازن فرهنگی- اجتماعی از بافتی سنتی برخوردار بود. به لحاظ وسعت سرزمینی و جمعیتی، از کشورهای بزرگ جهان است که به دلیل ویژگی‌های خاص، مورد توجه بسیاری از کشورها قرار گرفته است. در تاریخ ۱۹ تیر ۱۴۰۲ (۱۰ جولای ۲۰۲۳) جمعیت کشور برزیل بیش از ۲۱۸ میلیون نفر بوده است که از این میان، ۴۹٫۲ درصد مرد و ۵۰٫۸ درصد زن است. از سال ۱۹۸۳ تا ۲۰۲۰ نرخ رشد جمعیت اغلب روندی نزولی داشته است. در سال ۱۹۵۳ جمعیت برزیل ۵۸ میلیون نفر بوده که طی ۷۰ سال اخیر، جمعیت این کشور تقریباً سه و نیم برابر شده است.

جدول ۱- آمار جمعیتی برزیل در ۱۰ جولای ۲۰۲۳ (بر حسب نفر)

مهاجرت سال جاری	وفات روزانه	تولد روزانه	متولدین سال جاری	زن	مرد	جمعیت کل برزیل	جمعیت جهان
۲۲۷۴	۳۴۶۵	۶۱۵۰	۱,۷۲۰,۳۹۱	۱۱۱,۰۹۸,۴۵۰	۱۰۷,۵۷۹,۹۶۳	۲۱۸,۶۷۸,۴۱۳	۸,۰۹۹,۵۸۹,۷۰۰

منبع: (Countryeters, 2023)

با توجه به اینکه جمهوری اسلامی ایران سیاست چندجانبه‌گرایی در عرصه بین‌المللی را در پیش گرفته و برزیل از کشورهای راهبردی، بزرگ و مؤثر در نظام بین‌الملل، با موقعیت ژئوپلیتیک کم‌نظیر در حوزه اقتصادی و فناوری است و در برخی از حوزه‌ها، اقتصاد مکمل ایران محسوب می‌شود؛ ضرورت دارد تا ایران ارتباط مؤثری با این کشور پیشران رویدادهای سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و حتی نظامی و امنیتی منطقه آمریکای لاتین برقرار کند. سؤال



اصلی پژوهش حاضر این است که الگوی ارتباطی ایران در برابر برزیل چگونه باید باشد تا بتوان ارتباط قوی، مؤثر و سازنده‌ای با این کشور برقرار کرد؟

ملزومات پاسخگویی به سؤال پژوهش، کاوشی بر وضعیت سیاسی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی جامعه، استقلال رسانه از حاکمیت و نهادهای بین‌المللی، مصرف رسانه‌ای مردم، نسبت کنشگری مخاطب با رسانه، داشتن آگاهی از الگوهای ارتباطی سابق توسعه در کشور برزیل، شناسایی رسانه‌های جریان اصلی، پیوستی و چگونگی کارکرد شبکه‌های اجتماعی در برزیل و در نهایت شناسایی چالش‌های ارتباطی ایران در جامعه هدف است. پژوهشگران کوشیده‌اند تا دیدگاه نخبگان را برای برطرف کردن خلا دانشی، احصاء و به یک نظریه جامع در خصوص برقراری ارتباط مؤثر ایران با برزیل دست یابند.

پیشینه پژوهش

با وجود این که بخش چشمگیری از پژوهش‌های توسعه در خصوص جوامع آمریکای لاتین بوده، اما تاکنون پژوهش‌های داخلی اندکی بر روی این جوامع، دولت‌ها و رسانه‌های آن‌ها انجام شده است که به برخی از یافته‌های نزدیکترین آن‌ها به لحاظ زمانی و محتوایی به پژوهش حاضر اشاره می‌شود:

جدول ۲- پیشینه پژوهش‌های مرتبط

ردیف	عنوان	اطلاعات منبع	نتایج
۱	بریکس، گروه ۲۰ و اصلاح حکمرانی جهانی	مارینا لاریونوا و آندری شلیوف ^۱ (۲۰۲۱)	پرداختن به پتانسیل‌های هر کشور از قبیل وسعت، جمعیت، زیرساخت‌های اقتصادی؛ اقتصاد نوظهور بودن کشورهای عضو بریکس به‌عنوان رقیبی جدی در مصاف با غرب در دهه آینده
۲	چین و ایالات متحده: دو ابرقدرت در اقتصاد جهانی	آندره‌خا جاکلیچ ^۲ (۲۰۱۸)	استفاده از آخرین اطلاعات اقتصادی و تجاری برای نشان دادن چگونگی آمیختگی محیط‌های تجاری و اقتصادی چین و ایالات متحده و ارائه چگونگی ادغام شرکت‌های چندملیتی، ترسیم یک نظم شبه‌کنسرتی منطقی در جهان مبتنی بر زبانی مشترک برای رسیدن ذی‌نفعان به توافق در سطح جهانی

1. Marina Larionova & Andrei Shelpov
2. Andreja Jaklič

ردیف	عنوان	اطلاعات منبع	نتایج
۳	سیاست‌های مطلوب محتوایی شبکه هیسپان‌تی‌وی با رویکرد دیپلماسی فرهنگی ایران	معصومه مرادجانی و همکاران (۱۳۹۷) به روش گردند تئوری	شبکه برون‌مرزی هیسپان‌تی‌وی برای اینکه بتواند نقش مؤثری در دیپلماسی فرهنگی ایران در آمریکای لاتین ایفا کند، باید سیاست‌های محتوایی خود را بر اساس اهداف و اولویت‌های رسانه و با در نظر گرفتن شرایط محیطی مخاطب تدوین کرده و راهبردهای ساختاری، مدیریتی و توزیعی مطلوب و متناسبی را در برنامه‌ها و محیط سازمان رسانه در پیش بگیرد. این پژوهش کاربردی برای کل آمریکای لاتین انجام شده بود و تمرکز آن بر ارائه سیاست‌های محتوایی برای اثربخشی هیسپان‌تی‌وی بوده و به‌صورت اختصاصی به برزیل نپرداخته است.
۴	ارائه راهبردهای مطلوب ارتقای دیپلماسی عمومی ایران برای شبکه هیسپان‌تی‌وی	احمد امین‌فرد به روش تحلیل مضمون	مهم‌ترین راهبرد، پرهیز از پرداختن به مسائل اختلاف‌برانگیز و تبعیض‌آمیز در برنامه‌های شبکه، شفاف‌سازی در نوع پوشش وقایع کشورهای سوریه، بحرین و فلسطین، برجسته‌سازی اقدامات و مواضع دوگانه و هماهنگ رسانه‌ای غرب به رهبری آمریکا است که با نظریه قدرت هوشمند مطابقت دارد؛ در این پژوهش به نقش تعیین‌کننده محیط رسانه در دریافت مخاطب از رویدادهای خبری توجه اندکی شده است.
۵	برنامه‌ریزی راهبردی برای شبکه تلویزیونی هیسپان‌تی‌وی	ابوذر خوش-بیان و همکاران (۱۳۹۶) به روش سوات (SWOT)	دو هدف اول شبکه از میان اهداف ۵ گانه: ۱- تأمین منابع مالی مورد نیاز شبکه و فقدان کسری بودجه، ۲- کسب جایگاه معتبرترین، سریع‌ترین و دقیق‌ترین منبع اخبار خاورمیانه در میان شبکه‌های اسپانیایی‌زبان دنیا. احصاء و اولویت‌بندی راهبردها: «اتخاذ موضعی فعال در جذب نیروی انسانی»، «همکاری با شبکه‌های همسو در منطقه هدف و انجام تولیدات مشترک با آنها» و «افزایش وجهه خبری شبکه». این پژوهش کاربردی به‌طور خاص به راهبردی مؤثر برای کشورهای برزیل نپرداخته است.
۶	راهبردها و راهکارهای مقابله رسانه ملی با نفوذ رسانه‌ای ایالات متحده در آمریکای جنوبی	بعقوب حاجی-پور و همکاران (۱۳۹۹) به روش تحلیل مضمون	رسانه به‌عنوان تقویت‌کننده همه ابزارهای نفوذ همه‌جانبه ایالات متحده در آمریکای جنوبی شناخته شد. ایجاد شکاف رسانه‌ای در جامعه هدف در جهت تشکیک افکار عمومی و کنشگری براساس میزان فهم رسانه‌ای مخاطب، تقویت گفتمان مقاومت، تبیین اهداف استعماری آمریکا و احیا سنت بومی احصاء شد. این پژوهش کلی بوده و به‌صورت اختصاصی به راهبردی مشخص برای برزیل نپرداخته است.



علی‌رغم اینکه چند پژوهش در خصوص روابط ایران و آمریکای لاتین و قدرت‌های نوظهور انجام شده، اما پژوهش‌های داخلی محدودی در خصوص حوزه مطالعاتی برزیل بویژه محیط‌شناسی و مخاطب‌شناسی و همچنین سپهر رسانه‌ای آن انجام شده است. در مقاله حاضر سعی شده است تا به صورت علمی و تخصصی به درک جامعی از کشور برزیل رسیده و مبتنی بر واقعیات آن جامعه، الگوی مطلوبی را برای کنشگری موثر ایران در این کشور ترسیم و در جهت تحقق راهبردهای آن تلاش کرد.

ادبیات مفهومی

هر میزان که جامعه از سادگی به سمت پیچیدگی پیش می‌رود، ارتباطات انسانی و جمعی نیز اشکال پیچیده‌تری به خود می‌گیرد (دادگران، ۱۳۷۷: ۲۹). با در نظر گرفتن محدوده ارتباطی، ارتباط به دو نوع ملی و بین‌المللی (جهانی) تقسیم می‌شود (ساروخانی، ۱۳۹۱: ۴۴). با رشد فناوری‌های نوین، ارتباطات، بیش از پیش اهمیت یافته و ابزارهای نوین ارتباطی، پیشران آن شده‌اند. پیشرفته‌ترین شکل ارتباط با مشارکت حداکثری، خود مدیریتی جوامع و رسانه‌های ارتباطی فی‌مابین است (Ferire, 1973). این اصل به معنای حق مشارکت آگاهانه مردم، نخبگان و دولت‌ها در برنامه‌ریزی و تولید محتوای رسانه‌ای و پیشبرد امور است.

پیوند آشکاری بین دیدگاه ارتباطات به منزله جریان انتقال اطلاعات و رویکرد نوسازی در توسعه وجود دارد. نوسازی یکی از قدرتمندترین پارادایم‌هایی است که بعد از جنگ جهانی دوم ظهور کرد. برای دیدگاهی که ارتباطات را به منزله فرایند انتقال پیام می‌داند، بسیار آسان است که توسعه را به‌عنوان فرایند نوسازی از راه انتقال یا جای دادن تکنولوژی و یا القای ارزش‌ها، نگرش‌ها و رفتارها در مردم ببیند. از این منظر، اطلاعات و ارتباطات ابزارهای ترغیبی هستند که می‌توانند به یاری فرایند نوسازی بیایند (ملکات، ۱۳۹۶: ۳۸). نوسازی الگوی مسلط توسعه در آمریکای لاتین شد. در سال ۱۹۵۸، دانیل لرنر، پژوهشی را در مورد ۵۰ کشور منتشر و دستاورد پژوهش خود را منسوخ شدن جوامع سنتی برای ایجاد فضایی برای نوسازی خوانده و الگوی خطی توسعه را مطرح کرد (گذر از جامعه سنتی تالیف دانیل لرنر، ۱۳۸۳). در رویکرد انتقادی به پارادایم مسلط، توسعه فرایندی خطی نیست اما باید دارای زمینه تاریخی و از نظر فرهنگی حساس و چند وجهی باشد و به همه فرایندها و ساختارهای ایدئولوژیکی، سیاسی و اقتصادی تشکیل دهنده جامعه، توجه داشته باشد. (ملکات، ۱۳۹۶: ۳۹). در سال ۱۹۶۲، اورت میچل راجرز،

نظریه اشاعه نوآوری‌ها را به منزله موتور نوسازی جامعه ارائه کرد. راجرز تاریخ جامع مطالعات ارتباطی را مشحون از تحولات اجتماعی گوناگون می‌داند (راجرز، ۱۴۰۲) و نوآوری را به‌عنوان ایده، عمل، هدف، وسیله و یا انطباق با وضعیت متغیری که شخص آن را نو فرض می‌کند، تعریف کرده است (شکرخواه، ۱۳۸۶).

الگوی ارتباطی به معنای فضا، شکل و ترتیبی است که مبنای ایده و رفتار توسعه یا به بیانی آرایش فیزیکی توسعه هستند که مبتنی بر گفتمان‌های توسعه، نحوه استقرار و چینش کنشگران در یک نظام جهانی توصیف می‌شود (همانت شاه و ویلکینز)^۱ که نشان‌دهنده سه عنصر فضا، نقاط کلیدی (وزارت‌خانه‌ها و ساختارهای بین دولتی تدوین‌گر سیاست‌ها و مجری برنامه‌های توسعه) و بردارها (پیوند کنشگران نهادی و فضایی در جهت انتقال منابع مالی، فنی و انسانی) هستند. به باور محقق، پارادایم نوسازی برخاسته از نظریه اقتصادی نوکلاسیک، نظریه‌های جامعه‌شناسی توسعه به‌ویژه نظریه‌های دوقطبی نوسازی برگرفته از نظریه‌های تکامل اجتماعی و در سطح فردی نظریه‌های مربوط به روانشناختی فردی است که منشا نوسازی آمریکای لاتین را افراد غربی دانسته و به‌عنوان یک گفتمان باید به تغییر ویژگی‌های فردی و شبیه شدن آن‌ها به ارزش‌های اروپایی و شمال آمریکا منجر شود. تفکر توسعه‌گرایی جدید طی دهه‌های اخیر، مداخلات نهادی در کشورهای جهان سوم با مکانیسم‌های بیشتری را برای کنترل تسهیل کرد و آحاد جامعه واقعیت‌های اجتماعی و فیزیکی‌شان را در دیالکتیک توسعه‌یافتگی و توسعه‌نیافتگی تولید و بازتولید کردند. گفتمانی با رویکردی سکولار و عرفی که ارزش‌های دینی را مانع می‌داند و با سوگیری انسان‌انگارانه به محیط‌زیست، بهره‌کشی حریصانه برای رشد اقتصادی را چشم‌انداز خود می‌داند. الگوی اشاعه نوآوری به‌عنوان راهنما و گاهی مجری برنامه‌ریزی ارتباطات برای توسعه در سطح محلی موثر بوده است. از سوی دیگر، در دهه‌های جدید، مفاهیم متعددی مانند قدرت نوظهور، قدرت منطقه‌ای و قدرت میانه مطرح شده است که تمرکز اصلی آن بر دولت‌هاست. تضعیف ابرقدرت‌ها، طیفی از کشورها را متقاعد کرده تا در عرصه‌های منطقه‌ای و بین‌المللی ابراز وجود کنند (Hae Won, 2022: 26).

قدرت‌های نوظهور علی‌رغم موانع و چالش‌ها فرایند هویت‌سازی بین‌المللی را طی می‌کنند که فرجام آن نقش‌آفرینی در جابجایی قدرت و بازتوزیع نقش و نفوذ در حوزه‌های مختلف نظام بین‌الملل خواهد بود که مهم‌ترین ویژگی آن‌ها عبارتند از: ۱- واقع‌گرایی، ۲- قدرت بنیانی (هر رفتاری به



پشتوانه قدرت از دولت سر می‌زند)، ۳- قدرت برتر منطقه‌ای بودن، ۴- حمایت از چندجانبه‌گرایی و ۵- به حداکثر رساندن منافع از طریق قدرت نرم هستند (مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۵: ۵). دولت‌هایی که اولویت‌های مشترکی دارند، ائتلاف‌های باثباتی را شکل می‌دهند (میرترابی و فلاح، ۱۴۰۱: ۴۲۰). مبتنی بر تعریف کسینجر، شاخص‌های ترکیبی برای گذار از نظم بین‌الملل مطرح است که دو شرط ضروری دارد؛ ۱- تحول نهادی، ۲- تغییر قدرت. بدین ترتیب گذار از نظم زمانی اتفاق می‌افتد که تغییر عمده‌ای در قوانین، نهادها و یا توزیع قدرت روی دهد (رادگودزی و صفری، ۱۳۹۸: ۲۳۷). قدرت‌های مذکور در قالب گروه‌بندی‌های مختلف از جمله بریکس و سازمان همکاری شانگهای، گام‌های بلندی را برای نهادینه‌سازی نقش و حضور جهانی خود برداشته‌اند. براساس شروط و ویژگی‌های گفته شده، جمهوری اسلامی ایران و جمهوری فدراتیو برزیل هر دو قدرت‌های نوظهور محسوب می‌شوند. الگوهای ارتباطی نسبتاً موفق در قدرت نوظهور برزیل مؤثر بوده است که برخی از آن‌ها مربوط به قدرت‌های جهانی، برخی مختص قدرت‌های نوظهور و برخی نیز به قدرت‌های میانه و کوچک تخصیص یافته است که با راهبرد و راهکارهایی مشخص جایگاه و حضور خود را در برزیل تثبیت کرده و یا در حال قوام‌بخشی به جایگاه خود هستند. هر کدام از آن‌ها یک محور ارتباطی مرکزی داشته و دیگر محورها در پیرامون آن قرار گرفته و قوام‌بخش آن بوده‌اند.

روش پژوهش

به دلیل وجود تنوع دیدگاه در خصوص الگوهای ارتباطی و برخورد سلیقه‌ای در میزان تمرکز بر متغیرهای توسعه، ضرورت داشت تا خلاء دانشی در سطح اولیه نمایان شود. بر همین مبنا، ابتدا به روش مطالعه اسنادی با بررسی منابع مکتوب و غیرمکتوب، پژوهش آغاز شد. سپس سؤالات پژوهش به صورت نیمه ساختاریافته طراحی و با صاحب‌نظران، مصاحبه عمیق انجام شد. مشارکت‌کنندگان به صورت هدفمند و برحسب خصوصیات و تجارب زیسته، از میان نمایندگان رسمی ایران در برزیل، نخبگان فرهنگی در جامعه المصطفی و سازمان فرهنگ و ارتباطات، اساتید دانشگاه و فعالان رسانه‌ای انتخاب شدند.

دغدغه برخی از خالقان نظریه مبنایی به ویژه اشتراوس، ظاهر شدن فرایند تحلیل کیفی بود (Strauss, 1987). از نظر ایشان، داده‌ها باید در چند مرحله کدگذاری شوند تا نتیجه در چارچوب الگوی پارادایمی بازنمایی شوند (Strauss and Corbin, 1998). بنابر اقتضات روش پژوهش، متن مصاحبه پیاده‌سازی شد. سپس مراحل کدگذاری اولیه (نسبت دادن کدهای مفهومی و مقوله‌ای

به کوچکترین واحد معنادار از محتوای متنی هدف)، کدگذاری محوری و کدگذاری انتخابی صورت گرفت. طبق روش اشتراوس و کوربین، همه داده‌ها باید در مقوله‌های علی، محوری، راهبردها، متغیر زمینه‌ای، عوامل واسطه‌ای و مداخله کننده و پیامدها (نتایج و آثار) قرار داده می‌شد. بر همین مبنا، صورت‌بندی و در قالب الگویی پارادایمی ارائه و با تمرکز بر روی کدگذاری اولیه، پدیده محوری شناسایی و مقولات حول آن ایجاد شد. مصاحبه‌ها تا زمانی که اکثر مشارکت‌کنندگان در بسیاری از موضوعات وحدت نظر داشتند و دیدگاه مخالف و یا چالشی مطرح نمی‌شد، ادامه یافت و کاوشگران را به اشباع نظری رساند که در ادامه به بیان آن‌ها پرداخته می‌شود.

جدول ۳- تعداد کدهای اولیه، مضامین و مقوله‌های چندسطحی

مضامین احصاء شده	مقوله‌های سطح یک	مقوله‌های سطح ۲	طبقه
۳۹۲	۹۵	۴۳	۹

کدگذاری دیدگاه‌های نخبگان در خصوص جمهوری فدراتیو برزیل

در کدگذاری داده‌های مستخرج از مصاحبه‌های نیمه ساختاریافته نخبگان حوزه مطالعاتی برزیل، مضامین و مقوله‌های چند سطحی در طبقات حوزه فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، سیاست خارجی، اقتصادی، علمی-فناوری، رسانه و الگوهای ارتباطی موفق در برزیل احصاء شد که در ادامه کدگذاری شده‌اند. به دلیل تلخیص و کاهش حجم مقاله، کدهای اولیه ذکر نشده اما مضامین مشترکی که کاوش گر مبتنی بر آن به اشباع نظری رسیده است، قید شده است.

۱. کدگذاری داده‌های علمی- فرهنگی

جدول ۴- مضامین و عبارات کلیدی احصاء شده حوزه فرهنگ برزیل

ردیف	مقوله سطح یک	مضامین مشترک چند عبارت
۱	سه‌م‌بندی جامعه بر اساس سطوح اقتصادی	آغاز استعمار پرتغال از ایالت باهیا ^۱ از آوریل سال ۱۵۰۰/ تقسیم‌بندی برزیل به لحاظ مدیریت داخلی و توسعه شهری و صنعتی به پنج منطقه ^۲ (شمالی، شمال شرقی، مرکزی- غربی، جنوب شرقی و جنوب)/ تغییرات معنادار در زمینه‌های مختلف اقتصادی، رفاهی، فرهنگی-اجتماعی، سبک زندگی و نوع نگرش ذیل این تقسیم‌بندی

1. Bahia

2. Norte, Noreste, Centro-Oeste, Sudeste y Sur (en español)

ردیف	مقوله سطح یک	مضامین مشترک چند عبارت
۲	چندملیتی بودن جامعه	کشوری چندملیتی متشکل از نژادهای اروپایی، بومیان محلی، آفریقایی، آسیایی و عرب‌تبارها
۳	خداباوری آحاد جامعه	بیشترین شمار مسیحیت کاتولیک در جهان / بالاترین میزان خداباوری / اعتقاد به خدای واحد به‌عنوان برترین موجود در کتب مقدس مسیحیان، یهودیان و مسلمانان
۴	نفوذ دین‌داری در سپهر سیاسی	تعمیق باورهای دینی در ساحات جامعه از جمله سیاست / شهرت فزاینده نمایندگان مسیحیت انجیلی در دهه‌های اخیر / تضارب آرا نخبگان سیاسی در مباحث دینی (محافظه‌کاری اخلاقی، ضدیت با کمونیسم، راست‌گرایی سیاسی - حزبی، کثرت‌ستیزی، نفی اصل سکولاریسم، مبارزه با مسائل حقوق جنسی، باروری و سیاست‌های حقوق بشری)
۵	خداباوری در ویژگی و شاخص‌های الهیات رهایی‌بخش	بومی‌بودن الهیات / نجات همه‌جانبه / نقش الگویی عیسی(ع) در حمایت از فقرا / تأسیس کلیساهای پایه (تغییر اولویت‌ها و قالب‌های تبلیغی و ایجاد ابتکار عمل در تبلیغ مسیحیت) / هدف (برقراری ارتباط بین کتاب مقدس و زندگی روزمره) / تقدم عمل بر اندیشه (عمل آزادسازی طبقات استثمارشده) / فقر (مهم‌ترین ویژگی جامعه نتیجه ساختارهای گناه‌آلود جامعه) / سکوت (نفی وجود الاهی) / نوع و سنخ فقر (متفاوت بودن فقر موجود در اروپا و آمریکای شمالی با آمریکای لاتین) / کارکرد عملی دهه ۷۰ و ۸۰ (نقش برجسته در انقلاب‌های منطقه و حمایت از انقلابیون)
۶	کیفیت نسبی آموزش عمومی	مشاهده بیشترین پیشرفت در حوزه آموزشی در دهه‌های اخیر / متشکل از مؤسسات دولتی و خصوصی دارای مقطع پیش‌دبستانی تا آموزش عالی / اخذ حمایت مالی نظام آموزشی از دولت / ارزیابی عملکرد از طریق آزمون ملی آموزش دبیرستان (ENEM) / تقویت و بهبود سیستم ارزیابی ملی در همه سطوح آموزشی / کاهش نرخ بی‌سوادی در میان افراد بالای ۱۴ سال و کودکان کار / اجرای برنامه کمک تحصیلی / آموزش فنی و استخدام در دوره‌های پیشرفته / باقی‌ماندن برخی از چالش‌های / عدم وجود داده‌های آماری دقیق مربوط به شاخص بی‌سوادی به‌لحاظ پراکندگی جامعه برزیل / شاخص باسوادی بیش از ۹۵ درصدی در جنوب برزیل در قیاس با شمال شرق



۲. کدگذاری داده‌های اجتماعی

برزیل؛ کشوری در حال توسعه با افت‌وخیزهای زیاد است و بین سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۰ رشد بسیار قابل ملاحظه‌ای داشته است. از سال ۲۰۱۹ تا ۲۰۲۰ تقریباً رشد چشمگیری نداشته، اما در حال حاضر مجدداً در حال رشد و تثبیت جایگاه خود است.

جدول ۵- مضامین و عبارات کلیدی احصاء شده حوزه اجتماعی برزیل

ردیف	مقوله سطح ۲	مقوله سطح یک	مضامین مشترک چند عبارت
۱	توسعه بافتنی لایه‌های اجتماعی	ویژگی شخصی	تشابه نسبی فرهنگی جامعه برزیل و مردم آن با اکثر کشورهای لاتین / راحت، باز به لحاظ روابط اجتماعی، بی خیال، گشاده رو، دلخوش، سطح بالای تعاملات اجتماعی بین فرهنگی
		فقر فرهنگی - اجتماعی لایه‌های پایین اجتماعی	بالا بودن سطح نابرابری‌های اجتماعی در برزیل / همگامی اقتصادی با نابرابری اجتماعی / سیاهان؛ اقلیت نژادی قابل ملاحظه (ایالت بایا تنها نقطه‌ای هست خارج از آفریقا با اکثریت قاطع سیاهپوست) / اثرگذاری سیاهان بر جامعه / شایع بودن پدیده نژادپرستی / نابرابری اجتماعی گسترده در جامعه / سطح بسیار پایین توسعه اجتماعی در برخی از مناطق / بسیار بالا بودن نرخ قتل، خشونت ریشه در فقر، قاچاق مواد مخدر و ... / فقر و درآمد اندک سیاهان شمال شرقی نسبت به دیگر نژادها / سطح بالای میزان خشونت
۲	برنامه‌های حمایتی دولت جهت فقرزدایی	کیفیت زندگی لایه‌های بالای اجتماعی	اروپایی بودن اغلب ایالت‌های جنوبی (آلمانی، ایتالیایی، لهستانی و...) / سطح بالای توسعه اقتصادی و اجتماعی / وجود تناقض حداکثری در لایه‌های اجتماعی به لحاظ نژادی و درآمدی / درآمد بالای ۳ الی ۴ هزار دلاری و سطح زندگی مطلوب کارمندان در برازیلیا / وجود اماکن بسیار پیشرفته در خارج از برازیلیا در زمینه توریسم و... / مشابهت حداکثری جنوب برزیل با آلمان و ایتالیا / بلوند و بور و شبیه بودن به سبک زندگی غربی؛ دارای مسکن و خودروهای لوکس / وجود تفاوت معنادار بین بایا و برازیلیا (برخلاف بسیاری از شهرها و مراکز استان ایران که توسعه نسبی پیدا کرده‌اند)
		سطح توسعه	عدم پیشرفت قابل توجه در توسعه اجتماعی / دارا بودن جمعیتی بالغ بر ۳۰ میلیون نفر بالای خط فقر
		علاقه به توسعه ارتباطات اجتماعی با کشورهای منطقه	وجود تجربه مثبت همکاری با این کشور / محدود شدن سطوح ارتباطی برزیلی‌ها به درون کشور به دلایلی از قبیل وسعت سرزمینی و... / عدم ارتباط حداکثری جامعه با اروپا و آمریکا / بزرگ، مستقل و قاره‌پنداشته شدن برزیل توسط مردم / ارتباط حداکثری با کشورهای اطراف

مضامین مشترک چند عبارت	مقوله سطح یک	مقوله سطح ۲	ردیف
<p>سیاست‌های موفق در زمینه مسکن‌سازی تحت عنوان Minia cas, minia Bida (خانه کوچک من؛ زندگی من) // طرحی موفق‌تر، حرفه‌ای‌تر و سازماندهی شده‌تر از مسکن مهر و مسکن ملی ایران / طرح Bolsa Familia, یا سید حمایتی خانواده (غذا و...) در جهت ترغیب و کمک مالی ۲۵۰ رتالی دولت به خانواده‌های فقیر با هدف تسهیل شرایط آموزش همگانی فقرا (عدم تحصیل و تربیت کودکان به دلیل فقر شدید)</p>	وجود برنامه‌های حمایتی موفق		
<p>جذب، به‌کارگیری و استخدام سیاه‌پوستان در دستگاه‌های مختلف اجرایی با سهمیه متفاوت (با شانس استخدام بیشتر) برای ارتقاء جایگاه اجتماعی سیاهان و کنشگری موثر آنان در جامعه / تخصیص سهمیه خاص به زنان در کنشگری و کسب مناصب حائز اهمیت کشوری (تخصیص ۳۰ درصد از کرسی‌های پارلمان به زنان) به مثابه سیاست‌های اصلاحی کنشگری موثر زنان در جامعه در زمینه توسعه انسانی / برداشتن گام‌های بلند کمی و کیفی در مسیر توسعه به اقتضای شرایط سیاسی در سال‌های مختلف و قوت‌گیری دوباره آن توسط دولت لولا</p>	سیاست تبعیض مثبت		
<p>آمار بالایی میزان خیانت به همسر، گسستگی نظام خانواده، قتل ناشی از خیانت و طلاق / آمار ۸ درصدی جمعیت LGBT / در جست‌وجوی معنویت و روی آوردن به کلیساهای اوانجلیکی جهت جبران بی‌اخلاقی (آشفتگی و مشکلات اجتماعی منجر به رشد و توسعه کلیساهای اوانجلیک از ۴ تا ۵ درصد در ۱۹۷۰ به ۳۰ درصد شده است)</p>	خانواده و انحرافات اخلاقی	مقاله: منزلت اخلاقی	
<p>ایجاد موجی از بازگشت به معنویت و بازگشت به خانواده به‌دلیل شیوع رفتارهای جنسی بی‌حد و حساب و عدم پایبندی به خانواده / به‌ستوه آمدن برزیلی‌ها از گسست نهاد خانواده / دولت بولسونارو و تشکیل آن بخشی از پاسخ جامعه به این نیاز بود / به لحاظ اجتماعی جامعه به فردی متمایل شد که به خانواده و مخالفت با همجنسگرایی تاکید داشت و متمایل به تقویت نهاد خانواده بود.</p>	رویکرد همگرایانه راست‌گراها	مقاله: منزلت اخلاقی	۳



ردیف	مقوله سطح ۲	مقوله سطح یک	مضامین مشترک چند عبارت
		رویکرد چالشی لولا داسیلوا	رویکرد لولا به خانواده برعکس بولسونارو است و معتقد به آزادی‌های اجتماعی بیشتر است. چالش لولا مخالفت سیاست‌هایش با سیاست‌های اوانجلیکی است و برای مدیریت چالش سعی در عدم تحریک اجتماعی اوانجلیکی‌ها دارد/ یکی از اقدامات مؤثر وی پیشبرد سیاست‌های اقتصادی در جامعه برای جلب، جذب و تطمیع دیدگاه اوانجلیکی‌هاست؛ اما به لحاظ اجتماعی و فرهنگی نمی‌تواند آنها را جذب کند.

۳- کدگذاری داده‌های صنعت و فناوری

جدول ۶- مضامین و عبارات کلیدی احصاء شده حوزه صنعت و فناوری در برزیل

ردیف	مقوله سطح ۲	مقوله سطح یک	مضامین مشترک چند عبارت
۱	سیر توسعه اقتصادی و فناورانه	نامحسوسی خلا فناوری در گام نخست صنعتی شدن	در مراحل نخست صنعتی شدن برزیل، خلا فناوری چندان احساس نمی‌شد و سپس به‌عنوان کالای سرمایه‌ای و نیروی انسانی متخصص (توسط شرکت‌های خارجی و نیروی کار مهاجر) وارد برزیل شد.
		عدم شکل‌گیری فناوری پیچیده	شکل‌گیری فناوری پیچیده در بخش تولید، نیازمند منابع مالی بالایی بود که اولویت‌های اساسی سیاست‌های عمومی مجال پرداخت به آن را نمی‌داد.
		سرمایه‌گذاری دولت بر کالای سرمایه‌ای و نیروی انسانی	دولت در سال‌های گذشته به فناوری وارداتی و نیز تأمین مالی خارجی برای ساخت اقلام سرمایه‌ای و تربیت نیروی انسانی حرفه‌ای اقدام کرد. در روند صنعتی شدن و رشد اقتصادی، برزیل بر محور تحکیم زیرساخت‌های ملی و مستقل استوار شد.
		نقش مؤثر بنگاه‌های بزرگ دولتی در فناوری	در سیر توسعه اقتصادی آثار و اثرگذاری آن مشهود و تأثیر زیادی در اشاعه و توسعه فناوری در کشور داشت.
		پیشران پیشرفت اقتصادی؛ عوامل انسانی	توسعه جامعه و تنوع نژادی به پیشرفت‌های اقتصادی منتج شده است.

ردیف	مقوله سطح ۲	مقوله سطح یک	مضامین مشترک چند عبارت
۲	دستاوردهای فناوریانه	سرآمدی در صنعت هواپیماسازی	امروزه پیشروی برزیل در زمینه هواپیماسازی سرآمد است. شرکت هواپیمایی امبرائه، بزرگترین شرکت تولیدکننده هواپیمای میان‌برد دنیا در زمینه هواپیماسازی است که براساس برخی گمانه‌زنی‌ها به دلیل سقوط بسیار کمتر، بالاتر از بوئینگ قرار دارد.
		سرآمدی در فناوری پزشکی	شاخص و سرآمد بودن در زمینه صنعت تولیدات و تجهیزات پزشکی بخش دیگری از توانمندی برزیل است.
		چشم‌انداز بلندمدت در صنعت کشاورزی	برزیل کشوری نسبتاً پیشرفته با اقتصاد کشاورزی محور با چشم‌انداز تبدیل شدن به بزرگترین تولیدکننده محصولات کشاورزی در جهان است و بر رشد و توسعه صنعت کشاورزی متمرکز است.
		عدم تمرکز بر صنعت خودروسازی علی‌رغم رشد فناوریانه	برزیل دارای جایگاهی متوسط در زمینه خودروسازی است. اگرچه از برترین کشورهای خودروساز جهان است، اما تلاش و تمرکزی بر برندسازی در صنعت خودرو نداشته است. این کشور خط تولید اکثر برندهای خودروسازی جهان را دارد.

۴- کدگذاری داده‌های اقتصادی

جدول ۷- مضامین و عبارات کلیدی احصاء شده حوزه اقتصادی برزیل

ردیف	مقوله سطح ۲	مقوله سطح یک	مضامین مشترک چند عبارت
۱	همگرایی اقتصادی منطقه‌ای	احیا، تقویت و تحکیم مرکوسور با محوریت اتحاد برزیل و آرژانتین	رهبری منطقه‌ای اقتصاد/ مبارزه با توسعه نامتقارن/ ایجاد جذابیت جهت جذب سرمایه خارجی/ بسترسازی نظام چند قطبی اقتصادی بریکس
		تضعیف قدرت اقتصادی آمریکا	ممانعت از یکه تازی اقتصادی ایالات متحده در قاره آمریکا/ کاهش نابرابری‌های اقتصادی/ ایجاد موازنه نرم در برابر ایالات متحده
۲	استقلال از طریق مشارکت جنوب- جنوب	تنوع بخشی به شرکای بین‌المللی	پیشبرد همکاری جنوب - جنوب پس از جنگ سرد از دهه ۱۹۹۰
		هماهنگ‌سازی فعالیت‌های سایر نهادهای دولتی فعال در عرصه	ترویج عملی گفت‌وگو جنوب- جنوب پس از به قدرت رسیدن رئیس‌جمهور، لولا داسیلوا ارائه کمک مالی، اهدای وام، کمک فنی و کارشناسی به

ردیف	مقاله سطح ۲	مقاله سطح یک	مضامین مشترک چند عبارت
		بین‌المللی	کشورهای جنوب
۳	همکاری با قدرت‌های نوظهور	تقویت قدرت‌های نوظهور اقتصادی	ابتکار عمل مشترک روسیه و برزیل در گروه هشت در ۲۰۰۷ / گروه بریک (متشکل از برزیل، روسیه، هند و چین) در سال ۲۰۰۹ / تبدیل بریک به بریکس با پیوستن آفریقای جنوبی در ۲۰۱۰ / پیوستن ایران به بریکس به‌عنوان قدرت نوظهور غرب آسیا در سال ۲۰۲۴-۲۰۲۳
۴	تاسیس بانک توسعه بریکس	درخواست اصلاح ساختار صندوق بین‌المللی پول	اعمال نفوذ در حکمرانی اقتصادی جهانی با همکاری بریکس / افزایش سهم حضور کشورهای غیرغربی در صندوق بین‌المللی پول
		سازوکاری موزی صندوق بین‌المللی پول	انتقاد به تأمین مالی پروژه‌های عمرانی بر مبنای توسعه پایدار / تقد به برگزیده شدن مدیران صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی براساس شایستگی نه غربی بودن
۵	روابط اقتصادی پایدار با تراز تجاری منفی	کالاهای تجاری وارداتی ایران از برزیل	اصلی‌ترین اقلام وارداتی ایران از برزیل (۹۹ درصد) روغن، واردات ۰/۳ گوشت، کنجاله، سویا، روغن سویا، تولیدات دارویی و دندانپزشکی / عدم ریسک شرکت‌های بزرگ چندملیتی در خصوص اقلام تحریمی در همکاری با ایران / ریسک‌پذیری شرکت‌های کوچک در صادرات اقلام ماشین‌آلات تحریمی به صورت غیر مستقیم از طریق کشورهای ثالث
		محصولات صادراتی ایران به برزیل	اوره، مهم‌ترین کالای کشاورزی صادراتی ایران به برزیل / قابل توجه بودن حجم صادرات این کالا / دیگر اقلام صادراتی شامل پسته، کشمش، فرش، وسایل چینی، بلور و...
		منفی بودن تراز تجاری ایران و برزیل	منفی بودن تراز تجاری ایران با برزیل طی سال‌های اخیر / از مجموع ۶ میلیارد تجارت، تخصیص ۱ میلیارد به صادرات و ۵ میلیارد به واردات از برزیل
		بی‌رقیب بودن برزیل در واردات علی‌رغم منفی بودن تراز تجاری	تولید کنندگان عمده محصولات کشاورزی در جهان: گندم (کانادا و آمریکا)، سویا (برزیل و آمریکا، آرژانتین). مهم‌ترین ظرفیت‌های همکاری تجاری ایران، برزیل، آرژانتین و آمریکا هستند که آرژانتین و آمریکا به‌دلیل مسائل سیاسی و سیاست خارجی، امکان مبادله تجاری با ایران را ندارند و تنها گزینه برزیل است. اگرچه قیمت مناسب و کیفیت بالایی هم دارد. در آسیا روسیه و اوکراین هم بودند ولی از نظر قیمت و کیفیت پایین‌تر هستند. ایران چند سال پیش مقداری از روسیه و اوکراین وارد می‌کرد اما پس از جنگ اوکراین متوقف شد.



براساس یافته‌های حاصل از مصاحبه‌ها، سیاست اقتصادی برزیل بر پایه «اتحاد با کشورهای منطقه»، «مصاف هوشمندانه با قدرت‌های برتر اقتصادی در نظام بین‌المللی» و «کاهش نابرابری‌های اقتصادی و افزایش توسعه اقتصادی در داخل» است. به این امید که بتواند به یک نظم اقتصادی متوازن و عادلانه دست پیدا کند. در جهت توسعه روابط اقتصادی با همسایگان، امضای موافقت‌نامه تجارت آزاد میان مرکوسور و جامعه کشورهای آند (۲۰۰۳)، تاسیس جامعه ملل آمریکای جنوبی^۱ با ورود شیلی، گویان و سورینام (۲۰۰۴) و تغییر نام و تغییر کاربری جامعه ملل آمریکای جنوبی از اقتصادی به حوزه‌های سیاسی، اجتماعی، زیربنایی، فرهنگی و زیست‌محیطی تحت عنوان اتحادیه ملل آمریکای جنوبی^۲ (۲۰۰۷) و ایفای نقش مؤثر در شکل‌گیری گروه اقتصادی قدرت‌های نوظهور اقتصادی (بریکس) در قرن بیست و یکم انجام شد.

۵- کدگذاری داده‌های رسانه در برزیل

جدول ۸- مضامین و عبارات کلیدی احصاء شده حوزه رسانه و بازنمایی ایران توسط این رسانه‌ها

ردیف	مقوله سطح ۲	مقوله سطح یک	مضامین مشترک برخی از عبارات
۱	قدرت حداکثری رسانه در کنترل جامعه	وابستگی رسانه به گروه‌های رسانه‌ای	مرجعیت فعالیت گروه‌های رسانه‌ای در برزیل / گروه رسانه-ای گلوبو مشتمل بر شبکه تلویزیونی، روزنامه، شبکه خبری، وبسایت و... / گروه رسانه‌ای رده وابسته به اوانجلیک‌ها مشتمل بر شبکه تلویزیونی، روزنامه، وبسایت و...
		مدیریت افکار عمومی توسط رسانه‌ها	بسیار قدرتمند بوده و تعیین‌کننده هستند / بیشترین رقابت بین دو گروه رسانه‌ای گلوبو و رده (rede) برای تسخیر افکار عمومی است.
۲	چیرگی تولیدات رسانه‌ای سرگرم‌کننده بر محتوای رسمی	غالب بودن محتوای سرگرمی	غلبه بعد سرگرمی بر بعد آموزشی و خبری - اطلاع‌رسانی / پایین بودن کیفیت محتوای رسانه‌ای و چیرگی محتوای زرد، روزمره و غیرعلمی / محدود بودن مطالب مثبت و تخصصی / فعالیت کلاس‌های آموزشی، شرکت‌ها و کسب و کارها و...
		کم رونقی محتوای رسمی	استقبال حداقلی از مسائل سیاسی و کلان بین‌المللی / بازتاب گسترده مسائل در رسانه‌های سنتی و فضای مجازی / چیرگی مسائل سیاست داخلی به‌ویژه مسائل اقتصادی در

1. The Community of South American Nations
2. The Union of South American Nations

ردیف	مقوله سطح ۲	مقوله سطح یک	مضامین مشترک برخی از عبارات
			محتوا با رویکرد خبری
۳	رسانه غیررسمی	شبکه‌های اجتماعی	مطرح بودن واتساپ به‌عنوان شبکه ارتباطی اصلی با بیش از ۱۶۰ میلیون کاربر / اینستاگرام در حال پیشی گرفتن از فیسبوک با بیش از ۱۳۰ الی ۱۴۰ میلیون کاربر
		تبلیغات مجازی	حضور تقریباً همه فروشگاه‌ها و کسب‌وکارها در شبکه‌های اجتماعی (واتساپ، فیسبوک و حتی یوتیوب و پیام‌رسان‌های داخلی) // تحقق فرایند جایگزینی تبلیغات مجازی به جای رسانه‌های سنتی از جمله تبلیغات تلویزیونی و ...
۴	چیرگی تولیدات خبری محلی بر سیاست خارجی	سیاست‌های محلی و حزبی	بیشتر متمرکز بر انتخابات و سیاست‌های حزبی است که البته مخاطبان زیادی ندارد.
		امتداد خبررسانی رسانه‌های غربی در حوزه بین‌الملل	چیره بودن مرجعیت منابع خبری غربی (رویترز، آسوشیتدپرس و دیگر رسانه‌های مطرح) در سپهر رسانه‌ای برزیل جهت انعکاس، تحلیل و جریان‌سازی خبری مسائل سیاست خارجی
۵	درک حداقلی و مخدوش جامعه برزیل از ایران و غرب آسیا	درک نسبی از جنوب غرب آسیا به‌واسطه مهاجران عرب	شناخت نسبی غرب آسیا / زندگی بیش از ۱۰ میلیون عرب‌تبار در برزیل / حضور موثر لبنانی‌ها در ساختار سیاسی و اجتماعی برزیل پس از ۱۰۰ سال مهاجرت / سابقه رئیس‌جمهور و وزیر شدن اعراب و حضور ۱۰ درصدی عرب‌تبارهای لبنانی و سوری در مجلس / فراوانی غذاهای عربی و استقبال از آن‌ها / فعالیت بخشی از اعراب در رستوران‌ها و تجارت‌های خرد
		شناخت حداقلی از ایران	نسل جدید: شناختی از ایران ندارند. اگر اطلاعات محدود و مخدوشی هم به آن‌ها برسد، اغلب ایران را با عراق اشتباه گرفته و می‌پندارند که ایران یک کشور عرب‌زبان در حال جنگ است.
			سالم‌خورده: نسل سالخورده از دهه ۵۰، ۶۰ و ۷۰ تمدن ایران را کم‌وبیش می‌شناسند. علاقه‌مند هستند که به ایران سفر کنند. نگرش آنها در استقلال‌طلبی و مخالفت با سیاست خارجی مداخله‌جویانه با ایران تا حدودی یکسان است.
			آنهایی که به نوعی نگرش آمریکایی دارند، ایران را مخمل نظم بین‌المللی می‌دانند و قرائت‌شان تحت تأثیر رسانه‌های آمریکایی و اروپایی است.

مضامین مشترک برخی از عبارات	مقوله سطح یک	مقوله سطح ۲	ردیف
شبکه هیسپان تی وی؛ اقدام شایان تقدیر ایران در عرصه دیپلماسی عمومی و رسانه‌ای / توانمندی متوسط در ارتباط-گیری با مخاطب در برزیل و ظهور و بروز محدود در این جامعه به دلیل عدم یکسانی زبان، محدودیت دسترسی به شبکه و غیرقابلی بودن / پذیرش محدود رویکرد رسانه‌ای و محتوایی هیسپان تی وی (محتوای جدی و رسمی)	محدودیت‌های هیسپان تی وی در ایجاد مفاهمه		
سرگرمی؛ بیشترین مصرف رسانه‌ای شهروندان برزیلی / عدم استقبال عمومی از اخبار رسانه‌های رسمی / سکوی رسانه‌ای شدن هیسپان تی وی برای اقدام موثر رسانه‌ای جهت انتشار تولیدات فرهنگی متناسب با ذائقه جامعه هدف / بستن قرارداد همکاری رسانه‌ای با شبکه‌های برزیلی با هدف تولید محتوا در قالب مستند، برجسته‌سازی تولیدات رسانه‌ای سینمای ایران / همکاری مقطعی نسبتاً موفق با گلوبو (امپراتوری رسانه‌ای برزیل) در ساخت چند مستند در مورد ایران با هدف ارائه تصویر جدیدی از ایران / همکاری با حفظ سیاست‌های رسانه-ای خودشان / بازنمایی نقد ایران و جامعه ایرانی به‌عنوان واقعیات جامعه ایران / تعامل با بلاگرها و دیگر اینفلوئنسرهای برزیلی جهت اثربخشی بر شبکه‌های اجتماعی / حائز اهمیت بودن ایجاد یک رسانه با شاخص‌های اثربخشی اجتماعی غیردولتی / ضرورت برنامه تور گردشگری- آموزشی برای خبرنگاران حوزه ایران با هدف تعدیل و تغییر نگرش آنها در مورد ایران / تولید محتوای مناسب ارائه به رسانه‌های برزیلی در داخل / متقاعدسازی گروه‌های رسانه‌ای فعال جهت همکاری مؤثر رسانه‌ای	راهبرد رسانه‌ای موثر ایران	هیسپان تی وی؛ تنها ظرفیت رسانه‌ای	۵

کارشناسان حوزه برزیل معتقدند رسانه‌ای که کنشگری جدی در جامعه برزیل ایجاد می‌کند، واتساپ است. در سال ۲۰۱۸ و ۲۰۲۲م، واتساپ یک کنشگر بسیار مهم بود. اخبار فیک در انتخابات ۲۰۱۸ منتشر و در نتایج بسیار تأثیرگذار بود. بولسونارو تبلیغات گسترده‌ای را در واتساپ و فضای مجازی انجام داد و دولت برزیل، قانون را مبنای کنشگری سیاسی در فضای مجازی

دانست. برزیلی‌ها فضای مجازی به‌ویژه پلتفرم‌های خارجی را مدیریت می‌کنند. قانون مقابله با فیک‌نیوز در دستور کار برزیلی‌ها قرار دارد. اغلب شبکه‌های اجتماعی در برزیل دفتر دارند و آن‌ها را پاسخگو می‌کنند که باید نسبت به ضوابط برزیل پایبند باشند. تلگرام چند بار در برزیل فیلتر شد و این سکو مجبور شد تابع قوانین برزیل عمل کند. فیسبوک به‌دلیل عدم تبعیت از چارچوب رسمی برزیل جریمه شد.

۶- کدگذاری داده‌های سیاسی

جدول ۹- مضامین و عبارات کلیدی احصاء شده روابط خارجی دو دولت- ملت ایران و برزیل

ردیف	مقوله سطح ۲	مقوله سطح یک	مضامین مشترک برخی از عبارات
۱	دموکراسی باثبات اما مخدوش	انتخابات اجباری	اجباری بودن انتخابات مگر با توجیه قانونی فرد واجد حق رأی
		نقش حداکثری پول کثیف در انتخابات پارلمان	انتخابات آزاد به معنای احتمال انتخاب کردن و انتخاب شدن هر فرد/ وجود دموکراسی اما با نقدهایی به دلیل وجود پول کثیف و غیرقانونی/ اثربخشی حداکثری تبلیغات در انتخابات
		رویکرد متفاوت	نقش پول در انتخابات پارلمان/ عدم حاکم بودن سطح عالی از دموکراسی/ وجود نقطه ضعف‌های اساسی/ تأثیر حداکثری نقش کارتل‌ها و شرکت‌های اقتصادی چندملیتی
۲	تحولات چپ- گرایی در خاستگاه	رویکرد متفاوت	تغییر کم و بیش جدی در خاستگاه و رویکرد سابق چپ‌گرایی/ تشابه معقول و محافظه‌کارانه در رویکرد سیاسی با چپ‌های مترقی آمریکای لاتین مثل کوبا و ونزوئلا
		طیف‌های چپ‌گرا	آغاز تفکرات چپ مترقی آمریکای لاتین از کوبا و ونزوئلا/ آرژانتین، برزیل و مکزیک در وسط طیف (چپ میانه به لحاظ رویکرد سیاسی)/ انتهای طیف چپ‌گرایی یعنی شیلی و کلمبیا
۳	همگرایی احزاب راست‌گرا با غرب سیاسی	اولویت‌دهی به مسائل اجتماعی	همفکری چپ‌ها با اولویت‌دهی به مسائل اجتماعی/ محل مناقشه با جهان؛ مسائل اجتماعی و چالش‌های حقوق بشری
		همسویی با غرب	قرابت سیاسی و اقتصادی احزاب راست‌گرا به ایالات‌متحده و غرب/ تقابل معنادار با ایران در مسئله فلسطین/ حمایت حداکثری از اسرائیل در راستای سیاست کلیسای اوانجلیکی
		پایبندی نسبی به اخلاق و خانواده	به لحاظ اجتماعی و فرهنگی پایبندی نسبی به نهاد خانواده/ مخالفت با انحرافات جنسی

۷- برزیل؛ قدرتی نوظهور در عرصه بین‌المللی

جمهوری فدراتیو برزیل، شرقی‌ترین کشور قاره آمریکا، محدوده وسیعی از سواحل شرقی آمریکای جنوبی را اشغال کرده است. توسعه صنعت کشاورزی و دامپروری، استخراج معادن، شرکت‌های تولیدی و خدماتی و نیروی کار فراوان باعث افزایش تولید ناخالص داخلی آن شده و برزیل را به یک قدرت اقتصادی منطقه‌ای تبدیل کرده است و در حال گسترش حضور خود در بازارهای جهانی است. براساس دیدگاه کارشناسان، اگرچه در سالیان اخیر بسیاری از عوامل انسانی و اقداماتی مانند برنامه‌های توسعه شهری باعث تخریب شدید محیط زیست شده است. این کشور با برخورداری از توانمندی متوسط، رفتار چندجانبه‌گرایانه و هویتی تسهیلگر، به‌عنوان قدرتی نوظهور در عرصه بین‌المللی به شمار می‌رود. از اواخر دهه ۶۰ با الگویی منحصر به فرد و متناسب با پتانسیل اقتصادی و نیروی انسانی به کنشگری موثر در نظام بین‌المللی تبدیل شده است. به ترتیب برزیل با ظرفیت‌های اقتصادی، سیاسی، جمعیتی (نیروی انسانی)، علمی، فناوری و فرهنگی خود می‌تواند به تثبیت، تحکیم و نفوذ موثر در منطقه و در عرصه بین‌المللی دست یابد. در نظریه روابط بین‌الملل، تنش‌های سیستمی زمانی اتفاق می‌افتند که قدرت‌های نوظهور همه یا بعضی از ابعاد نظم بین‌الملل که توسط قدرت مسلط ایجاد، تنظیم و کنترل می‌شود، را به‌چالش بکشند. از منظر نظریه‌های لیبرال و واقع‌گرا، صلح و ثبات در نظام بین‌الملل زمانی تضمین می‌شود که بازیگران پایین در سلسله‌مراتب جهانی با اجبار یا رضایت، وضع موجود را بپذیرند. واقع‌گرایان، رضایت قدرت نوظهور را به‌عنوان شرط اولیه برای ثبات بین‌الملل می‌دانند و بیانگر این است که بازیگران با توانایی نسبتاً مشابه (البته نامتقارن و ناتراز) تعادل صلح‌ظریف را حفظ کرده و تمایل به مشارکت در رژیم‌های بین‌المللی دارند که توسط هژمون ایجاد شده‌اند.

جدول ۱۰- شاخص‌های تعیین‌کننده قدرت نوظهور برزیل در عرصه بین‌المللی

ردیف	مقوله	مضامین
۱	توانمندی مادی	تولید ناخالص داخلی، وسعت سرزمینی، نیروی انسانی جوان و پویا
۲	چندجانبه‌گرایی	قدرت نرم، کاتالیزور بودن، مدیریت منافع کشورهای ثالث، تسهیل کردن امور بین‌المللی به‌مثابه الگوی رفتاری ویژه، رونق در داخل و بقا در عرصه بین‌المللی به‌مثابه راز سیاست خارجی پویا، همسویی با کشورهای مستقل و تضعیف قدرت‌های بزرگ
۳	کارکرد هویتی	تسهیل باثبات‌سازی نظم جهانی از طریق رفتار محتاطانه و حل تعارضات بین‌المللی

براساس بررسی مبانی نظری قدرت نوظهور (احصاء شده توسط محقق)

دو کشور برزیل و ایران از قدرت‌های منطقه‌ای و جهانی هستند. زیرا مبتنی بر تعریف کسینجر، شاخص‌های ترکیبی مطرح برای گذار از نظم بین‌الملل دو شرط ضروری دارد؛ ۱- تحول نهادی، ۲- تغییر قدرت. بدین ترتیب گذار نظم زمانی اتفاق می‌افتد که تغییر عمده‌ای در قوانین، نهادها و یا توزیع قدرت روی دهد (رادگودرزی و صفری، ۱۳۹۸: ۲۳۷). واقع‌گرایی، قدرت‌بنیانی، قدرت برتر منطقه بودن، استقبال از چندجانبه‌گرایی و رفتار چندجانبه‌گرایانه، به حداکثر رساندن منافع از طریق قدرت نرم، توانمندی نسبتاً بالا، و هویت تسهیل‌گر در عرصه بین‌المللی ویژگی‌های عمده قدرت نوظهور برزیل است (مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۵: ۵). اگرچه بعد مسافت یک عامل موثر در توسعه روابط اقتصادی بوده است، اما ایران و برزیل سال‌ها است که روابط خوبی را با کمترین چالش با هم داشته‌اند.

۸- کدگذاری داده‌های مربوط به روابط خارجی دو دولت-ملت جمهوری اسلامی ایران و جمهوری فدراتیو برزیل

جدول ۱۱- مضامین و عبارات کلیدی احصاء شده روابط خارجی دولت-ملت‌های ایران و برزیل

ردیف	مقوله سطح ۲	مقوله سطح یک	مضامین مشترک برخی از عبارات
۱	جایگاه ویژه برزیل در منطقه و نظام بین‌الملل	متفاوت بودن ظرفیت‌ها	بزرگترین و متفاوت‌ترین کشور و برادر بزرگتر لاتین‌ها تلقی شدن / زبان خاص / اقتصاد برتر و کشور شاخص منطقه / عهده‌دار رهبری سیاسی و راهبردی دیگر کشورهای آمریکای لاتین در عرصه سیاست خارجی در سطح منطقه و ائتلاف‌های بین‌المللی / توان بالای رهبری / قدرت ائتلاف سازی بلامنازع در آمریکای لاتین
۲	ثبات نسبی در اقدام و عمل در قبال ایران	حفظ تعادل در قبال ایران	حفظ تعادل در قبال ایران به دلیل مشی سیاسی و تأثیرگذاری روابط اقتصادی بر سیاست و مسائل سیاست خارجی / تعدیل رویکرد و سیاست‌های ضدایرانی ژائیر بولسونارو، رئیس‌جمهور راست‌گرای موسوم به ترامپ برزیل به دلیل حفظ منافع اقتصادی / موضع ضدایرانی کشورها با کمترین منافع اقتصادی‌شان
۳		اقتصادمحوری منافع ایران	برقراری روابط اقتصادی پایدار با ایران / محوریت منافع ملی در سیاست خارجی / اقتصادمحور بودن منافع ملی برزیل و ایران

ردیف	مقوله سطح ۲	مقوله سطح یک	مضامین مشترک برخی از عبارات
	اشتراک نسبی در مواضع و منافع سیاسی-اقتصادی	اشتراکات معنادار سیاسی و بین‌المللی با لولا	اشتراکات سیاسی و سیاست خارجی در دولت‌های چپ‌گرا به‌ویژه لولا داسیلوا، رئیس‌جمهور کنونی/ بدون چالش بودن مخالفت با یکجانبه‌گرایی/ اشتراک در اعتقاد به تغییر ساختار نظام بین‌الملل/ انتقاد به قدیمی و فاقد کارآیی بودن ساختار فعلی مدیریت جهان/ چالش حداقلی ایران و برزیل در بحث انرژی هسته‌ای و تأکید بر استفاده مسالمت آمیز ایران از آن/ اوج هم‌راستایی برزیل در سال ۲۰۱۰ مبتنی بر بیانیه ایران/ حمایت برزیلی‌ها از مواضع سیاسی ایران در راستای تأمین منافع برزیل
۴	محورهای مورد مناقشه	چالش حقوق بشری با چپ‌گراها با قرائت غربی	چالش مسائل حقوق بشری با قرائت غربی/ چالش حقوق زنان با قرائت غربی؛ مشکل اجتماعی اصلی با دولت لولا/ چالش حقوق اولیه‌ای چون حق طلاق، مهریه، مباحث حقوق بشری با قرائت غربی/ به رسمیت شناخته نشدن همجنس‌گرایی، اقلیت‌های مذهبی چون بهائیت
۵	راهبرد ایران در برزیل	ناپایداری راهبرد سیاسی	فاقد راهبرد سیاسی/ فاقد کارویژه / حائز اهمیت بودن راهبرد سیاسی و ناپایداری/ تحقق راهبرد پایدار در برزیل با توجه به تحولات داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی از طریق اقتصاد/ اولویت نبودن توسعه روابط با برزیل/ تبلیغاتی بودن روابط همه‌جانبه/ وجود ظرفیت فرهنگی فراوان جهت اثرگذاری فرهنگی/ ورود از مبادی امکان‌پذیر نه صرفاً ایدئولوژیک/ اثربخشی محدود اقدامات مبلغان دینی و دستاورد محدود آن
۶	فرصت‌های توسعه روابط	تغییر تاکتیک اثرگذاری فرهنگی	تقلیل سطوح چالش‌های حقوق بشری در دولت راست‌گرای ژائیر بولسونارو/ قابل مفاهمه و مذاکره بودن چالش اجتماعی، مسائل حقوق بشر و به‌ویژه مباحث زنان/ مخالفت برزیلی‌های راست‌گرا با LGBT و طرح ایده بازگشت به نهاد خانواده/ تکریم زن، میزان اشتغال به کار و پیشرفت اجتماعی زنان در ایران و دارا بودن ارزش رسانه‌ای آن/ موفقیت محدود ایران در تبلیغ مستقیم دینی/ برنامه‌ریزی دقیق فرهنگی جهت امکان اثربخشی/ برجسته‌سازی تمدن ایرانی-اسلامی

مضامین مشترک برخی از عبارات	مقوله سطح یک	مقوله سطح ۲	ردیف
برنامه‌ریزی بر روی موسیقی، نمایشگاه فرهنگی و هنری / شناخت محدود از سینمای ایران به‌ویژه فیلم‌های دارای جایزه‌های بین‌المللی / تمرکز بر سینمای دولتی و موسیقی در جامعه هدف / شناساندن ایران به آحاد جامعه از طریق ارتباطات انسانی و وسایل ارتباط جمعی	اشاعه فرهنگ ایرانی		
تمرکز بر گردشگری از طریق معرفی مطلوب فرصت‌های گردشگری دو کشور / اهمیت کوروش برای اوانجلیک‌ها / منجی اولیه پنداشته شدن کوروش / علاقه‌مندی به پرسپولیس / پیشبرد ابتکارات در زمینه گردشگری	ابتکارات صنعت گردشگری		
ناپایداری روابط اقتصادی یعنی وابستگی ایران به محصولات کشاورزی برزیل / آگاهی برزیل از این چالش و وجود وابستگی دو طرفه / اینکه ایران گزینه دیگه‌ای برای جایگزینی واردات کشاورزی ندارد، یک ضعف است چون مجبور است با احتیاط بیشتری با برزیل کار کند / اگر بتوان به سمتی رفت که روابط اقتصادی ایران تنوع داشته باشد، بیشتر و بهتر می‌توان به سمت ساختارسازی با برزیل پیش رفت / تبعیت از الگوی امارات که البته این امر در گرو سرمایه‌گذاری کلان است که برای ایران امروز امکان‌پذیر نیست.	نیازمندی ایران به واردات اقلام کشاورزی از برزیل	تهدیدهای موجود و پیش‌رو در جامعه هدف	۷
چالش‌های حوزه زنان / مسائل حقوق بشر / LGBT که در حال حاضر چالش جدی نیست ولی در بلندمدت ممکن است مسئله-ساز باشد.	چالش اجتماعی؛ پاشنه آشیل		
افت جایگاه بین‌المللی ایران / هجمه رسانه‌ای علیه مواضع و سیاست‌های ایران	هجمه رسانه‌های یهود		
عدم شناخت ظرفیت‌های فرهنگی و گردشگری ایران / عدم اولویت‌بخشی به سفر به ایران علی‌رغم تمایلات شخصی / اولویت‌دهی به ترکیه و امارات در منطقه غرب آسیا / جایگزینی ترکیه به‌جای مقاصد اروپایی به‌دلیل قیمت ارزان	عدم اولویت‌دهی به گردشگری ایران		

۹- جوامع پیشتاز با الگوی ارتباطی اثربخش

تحلیل یافته‌های حاصل از مصاحبه‌های انجام شده توسط محقق نشان می‌دهد که الگوهای ارتباطی موفق در کشور برزیل به‌مثابه یک قدرت نوظهور وجود داشته است که برخی از آن‌ها مربوط به قدرت‌های جهانی، برخی مربوط به قدرت‌های نوظهور و برخی نیز به قدرت‌های میانه و کوچکی تخصیص یافته است که با راهبرد و راهکارهایی مشخص به ایفای نقش در برزیل پرداخته‌اند. هر کدام از آن‌ها یک محور ارتباطی مرکزی داشته و دیگر محورها در پیرامون آن قرار گرفته و قوام‌بخش آن بوده‌اند؛ البته هر کشوری ممکن است چالش‌های جدی در توسعه روابط با این کشور داشته و یا هنوز هم با چالش‌های جدی روبه‌رو باشد.

جدول ۱۲- الگوهای ارتباطی موفق در برزیل

ردیف	کشور	محور مرکزی ارتباط	محورهای ارتباطی موثر	چالش‌های ارتباطی
۱	ایالات متحده	اقتصادی	حسن همجواری، تقریب فرهنگی، اجتماعی و امنیتی	فقر و عقب‌ماندگی در برخی از ایالت‌ها، پیامدهای توسعه اقتصادی نامتوازن/ رقابت سیاسی و اقتصادی با ایالات متحده
۲	چین	اقتصادی	سیاست خارجی، نظامی و امنیتی	عدم ارتباط‌گیری موثر کنشگران ارتباطی با جامعه برزیل/ عدم جذابیت فرهنگ و زبان چینی برای آحاد جامعه
۳	پرتغال	اقتصادی	فرهنگی و تاریخی	پیشینه سیاسی به دلیل قرن‌ها استعمار و استیصال بومیان و مردم
۴	روسیه	اقتصادی	نظامی و سیاسی	سیاسی (با توجه به رویکرد حزب حاکم)
۵	ایتالیا	اقتصادی	تاریخی	عدم ظهور و بروز چالش‌گفتامانی متعارض
۶	ژاپن	اقتصادی	تاریخی-صنعتی (کشاورزی)	حضور بدون راهبرد و برنامه‌ریزی
۷	ترکیه	اقتصادی	فرهنگی، اجتماعی	عدم ظهور و بروز چالش‌گفتامانی متعارض
۸	ایران	اقتصادی	سیاسی	فقدان روابط فرهنگی بین دو کشور/ محدود بودن به همکاری‌های علمی و دانشگاهی/ چالش‌های جدی دولت‌های چپ‌گرا با ایران در حوزه اجتماعی و حقوق بشر غربی/ مخالفت سیاسی راستگرایان به‌ویژه افراطی‌ها با سیاست خارجی ایران

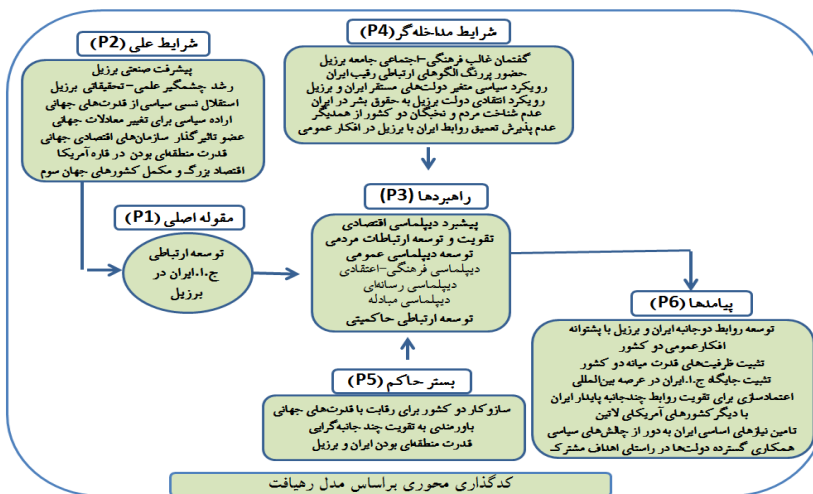
برگرفته از داده‌های مصاحبه‌های نخبگانی

مبتنی بر یافته‌های حاصل از کدگذاری مصاحبه‌ها، ایالات‌متحده آمریکا از ۲۰۰ سال گذشته حضور قوی سیاسی و فرهنگی در برزیل داشته است. فرهنگ آمریکایی در سبک زندگی و اغلب آثار هنری، نمایشی و رسانه‌ای عمیقاً مشهود است. به دلیل عدم حضور نظامی مستقیم ایالات‌متحده در برزیل، آحاد جامعه نگرش منفی در مورد آمریکا ندارند و اغلب متمایل به مهاجرت به آمریکا هستند. چین، دیگر قدرت بزرگ جهانی، اگرچه حضور اقتصادی چشمگیری داشته اما حضوری همه‌جانبه ندارد. با وجود روابط اقتصادی قابل توجه چین و برزیل با حجم تجارت دوجانبه بیش از ۱۵۰ میلیارد دلار، فرهنگ و زبان چین برای شهروندان برزیلی جذاب نیست. از کشورهای اروپایی نیز نفوذ پرتغال به دلیل ریشه‌های تاریخی - فرهنگی حائز اهمیت بوده و مقصد اول سفر برزیلی‌ها به اروپا محسوب می‌شود و روسیه و ایتالیا در جایگاه‌های بعدی قرار دارند.

در همسایگی جمهوری اسلامی ایران، کشور ترکیه همزمان فعالیت اقتصادی، فرهنگی و سیاسی در برزیل دارد. اگرچه در حوزه سیاسی نقطه اشتراک دارد اما نقطه تمرکز ترکیه نیست. ترکیه با انتشار فیلم و سریال‌های جذاب ترکی در حال معرفی فرهنگ، سبک زندگی و جاذبه‌های گردشگری است؛ به گونه‌ای که اولویت سفر برزیلی‌ها به خاورمیانه به ترتیب ترکیه و امارات متحده عربی است. ترکیه خود را به‌عنوان یک کشور خاورمیانه‌ای مسلمان جذاب بازنمایی و در سال ۲۰۰۷ تا ۲۰۰۹ با راه‌اندازی خط هوایی استانبول - سائوپائولو در همان چند سال اول بیش از ۱۰۰,۰۰۰ نفر گردشگر را جذب کرد. در بین کشورهای عربی، لبنان به دلیل نفوذ معنادار در برخی از سطوح حاکمیتی برزیل حضور قابل تأملی دارد. جامعه لبنانی‌تبار برزیل از لبنانی‌های ساکن در لبنان بیشتر بوده و در مجاورت هم زندگی می‌کنند. در خیابان‌های شهر فوز دو ایگواسو^۱ به وفور مسلمانان دیده می‌شوند که جالب بوده و اصلاً غیرطبیعی به نظر نمی‌رسد. امارات متحده عربی دیگر کشوری است که در سال‌های اخیر بدون فعالیت سیاسی مستقیم به‌طور جدی بر برزیل متمرکز و فرودگاه‌ها، بنادر، پالایشگاه‌ها و دیگر زیرساخت‌های ارتباطی را خریداری کرده است. جمهوری اسلامی ایران تا کنون الگو و راهبرد مشخصی نداشته و برحسب ضرورت روابط تجاری، اقتصادمحور بوده است اما عمده‌ترین مشکل ایران این است که هنوز نتوانسته است ارتباط فرهنگی - اجتماعی مثبت و موثری با افکار عمومی جامعه برزیل برقرار کند.

نتیجه گیری

پژوهش‌ها، اظهارات و مشاهدات میدانی دیپلمات‌ها، نخبگان، کارشناسان، تجار و مردم با تجربه زیسته در جامعه برزیل نشان می‌دهد که توسعه روابط با برزیل از ضرورت و اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. در مقاله حاضر تلاش شد با روش نظریه زمینه‌ای و با انجام مصاحبه‌های عمیق نیمه‌ساختار یافته، کشور برزیل و تعاملات بین‌المللی آن از جهات گوناگون بررسی شوند تا جمهوری اسلامی ایران بتواند به یک الگوی ارتباطی موثر با این کشور برسد.



شکل ۱- کدگذاری محوری طراحی الگوی ارتباطی جمهوری اسلامی ایران در جمهوری فدراتیو برزیل

نتایج کدگذاری مقاله حاضر بر مبنای نظریه مبنایی سیستماتیک نشان می‌دهد پدیده اصلی، شرایط علی، راهبردها، شرایط مداخله‌گر، بستر حاکم و پیامدها به خوبی شناسایی و احصاء شده است. در زیر دلایل انتخاب هر یک از طبقات آمده است.

قضیه ۱: طبقه محوری: توسعه ارتباطی ایران در برزیل

پس از گردآوری و تحلیل داده‌ها مشخص شد که برزیل یکی از کشورهای بزرگ و بااهمیتی است که در دو دهه اخیر همواره روابط اقتصادی خوبی با ایران داشته است. براساس یافته‌ها، هر دو کشور، قدرت‌های نوظهوری هستند که با توجه به اهداف و راهبردهای بین‌المللی، ضرورت دارد برای کنش‌گری مؤثر در فضای بین‌المللی ارتباطات خود را توسعه دهند.

قضیه ۲: شرایط علی: برزیل؛ قدرت منطقه‌ای و مکمل اقتصادی ایران

با توجه به ویژه بودن جامعه برزیل، پیشرفت صنعتی، رشد چشمگیر علمی - تحقیقاتی این کشور، مکمل اقتصاد و تکنولوژی بودن این کشور با ایران، رویکرد کلان اقتصاد محور در عرصه بین-المللی، مجاورت جغرافیایی با ایالات متحده، تمایل به تغییر و تثبیت جایگاه خود در جهان امروز، اراده سیاسی برای تغییر معادلات بین‌المللی و نظم نوین جهانی، استقلال نسبی سیاسی از قدرت‌های جهانی، وجود ظرفیت‌های گسترده همکاری، استقبال از نیروی کار مولد و خلاق ایرانی، عضویت تأثیرگذار در سازمان‌های اقتصادی جهانی و همینطور قدرت منطقه‌ای بودن در قاره آمریکا، برزیل از قدرت‌های نوظهوری است که با توجه به سیاست حمایت از چندجانبه-گرایی، از حضور هوشمند و چندجانبه ایران در این کشور استقبال شود.

قضیه ۳: راهبردها: توسعه ارتباطات رسمی و مدنی

جمهوری اسلامی ایران ضرورت دارد راهبردی پایدار در توسعه روابط با برزیل داشته باشد. **پیشبرد دیپلماسی اقتصادی:** با وجود اراده و ظرفیت توسعه روابط اقتصادی، شاهد تراز تجاری منفی هستیم و برخی از اقلام و کالاهای اساسی از برزیل تأمین می‌شود؛ ضرورت دارد مدیریت حجم واردات، توسعه صادرات و متنوع‌سازی مقاصد وارداتی در دستور کار قرار بگیرد. **تقویت و توسعه ارتباطات مردمی:** با افزایش شناخت مردم و نخبگان از همدیگر، قرائت جدیدی از ایران به جهان ارائه شود که این مهم از طریق رسانه‌های جمعی و شبکه‌های اجتماعی محقق می‌شود.

تقویت دیپلماسی عمومی: براساس بررسی‌های انجام شده، دیپلماسی عمومی در سه حوزه دیپلماسی رسانه‌ای، دیپلماسی مبادله و دیپلماسی فرهنگی-اعتقادی محقق شود. جامعه برزیل استقبال خوبی از آحاد جامعه ایرانی به‌ویژه نخبگان می‌کند. تسهیل زیرساخت‌های مهاجرت از سیاست‌های میان مدت و بلند مدتی است که ضرورت دارد در دستور کار ایران قرار بگیرد. حضور فعال آحاد جامعه مسلمان و ایرانیان در بخش‌های خدماتی و اجتماعی (توریسم، هتل‌داری، تجارت و خدماتی) می‌تواند دستاوردهای راهبردی چشمگیری برای برزیل و ایران داشته باشد.

توسعه روابط سیاسی: کشور ایران طی چند دهه اخیر در صدد بوده است تا با همه کشورهای جهان به جز اسرائیل و ایالات متحده ارتباط حسنه‌ای داشته باشد. علی‌رغم روی کار



آمدن دولت‌های مختلف راست‌گرا و چپ‌گرا در برزیل، تا به امروز، دو کشور چالش جدی سیاسی-امنیتی نداشته‌اند. با اهتمام ویژه بر محورهای مشترک مورد تاکید طرفین، در صورت تسهیل شرایط، گسترش روابط سیاسی دو کشور معنادار خواهد بود.

قضیه ۴: شرایط مداخله‌گر: طراحی سازوکارهای فرهنگی-اجتماعی

جامعه برزیل جامعه‌ای ساده اما پیچیده است. ساده از حیث اینکه نهادهای سازمان‌ها، جامعه و... شفاف و قابل بررسی هستند اما از نظر گستردگی جامعه، پیچیدگی اقتصاد، کثرت رویه، آزادی-های مدنی، حضور پررنگ ملیت‌های مختلف، منافع قدرت‌های جهانی و دیگر کشورهای ثالث در این کشور و... جامعه‌ای پیچیده است. جامعه برزیل به سمت دوقطبی‌تر شدن پیش می‌رود که هر دو قطب، نمایندگانی در احزاب و شخصیت‌های مطرح کشوری دارند. با روی کار آمدن دولت‌های سوسیالیست و چپ‌گرا، اگرچه برزیل به لحاظ سیاسی ترغیب می‌شود تا روابط خود با ایران را گسترش دهد اما به لحاظ متغیرهای فرهنگی و اجتماعی چالش‌های جدی با قوانین و استانداردهای فرهنگی-اجتماعی ایران دارد. از سوی دیگر با به قدرت رسیدن راست‌گراها در این کشور، چالش‌های فرهنگی-اجتماعی به مراتب کمتر شده اما چالش‌های سیاسی از جمله حمایت از غرب و صهیونیسم بین‌الملل نمایان می‌شود. در نتیجه می‌توان ابتکار عمل سیاسی محدود و معقولی مبتنی بر وضع موجود داشت.

کشورهای ایالات متحده آمریکا، چین، ایتالیا، ژاپن، پرتغال، ترکیه و امارات توانسته‌اند در سال‌های اخیر ارتباطات خود را در زمینه‌های مختلف افزایش بدهند. علی‌رغم استقبال برزیل از همکاری با ایران، اصلی‌ترین چالش، عدم شناخت دو جامعه ایران و برزیل از همدیگر است. تا به امروز نخبگان سیاسی دو کشور و رسانه‌ها تلاش جدی در این زمینه نداشته‌اند و توسعه روابط همه‌جانبه در افکار عمومی به شدت متأثر از رسانه‌های غربی بوده است.

قضیه ۵: بستر حاکم؛ تقویت پیشران‌های دو قدرت ایران و برزیل

ایران به دلیل تفاوت ایدئولوژیک با غرب با محوریت ایالات متحده و همچنین برزیل به دلیل رقابت با قدرت منطقه‌ای ایالات متحده آمریکا برای احیای هویت مستقل خود یک رقیب خارجی مشترک دارند، اگرچه در اهداف فرعی، تاکتیک، شیوه و دستاوردها ممکن است با هم تفاوت‌هایی داشته باشند؛ اما مبتنی بر تقویت چندجانبه‌گرایی در نظام بین‌الملل، مبادرت به ایجاد و تقویت سازمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی، تدوین سازوکار مؤثر مقابله با یکجانبه‌گرایی، سرمایه‌گذاری

صنعتی و کشاورزی ایران در برزیل، دلارزدایی از مبادلات اقتصادی و... ورزیده‌اند. همچنین دیپلماسی اقتصادی متمرکز بر تأمین کالا و اقلام اساسی، ضمن پاسخگویی به نیاز داخل، متضمن کاهش چالش سیاسی-امنیتی شده است.

پیامدها؛ تثبیت ظرفیت‌های قدرت نوظهور ایران در غرب آسیا، آمریکای لاتین و جهان

توسعه روابط دوجانبه ایران و برزیل با پشتوانه افکار عمومی دو کشور:
شناخت برزیل از ایران محدود به نخبگان سیاسی (و بعضاً اقتصادی) است و جامعه و مردم برزیل درکی از ایران ندارند. بسیاری از شهروندان و یا نخبگان دو کشور اطلاعات بسیار محدودی از حکومت، خاستگاه، ظرفیت‌ها و رویدادهای یکدیگر دارند. اگر هم قرائتی از ایران در افکار عمومی باشد، قرائتی غربی است که توسط رسانه‌های جریان اصلی غرب مانند سی.ان.ان و بی‌بی‌سی مطرح می‌شود. جمهوری اسلامی در گام نخست باید جایگاه خود را در افکار عمومی پیدا کند. فعال کردن دیپلماسی فرهنگی و به‌صورت جدی دیپلماسی رسانه‌ای یکی از مهم‌ترین اقدامات جهت آشنایی با فرهنگ، هنر، ادبیات و تاریخ ایران است. بازنمایی یک ایران نسبتاً پیشرفته از طریق فعالان فضای مجازی (بلاگرها، اینفلوئنسرها، واینرها و... در یوتیوب، اینستاگرام و دیگر شبکه‌های اجتماعی) پرمخاطب حائز اهمیت است. شناساندن ظرفیت‌های علمی-تحقیقاتی ایران یکی از اقدامات بسیار موثری است که می‌توان مراکز دانش‌بنیان را نسبت به ایران حساس کرده و هدایت کند.

تثبیت ظرفیت‌های قدرت نوظهور دو کشور: ایران در تعامل با حاکمیت این کشور با دو رویکرد حزبی روبه‌رو است. احزاب چپ میانه به لحاظ سیاسی چالش جدی با مواضع ایران ندارند و بیشتر مواقع در مجامع بین‌المللی علیه ایران رأی نداده‌اند. اگرچه ممکن است رویکرد فرهنگی و اجتماعی دولت‌های چپ در تعارض با ایران باشد، اما این مسئله چالش جدی را برای کنش‌گری موثر ایران در برزیل ایجاد نخواهد کرد. از سوی دیگر احزاب راست‌گرا بیشتر به کشورهای غربی تمایل داشته و سعی در تأمین منافع اسرائیل دارند. پس برای حفظ روابط و عدم ایجاد حساسیت، ضرورت دارد که تمرکز بر روی دیپلماسی اقتصادی و فرهنگی باشد تا بتوان راهبرد ثابت ایران را در این کشور حفظ کرد.



تثبیت جایگاه ایران در عرصه بین‌المللی: ایران با تمرکز بر تقویت و توسعه ظرفیت‌های قدرت نوظهور، می‌تواند کنشگری مؤثر در منطقه و جهان باشد.

اعتمادسازی برای تقویت روابط چندجانبه ایران با دیگر کشورهای منطقه:

گسترش روابط دوجانبه ایران با برزیل می‌تواند درهای تقویت و توسعه روابط خارجی ایران با کشورهای آمریکای لاتین را باز کرده و تضمینی برای جلب اعتماد عمومی در بین نخبگان و افکار عمومی در ایران و جوامع لاتین شود.

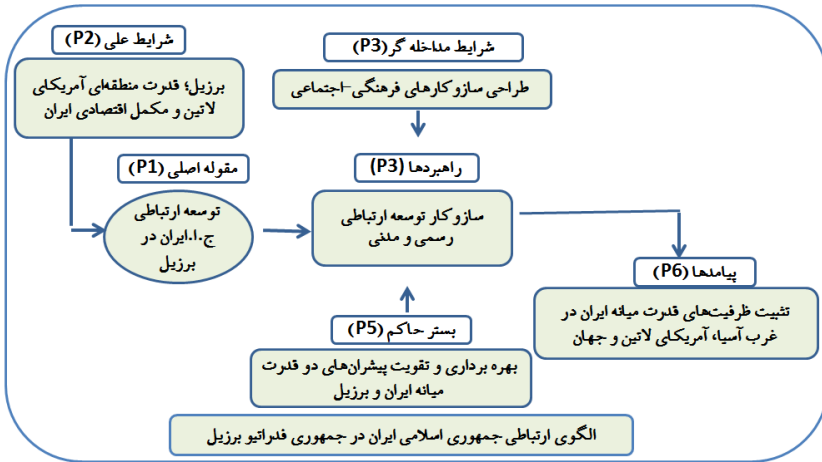
تأمین نیازهای اساسی ایران به دور از چالش‌های سیاسی: با وجود اینکه در

جامعه برزیل دو حزب چپ‌گرا و راست‌گرا وجود دارد که هر کدام از آن‌ها برخی تعارضات گفتمانی در حوزه سیاسی و اجتماعی با جمهوری اسلامی ایران دارند؛ اما با پیشبرد دیپلماسی اقتصادی، علاوه بر تأمین نیازهای اساسی کشور در حوزه کشاورزی می‌توان چالش‌های سیاسی و اجتماعی را مدیریت و به حداقل رساند و روابطی پایدار را با کشور و ملت برزیل پیش برد.

کدگذاری انتخابی: الگوی ارتباطی جمهوری اسلامی ایران در جمهوری فدراتیو

برزیل

هدف نظریه‌پردازی بنیادی در اکثر مواقع نظریه‌سازی است. برای تبدیل تحلیل به نظریه، باید طبقات به‌طور منظم در هم آمیخته شوند. طبقه‌محوری به‌طور نظام‌مند به دیگر طبقات ربط داده شده و روابط را در چارچوب یک روایت ارائه و طبقاتی که نیاز به بهبود و توسعه دارند، تقویت و اصلاح کند و یا مدل رهیافتی را به هم ریخته و نظریه‌نهایی را نشان می‌دهد (دانایی فرد و اسلامی، ۱۳۸۹: ۱۳۴). در این نظریه در راستای تحقق مقوله اصلی، مبتنی بر شرایط علی، راهبردهایی ارائه می‌شود که باید متناسب با شرایط مداخله‌گر و مبتنی بر بستر حاکم کنش‌گری مؤثر دو کشور در جامعه بین‌المللی باشد تا پیامدهای فوق‌محقق شود.



شکل ۲- الگوی توسعه ارتباطی جمهوری اسلامی ایران در جمهوری فدراتیو برزیل

امروزه، توسعه ارتباطات، تحولی ژرف در جوامع انسانی، ساختارهای سنتی، دولت‌ها و رفتار آنان در عرصه بین‌المللی ایجاد کرده است. دو کشور مستقل جمهوری اسلامی ایران و جمهوری فدراتیو برزیل سیاست چندجانبه‌گرایی را در پیش گرفته و خواهان تثبیت جایگاه بین‌المللی خود هستند؛ لذا ضرورت دارد روابط این دو کشور، بیش از پیش تقویت شود. براساس نتایج کاوش، الگوی رفتاری برزیل در نظام بین‌الملل بسیار محتاطانه و اقتصادمحور است؛ پس ضرورت دارد جمهوری اسلامی ایران راهبرد ثابت با تاکتیک متغیر متناسب با تغییرات جامعه هدف را در مواجهه با دولت، جامعه، نهادهای مدنی، رسانه‌های اجتماعی برزیل و جامعه آمریکای لاتین به کار بگیرد. همچنین با توجه به فضای عمومی، گفتامی و رسانه‌ای این کشور، ایران باید ظرفیت‌های چند بعدی دیپلماسی عمومی را با رویکرد ارتباطات بین‌المللی و با تمرکز بر دیپلماسی رسانه‌ای، دیپلماسی فرهنگی و دیپلماسی مبادله فعال کند.

پیشنهاد‌های کاربردی و رسانه‌ای

۱- براساس پژوهش‌های انجام شده، شاخص خداباوری در کشور برزیل بالاست و این مسئله بیانگر قرابت فرهنگی-ایدئولوژیک برزیل با ایران در زمینه وحدانیت است. با توجه به ظرفیت و فرامین اجتماعی دین اسلام، اگر هوشمندانه از ظرفیت الاهیات‌رهبایی‌بخش با محوریت کلیسا برای مقابله با فقر، استعمار و استبداد در تعمیق و پیشبرد دیپلماسی عمومی استفاده شود، می‌توان



افکار عمومی جامعه را در مورد اسلام تغییر داده و همه‌های عظیم رسانه‌ای در راستای اسلام‌هراسی، شیعه‌هراسی و ایران‌هراسی را کمتر کرد.

۲- با توجه به رویکرد همه‌جانبه‌گرایی برزیل و کنش‌گری موثر آن در برهم زدن وضع موجود نظام بین‌الملل، رویکرد انتقادی ایران به ساختار شورای امنیت، ساختار ناعادلانه نظام بین‌الملل، یکجانبه‌گرایی کشورهای قدرتمند غربی، حاکمیت دلار، سیاست‌های هژمونیک، رویکردهای استقلال‌طلبانه و عدالت‌خواهانه در بین آحاد جامعه برزیل و نخبگان مقبولیت دارد. بهتر است این رویکرد در رسانه‌های برون مرزی هر چه بیشتر مورد توجه قرار بگیرد. فارغ از اینکه چه دولتی مستقر شده باشد، بخشی از افکار عمومی برزیل با سیاست‌های غرب و آمریکا در منطقه در تعارض است؛ اگرچه هم‌زمان به دلیل توسعه‌یافتگی ایالات متحده اقبال به مهاجرت به این کشور هم وجود دارد.

۳- بر اساس یافته‌های این پژوهش و با توجه به جایگاه برزیل در آمریکای لاتین، توسعه همکاری‌های رسانه‌ای با این کشور، به‌عنوان یک دستور کار ویژه برای معاونت برون مرزی صداوسیما قرار گیرد.

۴- شناساندن ظرفیت رسانه‌ای ایران به جامعه برزیل به‌ویژه رسانه‌های برون مرزی ایران (هیسپان تی وی، پرس تی وی و ...) برای شناخت بیشتر و همکاری رسانه‌های جنوب- جنوب و تبلیغات رسانه‌ای گسترده در برزیل برای شناساندن صحیح ایران به افکار عمومی برزیل از طریق بلاگرها، اساتید دانشگاه، دانشجویان و ... می‌تواند اقدامی بسیار اثربخش باشد.

۵- با توجه به قدرت بخش خصوصی برزیل برای سرمایه‌گذاری خارجی در ایران، سیاست تسهیل مهاجرت برزیلی‌ها به ایران، توسعه صنعت گردشگری و فعالیت‌های دوجانبه اقتصادی از راهکارهای بسیار مؤثر توسعه روابط فرهنگی است. در این زمینه هیسپان تی وی برنامه‌های اقتصادمحور خود را افزایش دهد.

منابع و مأخذ

جی.ویاردا، هوارد، اف.کلاین، هاروی (۱۳۸۷). *آمریکای لاتین، سیاست، حکومت و توسعه*، ترجمه علیرضا قربانپور، چاپ نخست. تهران: موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران. جعفری، علی‌اکبر و فلاح، مهرداد (۱۳۹۷). قدرت اقتصادی بریکس و بدیل برای اقتصاد لیبرال غرب. *فصلنامه سیاست*، ۴۸ (۱)، ۱-۱۸.

دادگران، سید محمد (۱۳۷۷). *مبانی ارتباطات جمعی*، چاپ دوم، تهران: انتشارات فیروزه.

- دانیایی فرد، حسن و اسلامی، آذر (۱۳۹۰). کاربرد استراتژی پژوهشی نظریه داده بنیاد در عمل، تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
- دونزباخ، ولفگانگ (۱۳۹۵). ارتباطات توسعه، دانشنامه موضوعی بین‌المللی ارتباطات ۱، ترجمه حسن بشیر و حسین حسینی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- رادگودرز، معصومه، صفری، عسگر (۱۳۹۸). نهادسازی منطقه‌ای چین و آینده نظم بین‌المللی لیبرال. فصلنامه پژوهش‌های راهبردی سیاست، ۸ (۳۰)، ۲۲۷-۲۶۲.
- راجرز، اورت میچل (۱۴۰۲). تاریخ تحلیلی علم ارتباطات. ترجمه غلامرضا آذری، تهران: آنژ.
- کریمی، یوسف (۱۳۹۶). برزیل سرزمین آینده، دفتر مطالعات بنیادین حکومتی. تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
- لرنر، دانیل (۱۳۸۳). گذر از جامعه سنتی (نوسازی خاورمیانه). مترجم غلام رضا خواجه سروری، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- لیندلف، تامس، تیلور، برایان (۱۳۹۷). روش تحقیق کیفی در علوم ارتباطات. ترجمه عبدالله گیویان، چاپ سوم، تهران: انتشارات همشهری.
- معاونت پژوهش‌های سیاسی-حقوقی (۱۳۹۵). تدوین و اجرای دیپلماسی اقتصادی: بررسی تجربه برزیل. دفتر مطالعات سیاسی.
- ملکات، سرینوس، استیوز، لزلی، (۱۳۸۸). ارتباطات توسعه در جهان سوم. ترجمه شعبانعلی بهرامپور، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری.
- ملکات، سرینوس (۱۳۸۶). نظریه‌های ارتباطات توسعه. ترجمه یونس شکرخواه، رسانه، شماره ۶۴ میرترابی، سعید و فلاح، مهرداد (۱۴۰۱). چین، بریکس و تحول در نظم نهادی اقتصاد جهانی. مطالعات اقتصاد سیاسی بین‌الملل، ۵ (۲)، ۴۴۶-۴۱۵.
- Abu Bakr, H. (2018). *BRICS Plus model can unite developing economies*. Available at: <http://en.people.cn/n3/2018/0728/c90000-9485685.html>.
- Arapova, E. (2019). The BRICS Plus” as the First International Platform Connecting Regional Trade Agreements. *Asia-Pacific Social Science Review*, 19 (2), 30-46.
- BRICS. (2015). VII Brics Summit: Ufa Declaration. Available at: <http://brics.itamaraty.gov.br/category-english/21-documents/253-vii-brics-summit-ufa-declaration>.
- BRICS. (2016). 8th Brics Summit Goa Declaration. 1-10. Available at: <http://brics.itamaraty.gov.br/images/pdf/GoaDeclarationandActionPlan.pdf>.
- BRICS. (2017). *Brics Leaders Xiamen Declaration*. Available at: www.brics.utoronto.ca/docs/170904-xiamen.pdf.
- Beltran, S (1980). *A farewell to Aristotle: Horizontal Communication*, 5, 5_41.

- Beltrán, L. (1970). *Communication in Latin America: persuasion for status quo or for national development?* Thesis for the degree of Ph.D. East Lansing, Michigan State University, Department of Communication.
- Beltrán, L. (2005). "La comunicación para el desarrollo en Latinoamérica: recuento de medio siglo". Documento presentado al III Congreso Panamericano de la comunicación. Panel 3: "Problemática de la Comunicación para el Desarrollo en el contexto de la Sociedad de la Información". Universidad de Buenos Aires. Buenos Aires. Disponible en: http://www.infoamerica.org/teoria_textos/lrb_com_desarrollo.pdf [Consulta: 2016, 15 de febrero]
- Countrymeters (2023). Available at: https://countrymeters.info/en#google_vignette
- Charmaz, Kathy (2012). The Power and Potential of Grounded Theory. *Medical Sociology online*, Volume 6, Issue 3.
- Di Filippo, A. (2007). *La Escuela Latinoamericana del Desarrollo*. Cinta Moebio, 124-154.
- Freire, Paolo. (1970). *Pedagogía del oprimido*. Nueva York, Herder & Herder.
- Garcés Corra, R. (2013). "Siete tesis sobre la prensa cubana" tomado de *Cubahora*, 17 de julio, Disponible en: <http://bit.ly/1KPIrsz> [Consulta: 2016, 12 de junio].
- Giddens, A. (1995). *Modernity and self-identity: Self and society in the late modern age*. Cambridge: Polity.
- Kaplún, M. (1990). *Comunicación entre grupos. El método del cassette-foro*. Buenos Aires, Humanitas.
- Kaplún, M. (1985). *El comunicador popular*. Quito, CIESPAL.
- MacAnnany, E (1988). Root of the past, seeds of the present, *Journal of Communication*, 38, 109-122.
- Martín-Barbero, J. (2002). *La educación desde la comunicación*. Buenos Aires, Grupo Editorial Norma.
- Pasquali, A. (1963). *Comunicación y cultura de masas*. Caracas, Universidad Central de Venezuela.
- Servaes, J. (2012). "Comunicación para el desarrollo sostenible y el cambio social. Una visión general" en *CIC Cuadernos de Información y comunicación*. Vol.17. pp. 17-40. Disponible en: <https://revistas.ucm.es/index.php/CIYC/article/viewFile/39256/37839> [Consulta: 2016, junio 11]
- Strauss, A and Corbin, J (1998). *Basics of Qualitative Research Techniques and Procedures For Developing Grounded Theory*, CA: Sage.
- Shah,H. Wilkings, K (2005). Reconsidering geometries of development. *Perspectives on Global Development and Technology*, 3(4), 395-416

بازنمایی ایران نزد کاربران لبنانی توئیتر در انتخابات پارلمانی ۲۰۲۲ لبنان

رضا جهانبازی^۱، محمدرضا برزویی^۲، سعید غفاری^۳

چکیده

فهم چگونگی درک کشورها، به‌ویژه در حوزه ارتباطات سیاسی، از اهمیت زیادی برخوردار است و نیاز به بررسی عواملی دارد که تصویر یک کشور را شکل می‌دهند. هدف این تحقیق تبیین بازنمایی و باورهای نادرست و در عین حال ارائه بینشی در مورد دیدگاه‌های جامعه لبنان در خصوص ایران است. این پژوهش در پی پاسخ به این پرسش اساسی است که بازنمایی ایران در فضای مجازی لبنان در جریان انتخابات پارلمانی این کشور در سال ۲۰۲۲ چگونه بوده و این بازنمایی‌ها چه دلالت‌هایی برای جایگاه ایران در فضای اجتماعی-فرهنگی و سیاست خارجی لبنان دارد. روش تحقیق در پژوهش حاضر کیفی و با روش متن‌کاوی بوده اما روش تحلیل داده‌ها در این پژوهش، روش تحلیل مضمون بوده است. شایان ذکر است که روش گردآوری داده‌ها در این پژوهش از طریق API توئیتر و با استفاده از کلیدواژه‌های مرتبط با ایران و در طی ماه می سال ۲۰۲۲ میلادی یعنی دو هفته قبل و دو هفته بعد از انتخابات پارلمانی لبنان بوده است. پس از تحلیل داده‌ها، ۵ مضمون فراگیر حاصل آمد که در واقع همان «مؤلفه‌ها و عناصر بازنمایی ایران نزد کاربران لبنانی توئیتر در انتخابات پارلمانی ۲۰۲۲ لبنان» هستند. برخی کاربران لبنانی ایران را به‌عنوان حامی همیشگی و خیرخواه لبنان و دیگر کشورهای منطقه بازنمایی و مؤلفه‌های قدرت آن را برجسته‌سازی کردند. در مقابل، دیگر کاربران ایران را به‌عنوان کشوری با ارتباطات سیاسی خاص و با نفوذ بالا در منطقه و همچنین کشوری دارای مشکلات داخلی بازنمایی کرده‌اند. علاوه بر این، نتایج تحلیل مضمون نشان داد که کاربران با رصد مداوم حوادث و اخبار مختلف ایران، به آن‌ها واکنش نشان داده‌اند که نشان از حساسیتشان در خصوص موضوع ایران است.

کلیدواژه‌ها: بازنمایی، توئیتر، ایران، انتخابات پارلمانی ۲۰۲۲ لبنان.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۴/۲۴

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۰/۱۸

۱. دانشجوی دکترای فرهنگ و ارتباطات، گروه ارتباطات و رسانه، دانشکده فرهنگ و ارتباطات، دانشگاه امام

صادق (ع)، تهران، ایران. R.Jahanbazi@isu.ac.ir

۲. دانشیار گروه ارتباطات و رسانه، دانشکده فرهنگ و ارتباطات، دانشگاه امام صادق (ع)، تهران، ایران (نویسنده

مسئول). Borzooei@isu.ac.ir

۳. استادیار دانشکده فرهنگ و ارتباطات دانشگاه امام صادق (ع)، تهران، ایران. Ghaffatitv@gmail.com

DOI: 10.22034/imrl.2024.406942.1187



مقدمه

در دنیای امروز اگرچه ظرفیت‌های اقتصادی، سیاسی و راهبرد ملی نقش ذاتی خود را ایفا می‌کنند، اما تصویری که از یک کشور نزد مردم دیگر کشورها وجود دارد، اهمیت ویژه‌ای می‌یابد. تصویری که از یک کشور در اذهان دیگران وجود دارد، حاصل بازنمایی آن کشور از خود و همچنین بازنمایی دیگران از آن است. از این جهت کشوری که به دنبال بازیگری در مسائل منطقه‌ای و جهانی و رسانش پیام خود است باید بتواند بازنمایی‌ای را که از آن نزد دیگران صورت می‌گیرد، مدیریت کند. جمهوری اسلامی ایران که همواره به دنبال ایفای نقش محوری و الهام‌بخش در منطقه و جهان بوده امروزه در عرصه بین‌المللی با موجی از تبلیغات منفی مواجه شده است. دشمنان سعی در القای مفاهیمی مانند ایران‌ستیزی و ایران‌هراسی در بین افکار عمومی دارند. از بسترهایی که می‌توان رسانش پیام و مدیریت تصویر در آن انجام گیرد، فضای مجازی بوده که امروزه در دسترس بیشتر مردم در جهان است.

در بازنمایی و مدیریت تصویر، یکی از اولویت‌های مهم برای سیاست‌گذاران فرهنگی و ارتباطی در ایران، جهان عرب است؛ این کشورها دارای اشتراکات زبانی و فرهنگی زیادی در بین خود بوده و همین امر باعث می‌شود پیام‌های ارتباطی در بین این جوامع به‌خوبی جریان یابد. توصیف و تحلیل تصویر ایران نزد کاربران فضای مجازی در جهان عرب باعث فهم ضعف‌ها و نقایص سیاست‌های فرهنگی و ارتباطی ایران در حوزه مدیریت تصویر شده که می‌توان با سیاست‌گذاری‌های مناسب، آن‌ها را برطرف و جبران نمود؛ از سوی دیگر با فهم نقاط قوت می‌توان به تقویت بیشتر این خط‌مشی‌ها پرداخت و زمینه را برای تبدیل نقاط ضعف به قوت فراهم نمود.

لبنان به‌عنوان کشوری که هم‌پیمان منطقه‌ای ایران یعنی حزب‌الله در آن وجود دارد، کشوری پر اهمیت تلقی می‌شود. طبق آمارهای جهانی، لبنان در حال حاضر ۶,۷۳ میلیون نفر جمعیت دارد که ۸۹,۳٪ از آن در مناطق شهری زندگی می‌کنند. از این جمعیت، ۶,۰۱ میلیون نفر کاربر اینترنت هستند؛ به عبارت دیگر ضریب نفوذ اینترنت در لبنان ۸۹,۳ درصد از کل جمعیت است. می‌توان گفت بیشتر مردم لبنان، فعال رسانه‌های اجتماعی هستند (برگرفته از سایت سازمان بانک جهانی داده، ۲۰۲۲). طبق آمارها، در ژانویه سال ۲۰۲۲ میلادی، ۵,۰۶ میلیون کاربر رسانه‌های اجتماعی در لبنان وجود داشت که معادل ۷۵,۲ درصد از کل جمعیت آن بود. گزارش‌ها نشان می‌دهد که استفاده از این رسانه‌ها در لبنان نسبت به سال ۲۰۲۱ میلادی نزدیک به ۱۶٪



افزایش داشته است. توئیتر به‌عنوان یکی از رسانه‌های اجتماعی که امروزه، بیشتر کاربرد نخبگانی-سیاسی دارد، دارای محدودیت سنی بالای ۱۳ سال است. بیش از ۱۰٪ از کاربران لبنانی بالای ۱۳ سال، مخاطب این سکوی مجازی (پلتفرم) هستند که کاملاً فضای نخبگانی و سیاسی در آن حاکم است (Kemp, 2022).

پلتفرم‌ها (سکوها/ بن‌سازه‌ها) و رسانه‌های اجتماعی، امروزه محیط مساعدی برای تعاملات کاربران فراهم آورده‌اند که در کنار حیات حقیقی خود، نوعی دیگری از زندگی را تجربه کنند که از دیگری جدا و منفک نیست بلکه این دو از هم تأثیر گرفته و بر دیگری تأثیر می‌گذارند. اتفاقات مختلفی که در زندگی روزمره در جریان است، به نحوی در درون پلتفرم‌ها و رسانه‌های اجتماعی نیز جاری و ساری‌اند؛ به عبارت دیگر زندگی اجتماعی دیگری درون آنها وجود دارد. توئیتر به‌عنوان یکی از این رسانه‌ها، به‌دلیل فضای نخبگانی خود، بیشتر مسائل سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و... را دنبال می‌کند.

توئیتر امروزه به ظرفیت مناسبی برای کمپین‌سازی و عملیات روانی در رسانه‌های اجتماعی تبدیل شده و تأثیرگذاری بالایی در اطلاع‌رسانی و هماهنگی معترضان در جنبش‌های اجتماعی، نظیر بیداری اسلامی و وال‌استریت و... داشته است (برزویی و همکاران، ۱۴۰۱: ۲). این رسانه اجتماعی در جریان انتخابات پارلمانی لبنان که در ۱۵ می ۲۰۲۲ برگزار شد، نقش مهمی در کمپین‌سازی‌های احزاب و ائتلافات مختلف ایفا کرد. از آنجایی که حزب‌الله لبنان به‌عنوان هم‌پیمان راهبردی ایران در منطقه محسوب می‌شود، ایران در جریان انتخابات این کشور از آن و هم‌پیمانانش حمایت می‌کرد. یکی از مطالبی که مخالفان ایران و حزب‌الله لبنان در این انتخابات در بستر رسانه‌های اجتماعی مانند توئیتر و فیس‌بوک با هدف دستکاری افکار عمومی بر علیه ایران مطرح می‌کردند، «دخالت‌های ایران در لبنان» و به خصوص در انتخابات پارلمانی این کشور بوده است. به صورت کلی این نحوه از بازنمایی که ایران را مداخله‌گر در امور سایر کشورها می‌داند، خط دنبال شده غرب علیه ایران است که در موضوعات مختلف منطقه‌ای بسیار مشاهده می‌شود که در بخش یافته‌های پژوهش مفصلاً بحث خواهد شد.

برخلاف تصور همسویی بی‌چون و چرای لبنان با جمهوری اسلامی ایران، اذعان به این نکته ضروری است که بخشی از مردم لبنان اینگونه فکر نمی‌کنند. عده‌ای «حزب‌الله» را به‌عنوان نماینده ایران در این کشور می‌دانند و مخالف نفوذ آن هستند (حنین غدار، ۲۰۲۲). درک دیدگاه‌های مختلف در مورد ایران و ارتباط آن با لبنان، به‌ویژه در زمان انتخابات، برای شناسایی

و رسیدگی به اختلالات ارتباطی احتمالی در میان کاربران لبنانی بسیار مهم است. در این زمینه، «اختلالات ارتباطی»^۱ به سوءتفاهم‌هایی اطلاق می‌شود که هنگام تعامل ایران با لبنان در حوزه‌های مختلف از جمله سیاست، فرهنگ، اقتصاد و تعاملات اجتماعی در میان مردم لبنان ایجاد می‌شود. روابط برقرار شده بین دو کشور ممکن است به اندازه کافی توسط برخی از اقشار مردم لبنان درک یا پذیرفته نشود، که منجر به اختلاف در برداشت‌ها و تفاسیر می‌شود.

در عصر کنونی که جهان به سمت پلتفرمی شدن پیش می‌رود، رسانه‌های اجتماعی نقشی حیاتی در شکل‌دهی افکار عمومی و تأثیرگذاری بر زندگی واقعی ایفا می‌کنند. این امر برای جمهوری اسلامی ایران، که به دنبال ایفای نقشی محوری و الهام‌بخش در منطقه و جهان است، اهمیتی دوچندان می‌یابد. در حالی که ایران در عرصه بین‌المللی با موجی از تبلیغات منفی و تلاش‌هایی برای القای مفاهیمی چون ایران‌ستیزی و ایران‌هراسی مواجه است، فضای مجازی فرصتی مناسب برای مدیریت بازنمایی کشور و رسانش پیام فراهم می‌آورد. رسانه‌های اجتماعی، با شکل دادن به برداشت کاربران از موضوعات مختلف از جمله روابط بین‌المللی ایران، می‌توانند مورد سوءاستفاده دشمنان برای مخدوش کردن تصویر کشور قرار گیرند. بنابراین، درک چگونگی تصور و بازنمایی ایران توسط دیگران، تشخیص ادراکات نادرست، و رسیدگی به اختلالات ارتباطی، گام‌هایی ضروری در جهت اصلاح برداشت‌های غلط، مقابله با تصاویر نادرست، و تقویت همکاری‌های بین‌المللی هستند. این امر به ایران کمک خواهد کرد تا در راستای اهداف خود برای ایفای نقش مؤثر در مسائل منطقه‌ای و جهانی، پیام خود را به شکلی مؤثرتر به مخاطبان برساند و جایگاه خود را در عرصه بین‌المللی تقویت کند. با این حال، شایان ذکر است که دامنه این پژوهش به جای بررسی نقش گسترده‌تر رسانه‌ها در امور بین‌الملل، به طور خاص بر بازنمایی ایران و اختلالات ارتباطی در میان کاربران لبنانی متمرکز است.

سؤال اصلی این پژوهش بدین شرح است که نوشتار حاضر به دنبال پاسخگویی به آن است: بازنمایی ایران نزد کاربران عرب زبان رسانه اجتماعی توئیتر در جریان انتخابات پارلمانی ۲۰۲۲ کشور لبنان چگونه بوده است؟

پیشینه پژوهش

در این بخش پژوهش‌هایی که در حوزه موضوعی به این اثر مرتبط هستند در قالب جدول زیر ارائه شده‌اند:

جدول ۱. پیشینه پژوهش

ردیف	عنوان	نویسندگان	محور اصلی
۱	بازنمایی ایران در سایت شورای روابط خارجی امریکا	منوچهری، ۱۳۹۱	نتایج این پایان‌نامه نشان می‌دهد که آنچه در صفحه راهنمای بحران درباره ایران ارائه شده است، با سوگیری‌ها و کلیشه‌سازی‌هایی همراه است و این صفحه با بازتولید انگاره‌ها و کلیشه‌های رایج شرق شناسانه، نظام «دیکتاتور» و «تروریست» ایران را هم خطر و تهدیدی داخلی و هم تهدیدی برای غرب و جهان بازنمایی می‌کند.
۲	بازنمایی انگاره هویت ایرانی و بازشناسی مولفه‌های آن در شبکه اجتماعی توئیتر	مجیدی‌فرد؛ کامیابی؛ مجیدی‌فرد، ۱۳۹۹	پس از تحلیل داده‌های کیفی به روش تحلیل تماتیک، الگوهای هویتی ایرانیان استخراج شده که از آن میان دیگری محوری، گریز از خود، عاملیت‌گرایی، قربانی‌انگاری، تعمیم رفتارهای روزمره، مثبت‌اندیشی و تحقیر هویت ایرانی پررنگ‌ترین و پربسامدترین مولفه‌هایی بودند که کاربران ایرانی در مورد هویت ایرانیان به کار می‌برند. نتایج این پژوهش، مؤلفه‌ها یا خصوصیات اخلاقی که ایرانیان به خود نسبت می‌دهند را برجسته کرده و نقاط مثبت و منفی رفتار آن‌ها را هویدا می‌سازد.
۳	بازنمایی سنا در توئیتر: شهرت سیاست‌های ملی برای ارتباط با رأی‌دهندگان ^۱	Russell, A. 2021	این مطالعه نشان می‌دهد چگونه سناتورها از توئیتر برای بیان یک برنامه سیاست قوی استفاده می‌کنند. نتایج نشان می‌دهد که پیام‌های سیاست‌محور سناتورها سبک غالب شهرت‌سازی در توئیتر است. سناتورها سبک‌های دیجیتال‌نمابندگی را اتخاذ می‌کنند که سیاست را در اولویت قرار می‌دهد و خود را به‌عنوان کارشناسان قانون‌گذاری برای تأکید بر سیاست‌های برجسته به جای نگرانی‌های محلی، قرار می‌دهد
۴	نام تجاری امنیتی و	Anzera, Gianturco	در این پژوهش محتوای ارائه شده از طریق پست‌های

1.Senate Representation on Twitter: National Policy Reputations for Constituent Communication (2021)



ردیف	عنوان	نویسندگان	محور اصلی
	روایت‌های دیجیتال. بازنمایی مسائل امنیتی در توییتر ^۱	& Massa. 2019	توییتری توسط حساب‌های وزارت خارجه چهار کشور مختلف از نظر موقعیت ژئوپلیتیک و نگرانی‌های امنیتی (ایالات متحده، رژیم صهیونیستی، فرانسه و سوئد) برای یک دوره سه ماهه تحلیل شده است که منجر به شناسایی مدل‌های مختلف و الگوهای مشخصه بازنمایی خود می‌شود؛ نهایتاً این مطالعه منجر به شناسایی مدل‌ها و الگوهای مشخصه بازنمایی خود شده که با توجه به فراز و نشیب‌های داخلی تعیین شده است و قاعده‌مندی‌هایی را نشان می‌دهد.

به نظر می‌رسد تا زمان نگارش این مقاله مشخصاً در این موضوع، پژوهشی و مقاله مستقیمی انجام نگرفته است؛ بررسی پژوهش‌های منتخب نشان می‌دهد که موضوع بازنمایی در توییتر و بازنمایی ایران مورد توجه پژوهشگران بوده است و از شیوه‌های مختلفی به موضوعات مذکور پرداخته‌اند. موضوع پژوهش، کاملاً جدید بوده به صورتی که تنها چندماه پیش از نگارش این مقاله، انتخابات پارلمانی ۲۰۲۲ لبنان به اتمام رسیده است؛ همچنین چنین پژوهشی در مورد لبنان به عنوان کشوری که هم‌پیمان منطقه‌ای ایران یعنی حزب‌الله در آن وجود دارد، به انجام نرسیده است. علاوه بر این توییتر نیز به عنوان رسانه‌ی اجتماعی محبوب نخبگان موضوع پژوهش را نخبگانی‌تر و بکرتر کرده است.

مبانی نظری

نظریه بازنمایی

از مفاهیم بنیادی مطالعات رسانه‌ای «بازنمایی» است. بازنمایی همانند فیلتری است که به واسطه آن واقعیات توسط رسانه‌ها انعکاس می‌یابد و معنا از طریق زبان تولید می‌شود. البته لازم به ذکر است بازنمایی فقط انعکاس دهنده نیست و به همراه آن معنا شکل یافته و واقعیت شکل می‌گیرد. رسانه‌های جمعی تصاویری از واقعیت‌های ملموس و انتزاعی ارائه می‌کنند و معنای جدیدی را به این تصاویر که می‌توانند گفتاری، نوشتاری و... باشد می‌افزایند. مفهوم بازنمایی در رسانه‌ها ساختی است که رسانه‌های جمعی از ابعاد مختلف واقعیت همچون افراد، مکان‌ها، اشیاء،

1. Security branding and digital narrations. Security issues representation on Twitter (2019)



اشخاص، هویت‌های فرهنگی و... ایجاد می‌کنند که این تجلی ممکن است به شکل گفتاری، نوشتاری و تصاویر متحرک باشد (Dayer, 1993: 69). در نظر استوارت هال بازنمایی با سه رویکرد انجام می‌گردد. رویکرد اول انعکاسی یا بازتابی است که در آن واقعیت به صورت عینی انعکاس می‌یابد و سوژه آن‌گونه که هست بازنمایی می‌شود. رویکرد دوم ارادی یا تعمدی است که برعکس رویکرد بازتابی واقعیت نشان داده نمی‌شود و نمایشی از سوژه بازنمایی می‌شود. در رویکرد سوم اما افراد معانی را به وسیله نظام‌های بازنمایی و مفاهیم و نشانه‌ها می‌سازند (Hall, 2003: 24-25). هال با تکیه به رویکرد سوم رسانه‌ها را بازتاب‌دهنده واقعیات نمی‌داند و به این عقیده است که آن‌ها واقعیات را به صورت نمادین و رمز و نشانه در می‌آورند. به عقیده‌ی هال در مسیر بازنمایی، دو راهبرد توسط رسانه‌ها در دستور کار قرار می‌گیرند: «کلیشه‌سازی»^۱ و «طبیعی‌سازی»^۲ یا «بدیهی‌نمایی»^۳. به عقیده هال کلیشه‌سازی یک پدیده را در حد چند خصیصه یا ویژگی ساده تقلیل می‌دهد. در حقیقت، کلیشه‌سازی تعداد اندکی از خصیصه‌های ساده، پایدار، به سادگی قابل فهم و البته منفی را در یک پدیده را در نظر می‌گیرد و همه چیز درباره آن پدیده را به آن خصیصه‌ها تقلیل می‌دهد و آن صفات را اغراق‌آمیز و ساده ساخته و ثابت و ابدی می‌پندارد (Hall, 2003: 258-259).

گرچه نظریه بازنمایی استوارت هال در ابتدا برای تحلیل رسانه‌های جمعی توسعه یافت، اما مفاهیم کلیدی آن، از جمله برساخت، کلیشه‌سازی و طبیعی‌سازی، قابلیت انطباق با فضای رسانه‌های اجتماعی را دارند. چنانکه ون دایک (۲۰۱۳) اشاره می‌کند، رسانه‌های اجتماعی نه تنها بازتاب‌دهنده واقعیت‌های اجتماعی هستند، بلکه به طور فعال در شکل‌دهی آن‌ها نیز نقش دارند. این دیدگاه با مفهوم برساخت هال (۱۹۹۷) همخوانی دارد که بر نقش فعال رسانه‌ها در ساخت معنا تأکید می‌کند. علاوه بر این، مطالعات اخیر نشان داده‌اند که مفاهیم کلیشه‌سازی و طبیعی‌سازی هال در بستر توئیتر نیز قابل مشاهده و تحلیل هستند (Marwick & Boyd, 2011).

در زمینه بازنمایی ایران در توئیتر کاربران لبنانی، استفاده از چارچوب نظری هال می‌تواند به درک عمیق‌تری از نحوه شکل‌گیری و انتشار تصاویر ذهنی منجر شود. به عنوان مثال، مفهوم

1. Stereotyping

۲. Naturalization. این مفهوم به فرآیندی اشاره دارد که طی آن، ایده‌ها، باورها یا روابط اجتماعی که در واقع ساخته‌ی فرهنگ و جامعه هستند، به عنوان امری طبیعی، بدیهی و اجتناب‌ناپذیر جلوه داده می‌شوند.

3. Common-sensing

«رژیم حقیقت»^۱ هال (۱۹۹۷) می‌تواند در تحلیل نحوه مشروعیت‌بخشی به برخی روایت‌ها درباره ایران در فضای توئیتر مفید باشد. همچنین، تحقیقات نشان داده‌اند که مکانیسم‌های بازنمایی در رسانه‌های اجتماعی، گرچه با سرعت و پویایی بیشتری عمل می‌کنند، اما همچنان از الگوهای مشابهی با رسانه‌های جمعی پیروی می‌کنند (Papacharissi, 2015). بنابراین، استفاده از نظریه هال در تحلیل بازنمایی ایران در توئیتر، با توجه به ویژگی‌های خاص این پلتفرم، می‌تواند به درک جامع‌تری از فرآیندهای بازنمایی در عصر دیجیتال منجر شده و به محققان اجازه می‌دهد تا پیچیدگی‌های بازنمایی و چگونگی شکل‌دهی گفتمان‌های مختلف به برداشت از ایران در میان مردم لبنان را کشف کنند.

نظریه جامعه پلتفرمی^۲

ظهور طیف گسترده‌ای از پلتفرم‌های رسانه‌های دیجیتال از Airbnb تا Uber و از وبسایت‌های محلی گرفته تا شرکت‌های رسانه‌های اجتماعی فعال در سراسر جهان مانند فیس‌بوک، جامعه پلتفرمی را ایجاد می‌کند؛ جامعه‌ای که در آن ارتباطات اجتماعی و اقتصادی به طور فزاینده‌ای از طریق سیستم‌های بهم پیوسته رسانه‌های دیجیتال، «شبکه‌ای» می‌شوند (de Waal and de Lange, 2017: 53). تکامل و بسط تاریخی فناوری باعث تولید مداوم «خصلت فزاینده‌گی» در تمام وجوه زندگی روزمره فرد و جمعیت مانند شبکه‌ای شدن فزاینده می‌شود (ستاری، ۱۳۹۴: ۶۸۳). نظریه‌ی جامعه پلتفرمی حوزه ون دایک (۲۰۱۸) اثرات پلتفرم‌های دیجیتال را بر ساختارهای اجتماعی، فرهنگی و سیاسی بررسی می‌کند. ون دایک استدلال می‌کند که ظهور پلتفرم‌هایی مانند فیس‌بوک، گوگل و آمازون با تغییر قدرت از نهادهای سنتی و به سمت مجموعه جدیدی از واسطه‌های دیجیتال، جامعه را به طور اساسی متحول کرده است. نظریه جامعه پلتفرمی چارچوبی حیاتی برای درک این تغییرات و پیامدهای آن برای افراد، اجتماعات و جامعه به‌عنوان یک کل ارائه می‌دهد.

در هسته نظریه ون دایک، مفهوم «پلتفرم‌سازی»^۳ قرار دارد که به فرآیندی اشاره دارد که در آن پلتفرم‌ها به مرکزیت فعالیت‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی تبدیل شده‌اند. ون دایک استدلال می‌کند که پلتفرم‌ها با تسهیل ارتباطات، تبادل و همکاری در حوزه‌های مختلف

1. Regime of Truth
2. Platform Society
3. Platformization



زندگی، به «زیرساخت‌های کلیدی جامعه معاصر ما» تبدیل شده‌اند. پلتفرم‌ها مدل‌های کسب‌وکار سنتی را مختل کرده و اشکال جدیدی از کارآفرینی و نوآوری را ایجاد کرده‌اند. آنها همچنین به کاربران قدرت داده‌اند تا محتوا را در مقیاسی که قبلاً هرگز ممکن نبوده است ایجاد و به اشتراک بگذارند. بنابراین، پلتفرم‌ها نحوه تعامل، تولید و مصرف مردم را شکل می‌دهند (Van Dijck, 2018: 1-12).

با این حال، ون دایک جنبه تاریک پلتفرم‌سازی را نیز برجسته کرده است. او استدلال می‌کند که پلتفرم‌ها اشکال جدیدی از قدرت و کنترل ایجاد کرده‌اند که مبهم، غیرقابل پاسخگویی و اغلب در تضاد با ارزش‌های سنتی دموکراتیک هستند. پلتفرم‌ها همچنین امکان ظهور اشکال جدیدی از نظارت، دستکاری و بهره‌کشی را فراهم کرده‌اند که حریم خصوصی، استقلال و نمایندگی را تهدید می‌کنند. در نتیجه، جامعه پلتفرمی با اشکال جدیدی از نابرابری، طرد و قطبی شدن مواجه می‌شود که توسط طراحی، الگوریتم‌ها و مدل‌های تجاری پلتفرم شکل می‌گیرد (Van Dijck, 2018: 36).

نظریه ون دایک همچنین بر نیاز به اشکال جدیدی از حکمرانی که بتواند به این چالش‌ها رسیدگی کند، تأکید می‌کند. او استدلال می‌کند که اشکال سنتی مقررات و مسئولیت‌پذیری برای مقابله با پیچیدگی و پویایی جامعه پلتفرمی کارآمد نیستند. در عوض، او خواستار توسعه اشکال جدیدی از «حکمرانی پلتفرمی»^۱ است که می‌تواند نوآوری و ارزش‌های اجتماعی را متعادل کند. این امر مستلزم رویکردی مشارکتی‌تر و شفاف‌تر در حکمرانی است که شامل ذینفعانی مانند کاربران، جامعه مدنی و دولت می‌شود (Van Dijck, 2018: 52-63).

به طور کلی، نظریه جامعه پلتفرمی ون دایک دیدگاهی انتقادی و روشنگر در مورد تأثیر پلتفرم‌ها بر جامعه‌ی معاصر ارائه می‌دهد. او با برجسته کردن فرصت‌ها و چالش‌های پلتفرم‌سازی، چارچوبی برای درک تعامل پیچیده بین فناوری، جامعه و سیاست فراهم کرده است. با توجه به نقش برجسته رسانه‌های اجتماعی در شکل‌دهی افکار و ادراکات عمومی، نظریه ون دایک می‌تواند در این تحقیق برای درک اینکه چگونه توئیتر، به‌عنوان یک پلتفرم کلیدی، در بازنمایی ایران در لبنان تأثیر می‌گذارد، ارزشمند باشد. علاوه بر این می‌تواند مکانیسم‌های انتشار اطلاعات درباره ایران، نقش الگوریتم‌ها در شکل‌دهی مواجهه کاربران به محتوا، و اینکه چگونه این عوامل ممکن است به اختلالات ارتباطی و سوء تفاهم‌ها کمک کنند، روشن کند.

روش پژوهش

این پژوهش با رویکرد کیفی انجام شده است؛ منظور از تحقیق کیفی عبارت است هر نوع تحقیقی که یافته‌هایش را با شیوه‌هایی غیر از روش‌های آماری یا هرگونه کمی کردن به دست آورده باشد (استراوس و کوربین، ۱۳۸۵: ۱۷). در انجام هر پژوهش کیفی، سه بخش عمده وجود دارد:

- جمع‌آوری داده‌ها: شامل گردآوری داده‌هاست که می‌تواند از طریق مصاحبه، مشاهده، متن کاوی و... به دست آید.
- روش تحلیل داده‌ها: شامل روش‌هایی برای تحلیل، تعبیر و تفسیر داده‌های گردآوری شده است و برای رسیدن به نظریه به کار می‌رود. به این مرحله کدگذاری هم گفته می‌شود.
- یافته‌های پژوهش: شامل گزارش‌های مکتوب و شفاهی از نظریه و یافته‌های پژوهش است.

روش و ابزار جمع‌آوری داده

بازهی مورد بررسی در این پژوهش، دو هفته قبل تا دو هفته بعد از انتخابات پارلمانی لبنان است که در ۱۵ می سال ۲۰۲۲ برگزار گردید. به بیان دیگر داده‌ها طی یک ماه، یعنی از ابتدای ماه می میلادی جمع‌آوری گردیدند. داده‌های مورد نظر از طریق API توییتر که امکان دریافت داده‌ها را برای کاربران فراهم می‌کند، جمع‌آوری شدند. برای این کار بیش از ۴۰ کلیدواژه‌ی مرتبط با «ایران» به زبان عربی انتخاب و داده‌های آنها در بازه زمانی مورد پژوهش گردآوری شد. لازم به ذکر است که از آنجایی که فقط کاربران لبنانی مدنظر نگارنده هستند، با استفاده از نقطه مکانی هر کاربر، فقط کاربران لبنانی برای تحلیل نهایی جداسازی شدند. در نهایت و پس از جمع‌بندی، تعداد کل توییت‌ها به ۲۷۰۸۹ عدد رسید نهایتاً پس از نمونه‌گیری تصادفی با فرمول کوکران، با ۹۵ درصد اطمینان و حاشیه خطای ۵ درصد، حجم نمونه به ۳۷۹ عدد رسید که پس از آن سه گام تحلیل مضمون بر روی این داده‌ها انجام شد. هرچند استفاده از فرمول کوکران، در پژوهش‌های کیفی رایج نیست ولی با توجه به تعداد زیاد توییت‌ها از این فرمول استفاده شد.

روش تحلیل داده‌ها

مرحله دوم این پژوهش یعنی تحلیل، تعبیر و تفسیر داده‌ها، براساس روش تحلیل مضمون (تحلیل تماتیک) انجام شده است که در این بخش به تشریح آن پرداخته می‌شود:

تحلیل مضمون

رویکرد تحقیق در نوشتار حاضر، رویکرد کیفی است؛ رویکردهای کیفی بسیار متنوع، پیچیده، و ظریف هستند و یکی از روش‌های ساده و کارآمد تحلیل کیفی، تحلیل مضمون است. تحلیل مضمون^۱ نخستین روش تحلیل کیفی است که محققان باید فرا بگیرند، زیرا این روش مهارت‌های اصلی که برای اجرای بسیاری از روش‌های دیگر تحلیل کیفی لازم است را فراهم می‌آورد. (78: Braun and Clarke, 2006) تحلیل مضمون روشی برای شناخت، تحلیل و گزارش الگوهای موجود در داده‌های کیفی است. این روش فرآیندی برای تحلیل داده‌های متنی است که داده‌های پراکنده و تحلیل‌های متنوع را به داده‌هایی منسجم و تفصیلی تبدیل می‌کند. با توجه به تنوع روش‌های به کار رفته در تحلیل مضمون و تنوع دیدگاه صاحب نظران، عناوین و طبقه‌بندی‌های متفاوتی برای مضامین وجود دارد. برخی پژوهشگران، مضامین را به لحاظ ماهیت و برخی دیگر به لحاظ جایگاه و سلسله مراتب آنها در تحلیل مضمون دسته‌بندی کرده‌اند. در این پژوهش، مبنای تقسیم بندی بر اساس جایگاه مضمون در شبکه مضامین خواهد بود. این تقسیم‌بندی که مستنبط از نظریه اترید-استرلینگ (Attride-Stirling, 2001: 396) است، سه سطح مضمون خواهد داشت:

جدول ۲. دسته‌بندی انواع مضامین پژوهش

در کانون شبکه‌ی مضامین قرار می‌گیرد	فراگیر	جایگاه مضمون در شبکه مضامین
واسط مضامین فراگیر و پایه‌ی شبکه است	سازمان‌دهنده	
مبین نکته مهمی در متن است و با ترکیب آنها، مضمون سازمان‌دهنده ایجاد می‌شود.	پایه	

در پژوهش حاضر، که از رویکرد کیفی با تکنیک مطالعه موردی استفاده شده است، اعتبار و قابلیت اعتماد تحقیق بر اساس معیارهای خاص پژوهش‌های کیفی مورد بررسی قرار گرفته است. این معیارها شامل باورپذیری، انتقال‌پذیری، تأییدپذیری، اطمینان‌پذیری و اعتمادپذیری هستند (Lincoln & Guba, 2015).

- باورپذیری^۲: برای افزایش باورپذیری پژوهش، از تکنیک سه‌سویه‌سازی^۳ استفاده شده است. داده‌های پژوهش جهت تحلیل مضمون به سه نفر از پژوهشگران حوزه مورد پژوهش -یک

1. Thematic Analysis
2. Credibility
3. Triangulation

نفر دانشجوی دکتری و دو نفر دانشجوی کارشناسی ارشد- ارائه شد. پس از کدگذاری توسط این افراد و مقایسه و بررسی کدها، فرآیند تحلیل مضمون نهایی شد. این امر به افزایش اعتبار یافته‌های پژوهش کمک کرده است.

- انتقال‌پذیری^۱: اگرچه هدف این پژوهش تعمیم نتایج نیست، اما با ارائه توصیف غنی و دقیق از زمینه پژوهش (بازنمایی ایران در توئیتر کاربران لبنانی) و فرآیند تحقیق، امکان ارزیابی قابلیت انتقال یافته‌ها به زمینه‌های مشابه برای خوانندگان فراهم شده است.
 - تأییدپذیری^۲: برای افزایش تأییدپذیری، فرآیند خودبازبینی محقق در طی جمع‌آوری و تحلیل داده‌ها چندین بار انجام شده است (Andreas, 2003). به نقل از عباس‌زاده، (۱۳۹۱: ۲۴). همچنین، مستندسازی دقیق تمام مراحل پژوهش و تصمیم‌گیری‌ها انجام شده است تا امکان ممیزی خارجی فراهم شود.
 - اطمینان‌پذیری^۳: برای افزایش اطمینان‌پذیری، از روش‌های ماشینی در جمع‌آوری داده‌ها استفاده شده که دقت نظر تحقیق را بالا برده است. در مرحله تحلیل داده‌ها نیز از روش تحلیل مضمون استفاده شده که روشی کاملاً چارچوب‌مند و منضبط است.
 - اعتمادپذیری^۴: اعتمادپذیری این پژوهش از طریق ترکیبی از معیارهای فوق حاصل شده است. دقت در انجام مراحل مختلف تحقیق، استفاده از روش‌های ماشینی در جمع‌آوری داده‌ها، بهره‌گیری از روش تحلیل مضمون، و بازبینی نتایج توسط همکاران پژوهشی، همگی به افزایش اعتمادپذیری پژوهش کمک کرده‌اند.
- در مجموع، با توجه به ماهیت کیفی این پژوهش و تمرکز آن بر ارائه توصیف تحلیلی از بازنمایی ایران در یک مورد خاص (کاربران توئیتری لبنان)، تلاش شده است تا با رعایت معیارهای فوق، اعتبار و قابلیت اعتماد پژوهش تأمین شود.

یافته‌های پژوهش

بازنمایی ایران، به معنای تصویر ادراک شده توسط کاربران لبنانی توئیتر از ایران بوده و هدف در این پژوهش نیز دستیابی به مؤلفه‌ها و عناصر این بازنمایی است که با استفاده از روش تحلیل

-
1. Transferability
 2. Confirmability
 3. Dependability
 4. Trustworthiness



مضمون توئیتهای تحلیل و بررسی شده‌اند. به همین منظور، ابتدا مضامین پایه که حاصل گام اول تحلیل است، بیان خواهد شد؛ سپس مضامین سازمان دهنده (تفسیری) که حاصل تجمیع مضامین پایه است بیان می‌شود و در پایان، مضامین فراگیر که همان مضامین اصلی و محوری پژوهش خواهند بود معرفی و تحلیل خواهند شد. گام آخر تحلیل، همان گامی است که در واقع ما را به مؤلفه‌ها و محورهای تشکیل دهنده‌ی «شیوه‌بازنمایی ایران نزد کاربران لبنانی توئیتر در انتخابات پارلمانی ۲۰۲۲ لبنان» می‌رساند. همانگونه که پیش‌تر بیان شد، نگارنده پس از جمع‌آوری داده‌ها و نمونه‌گیری به ۳۷۹ توئییت جهت تحلیل مضمون رسید.

گام اول تحلیل مضمون

مضامین پایه پژوهش، حاصل بررسی ۳۷۹ نمونه هستند؛ پس از انجام گام اول، ۳۸۵ مضمون پایه حاصل آمد. شایان ذکر است که به اقتضای موضوع هر توئییت، از برخی از آن‌ها بیش از یک مضمون استخراج شده است. پس از بررسی نمونه ۳۷۹ عددی، نگارنده به کفایت نظری رسید و می‌توان گفت دیگر مضمون مرتبگی که به سؤالات این پژوهش مربوط باشد در بازه‌ی زمانی مدنظر وجود ندارد.

گام دوم تحلیل مضمون

اما گام دوم تحلیل مضمون، تجمیع مضامین پایه مستخرج در مرحله قبل است؛ بدین معنا که مضامینی را که می‌توان ذیل یک چتر مفهومی گسترده‌تر مطرح کرد، یکپارچه کرده و به تعداد محدودتری از مضامین با گستره‌ی مفهومی بیشتری دست یابیم. این مضامین را مضامین سازمان دهنده و یا تفسیری نیز می‌نامند. لازم به ذکر است، این مضامین به ترتیب تعداد بیشتر دیده شدن که در این پژوهش «جمع تعداد لایک و ریتوئییت هر توئییت» است آورده شده‌اند؛ مزیت بررسی مضامین بر این اساس، پرداخت به مهم‌ترین مطالب ذکر شده توسط کاربران است.

جدول ۳. مضامین سازمان دهنده پژوهش

ردیف	مضمون سازمان دهنده	تعداد دیده شدن
۱	اعتراض به نفوذ ایران در کشورهای منطقه	۲۹۶۱۸
۲	اقتدار و قدرت برتر ایران	۲۰۳۲۱
۳	انتقاد از معترضان به حضور ایران در لبنان	۲۰۱۵۰

ردیف	مضمون سازمان‌دهنده	تعداد دیده شدن
۴	رضایت‌مندی از شکست حامیان ایران در انتخابات پارلمانی لبنان	۱۲۴۷۳
۵	انتقاد از حامیان ایران در لبنان	۱۱۷۶۵
۶	دخالت سفیر سعودی در انتخابات لبنان و نه ایران	۱۱۶۹۳
۷	رضایت‌مندی از ناآرامی در ایران	۱۱۰۲۲
۸	مخابره اخبار متفرقه مرتبط با ایران	۷۶۴۶
۹	ایفای نقش بین‌المللی ایران	۶۹۰۹
۱۰	خبر شهادت شهید صیاد خدایی	۶۶۸۳
۱۱	سلاح حزب‌الله، مشکل لبنان	۶۱۱۵
۱۲	اتحاد لبنان؛ لازمه تضعیف نفوذ ایران در آن	۶۰۵۷
۱۳	اعتراض به حکومت ایران و بازنمایی ضعف آن	۵۷۷۸
۱۴	انتقاد از حزب‌الله ایرانی و به بار آوردن خرابی توسط آن در لبنان (هویت‌سازی ایرانی)	۵۷۵۸
۱۵	حمایت ایران از لبنان	۴۶۷۷
۱۶	دعوت به رأی دادن به احزاب مخالف ایران	۴۵۹۵
۱۷	راه‌حل خروج لبنان از بحران، پایان یافتن مداخلات ایران در آن	۴۵۵۸
۱۸	حمایت از ایران و ایرانیان	۴۴۲۱
۱۹	مخالفت با پروژه ایرانی‌سازی لبنان	۴۰۹۷
۲۰	مخالفت مردم لبنان با ایران	۴۰۵۱
۲۱	خبر توقیف نفتکش یونانی	۳۸۵۹
۲۲	لزوم مقابله با ایران و هم‌پیمانانش در لبنان	۲۷۷۴
۲۳	نقل قول سخنان رهبران انقلاب اسلامی ایران	۱۲۶۳
۲۴	حمایت از احزاب و گروه‌های ضد ایرانی در لبنان	۱۰۰۶
۲۵	جاذبه‌های گردشگری ایران	۳۷۲
۲۶	اخبار توافقات هسته‌ای ایران با آمریکا	۳۳۷

بدین ترتیب، مجموعاً ۲۶ مضمون سازمان‌دهنده (تفسیری) حاصل شده که در واقع حاصل خوشه‌بندی مضامین پایه در مرحله‌ی قبل است. برای نمونه مضمون سازمان‌دهنده شماره ۱۵ یعنی «حمایت ایران از لبنان» حاصل خوشه‌بندی مضامین پایه زیر است:



ردیف	متن توئیتر	مضمون پایه	برچسب
۱	ایران: قائد قوه القدس إسماعیل قانّی: الکیان الصهيونی لا یتجرأ الیوم علی رمی رصاصه واحده علی حزب الله فی لبنان	تأکید ایران (سردار قانّی) بر قدرت برتر حزب ا... در مقابل رژیم صهیونیستی	R-23
۲	فی #لبنان هناك أزمة أزمة كهرباء؟ الحل الايراني جاهز أزمة طحين؟ القمح الإيراني جاهز أزمة محروقات؟ البواخر جاهزة أزمة دواء؟ الدواء الايراني جاهز فی لبنان هناك أزمة قرار سيادی شجاع فقط	ایران همواره در بحران‌ها به کمک لبنان آمده؛ از برق و سوخت گرفته تا دارو - مشکل دخالت ایران نیست، مشکل شجاعت در تصمیمات است	R-51
۳	ایران: قانّی: عندما أعلن حزب الله أنه سينتقم لأحد أبنائه الذين استشهدوا فی سوريا هرب جنود الکیان الصهيونی ولم یبقی حتی جندی واحد یرتدی الری العسکری علی الجبهه	حمایت ایران از حزب ا... و بیان کردن قدرت منطقه‌ای حزب ا...	R-124
۴	کل ما لدى المقاومة و الشیعۀ فی لبنان هی بفضل روح و ثورة الامام الخمينی (قدس) و مبعوثه الامام السيد موسى الصدر (اعاده الله) و اکملها امامنا القائد المفدى السيد علی الخامنئی و سيدنا قائد القوات المسلحه فی محور المقاومة السيد حسن نصرالله.. #العمامات_المقدسه	اشاره به نقش ج.ا. در توفیقات مقاومت در خاک لبنان	R-154
۵	فی ذکری التحریر لا یمکن إلا أن نستذکر #سوريا و #ایران ودعمهما للمقاومه، عسکریا، مادیا، سیاسیا ومعنویا. الدولتان اللتان دفعتا الثمن الکبیر ولم تبدلا الموقف ولم تترکا المقاومة فانتصرتا رغم الحصار.	اشاره به نقش ایران و سوریه در توفیقات مقاومت در لبنان و تقدیر از این دو کشور	R-165
۶	السید #نصرالله: نشکر کل من دعم عاجل # سوريا إلى الجمهوریة الإسلامیة المقاومة من فی ایران علی ما قدّمته وهی لم تبخل بشيء مخفیاً ما تقدمه #لبنان #يونیوز ولم يعد #unews	خبر: تقدیر سیدحسن نصرالله از سوریه و ایران به خاطر حمایت از حزب‌الله	R-287
۷	النائب علی المقداد: ایران عرضت علی لبنان بناء ثلاث محطات كهرباء بکلفه لا تذکر	پیشنهاد ایران برای ساخت سه نیروگاه برق را با هزینه ناچیز به لبنان برای حل مشکلات انرژی این کشور	R-374

گام سوم تحلیل مضمون

در گام بعدی و در مرحله‌ی سوم کدگذاری که در واقع آخرین مرحله‌ی کدگذاری به شمار می‌رود، تعدادی مضامین فراگیر حاصل می‌شود که مفاهیم کلیدی تحقیق را بیان کرده و بر پایه‌ی مضامین سازمان دهنده (تفسیری) بنا شده‌اند. نهایتاً با بررسی و خوشه‌بندی مضامین فوق، شبکه‌ی مضامین فراگیر پژوهش به دست می‌آید و می‌توان آن را «مؤلفه‌ها و عناصر بازنمایی ایران نزد کاربران لبنانی توییتر در انتخابات پارلمانی ۲۰۲۲ لبنان» نامید که به ترتیب تعداد دیده شدنشان، در جدول زیر بیان شده‌اند:

جدول ۴. مضامین فراگیر پژوهش

ردیف	مضمون فراگیر	تعداد دیده شدن
۱	ارتباطات سیاسی چالش‌برانگیز و نفوذ بالای ایران در منطقه	۸۰۴۵۵
۲	کنش‌گری مثبت ایران در عرصه ارتباطات سیاسی و بین‌المللی	۴۱۹۷۷
۳	بازنمایی ضعف ایران	۲۹۲۷۳
۴	حمایت از ایران و برجسته‌سازی مؤلفه‌های قدرت آن	۲۶۲۱۲
۵	رصد خبری و حساسیت در خصوص اخبار مرتبط با ایران	۱۸۵۲۵

در اینجا پس از یکپارچه‌سازی مضامین سازمان‌دهنده و رسیدن به مضامین فراگیر پژوهش، این گام تحلیل مضمون نیز به پایان می‌رسد. در بخش بعد، نتایج این یافته‌ها، تحلیل و تفسیر می‌شوند. نتایج تحلیل مضمون انجام گرفته و تفسیر آنها که در بخش بعد مطرح می‌شود، در واقع همان پاسخ به سوال پژوهش است.

تحلیل و تفسیر یافته‌های پژوهش

در این قسمت به توضیح هر کدام از مضامین فراگیر که در بخش قبل ذکر شدند، پرداخته شده است:

الف) ارتباطات سیاسی چالش‌برانگیز و نفوذ بالای ایران در منطقه

در تحلیل مضمون فراگیر اول، مشاهده می‌شود که در فضای توییتر لبنان، برساختی خاص از نقش ایران در حال شکل‌گیری است. این برساخت، که توسط برخی کاربران لبنانی ایجاد و ترویج می‌شود، تصویری از ایران به عنوان یک کنشگر فعال در منطقه ارائه می‌دهد. در چارچوب نظریه بازنمایی استوارت هال، می‌توان گفت که نوعی کلیشه‌سازی در مورد نقش ایران در جریان



است. کلیدواژه‌هایی مانند «احتلال ایرانی» در گفتمان برخی کاربران لبنانی تکرار می‌شود، که نشان‌دهنده فرآیند طبیعی‌سازی این مفهوم در فضای مجازی است. این طبیعی‌سازی تلاش دارد تا دیدگاه خاصی نسبت به نقش ایران را به عنوان «حس مشترک» در میان کاربران لبنانی جا بیندازد. در بستر جامعه پلتفرمی، که خوزه ون دایک به آن اشاره می‌کند، این برساخت با سرعت بیشتری در حال گسترش است. کاربران لبنانی در توئیتر، نگرانی‌هایی را در مورد نحوه تعامل ایران با کشورهای منطقه، از جمله لبنان، مطرح می‌کنند. این نگرانی‌ها شامل مواردی مانند تأثیر بر فرآیندهای سیاسی داخلی، نحوه ارائه کمک‌های خارجی، و روابط با گروه‌های مختلف در لبنان و منطقه است. این تحلیل نشان می‌دهد که در فضای رسانه‌های اجتماعی، روایتی خاص از نقش ایران در حال شکل‌گیری است که می‌تواند بر درک عمومی از روابط ایران و لبنان تأثیر بگذارد. این یافته‌ها اهمیت مدیریت هوشمندانه حضور دیجیتال و روایت‌سازی مؤثر در فضای مجازی را برای کشورها در عصر جامعه پلتفرمی برجسته می‌سازد.

سلاح حزب‌الله به‌عنوان یکی از مشکلات اصلی لبنان از دیگر محورهایی است که بر آن تأکید شده است؛ بخشی از کاربران بر این باورند که ایران با دادن موشک و سلاح به حزب‌الله باعث ایجاد جنگ داخلی در لبنان شده است. بعضی دیگر از کاربران لبنانی، اعتقاد و التزام حزب‌الله به نظریه ولایت فقیه را سبب اصلی مسلح بودن این نهاد می‌دانند. برخی از سیاستمداران لبنانی و شهروندانی که با حزب‌الله موافق نیستند، نگرانی‌هایی درباره‌ی وجود سلاح در دست این گروه دارند. آن‌ها معتقدند که تمام سلاح‌ها باید تحت کنترل دولت مرکزی باشد. آنان این دیدگاه را با عبارت «تسلیم او حصر السلاح بید الدولة» بیان می‌کنند که به معنای «محدود کردن سلاح به دست دولت» است. از سوی دیگر، حزب‌الله بر این باور است که سلاح‌هایش تنها برای دفاع در برابر تهدیدهای خارجی، از جمله اسرائیل، استفاده می‌شود. این موضوع باعث شده است که بحث‌هایی درباره‌ی نقش سلاح در جامعه‌ی لبنان و اینکه چه کسی باید اختیار آن را داشته باشد، شکل بگیرد. کاربران نیز انتخابات را فرصتی طلایی برای آزادی لبنان از ایران و سلاح حزب‌الله دانسته و به این دلیل دیگران را برای شرکت در انتخابات تشویق می‌کنند تا بتوانند با کسب اکثریت پارلمان، لایحه خلع سلاح حزب‌الله را در پارلمان به تصویب رسانده، حزب‌الله را تحت فشار قرار داده تا سلاح دفاعی‌اش از آن سلب شده و به دولت تحویل شود. همچنین بخشی از کاربران، حزب‌الله را به‌عنوان نهادی نظامی و وابسته به ایران می‌دانند.

محور مهم دیگر در گفتمان کاربران لبنانی، نگرانی از آنچه که برخی از آنها «تأثیر فزاینده ایران در لبنان» می‌نامند، است. بعضی از کاربران لبنانی در توییتر، دیدگاهی را مطرح می‌کنند که در آن ایران را کشوری با نفوذ قابل توجه در امور لبنان معرفی می‌کنند. این گروه از کاربران بر این باورند که ایران در تلاش است تا هویت فرهنگی خاصی را در لبنان ترویج دهد. آنها اظهار می‌دارند که هویت عربی لبنان باید حفظ و تقویت شود. از دیدگاه این کاربران، نتایج انتخابات پارلمانی لبنان گامی در جهت کاهش نفوذ ایران در عرصه‌های فرهنگی، اجتماعی و سیاسی این کشور تلقی می‌شود.

تحلیل بازنمایی ایران در این محور، با توجه به نظریه بازنمایی استوارت هال و مفهوم جامعه پلتفرمی خوزه ون دایک، نشان می‌دهد که در فضای توییتر لبنان، برساختی خاص از نقش منطقه‌ای ایران در حال شکل‌گیری است. این برساخت، که توسط برخی کاربران لبنانی ایجاد و ترویج می‌شود، تلاش دارد تا تصویری کلیشه‌ای از ارتباطات سیاسی جمهوری اسلامی ایران در منطقه ارائه دهد. در این فرآیند بازنمایی، به نظر می‌رسد نوعی طبیعی‌سازی در حال وقوع است که طی آن، حضور منطقه‌ای ایران به عنوان امری چالش‌برانگیز معرفی می‌شود. این طبیعی‌سازی تلاش دارد تا دیدگاه انتقادی نسبت به نقش ایران را به عنوان «حس مشترک» در میان کاربران لبنانی جا بیندازد. در نتیجه، برخی مخالفان این حضور، با استفاده از قابلیت‌های جامعه پلتفرمی، به بازتولید و گسترش این روایت در فضای مجازی می‌پردازند. همچنین، به نظر می‌رسد که در این فضای دیجیتال، نوعی بدیهی‌سازی در مورد ماهیت روابط فرهنگی بین ایران و لبنان در حال شکل‌گیری است. این بدیهی‌سازی، کمک‌های ایران به لبنان را در چارچوبی خاص تفسیر می‌کند و نگرانی‌هایی را در مورد تأثیرات احتمالی این کمک‌ها بر هویت فرهنگی لبنان مطرح می‌سازد. در چارچوب نظریه رژیم حقیقت هال، می‌توان گفت که در فضای توییتر لبنان، گفتمانی در حال شکل‌گیری است که تلاش دارد روایت خاصی از روابط ایران و لبنان را به عنوان «حقیقت» تثبیت کند. این گفتمان، با بهره‌گیری از ویژگی‌های جامعه پلتفرمی، امکان گسترش سریع و فراگیر یافته است.

این تحلیل نشان می‌دهد که چگونه در بستر رسانه‌های اجتماعی، فرآیندهای بازنمایی، برساخت، و طبیعی‌سازی می‌توانند بر درک عمومی از روابط بین‌المللی تأثیر بگذارند. همچنین، این یافته‌ها اهمیت مدیریت هوشمندانه حضور دیجیتال و روایت‌سازی مؤثر در فضای مجازی را برای کشورها در عصر جامعه پلتفرمی برجسته می‌سازد.



برای تفهیم بیشتر، در این بخش به بیان مضامین سازمان‌دهنده‌ای که ذیل این مضمون فراگیر جای گرفته‌اند، پرداخته شده است:

جدول ۵. مضامین سازمان‌دهنده جای گرفته ذیل مضمون فراگیر ارتباطات سیاسی چالش‌برانگیز و نفوذ بالای ایران در منطقه

مضمون فراگیر	ارتباطات سیاسی چالش‌برانگیز و نفوذ بالای ایران در منطقه
مضامین سازمان‌دهنده	اعتراض به دخالت ایران در کشورهای منطقه
	انتقاد از حامیان ایران در لبنان
	سلاح حزب‌الله، مشکل لبنان
	اتحاد لبنان؛ لازمه شکست تسلط ایران در آن
	انتقاد از حزب‌الله ایرانی و به بار آوردن خرابی توسط آن در لبنان (هویت‌سازی ایرانی)
	دعوت به رأی دادن به احزاب مخالف ایران
	راه‌حل خروج لبنان از بحران، پایان یافتن مداخلات ایران در آن
	مخالفت با پروژه ایرانی‌سازی لبنان
	مخالفت مردم لبنان با ایران
	لزوم مقابله با ایران و هم‌پیمانانش در لبنان
	حمایت از احزاب و گروه‌های ضد ایرانی در لبنان

ب) کنش‌گری مثبت ایران در عرصه ارتباطات سیاسی و بین‌المللی

دومین محوری که کاربران لبنانی بدان اشاره داشتند، بازنمایی کنش‌گری مثبت ایران در عرصه ارتباطات سیاسی و بین‌المللی است. آنان در اعتراض و پاسخ به کسانی که ایران را به‌عنوان عنصر مخرب و مداخله‌گر بر ساخت کرده‌اند و آن را به دخالت در انتخابات پارلمانی متهم کرده‌اند و به دور از انصاف ایران و حزب‌الله را برای کسب رأی تخریب می‌کنند، بر این تأکید داشتند که این سفرای کشورهای دیگر از جمله عربستان سعودی و آمریکا بودند که آشکارا در انتخابات دخالت کرده و سعی در تغییر نتایج این انتخابات داشتند. آنان بیان داشتند که این کشورهای دیگر مانند آمریکا، فرانسه و کشورهای حاشیه خلیج فارس هستند که در امور داخلی لبنان مداخله می‌کنند و مصالح این کشور را در نظر نمی‌گیرند. کاربران به این افراد که ایران را بدون هیچ اماره‌ای به دخالت متهم می‌کنند، اعتراض کرده و مداخله‌گری ایران در لبنان را رد و تکذیب

کرده و ایران را به‌عنوان حامی همیشگی و خیرخواه لبنان و دیگر کشورهای منطقه^۱ بازنمایی کرده‌اند. آنان با اشاره به حمایت مثبت ایران از حزب‌الله و ایفای نقش مطلوب حزب‌الله در لبنان از حمایت‌های ایران مانند پیشنهاد برای ساخت سه نیروگاه برق به لبنان برای حل مشکلات انرژی این کشور، تقدیر کردند و ایران را به‌عنوان حامی خیرخواه لبنان بازنمایی کردند و نه کنش‌گر مداخله‌گر.

همچنین کاربران لبنانی، ایفای نقش بین‌المللی ایران را بیان کردند. تقدیر از ایران برای کمک برای آزاد شدن نهایی فلسطین و پشتیبانی از محور مقاومت، خواستار شکسته شدن سکوت مجامع بین‌المللی در برابر وحشی‌گری صهیونیست‌ها، تقدیر از ایران به دلیل حمایت از مردم جنگ‌زده یمن، بازتاب بیانیه ایران در محکوم کردن نقض حریم مسجد الاقصی، پرداختن به صحبت یکی از مقامات سعودی مبنی بر نقش ایران در کاهش چالش‌های منطقه، اشاره به مقاومت ایران در برابر رژیم صهیونیستی و دشمنان در منطقه از موضوعاتی هستند که کاربران به‌عنوان ایفای نقش بین‌المللی ایران بیان کرده‌اند.

برای تفهیم بیشتر، در این بخش به بیان مضامین سازمان‌دهنده‌ای که ذیل این مضمون فراگیر جای گرفته‌اند، پرداخته شده است:

جدول ۶. مضامین سازمان‌دهنده جای گرفته ذیل مضمون فراگیر کنش‌گری مثبت ایران در

عرصه ارتباطات سیاسی و بین‌المللی

کنش‌گری مثبت ایران در عرصه ارتباطات سیاسی و بین‌المللی	مضمون فراگیر
انتقاد از معترضان به حضور ایران در لبنان	مضمون سازمان‌دهنده
دخالت سفیر سعودی در انتخابات لبنان و نه ایران	
ایفای نقش بین‌المللی ایران	
حمایت ایران از لبنان	

ج) بازنمایی ضعف ایران

کاربران لبنانی توییت‌ر دیدگاه‌های متفاوتی را در مورد ایران و دولت آن چه در سطح بین‌المللی و چه در سطح داخلی نشان داده‌اند. برخی از کاربران از کاهش سهم احزاب همسو با حزب‌الله در

۱ برخی کاربران لبنانی به این منظور از عباراتی مانند: «ایران الصدیق الوفی والداعم المستمر للشعب اللبناني» استفاده کرده‌اند.



پارلمان جدید لبنان و ناتوانی آنها در تشکیل دولت ابراز خرسندی کردند. آنها این نتیجه را بازتابی از انتخاب مردم لبنان دانستند و از تلاش‌های احزاب مخالف قدردانی کرده‌اند. برخی دیگر از کاربران به انتقاد از ایران پرداختند و آن را دارای تعصب شیعی و دارای مشکلات و چالش‌های اقتصادی بازنمایی کردند. آنها همچنین درباره مسائل حقوق بشری و ادعای سرکوب اعتراضات ابراز نگرانی داشتند. علاوه بر این، بحث‌هایی در مورد توانایی‌های نظامی ایران صورت گرفته و برخی توانایی ایران را برای آغاز درگیری با رژیم صهیونیستی زیر سؤال بردند. در مجموع، کاربران نظرات خود را در مورد مسائل مختلف مربوط به ایران بیان داشته و ضمن بیان دیدگاه‌های خود با لحن‌ها و دیدگاه‌های گوناگون، زمینه‌های مورد توجه را بازنمایی کردند.

هم‌چنین توهین به مسئولان ایرانی، اشاره به ضعف امنیتی ایران در پی ترور شهید صیاد خدایی در تهران، عدم رضایت حداکثری مردم ایران و... نیز از مهم‌ترین موضوعاتی بود که کاربران در بازنمایی از ایران به‌عنوان کشوری ضعیف و ناکارآمد بهره برده بودند.

برای تفهیم بیشتر، در این بخش به بیان مضامین سازمان‌دهنده‌ای که ذیل این مضمون فراگیر جای‌گرفته‌اند، پرداخته شده است:

جدول ۷. مضامین سازمان‌دهنده جای‌گرفته ذیل مضمون فراگیر بازنمایی ضعف ایران

مضمون فراگیر	بازنمایی ضعف ایران
مضمون سازمان‌دهنده	رضایت‌مندی از شکست حامیان ایران در انتخابات پارلمانی لبنان
	رضایت‌مندی از آشوب در ایران
	اعتراض به حکومت ایران و بازنمایی ضعف آن

(د) حمایت از ایران و برجسته‌سازی مؤلفه‌های قدرت آن

چهارمین محور، حمایت از ایران و برجسته‌سازی مؤلفه‌های قدرت آن است. در بازه زمانی پژوهش، در جواب توقیف کشتی ایرانی، ۲ کشتی نفتکش یونانی در آب‌های خلیج فارس توسط ایران توقیف شدند. همچنین شهید صیاد خدایی نیز در تهران به دست عوامل رژیم صهیونیستی ترور و به شهادت رسید. کاربران لبنانی با حمایت از ایران در این اتفاقات مؤلفه‌های قدرتش را برجسته و بازنمایی کردند و از اقتدار و ایستادگی ایران در برابر دشمنان با وجود تحریم‌ها و پاسخ‌گویی به تعرضات آن‌ها و اقتدارنمایی با توقیف کشتی‌ها تجلیل کردند. علاوه بر این، پس از ترور شهید صیاد خدایی کاربران به این موضوع که پاسخ ایران به این تعرض حتمی خواهد بود و

همچنین ترس رژیم صهیونیستی از انتقام‌گیری و آماده شدن برای حمله احتمالی ایران، اشاره داشتند و ایران را به‌عنوان کشوری مقتدر و قدرتمند در سطح بین‌المللی بازنمایی کردند. اشاره به مردم‌سالاری نظام جمهوری اسلامی ایران و تمسخر نظام دیکتاتوری در عربستان سعودی، خبر دستگیری شبکه تروریستی وابسته به رژیم صهیونیستی در ایران توسط سپاه پاسداران، ترس رژیم صهیونیستی از قدرت‌گیری ایران و دستیابی آن به بمب هسته‌ای، اقتدار ایران در حوزه صنعت فضایی، نظامی و علم و فناوری از دیگر مواردی بود که کاربران آن‌ها را بیان کردند.

همچنین کاربران لبنانی از ایران و ایرانیان حمایت کرده و سخنان رهبران انقلاب درباره موضوعات مختلف را بازتاب داده‌اند. علاوه بر این موارد، این کاربران، جاذبه‌های گردشگری ایران را برای دیگران معرفی و از آنان دعوت به سفر به ایران را داشته‌اند.

برای تفهیم بیشتر، در این بخش به بیان مضامین سازمان‌دهنده‌ای که ذیل این مضمون فراگیر جای‌گرفته‌اند، پرداخته شده است:

جدول ۸. مضامین سازمان‌دهنده جای‌گرفته ذیل مضمون فراگیر حمایت از ایران و برجسته‌سازی مؤلفه‌های قدرت آن

مضمون فراگیر	حمایت از ایران و برجسته‌سازی مؤلفه‌های قدرت آن
مضمون سازمان‌دهنده	اقتدار و قدرت برتر ایران
	حمایت از ایران و ایرانیان
	نقل قول سخنان رهبران انقلاب
	جاذبه‌های گردشگری ایران

هـ) رصد خبری و حساسیت در خصوص اخبار مرتبط با ایران

آخرین محوری که کاربران لبنانی توییت‌ها به آن اشاره داشته‌اند، رصد خبری و حساسیت در خصوص اخبار مرتبط با ایران است. کاربران لبنانی با رصد مداوم حوادث و اخبار مختلف ایران، به آن‌ها واکنش نشان داده‌اند که نشان از حساسیتشان درباره موضوع ایران است. این اخبار به‌دلیل تکرار زیاد دسته‌بندی شدند. دسته اول که بیشتر دیده شده بودند، اخبار مربوط به ترور و شهادت شهید صیاد خدایی بود؛ پس از آن، خبر توقیف نفتکش یونانی و اخبار توافقات هسته‌ای ایران با آمریکا بیشتر دیده شده بودند.



علاوه بر این، خبر جلسات بشار اسد و مقامات ایرانی، خبر انفجار برخی مواضع ایران در بیروت، خبر فراهم آمدن شرایط مشارکت در انتخابات برای مهاجران لبنانی در خاک ایران، خبر سفر وزیر فرهنگ لبنان به ایران و... از مهم‌ترین اخبار متفرقه در ارتباط با ایران در بازه زمانی پژوهش بود که توسط کاربران لبنانی مخابره شده بود. برای تفهیم بیشتر، در این بخش به بیان مضامین سازمان‌دهنده‌ای که ذیل این مضمون فراگیر جای‌گرفته‌اند، پرداخته شده است:

جدول ۹. مضامین سازمان‌دهنده جای‌گرفته ذیل مضمون فراگیر رصد خبری و حساسیت در خصوص اخبار مرتبط با ایران

مضمون فراگیر	رصد خبری و حساسیت در خصوص اخبار مرتبط با ایران
مضمون سازمان‌دهنده	مخابره اخبار متفرقه مرتبط با ایران
	خبر شهادت شهید صیاد خدایی
	خبر توقیف نفتکش یونانی
	اخبار توافقات هسته‌ای ایران با آمریکا

نتیجه‌گیری

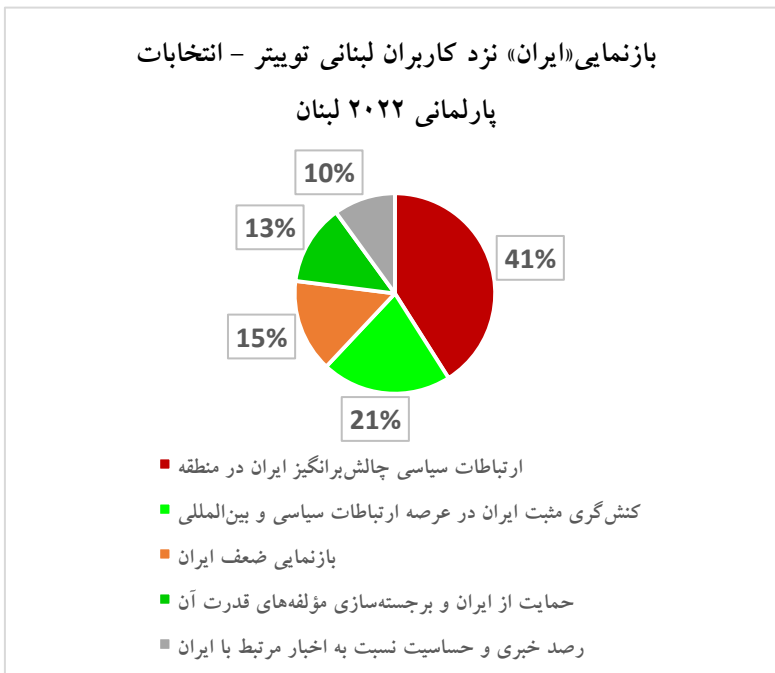
در جامعه‌ی پلتفرمی، تجزیه و تحلیل و زمینه‌سازی تحولات اجتماعی ایجاد شده توسط پلتفرم‌های آنلاین از منظر جهانی در مقیاس بزرگتر صورت می‌گیرد. در این جامعه، زندگی اجتماعی جدیدی در پلتفرم‌های مجازی شکل می‌گیرد. در چنین جهانی واقعیت توسط رسانه‌ها منعکس شده و در خلال آن معنا به صورت تدریجی شکل می‌گیرد. رسانه‌های اجتماعی به بسترهای مهمی برای بازنمایی اتفاقات و حوادث مختلف و ابعاد این بازنمایی تبدیل شدند. کاربران در این رسانه‌ها تصویری از جنبه‌های مختلف واقعیت ارائه داده و معناهای جدیدی را به این تصویر می‌افزایند.

پس از تحلیل مضمون، ۵ مضمون فراگیر حاصل آمد که همان «مؤلفه‌ها و عناصر بازنمایی ایران نزد کاربران لبنانی توئیتر در انتخابات پارلمانی ۲۰۲۲ لبنان» است که در جدول زیر نمایش داده شده‌اند.

جدول ۱۰. مضامین فراگیر پژوهش

ردیف	مؤلفه‌ها و عناصر بازنمایی ایران نزد کاربران لبنانی تویتر در انتخابات پارلمانی ۲۰۲۲ لبنان
۱	ارتباطات سیاسی چالش‌برانگیز و نفوذ بالای ایران در منطقه
۲	کنش‌گری مثبت ایران در عرصه ارتباطات سیاسی و بین‌المللی
۳	بازنمایی ضعف ایران
۴	حمایت از ایران و برجسته‌سازی مؤلفه‌های قدرت آن
۵	رصد خبری و حساسیت در خصوص اخبار مرتبط با ایران

برای فهم بهتر این مضامین نمودار زیر بر اساس میزان دیده‌شدن آنها طراحی شد؛ به صورتی که هر مضمون فراگیری که سهم بیشتری از نمودار را به خود اختصاص داده، بیشتر مورد توجه کاربران لبنانی قرار گرفته و بازنمایی ایران در آن محور پررنگ‌تر بوده است.



نمودار ۱. بازنمایی «ایران» نزد کاربران لبنانی تویتر - انتخابات پارلمانی ۲۰۲۲ لبنان



همانگونه که مشاهده می‌شود، بازنمایی مثبت و منفی از ایران، هر یک در دو مضمون صورت پذیرفته که به ترتیب ۳۴٪ مثبت و ۵۶٪ منفی بوده است؛ مضمون باقی‌مانده یعنی رصد خبری و حساسیت درباره ایران، غالباً شامل توئیتهای خنثی از ایران می‌باشد. جمع‌بندی نتایج بیان شده در جدول زیر بیان شده است:

جدول ۱۱. بازنمایی انجام گرفته از ایران نزد کاربران لبنانی توئیتر

بازنمایی انجام گرفته از ایران	بر اساس تعداد دیده شدن
بازنمایی مثبت	۳۴٪
بازنمایی منفی	۵۶٪
بازنمایی خنثی	۱۰٪

براساس مطالب بیان شده، می‌توان اینگونه نتیجه‌گیری کرد: جدول فوق بازنمایی مثبت، منفی و خنثی انجام گرفته از ایران است که بر اساس تعداد دیده شدن توئیتهای می‌باشد. کاربران لبنانی در محور مثبت - که شامل مضمون دوم و چهارم فراگیر است - ایران را به‌عنوان حامی همیشگی و خیرخواه لبنان و دیگر کشورهای منطقه بازنمایی و مؤلفه‌های قدرت آن را برجسته‌سازی کرده‌اند. آنان ایران را به‌عنوان دلیل اصلی ترس دشمنان مانند آمریکا و رژیم صهیونیستی دانسته و از قدرت بازدارندگی آن تجلیل کرده‌اند. علاوه بر این با بیان جاذبه‌های گردشگری ایران، از دیگر کاربران برای سفر به ایران دعوت به عمل آورده‌اند. در محور مثبت که بیشترین درصد از بازنمایی‌های انجام شده را شامل می‌شود - مضمون فراگیر اول و سوم - در دو محور بین‌المللی و داخلی قابل تحلیل است. در سطح بین‌الملل برجسته‌ترین کلیدواژه استفاده شده، «احتلال ایرانی» است که کاربران، ایران را به‌عنوان یک اشغال‌گر در سطح منطقه بازنمایی و معرفی می‌کنند. در سطح داخلی خود کشور نیز آنان با اعتراض به حکومت ایران، آن را به‌عنوان کشوری بازنمایی می‌کنند که حقوق بشر در آن رعایت نشده و اگر اعتراضی هم در آن انجام بشود، به شدت سرکوب می‌شود. کاربران به تعصب شیعی ایران انتقاد کرده و آن را کشوری بدون منطق و دارای عقب‌ماندگی فکری می‌دانند. در تحلیل بازنمایی انجام شده توسط کاربران در محور منفی باید گفت که آنان طی فرایند «کلشه‌سازی» تعداد اندکی از خصیصه‌های ساده، پایدار، به سادگی قابل فهم و البته منفی را در ایران در نظر گرفته و همه چیز درباره آن پدیده را به آن خصیصه‌ها تقلیل می‌دهد و آن صفات را

اغراق‌آمیز و ساده ساخته و ثابت و ابدی می‌پندارد. دقیقاً مفاهیمی مانند: اشغال‌گری ایران (احتلال ایرانی)، تعصب شیعی ایران، عدم رعایت حقوق بشر و... از این دست کلیشه‌سازی‌های مخالفان جمهوری اسلامی ایران است. همچنین تحلیل می‌شود که ارتباطات سیاسی جمهوری اسلامی ایران در منطقه چالش‌برانگیز بوده و ایران نتوانسته در چندین سال گذشته حضور منطقه‌ای خود را در بین مردمان این کشورها توجیه کند و به تدریج، مخالفان با کلیشه‌سازی، این حضور را به صورت اشغال‌گری و مداخله‌گری بازنمایی کرده و این معنا را در بین مردم منطقه و حتی ایران شکل داده‌اند. علاوه بر این، عدم مدیریت هویت ارتباط‌گیران توسط ایران باعث ایجاد بحران هویتی فرهنگی در بین مردم لبنان شده است و آنان با بدبینی در خصوص کمک‌های ایران به کشورشان، ایران را به‌عنوان کشوری می‌دانند که به دنبال ایرانی‌سازی لبنان است و حتی به دنبال اتمام این کمک‌ها و ایران‌زدایی از عرصه فرهنگی، اجتماعی و سیاسی لبنانند. در کنار محور مثبت و منفی، تحلیل بازنمایی ایران در محور خنثی نشان می‌دهد کاربران با رصد مداوم حوادث و اخبار مختلف ایران، به آن‌ها واکنش نشان داده‌اند که نشان از حساسیتشان درباره موضوع ایران است.

مقایسه مضمون فراگیر اول و دوم، نشان‌دهنده تفاوت قابل توجهی در نحوه بازنمایی ارتباطات سیاسی ایران در سطح منطقه و بین‌الملل است. این تفاوت در میزان دیده شدن می‌تواند ناشی از چند عامل باشد:

- جذابیت خبری: مسائل چالش‌برانگیز معمولاً توجه بیشتری را به خود جلب می‌کنند. این امر می‌تواند منجر به بازنشر بیشتر محتوای انتقادی شود.
- فضای رسانه‌ای: در جامعه پلتفرمی خوزه ون دایک (۲۰۱۸)، الگوریتم‌های رسانه‌های اجتماعی ممکن است به محتوای بحث‌برانگیز اولویت بیشتری دهند.
- زمینه سیاسی: وضعیت سیاسی پیچیده منطقه می‌تواند بر نحوه درک و بازنمایی نقش ایران تأثیرگذار باشد.
- فرآیند طبیعی‌سازی: طبق نظریه بازنمایی هال (۱۹۹۷)، ممکن است نوعی طبیعی‌سازی در مورد نقش ایران در منطقه در حال شکل‌گیری باشد که دیدگاه انتقادی را به عنوان «حس مشترک» جا می‌اندازد.



این یافته‌ها نشان می‌دهد که در فضای رسانه‌های اجتماعی، تصویری که از ارتباطات سیاسی ایران ارائه می‌شود، تا حد زیادی متمایل به جنبه‌های چالش‌برانگیز است. این امر می‌تواند بر درک عمومی از نقش ایران در منطقه تأثیر بگذارد.

پر واضح است که این پژوهش، به تنهایی نمی‌تواند تمامی بازنمایی‌های انجام شده درباره ایران را در میان کاربران مورد واکاوی قرار دهد؛ لذا پیشنهاد می‌شود پژوهشگران و علاقه‌مندان این حوزه موضوعات دیگری را در این باره برای پژوهش مد نظر قرار دهند تا در کنار یکدیگر، این پژوهش‌ها بتوانند تصویر روشنی از بازنمایی انجام شده از ایران در میان کاربران دیگر کشورها ارائه نمایند.

پیشنهاد‌های سیاستی-رسانه‌ای- کاربردی

با توجه به یافته‌های این پژوهش و تحلیل نحوه بازنمایی ایران در توئیتر کاربران لبنانی، پیشنهاد‌های سیاستی و رسانه‌ای و کاربردی زیر ارائه می‌شود. این پیشنهادها با هدف بهبود تصویر ایران، تقویت روابط دوجانبه، و ایجاد درک متقابل بهتر بین دو کشور طراحی شده‌اند.

- تأکید بر جوانان به‌عنوان میدان‌داران عرصه پلتفرم‌ها و رسانه‌های اجتماعی و اصلاح کلیشه‌سازی‌های انجام گرفته درباره ایران نزد مخاطبان لبنانی
- مشارکت در ارتباطات فعال و شفاف: ایران باید به طور فعالانه سیاست‌ها و اقدامات خود را از طریق رسانه‌ها و پلتفرم‌های رسانه‌های اجتماعی به مخاطبان لبنانی منتقل کند که این امر می‌تواند با ارائه اطلاعات دقیق و شفاف‌سازی، به رفع ادراک روابط سیاسی بحران آفرین و مداخله جویانه کمک کند. شفافیت می‌تواند حس اعتماد را تقویت کرده و اطلاعات نادرست را از بین ببرد.
- استفاده از اینفلوئنسرها و رهبران افکار عمومی: صداهای تأثیرگذار در میان کاربران لبنانی رسانه‌های اجتماعی را که موضع مثبت یا بی‌طرفی در خصوص ایران دارند، شناسایی شده، با آنها تعامل شود تا درک بهتری از چشم‌اندازها و اقدامات ایران ایجاد گردد. همکاری با چنین افرادی کمک می‌کند روایت‌های مثبت در مورد ایران تقویت شده و در نتیجه افکار عمومی در جهت مطلوب تحت تأثیر قرار گیرند.

- نظارت بر اخبار و پاسخگویی به موقع: ایجاد یک سیستم نظارت قوی رسانه‌ای برای جلوگیری از اخبار و بحث‌های مربوط به ایران در لبنان (و جهان عرب). پاسخ‌های به‌موقع و دقیق به رویدادهای خبری می‌تواند به شکل‌گیری روایت پیرامون ایران کمک کند.
- تولید مستندهای تعاملی: ساخت مجموعه مستندهایی با مشارکت مستقیم شهروندان لبنانی که تأثیر مثبت همکاری‌های ایران و لبنان را در زندگی روزمره آنها نشان دهد. این مستندها می‌توانند با استفاده از تکنیک‌های روایت‌گری دیجیتال و پلتفرم‌های تعاملی، مخاطبان را در فرآیند تولید محتوا درگیر کنند.
- برنامه‌های گفتگومحور دوزبانه: افزایش برنامه‌های گفتگومحور به زبان‌های عربی و فارسی با حضور کارشناسان، دانشگاهیان و چهره‌های فرهنگی هر دو کشور. این برنامه‌ها می‌توانند به بررسی عمیق مزایای همکاری دوجانبه در حوزه‌های مختلف اقتصادی، فرهنگی و علمی بپردازند و از تکنیک‌های ارتباطات بین‌فرهنگی برای کاهش سوءتفاهم‌ها استفاده کنند.
- پوشش خبری متوازن و چندجانبه: ایجاد بخش‌های خبری ویژه با تمرکز بر روابط ایران و لبنان که به طور متوازن دیدگاه‌های مختلف را پوشش دهد. این بخش‌ها می‌توانند از تکنیک‌های روزنامه‌نگاری سازنده استفاده کنند تا ضمن پرداختن به چالش‌ها، بر راه‌حل‌ها و فرصت‌های همکاری تأکید کنند.
- سریال‌های تلویزیونی مشترک: تولید سریال‌های تلویزیونی مشترک با همکاری هنرمندان ایرانی و لبنانی که به بررسی تاریخ مشترک، تعاملات فرهنگی و چالش‌های معاصر دو کشور بپردازند. این سریال‌ها می‌توانند با استفاده از تکنیک‌های روایت‌گری عمیق، پیچیدگی‌های روابط دو کشور را به تصویر بکشند و زمینه‌ساز گفتگوهای سازنده شوند.
- پلتفرم دیجیتال تعاملی: ایجاد یک پلتفرم دیجیتال چندرسانه‌ای که به طور ویژه به روابط ایران و لبنان اختصاص یابد. این پلتفرم می‌تواند شامل بخش‌های مختلفی مانند آرشیو تعاملی تاریخ روابط دو کشور، فضای گفتگوی آنلاین برای مخاطبان، و بخش‌های آموزشی درباره فرهنگ و زبان دو کشور باشد. استفاده از تکنیک‌های واقعیت افزوده و واقعیت مجازی می‌تواند تجربه کاربری را غنی‌تر کند.

منابع و مآخذ

منابع فارسی

- استراوس، آنسلم، و کوربین، جولیت (۱۳۸۵). *اصول روش تحقیق کیفی: نظریه‌های مبنایی رویه‌ها و شیوه‌ها*. ترجمه بیوک محمدی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- برزویی، محمدرضا، جهانبازی، رضا، و تمدن، امیررضا (۱۴۰۱). *توثیلماسی تطبیقی جمهوری اسلامی ایران و ایالات متحده آمریکا؛ مطالعه موردی شهادت سردار قاسم سلیمانی. فصلنامه علمی مطالعات میان‌رشته‌ای ارتباطات و رسانه*، ۵(۲).
- ستاری، سجاد (۱۳۹۴). *تولد زیست فرهنگ در جهان در حال شدن به سوی «چرخش روانی» و بنای «جامعه‌شناسی سیاسی روانکاوانه»*. *سیاست-مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی*، ۴۵(۳)، ۶۷۹-۶۹۷.
- عباس‌زاده، محمد (۱۳۹۱). *تأملی بر اعتبار و پایایی در تحقیقات کیفی. نشریه جامعه‌شناسی کاربردی*، ۲۳(۱)، ۱۹-۳۴.
- مجیدی‌فرد، احسان، کامیابی، عطیه، و مجیدی‌فرد، امین (۱۳۹۹). *بازنمایی انگاره هویت ایرانی و بازشناسی مولفه‌های آن در شبکه اجتماعی توئیتر. مطالعات رسانه‌های نوین*، ۶(۲۴)، ۹۸-۶۳.
- منوچهری، مریم (۱۳۹۱). *بازنمایی ایران در سایت شورای روابط خارجی آمریکا. پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد، دانشکده صدا و سیما، جمهوری اسلامی ایران*.
- نگهبان، علی (۱۳۹۶). *مدل‌سازی احساسات کاربران شبکه اجتماعی بر اساس متن پیام‌های فارسی؛ موردکاری: شبکه اجتماعی توئیتر. پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد. دانشگاه صنعتی ارومیه*.
- هال، استوارت (۱۳۸۳). *هویت‌های قدیم و جدید، قومیت‌های قدیم و جدید. ترجمه: شهریار وقفی‌پور. نامه علوم اجتماعی، شماره ۲۴*.

منابع غیرفارسی

- گذار، حنین (۲۰۲۲). *ایران تحتل لبنان بالوكالة لكن اللبنانیین ما زالوا یملكون إرادة حرة*. معهد واشنتون: <https://www.washingtoninstitute.org/ar/policy-analysis/ayran-thtl->

.Ibnan-balwkalt-lkn-allbnanyyn-ma-zalwa-ymlkwn-aradt-hrt

- Andreas M. Riege (2003). *Validity and reliability tests in case study research: a literature review with "hands-on applications for each research phase. Qualitative Market Research: An International Journal, Volume 6, Number 2 pp. 75-86, Griffith University, Nathan, Australia.*



- Attride-Stirling, Jennifer (2001). Thematic networks: an analytic tool for qualitative research. *SAGE Publications* (London, Thousand Oaks, CA and New Delhi), vol. 1(3).
- Braun, Virginia. and Clarke, Victoria (2006). Using thematic analysis in psychology. *Qualitative Research in Psychology*, 3: 77-101.
- Dayer, Richard (1993). *The matter of images: essays on representations*. London New York: Routledge.
- de Waal, M., de Lange, M. and Bouw, M. (2017). The Hackable City: Citymaking in a Platform Society. *Archit. Design*, 87: 50-57.
- Giuseppe Anzera, Giovanna Gianturco and Alessandra Massa (2019). Security branding and digital narrations. Security issues representation on Twitter. *International Review of Sociology*, 29:1, 80-101.
- Hall, S. (1997). *Representation: Cultural representations and signifying practices*. Sage Publications.
- Lincoln, Y. S., & Guba, E. G. (1985). *Naturalistic inquiry*. Beverly Hills, CA: Sage.
- Marwick, A. E., and Boyd, D. (2011). I tweet honestly, I tweet passionately: Twitter users, context collapse, and the imagined audience. *New Media & Society*, 13(1), 114-133.
- Papacharissi, Z. (2015). *Affective publics: Sentiment, technology, and politics*. Oxford University Press.
- Russell, A. (2021). Senate Representation on Twitter: National Policy Reputations for Constituent Communication. *Social Science Quarterly*, 102: 301-323.
- Van Dijck, J. (2013). *The culture of connectivity: A critical history of social media*. Oxford University Press.
- Van Dijck, José, Thomas Poell and Martjin de Waal (2018). *The Platform Society: Public Values in a Connective World*. London: Oxford University Press.

منابع اینترنتی

- Data.World Bank (2022). Arab World, Aviable at:
<https://data.worldbank.org/region/arab-world>
- Kemp, Simon (15 Feb, 2022). *DIGITAL 2022: LEBANON*.
<https://datareportal.com/reports/digital-2022-lebanon>

دیپلماسی توییتری دولت سیزدهم ایران در مذاکرات هسته‌ای «مطالعه موردی صفحه رسمی وزارت خارجه ایران در توییتر»

علیرضا خسروی^۱، محمدقلی میناوندچال^۲، فرید اصغری تازه‌کند^۳

چکیده

با همه‌گیر شدن شبکه‌های اجتماعی، سیاستمداران نیز برای اظهار نظر و اعلام مواضع خود به شبکه‌های اجتماعی فراگیر روی آورده‌اند. اعلام نظرات هر سیاستمدار و دیپلماتی به‌عنوان موضع رسمی وی قلمداد شده و همچون فضای حقیقی مورد توجه قرار می‌گیرد. شبکه اجتماعی ایکس یا همان توییتر سابق نیز با توجه به ویژگی‌های متن‌محور خود یکی از شبکه‌های اجتماعی مورد توجه سیاستمداران است. دولت‌ها نیز برای اعلام موضع و پیام از این شبکه اجتماعی استفاده می‌کنند. از موضوعات مهم سالیان اخیر دیپلماسی ایران، موضوع مذاکرات هسته‌ای و رفع تحریم‌ها می‌باشد که در پژوهش حاضر برای یافتن رویکرد و نحوه تعامل دولت سیزدهم ایران به ریاست ابراهیم رئیسی، با طرف‌های مقابل مذاکرات هسته‌ای، به بررسی توثیق‌های صفحه رسمی وزارت خارجه ایران از شهریور تا اسفند سال ۱۴۰۰ خورشیدی، به ریاست حسین امیرعبداللهمیان، پرداخته‌ایم. در این پژوهش با استفاده از روش تحلیل محتوای کیفی، پس از تحلیل و بررسی توثیق‌هایی که در این بازه زمانی در موضوعات مربوط به مذاکرات هسته‌ای منتشر شدند، در مجموع تعداد ۱۰۴ توییت مرتبط با مذاکرات بود و پس از انتخاب توییت‌ها، محتوای آنها بررسی و از آنها تعداد ۵۳ کد استخراج شد که پس از دسته‌بندی، حذف و ادغام کدهای تکراری، در ۹ مقوله دسته‌بندی شدند. مقوله‌های انتخابی نیز در ۳ مفهوم اساسی شامل ۱- بی‌اعتمادی به طرف مقابل، ۲- نگاه مثبت ایران به دیپلماسی و ۳- مذاکره برای تأمین منافع ایران و رفع تحریم‌ها دسته‌بندی شدند. مقوله‌هایی که از آنها این مفاهیم برداشت شدند، عبارت بودند از: «آمریکا مقصر اصلی بی‌ثمری مذاکرات، عدم تغییر سیاست آمریکا در دولت بایدن، ناتوانی سایر طرف‌های مذاکرات، انجام ندادن اقدامات متقابل، جدیت ایران برای مذاکره، آمادگی ایران برای مذاکره، همکاری با مذاکره‌کنندگان، مذاکره موثر و مذاکره عزتمندانه در حد مردم ایران».

کلیدواژه‌ها: دیپلماسی رسانه‌ای، دیپلماسی توییتری، سیاست خارجی، برجام، تحریم.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۹/۲۵ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۱/۲۹

۱. دانشجوی دکتری مدیریت رسانه، دانشکده ارتباطات، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران.
ali313reza@yahoo.com
۲. دانشیار گروه مدیریت رسانه، دانشکده ارتباطات، دانشگاه صداوسیما، تهران، ایران (نویسنده مسئول).
minavandm@gmail.com
۳. کارشناسی ارشد مدیریت رسانه، دانشکده ارتباطات، دانشگاه صداوسیما، تهران، ایران.
farid199674@gmail.com



مقدمه

امروزه شبکه‌های اجتماعی نقش پر رنگی در زندگی مردم دارند. در سال‌های اخیر با ظهور اینترنت و پیدایش شبکه‌های اجتماعی نظیر توئیتر^۱، فیس‌بوک، اینستاگرام و... رسانه‌ها نقش پررنگ‌تری در سیاست پیدا کرده‌اند. دیپلماسی رسانه‌ای از جمله نمودهای این نقش سیاسی در عرصه بین‌المللی است که از حیث کمک به تأمین اهداف و منافع ملی حائز اهمیت فراوان است. استفاده از رسانه‌ها برای انتقال پیام‌های دیپلماتیک می‌تواند اثرگذاری بیشتری داشته باشد و در مدت کوتاه به سراسر جهان مخابره شود. از قرن پانزدهم میلادی و رشد مطبوعات، نقش رسانه‌ها و افکار عمومی در تصمیم‌گیری‌های سیاسی پررنگ شد و در جنگ جهانی دوم استفاده از رسانه‌ها برای اهداف سیاسی به اوج خود رسید. در آن زمان رادیو به‌عنوان ابزار تبلیغاتی حکومت‌ها استفاده می‌شد و رادیوی هر کشوری تلاش می‌کرد تا با پیام‌ها و برنامه‌های خود به تضعیف طرف مقابل بپردازد. دوران جنگ سرد نیز عرصه دیگری بود که از رسانه‌ها به‌عنوان ابزار تبلیغات سیاسی و پروپاگاندا استفاده می‌شد. آمریکا و شوروی هر کدام ایستگاه‌های رادیویی مخصوص به خود را داشتند که تلاش می‌کردند ایدئولوژی مدنظر خود را تبلیغ نمایند. با فروپاشی شوروی و تبدیل شدن آمریکا به ابرقدرت جهانی، استفاده از رسانه‌ها در دیپلماسی، شکل جدیدی به خود گرفت. شبکه‌های ماهواره‌ای تلویزیونی و خبرگزاری‌های مختلف حضور فعال‌تری در عرصه سیاسی پیدا کردند. در سال‌های اخیر نیز با گسترش اینترنت در سراسر جهان و ظهور شبکه‌های اجتماعی، دیپلماسی رسانه‌ای دستخوش تغییر و تحول شده است. امروزه شبکه‌های اجتماعی نظیر توئیتر، اینستاگرام و فیسبوک را می‌توان از جمله بازیگران مهم عرصه سیاست دانست. قابلیت‌های فناورانه جدید ارتباطی نظیر سرعت بالای انتشار و امکان ارسال تعداد بی‌شمار پیام در مدت زمانی کوتاه موجب افزایش رغبت سیاستمداران برای استفاده از این شبکه‌های اجتماعی جدید، جهت پیشبرد راهبردهای سیاسی و اهداف خود شده است.

می‌توان گفت به‌دلیل رویکرد دولت یازدهم و دوازدهم برای توافق هسته‌ای با گروه ۱+۵، در یک دهه گذشته مهم‌ترین موضوع در فضای سیاسی و اجتماعی ایران، مذاکرات هسته‌ای و توافق حاصل از آن تحت عنوان برجام بوده است. موضوع دیپلماسی رسانه‌ای از این منظر اهمیت

۱. شبکه اجتماعی توئیتر در سال ۲۰۲۳ به ایکس تغییر نام داد.



پیدا می‌کند که بدانیم رویکرد دولت سیزدهم در مذاکرات، چه بوده و با تغییر دولت در ایران، این مواضع به چه سمتی رفته است. زیرا هنگامی می‌توان در فضای سیاسی و اجتماعی بهترین رویکرد را داشت که به‌عنوان آینه نظرات مسئولین کشورها، از نحوه تعامل و دیپلماسی رسانه‌ای آنها شناخت کامل داشت.

به دلیل اهمیت تویتر و به نوعی تبدیل آن به رسانه اول در حوزه دیپلماسی، در این پژوهش به بررسی توییت‌های مسئولان ایران در خصوص مذاکرات هسته‌ای و توافق برجام خواهیم پرداخت تا دیپلماسی رسانه‌ای ایران پس از تغییر دولت تحلیل شود. با توجه به این که دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور سابق آمریکا در ۱۸ اردیبهشت ۱۳۹۷ مصادف با سال ۲۰۱۸ میلادی از برجام خارج شد، در داخل ایران انتقاد زیادی به دولت حسن روحانی شد تا او نیز از برجام خارج شود. اما دولت وقت ایران با توجه به حضور ۵ کشور دیگر در مذاکرات هسته‌ای، حاضر به ترک برجام نشد و به انجام مفاد برجام ادامه داد. اما با توجه به تحریم‌های آمریکا علیه ایران و دنباله‌روی سه کشور انگلیس، فرانسه و آلمان از سیاست‌های آمریکا، عملاً ایران با مشکلات زیادی مواجه شده بود. در داخل ایران نیز انتقادات بسیاری به دولت وارد شد تا با اقدام متقابل از برجام خارج شود و یا این که به صورت گام‌به‌گام از تعهدات خود کم کند. یکی از منتقدین اصلی نحوه عملکرد دولت وقت ایران، جریان سیاسی مقابل آنها بود که در سال ۱۴۰۰ شمسی، ابراهیم رئیسی به نمایندگی از این جریان به‌عنوان رئیس‌جمهور منتخب مردم ایران انتخاب شد. با شروع دولت سیزدهم، نوع مواجهه سیاست خارجی جدید ایران در مذاکرات هسته‌ای محل سؤال بود که در این پژوهش با بررسی ۶ ماهه‌ی توییت‌های صفحه رسمی وزارت خارجه ایران، به آن پرداخته شده است. بر این اساس، سؤالاتی که این مقاله در پی پاسخ دادن به آن است، تحلیل و بررسی رویکرد دیپلماسی تویتری ایران به مذاکرات هسته‌ای و نحوه تعامل با طرف‌های مقابل است.



پژوهش‌های پیشین

موضوع مذاکرات هسته‌ای ایران در پژوهش‌های متعدد داخلی و خارجی بررسی و پژوهش‌هایی که بیشترین شباهت و تناسب را با پژوهش حاضر را دارند، ذکر شده است.

جدول ۱. پیشینه پژوهش

ردیف	عنوان	نویسندگان / سال	یافته‌های اصلی
۱	الگوی مطلوب دیپلماسی رسانه‌ای در وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران	شفیعی و همکاران (۱۳۹۹)	به بررسی و پیاده‌سازی الگوی دیپلماسی رسانه‌ای وزارت خارجه به‌عنوان متولی امر دیپلماسی رسانه‌ای کشور پرداخته شده است. یافته‌های مقاله عبارتند از رسیدن به الگوی: ۱- رصد، ۲- ارتباط با رسانه پیش از تصمیم‌سازی، ۳- پردازش پیام، ۴- اقدام شامل موضع‌گیری، اطلاع‌رسانی و جریان‌سازی، ۵- انتخاب مسیر ارتباطی، ۶- ارزیابی و ۷- واکنش.
۲	دیپلماسی رسانه‌ای در مذاکرات هسته‌ای؛ تعامل جامعه بین‌الملل با دولت روحانی	تاجریان و همکاران (۱۳۹۶)	به بررسی نقش دیپلماسی رسانه‌ای در تغییر رویکرد جامعه بین‌المللی با جمهوری اسلامی ایران در زمان انجام مذاکرات هسته‌ای در دولت روحانی پرداخته شده است. یافته‌های آنها بدین شکل است: در فضای جدید باید دیپلمات‌ها دموکراتیک‌تر شدن را بپذیرند و ارتباطات خویش را توسعه دهند و از ابزارهای فناورانه برای مدیریت بازیگران جدید و قدیمی در نظام بین‌المللی و جهانی استفاده کنند.
۳	پرونده هسته‌ای ایران و اعتمادسازی برای دولت آمریکا؛ تحلیل صفحه سخنگوی وزارت امور خارجه آمریکا در فیس‌بوک	بشیر و حسنیو (۱۳۹۴)	تفسیر و تبیین برآیند این مقاله نشان می‌دهد که سخنگوی وزارت امور خارجه آمریکا با رویکرد شستشوی ذهنی مخاطبان، به دنبال نزدیک‌سازی هر چه بیشتر آمریکا به طیف‌های نه‌چندان نزدیک به نظام جمهوری اسلامی ایران است.
۴	تحلیل نقش شبکه‌های اجتماعی مجازی در مذاکرات هسته‌ای وین	پورجعفری و بهرامی‌پور (۱۳۹۹)	نتایج این مقاله بیانگر آن است که دستگاه دیپلماسی ایران علی‌رغم اینکه سال‌ها از توجه به ظرفیت‌های شبکه‌های اجتماعی غافل بوده است، اما روند مذاکرات هسته‌ای وین و بازتاب

ردیف	عنوان	نویسندگان / سال	یافته‌های اصلی
			آن در بعد داخلی و بین‌المللی و همچنین نگرش وزیر امور خارجه وقت ، باعث شد شبکه‌های اجتماعی نقش مهمی ایفا کنند.
۵	دیپلماسی رسانه‌ای در شبکه اجتماعی توییتر	نقیب‌السادات و عودلاجانی (۱۴۰۰)	نتایج اصلی به دست آمده عبارت‌اند از: مهم‌ترین مسائل مطرح شده در توییتر وزیر امور خارجه ایران مسائل سیاسی، انرژی هسته‌ای و برجام، تروریسم، مسائل مرزی و مسائل مربوط به همسایگان، جنگ و مسائل فرهنگی بوده است. در حالی که آمریکا بیشتر بر موضوع تحریم، مسائل نظامی و سیاست تأکید داشته است.
۶	ایران آزاد توییتری: ارزیابی نقش توییتر در دیپلماسی عمومی و عملیات اطلاعاتی در بحران انتخاباتی ۲۰۰۹ ایران	برنز و التهام ^۱ (۲۰۰۹)	پلتفرم‌های رسانه‌های اجتماعی مانند توییتر چالش‌های جدیدی را برای تصمیم‌گیرندگان در یک بحران بین‌المللی ایجاد می‌کنند. این مقاله نقش توییتر را در طول بحران انتخابات ۲۰۰۹ ایران با استفاده از تحلیل مقایسه‌ای سرمایه‌گذاران توییتر، دیپلمات‌های وزارت خارجه ایالات متحده، فعالان شهروندی و معترضان ایرانی و نیروهای شبه‌نظامی بررسی کرده است و برای رویدادهای کلیدی در طول انتخابات پس از ۱۲ ژوئن تا ۱۲ ژوئن کدگذاری می‌کنیم. سیاست خارجی، اقتصاد سیاسی بین‌المللی و چارچوب‌های جامعه‌شناسی تاریخی، زمینه عمیق‌تری از نحوه استفاده کاربران مختلف از توییتر برای عملیات‌های اطلاعاتی دفاعی و دیپلماسی عمومی فراهم می‌کنند. کسانی که معتقدند توییتر و دیگر فناوری‌های شبکه‌های اجتماعی مردم عادی را قادر می‌سازد تا قدرت را از رژیم‌های سرکوبگر بگیرند، باید سرنوشت معترضان ایران را که برخی از آنها برای پذیرش مشتاقانه توییتر جان خود را هزینه کردند، در نظر بگیرند.

ردیف	عنوان	نویسندگان / سال	یافته‌های اصلی
۷	دیپلماسی دیجیتال: توئیتر و فیسبوک و تأثیر آنها بر روابط بین‌الملل	لاربی ^۱ (۲۰۲۲)	این پژوهش با توجه به بررسی ادبیات و چارچوب مفهومی این پدیده جدید و مدل‌های نامتقارن ارتباطات در روابط عمومی، به دنبال سیر تاریخی دیپلماسی از سنتی به دیجیتال است. علاوه بر این، تجزیه و تحلیل نقش رسانه‌های اجتماعی، به‌ویژه فیسبوک و توئیتر، و تغییرات اساسی که دیپلماسی را در مفهوم و عمل تحت تأثیر قرار داده است، نقطه تمرکز مقاله است. هدف این مقاله نیز روشن کردن بازیگران جدید به لطف دیپلماسی دیجیتال و تأثیرات آن بر صحنه روابط بین‌الملل است. هدف ما برجسته کردن تأثیرات توسعه در فناوری‌های ارتباطی و تأثیر آن بر جهت‌گیری آینده این پدیده و چالش‌ها و مخاطرات آن است.
۸	برجام و مبارزه ایران برای قدرت در خاورمیانه	گال، حسن و بوسال ^۲ (۲۰۲۴)	این پژوهش تلاش می‌کند تا دلایل خروج آمریکا از توافق هسته‌ای ایران و اتحاد آن با عربستان سعودی برای متادل‌سازی تسلط روزافزون ایران در منطقه را بررسی کند. نویسندگان اشاره دارند که در سال ۲۰۱۵، توافقی بین گروه ۵+۱ و ایران به‌عنوان برنامه جامع اقدام مشترک (برجام) منعقد و در قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت سازمان ملل متحد تأیید شد. توافق به این موضوع اشاره دارد که پایبندی ایران به برجام توسط آژانس بین‌المللی انرژی اتمی تأیید می‌شود. پیروی از الزاماتی که در توافق ذکر شده بود، ایران بسیاری از فعالیت‌های هسته‌ای خود را با افراط بیشتر به آژانس برچید و انتظار می‌رفت که رقابت تسلیحاتی در خاورمیانه کند شود. دونالد جی ترامپ رئیس‌جمهور آمریکا در ۸ می ۲۰۱۸ با خروج از توافق هسته‌ای و اعمال تحریم‌های بیشتر علیه این ایران موضع خود را اعلام کرد.

1. LARBI

2. Gull, A., ul Hassan, Z., & Bosaal, F. M



موضوع مذاکرات هسته‌ای ایران تاکنون در پژوهش‌های متعدد داخلی و خارجی بررسی شده است که نشان از اهمیت موضوع در داخل و خارج از کشور دارد. به‌همین دلیل رویکرد دولت سیزدهم ایران اهمیت فراوانی دارد که این پژوهش به آن پرداخته است. رویکردی که تاکنون در سایر پژوهش‌ها به آن پرداخته نشده است.

مفاهیم تحقیق

دیپلماسی: دیپلماسی شامل ارتباطات گفتاری یا نوشتاری توسط نمایندگان دولت‌ها (مانند رهبران و دیپلمات‌ها) است که برای تأثیرگذاری بر رویدادهای نظام بین‌الملل انجام می‌شود (Trager, 2016).

دیپلماسی رسانه‌ای: دیپلماسی رسانه‌ای به مجموعه سازوکارهایی اطلاق می‌شود که از طریق آن می‌توان بخشی از سیاست‌ها را بر مردم، احزاب، سیاستمداران، گروه‌ها، نهادها، سازمان‌های بین‌المللی و حتی دیگر دولت‌ها اعمال کرد. دیپلماسی رسانه‌ای به‌صورت عام به معنای به‌کارگیری رسانه‌ها برای تکمیل و ارتقای سیاست خارجی است. به عبارتی دیپلماسی رسانه‌ای کاربرد رسانه‌ها به‌طور ویژه در ترقی و روان‌سازی سیاست خارجی است (خرازی‌آذر، ۱۳۹۴).

دیپلماسی دیجیتال: دیپلماسی دیجیتال که با نام دیپلماسی الکترونیک نیز شناخته می‌شود، به‌عنوان استفاده از اینترنت و فناوری‌های جدید ارتباطات اطلاعاتی برای کمک به دستیابی به اهداف دیپلماتیک تعریف شده است (هانسون، ۲۰۱۲).

توییتماسی: دیپلماسی توییتری یا همان توییتماسی به استفاده از رسانه اجتماعی توییتر توسط سران کشورها، رهبران سازمان‌های بین‌دولتی و دیپلمات‌های آن‌ها برای برقراری ارتباط دیپلماتیک و دیپلماسی عمومی اطلاق می‌شود (Keleman, 2014).

سیاست خارجی: سیاست خارجی یک دولت (در مقابل سیاست داخلی) اهداف و فعالیت‌های آن کشور در زمینه تعاملات با سایر دولت‌ها، اتحادیه‌ها و سایر نهادهای سیاسی است، خواه به‌صورت دوجانبه یا چندجانبه (Britannica, 2020).

برجام: برنامه جامع اقدام مشترک^۱ یا به‌اختصار برجام که توافق جامع و نهایی هسته‌ای وین و در غرب توافق هسته‌ای ایران یا توافق ایران نیز نامیده می‌شود. این توافق بر سر برنامه هسته‌ای ایران و به‌دنبال تفاهم هسته‌ای لوزان، در سه‌شنبه ۲۳ تیر ۱۳۹۴ (۱۴ ژوئیه ۲۰۱۵) در وین اتریش بین ایران، اتحادیه اروپا و گروه ۱+۵ منعقد شد (Haidar, 2015).

توییتز: توییتز در سال ۲۰۰۶ به‌عنوان یک پروژه جانبی شرکت مربوطه با استفاده از زبان برنامه نویسی Ruby on Rails توسعه یافت. توییتز به‌عنوان یک رسانه اجتماعی یا پلتفرم میکرو بلاگینگ، به کاربران اجازه می‌دهد پیام‌های کوتاهی ارسال کنند، که اغلب برای به روز رسانی وضعیت، نظرات اخبار، و «بازتوییت» یا ارسال مجدد پیام‌های کاربران دیگر استفاده می‌شود. همانطور که توییتز تکامل یافت، یک «صمیمیت محیطی» ایجاد کرد که با دیگر پلتفرم‌های رسانه‌های اجتماعی متفاوت بود. این برنامه بر اخبار و رویدادهای هم‌زمان متمرکز بود، «هشتگ» (کدنویسی تولید شده توسط کاربر برای عبارت‌های قابل جستجو) ارائه کرد و به سرعت در رویدادهای زنده ادغام شد (اورایی و میلستاین ۲۰۰۹: ۹، ۱۱، ۱۳، ۴۱، ۷۳، ۱۱۳، ۱۵۳، ۱۹۳). نرم‌افزار شخص ثالث امکان ادغام توییتز با دستگاه‌های دیگر مانند آیفون اپل را فراهم کرد. توییتز رشد اولیه انفجاری را تجربه کرده است: طبق یک برآورد، «بازدیدکنندگان منحصر به فرد از فوریه ۲۰۰۸ تا فوریه ۲۰۰۹ میلادی ۱۳۸۲ درصد رشد کرده‌اند» (اورایی و میلستاین، ۲۰۰۹: ۵).

توییتز در ایران: در ۱۶ ژوئن ۲۰۰۹، روتیز گزارش داد که وزارت امور خارجه ایالات متحده از توییتز خواسته است تا ارتقاء سرور برنامه‌ریزی شده را به تعویق بیندازد، ظاهراً این کار برای اطمینان از حداکثرسازی دسترسی کاربران ایرانی به این سرویس انجام شد (Pleming, 2009). دیپلمات‌های آمریکایی و سایر مقامات دولتی توییت‌هایی را که از ایران منتشر می‌شد، زیر نظر داشتند و از آنها در مورد وضعیت سیاسی داخلی ایران به‌عنوان منبع مهم اطلاعات منابع عمومی استفاده می‌کردند. نقش توییتز در انتخابات سال ۲۰۰۹ ایران در زمینه تصمیم‌گیری بود که همزمان با روابط آشفته ایران و آمریکا و سیاست بین‌المللی شکل گرفته بود. انقلاب «غیرقابل تصور» ایران در سال ۱۹۷۹، بحران گروگان‌گیری ۴۴۴ روزه، و سرنگونی هواپیمای ایران ایر ۶۵۵ یو اس اس وینسنس، رویدادهایی عمیقاً تأثیرگذار در میان سیاستگذاران ایالات متحده بودند (باودن ۲۰۰۶؛ کورزمن ۲۰۰۴؛ هادلین ۲۰۰۰). این وقایع منجر به «شیوه ماریپچی تعامل و تقابل» بین دولت‌های پی در پی ایران و ایالات متحده شد (جرویس، ۱۹۹۷: ۱۷۴).

مبانی نظری

دیپلماسی رسانه‌ای

دیپلماسی رسانه‌ای یا دیپلماسی سایبری، در واقع چرایی و چگونگی روابط مقامات سطح عالی سیاسی را هم در بستر رسانه و هم در بستر مجازی بررسی کرده و بایدها و نبایدهای آن را به چالش می‌کشد (نظیفی‌آرانی، ۱۳۹۸). دیپلماسی سایبری، روشی است که مدتی است دولت‌ها متناسب با پیشرفت تکنولوژی برای پیشبرد منافع خود به‌خصوص در ارتباط با افکار عمومی از آن استفاده می‌کنند. محبوبیت رو به‌رشد دیپلماسی سایبری به اندازه کافی نشان می‌دهد که استفاده از آن باید از مزایایی برخوردار باشد، و درعین حال نباید چالش‌های آن را نادیده گرفت. تغییر شرایط و مطرح شدن مؤلفه‌های جدید و تأثیرگذار در عرصه بین‌المللی باعث شده است تا کشورها برای پیشبرد بهتر منافع خود ابزارها و سیاست‌های جدیدی را به‌کار ببرند. در واقع انقلاب ارتباطات و گسترش وسایل ارتباط جمعی و رسانه‌های اجتماعی و فعال شدن بازیگران دولتی، نهادهای مدنی و شرکت‌ها منجر به نقش یافتن بیش از پیش افکار عمومی به‌عنوان یکی از ارکان مهم تصمیم‌گیری‌های کشورها در حوزه‌های گوناگون شده است. بنابراین کشورها نمی‌توانند همچون گذشته تنها بر تبادلات بین دولتی خود در قالب دیپلماسی سنتی تکیه کنند (نظیفی‌آرانی، ۱۳۹۸-۱۳۹۰). از آنجا که تسلط و هژمونی فضای مجازی بر جوامع و به‌ویژه کشور ما با شتاب روزافزونی در حال افزایش است، شناسایی راهبردها و رویکردهای کشورهای جهان در حکمرانی فضای مجازی برای مدیریت کلان جامعه دارای اهمیت حیاتی است؛ ضمن اینکه استفاده از تجربیات کشورها در این حوزه باعث ارتقای حکمرانی فضای مجازی در کشورمان شد و عدم استفاده از این تجربیات نظام مدیریت این فضا را ناکارآمد و تهدیدات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و... آن را افزون و خارج از کنترل حاکمیت خواهد ساخت.

خروج آمریکا از توافق و واکنش اروپا به خروج آمریکا

سیاست آمریکا زمانی تغییر کرد که از جناح محافظه‌کار یا جمهوری‌خواه، دونالد ترامپ وارد رقابت ریاست‌جمهوری شد. وی پیش از این از ایران به دلیل عدم رعایت بندهای توافقنامه انتقاد و همچنین اعلام کرده بود که به زودی جمهوری خواه این مقام را در دست خواهد گرفت. خروج آمریکا از توافق قطعی است. توافق هسته‌ای ایران به نفع ایران بوده و همچنین تجارت سالانه ایران و اتحادیه اروپا حدود بیست و یک میلیارد یورو بوده است. بسیاری از شرکت‌های اتحادیه



اروپا از ترس تحریم‌های آمریکا شروع به ترک بازارهای ایران کردند. پیشروی و نقش ضدایرانی آمریکا، گمانه زنی‌ها را در مورد این توافق بیشتر کرد و از سوی دولت ایران مورد انتقاد قرار گرفت که آمریکا بد نیت عمل می‌کند. تایید آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و سایر سازمان‌های هسته‌ای بین‌المللی صریحاً تأیید می‌کرد که ایران به توافق پایبند بوده است، اما نگرش پلیس جهانی ایالات متحده پابرجا بود.

ایران، آمریکا را به دلیل حرکت بد نیت سرزنش کرد و اصرار داشت که ایالات متحده در حال قلدری بخش شرکت‌های جهانی است که مانع از سرمایه‌گذاری در ایران می‌شود. جواد ظریف وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی ایران در این دیدار گفت: آمریکا مانع فروش قطعات یدکی هواپیما به ایران شده است. زمانی فرا رسید که دولت ترامپ در ماه مه ۲۰۱۸ خروج خود از این توافق را اعلام کرد. دولت ایالات متحده بعداً تمام تحریم‌هایی را که در زمان توافق افزایش یافته بود، که عمدتاً شامل صادرات نفت و برخی تحریم‌های مرتبط با بانک می‌شد، یادآور شد. دولت به صراحت اعلام کرد که شرکت تجاری با ایران اجازه تجارت با ایالات متحده را نخواهد داشت. بازار جهانی باید مطابق با خواسته‌های ایالات متحده باشد زیرا سهم عمده‌ای را در بازار بین‌المللی داشت. تمرکز آمریکا بر این بود که ایران در حال تکثیر موشک‌های بالستیک خود و ائتلاف با گروه‌های تروریستی فعال در خاورمیانه است. رژیم آمریکا را به باد انتقاد گرفت که ایالات متحده توافقی را که توسط دولت تصویب شده بود انجام نمی‌دهد و خروج از آن ممکن است تهدیدی برای صلح منطقه باشد. جالب است بدانید که تمرکز ایالات متحده بر خروج از این کشور به این دلیل بود که این توافق تأثیر عمده‌ای بر رشد نفوذ ایران و توازن قدرت در خاورمیانه داشت، زیرا رژیم در حال به چالش کشیدن هژمونی عربستان سعودی بود. رژیم همچنین متهم کرد که اروپا در برابر یکجانبه‌گرایی و تمامیت‌خواهی آمریکا تسلیم شده است.

بریتانیا، فرانسه و آلمان در حالی که یک سیستم مبادله‌ای (ابزار حمایت از مبادله تجاری) را آغاز کردند، سعی کردند این معامله را زنده نگه‌دارند. این سیستم ویژه‌ای بود که توسط قدرت‌های اروپایی که عمدتاً به رژیم برای تجارت بدون اتکا به سیستم بانکی آمریکا کمک می‌کردند، معرفی شد. حتی پس از یک سال، متحدان آمریکا برای تقویت تجارت خود نفت ایران را خریداری می‌کردند، اما پس از یک سال، اوضاع اساساً تغییر کرد.

ایالات متحده می‌خواست تجارت نفت ایران را به صفر برساند (رابینسون، ۲۰۱۷). ایران در خط مقدم قرار گرفت و شروع به نقض توافقی کرد که کشورهای اروپایی سعی در حفظ آن



داشتند. با اعمال عقب‌نشینی و تحریم‌های آمریکا، رژیم شروع به غنی‌سازی ذخایر خود کرد. غنی‌سازی بسیار کمتر از نود درصد بود زیرا حداقل نیاز برای ساخت یک سلاح است. رژیم همچنین کار بر روی سانتریفیوژهای جدید را آغاز کرد و کارخانه را در تاسیسات اراک راه اندازی کرد که غنی‌سازی اورانیوم را سرعت بخشید.

خروج آمریکا از توافق و اثرات آن بر ایران

توافق هسته‌ای ایران پس از تصویب، با تعلیق تحریم‌ها و آزادی صادرات نفت ایران، ثمرات زیادی برای اقتصاد رژیم به ارمغان آورد. بلافاصله پس از خروج آمریکا، تحریم‌ها دوباره اعمال شد و از آن زمان اقتصاد ایران رو به وخامت است. از آنجایی که در زمان تعلیق و لغو تحریم‌های نفتی، درآمد ملی زیادی از طریق صادرات نفت به دست می‌آمد که حدود ۲,۱ میلیون بشکه در روز بود. با اعمال تحریم‌ها و خروج آمریکا از این توافق، صادرات نفت ایران به جایی که قبلاً بود کاهش یافت و به سیصد هزار بشکه در روز رسید. صندوق بین‌المللی پول پیش‌بینی کرد که تولید ناخالص داخلی ایران در سال ۲۰۲۰ حداقل ۹,۵ درصد کاهش می‌یابد، در حالی که انقباضاتی که ایران در سال ۲۰۱۹ با آن مواجه شد، بیش از ۴,۵ درصد بود. چنین کاهش شدید صادرات نفت به اقتصاد در حال حاضر آسیب وارد کرد. علاوه بر این، ائتلاف رژیم ایران با گروه‌های تروریستی تعیین‌شده برای سرمایه‌گذاران یک سرمایه‌گذاری مرده را ثابت کرد زیرا آینده معامله همچنان کم بود. بازار سیاه ایران با کمک سپاه پاسداران انقلاب اسلامی سرازیر شد. قاچاق نه تنها کالا، بلکه نفت باعث غنی‌سازی سپاه شد (ISPI، فوریه ۲۰۱۹).

روش تحقیق

در پژوهش حاضر از روش تحلیل محتوا استفاده شده که روشی برای تحلیل پیام‌های ارتباطی متنی، شفاهی، صوتی و تصویری است. مراد از محتوا، در روش تحلیل محتوا هرگونه سندی است که حاکی از وجود ارتباطات بین انسان‌ها باشد. بنابراین، پست‌های منتشر شده در شبکه‌های اجتماعی چه در قالب متن، صوت و تصویر را می‌توان محتوا تلقی کرد. البته این نکته را نیز باید مدنظر داشت که در رویکردهای کیفی غالب داده‌هایی که پژوهشگر از طریق صوت و یا تصاویر و فیلم‌ها به دست می‌آورد، در نهایت تبدیل به متن شده و از طریق تحلیل محتوا مورد بررسی و تحلیل قرار می‌گیرند. به‌طور کلی، می‌توان گفت تحلیل محتوا به رویه‌ای اطلاق می‌گردد که برای تحلیل، تلخیص، طبقه‌بندی و استنباط کردن خصوصياتی خاص از متن منجر

می‌شود و در مواردی معنای پنهان واقع در آن هویدا می‌شود و گاهی امکان مقایسه چندین متن را به ما می‌دهد (مومنی‌راد و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۹۰-۱۹۱).

در ابتدا اطلاعات مورد نیاز برای این پژوهش با استناد به منابع کتابخانه‌ای و با تحلیل و بررسی معتبرترین اسناد در این حوزه، گردآوری شده و با توصیف مفاهیم مرتبط با دیپلماسی سایبری، تجربیات برخی از کشورهای جهان در دیپلماسی توییتری در فضای مجازی تبیین و با استفاده از روش مطالعه تطبیقی بررسی و آموزه‌ها برای پیشبرد سیاست خارجی در فضای مجازی جمهوری اسلامی ایران ارائه شده است.

با توجه به هدف این پژوهش که یافتن موضع دولت سیزدهم ایران در دیپلماسی در موضوع مذاکرات هسته‌ای و رفع تحریم‌ها است و با توجه به شروع به کار وزارت خارجه دولت سیزدهم از سوم شهریور سال ۱۴۰۰، بازه زمانی ۱۶ شهریور تا ۱۶ اسفند سال ۱۴۰۰ برای انجام پژوهش و تحلیل محتوای متنی توییت‌های وزارت خارجه ایران در این بازه زمانی استفاده شد. بازه ۶ ماهه توییت‌ها برای یافتن بهتر رویکرد دولت سیزدهم ایران انتخاب شد. مراحل بررسی توییت‌های وزارت خارجه جمهوری اسلامی ایران بدین ترتیب انجام شد که ابتدا توییت‌های وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران از تاریخ ۷ سپتامبر ۲۰۲۱ تا ۷ مارس ۲۰۲۲ میلادی، مصادف با ۱۶ شهریور ۱۴۰۰ تا ۱۶ اسفند ۱۴۰۰ هجری خورشیدی، بررسی و توییت‌های مرتبط به مذاکرات، برجام و دیپلماسی، انتخاب شدند. در مجموع تعداد ۱۰۴ توییت در بازه زمانی ۶ ماهه در موضوعات مذکور منتشر شده بود. پس از انتخاب توییت‌ها، محتوای آنها بررسی و از آنها تعداد ۵۳ کد استخراج شد که پس از دسته‌بندی، حذف و ادغام کدهای تکراری، در ۹ مقوله دسته‌بندی شدند. مقوله‌های انتخابی نیز در ۳ مفهوم اساسی جای گرفتند.

یافته‌های تحقیق

پس از تحلیل یافته‌ها، مقوله‌های انتخابی در سه مفهوم اساسی شامل

- ۱- بی‌اعتمادی به طرف مقابل
- ۲- نگاه مثبت ایران به دیپلماسی
- ۳- مذاکره برای تأمین منافع ایران



دسته‌بندی شدند که نشان می‌دهد دولت سیزدهم با این که به طرف مقابل خود بی‌اعتماد است، اما برای تأمین منافع مردم ایران، حاضر به مذاکره است و با حفظ خطوط قرمز خود، به دیپلماسی نگاه مثبتی دارد.

بی‌اعتمادی به طرف مقابل ریشه در رفتار دولت آمریکا در خروج از برجام و عدم انجام تعهدات ۳ کشور اروپایی دارد که با دنباله‌روی از دولت آمریکا، عملاً باعث از بین رفتن توافق برجام شده‌اند. از نگاه دولت آقای رئیسی در ایران، دولت بایدن در آمریکا نیز همان سیاست‌های دولت قبلی آمریکا را دنبال می‌کند. ناتوانی ۵ کشور باقی‌مانده پس از خروج آمریکا از مذاکرات و به‌ویژه ۳ کشور اروپایی، باعث از بین رفتن اعتماد دولت ایران شده است. اما دولت سیزدهم ایران با مذاکره عزتمندانه و مؤثر به دنبال منافع ملت ایران می‌باشد که برای این مهم، بارها نگاه مثبت خود به دیپلماسی و آمادگی جهت انجام جدی مذاکرات را اعلام کرد. این نشان از جدیت و علاقه دولت ایران به حل مسائل بین‌المللی با دیپلماسی دارد. در جدول زیر مفاهیم اساسی، مقوله‌ها و کدهای شاخص درج شده است.

جدول ۲. مفاهیم، مقولات و کدها

مفهوم	مقوله	کدهای شاخص استخراج شده
	آمریکا مقصر اصلی بی‌ثمری مذاکرات	آمریکا صدمه‌زننده اصلی به برجام
		آمریکا مجرم اصلی در نقض برجام
		درس نگرفتن آمریکا از برجام
		بی‌اعتمادی به آمریکا
بی‌اعتمادی به طرف مقابل	عدم تغییر سیاست‌های آمریکا در دولت بایدن	تعهدگریزی آمریکا
		عدم صداقت دولت بایدن در آمریکا
		نیاز به تجدید نظر در رویکرد آمریکا
		ادامه روش ترامپ در دولت بایدن
		لزوم درس گرفتن آمریکا از وضعیت کنونی برجام
		انتقاد از اظهار نظر آمریکا در مورد برجام
		لزوم بازگشت متقابل به برجام
		شکست فشار حداکثری آمریکا
		بی‌میلی آمریکا به دست کشیدن کامل از تحریم‌ها
		مرتبط کردن سیاست داخلی آمریکا به مذاکرات
		انتقاد از بازی تکراری با متن توسط آمریکا

مفهوم	مقوله	کدهای شاخص استخراج شده
	ناتوانی سایر طرف‌های مذاکرات	عدم‌نمایش اراده جدی طرف مقابل
		شایعه‌سازی و تحریف آمریکا در مورد برجام
		لزوم دوری از رویکرد سیاسی آژانس
		انتقاد از سکوت در مقابل اقدامات اسرائیل
		عدم اراده برخی از کشورهای اروپایی برای توافق
		اقدامات آمریکا و ۳ کشور اروپایی باعث ناکارآمدی برجام شده است.
		اشتباهات محاسباتی طرف مقابل
		بی‌عملی طرف مقابل
		دستور گرفتن سایر طرف‌ها از رژیم صهیونیستی
		ضرورت مسئولیت‌پذیری طرف مقابل
انجام ندادن اقدامات متقابل		زیاده‌خواهی آژانس
		امتیاز ندادن طرف‌های مقابل به ایران
		توافق نهایی منوط به رفتار مسئولانه طرف مقابل است
		نیاز به راستی‌آزمایی
جدیت ایران برای مذاکره		فاصله نگرفتن ایران از مذاکره
		اراده جدی ایران برای رفع تحریم‌ها
		عدم ترک برجام توسط ایران
		جدی بودن ایران برای توافق
		حسن نیت و جدیت ایران
آمادگی ایران برای مذاکره		نگاه ایران به مذاکره به‌عنوان ابزار مؤثر دیپلماسی
		نگاه مثبت ایران به مذاکرات
		آمادگی ایران برای توافق خوب
		ایران در مذاکرات منطقی، قوی، متین و نتیجه‌گرا ظاهر می‌شود
		آمادگی برای توافق خوب در کوتاه‌ترین زمان
		انعطاف و درک شرایط جدید
همکاری با مذاکره‌کنندگان		دولت سیزدهم ایران عملگرا است
		همکاری با آژانس در چارچوب توافقات
		رفع تمامی تحریم‌ها
مذاکره مؤثر		

نگاه مثبت ایران به دیپلماسی

مفهوم	مقوله	کدهای شاخص استخراج شده
مذاکره برای تأمین منافع ایران و رفع تحریم‌ها	مذاکره عزتمندانه در حد مردم ایران	رفع تحریم‌های یک‌جانبه
		مذاکره برای رسیدن به نتیجه
		مذاکره بدون اتلاف وقت
		مذاکره حکیمانه
		تأمین حقوق ملت ایران
		تأمین منافع اقتصادی مردم ایران
		انتظار توافق جامع با دستاوردهای ملموس برای مردم
		تحقق منافع ایران از برجام
		عدم عبور از خطوط قرمز ایران
		پذیرش خطوط قرمز ایران توسط غرب

نتیجه‌گیری

دولت سیزدهم نشان داد که با هدف رفع تحریم‌ها، به مذاکرات با پنج کشور و حتی آمریکا که از برجام خارج شد، تمایل دارد. همچنین دولت سیزدهم سعی کرد شائبه‌هایی که دولت آمریکا در قبال دولت ایران و عدم تمایل دولت ایران به مذاکره طرح کرده است را نیز پاسخ دهد و به ۵ کشور باقی‌مانده نشان داد که حاضر به مذاکره بدون حضور آمریکا است و می‌توان مسائل پیش‌آمده را بدون حضور آمریکا نیز حل کرد.

تویبتهای وزارت خارجه دولت سیزدهم نشان داد که ایران مذاکرات هسته‌ای را با توجه ویژه به ۳ موضوع اساسی پیش برده است. این ۳ موضوع ریشه در مذاکرات گذشته ایران با ۶ کشور داشت. یکی از این ۳ موضوع، بی‌اعتمادی ایران به طرف مقابل است. بر طبق مبانی نظری این پژوهش و با توجه به تجربه مذاکرات گذشته، ایران پی برده است که سایر کشورهای برجام از آمریکا پیروی می‌کنند و بدون اجازه آمریکا نمی‌توانند تصمیمی در مورد برجام بگیرند. با توجه به انجام ندادن اقدامات متقابل، ایران پی برده است که این کشورها ناتوان در اجرای برجام هستند. لذا دولت ایران، آمریکا را مقصر اصلی از بین رفتن برجام و به تبع آن بی‌حاصلی مذاکرات هسته‌ای و در نتیجه رفع تحریم‌ها می‌داند. در توافق هسته‌ای ایران با آمریکا و سایر کشورهای مقابل، توافق با هر کشور به‌عنوان یک دولت واحد صورت گرفته است، اما در آمریکا پس از روی کار آمدن ترامپ و تهدید او، همه شرکت‌ها از قراردادهای خود با ایران صرف‌نظر کرده و از ایران

خارج شدند. در صورتی که در متن توافق برجام سخنی از روی کار آمدن حزب مقابل دولت وقت آمریکا و تغییر در رویکردهای آنها به میان نیامده بود.

بازگشت تحریم‌ها فقط با سخنرانی و دستور رئیس‌جمهور جدید آمریکا، ترامپ، صورت پذیرفت و در همان لحظه همه‌ی تحریم‌ها برگشتند، اما تعهداتی که ایران به آنها عمل کرده بود- همچون بتن ریختن در راکتورها- نتیجه سال‌ها زمان و صرف بودجه‌های هنگفت بود. یعنی دولت ایران برای برگشتن به نقطه ابتدای امضای برجام نیازمند صرف سال‌ها زمان و بودجه است و آسیب فراوانی به ایران وارد شد و به همین جهت ایران حق دارد که به طرف‌های مقابل بی‌اعتماد باشد.

با توجه به نیاز ایران به از بین رفتن تحریم‌های هسته‌ای، از ابتدای شروع به کار دولت سیزدهم، آمادگی خود را با نگاه مثبت به دیپلماسی، که دیگر موضوع اساسی یاد شده می‌باشد، اعلام کرده است. این نگاه مثبت به دیپلماسی همراه با جدیت، آمادگی ایران و همراهی با مذاکره‌کنندگان همراه بوده است. اما با توجه به نتیجه‌گیری مذکور و نقش آمریکا، همواره دولت سیزدهم ایران، سیاست‌های دولت آمریکا را زیر نظر داشته است تا در صورت تغییر سیاست در دولت آمریکا بتواند برجام را مثل روز اول امضای آن از سر بگیرد تا تحریم‌های شش کشور مقابل و به‌ویژه آمریکا رفع شود ولی تغییر قابل توجهی را در سیاست طرف مقابل مشاهده نکرده است. لذا با توجه به نیاز خود به رفع تحریم‌ها، با در نظر گرفتن منافع مردم ایران، نتوانسته است رویکرد مثبتی را از طرف مقابل مشاهده کند. اما با توجه به در نظر گرفتن منافع ایران که دیگر موضوع اساسی می‌باشد و هدف آن، رفع تحریم‌ها است، همواره مذاکره مؤثر و عزتمندانه برای تأمین منافع ملت ایران را خواسته است. از این جهت گفته می‌شود خواسته است چون پژوهش حاضر حاصل تحلیل توثیبت‌های صفحه رسمی وزارت خارجه ایران می‌باشد که خواسته‌ها، خط قرمزها و شروط طرف ایرانی را بیان می‌کند. اما این که آیا در مذاکرات هسته‌ای نیز این سیاست‌های احصاء شده از توثیبت‌ها اعمال می‌شود یا خیر، خود نیاز به پژوهش دیگری دارد. اما وزارت خارجه ایران در ۶ ماه ابتدایی دولت سیزدهم، در عین حال که به طرف مقابل بی‌اعتماد است، همواره به دلیل مشکلات خود، خواستار انجام مذاکرات مؤثر و با نتیجه مطلوب بوده است. بر اساس یافته‌های این پژوهش دولت ایران به‌خوبی دریافته است که آمریکا به‌هیچ وجه قابل اعتماد نیست و در صورتی که با هر حزبی که به‌عنوان دولت وقت در آمریکا روی کار باشد، توافق کند، امکان دارد حزب مقابل در انتخابات بعد پیروز شود و مانند ترامپ، از توافق خارج



شود. اما مشکل اساسی دولت ایران تبعیت بسیاری از کشورها و شرکت‌های جهان از تحریم‌های یک‌جانبه آمریکا است. به همین دلیل دولت ایران بر سر دو راهی مذاکره قرار گرفته است. یافته مهم این پژوهش تعارض در بی‌اعتمادی به طرف مقابل و امید نداشتن به تغییر آن و در عین حال نگاه مثبت ایران به مذاکره با آمریکا و سایر کشورهای توافق برجام است. نکته‌ای که در نگاه اول غیر منطقی به نظر می‌رسد زیرا اگر بخواهیم منطقی نگاه کنیم نگاه مثبت و فرستادن پالس‌های مثبت مذاکره با آمریکا که بر طبق تحلیل توییت‌های وزارت خارجه دولت ایران، استخراج شده است، امری غیر منطقی است مگر این که از روی استیصال دولت ایران انجام شود. یعنی دولت ایران در حال حاضر راه خروج از بحران یا حداقل یکی از راه‌های خروج از بحران اقتصادی خود را مذاکره با آمریکا و توافق برای لغو تحریم‌ها می‌داند و تا زمانی که نتواند به راه حل دیگری برای مجاب کردن دولت‌ها و شرکت‌ها دست یابد، مجبور به ادامه این راه خواهد بود و یافته‌هایی همچون مذاکره مؤثر و مذاکره عزتمندانه را می‌توان این طور تحلیل کرد که دولت ایران برای بیشتر نشدن تحریم‌ها، حفظ جلوه اهل مذاکره بودن خود و در نهایت خریدن زمان برای دستیابی به راه‌حل جایگزین، ادامه خواهد داد. البته منظور از راه‌حل جایگزین، راهی برای توافق مستقیم با سایر کشورهای جهان است که دون ترس و وا همه از دولت آمریکا و با حفظ استقلال خود بتوانند موضوعات مورد توافق را اجرا نمایند.

منابع

بشیر، حسن و حسنلو، مسعود (۱۳۹۴). پرونده هسته‌ای ایران و اعتمادسازی برای دولت آمریکا؛ تحلیل صفحه سخنگوی وزارت امور خارجه آمریکا در فیس‌بوک. *دانش سیاسی* ۱۱(۱): ۸۹-۱۱۲.

بهرامی‌پور، فرشته و پورجعفری، محمدحامد (۱۳۹۹). تحلیل نقش شبکه‌های اجتماعی مجازی در مذاکرات هسته‌ای وین. قابل دسترسی در:

<https://civilica.com/doc/1353879>

تاجریان، علی و اسدی، عباس و عیدی، فاطمه (۱۳۹۶). دیپلماسی رسانه‌ای در مذاکرات هسته‌ای تعامل جامعه بین‌الملل با دولت روحانی. *پژوهش‌نامه ایرانی سیاست بین‌الملل* ۵(۲): ۵۸-۳۶.

خرازی‌آذر، زهرا (۱۳۹۴). درک مفهوم دیپلماسی رسانه‌ای: رسانه‌ها به مثابه بازیگران نوین دیپلماتیک.

فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، ۱۱ (۳۲): ۱۳۵-۱۱۷.

شفیعی سروستانی، مریم و روشندل اربطانی، طاهر و شریفی، سید مهدی و نوربخش، یونس. ۱۳۹۹. الگوی مطلوب دیپلماسی رسانه‌ای در وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران. قابل دسترسی در:

<https://civilica.com/doc/1229031>



عودلاجانی، فاطمه و نقیب‌السادات، سیدرضا (۱۴۰۰). دیپلماسی رسانه‌ای در شبکه اجتماعی توئیتر. قابل دسترسی در:

<https://civilica.com/doc/1371914>

نظیفی‌آرانی، پرستو (۱۳۹۸). روابط امروز، دیپلماسی رسانه‌ای یا دیپلماسی سایبری، نهمین کنفرانس بین‌المللی اقتصاد، مدیریت و حسابداری با رویکرد ارزش آفرینی. شیراز. قابل دسترسی در:

<https://civilica.com/doc/925343>

مومنی‌راد، علی‌اکبر و علی‌آبادی، خدیجه و فردانش، هاشم و مزینی، ناصر (۱۳۹۲). تحلیل محتوای کیفی در آیین پژوهش: ماهیت، مراحل و اعتبار نتایج. *اندازه‌گیری تربیتی*، ۴ (۱۴)، ۱۸۷-۲۲۲.

Haidar, J.I. , (2015). Sanctions and Exports Deflection: Evidence from Iran, *Paris School of Economics*, University of Paris 1 Pantheon Sorbonne, Mimeo.

Trager, Robert F. (2016). The Diplomacy of War and Peace. *Annual Review of Political Science*. 19 (1): 205–228. doi:10.1146/annurev-polisci-051214-100534. ISSN 1094-2939.

Burns, A., & Eltham, B. (2009). Twitter free Iran: An evaluation of Twitter's role in public diplomacy and information operations in Iran's 2009 election crisis.

LARBI. Larbi (2022). Digital Diplomacy: Twitter and Face book impact on International Relations. *Legal and Political Research*. Vol.8, NO.2 , June (2022) / p-p 721-738

Gull, A., ul Hassan, Z., & Bosaal, F. M. (2024). JCPOA AND IRAN'S STRUGGLE FOR POWER IN THE MIDDLE EAST. *Pakistan Journal of International Affairs*, 7(2).

Bowden, M. (2006). *Guests of the Ayatollah: The First Battle in America's War with Militant Islam*.

Jervis, R. (1997). *System Effects: Complexity in Political and Social Life*. NJ: Princeton University Press.

Pleming, S. (2009). U.S. State Department speaks to Twitter over Iran. Thomson Reuters (16 June), Available at: <http://www.reuters.com/article/rbssTechMediaTelecomNews/idUSWBT01137420090616>

ISPI (2019). Iran in the Middle East: The Notion of 'Strategic Loneliness'. ISPI. "Six Charts That Show How Hard US Sanctions Have Hit Iran," *BBC News*, May 2, 2019, <https://www.bbc.com/news/world-middle-east-48119109>.

Robinson, K. and Laub, Z. (2017). What Is the Status of the Iran Nuclear Agreement?. Council on Foreign Relations.

Fergus Hanson (November 2012). A Digital DFAT: Joining the 21st century. *Lowy Institute*. Archived from the original on 2012-03-22.

Keleman, Michele (2014). Twitter Diplomacy: State Department 2.0". *National Public Radio*.

Encyclopedia Britannica (2020). Foreign policy, *Encyclopedia Britannica*.

بازنمایی اخبار جنگ اوکراین و روسیه در شبکه‌های خبری فارسی‌زبان خارجی (مطالعه موردی: بی‌بی‌سی فارسی و ایران‌اینترنشنال)

راضیه شیروانی دستگردی^۱، اردشیر زابلی‌زاده^۲، علی اصغر کیا^۳

چکیده

پژوهش حاضر با تمرکز بر مطالعه موردی بی‌بی‌سی فارسی و ایران‌اینترنشنال به بازنمایی تصویر جنگ اوکراین و روسیه در رسانه‌های خبری فارسی‌زبان پرداخته است. جنگ بین این دو کشور شاهد پوشش رسانه‌ای گسترده‌ای بوده و بازیگران مختلف از بسترهای رسانه‌ای، برای پیشبرد اهداف خود استفاده کرده‌اند. هدف این پژوهش، تبیین بازنمایی و چارچوب‌بندی جنگ اوکراین و روسیه در اخبار بی‌بی‌سی فارسی و ایران‌اینترنشنال است. داده‌های این پژوهش با استفاده از تکنیک چارچوب‌بندی اخبار جنگ اوکراین و روسیه در این شبکه‌های خبری مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. حجم نمونه تحقیق یکسال خبری، متشکل از چهار هفته و ۲۸ روز خبری از سال‌های ۲۰۲۱ تا ۲۰۲۳ است که به صورت هدفمند انتخاب شده است. در یافته‌های این پژوهش، به رویکردها و دیدگاه‌های شبکه‌های خبری بی‌بی‌سی فارسی و ایران‌اینترنشنال در روایت مربوط به درگیری پرداخته شده است. شبکه خبری ایران‌اینترنشنال با ترسیم انعقاد پیمان‌های دیپلماتیک و اقتصادی بین دو کشور، سعی در ترویج عدم‌تعرض به استقلال و حقوق ملی اوکراین داشته و رویکرد بی‌طرفانه به دو طرف را حفظ کرده؛ در حالی که بی‌بی‌سی فارسی تمرکز خود را بر روی جنبش‌ها، خیزش‌های مردمی و انتقادها به نفع اوکراین گذاشته است. هر دو شبکه خبری از میان چارچوب‌های عام خبری، به چارچوب‌های «نسبت دادن مسئولیت» و «علائق انسانی» بیشتر از دیگر چارچوب‌ها و به «چارچوب پیامدهای اخلاقی» کمتر از دیگر چارچوب‌ها توجه نشان داده‌اند.

کلیدواژه‌ها: بازنمایی، چارچوب‌بندی، بی‌بی‌سی فارسی، ایران‌اینترنشنال، جنگ اوکراین و روسیه.

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۱/۲۸

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۸/۱۷

۱. کارشناسی ارشد علوم ارتباطات، گروه و دانشکده علوم ارتباطات، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران.
raziyeshirvanidastgerdi@gmail.com

۲. دانشیار دانشکده ارتباطات و رسانه، دانشگاه صداوسیما، تهران، ایران (نویسنده مسئول).
azmmf9432@gmail.com

۳. استاد گروه روزنامه‌نگاری، دانشکده علوم ارتباطات، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران.
keya@atu.ac.ir

DOI: 10.22034/imrl.2024.435791.1224



مقدمه

از مهم‌ترین وظایف رسانه‌ها اطلاع‌رسانی و پوشش‌دهی اخبار است. شبکه‌های خبری فارسی‌زبان بین‌المللی^۱ از اهمیت ویژه‌ای برخوردار هستند؛ زیرا تمام جهانیان با استناد به این اخبار و با توجه به اهداف خودشان به خبرها ارزش می‌دهند. به دلیل قدرتمند بودن رسانه، توجه به تأثیرگذاری آن بر افکار عمومی^۲ اهمیت ویژه‌ای دارد. در مواقع بحران و جنگ، رسانه‌ها بیش از پیش مورد توجه سیاست‌مداران و صاحبان قدرت قرار می‌گیرند و خبرها براساس اهداف و خواست صاحبان قدرت، تهیه و تنظیم می‌شود. شبکه خبری بی‌بی‌سی فارسی^۳ تحت سیطره دولت بریتانیا و شبکه ایران‌اینترنشنال^۴ در بریتانیا با مالکیت شرکت وُلنت مدیا^۵ صاحب امتیازی شرکت گلوبال‌مدیا^۶ است. این شبکه به صورت غیرمستقیم از سوی دربار عربستان سعودی تأمین مالی می‌شود (Kamali Dehghan, 2018). این دو شبکه برخلاف ادعای فعالیت بی‌طرفانه، مطابق با منافع دولت‌مردان و اهداف آن‌ها برنامه‌هایشان را به‌نمایش می‌گذارند.

بازنمایی، نقش مهمی در شکل‌گیری ادراک، درک و نگرش عمومی در مورد درگیری‌ها ایفا می‌کند. رسانه‌ها از طریق پوشش و به تصویر کشیدن رویدادهای مربوط به جنگ، این قدرت را دارند که بر نحوه تفسیر و واکنش مخاطبان به چنین موقعیت‌هایی تأثیر بگذارند. بازنمایی اخبار جنگ می‌تواند افکار عمومی را تحت تأثیر قرار دهد، بر تصمیمات سیاستگذاری تأثیر بگذارد و برداشت بین‌المللی از درگیری را شکل دهد. این پژوهش با هدف بررسی نحوه گزارش و نمایش این دو شبکه خبری برجسته فارسی‌زبان از جنگ اوکراین و روسیه تدوین شده است. نقطه تمرکز این پژوهش، نحوه بازنمایی اخبار جنگ اوکراین و روسیه توسط رسانه‌های فارسی‌زبان مستقر در کشورهای غربی و همچنین چارچوب‌بندی^۷ استفاده شده در شبکه‌های خبری بی‌بی‌سی فارسی و ایران‌اینترنشنال در جنگ اوکراین و روسیه است.

جنگ بین اوکراین و روسیه یک موضوع مهم ژئوپلیتیکی بوده که توجه جهانی را به خود جلب کرده است. این جنگ یک جنگ تمام‌عیار گرم و مکمل آن، جنگ (نبرد) رسانه‌ای است.

-
1. International Persian language news channels
 2. Public Opinion
 3. BBC Persian
 4. Iran International
 5. Volant Media
 6. Global Media
 7. Framing



مانند هر جنگی، پوشش رسانه‌ای نقش مهمی در شکل‌دهی افکار عمومی، تأثیرگذاری بر روابط بین‌الملل و به‌طور بالقوه ترویج سیاست خارجی ایفا می‌کند. در جنگ اوکراین و روسیه، رسانه‌ها به ابزاری ضروری برای هر دو طرف برای انتقال روایت‌های خود، جلب حمایت و تأثیرگذاری بر جامعه بین‌المللی تبدیل شده‌اند. این جنگ و نتایج آن تأثیر بسیاری بر تمام جهان می‌گذارد؛ از همین‌رو با گسترش ارتباطات و فناوری‌های ارتباطی^۱، مرزها از میان می‌روند و این جنگ برای تمام کشورها و رسانه‌های آن‌ها اهمیت پیدا کرده و برای پوشش خبرهای این جنگ بر مبنای منافع ملی خود از هیچ تلاشی دریغ نمی‌کنند.

این پژوهش به‌طور خاص بر نقش دو رسانه بی‌بی‌سی فارسی و ایران‌اینترنشنال در پوشش جنگ اوکراین و روسیه متمرکز خواهد بود. هر دو رسانه نفوذ قابل توجهی در جهان فارسی‌زبان دارند و پوشش آن‌ها می‌تواند به‌طور قابل توجهی بر درک عمومی و تلاش‌های دیپلماتیک تأثیر بگذارد. با بررسی راهبردهای رسانه‌ای به‌کار گرفته شده توسط بی‌بی‌سی فارسی و ایران‌اینترنشنال، سوگیری‌های آن‌ها، روایت‌هایی که ترویج می‌کنند، می‌توان بینش‌هایی در مورد اینکه چگونه رسانه‌ها می‌توانند ادراکات بین‌المللی را شکل دهند و به‌طور بالقوه در حل مناقشه یا تشدید آن کمک کنند، به‌دست آورد.

نحوه بازنمایی رسانه‌ها و چارچوب‌بندی آن‌ها از جنگ اوکراین و روسیه، محققان و سیاست‌گذاران را قادر می‌سازد تا تأثیر بالقوه روایت‌های رسانه‌ای را بر ابتکارات دیپلماتیک، احساسات عمومی و چشم‌انداز مذاکرات صلح ارزیابی کنند. با تحلیل چارچوب‌بندی مناقشه در شبکه‌های خبری بی‌بی‌سی فارسی و ایران‌اینترنشنال در زمان حاضر، محققان می‌توانند بینش‌های به‌موقع درباره راهبردها و تاکتیک‌های مورد استفاده رسانه‌ها در شکل‌دهی افکار عمومی و تأثیرگذاری بر تصمیم‌گیری‌های سیاست خارجی ارائه کنند.

اهمیت این مسأله به‌دلیل تأثیر جنگ اوکراین و روسیه بر دیگر کشورها است. با توجه به اینکه رسانه‌ها در حوزه سیاست خارجی^۲ ورود پیدا کرده و توانایی تأثیرگذاری و تغییر افکار و اذهان را دارند، رسانه‌های فارسی‌زبان غربی با بیان خبرهایی به قصد تغییر افکار فارسی‌زبانان در تمام جهان به سمت اهداف ایالات متحده و با تلاش برای تغییر افکار آن‌ها، ایران را به همکاری با روسیه متهم می‌کنند. یکی از مسائل مهم شبکه‌های خبری در خصوص جنگ اوکراین و روسیه نحوه

1. Communication technologies
2. Foreign policy

پوشش‌دهی اخبار از وقایع جنگ است. هدف اصلی این تحقیق، تبیین نحوه بازنمایی اخبار جنگ اوکراین و روسیه در شبکه‌های خبری فارسی‌زبان بی‌بی‌سی فارسی و ایران‌اینترنشنال است. بنابراین، هدف این مقاله، پاسخ دادن به این پرسش است که شبکه‌های خبری فارسی‌زبان بی‌بی‌سی فارسی و ایران‌اینترنشنال جنگ اوکراین و روسیه را چگونه بازنمایی می‌کنند.

پیشینه پژوهش

مطالعات و پژوهش‌های مرتبط، با کلیدواژه‌های «چارچوب‌بندی»، «بازنمایی»، «جنگ اوکراین و روسیه» مورد توجه قرار گرفته‌اند. اهم پژوهش‌هایی که با پژوهش حاضر مرتبط بودند در جدول ۱ ارائه شده است:

جدول ۱. پیشینه پژوهش

ردیف	عنوان	نویسندگان	نتیجه اصلی
۱	بازنمایی اعتراضات مردم کشورهای عربی در شبکه‌های خبری بین‌المللی: تحلیل چارچوب‌بندی رویدادهای اعتراضی مصر، لیبی و بحرین در شبکه‌های پرس‌تی‌وی ^۱ ، الجزیره ^۲ ، بی‌بی‌سی ^۳ و سی‌ان‌ان ^۴	زایلی‌زاده (۱۳۹۰)	در این پژوهش با تلفیق روش‌های کمی و کیفی (تحلیل محتوای کمی و تحلیل روایت) به رویدادهای اعتراضی کشورهای عربی، نحوه چارچوب‌بندی و بازنمایی این خبرها در شبکه‌های خبری بین‌المللی پرداخته است.
۲	رسانه و گلوله؛ بررسی پوشش خبری درگیری ۲۰۲۲ در اوکراین توسط رسانه‌های خبری فارسی‌زبان پیشرو در ارتباط با روزنامه‌نگاری صلح/ جنگ	اصغری (۲۰۲۲)	این پژوهش نشان می‌دهد که چارچوب غالب در همه مقالات، گزارش‌نخبه‌محور است که در آن نخبگان یا به‌عنوان منبع اطلاعات یا به‌عنوان بازیگر مورد توجه قرار می‌گیرند.
۳	قاب‌بندی جنگ روسیه و اوکراین: مورد مطالعاتی محبوب‌ترین کانال‌های خبری تلگرام روسیه و اوکراین	کارل ولکوهون ^۵ (۲۰۲۲)	قاب‌ها و چارچوب‌های مورد استفاده در بین کشورها متفاوت است. مانند قاب‌بندی جنگ به‌عنوان یک ضرورت در پرونده روسیه و سبک قضاوتی نوشتن در پرونده اوکراین؛ با این حال، چارچوب‌های مشابهی مانند

1. Press TV
2. Al Jazeera Media Network
3. BBC World News
4. Cable News Network
5. Karl Volkohon



ردیف	عنوان	نویسندگان	نتیجه اصلی
			راهبردهای غیرانسانی برای توصیف دشمن یا روایت‌های تاریخی وجود دارد که توسط طرفین به‌طور متفاوتی استفاده شده است. این پژوهش، دانشی را به روابط اوکراین و روسیه می‌افزاید که دیدگاه اوکراینی بیشتری را در مورد تاریخ روابط روسیه و اوکراین که در آن روایات روسی قبلاً غالب بود، اضافه می‌کند.
۴	چارچوب خبری «مبارزان سوری» در سوئد، تحلیل چارچوبی از روزنامه‌های سوئدی	جوہانسون ^۱ (۲۰۱۷)	با استفاده از تحلیل چارچوب‌بندی و تئوری چارچوب‌بندی نشان می‌دهد که جنگجویان سوریه و اقدامات آن‌ها عمدتاً به‌عنوان یک پدیده اجتماعی منفی و مشکل‌ساز مطرح می‌شوند. این مطالعه همچنین مقایسه‌ای با تحقیقات مشابه و قبلی روزنامه‌های هلندی و فلاندی انجام می‌دهد و شباهت‌ها و همچنین تفاوت‌های واضحی را پیدا می‌کند.

پژوهش‌های انجام شده با نتایجی که ارائه داده‌اند می‌توانند در تجزیه و تحلیل یافته‌های پژوهش حاضر کمک کنند. از آنجایی که تاکنون پژوهشی درباره نحوه بازنمایی اخبار جنگ اوکراین و روسیه در شبکه‌های خبری فارسی‌زبان بی‌بی‌سی فارسی و ایران اینترنشنال انجام نشده است، از این پژوهش‌ها برای تجزیه و تحلیل یافته‌های پژوهش حاضر کمک گرفته شده است.

چارچوب نظری پژوهش

۱. نظریه برجسته‌سازی

نظریه برجسته‌سازی، تأثیرات چارچوب‌های رسانه‌ای را بر دستور کار عمومی مورد بحث قرار می‌دهد. پوشش رسانه‌ای بر گفتمان اجتماعی و دستور کار رسانه‌ها بر دستور کار اجتماعی تأثیر می‌گذارد که به نوبه خود بر تحولات اجتماعی مؤثر هستند. این تئوری پیشنهاد می‌کند مخاطبان برای جهت‌گیری به رسانه‌ها نگاه می‌کنند و خبرهای برجسته‌شده توسط رسانه‌ها را می‌پذیرند. در واقع رسانه‌ها برای مردم دغدغه‌سازی می‌کنند و سپس بر ایده‌های آن‌ها تأثیر می‌گذارند. برخی

اوقات این تأثیر به نگرانی آنها دامن زده و گاهی نیز با آن‌ها مقابله می‌کند و آن‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهند. مک‌کامبز^۱ مطالعات متعددی را ارائه و ادعا می‌کند که «انباشته‌ای از شواهد در مورد اثرات تعیین دستور کار که روزنامه‌نگاران به‌طور قابل توجهی بر تصویر مخاطبان خود از جهان تأثیر می‌گذارند» وجود دارد. امروزه، نظریه برجسته‌سازی در مورد اخبار بین‌المللی بسیار پیچیده‌تر است. با ظهور رسانه‌های آنلاین و دیجیتالی شدن روزافزون اخبار، این دگرگونی‌ها، ارزش‌های خبری را که در ایجاد داستان‌های خبری بسیار مهم هستند، بازتعریف می‌کند. بازنمایی رسانه‌ای می‌تواند بر «تخیل جهانی» تأثیر بگذارد (اورگاد، ۲۰۱۲). در مجموع، مطالعات رسانه‌ای متعددی در مورد تعیین دستور کار وجود دارد که بسیاری از آن‌ها از نمونه چپل هیل^۲ پیروی می‌کنند. به‌عبارت دیگر، تأثیرات تعیین‌کننده دستور کار - انتقال مؤثر برجستگی از دستور کار رسانه‌ها به دستور کار عمومی - در مکان‌هایی اتفاق می‌افتد که نظام‌های سیاسی و رسانه‌ای «باز» حاکم هستند (دیرینگ و روگرز، ۱۹۹۶: ۵۱؛ ریزوا و پانایوتوا، ۲۰۲۱).

نظریه برجسته‌سازی به قدرت تأثیرگذاری رسانه‌ها بر افکار عمومی و شکل دادن به اهمیت و برجستگی موضوعات، با تعیین اولویت موضوعات می‌پردازد. همچنین این نظریه، بر چگونگی اولویت‌بندی پوشش خبری بی‌بی‌سی فارسی و ایران‌اینترنشنال از تعیین موضوعات، رویدادها و روایت‌ها در خصوص جنگ اوکراین و روسیه، تأثیر می‌گذارد. نظریه برجسته‌سازی در شکل‌دهی به برداشت عمومی از جنگ اوکراین و روسیه با تعیین موضوعات، رویدادها و روایت‌هایی که در پوشش آن‌ها اولویت دارد، نقش دارد. شبکه‌های خبری این توانایی را دارند که با انتخاب جنبه‌های خاص درگیری برای تأکید و با چارچوب‌بندی روایت به شیوه‌ای خاص، برجسته‌سازی را تنظیم کنند.

۲. نظریه چارچوب‌بندی

چارچوب‌بندی عبارت است از انتخاب برخی از جنبه‌های یک واقعیت درک شده و برجسته‌تر کردن آن‌ها در یک متن ارتباطی، به‌گونه‌ای که یک تعریف خاص و تفسیر علی-اخلاقی را ترویج کند. در حالی که رسانه‌ها «دستور کار» را در مورد این‌که چه رویدادهایی را گزارش دهند، تعریف می‌کنند؛ استفاده از چارچوب‌بندی مربوط به ارائه این رویدادها، در اخبار است. مک‌کامبز، شاو و ویور، پیشنهاد کردند که نه‌تنها تأثیرات تنظیم دستور کار و چارچوب‌بندی به هم مرتبط

1. Mc Combs
2. Chapel Hill's



هستند، بلکه چارچوب‌بندی، در واقع بسط عملکرد تنظیم دستور کار است. با این حال، چارچوب‌بندی فراتر از توصیف «نحوه تفکر و صحبت مردم در مورد موضوعات در اخبار» است. مفهوم چارچوب‌بندی برای اولین بار در پژوهش‌های گافمن^۱ پدیدار شد که فرض می‌کند «زمینه و سازماندهی پیام‌ها بر افکار و اقدامات بعدی مخاطبان در مورد آن پیام‌ها تأثیر می‌گذارد». گیتلین^۲ اضافه کرد که فریم‌ها ابزارهایی هستند که نحوه سازماندهی حجم عظیمی از اطلاعات و بسته‌بندی مؤثر آن‌ها را برای مخاطبان خود توسط روزنامه‌نگاران تسهیل می‌کنند. نظریه چارچوب‌بندی ایده تعیین دستور کار را یک قدم جلوتر می‌برد. نه تنها رسانه‌های خبری، مسائلی را که مردم در ذهن دارند هدایت می‌کنند، بلکه با چارچوب‌بندی، که به آن به‌عنوان دستور کار سطح دوم نیز شناخته می‌شود، رسانه‌ها می‌توانند نحوه تفکر ما را در مورد این موضوعات هدایت کنند. فریم‌های خبری «با انتخاب حقایق معین، تفسیرهای خاصی از رویدادها را ترویج می‌کنند» (Furkert, 2020). معمولاً از رویکرد چارچوب‌بندی برای تحلیل پوشش خبری موضوعات بحث‌برانگیز استفاده می‌شود تا مشخص شود که آیا این اخبار به شیوه‌هایی نوشته شده‌اند که به‌طور غیرمستقیم یا مستقیم سوگیری دارند و یا نگرش‌های خاصی (مانند نگرش‌های مثبت یا نگرش‌های منفی) در مورد جامعه را ترویج می‌کنند. رویکرد چارچوب‌بندی برای تجزیه و تحلیل محتوای رسانه‌های خبری به‌روش‌های مختلف مورد استفاده قرار گرفته، به‌طور مداوم بینش ارزشمندی را در مورد ماهیت سوگیری در رسانه‌های خبری ارائه کرده و می‌تواند ماهیت پیچیده چگونگی تأثیر محتوای رسانه‌های خبری را بر روی آن روشن کند (Babin, 2016).

در حوزه سیاست خارجی، چارچوب‌بندی نقشی حیاتی در تأثیرگذاری بر ادراک بین‌المللی و پیشبرد اهداف دیپلماتیک ایفا می‌کند. بی‌بی‌سی فارسی و ایران‌اینترنشنال، روش چارچوب‌بندی را برای تحلیل نحوه ارائه و تفسیر این شبکه‌های خبری در مورد جنگ اوکراین و روسیه به‌کار می‌برند. به‌طور خاص، این تئوری به درک اینکه چگونه این کانال‌ها به‌طور انتخابی بر جنبه‌های خاصی از درگیری تأکید و از زبان خاصی استفاده می‌کنند و از نشانه‌های دیداری و شنیداری برای چارچوب‌بندی جنگ به شیوه‌ای خاص استفاده می‌کنند، کمک می‌کند. نظریه چارچوب‌بندی، قاب ارزشمندی برای بررسی نحوه بازنمایی اخبار جنگ اوکراین و روسیه در شبکه‌های خبری فارسی‌زبان بی‌بی‌سی فارسی و ایران‌اینترنشنال است.

1. Erving Goffman
2. Gitlin

۳. نظریه بازنمایی

بازنمایی به معنای استفاده از زبان برای گفتن چیزی معنادار در مورد چیزی، یا نمایش معنادار جهان به افراد دیگر است. به‌طور کلی سه رویکرد برای توضیح نحوه عملکرد بازنمایی معنا از طریق زبان وجود دارد: رویکردهای بازتابی^۱، رویکرد عمدی-قصدی^۲ و ساخت‌گرایانه یا سازه‌گرایانه^۳. در رویکرد انعکاسی، تصور می‌شود که معنا در شیء، شخص، ایده یا رویداد در دنیای واقعی نهفته است و زبان مانند یک آینه عمل می‌کند تا معنای واقعی را آنطور که قبلاً در جهان وجود دارد منعکس کند. رویکرد دوم بر این باور است که این گوینده و نویسنده است که معنای منحصر به فرد خود را از طریق زبان به جهان تحمیل می‌کند. کلمات به معنای آن چیزی است که نویسنده قصد دارد منظورشان را داشته باشد. رویکرد سوم شخصیت اجتماعی زبان را تصدیق می‌کند. طبق این رویکرد، نه چیزها به خودی خود و نه استفاده‌کنندگان منفرد زبان نمی‌توانند معنا را در زبان تثبیت کنند. چیزها به این معنا نیستند که ما با استفاده از سیستم‌های بازنمایی- مفاهیم و نشانه‌ها- معنا می‌سازیم. از این رو به آن رویکرد ساخت‌گرایی یا ساخت‌گرایی به معنا در زبان گفته می‌شود. بازنمایی، تولید معنا از طریق زبان است. سازه‌گرایان استدلال می‌کنند که در بازنمایی، از نشانه‌هایی استفاده می‌کنیم که به زبان‌های مختلف سازماندهی شده‌اند. برای برقراری ارتباط معنادار با دیگران زبان‌ها می‌توانند از نشانه‌ها برای نمادسازی استفاده کنند (Hall, 1997).

روش پژوهش

این مطالعه با هدف تعیین چگونگی نمایش جنگ اوکراین و روسیه در سال‌های ۲۰۲۱ تا ۲۰۲۳ از طریق عناوین و تصاویر در رسانه‌های خبری (شبکه‌های خبری بی‌بی‌سی فارسی و ایران‌اینترنشنال) انجام شده و برای دستیابی به آن از روش تحلیل محتوای کیفی و تکنیک چارچوب‌بندی استفاده شده است. تحلیل محتوای کیفی روشی برای تجزیه و تحلیل داده‌های متنی و تصویری به منظور شناسایی الگوها، مضامین و معانی درون محتوا استفاده می‌شود. هنگامی که تکنیک چارچوب‌بندی در تحلیل رسانه‌ها اعمال می‌شود، تحلیل محتوای کیفی با هدف بررسی چگونگی ارائه و تفسیر یک موضوع یا موضوع خاص توسط رسانه‌ها انجام می‌شود.

1. The Reflective
2. The Intentional
3. The Constructionist or Constructivist Approaches



در این پژوهش با استفاده از آرشیوهای خبری این دو شبکه خبری و جامعه آماری و نمونه مورد نظر از جنگ اوکراین و روسیه، به تحلیل بصری و متنی از چارچوب‌های عام، خاص و موضوعی استفاده شده از این اخبار پرداخته شده است.

چارچوب‌های عام

چارچوب خبری عام به لحاظ مفهومی گسترده است و ویژگی‌های کلی پوشش را می‌سنجد. این چارچوب‌ها برای موضوعات و عناوین خبری مختلف در طول زمان و در زمینه‌های فرهنگی متفاوت به کار گرفته می‌شوند (کاماج، ۲۰۱۰: ۶۳۷ به نقل از زابلی‌زاده، ۱۳۹۰). در این پژوهش از چارچوب عام سمت‌کو و ولکنبرگ استفاده شده است. این دو چارچوب‌های پنجگانه خود را از ترکیب چند چارچوب عام دیگر به وجود آوردند (زابلی‌زاده، ۱۳۹۰).

چارچوب‌های خاص

چارچوب‌های خاص، بر رویدادها و موضوعات خاص تأکید می‌کنند و موضوع محور هستند (کاماج، ۲۰۱۰: ۶۳۷ به نقل از زابلی‌زاده، ۱۳۹۰). چارچوب جنگ و صلح چارچوب رقیب در پوشش تضاد تلقی می‌شود. روزنامه‌نگاری جنگ، به جنگ، خشونت، تبلیغ سیاسی، نخبگان و پیروزی می‌پردازد و خشونت‌محور، تبلیغ‌محور، نخبه‌محور و پیروزی‌محور است و اغلب به روش دوگانه‌ای ارتباط دارد (اتوسن، ۲۰۱۰: ۲۶۲ به نقل از زابلی‌زاده، ۱۳۹۰). روزنامه‌نگاری صلح، روشی است که به صلح، درگیری، حقیقت، مردم و راه‌حل‌ها می‌پردازد. این شیوه روزنامه‌نگاری، با پذیرفتن درگیری‌ها و شناسایی احزاب، اهداف و موضوعات دخیل، صورت‌بندی درگیری را بررسی می‌کند. روزنامه‌نگاران صلح با شناسایی و درک ریشه‌های تاریخی و فرهنگی، امکان ابراز عقیده برای تمامی احزاب فراهم می‌کنند (لی و دیگران، ۲۰۰۶: ۵۰۳ به نقل از زابلی‌زاده، ۱۳۹۰).

چارچوب‌های موضوعی

چارچوب‌های موضوعی، متناسب با موضوع و هدف پژوهش انتخاب می‌شوند و بر روی آن تمرکز می‌کنند. در این پژوهش از چارچوب موضوعی سیاست خارجی استفاده شده است. چارچوب سیاست خارجی، رویکردی ساختاریافته برای درک نقش، کارکردها و تأثیر رسانه‌ها در روابط بین‌الملل ارائه می‌دهد. این پژوهش با توجه به مقوله‌های «نقش بازیگران بین‌المللی»، «روش‌های تبلیغاتی و استفاده از اطلاعات نادرست»، «منافع مشترک بازیگران بین‌المللی یا

مسائل ژئوپولیتیکی»، «حقوق بشر و کمک‌های بشردوستانه» و «جنایتکار (کشور تجاوز کننده)، قربانی (کشور مورد تجاوز)» به بررسی چارچوب‌های خبری در تحلیل متن و تصویر شبکه‌های خبری بی‌بی‌سی فارسی و ایران‌اینترنشنال می‌پردازد. چارچوب سیاست خارجی، رویکردی جامع و راهبردی است که تعاملات و روابط یک کشور با سایر کشورها را هدایت می‌کند. این پژوهش با توجه به مقوله‌های «بازیگران بین‌المللی»، «امنیت بین‌المللی»، «منافع اقتصادی» و «نقش رسانه‌ها» به بررسی چارچوب‌های خبری در تحلیل متن و تصویر شبکه‌های خبری بی‌بی‌سی فارسی و ایران‌اینترنشنال می‌پردازد.

جامعه مورد مطالعه و حجم نمونه

برای انجام این پژوهش ابتدا بازه زمانی مربوط به جنگ اوکراین و روسیه در دو شبکه خبری بی‌بی‌سی فارسی و ایران‌اینترنشنال مشخص شده است. این دوره زمانی از ابتدای رویداد تا نزدیک‌ترین زمان به انجام پژوهش، به دلیل ادامه‌دار بودن جنگ، را در برمی‌گیرد. بازه زمانی نمونه‌گیری این پژوهش از آغاز جنگ اوکراین و روسیه (۵ اسفند ۱۴۰۰ / ۲۴ فوریه ۲۰۲۲) تا ۵ مرداد ۱۴۰۲ است. روزهای آغازین جنگ که مهم‌ترین خبرها حول محور جنگ اوکراین و روسیه و نقطه اوج و طلایی خبر از این زمان آغاز، و ۵ مرداد ۱۴۰۲ نزدیک‌ترین بازه تا زمان پژوهش را در برمی‌گیرد. در نهایت این پژوهش با بررسی برنامه‌های خبری دو شبکه خبری بی‌بی‌سی فارسی و ایران‌اینترنشنال، به تجزیه و تحلیل برنامه‌ها در چهار هفته خبری پرداخته است. از ابتدای جنگ (اسفند ۱۴۰۰) تا آخرین بازه پژوهش (مرداد ۱۴۰۲)، چهارده ماه بوده که از هر ماه دو روز و در مجموع چهار هفته آماری و ۲۸ روز خبری و در مجموع ۵۶ خبر، تجزیه و تحلیل شده است.

یافته‌های پژوهش

در یافته‌های این پژوهش به بررسی چارچوب‌های خبری عام، خاص و موضوعی در هریک از شبکه‌های بی‌بی‌سی فارسی و ایران‌اینترنشنال پرداخته شده است.



نقش شبکه‌های خبری در چارچوب‌بندی سیاست خارجی

جدول ۲. نقش شبکه‌های خبری در چارچوب‌بندی سیاست خارجی

مقوله	زیر مقوله	بی‌بی‌سی فارسی	ایران اینترنشنال
نقش شبکه‌های خبری در چارچوب‌بندی سیاست خارجی	عدم تمایل روسیه برای مشارکت در راه‌حل‌های دیپلماتیک	-	*
	ممنوعیت تجارت ایران با اوکراین	*	-
	محکومیت حمله نظامی روسیه به اوکراین	-	*
	روابط دوجانبه بین اوکراین و ایران	-	*
	پیشبرد و عدم پیشبرد اهداف دیپلماتیک	*	*

چارچوب سیاست خارجی نقش مهمی در شکل دادن به روایت‌ها و تأثیرگذاری بر روابط بین‌الملل ایفا می‌کند. در جنگ بین اوکراین و روسیه، شبکه‌های بی‌بی‌سی فارسی و ایران اینترنشنال از چارچوب سیاست خارجی برای چارچوب‌بندی و تحلیل مناقشه استفاده می‌کنند و بر افکار عمومی و بر دیدگاه‌های سیاست خارجی تأثیر می‌گذارند. بی‌بی‌سی فارسی با تأکید بر نیاز به راه‌حل مسالمت‌آمیز و احترام به تمامیت ارضی اوکراین، موضع کشورهای مختلف از جمله قدرتهای غربی و کشورهای همسایه و تلاش‌های دیپلماتیک آن‌ها برای رسیدگی به این جنگ را در چارچوب سیاست خارجی نشان می‌دهد. در مقابل ایران اینترنشنال خبرهای خود را براساس ملاحظات سیاست خارجی، منافع ژئوپلیتیکی و پویایی قدرت تنظیم می‌کند. این شبکه با تمرکز بر دخالت بازیگران خارجی مانند ایالات متحده و قدرتهای اروپایی، انگیزه‌های آن‌ها در جنگ، پیامدهای بالقوه برای سیاست خارجی و منطقه‌ای ایران، مواضع کشورهای مختلف و تأثیر بالقوه آن‌ها بر منافع ایران، چارچوب سیاست خارجی و نقش آن در اخبار را برجسته می‌کند. یکی از خبرها با تیتیر «استفاده روسیه از پهبادهای ایرانی در حمله به اوکراین»، با محکوم کردن روسیه به تهاجم به مراکز و زیرساخت‌های انرژی اوکراین، ایران را شریک در این تهاجم معرفی می‌کند و با اشاره به نقش ایران، روسیه را مقصر اصلی تهاجم نشان می‌دهد. خبر «تصویب لایحه دولت اوکراین برای تحریم ۵۰ ساله ایران»، به تحریم پنجاه‌ساله ایران پرداخته است. در ادامه خبر این تحریم را ممنوعیت برای عبور کالاها و تجارت ایران و اوکراین بیان کرده که پیامد آن تحریم‌های گسترده در زمینه‌های تجاری است. از دیگر سیاست‌های اوکراین در این خبر، نشان

دادن همکاری ایران با روسیه و متهم کردن آن به خشونت‌طلبی است که تحریم‌ها و پیامدهایی برای ایران به وجود خواهد آورد. در متن خبر از تحریک مردم ایران به اعتراض نیز صحبت می‌کند. هم روسیه، هم اوکراین و همچنین سایر طرف‌های درگیر، از راهبردهای سیاست خارجی برای شکل دادن به افکار عمومی، پیشبرد روایت‌های مربوطه خود و تأثیرگذاری بر درک بین‌المللی از جنگ استفاده کرده‌اند. شبکه ایران‌اینترنشنال از طریق انتشار اطلاعاتی که بخشی از آنها، با اهداف سیاست خارجی و منافع راهبردی روسیه همسو است، از جمله ادعای کمک‌های تسلیحاتی ایران به روسیه، نشان دادن قدرتمندی روسیه در جنگ اوکراین، و... به دنبال تأثیرگذاری بر افکار جهانی است. در مقابل شبکه بی‌بی‌سی فارسی بر مداخله نظامی روسیه، نقض حقوق بشر و تأثیر جنگ بر غیرنظامیان تمرکز کرده است. هدف هر دو شبکه خبری ایجاد همبستگی بین‌المللی، به دست آوردن اهرم دیپلماتیک و تقویت موقعیت خود در مذاکرات است.

علاوه بر این، چارچوب سیاست خارجی فقط به روسیه و اوکراین محدود نمی‌شود. سایر کشورها و بازیگران بین‌المللی نیز با ارائه دیدگاه‌های خود در مورد مناقشه مشارکت کرده‌اند. آنها ممکن است از بسترهای رسانه‌ای برای ابراز حمایت از یک طرف، محکومیت تجاوز یا دفاع از راه‌حل مسالمت‌آمیز و پایبندی به هنجارهای بین‌المللی استفاده کرده باشند. شبکه‌های خبری بی‌بی‌سی فارسی و ایران‌اینترنشنال، با استفاده از چارچوب سیاست خارجی، استفاده راهبردی از شبکه‌های خبری و بسترهای رسانه‌ای برای پیشبرد اهداف سیاست خارجی یک کشور تلاش می‌کنند. در طول جنگ، این دو شبکه در جهت انتقال دیدگاه‌های خود، تأثیرگذاری بر افکار بین‌المللی و جلب حمایت از مواضع مربوطه‌شان استفاده شده‌اند.

شبکه‌های خبری در پیشبرد و یا عدم پیشبرد اهداف دیپلماتیک می‌توانند نقش داشته باشند. برای نمونه شبکه خبری بی‌بی‌سی فارسی با بیان خبر «ولادیمیر پوتین مجوز عملیات را صادر و جنگ در مناطق روسیه و اوکراین را اجتناب ناپذیر نامید. زلنسکی نیز از بی‌نتیجه ماندن تلاش‌هایش برای مذاکره با پوتین خبر داد»، به گستردگی تهاجم و خشونت آن، که نشان‌دهنده استفاده روسیه از زور برای دستیابی به اهدافش است، اشاره می‌کند. تلاش‌های زلنسکی، رئیس‌جمهور اوکراین، برای مذاکره با پوتین بی‌ثمر توصیف شده که نشان‌دهنده عدم تمایل روسیه برای مشارکت در راه‌حل‌های دیپلماتیک است. خبر ایران‌اینترنشنال با این مضمون که «بحران انسانی و آواره شدن بیش از ۶ میلیون نفر در پی جنگ در اوکراین؛ زلنسکی می‌گوید زمان مذاکرات معنادار صلح میان مسکو و کی‌یف فرا رسیده است؛ روسیه به استفاده از سلاح



ما فوق صوت در غرب اوکراین اعتراف کرد»، با نشان دادن دخالت ایالات متحده و مذاکرات ناتو، به اقدامات بایدن می‌پردازد و بیان می‌کند که او بر حمایت ایالات متحده از اوکراین در برابر حملات روسیه تأکید کرده و خواستار راه‌حل دیپلماتیک برای بحران شده و به درخواست بایدن از کشورهای ناتو برای مذاکره با روسیه اشاره می‌کند. همچنین در ادامه این خبر نیز با بیان درخواست مذاکرات صلح معنادار بین روسیه و اوکراین، تقاضای مذاکره برای صلح و امنیت اوکراین بدون تأخیر و تلاش نخست‌وزیران سابق بریتانیا و دیگر مقامات برای ایجاد یک دادگاه بین‌المللی جدید برای بررسی اقدامات پوتین در حمله به اوکراین و حمایت از راه‌حل دیپلماتیک برای بحران و خواستار مذاکره بین کشورهای ناتو و روسیه، چارچوب صلح را در این خبر نشان می‌دهد. حمایت از راه‌حل‌های دیپلماتیک برای صلح می‌تواند نشان‌دهنده پیشبرد اهداف دیپلماتیک نیز قلمداد شود.

هدف چارچوب سیاست خارجی، شکل دادن به ادراک عمومی از طریق انتشار اطلاعات، ترویج روایت‌ها، و برجسته کردن رویدادها یا دیدگاه‌های خاصی است که با اهداف سیاست خارجی یک کشور همسو هستند. دولت‌ها از این چارچوب برای جلب همدردی و حمایت و بی‌اعتبار کردن مخالفان خود استفاده و با نمایش حوادث خاص، چارچوب‌بندی جنگ در یک زمینه خاص، و برجسته کردن انتخابی اطلاعات برای شکل دادن به افکار عمومی و تأثیرگذاری بر تصمیمات سیاستی تلاش کرده‌اند. در چارچوب سیاست خارجی، شبکه خبری ایران اینترنشنال تا حدودی رویکرد بی‌طرفانه به دو طرف جنگ دارد؛ در حالیکه بی‌بی‌سی فارسی، بیشتر تمرکز خود را بر روی جنبش‌ها، خیزش‌های مردمی و انتقادات به نفع اوکراین می‌گذارد. ایران اینترنشنال بیشتر تمایل دارد تا خواسته‌های ایران (به‌عنوان کشوری با سیاست خارجی مستقل) را درباره جنگ اوکراین و روسیه مطرح و با تلاش برای حفظ صلح و انعقاد پیمان‌های دیپلماتیک بین دو کشور، سعی در عدم تعرض به استقلال و حقوق ملی اوکراین و گسترش تعاملات اقتصادی با روسیه دارد؛ در حالی که بی‌بی‌سی فارسی تمایل به برجسته‌سازی نقش اوکراین به‌عنوان کشور شکست خورده در برابر تلاش‌های روسیه دارد و به تقویت بیشتر نبردهای اوکراین در برابر روسیه توجه می‌کند.

به‌طور کلی، چارچوب سیاست خارجی از جنگ روسیه و اوکراین بخشی جدایی‌ناپذیر از راهبردهای سیاست خارجی برای همه طرف‌های درگیر است و برای شکل دادن به روایت‌ها، تأثیرگذاری بر افکار عمومی و پیشبرد اهداف دیپلماتیک در عرصه بین‌المللی استفاده می‌شود.

توجه به این نکته ضروری است که این چارچوب (سیاست خارجی) می‌تواند شمشیر دولبه باشد، زیرا می‌تواند منجر به اطلاعات غلط، تبلیغات و دستکاری احساسات عمومی شود. به‌عنوان مصرف‌کنندگان اخبار، تجزیه و تحلیل انتقادی اطلاعات از منابع مختلف و جستجوی دیدگاه‌های متنوع برای به دست آوردن درک جامع‌تری از تعارض بسیار مهم است.

نقش شبکه‌های خبری در چارچوب‌بندی نسبت دادن مسئولیت

جدول ۳. نقش شبکه‌های خبری در چارچوب‌بندی نسبت دادن مسئولیت

مقوله	زیر مقوله	بی‌بی‌سی فارسی	ایران اینترنشنال
نقش شبکه‌های خبری در چارچوب‌بندی نسبت دادن مسئولیت	ادعای تجاوز و جنایات جنگی توسط روسیه	-	*
	تصویر قربانی از اوکراین	*	-
	محکومیت حمله روسیه توسط رهبران جهانی	-	*

شبکه‌های خبری در چارچوب نسبت دادن مسئولیت در جنگ اوکراین و روسیه، نقش مهمی در ارائه اطلاعات مربوط به جنگ، تأثیر هر یک از طرفین در جنگ و تأثیرگذاری بر نگرش‌ها و نظرات عمومی را نشان می‌دهد. آن‌ها اطلاعات مربوط به مسئولیت هر یک از طرفین را در اختیار مخاطبان قرار داده و به تبیین و تفسیر آن‌ها می‌پردازند. هر دو شبکه خبری با ارائه تفسیر و تحلیل‌های گوناگون در خصوص جنگ، مسئولیت هر یک از رخدادها و اتفاقات رخ داده را به کشورها و شخصیت‌های گوناگون نسبت داده‌اند. در این چارچوب با ترویج آگاهی عمومی درباره مسئولیت هر یک از طرفین در جنگ، از جمله بررسی عوامل و عملکرد هر یک از طرفین، شفاف‌سازی رویکردها و سیاست‌های هر دو طرف، تأثیر آن‌ها بر جنگ و جامعه بین‌المللی به تشویق مسئولیت‌پذیری و بهبود نگرش بین‌المللی نسبت به جنگ پرداخته است. بی‌بی‌سی فارسی و ایران اینترنشنال، با ایجاد فضایی برای بحث و تبادل نظر درباره مسئولیت هر یک از طرفین در جنگ اوکراین و روسیه، به توجیه و تأثیرگذاری در تصمیم‌گیری‌های سیاسی مرتبط با این منطقه کمک کرده‌اند.

شبکه خبری بی‌بی‌سی فارسی با بیان خبر «ولادیمیر پوتین مجوز عملیات را صادر و درگیری در مناطق روسیه و اوکراین را اجتناب‌ناپذیر نامید. زلنسکی نیز از بی نتیجه ماندن تلاش‌هایش



برای مذاکره با پوتین خبر داد»، مسئولیت جنگ را به پوتین نسبت می‌دهد که مجوز عملیات را صادر و درگیری در مناطق روسیه و اوکراین را اجتناب‌ناپذیر خوانده است. او به‌عنوان مسئول اصلی حمله به اوکراین به تصویر کشیده می‌شود؛ زیرا این حمله را مجاز کرده است. همچنین به ادعاهای اوکراین در مورد تجاوز روسیه مانند هدف قرار دادن زیرساخت‌ها و سرنگونی یک هواپیما اشاره کرده که مسکو آن را رد می‌کند. در این چارچوب ابتدا پوتین و ارتش روسیه به‌عنوان مقصران اصلی حمله به اوکراین به تصویر کشیده شده‌اند. کشورهای غربی، ناتو و بازیگران بین‌المللی مانند جو بایدن و بوریس جانسون نیز روسیه را مسئول این حمله می‌دانند. اوکراین به‌عنوان یک قربانی تصویر کشیده شده و پیامدهای اقتصادی جنگ را به اقدامات روسیه نسبت می‌دهند.

شبکه خبری ایران‌اینترنشنال نیز با بیان خبر «آغاز جنگ در شرق اروپا، پوتین فرمان جنگ را صادر کرد. رئیس‌جمهور اوکراین از عدم پاسخگویی پوتین برای مذاکره خبر می‌دهد»، نشان می‌دهد پوتین مسئول آغاز درگیری است. این خبر اقدامات روسیه را تهاجمی و ناقض قواعد بین‌المللی می‌داند. کشورهای غربی و ناتو اقدامات روسیه را محکوم و مسئولیت حمله نظامی به اوکراین را به روسیه واگذار می‌کنند. محکومیت ناتو با تأکید بر واکنش جمعی کشورهای عضو در برابر تجاوز روسیه برجسته شده است. این خبر نشان می‌دهد که چگونه جنگ بر بازیگران و سیاست‌های بین‌المللی تأثیر گذاشته و رهبران جهان حمله نظامی به اوکراین را محکوم می‌کنند. چارچوب مسئولیت در این خبر، روسیه به‌ویژه پوتین را به‌عنوان متجاوز اصلی و ناقض قواعد بین‌المللی نشان می‌دهد. کشورهای غربی، سازمان‌های بین‌المللی و رهبران جهان اقدامات روسیه را محکوم می‌کنند و مسئولیت را به روسیه نسبت می‌دهند. پیامدهای اقتصادی جنگ نیز برجسته شده که نشان‌دهنده تأثیر گسترده‌تر حمله روسیه به اوکراین است.

این چارچوب‌بندی به‌گونه‌ای متمرکز است که با اهداف و منافع سیاست خارجی یک کشور همسو باشد. شبکه‌های خبری، دولت و بازیگران آن از سیاست‌ها خبری برای نسبت دادن مسئولیت جنگ استفاده کرده‌اند. شبکه بی‌بی‌سی فارسی و اوکراین با برجسته کردن حمله روسیه بر مسئولیت روسیه تأکید کرده‌اند. در مقابل، شبکه ایران‌اینترنشنال از چارچوب‌بندی نسبت دادن مسئولیت به روسیه استفاده کرده تا اوکراین را به‌عنوان محرک یا تهدیدی برای جمعیت روس‌زبان معرفی کند تا سرزنش‌ها را منحرف کند. در چارچوب نسبت دادن مسئولیت از تکنیک‌های مختلفی مانند «گزارش انتخابی برخی رویدادها، تأکید بر روایت‌های خاص و استفاده

از زبان متقاعدکننده برای تحت تأثیر قرار دادن افکار عمومی» استفاده می‌شود. بی‌بی‌سی فارسی و ایران‌اینترنشنال، با انجام این فعالیت‌ها در تقویت دیدگاه‌های خاص و فراهم کردن بستری برای کارشناسان نقش مهمی را ایفا می‌کنند.

نقش شبکه‌های خبری در چارچوب‌بندی علائق انسانی

جدول ۴. نقش شبکه‌های خبری در چارچوب‌بندی علائق انسانی

مقوله	زیر مقوله	بی‌بی‌سی فارسی	ایران‌اینترنشنال
نقش شبکه‌های خبری در چارچوب‌بندی علائق انسانی	انتقاد از اقدامات روسیه	*	-
	مشارکت سازمان ملل متحد	*	-
	نقش بریتانیا و ایالات متحده در حمایت از اوکراین	-	*
	انتقاد از پیشنهاد میانجیگری ماکرون	-	*

چارچوب‌بندی علائق انسانی در جنگ اوکراین و روسیه تحت تأثیر عوامل مختلفی از جمله سیاست‌های تحریریه، پویایی سیاسی و چشم‌انداز رسانه‌ای گسترده‌تر قرار دارد. در چارچوب‌بندی علائق انسانی و با تمرکز بر وجه انسانی و شخصیت‌های انسانی، شبکه‌های خبری بی‌بی‌سی فارسی و ایران‌اینترنشنال، با استفاده از سیاست‌های شبکه‌های خود در هنگام ضرورت و برای تأثیرگذاری بیشتر بر افکار عمومی از چارچوب علائق انسانی استفاده می‌کنند. آنها از نگاه سیاسی، با نمایش مداوم رؤسای جمهور درگیر جنگ و همچنین شخصیت‌های گوناگونی که در روند جنگ تأثیرگذار بوده‌اند، چارچوب علائق انسانی را در اخبار برجسته کرده‌اند. چارچوب‌بندی منافع انسانی در تحلیل جنگ اوکراین و روسیه بسته به دیدگاه‌ها و سوگیری‌های رسانه‌های خبری درگیر می‌تواند متفاوت باشد.

برای نمونه در خبر بی‌بی‌سی فارسی با عنوان «آنتونی گوترش، دبیرکل سازمان ملل که پس از روسیه به اوکراین سفر کرده است، از برخی مناطق آزاده شده در استان کی‌یف بازدید کرد»، حمله روسیه به اوکراین به‌ویژه در زمان حضور دبیرکل سازمان ملل متحد را تحقیر و شکست سازمان ملل می‌داند. خشم دبیر کل هنگام خروج از کی‌یف همراه با تلفات ناشی از حمله موشکی این باور را تقویت می‌کند که روسیه مظنون اصلی است و اقدامات آن باعث تضعیف ثبات



می‌شود. همچنین نقش بریتانیا و ایالات متحده در حمایت از اوکراین نشان می‌دهد که کمک آن‌ها بر اساس منافع خودشان است. خبر نشان می‌دهد که این کمک‌ها با هدف مقابله با سیطره روسیه و حفاظت از منافع خود انجام می‌شود. این گزارش به آمادگی روسیه برای رژه نظامی در سالگرد پیروزی شوروی بر آلمان نازی اشاره می‌کند و نشان می‌دهد که این تلاشی برای نمایش تسلط بر اوکراین است. این خبر تأکید می‌کند که روسیه یکی از اعضای شورای امنیت است؛ اما روسیه را عامل اصلی بی‌ثباتی معرفی می‌کند.

در خبر دیگری در شبکه ایران اینترنشنال با عنوان «انتقاد شدید اوکراین از سخنان مکرون؛ وزیر دفاع اوکراین می‌گوید این جنگ تا انتهای سال جاری پایان نخواهد یافت»، با اشاره به چهره‌های انسانی از رهبران و شخصیت‌های مختلف جهان، به تهاجم روسیه به اوکراین و زوایای مختلف آن پرداخته شده است. در ابتدا پیشنهاد مکرون به میانجیگری فرانسه در جنگ اوکراین را مطرح و سپس مشاور زلنسکی این پیشنهاد را رد می‌کند. در ادامه دمیترو کولبا، وزیر خارجه اوکراین، این درخواست و پیشنهاد امانوئل را محکوم و آن را تحقیر فرانسه بیان می‌کند. این چارچوب خبری در بسیج حمایت و کمک بین‌المللی برای جمعیت‌های آسیب‌دیده نقش داشته است. با افزایش آگاهی از طریق پوشش خبری، شبکه‌های خبری می‌توانند همدلی و همدردی عمومی را ایجاد کرده که به کمک‌های بشردوستانه و فشار دیپلماتیک بر طرف‌های درگیر تبدیل شود. این چارچوب با برجسته کردن ترویج گفتگو، آشتی و تفاهم بین گروه‌های مختلف درگیر در مناقشه، به تلاش‌ها برای صلح‌سازی کمک کرده است. شبکه‌های خبری، بسترهایی را برای صداهای مختلف فراهم، بحث‌ها را تسهیل کرده و روایت‌هایی را ترویج کرده‌اند که همدلی را تقویت و شکاف‌ها را پر می‌کنند. چارچوب علائق انسانی در معرض سوگیری، تبلیغات و دستکاری روایت‌ها است. بنابراین، ارزیابی انتقادی اطلاعات برای مخاطبان اخبار، جستجوی منابع متنوع و تکیه بر رسانه‌های خبری معتبر برای به‌دست آوردن درک جامعی از تأثیر انسانی جنگ اوکراین و روسیه برای مخاطبان خبر بسیار مهم است.



نقش شبکه‌های خبری در چارچوب‌بندی پیامدهای اقتصادی

جدول ۵. نقش شبکه‌های خبری در چارچوب‌بندی پیامدهای اقتصادی

ایران اینترنشنال	بی‌بی‌سی فارسی	زیرمقاله	مقاله
-	*	کاهش ارزش پول روسیه	نقش شبکه‌های خبری در چارچوب‌بندی پیامدهای اقتصادی
-	*	افزایش تورم و کاهش قدرت خرید شهروندان روسیه	
-	*	حذف روسیه از سیستم انتقال بانکی بین‌المللی سوئیفت	
*	-	تأثیر بر بیت کوین و بازار ارزهای دیجیتال	

شبکه‌های خبری با ارائه اطلاعات مربوط به تأثیرات اقتصادی جنگ و تأثیرگذاری بر نگرش‌ها و نظرات عمومی درباره این موضوع نقش مؤثری در چارچوب‌بندی پیامدهای اقتصادی داشته‌اند و گزارش‌های خود را در مورد تخریب زیرساخت‌ها، اختلال در تجارت، کاهش سرمایه‌گذاری و رشد اقتصادی، و مشکلات اجتماعی و اقتصادی جمعیت‌های آسیب‌دیده منتشر کرده‌اند.

بی‌بی‌سی فارسی و ایران اینترنشنال توجه را به نیاز به کمک‌های بین‌المللی، وام‌ها یا کمک‌های مالی برای کمک به بازسازی زیرساخت‌ها، بهبود اقتصادی و کاهش بار اقتصادی بر روی جمعیت‌های آسیب‌دیده جلب کرده‌اند. شبکه خبری بی‌بی‌سی فارسی، تأثیر جنگ را به شبکه‌های بانکی و فعالیت‌های آن محدود کرده است؛ در حالی که شبکه خبری ایران اینترنشنال فراتر رفته، بازارهای ارزی دیجیتال و بیت کوین را مورد توجه قرار داده است. آن‌ها اطلاعات و تحلیل‌های متنوع درباره پیامدهای اقتصادی جنگ را در اختیار مخاطبان قرار داده و به تبیین و تفسیر آن‌ها می‌پردازند.

شبکه خبری بی‌بی‌سی فارسی با خبرکاهش ارزش پول می‌کند که روبل روسیه در برابر دلار و یورو به پایین‌ترین سطح خود رسیده است. این کاهش ارزش می‌تواند پیامدهای اقتصادی شدیدی مانند افزایش تورم و کاهش قدرت خرید برای شهروندان روسیه داشته باشد. همچنین دولت اوکراین حکومت نظامی اعلام کرده و خواستار تحریم‌های ویرانگر از جمله حذف روسیه از سیستم انتقال بانکی بین‌المللی سوئیفت شده است. چنین تحریم‌هایی می‌تواند به‌طور قابل توجهی بر اقتصاد روسیه تأثیر بگذارد و انجام معاملات بین‌المللی را برای آنها دشوار کند. همچنین جنگ باعث ایجاد تلاطم در بازارهای مالی جهانی شده است. قیمت نفت از ۱۰۰ دلار در هر بشکه فراتر



رفته که احتمالاً به دلیل عدم قطعیت و اختلال احتمالی در عرضه نفت است. در انتها به حذف روسیه از سیستم نقل و انتقالات بانکی بین‌المللی سوئیفت که باعث تحول در سیستم بانکی شده اشاره کرده و این تحول را عامل تغییراتی در نحوه انجام تراکنش‌های مالی بین‌المللی بیان می‌کند. تمام خبرها در این خصوص به کاهش ارزش پول و چارچوب پیامدهای اقتصادی اشاره می‌کند. ایران اینترنشنال نیز پیامدهای اقتصادی جنگ بین روسیه و اوکراین را به طور گسترده‌ای توصیف می‌کند. با بیان خبر «بیت کوین به پایین‌ترین سطح خود در یک ماه گذشته رسیده»، نشان می‌دهد این جنگ باعث از دست رفتن اعتماد سرمایه‌گذاران شده و کاهش ارزش روبل در برابر دلار و یورو را نیز نشان‌دهنده تأثیر اقتصادی بر روسیه توصیف کرده است. اعلام حکومت نظامی دولت اوکراین و درخواست برای تحریم‌های ویرانگر، از جمله حذف روسیه از سیستم انتقال بانکی بین‌المللی سوئیفت، به عنوان پاسخی به جنگ ارائه شده که به عنوان یک تحول در سیستم بانکی به تصویر کشیده و گفته می‌شود که باعث تلاطم در بازارهای جهانی شده است. اشاره به افزایش قیمت نفت به ۱۰۰ دلار در هر بشکه پس از حمله به اوکراین نشان می‌دهد این درگیری بر بازارهای جهانی انرژی تأثیر گذاشته و ثبات بازارهای جهانی را مختل کرده و ممکن است منجر به افزایش هزینه‌های انرژی برای مصرف‌کنندگان شود.

نقش شبکه‌های خبری در چارچوب‌بندی پیامدهای اخلاقی

جدول ۶. نقش شبکه‌های خبری در چارچوب‌بندی نسبت دادن پیامدهای اخلاقی

مقوله	زیرمقوله	بی‌بی‌سی فارسی	ایران اینترنشنال
نقش شبکه‌های خبری در چارچوب‌بندی پیامدهای اخلاقی	نمایش قتل‌عام، نقض حقوق بشر، تاکتیک‌های نظامی نامتناسب و...	-	*
	تأکید بر ارزش‌ها و مبانی اخلاقی	-	*

شبکه خبری بی‌بی‌سی فارسی با نشان دادن چارچوب پیامدهای اخلاقی بر ارزش‌ها و مبانی اخلاقی تأکید می‌کند و برای نشان دادن وقایع جنگ اوکراین و روسیه از چارچوب پیامدهای اخلاقی استفاده کرده است. این شبکه خبری با اشاره و نمایش قتل‌عام، نقض حقوق بشر، تخریب زیرساخت‌های مدنی، پناهندگی، مهاجرت جمعیت و استفاده از تاکتیک‌های نظامی نامتناسب به پیامدهای این جنگ پرداخته است. این پیامدهای اخلاقی با تأکید بر ارزش‌ها، مبانی

اخلاقی و تحلیل‌هایی درباره تأثیر آن‌ها بر جامعه بین‌المللی ارائه شده و چارچوب‌بندی پیامدهای اخلاقی در شبکه خبری بی‌بی‌سی فارسی به توجیه و تأثیرگذاری در تصمیم‌گیری‌های سیاسی مرتبط با جنگ اوکراین و روسیه و ایجاد فضایی برای بحث درباره این مسائل کمک می‌کند. بی‌بی‌سی فارسی با برجسته کردن محکومیت حمله توسط رهبران جهان و توصیف اقدام روسیه به‌عنوان «تحریک‌آمیز و غیر موجه» نشان می‌دهد که یک قضاوت اخلاقی در مورد پرخاشگری و آسیب احتمالی ناشی از درگیری وجود دارد. بی‌بی‌سی درصدد است اینگونه برساخت کند که محکومیت حمله نظامی توسط برخی از رهبران جهان، از جمله جو بایدن و بوریس جانسون، حاکی از اجماع اخلاقی علیه اقدامات روسیه است. این نشان‌دهنده یک درک مشترک از پیامدهای ویرانگر و الزام اخلاقی برای جلوگیری از چنین جنگی است. در یک خبر با نشان دادن کالسکه‌های نوزادان از زوایا و نماهای مختلف در شهر از کودکان کشته شده در تهاجم روسیه با اوکراین صحبت می‌کند که به نقض پیامدهای اخلاقی و قواعد بین‌الملل اشاره می‌کند.

نقش شبکه‌های خبری در چارچوب‌بندی جنگ / صلح

نقش شبکه‌های خبری در چارچوب‌بندی جنگ

جدول ۷. نقش شبکه‌های خبری در چارچوب‌بندی جنگ

مقوله	زیر مقوله	بی‌بی‌سی فارسی	ایران اینترنشنال
نقش شبکه‌های خبری در چارچوب‌بندی جنگ	نقش ایران در ارائه پهنادهای نظامی به روسیه	*	*
	نگرانی مقامات غربی از دخالت پهنادهای ایران در جنگ اوکراین	*	*
	همکاری ایران با روسیه در فناوری نظامی از جمله موشک‌های زمین به زمین	*	*

این شبکه‌ها مسائلی مانند تأثیر این جنگ بر جمعیت، اقتصاد و زندگی روزمره مردم را به تصویر کشیده و نقش و تأثیر طرفین در این جنگ را بررسی کرده‌اند. همچنین، این شبکه‌های خبری به توجیه و تأیید عملکرد یا تخلفات هر یک از طرفین پرداخته‌اند. بنابراین، چارچوب‌بندی جنگ اوکراین و روسیه در شبکه‌های خبری بی‌بی‌سی فارسی و ایران اینترنشنال به توصیف و تبیین واقعیت‌ها، تحلیل پیامدها و تأثیرگذاری بر افکار عمومی و تصمیم‌گیری‌های سیاسی مرتبط با جنگ کمک می‌کند.



بی‌بی‌سی به استناد به خبر «نقش پهپادی جمهوری اسلامی در تجاوز نظامی روسیه به اوکراین» با نقل قول از وال استریت ژورنال، از ارائه توانایی‌های دیجیتال تجسسی روسیه به ایران صحبت کرده و به‌طور تأکیدی به نقش ایران در جنگ روسیه و اوکراین اشاره می‌کند. همچنین نقش ایران در جنگ روسیه با در اختیار گذاشتن پهپادهای نظامی - که مقام‌های غربی صحبت از به کار رفتن آن در جنگ اوکراین می‌کنند - برجسته می‌شود. در واقع این خبر نشان می‌دهد که شبکه‌های خبری با بیان کمک‌های پهپادی و نظامی ایران به روسیه درصدد نشان دادن تأثیر ایران در جنگ اوکراین و روسیه و تأثیرگذاری بر افکار عمومی در فضای داخلی ایران و همچنین در میان فارسی‌زبانان هستند.

بی‌بی‌سی، به‌عنوان یک سازمان خبری بین‌المللی، ممکن است برای حفظ عینیت و ارائه پوشش متعادل از جنگ تلاش کند. شبکه خبری ایران اینترنشنال نیز با توجه به خطامشی، سیاستگذاری و حامیان این شبکه به چارچوب‌بندی جنگ اوکراین و روسیه می‌پردازد. چارچوب‌بندی جنگ شامل ترویج روایت‌های خاص، برجسته کردن جنبه‌های خاصی از جنگ، یا حتی درگیر شدن در جنگ و اطلاعاتی برای پیشبرد یک برنامه خاص است. به‌طور کلی، بی‌بی‌سی فارسی و ایران اینترنشنال با انتخاب و ارائه اطلاعات به شیوه‌هایی که با منافع و اهداف مربوطه هماهنگ باشد، درک عمومی از جنگ اوکراین و روسیه را شکل می‌دهند.

نقش شبکه‌های خبری در چارچوب‌بندی صلح

جدول ۸. نقش شبکه‌های خبری در چارچوب‌بندی صلح

مقوله	زیر مقوله	بی‌بی‌سی فارسی	ایران اینترنشنال
نقش شبکه‌های خبری در چارچوب‌بندی صلح	واکنش کشورهای غربی از جمله ناتو برای جلوگیری از جنگ و حفظ صلح	*	*
	اولویت دادن به نیروی نظامی بر راه‌حل‌های مسالمت‌آمیز در مناقشه	*	*
	ایجاد فضای گفتگو و تبادل نظر برای تأثیرگذاری بر راه‌حل‌های مسالمت‌آمیز و قابل قبول	*	*

چارچوب‌بندی صلح در جنگ اوکراین و روسیه در شبکه‌های خبری نقش مهمی در ایجاد فضایی برای بحث، تبادل نظر و ترویج صلح داشته است. این شبکه‌های خبری با در نظر گرفتن

موضوعاتی مانند عدم توافق در مناطق مورد بحث، تضادهای سیاسی و اقتصادی و تأثیرات جنگ و با تبیین و توضیح علل، تاریخچه و پیامدهای جنگ، به تأثیرگذاری بر نگرش عمومی درباره صلح و توافق بین طرفین می‌پردازد. شبکه بی‌بی‌سی فارسی با بیان خبر «ولادیمیر پوتین مجوز عملیات را صادر و جنگ در مناطق روسیه و اوکراین را اجتناب‌ناپذیر نامید. زلنسکی نیز از بی‌نتیجه ماندن تلاش‌هایش برای مذاکره با پوتین خبر داد»، واکنش کشورهای غربی از جمله ناتو را تلاش برای جلوگیری از جنگ و حفظ صلح می‌داند. این خبر نشان‌دهنده چارچوبی از جنگ است که در آن جنگ اجتناب‌ناپذیر تلقی می‌شود. حمله ارتش روسیه به اوکراین با هدف غیرنظامی کردن اوکراین، اولویت چارچوب نیروهای نظامی را بر راه‌حل‌های صلح‌آمیز نشان می‌دهد. محکومیت حمله نظامی به اوکراین از جانب رهبران جهان از جمله جو بایدن و بوریس جانسون، منعکس‌کننده چارچوب صلح است. محکوم کردن حمله روسیه از جانب ناتو، چارچوب صلح در این خبر را برجسته‌تر می‌کند. در اکثر خبرهایی که در این شبکه‌ها نشان داده می‌شود، هدف اصلی برنامه‌های خبری نشان دادن تحولات جنگ و نشان دادن ایران به‌عنوان حامی روسیه بوده است.

در چارچوب‌بندی شبکه خبری بی‌بی‌سی فارسی، به ارائه دیدگاهی متعادل و عینی از مناقشه، برجسته کردن دیدگاه‌های مختلف و ترویج ابتکارات صلح پرداخته شده است. بی‌بی‌سی فارسی بر ارائه اطلاعات دقیق و بی‌طرفانه به مخاطبان خود تمرکز کرده و با تقویت تفاهم و گفت‌وگو به چارچوب‌بندی صلح کمک می‌کند. در شبکه ایران اینترنشنال نیز به ارائه طیفی از دیدگاه‌های دولت ایران، بازیگران بین‌المللی و جوامع محلی متأثر از جنگ پرداخته شده است. چارچوب‌بندی صلح در این زمینه شامل برجسته کردن تلاش‌های دیپلماتیک، مذاکرات صلح و درخواست‌ها برای کاهش تنش است.

نقش شبکه‌های خبری در چارچوب‌بندی بر خورد

جدول ۹. نقش شبکه‌های خبری در چارچوب‌بندی بر خورد

مقوله	زیر مقوله	بی‌بی‌سی فارسی	ایران اینترنشنال
نقش شبکه‌های خبری در چارچوب‌بندی بر خورد	نمایش تضاد در گفتار، رویارویی میان شخصیت‌ها و ...	*	*
	پرداختن به سوگیری‌ها و سیاست‌های شبکه‌های خبری	*	*



چارچوب جنگ و برخورد با نمایش تضاد در گفتار، رویارویی میان شخصیت‌ها، عدم توافق و تضاد در گفتار و تصاویر در خصوص جنگ اوکراین و روسیه به سوگیری‌ها و سیاست‌های شبکه‌های خبری در بیان اخبار می‌پردازد. این شبکه‌های خبری با استفاده راهبردی از کانال‌های رسانه‌ای توسط هر دو طرف برای تأثیرگذاری بر افکار بین‌المللی، جلب حمایت و چارچوب‌بندی جنگ، بر اساس منافع خودشان استفاده کرده‌اند. این چارچوب بر نحوه گزارش شبکه‌های خبری در مورد جنگ تأثیر گذاشته؛ آنها در اکثر موارد به بیانیه‌های رسمی و کنفرانس‌های مطبوعاتی تکیه کرده‌اند. شبکه‌های خبری بی‌بی‌سی فارسی و ایران‌اینترنشنال، در دسترسی به اطلاعات دقیق به دلیل ماهیت پیچیده تعارض با چالش‌هایی مواجه می‌شوند. آنها به منابع رسمی تکیه کرده که می‌تواند جانبدارانه باشد یا دیدگاه‌های محدودی را ارائه دهند. چارچوب برخورد در جنگ، در شبکه‌های خبری بی‌بی‌سی فارسی و ایران‌اینترنشنال و کشورهای مختلف متفاوت است که این منعکس‌کننده گوناگونی روایت‌ها و داستان‌های خبری است.

به‌عنوان مثال شبکه خبری ایران‌اینترنشنال با بیان خبر «کارخانه فولاد آروفستال؛ آخرین سنگر و پایگاه مقاومت نیروهای اوکراینی در ماریوپل»، چارچوب برخورد در این خبرها را شامل چندین بازیگر و رویدادهای مرتبط با حمله روسیه به اوکراین و تصرف ماریوپل نشان می‌دهد که این برخورد نشان‌دهنده درگیری نظامی بین دو کشور است. در ادامه به حمله نیروهای روسی به شهرهای دونتسک و لوهانسک پرداخته است. روس‌ها حمله به ماریوپل را دلیلی برای رسیدن به این دو شهر می‌دانند. این برخورد نشان‌دهنده راهبرد نظامی روسیه و قصد آنها برای تصرف این شهرها است. به‌طور کلی، چارچوب برخورد در این خبر، شبکه پیچیده‌ای از تعاملات بین بازیگران مختلف درگیر در مناقشه، از جمله نیروهای نظامی، رهبران سیاسی و نهادهای رسانه‌ای را ارائه می‌دهد. این برخوردها دیدگاه‌ها، انگیزه‌ها و راهبردهای متفاوتی را در مناقشه بین روسیه و اوکراین روشن می‌کند.

نتیجه‌گیری

دغدغه پژوهش حاضر، بررسی نحوه بازنمایی جنگ اوکراین و روسیه در رسانه‌های غربی فارسی‌زبان، بی‌بی‌سی فارسی و ایران‌اینترنشنال است. بازنمایی اخبار جنگ می‌تواند افکار عمومی را تحت تأثیر قرار داده و بر تصمیمات سیاستگذاری تأثیر بگذارد و برداشت بین‌المللی از درگیری را شکل دهد. هدف این پژوهش، بررسی نحوه بازنمایی جنگ اوکراین و روسیه در رسانه‌های

فارسی‌زبان، بی‌بی‌سی فارسی و ایران‌اینترنشنال، است. جنگ اوکراین و روسیه، وقایع مربوط به این جنگ و اثرات آن بر دیگر کشورها، یکی از مسائل مهم و مطرح در جهان است. این جنگ، یک جنگ تمام‌عیار گرم و مکمل آن جنگ (نبرد) رسانه‌ای است، که رسانه‌ها نتایج آن را رقم می‌زنند. جنگ اوکراین و روسیه و نتایج آن تأثیر بسیاری بر تمام جهان و دیگر کشورهای ذی‌نفع می‌گذارد؛ از همین رو با گسترش ارتباطات و فناوری‌های ارتباطی، مرزها از میان می‌روند و این جنگ برای تمام کشورها و رسانه‌های آن‌ها اهمیت پیدا می‌کند.

جنگ اوکراین و روسیه در دو شبکه خبری بی‌بی‌سی فارسی و ایران‌اینترنشنال از زمان آغاز تا زمان انجام این پژوهش (پایان مرداد ۱۴۰۲)؛ دارای نقاط اوج و فرود بوده است. می‌توان نقطه اوج و طلایی این جنگ در دو شبکه خبری را زمان آغاز جنگ در اسفند ۱۴۰۰ تا مرداد ۱۴۰۱ دانست. در این زمان هر دو شبکه خبری با تمرکز بر اخبار جنگ اوکراین و روسیه به پوشش آن پرداخته‌اند. این پوشش گسترده اخبار جنگ اوکراین و روسیه تا شهریور ماه ۱۴۰۱ به صورت گسترده و مداوم ادامه پیدا کرده؛ تا در شهریور ماه ۱۴۰۱ با وقوع ناآرامی‌ها در ایران، جنگ اوکراین و روسیه دیگر محور اصلی اخبار تا دی ماه ۱۴۰۱ قرار نگرفته و شبکه‌های خبری یا به آن نپرداخته یا به صورت بسیار محدود به آن پرداخته‌اند. در دی ماه ۱۴۰۱ نقطه اوج و طلایی دیگری در پوشش‌دهی جنگ اوکراین و روسیه در هر دو شبکه خبری رخ داد. در این زمان در خصوص جنگ اوکراین و روسیه، از حملات موشکی به اوکراین، بحث ارسال موشک برای ادامه جنگ، نقش کشورهای غربی در حمایت از اوکراین و در کنار آن حمایت‌های ایران از روسیه و همچنین تحریم‌هایی که کشورهای غربی برای مقابله برای ایران و روسیه اعمال کرده‌اند، در هر دو شبکه خبری نشان داده شده است.

با تکیه بر داده‌های کیفی، از تحلیل چارچوب‌بندی شبکه‌های خبری فارسی‌زبان بی‌بی‌سی فارسی و ایران‌اینترنشنال، می‌توان به تفاوت‌ها و شباهت چارچوب‌بندی‌های این شبکه‌های خبری و همچنین نقش مهم و اساسی سیاست‌های رسانه‌ای این شبکه‌های خبری در ارائه اخبار مرتبط به جنگ اوکراین و روسیه اشاره کرد. در چارچوب‌بندی خبری این شبکه‌های خبری، چارچوب‌های نسبت دادن مسئولیت و علائق انسانی را می‌توان بیشترین چارچوب و چارچوب پیامدهای اخلاقی را کمتر از دیگر چارچوب‌ها دانست که شبکه‌های خبری در خصوص خبرهای جنگ اوکراین و روسیه ارائه کردند. براساس یافته‌ها، هر دو شبکه خبری از میان چارچوب‌های عام خبری، به «چارچوب نسبت دادن مسئولیت و علائق انسانی» بیشتر از دیگر چارچوب‌های



خبری توجه کرده‌اند. چارچوب برخورد و پیامدهای اقتصادی کمتر مورد توجه قرار گرفته و چارچوب پیامدهای اخلاقی، کمتر از همه چارچوب‌ها استفاده شده است. چارچوب سیاست خارجی که چارچوب موضوعی و محور اصلی پژوهش حاضر است، در تمامی خبرها مورد توجه و تجزیه و تحلیل قرار گرفته است.

شبکه خبری ایران‌اینترنشنال تا حدودی رویکرد بی‌طرفانه به دو طرف جنگ دارد؛ در حالی که بی‌بی‌سی فارسی، بیشتر تمرکز خود را بر روی جنبش‌ها، خیزش‌های مردمی و انتقادات به نفع اوکراین می‌گذارد. در چارچوب سیاست خارجی، ایران‌اینترنشنال بیشتر تمایل دارد تا خواسته‌های ایران (به‌عنوان کشوری با سیاست خارجی مستقل) را درباره جنگ اوکراین و روسیه مطرح و با تلاش برای حفظ صلح و استقرار پیمان‌های دیپلماتیک بین دو کشور، سعی در عدم تعرض به استقلال و حقوق ملی اوکراین و گسترش تعاملات اقتصادی با روسیه دارد؛ در حالی که بی‌بی‌سی فارسی تمایل به برجسته‌سازی نقش اوکراین به‌عنوان کشور شکست خورده در برابر تلاش‌های روسیه دارد، به تقویت بیشتر نبردهای اوکراین در برابر روسیه توجه می‌کند. شبکه خبری ایران‌اینترنشنال در چارچوب‌بندی خود درباره جنگ اوکراین و روسیه به عوامل اجتماعی و فرهنگی دو کشور توجه می‌کند ولی برخلاف آن، بی‌بی‌سی فارسی بیشتر به عوامل سیاسی و نبردهای نظامی تمرکز کرده و تأثیر آن بر روابط اروپا و روسیه را بررسی می‌کند. ایران‌اینترنشنال تلاش می‌کند تا در چارچوب‌بندی خود تأثیر بین‌المللی جنگ اوکراین و روسیه را بر روابط ایران با دو کشور، پیامدها و تأثیرات نابسامان در قالب همکاری‌های ایران روسیه در حوزه‌های مختلف را مورد بررسی قرار دهد؛ در مقابل، بی‌بی‌سی فارسی بیشتر به عوامل داخلی و نبردهای داخلی کشورها توجه کرده و تأثیر آن را بر روابط تمام حوزه‌ها بررسی می‌کند. به نظر نویسندگان، با توجه به روابط نزدیک ایران و تا حدودی عربستان سعودی با روسیه و وضعیت مطلوبی که این دو کشور با یکدیگر دارند؛ ایران‌اینترنشنال تا حدودی سوگیری به سمت روسیه را دارد و نقش روسیه را کمتر نشان می‌دهد. در مقابل بی‌بی‌سی فارسی که بخشی از شرکت پخش بریتانیا و هدف آن ارائه پوشش خبری مستقل است؛ به جانب‌داری اوکراین پرداخته، در حالی که این جانب‌داری را به‌طور پنهان اعمال می‌کند.

جنگ بین اوکراین و روسیه در ایران‌اینترنشنال و بی‌بی‌سی فارسی، برخی از اشتراکات را در پوشش آن‌ها آشکار می‌کند. ایران‌اینترنشنال و بی‌بی‌سی فارسی مدعی ارائه اخبار به‌صورت بی‌طرفانه و با تکیه بر منابع تایید شده برای گزارش‌های خود هستند. هر دو شبکه از

چارچوب‌هایی مانند علائق انسانی و نسبت دادن مسئولیت در اخبار خود به صورت مکرر استفاده کرده تا باورپذیری و بی‌طرفانه بودن خود را نشان دهند. هر دو شبکه سعی در ارائه یک نمای کلی و واقعی از جنگ جاری، نظرات رهبران در این خصوص، تحلیل‌های کارشناسی و گزارش‌های شاهدان عینی دارند تا اعتماد مخاطب خود را به این اخبار ایجاد کنند. چارچوب نسبت دادن مسئولیت هم در بی‌بی‌سی فارسی و هم در ایران‌اینترنشنال به صورت برجسته‌ای نمایش داده شده است. به طوری که در تحلیل بصری به طور گسترده آوارگی غیرنظامیان، تلفات، و ویرانی‌های ناشی از جنگ را پوشش می‌دهد و با برجسته کردن پیامدهای انسانی و رنج مردم آسیب‌دیده و برانگیختن همدلی به پیامدهای این جنگ می‌پردازد. از سیاست‌های این دو شبکه، پرداختن به چارچوب دیپلماسی رسانه‌ای و نشان دادن ابعاد ژئوپلیتیکی جنگ اوکراین و روسیه است. این دو شبکه با پرداختن به ابعاد مختلف تاریخی، فرهنگی و سیاسی جنگ، مخاطب را با جنگ و بحران‌های آن درگیر کرده و یک درک کلی از جنگ می‌دهند. هر دو شبکه خبری درصدد ارائه دیدگاه‌های گوناگون به مخاطب هستند. آن‌ها با مصاحبه‌های گوناگون با کارشناسان، تحلیلگران، سیاستمداران و افرادی که مستقیماً درگیر یا متأثر از مناقشه هستند پوشش‌دهی خبری و جامعیت اخبار را افزایش می‌دهند.

دولت‌های غربی، برای بیان اخبار خود از سیاست‌های خبری شبکه‌های خود استفاده می‌کنند، تا اخبار را متناسب با اهداف شبکه‌های خود به مخاطبان ارائه کنند. شبکه خبری بی‌بی‌سی فارسی، تحت سلطه دولت بریتانیا با استفاده از چارچوب‌های خبری از منافع و سیاست‌های اوکراین حمایت کرده و خبرها را متناسب با سیاست‌های آنان تنظیم می‌کند. شبکه ایران‌اینترنشنال تحت مالکیت ولنت مدیا و تحت سلطه و سیطره عربستان سعودی است (Kamali Dehghan, 2018). این شبکه با استفاده از استراتژی قدرت، چارچوب‌های خبری را متناسب با سیاست‌ها و منافع خود به نمایش می‌گذارد. این شبکه نگاهی اقتدارگرایانه به اخبار دارد و به دلیل اقتدار روسیه در منطقه تلاش دارد تا نشان دهد با توجه به قدرت روسیه این کشور هنوز به پیروزی نرسیده است. جنگ بین اوکراین و روسیه نقش مهمی را که سیاست‌های رسانه‌ای در شکل دادن به برداشت‌های بین‌المللی ایفا می‌کند و به طور بالقوه بر تلاش‌های دیپلماتیک تأثیر می‌گذارد، برجسته و بازنمایی کرده است. در این زمینه، پوشش رسانه‌هایی مانند بی‌بی‌سی فارسی و ایران‌اینترنشنال تأثیر عمیقی بر افکار عمومی جامعه فارسی‌زبان می‌گذارد و می‌تواند به حل مناقشه یا تشدید تنش‌ها کمک کند. از طریق بررسی این رسانه‌ها، مشاهده



می‌شود که پوشش آن‌ها اغلب دارای سوگیری و وابستگی‌های سیاسی است. روایت‌هایی که توسط این رسانه‌ها تبلیغ می‌شوند، پتانسیل شکل‌دهی به افکار عمومی و تأثیرگذاری بر واکنش‌های بازیگران بین‌المللی را دارند. آنها می‌توانند تفاهم، همدلی و تلاش‌های دیپلماتیک را تقویت کنند یا به قطبی شدن، اطلاعات نادرست و تشدید بیشتر جنگ کمک کنند. این شبکه‌ها با نشان دادن اوکراین به‌عنوان کشور صلح‌طلب و روسیه به‌عنوان کشور جنگ‌طلب، اوکراین را کشوری خواهان صلح و در مقابل روسیه را به‌عنوان کشوری جنگ‌طلب نشان می‌دهند. در نهایت، رسانه‌هایی مانند بی‌بی‌سی فارسی و ایران‌اینترنشنال با ترویج گفت‌وگو، ترویج تفاهم و ارائه دیدگاه‌های گوناگون می‌توانند نقشی حیاتی در پر کردن شکاف‌ها و تسهیل مذاکرات صلح‌آمیز داشته باشند.

پیشنهادهای کاربردی و رسانه‌ای

پیشنهاد می‌شود رسانه‌های برون‌مرزی با جمع‌آوری دیدگاه‌های مختلف در مورد جنگ روسیه و اوکراین، درک جامع‌تری از روندهای رسانه‌های مختلف داشته باشند تا بتوانند اخبار و تحلیل‌ها را به‌صورت حرفه‌ای‌تر و جامع‌تر به مخاطب منتقل کنند.

پیشنهاد می‌شود رسانه‌های برون‌مرزی با تحلیل کارشناسی به علت‌یابی دقیق از جنگ بپردازند و پیامدهای مهم آن را برای افکار عمومی منطقه و جهان نشان دهند.

پیشنهاد می‌شود رسانه‌های برون‌مرزی با استمرار اشاره به جنبه‌های بشردوستانه و ارائه تصاویر خاص از جنگ به‌ویژه تأثیر آن بر غیرنظامیان، پناهندگان و آوارگان داخلی، نیازهای جمعیت آسیب‌دیده و اهمیت کمک‌های بشردوستانه بین‌المللی را برجسته کنند.

پیشنهاد می‌شود در برنامه‌ای میزگردی و ترکیبی بر اساس یافته‌های این مقاله و پژوهش‌های مشابه، سیاست‌ها، رویکردها و تکنیک‌های شبکه‌های مهم بین‌المللی در خصوص جنگ اوکراین تحلیل شود.

منابع

- زابلی‌زاده، اردشیر (۱۳۹۰). *بی‌بی‌سی و انتخابات ۸۸/ ایران*. تهران: انتشارات مؤسسه خبرگزاری فارس.
- زابلی‌زاده، اردشیر (۱۳۹۰). *بازنمایی اعتراضات مردم کشورهای عربی در شبکه‌های خبری بین‌المللی: تحلیل چارچوب‌بندی رویدادهای اعتراضی مصر، لیبی و بحرین در شبکه‌های پرس‌تی‌وی، الجزیره، بی‌بی‌سی و سی‌ان‌ان*، تهران: رساله دکتری علوم ارتباطات اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبایی.

- Asghari, Alireza (2022). Media, Bullet, Media Investigating the coverage of the 2022 conflict in Ukraine by leading Farsi-language news media in connection to peace/war journalism, Södertörn University, Sweden School of Social Sciences, Master's Thesis, Journalism, Spring 2023.
- Babin, Sam (2016). *A framing analysis of the news coverage of science*. Department of Communication, Northern Illinois University, master these.
- Council on Foreign Relations. (2022, May 4). The Conflict in Ukraine. available at: <https://www.cfr.org/backgrounder/conflict-ukraine>
- Cohen, Yoel (1986). *Media Diplomacy: The Foreign Office in the Mass Communications Age*.
- Dearing, J. W. & Rogers, E. M. (1996). Agenda-setting (Vol. 6). available at: https://books.google.com/books/about/Agenda_Setting.html?id=JeQFd9GqheAC
- Furkert, Franziska (2020). Narratives of the pandemic—framing of containment measures in Germany in 2020 An analysis of public broadcasting tv news. Södertörn University, School of Social Sciences, Master's dissertation 15 credits.
- Hall, Stuart (1997). *The Work of Representation, Cultural Representations and Signifying Practices*. London, Thousand Oaks and New Delhi: Sage Publications.
- Johansson, Viktor (2017). *The news framing of the 'Syria Fighters in Sweden: A frame analysis of Swedish Newspapers*. Bachelor thesis.
- Kamali Dehghan, Saeed (2014). Concern over UK-based Iranian TV channel's links to Saudi Arabia., available at: <https://www.theguardian.com/world/2018/oct/31/concern-over-uk-based-iranian-tv-channels-links-to-saudi-arabia>
- Rizova, Hristiana; Panayotova, Mihaela (2021). Online news media framing of the 2021 Israeli-Palestinian, conflict by Al Jazeera, BBC and CNN, Media and Communication Studies: Master's thesis, Year 1, School of Arts & Communication K3, Malmö University Sweden.
- Seib, P (2002). The Global Journalist: News and Conscience in a World of Conflict. Rowman & Littlefield Publishers. Page 163-179.
- Sage, de Vreese, C. H. (2005). News framing: Theory and typology. *Information Design Journal*, 13(1), 51-62.
- Volkohon, Karl (2022). Framing the Russia-Ukraine war: The case of the most popular Russian and Ukrainian Telegram news channels. *Sustainable communication*, Master thesis, spring 2022.

رویکردهای دیپلماسی رسانه‌ای ایران برای همگرایی با افغانستان پس از بازگشت طالبان (آگوست ۲۰۲۱)

رویا موفق^۱، نوروز هاشم‌زهی^۲، ماندانا صنیعی^۳، رحمت حاجی مینه^۴

چکیده

پس از استقرار طالبان در افغانستان (آگوست ۲۰۲۱)، برقراری امنیت و ثبات در این کشور به دلیل همجواری با ایران، اهمیت ویژه‌ای یافته است. رسانه‌ها، نقش مهمی در حفظ اتحاد و همگرایی دو همسایه بر عهده دارند. گرایش‌های خلافت‌گرایانه طالبان، محدودیت رسانه‌های بیشتری در مقایسه با گذشته ایجاد کرده است. لذا، رسانه‌های برون‌مرزی ایران، باید به دنبال راهی برای حفظ و افزایش تفوق و همگرایی مردم دو کشور باشند. از این رو سؤال اصلی این است که «دیپلماسی رسانه‌ای چطور می‌تواند همگرایی دو کشور را پس از بازگشت طالبان افزایش دهد؟» این پژوهش با تکیه بر نظریات همگرایی و دیپلماسی رسانه‌ای و با استفاده از روش داده‌بنیاد انجام شده است. بر این اساس با کاربست مصاحبه نیمه‌ساختاریافته، دیدگاه‌های ۱۶ صاحب‌نظر حوزه افغانستان تحلیل و برای تسهیل فرآیند کدگذاری و تحلیل داده‌ها از نرم‌افزار MAXQDA استفاده شده است. یافته‌های پژوهش، نشان می‌دهد که عوامل تأثیرگذار بر دیپلماسی رسانه‌ای عبارت هستند از: الف) عوامل زمینه‌ای: شامل نگرانی‌های امنیتی، آمادگی نظامی، فرهنگ راهبردی و پویایی مذهبی؛ ب) عوامل علی: شامل پیوندهای تاریخی و فرهنگی عمیق، آداب و رسوم، عوامل سیاسی داخلی و خارجی؛ ج) عوامل میانجی: شامل پناهنجویان افغانستانی، قومیت‌گرایی و اقلیت‌ها، عوامل اقتصادی، اکوسیستم و زنان. همچنین اتخاذ موضع برابر در مقابل حکومت سرپرستی طالبان توسط ایران نقش مؤثری در دیپلماسی رسانه‌ای داشته و استفاده از ظرفیت‌های فرهنگ و تمدن فارسی مهمترین و مؤثرترین راه همگرایی بین دو کشور است.

کلیدواژه‌ها: دیپلماسی رسانه‌ای، همگرایی، واگرایی، ایران، طالبان و افغانستان.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۷/۰۴

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۱/۰۹

۱. دانشجوی دکتری علوم ارتباطات، دانشکده علوم انسانی، واحد تهران شرق، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. Rmovaffagh2003@yahoo.com
۲. استادیار گروه علوم اجتماعی و ارتباطات، واحد تهران شرق، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول). no_hashemzehi@yahoo.com
۳. استادیار، گروه علوم ارتباطات، دانشکده علوم انسانی، واحد تهران شرق، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
۴. دانشیار روابط بین‌الملل، گروه حقوق، دانشکده علوم انسانی، واحد تهران شرق، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

DOI: 10.22034/imrl.2024.453877.1242



مقدمه

طالبان در ۱۵ آگوست ۲۰۲۱، برای دومین بار در تاریخ معاصر به حکومت افغانستان رسید. دیدگاه‌ها، نظرات و گرایش‌های خلافت‌گرایانه این گروه فضای تعامل را نه تنها برای ایران بلکه برای سایر کشورها نیز مشکل کرده است. چرا که اساساً طالبان یک دولت-ملت و حکومت به رسمیت شناخته شده دیپلماتیک از طرف بیشتر کشورها نیست؛ بلکه یک پدیده ایدئولوژیک، تئولوژیک با مشی توتالیتر و میلیتاریستی است که شناختی از سیاست خارجی، حقوق بین‌الملل، مسائل مرزی و ... ندارد و هر موضوع و اختلافی را از منظر شرع، زبان، قوم و ... تحلیل می‌کند. از طرفی این کشور همواره مورد طمع قدرت‌های بیگانه برای جایابی در چرخه ناآرام قدرت از طریق اعمال فشارهای بیرونی و بهره‌گیری از منازعات داخلی بوده است و همسایگی با این کشور، استقرار امنیت، برقراری ثبات، افزایش تعاملات و همکاری‌های دوجانبه را برای ایران بسیار حائز اهمیت می‌کند (روحی و ترابی اقدم، ۱۳۹۵: ۲).

روشن است که ایران در رابطه با طالبان به‌عنوان حاکمان فعلی افغانستان، دو راه‌حل مشخص پیش‌رو دارد. اول اینکه مانند تاجیکستان، با وجود حمایت از اقوام تاجیک در شمال افغانستان، این دولت را به رسمیت نشناخته و کاملاً با سوگیری و عینک بدبینی به آن نگاه کند و یا اینکه مانند قطر روابط دوستانه با طالبان داشته باشد و در پیچه همکاری طالبان با آمریکا را بر اساس منافع خود همچنان باز نگه دارد. هر دو راه‌حل، پشتوانه‌های سیاسی و ایدئولوژیکی خاص خود را دارد. انتخاب هر راه‌برد بر اساس برنامه‌ریزی‌ها و دکترین کلان سیاسی کشورها است اما به‌عنوان راه‌حل سوم می‌توان دیپلماسی برد-برد را نیز در نظر داشت. اتخاذ سیاست‌های تعدیل شده از طرق مختلف، خصوصاً دیپلماسی رسانه‌ای که تأثیرات مدنظر دولتمردان را اعمال می‌کند، از این دست هستند. این تغییرات حتی می‌تواند در جهت هدایت و تغییر سیاست‌های مبهم و خصمانه طالبان به کار آید و زمانی ضروری به نظر می‌رسد که موقعیت سوق‌الجیشی خاص، چندقومی، چند مذهبی و چند زبانی این کشور را نیز مد نظر قرار داد. علاوه بر این باید در نظر داشت همگرایی ایران و افغانستان اجتناب‌ناپذیر بوده و در صورت عدم تفاهم با طالبان، ایران با بحران‌های زیست‌محیطی، قاچاق مواد مخدر، تروریسم و افراط‌گرایی و ... بیشتر از گذشته مواجه خواهد بود (فلاح‌پیشه، ۱۴۰۲).

در این فضا، که ترجیحات حکومت طالبان به‌ویژه طیف تندرو این گروه، با ایران ناسازگار شده است (شفیعی، ۱۴۰۲: ۵۲)، دیپلماسی رسانه‌ای می‌تواند به‌عنوان بازوی دیپلماسی عمومی



برای همگرایی دو کشور کمک مؤثری باشد. زیرا طالبان دارای ضعیف‌ترین هویت دولت-ملتی در شکل قانونی بوده و در جامعه سنتی و قبیله‌ای افغانستان با ایدئولوژی خاص خود مدیریت امور را برعهده گرفته است. با این حال طالبان، برای اتخاذ سیاست‌های خارجی، مجبور به عبور از لایه هویتی خُرد جامعه قبیله‌ای خود بوده و باید منفعت جمعی و رویکرد ملی را در تعامل با همسایگان در نظر بگیرد (مرتضوی‌امامی‌زواره، ۱۳۹۸: ۱۸)

در جهان امروز رسانه‌های نوین، نحوه هدایت سیاست خارجی را تغییر داده‌اند و اکنون قدرت جهانی یک کشور در توان و استعداد دیپلماسی رسانه‌ای آن در ایجاد هویت ملی و ارائه تصویر مکمل بین‌المللی آن نهفته است. دیپلماسی، دیگر پدیده اتاق‌های دربسته نیست، بلکه پدیده‌ای آشکار است. پدیده‌ای رسانه‌ای است که هر چه پویاتر باشد، سیاست خارجی را پویاتر خواهد ساخت و دیپلماسی در جهان امروز، بدون درک عمیق از نقش مهم وسایل مدرن ارتباطی ناممکن است (ظریف، ۱۳۸۷: ۳۹۶).

به اعتقاد شرام، نظریه‌پرداز ارتباطات، رسانه‌ها با دستکاری افکار عمومی، ساختن ایدئولوژی و فرهنگ توده‌ای، پرورش شهروندانی نقاد و ایجاد همبستگی اجتماعی، جامعه‌ای باز و کثرت‌گرا می‌سازند. بنابر این هر جامعه‌ای که قانونمند بوده و از امکانات توسعه‌ای گسترده برخوردار باشد، ابزار رسانه‌ای قوی‌تر خواهد داشت و در کنار آن مردم، آگاهی و رشد اجتماعی بیشتری کسب می‌کنند. حق انتخاب رسانه‌ها توسط مخاطبان از طرفی و آزادی بیان رسانه‌ها از طرف دیگر، مطالبه‌گری، آگاهی و در نهایت پیشرفت جوامع را سرعت می‌بخشد. در جامعه افغانستان به‌دلایل مختلف که شاید یکی از مهمترین آنها فقر رسانه‌ها و نبود آزادی بیان است؛ حفظ شرایط فرهنگی موجود اهمیت دارد و ارسال پیام‌های رسانه‌ای از طریق شبکه‌های اجتماعی و رسانه‌های محدود قابل دسترس در این کشور ممکن است. هر چند افغانستان قانون رسانه‌های همگانی را در سال ۲۰۰۱ و دوران جمهوریت به‌تصویب رساند تا نحوه فعالیت و خطوط قرمز رسانه‌ها را شفاف‌سازی کند اما با ظهور مجدد طالبان، از ۵۹۷ رسانه موجود در افغانستان تنها ۳۸۴ رسانه اجازه فعالیت یافتند که صرفاً ۲۱۳ رسانه نیمه‌فعال هستند (2: Vejdani and kumar, 2023). بر طبق قانون اساسی افغانستان، آزادی بیان و فعالیت رسانه‌های آزاد تضمین شده است، اما طالبان، ده‌ها ایستگاه رادیویی و تلویزیونی محلی را تعطیل کردند و تنها رادیو دولتی صدای شریعت طالبان و تلویزیون ملی افغانستان از بخش دولتی و تلویزیون طلوع از بخش خصوصی به همراه معدود رسانه‌های خصوصی اجازه فعالیت و پخش تبلیغات طالبان را دارند. همچنین این شبکه‌ها از پخش موسیقی یا

صدای زنان منع شدند (Vejdani and Kumar, 2023: 1). با همه آنچه گفته شد ایران از ابزارهای رسانه‌ای در افغانستان، برخوردار است که می‌تواند از طریق آن در تحقق اهداف دیپلماسی رسانه‌ای خود در این کشور بهره‌برداری کند. یکی از مهمترین راه‌های تعامل با مردم افغانستان، شبکه تلویزیونی سحر افغانستان و شبکه آی‌فیلم است. هر دو شبکه دولتی و متعلق به معاونت برون‌مرزی صداوسیما ایران است و از طریق سیستم ستاب‌باکس و پخش ماهواره‌ای در افغانستان قابل مشاهده است. شبکه‌های تلویزیونی تعاملی بر پایه فضای وب و رسانه‌های نوین، رادیوی دولتی افغانستان و رادیو دری و پشتو ایران، خبرگزاری‌های فارسی‌زبان، بهره‌برداری از پتانسیل فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی، استفاده از ظرفیت‌های موسسه اکو در خصوص نشر آثار ادبی و فرهنگی، برگزاری نمایشگاه اشتراکات فرهنگی، استفاده از ظرفیت‌های تعاملی تورسیم مذهبی، درمانی و فرهنگی و ... از دیگر ابزار رسانه‌ای ایران هستند.

پژوهشگر این نوشتار به دنبال پاسخ به این سوال است که «ایران برای تقویت همگرایی با افغانستان باید چه رویکردهایی را در دیپلماسی رسانه‌ای اتخاذ کند؟»

پیشینه پژوهش

در بررسی‌های انجام شده، پژوهش‌های مهمی که ارتباط تنگاتنگی با موضوع تحقیق یعنی دیپلماسی رسانه‌ای با تأکید بر ایران و افغانستان داشته‌اند، به شرح ذیل هستند.

جدول شماره ۱- پیشینه پژوهش

ردیف	عنوان پژوهش	نام نویسندگان و سال	روش	مهمترین یافته‌ها
۱	بسترهای دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در افغانستان در دوره ریاست جمهوری حامد کرزای و اشرف غنی	نوروزی و همکاران (۱۴۰۰)	توصیفی-تحلیلی	نویسندگان محدودیت‌ها و فعالیت‌های فرهنگی ایران در افغانستان، معایب و آسیب‌های دیپلماسی فرهنگی ایران را واکاوی کرده‌اند. اینکه مشترکات و قرابت‌های جغرافیایی، فرهنگی، زبانی و مذهبی و... با تکیه بر فعالیت‌ها، برنامه‌ها، طرح‌ها و مبادلات فرهنگی آسان‌تر از کشورهای دیگر ارتقای فرهنگی را میسر می‌کند.

ردیف	عنوان پژوهش	نام نویسندگان و سال	روش	مهمترین یافته‌ها
۲	بایسته‌های همکاری مطلوب رسانه‌ای میان کشورهای فارسی‌زبان	می‌ناوند و جعفری (۱۳۹۸)	توصیفی-تحلیلی	نقاط قوت و ضعف ساختارهای رسانه‌ای در کشورهای فارسی‌زبان بررسی شده است. موضوعات فرهنگی و هویتی می‌تواند در چارچوب پیشنهادی برای برنامه‌های رادیویی و تلویزیونی استفاده شود و منشاء تولید و توزیع محصولات رسانه‌ای باشد.
۳	واکاوی سیاست خارجی ایران در قبال افغانستان	مرتضوی‌امامی‌زواره (۱۳۹۸)	توصیفی-تحلیلی	سیاست خارجی دولت‌ها از دو دسته عوامل متأثر است؛ ساختار داخلی و تحولات خارجی. اهداف سیاست خارجی ایران، حفظ تمامیت ارضی، رفاه و امنیت ملی، کسب قدرت بین‌المللی و ترویج ایدئولوژی و عقاید مذهبی است.
۴	روابط آشفته ایران با افغانستان و تاجیکستان: همسویی مرکب	Legrenzi (2023)	توصیفی-تحلیلی	شرایط آنارشیک امنیتی بین سه کشور و پیامد سیاست‌های اتخاذ شده دولت‌های افغانستان، ایران و تاجیکستان در جهت تقویت همسویی تبیین شده است.
۵	رابطه فرهنگی افغانستان و ایران در دوره امان‌الله خان	Elham (۲۰۲۳)	توصیفی-تحلیلی	حفظ و گسترش زبان و ادبیات فارسی، علیرغم فراز و نشیب‌های فراوان، عرصه‌ای برای بهبود روابط دو کشور و جایگزینی در مناسبات سیاسی است.
۶	از همکاری تا منازعه: تحلیلی بر روابط ایران و طالبان	شفیعی (۱۴۰۲)	توصیفی-تحلیلی	همکاری ایران و افغانستان در دوره گذشته، به دلیل وجود دشمن مشترکی به نام امریکا و ترجیحات سازگاری بود، اکنون روابط وضعیت منازعه پیدا کرده و نیار به اتخاذ رویکرد سازه‌انگارانه است.
۷	مدل راهبردی طالبان در روند دولت‌سازی دوم در افغانستان	عالیشاهی و حسن‌پور (۱۴۰۱)	کیفی-اکتشافی	مدل راهبردی دولت‌سازی طالبان در ۱۱ مؤلفه و شاخص احصا و تبیین شده است.

ردیف	عنوان پژوهش	نام نویسندگان و سال	روش	مهمترین یافته‌ها
۸	بررسی علل و زمینه‌های بازگشت طالبان به قدرت در افغانستان	مقدس (۱۴۰۰)	توصیفی-تحلیلی	ناکارآمدی، بحران مشروعیت و شکنندگی دولت از یک سو و ظرفیت‌های داخلی طالبان از سوی دیگر در سطح ملی، تغییر استراتژی و عملکرد همسایگانی مثل پاکستان، هند و ایران در سطح منطقه‌ای و آمریکا و ناتو و ... در سطح بین‌المللی در قدرت‌یابی دوباره طالبان در افغانستان، نقش تعیین‌کننده داشته‌اند.
۹	طالبان‌زدایی و آغاز طغیان در افغانستان	Bacon (۲۰۲۱)	توصیفی-تحلیلی	تصمیم آمریکا برای غیرطالبانی کردن افغانستان، نقطه عطفی بوده که پس از آن جلوگیری از بروز شورش دشوارتر شده است. پناه بردن طالبان فراری به پاکستان و آماده شدن برای بازگشت به قدرت پس از پیروزی‌های نظامی اولیه نشان از بی‌توجهی آمریکا داشته است.

همانطور که ملاحظه می‌شود هیچکدام از این پژوهش‌ها، در شرایطی مشابه با شرایط فعلی افغانستان، به نقش رسانه‌ها در این کشور پرداخته‌اند. در زمان حاضر نگرانی‌هایی مبنی بر کم‌رنگ شدن نقاط همگرایی ایران و افغانستان وجود دارد. اغلب مقاله‌ها به نقش سیاست و کشورهای خارجی مانند آمریکا و ظرفیت‌های طالبان در سطح منطقه پرداخته و ضمن برشمردن نقاط همگرا و واگرایی بین ایران و افغانستان، راهکارهایی برای بهبود اشتراکات بین این دو کشور، پیشنهاد داده‌اند.

مبانی نظری

از آنجا که مردم ایران و افغانستان، در طول قرن‌ها، به سراسر منطقه مهاجرت کرده و جوامع دیاسپورا، تشکیل داده‌اند و در طی این ارتباطات مردمی سنت‌های فرهنگی، اشاعه و پیوندهای فرهنگی و تاریخی و زبانی ایجاد شده است (طباطبایی، ۲۰۲۱)، نظریاتی که همگرایی را بر پایه



ارتباطات فرهنگی و تمدنی تبیین می‌کند مفید هستند. به اعتقاد مانوئل کاستلز، ارتباطات و اطلاعات، جهانی نو را در پایان هزاره دوم شکل داده است. این جهان در اواخر دهه ۱۹۶۰ و نیمه دهه ۱۹۷۰ میلادی بر اثر تقارن تاریخی سه فرآیند مستقل پدیدار شده است: انقلاب فناوری و اطلاعات، بحران‌های اقتصادی سرمایه‌داری و دولت‌سالاری و شکوفایی جنبش‌های اجتماعی-فرهنگی. به نظر او روند این تحولات منجر به ظهور جامعه شبکه‌ای شده است (کاستلز، ۱۳۸۹: ۴۱۷). با الهام از مبانی نظریه کاستلز، شاید بتوان گفت با شناخت پایه‌های فرهنگی یکسان در این دو کشور و همگرایی ایجاد شده بین آنها می‌توان اتحاد نوینی ایجاد کرد. ایجاد زمینه تبادل افکار، توسعه تمدن و فرهنگ، آگاهی دادن در مورد مسایل روز، کمک به تصمیم‌گیری، تأیید و تصدیق خبرها، گسترش اندیشه‌ها، تبلیغ عقاید مؤثر، کارآمد است. در مجموع رسانه‌ها نقش مهمی در شکل دادن به افکار عمومی، تقویت گفتگو و تأثیرگذاری بر روابط بین مردم و دولت در هر جامعه‌ای دارند. در ایران و افغانستان، نیز رسانه‌ها می‌توانند تفاهم ملت-دولت را بهبود بخشند. عموم افغانستانی‌ها به رسانه‌های ایران اطمینان دارند که این اعتماد به دلیل وجود قرابت‌های فرهنگی دو کشور با پخش برنامه‌های فرهنگی، مذهبی، اجتماعی، ادبی و ... حاصل شده است. شبکه تلویزیونی آی‌فیلم، سحر افغانستان، رادیو پشتو و دری که پس از رادیو بی‌بی‌سی مهم‌ترین رادیوی منطقه است، به همراه شبکه‌های تلویزیونی که حتی توسط بخش خصوصی افغانستان اداره می‌شود و ایران فقط در تأسیس و کمک‌های فنی به آنها مؤثر بوده است، مثل شبکه نور به مسئولیت آیت‌الله آصف‌محسنی، که از رهبران شیعیان افغانستان است نفوذ قابل ملاحظه‌ای در اقشار مختلف مردم دارد. به طوری که در هرات، مزار شریف، قندوز، قندهار و بخش‌های شمال و غربی این کشور مهاجران افغانی تمامی فرهنگ ایرانی را به آنجا منتقل کرده‌اند که این مسئله حتی در پوشش و سخن گفتن و به طور کلی سبک زندگی آنها نیز مشاهده می‌شود (بهشتی‌پور، ۱۴۰۲).

با توجه به آنکه رسانه‌ها به یکی از بازیگران اصلی حاضر در کارزار دیپلماسی امروز تبدیل شده‌اند، آنها در تمام مراحل فرآیند شکل‌گیری سیاست خارجی نقش دارند و رهبران سیاسی، رسانه‌ها را از جنبه‌های ملی و بین‌المللی مورد توجه قرار می‌دهند (خرازی‌آذر، ۱۳۸۸: ۴۳). گیلوآ، دیپلماسی رسانه‌ای را شامل استفاده رسانه‌ها توسط رهبران، به منظور بیان منافع (خود) در مذاکرات؛ اعتمادسازی؛ و بسیج حمایت از توافقات می‌داند رهبران از ارتباطات جهانی به عنوان ابزاری مهم برای پیشبرد مذاکرات و نیز بسیج حمایت عمومی از توافقات استفاده می‌کنند (Gilboa, 2002: 62-63).

به این ترتیب اگر رسانه‌ها به‌عنوان بازیگران فعال میدان سیاست بتوانند رسالت خود را به‌درستی انجام دهند می‌توانند به بی‌ثباتی که در غرب آسیا حاکم شده و در آن قدرت‌های شرق و غرب هر کدام به نوعی در دنبال کردن منافع خود به هر راه و روش ممکن از هیچ کوششی فروگذاری نمی‌کنند، پایان دهند. هوشیاری رسانه‌ها و تکیه بر کارکرد صحیح دیپلماسی رسانه‌ها می‌تواند راهی باشد که با پرهیز از یکجانبه‌گرایی مذهبی، قومی و تأکید بر همکاری همه اقوام افغانستانی و ایرانی، سازوکارهای تامین منافع هر دو کشور فراهم شود.

نظریه دیگری که منبع استناد این پژوهش می‌باشد نظریه همگرایی و واگرایی کانتوری و اشپیگل است. فلسفه این دو پدیده را درک وجود منفعت برای بازیگران در پرتوی شکل‌گیری آنها تشکیل می‌دهد. همگرایی از نظر مفهومی یعنی تقویت و نزدیکی افراد و دولت‌ها به‌سوی نقطه‌ای مشخص که معمولاً به‌عنوان هدف مشخص آنها شناخته می‌شود. واگرایی یعنی فرآیندی که در آن واحدهای سیاسی و دولت‌ها از یکدیگر دور شده و در اثر آن زمینه‌های بحران و جنگ فراهم می‌آید (رمضانی و محرابی، ۱۳۸۹: ۱۷). در بیشتر موارد همگرایی در سیاست بین‌الملل با منطقه‌گرایی یکسان برآورده می‌شود. شاید به این دلیل که همگرایی در سطح منطقه بسیار ملموس‌تر و مشخص‌تر دیده می‌شود. در واقع همگرایی منطقه‌ای، فرآیندی است که نوعی تصمیم‌گیری جمعی در آن شکل می‌گیرد (کولایی و سازمند، ۱۳۹۰: ۶۱) و فرآیندی چند بعدی است که افزون بر ابعاد سیاسی، دیپلماسی، امنیتی و فرهنگی در کانون آن تجارت و همگرایی اقتصادی نقش مهمی دارند.

وجود بیش از ۵ میلیون مهاجر افغانستانی، صادرات غیر نفتی ۱۸۰۰ میلیون دلاری ایران، ۵۰۰ میلیون دلار سرمایه‌گذاری به شکل ساخت جاده و شبکه خطوط ریلی و ایجاد مدارس و بیمارستان در افغانستان و ... همه و همه نقش همگرایی دو کشور با مرکزیت اقتصاد را پررنگ‌تر می‌کند (خبرگزاری ایسنا، ۱۴۰۲).

کانتوری و اشپیگل، همچنین نظام بین‌المللی را متشکل از چندین نظام تابعه منطقه‌ای می‌دانند. آنها عرصه‌های سیاست بین‌المللی را متشکل از چندین نظام تابعه منطقه‌ای می‌دانند که عرصه‌های سیاست بین‌الملل را ترسیم می‌کنند و آن را به سه عرصه جهانی، منطقه‌ای و کشوری تقسیم می‌کنند. بر این اساس معتقدند که سه نوع سیستم مسلط، تابعه و داخلی شکل می‌گیرد. سیستم مسلط در عرصه جهانی وجود داشته و قدرتمندترین کشورها را در بر می‌گیرد. سیستم تابعه، روابط متقابل را در درون منطقه شامل می‌شود؛ این در حالی است که سیستم داخلی، کشور



و سازمان‌های آن را شامل می‌شود. بر این اساس منطقه، نواحی از جهان است که واحدهای تشکیل‌دهنده آن، از نظر جغرافیایی در مجاورت یکدیگر قرار گرفته و مسائل مربوط به سیاست خارجی آن‌ها به یکدیگر مرتبط است؛ فعالیت‌های دیگر اعضای حاضر در منطقه از متغیرهای تعیین‌کننده سیاست خارجی واحد منطقه‌ای است و در شرایط عادی تا زمانی که اعضاء جایگاه دائمی خود را در منطقه به‌دست نیاورده یا نتوانند آن را حفظ کنند؛ نمی‌توانند به موفقیت در سایر نقاط یا مناطق دست یابند. طبق این نظریه ایران برای حفظ قدرت منطقه‌ای خود نیاز به همکاری با افغانستان به‌عنوان همسایه شرقی خود داشته و هیچ عاملی خصوصاً ساختار حکومتی خلافت‌گرایانه و عملکرد طالبان نباید مانع باشد.

به‌نظر کانتوری و اشپیگل، چهار متغیر الگویی مشخص می‌تواند تبیین‌کننده جریان‌های مختلف منطقه‌ای و تمایز آنها از یکدیگر باشد. این چهار متغیر الگویی به‌ترتیب عبارتند است: ۱- ماهیت و سطح انسجام یا میزان تشابه و یا مکمل بودن ویژگی تمامیت‌های سیاسی که متمایل به همکاری هستند و میزان مبادلات بین این واحدها؛ ۲- ماهیت ارتباط‌های درون منطقه‌ای؛ ۳- سطح قدرت در نظام تابعه؛ نظام تابعه در درون مرزهای سیستم، بین عوامل جغرافیایی، سیاسی و اجتماعی کنش متقابل برقرار می‌کند و همچنین در نظام تابعه، روابط سیاسی بومی (تضاد یا همکاری)، عامل جغرافیا و مرزهای اجتماعی و تاریخی به توضیح و ترسیم حدود سیستم تابع کمک می‌کند (قاسمی، ۱۳۹۰: ۸۵). ۴- ساختار روابط درون منطقه‌ای (سیف‌زاده، ۱۳۸۴: ۳۸۶). در این خصوص می‌توان ساختار حکومت، عملکرد و منابع فکری طالبان را به سه دسته تقسیم‌بندی کرد: «مکتب دیوبندی، پشتونوالی و تاریخ معاصر افغانستان» (خلوصی، ۱۴۰۲). در مکتب دیوبندی، تغییر شریعت همراه با نوع نگاه پشتونوالی است که در آن اقلیت‌های مذهبی جایی ندارند. همچنین این مکتب با استفاده از مفاهیم قبیله‌ای بستر مناسب حذف زنان از سطح جامعه را فراهم کرده است. در باور دیوبندی‌ها، جهاد تنها ابزار مبارزه با کفر و شرک شناخته می‌شود. دومین منبع فکری طالبان پشتونوالی است. که شامل آداب و رسوم پشتون‌ها است و ریشه در سنت‌های قبایلی و طوایفی دارد که به‌شکل سیاسی باز تولید شده و همواره به‌عنوان یک چرخه، حضور خود را در سیاست و مناسبات قدرت در افغانستان حفظ کرده است. انحصارگرایی قدرت از سوی قوم پشتون در افغانستان تبدیل به یک سنت شده است. چرا که حاکمیت زمامداران پشتون و تمامیت‌خواهی قومی و سیاسی در صحنه قدرت و حاکمیت سیاسی، با ترویج و تحکیم اندیشه و آرمان انحصارگری همراه بوده و این رویکرد منجر به حاشیه‌نشینی، ظلم‌پذیری و انزوای شدید سایر اقوام ساکن در

افغانستان از قبیل تاجیک‌ها، ازبک‌ها، بلوچ‌ها، ترکمن‌ها و مخصوصاً هزاره‌ها شده است (عصمت‌اللهی، ۱۴۰۲). سومین منبع فکری طالبان، تاریخ معاصر افغانستان است. طالبان معتقد است از آنجا که نام این کشور، افغانستان است پس این سرزمین به صورت انحصاری متعلق به این قوم است که با فتح، غلبه و پیروزی به غنیمت گرفته شده است. این درک انحصاری، باعث می‌شود تا تمامی اقوام غیرپشتون این کشور به‌نوعی پناهنده تلقی شده و به‌عنوان شهروندان درجه دوم و یا درجه سوم به آنها نگاه شود. این موضوعات تشکیل دولت فراگیر را که تأمین‌کننده حقوق اساسی تمام مردم افغانستان باشد، با چالش مواجه کرده و حقوق اساسی ابتدایی را در قانون اساسی، تضمین نکرده است. هر چند این مسائل عدم اعتماد و نارضایتی ایران را در بر دارد (موسوی، ۱۴۰۲)، اما طبق متغیرهای الگویی کانتوری و اشیپگل ماهیت ارتباط ایران و افغانستان را مشخص می‌کند. در این مقاله با شناسایی ظرفیت‌های قومی، فرهنگی و منطقه‌ای افغانستان و اثر کنش متقابل آنها در سیاست، امنیت، رسانه، اقتصاد، فرهنگ و... با ایران، سطح انسجام و همگرایی این دو کشور بررسی شده است.

روش پژوهش

روش پژوهش حاضر یک رویکرد کیفی به روش گراند تئوری (نظریه‌مبنایی یا نظریه داده‌بنیاد) است. این روش امکان مطالعه عمیق پدیده‌ها را در بافت واقعی خود فراهم می‌آورد و به ارائه یک چارچوب مفهومی می‌پردازد. نکته مهم در پژوهش داده‌بنیاد این است که این گونه خلق نظریه (قفسه‌ای و کتابخانه‌ای) نیست بلکه بر اساس داده‌های مشارکت‌کنندگانی که فرآیند را تجربه کرده‌اند ایجاد شده یا مبتنی بر آنهاست. بر این اساس، نظریه داده‌بنیاد یک طرح پژوهشی کیفی است که در آن پژوهشگر نوعی تبیین کلی (یا نظریه‌ای) از یک فرآیند، اقدام یا تعامل ارائه می‌دهد که حاصل دیدگاه‌های تعداد زیادی از مشارکت‌کنندگان است (Strauss & Corbin، ۱۹۹۸: ۷۷). استفاده از روش داده‌بنیاد در پژوهش فعلی با توجه به فقدان الگوی مدونی در جهت همگرایی ایران و افغانستان پس از طالبان صورت گرفته است.

جهت اجرای روش گراند تئوری، از مصاحبه نیمه‌ساختاریافته به‌منظور گردآوری داده‌ها استفاده شد. روند کار به‌گونه‌ای بود که بعد از مطالعه و بررسی‌های فراوان و بهره‌مندی از نظر مشاوران، سؤال‌های مصاحبه نهایی و مصاحبه‌ها آغاز شد و تا حد اشباع داده‌ها ادامه یافت. برای تجزیه و تحلیل، مصاحبه‌های انجام شده تایپ، مطالعه و اصطلاحاً کدگذاری و برای تحلیل از



نرم افزار MAXQDA استفاده شد. در مدل استراوس و کوربین (۱۹۹۸) مبنا و زیربنای تشکیل مدل یا چارچوب مفهومی را مفاهیم و مضامین تشکیل می‌دهند و ضروری است ابتدا از دل داده‌های خام، مفاهیم را شناسایی و برحسب خصوصیات و ابعادشان بسط و گسترش داده و سپس مقوله‌های اولیه استخراج شوند که این کار با استفاده از کدگذاری باز انجام می‌شود؛ سپس در مرحله کدگذاری محوری، پیوند بین مقوله‌ها انتزاعی‌تر شکل می‌گیرد (فراستخواه، ۱۳۹۸: ۲۴).

در این تحقیق از پایایی بازآزمون و روش توافق درون موضوعی برای محاسبه پایایی مصاحبه‌ها استفاده شد. برای محاسبه پایایی بازآزمون ۳ مصاحبه به‌عنوان نمونه انتخاب و هر کدام از آنها در یک فاصله زمانی یک هفته توسط پژوهشگر دوباره کدگذاری و با هم مقایسه شدند. در هر کدام از مصاحبه‌ها، کدهای مشابه در دو فاصله زمانی با عنوان «توافق» مشخص شدند. تعداد کدها در فاصله زمانی برابر ۶۸، تعداد کل توافقات در این دو زمان برابر ۱۱۰ و تعداد کل عدم توافقات برابر ۶۳ بود. پایایی بازآزمون مصاحبه‌ها برابر ۷۶ درصد و بیشتر از ۶۰ درصد بود که این مقدار قابل قبول است (Koole, 2009: 237). بنابر این، قابلیت اعتماد کدگذاری‌ها تأیید شد. همچنین پایایی بین دو کدگذار نیز انجام شد و تعداد کل کدها که توسط محقق به ثبت رسید برابر ۱۶۸، تعداد کل توافقات بین این کدها ۹۳ و تعداد کل عدم توافقات بین این کدها برابر ۲۸ است. پایایی بین کدگذاران برای مصاحبه‌های انجام گرفته در این تحقیق برابر ۷۶ درصد و بیشتر از ۶۰ درصد است، بنابر این قابلیت اعتماد کدگذاری‌ها مورد تأیید است و می‌توان ادعا کرد که میزان پایایی تحلیل مصاحبه کنونی مناسب است. روایی در یک مطالعه کیفی، اشاره بر میزانی دارد که مشاهده محقق توانسته است پدیده مورد مطالعه یا متغیرهای مربوط به آن را انعکاس دهد (koole,2009:238). در تحقیق کنونی، اعتبار برای هر کدام از مراحل هفت‌گانه انتخاب موضوع، طراحی، مصاحبه، نسخه‌برداری، تحلیل، تأیید و گزارشگری مورد توجه قرار گرفت تا نتایج به‌دست آمده قابل اتکا باشند.

برای نمونه‌گیری خبرگان، از روش‌های غیراحتمالی و هدفمند (نادری فر و همکاران، ۱۳۹۶: ۷۳) استفاده شده است. در پژوهش‌های کیفی اشباع شدن اطلاعات مهم‌تر از تعداد افراد است. بدین معنی که محقق جمع‌آوری اطلاعات را باید تا زمانی ادامه دهد که اطلاعاتی که از شرکت کنندگان جمع‌آوری می‌کند، تکراری شده و اطلاعات جدیدی به اطلاعات گردآوری شده قبلی اضافه نشود به‌عبارت دیگر فرآیند مصاحبه‌ها تا تکرار داده‌ها و رسیدن به اشباع نظری ادامه یافته است. بر این اساس از ۱۶ نفر از افراد واجد شرایط که سابقه اشتغال به کار در ارگان‌های سیاسی، رسانه‌ای و تجربه حضور در افغانستان داشته‌اند، به شرح ذیل مصاحبه شده است.

جدول شماره ۲- مشخصات پاسخگویان

ردیف	نام و نام خانوادگی	سمت
۱	زنده‌یاد پیر محمد ملازهی	پژوهشگر حوزه افغانستان
۲	مولوی محمد مختار مفلح	استاد افغانستانی و مدرس حوزه‌های اهل سنت و رئیس نهضت اسلامی افغانستان و از علمای اهل سنت افغانستانی مقیم ایران.
۳	محمد روحی	کارشناس مسائل سیاسی و اقوام افغانستان و مدیر دفتر نمایندگی اسبق سازمان صداوسیما در افغانستان (۱۳۸۷-۱۳۹۴)
۴	ابوطالب مظفری	شاعر و نویسنده و از جامعه مهاجران افغانستانی مقیم ایران
۵	ناصر جهانشاهی	کارشناس ارشد مسایل افغانستان و رایزن اسبق فرهنگی سفارت ایران در افغانستان
۶	دکتر محمد هاشم عصمت‌اللهی	فعال رسانه‌ای و مشاور سابق احمد کززی رئیس‌جمهور وقت افغانستان و از مهاجران افغانستانی مقیم ایران
۷	مولوی حبیب‌الله حسام	استاد افغانستانی و مدرس حوزه‌های اهل سنت و رئیس شورای اخوت اسلامی افغانستان و از علمای اهل سنت افغانستانی مقیم ایران
۸	دکتر زهرا محمودی	پژوهشگر امور افغانستان
۹	عبدالقیوم سجادی	نماینده سابق مجلس نمایندگان ولسی جرگه افغانستان و از مهاجران افغانستانی مقیم ایران
۱۰	دکتر سیدرسول موسوی	مدیرکل آسیای جنوبی وزارت امور خارجه
۱۱	عبدالحمید نورزایی	پژوهشگر افغانستانی
۱۲	دکتر حشمت‌الله فلاحت‌پیشه	استاد دانشگاه، سیاستمدار و رئیس سابق کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس شورای اسلامی
۱۳	عاشیق حسین طوری	کارشناس مسایل افغانستان
۱۴	محمدحسین خلوصی	استادیار دانشگاه، پژوهشگر و نویسنده کتاب شیعیان افغانستان
۱۵	حسن بهشتی‌پور	پژوهشگر و صاحب‌نظر حوزه آسیای جنوب شرق
۱۶	بهرام امیراحمدیان	استاد دانشگاه و پژوهشگر

یافته‌های پژوهش

با توجه به سؤال اصلی پژوهش مصاحبه نیمه ساختار یافته انجام گرفت و در سه گام تحلیل شد که به شرح ذیل است:

گام اول، کدگذاری باز: مصاحبه‌های دست‌نویس شده، کدگذاری شده که نمونه‌ای از نقل‌قول‌های مصاحبه در جدول ارائه شده است.

جدول شماره ۳- کدگذاری باز

کدگذاری باز	نمونه نقل‌قول‌های مصاحبه
قرابت‌های قومی، مذهبی و زبانی	تعامل تعداد زیادی از افراد به زبان فارسی (دری)، پیوندهای ایدئولوژیک با اقلیت شیعه در افغانستان، حس خویشاوندی و درک فرهنگی بین مردم
میراث فرهنگی	ادبیات، هنر، موسیقی و سنت مشترک، تسهیل در تعامل و تبادلات فرهنگی با کشورهای مشترک در مسیرهای تجاری باستانی مثل جاده ابریشم
روایت تاریخی	دیدگاه‌های مشترک حاصل از تاریخ طولانی امپراتوری‌ها و تغییرات ژئوپلیتیک، تلاقی گذشته باستانی و دیدگاه‌های مشترک تاریخی
مشارکت‌های ادبی و فکری	ادبیات فارسی به‌عنوان گنجینه‌ای برای ایرانیان و افغانستانی‌ها، وجود شاعران و دانشمندان مشترک با سنت‌های فکری فارسی
تبادلات فرهنگی	مبادلات معماری و جنبه‌های مختلف زندگی روزمره، وجود بناهای تاریخی منعکس‌کننده عناصر فرهنگی
آداب و رسوم	شباهت در جشنواره‌های فرهنگی، آداب و رسوم و سنت‌ها، هویت مشترک جشن‌ها همانند نوروز و یلدا
سیاست داخلی	تمرکز طالبان بر حفظ وحدت داخلی، وجود رهبری منسجم و واحد
سیاست خارجی	شناسایی موقت طالبان و دوفاکتوی ایران
ایران پناهگاه مهاجران	میزبانی ایران از پناهجویان افغانستانی، مشارکت ایران در ارائه کمک‌های بشردوستانه به افغانستان
اثرات اجتماعی پناهجویان	همکاری ایران با نهادهای بین‌المللی برای رفع فشار بر منابع اقتصادی، آموزشی، بهداشتی و... همکاری با طالبان با هدف رفع چالش‌های پناهندگان افغانستانی در ایران
وضعیت حقوقی و حمایتی	هماهنگی سیاست‌های اقامت، مجوزهای کاری و دسترسی پناهجویان به خدمات عمومی، تغییر در فضای سیاسی و سیاست‌های دولت
بازگشت داوطلبانه	تسهیل بازگشت داوطلبانه پناهجویان افغانستانی، امنیت نسبی و کاهش چالش‌های اقتصادی در افغانستان
قومیت‌گرایی	تمایز قائل شدن بین اقوام، قبایل و گروه‌های مختلف افغانستان توسط ایران، احترام به شوراها و سنتی و رهبری قومی در افغانستان





کدگذاری باز	نمونه نقل‌قول‌های مصاحبه
امنیت منطقه‌ای و مبارزه با تروریسم	مقابله با گروه‌های تروریستی همچون داعش، تلاش‌های مشترک برای مقابله با تهدیدات امنیتی، اشتراک اطلاعات، عملیات نظامی مشترک، ابتکارات دیپلماتیک با هدف مقابله با تروریسم
امور مذهبی	مدیریت اماکن مذهبی، گردشگری مذهبی (حرم امام رضا (ع)، کارته سخی کابل، بقعه مزارشریف و...)، ارزش‌های دینی مشترک (میراث مذهبی، رسوم مشترک، اماکن مقدسه و ...)

گام دوم، کدگذاری محوری: زیرطبقه‌های شکل گرفته در مرحله قبل دسته‌بندی شده و طبقه‌های جامع‌تر به شرح ذیل شکل گرفتند.

جدول شماره ۴ - کدگذاری محوری

کد محوری	کد باز
پیوندهای تاریخی و فرهنگی عمیق بین دو کشور	قرابت‌های قومی، مذهبی و زبانی
	میراث فرهنگی مشترک
	دیدگاه‌های مشترک از روایت‌های تاریخی
	مشارکت‌های ادبی و فکری
آداب و رسوم	تبادلات فرهنگی
	مراسم و جشن‌ها
عوامل سیاسی خارجی	شناسایی موقت طالبان توسط ایران
	وجود رهبری منسجم واحد
عوامل سیاسی داخلی	تمرکز طالبان بر حفظ وحدت داخلی
	وجود رهبری منسجم واحد
نگرانی‌های امنیتی	امنیت مرزی
	تروریسم و افراط‌گری
	قاچاق مواد مخدر
	درگیری‌های داخلی در افغانستان
	افزایش خطر خشونت و ناآرامی در ایران با بی‌ثباتی افغانستان
آمادگی نظامی	تلاش‌های مشترک برای مقابله با تهدیدات امنیتی
	اشتراک اطلاعات و عملیات نظامی مشترک
	مبارزه با تروریسم و افراط‌گری
پویایی مذهبی	شکاف شیعه و سنی
	تفسیر طالبان از اسلام

وضعیت اقلیت‌های مذهبی و ارزش‌های دینی مشترک	
مدیریت اماکن مذهبی و گردشگری مذهبی	
همبستگی اسلامی	
سنت خلیفه‌گری	فرهنگ راهبردی
تربیت دیوبندی طالبان	
فرهنگ پشتون‌والی	
میزبانی و مشارکت ایران در ارائه کمک‌های بشر دوستانه	پناهجویان افغانستانی
اثرات اجتماعی حضور پناهجویان و برتری‌جویی ایرانیان	
وضعیت حقوقی و حمایتی مهاجران افغانستانی	
تسهیل بازگرداندن داوطلبانه پناهجویان افغانستانی	
تمایز قائل شدن بین اقوام و گروه‌های مختلف از سوی ایران	قومیت‌گرایی و اقلیت‌ها
احترام به شوراها و سنتی	
امنیت و مقابله با گروه‌های تروریستی همچون داعش	
مشکلات و حقوق زنان	
احترام به حقوق اقلیت‌های مذهبی	
منابع مالی و فرصت‌های سرمایه‌گذاری	اقتصاد
افزایش درآمدهای ارزی ایران	
همکاری‌های انرژی	
توسعه زیرساخت‌ها	
دور زدن تحریم‌ها و کم کردن آثار تورمی	
ترانزیت کالا	
چالش‌های زیست‌محیطی ایران و افغانستان	اکوسیستم
بحران منابع آبی و چالش‌های حق‌آبه ایران	
حمایت و تداوم کشت جایگزین خشکاش	

گام سوم: کدگذاری انتخابی، فرآیند یکپارچه‌سازی، بهبود و پیوند کدهای محوری است که به گزاره‌های حکمی پژوهش منجر شده است. بر پایه مؤلفه‌های مراحل کدگذاری، گزاره‌های ذیل شکل گرفته است.

گزاره اول؛ متغیرهای علی: منظور از متغیرهای علی، متغیرهایی هستند که کشف علت‌ها یا عوامل بروز یک رویداد یا حادثه یا پدیده مورد نظر را مورد نظر دارند. ۴ متغیر مهم در

این کشور ذیل متغیر علی قرار می‌گیرند. به عبارتی پیوندهای تاریخی و فرهنگی، آداب، رسوم (همسو با نظریه کاستلز) و سیاست داخلی و خارجی افغانستان علتی است که دیپلماسی رسانه‌ای برای همگرایی دو کشور باید به آن اهمیت دهد.

گزاره دوم؛ متغیرهای زمینه‌ساز: منظور از متغیرهای زمینه‌ساز، مؤلفه‌هایی هستند که زمینه‌ساز اتخاذ و اجرای دیپلماسی رسانه‌ای در افغانستان شده‌اند. نویسندگان معتقدند که نگرانی‌های امنیتی، آمادگی نظامی، فرهنگ راهبردی مردم افغانستان و مذهب، عوامل زمینه‌ساز در دیپلماسی رسانه‌ای هستند.

گزاره سوم: متغیرهای میانجی (مداخله‌گر): منظور از متغیرهای مداخله‌گر، رویکردها و سیاست‌هایی است که تهدیدی برای ادامه دیپلماسی رسانه در افغانستان محسوب می‌شوند. پناهجویان افغانستانی، قومیت‌گرایی، عوامل اقتصادی (همسو با نظریه اشپیگل و کانتوری) و اکوسیستم بر دیپلماسی رسانه‌ای مؤثر هستند.

گزاره چهارم: متغیرهای راهبردی: مقصود از متغیرهای راهبردی، متغیرهایی هستند که برای تحقق سیاست‌های مد نظر اتخاذ می‌گردند. تلاش برای تحقق دیپلماسی رسانه‌ای با استفاده از شبکه رسانه‌ای و استفاده از مضامین مرتبط اشاره دارد که به شرح جدول شماره ۵ نمایش داده شده است.

جدول شماره ۵- راهبردها

مضامین	راهبردها
تولید گزارش‌های تصویری، مستندسازی و تولید محتوای مرتبط از جشن‌ها و مراسم و آئین‌ها، مراسم مذهبی، آموزش و تقویت محتوای رسانه‌ها برای زنان، کودکان، تقویت بهداشت عمومی، اطلاع‌رسانی در خصوص مسائل سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، محیط‌زیست، بهداشت	ایجاد شبکه تلویزیونی اختصاصی برای فارسی‌زبانان افغانستانی
اطلاع‌رسانی و برنامه‌ریزی برای پناهجویان در خصوص مسائل اجتماعی، اقتصادی، بهداشتی و آموزشی، کنترل افکار عمومی پناهجویان، جلوگیری از تولید شایعه و خشی کردن تبلیغات رسانه‌های معاند خصوصاً فرقه‌گرایی در اسلام	تأسیس شبکه رادیویی مستقل برای پناهجویان
ایجاد زمینه‌های گفتگو در خصوص تاریخ و فرهنگ مشترک، مشارکت و تبادل دیدگاه‌ها و نظرات، تغییر سبک زندگی خانواده‌ها، تقویت فرهنگی و زبان فارسی،	تولید پادکست‌ها و مستندهای کوتاه فرهنگی در شبکه‌های مجازی
فعال نمودن دیپلماسی عمومی در رابطه با مذاکرات مستمر با طالبان در جهت هموار کردن پخش تولیدات رسانه‌ای فارسی از شبکه‌های محلی و دولتی	تأسیس اندیشکده افغانستان شناسی

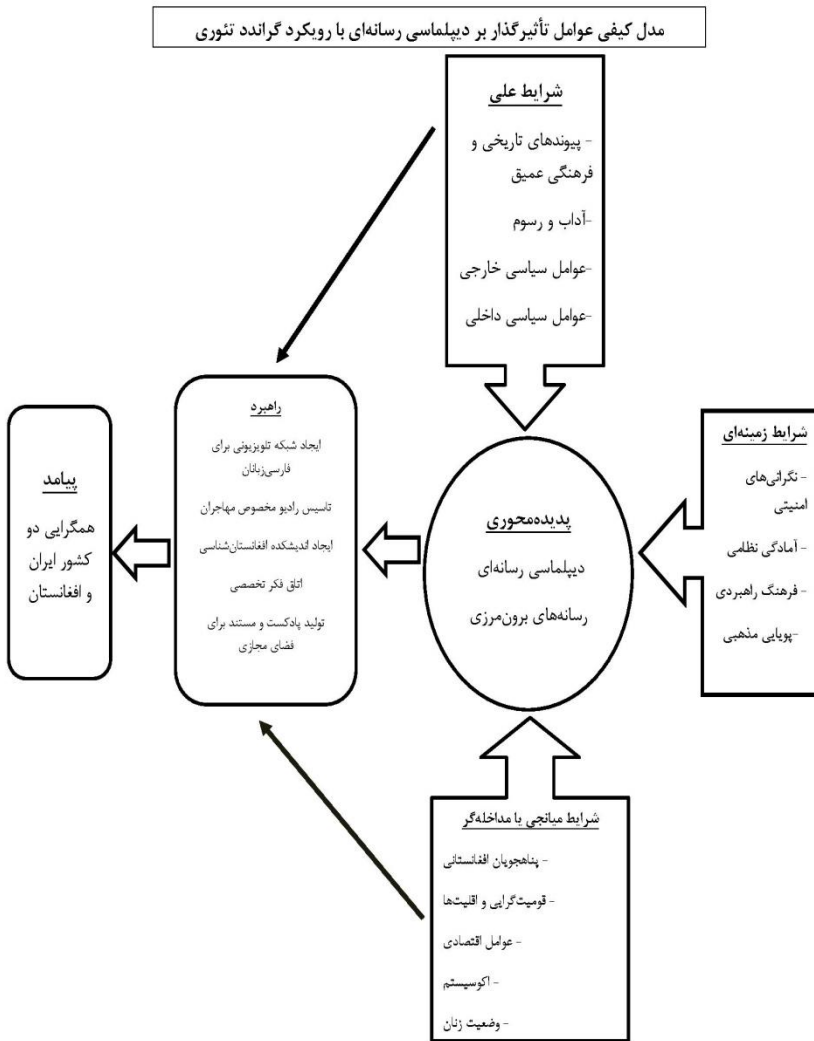
مضامین	راهبردها
افغانستان در ولایات مختلف، حفظ و گسترش روابط بین کشورهای منطقه	
اشتراک اطلاعات و همکاری‌های امنیتی بین دو کشور، ابتکارات دیپلماتیک با همکاری افغانستان در مقابل سایر کشورها، بررسی و تبیین مناسبات اقتصادی در خصوص تسهیل واردات و صادرات کالاهای ایرانی، ترانزیت کالاها از طریق جاده ابریشم و تبادلات فرهنگی و تغییر در قوانین مهاجرتی	ایجاد اتاق فکر
گردشگری مذهبی، درمانی و آموزشی	تسهیل شرایط گردشگری
تغییر سبک زندگی با آموزش مهاجران افغانستانی در مدارس و دانشگاه‌ها، کاهش فقر در بین جامعه مهاجران با تقویت آموزش‌های تخصصی و افزایش آگاهی	تقویت پذیرش دانشجویان افغانستانی
تشکیل این کمیته در کلیه نهادهای حاکمیتی ایران مانند صداوسیما، وزارت بهداشت، آموزش و پرورش و...	کمیته برنامه‌ریزی فرهنگی - رسانه ای

تبیین پیامد دیپلماسی رسانه‌ای مطلوب برای ایران

همگرایی دو کشور مهم‌ترین پیامد عملکرد صحیح دیپلماسی رسانه‌ای به شمار می‌رود که در زمینه‌های ذیل قابل بررسی است:

- ۱) همبستگی اسلامی؛
- ۲) ثبات، همکاری و اتحاد امنیتی منطقه‌ای پس از شناسایی موقت و دوفاکتوی^۱ حکومت سرپرست طالبان؛
- ۳) همسویی دو کشور در رقابت‌های ژئوپلیتیکی منطقه؛
- ۴) فعال شدن دیپلماسی زیست‌محیطی و تعهدات اقلیمی در حوضه‌های آبریز؛
- ۵) مراقبت‌های بهداشتی و پاسخ به بیماری‌های همه‌گیر؛
- ۶) اجرای تعهدات ضد تروریسمی طالبان؛
- ۷) تبیین پیامدهای دولت دوم طالبان در افغانستان بر امنیت ایران.

۱. شناسایی یک کشور ممکن است به صورت «دفاکتو» یا «دوژوره» باشد. شناسایی دفاکتو به معنی شناسایی موقتی و به منظور برقراری مناسبات سیاسی در سطح پایین است و در این نوع رابطه، دو کشور نمی‌توانند سفیر مبادله کرده یا قراردادهای دوجانبه امضا کنند؛ ولی شناسایی «دوژوره» به معنی برقراری مناسبات کامل دیپلماتیک است.



تحلیل یافته‌ها

در دوران حکومت طالبان (۲۰۲۳)، رسانه‌ها در افغانستان تحت تأثیر محدودیت‌ها و سرکوب رسانه‌های مستقل، قرار گرفت. طالبان محدودیت‌های گسترده‌ای را بر رسانه‌ها و آزادی بیان اعمال کردند که منجر به تعطیلی بسیاری از رسانه‌ها و خروج خبرنگاران به دلیل ترس و فشار شد. طالبان ده‌ها ایستگاه رادیویی و تلویزیونی محلی را تعطیل کردند و معدود رسانه‌هایی که اجازه فعالیت دارند مجبور به پخش تبلیغ حکومت طالبان و از پخش موسیقی یا صدای زنان منع شدند. بر اساس نظرسنجی گزارشگران بدون مرز، افغانستان از زمان به قدرت رسیدن طالبان، تقریباً ۶۰ درصد از رسانه‌ها و نزدیک به ۶۰ درصد از خبرنگاران خود را از دست داده است (Vejdani and Kumar, 2023).

با وجود محدودیت‌هایی که در رسانه‌های افغانستان برقرار شده است صداوسیما ایران (معاونت برون‌مرزی) همچنان چند شبکه تلویزیونی فعال همانند شبکه آی‌فیلم فارسی ویژه افغانستان (تأسیس ۲۰۱۰)، شبکه تلویزیونی سحر افغانستان (تأسیس ۲۰۲۲) و رادیو دری (تأسیس ۲۰۰۱) را از طریق ماهواره و ایستگاه‌های فرستنده زمینی فعال نگه داشته است. در کنار این رسانه‌ها، خبرگزاری‌های فعال و شبکه‌های مجازی بسیاری از داخل ایران و افغانستان مشغول فعالیت‌های رسانه‌ای هستند که توسط بخش خصوصی و دولتی اداره می‌شوند.

توجه و تأکید رسانه‌های فارسی‌زبان به ابعاد تاریخی پیوند اسلام و زبان فارسی با توجه به اشتراک‌ها و گرایش‌های فرهنگی و مذهبی مردم افغانستان و ایران در صدر شرایط علی‌پیشبرد دیپلماسی رسانه‌ای ایران است. چرا که بعد از صحابه پیامبر گرامی اسلام، اصل دین توسط ایرانی‌ها و فارس‌زبان‌ها به دیگر نسل‌ها منتقل شده است. به‌عنوان مثال تفسیر طبری، علم حدیث امام بخاری و امام مسلم نیشابوری متعلق به اقوام فارس بودند. در فقه امام ابوحنیفه، در فلسفه ملاصدرا و رازی و در فرهنگ و شعر فردوسی، مولانا، سعدی و... همگی فارس‌زبان بودند. این بدین معناست که تمدن اسلام بر شانه‌های فارس‌زبان بوده است و تداوم فرهنگ و تمدن فارسی می‌تواند از نفوذ استعمارگران به منطقه جلوگیری کند (حسام، ۱۴۰۲). حدود چهل سال است که افغانستان با وجود ناامنی، جنگ‌ها و درگیری‌ها، شاهد فرقه‌گرایی و جنگ مذهبی شیعه و سنی نبود و این گروه‌ها برادرانه با هم زندگی می‌کردند (عاشیق حسین‌طوری، ۱۴۰۲).

موضوع پناهجویان افغانستانی در دیپلماسی رسانه‌ای به‌عنوان مهمترین شرط مداخله‌گر مطرح است، شرایط پناهجویان افغانستانی در ایران، نه تنها یک نگرانی دوجانبه است، بلکه



سازمان‌های بین‌المللی و آژانس‌های بشردوستانه را نیز درگیر خود کرده است. ایران با کمیساریای عالی سازمان ملل متحد در امور پناهندگان^۱ و سایر شرکای بین‌المللی برای رسیدگی به چالش‌های مربوط به میزبانی از جمعیت بزرگ پناهندگان تعامل داشته و همکاری بین ایران و افغانستان و همچنین بازیگران بین‌المللی برای رسیدگی به علل ریشه‌ای آوارگی و ایجاد راه‌حل‌های بلندمدت بسیار مهم است.

پرداختن به مسائل پناهندگان علاوه بر کمک رسانه‌ها، نیازمند یک رویکرد جامع و مشارکتی است که نیازهای بشردوستانه جمعیت آواره را در نظر بگیرد و در عین حال پویایی‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی در ایران و افغانستان را در نظر بگیرد. مدیریت رسانه‌ای جریان پناهجویان می‌تواند به‌طور قابل توجهی بر روابط گسترده‌تر بین دو ملت تأثیر مثبت بگذارد. مهاجران در رسانه‌های ایران با نوعی بایکوت خبری مواجه هستند. برای نمونه جرایم، اخبار منفی مربوط به مهاجران افغانستان را منتشر می‌کنند و بیان خواست و مشکلات اقلیت مهاجر در رسانه‌ی قابل اعتماد بین مردم و دولت ممکن نیست. در این بین فضای مجازی در خلاء ایجاد شده توسط کشورهای معاند و با انتشار اخبار مغرضانه و جعلی، زمینه‌های اختلاف و هراس بین دو ملت را ایجاد می‌کند (مصاحبه با مفلح، ۱۴۰۲). اخبار جعلی و بدون منبع موثق در حملات به شیعیان افغانستان که طالبان را به جای گروه تروریستی داعش عامل حمله معرفی می‌کند نمونه‌ای از این نوع است. هر چند برخی از ریشه‌های افغانستان هراسی به رفتار طالبان بر می‌گردد. چرا که از نظر فکری، طالبان گرایش اهل سنت حنفی داشته و با مذهب شیعه اختلافاتی دارند. اما تبلیغات رسانه‌های عبری-عربی-عربی، داعش را با طالبان یکسان و افغانستان را نماد طالبان و طالبان را نماد داعش می‌دانند (مظفری، ۱۴۰۲).

داعش خراسان برای تأمین منافع در منطقه توسط آمریکا ایجاد و از افغانستان تأمین نیرو شد. داعش خراسان بالقوه به‌عنوان نیروی جایگزین طالبان در منطقه مطرح بود که این سناریو خوشبختانه با هوشیاری طالبان اجرایی نشد. واقعیت امر این است که طالبان در مقابله با داعش به پا خواست و داعش را در افغانستان زمین‌گیر کرد. جنگ‌هایی بین داعش و طالبان و اکثراً در شرق افغانستان رخ داد. داعش و طالبان یکی نیستند و همسان‌سازی طالبان و داعش در اتاق فکر غربی‌ها طراحی شده است. تفکر و اندیشه طالبان تحت تأثیر افکار دیوبندی است، در حالی که داعش پیرو جریان تکفیری سلفی متأثر از عربستان سعودی است. از سویی دیگر، ساختار



طالبان امارت اسلامی و شورای اهل حل و عقد ولی ساختار داعش، دولت اسلامی است و نهایتاً داعش حرکتی فرامرزی ولی طالبان جنبش ملی در داخل مرزهای خود است. پیامدهای یکی دانستن طالبان و داعش خصوصاً توسط رسانه‌ها نتایج خطرناکی را به بار می‌آورد (عصمت‌اللهی، ۱۴۰۲). به این ترتیب و با این توضیحات دستکاری در افکار عمومی توسط رسانه‌های غربی مثل «بی‌بی‌سی» و «افغانستان اینترنشنال» در شبکه‌های رسانه‌ای فارسی‌زبان، عاملی برای ایجاد بدبینی و ایران و افغانستان‌هراسی در کشورهای متقابل است.

رسانه‌های معاند این‌گونه القا می‌کنند که ایران در امور داخلی افغانستان دخالت می‌کند. شایعه سلطه‌گری ایران و نگاه برتری‌جویی بر ملت افغانستان و بسیج شیعیان علیه اهل سنت افغانستان و بروز جنگ داخلی، از دیگر شایعات این رسانه‌ها است (نورزایی و مظفری، ۱۴۰۲). علاوه بر آنچه ذکر شد نگاه از موضع بالاتر سیاستگذاران ایران به حکومت طالبان و مردم افغانستان و پیروی رسانه‌ها از این موضع به فاصله بین مردم دو کشور دامن می‌زند (امیراحمدی، ۱۴۰۲).

اقتصاد نیز به‌عنوان یکی از مهمترین شرایط مداخله‌گر در دیپلماسی مطلوب رسانه‌ای مطرح است. مسدود شدن دسترسی حکومت طالبان به منابع مالی افغانستان و کاهش کمک‌های پولی بین‌المللی، کلیه زیرساخت‌های این کشور خصوصاً صنایع، انرژی، ارتباطات و ... را تحت فشار قرار داده و در این شرایط افغانستان از برخی مزایای اقتصادی، فرهنگی و حتی رسانه‌ای ایران چشم‌پوشی می‌کند (محمودی، ۱۴۰۲: ۸۸). تا قبل از حکومت طالبان، محصولات فرهنگی و رسانه‌ای ایران همانند فیلم‌های سینمایی، سریال‌ها، کتب و نشریات، محصولات آموزشی بصری و ... جزء اقلام وارداتی از ایران محسوب می‌شدند اما با کاهش پول‌هایی که از منابعی از اروپا و امریکا در قالب حمایت از مردم به سمت افغانستان سرازیر می‌شد- و نقش مهمی در اقتصاد داشت- با تحریم‌های ناشی از عدم شناسایی طالبان تا حدود زیادی کاهش و در مواردی قطع شده است (ملازهی، ۱۴۰۲). در کنار این محدودیت‌ها مشارکت ایران در پروژه‌هایی همانند ساخت جاده دوغارون به اسلام قلعه و سپس به هرات، امکان تردد آسان‌تر مردم و ترانزیت کالا را که بهبود شرایط مالی، تبادلات فرهنگی و تغییر سبک زندگی مردم را در پی دارد قابل بررسی است. دیپلماسی رسانه‌ای همچنین می‌تواند زمینه‌ساز حمایت از تصمیم‌های آتی دولتمردان، مانند تمایل طالبان به کشت جایگزین گندم و محصولات درختی و ممنوعیت کشت خشخاش را فراهم آورد. رسانه‌های فارسی‌زبان در کنار نمایش مضللات کشت خشخاش، نباید از شوک کاهش درآمد یک میلیارد دلاری- بنا به گزارش کمیته بین‌المللی صلیب سرخ- غافل شده و فقر

و محرومیت روستاییان را که از کاهش ۸۰ درصدی سطح زیر کشت ناشی می‌شود، فراموش نکنند (ICRC, 2023).

ایران در مرز مشترک با افغانستان برای مبارزه با قاچاقچیان مواد مخدر بیش از ۵ هزار نفر از نیروهای مسلح و امنیتی خود را از دست داده است (خبرگزاری دفاع مقدس، ۱۴۰۰) و بیش از ۶۰۰ کیلومتر موانع تردد در نواحی مرزی با افغانستان احداث کرده است (بیات، ۱۳۹۳). موضع طالبان در موضوع تقسیم آب یکی دیگر از عوامل مداخله‌گر دیپلماسی رسانه‌ای محسوب می‌شود. با تشدید بحران آب در منطقه، تنش‌ها بر سر حق آب بین دو کشور احتمالاً در آینده افزایش می‌یابد (حاجی‌وثوق، ۲۰۲۳: ۱۹۸). به این موارد مدیریت حوضه‌های رودخانه‌های مشترک، افزایش تقاضای آب به دلیل رشد جمعیت و فعالیت‌های کشاورزی، پروژه‌های زیرساختی، مانند سد‌ها و مخازن، آلودگی ناشی از تخلیه‌های صنعتی، رواناب‌های کشاورزی و اقدامات ناکافی بهداشتی که بر کیفیت آب تأثیر می‌گذارد، نیز باید اضافه شود.

رسانه‌ها با شفاف‌سازی و اطلاع‌رسانی صحیح از وضعیت دو سوی مرزها می‌توانند چالش‌ها، مشکلات، نیازها و بحرانی شدن وضعیت زندگی مردم را به تصویر کشیده و از دولتمردان طالبان مطالبه‌گری کنند. نشان دادن بحران‌های زیست‌محیطی و تبعات آن رسالت رسانه‌ها محسوب شده و باید توسط دیپلماسی رسانه به سرانجام برسد. دیپلماسی رسانه‌ای می‌تواند با کمک و حمایت از حقوق زنان در بهبود شرایط مؤثر واقع شود. در حکومت سرپرست طالبان، هبت‌الله آخوندزاده در دسامبر ۲۰۲۱، فرمانی مبنی بر التزام رضایت زنان برای ازدواج، حق زن در مهریه، انتقال ثروت به عروس در زمان ازدواج و حق مالکیت ارث شرعی داده است (Barnett, 2022)، اما همچنان رواج چند همسری و تایید آن و سوء استفاده از کودکان و دختران کم‌سن زمینه‌ساز مشکلات اجتماعی افغانستان است.

در کنار حقوق قانونی زنان، آموزش نیز از جمله موارد مهم است، هر چند طالبان بارها تأکید کرده‌اند که مخالف تحصیل دختران نیست، اما اکنون دبیرستان‌ها و دانشگاه‌ها به روی دختران بسته است. طبق آخرین آمارها، تعداد دانشجویان در ۴۰ دانشگاه دولتی و ۱۴۰ دانشگاه خصوصی افغانستان به ۵۰۰ هزار تن می‌رسید که نزدیک به ۲۰۰ هزار تن آنان دختر بودند. با این حساب، پس از ممنوعیت تحصیل دختران، ۴۰ درصد از دانشجویان دانشگاه‌های افغانستان کاهش یافته است (Barnett, 2022). بی‌اعتمادی بین اعضای حکومت طالبان پس از اعلام نظرات مختلف در این خصوص، ناامیدی بین مردم، انزوای بین‌المللی طالبان و افزایش روند مهاجرت و نداشتن توجیه



شرعی و منطقی از پیامدهای ممنوعیت تحصیل بانوان در افغانستان به‌شمار می‌آید (محمودی، ۱۴۰۲). ایران می‌تواند با دیپلماسی رسانه‌ای مؤثر این مشکل را با در اختیار قرار دادن بسته‌های آموزشی رسانه‌ای و همکاری‌هایی مشابه برای دختران افغانستان که فارسی را تا حدود بسیار متوجه می‌شوند با کمترین هزینه بهبود بخشیده و کمک شایانی به آموزش زنان افغانستان نماید.

تا مارس ۲۰۲۲م، ۹۵ درصد از خانوارهای افغانستانی غذای کافی نداشتند و بیش از ۳٫۵ میلیون کودک به حمایت‌های درمانی تغذیه نیاز داشتند. تا آگوست ۲۰۲۲، شش میلیون نفر «در آستانه قحطی» قرار داشتند (Center for Preventive Action, 2023). خشکسالی شدید، همه‌گیری بیماری‌هایی مانند تب کریمه کنگو و کووید-۱۹، کاهش اعتماد به دولت قبلی، کاهش هزینه‌های نظامی بین‌المللی با خروج نیروهای آمریکایی و خارجی، فرار سرمایه و سپس قطع ناگهانی کمک‌های غیرنظامی و امنیتی بلافاصله پس از تسلط طالبان، این روند را تشدید کرد (Abbas, 2023). به‌طور قطع می‌توان با استفاده از قدرت رسانه‌ها به بخشی از این موارد سامان داد. در نهایت رساندن صدای جامعه افغانستان به جهانیان به رسانه‌های قوی و مؤثر نیازمند است. دیپلماسی رسانه‌ای می‌تواند این امکان را برای جامعه افغانستان از طریق رسانه‌های برون‌مرزی فارسی‌زبان ایران فراهم می‌کند.

نتیجه‌گیری

از آنجا که در دیپلماسی رسانه‌ای حاکمیت‌ها از طریق رسانه‌های همسو و البته به‌صورت غیرعلنی درصدد تأثیرگذاری بر افکار عمومی هستند، محتوای رسانه‌ها اهمیت خاصی دارند. محتوایی که با استانداردهای مطلوب، حرفه‌ای و معطوف به ارزش‌های خبری بوده و از هرگونه سوگیری قومی و حزبی خالی باشد. طبق نظر کاستلز این محتوا در صورتی در جهت همگرایی دو کشور کارایی دارد که از پایه‌های مسنجم فرهنگی نیز برخوردار باشد. هر چند سیاست‌ها، مخالفت‌ها و سختگیری‌های طالبان خصوصاً در مورد رسانه‌ها، همکاری با رسانه‌های فارسی‌زبان این کشور را سخت کرده است، اما با در نظر گرفتن استانداردهای مطلوب طالبان، هنوز امید می‌رود که بتوان پروژه‌های رسانه‌ای مشترک را که با شرایط اجتماعی، فرهنگی و سیاسی این کشور سازگاری دارد پیش بُرد. این فرآیند نیازمند بسترسازی از سوی مجریان چنین طرح‌هایی است تا بتوان با زمینه‌سازی افکار عمومی برای اجرای طرح‌های مشترک، احساس خودی بودن میان کنش‌گران و فعالان رسانه و مخاطبان را به‌وجود آورد. کانتوری و اشیپگل نیز همگرایی را وابسته به تقویت

و تمرکز بر هدفی مشخص و تعیین‌کننده در روابط کشورها می‌دانند. همگرایی بر اساس ماهیت و سطح انسجام یا میزان تشابه یا مکمل بودن ویژگیها تعیین می‌شوند که طبق یافته‌های این پژوهش این ویژگی‌ها پایه‌های فرهنگی و تمدنی مشترک بین ایران و افغانستان است. به این معنی که تقویت این ریشه‌ها عامل همگرایی و ارتباط‌های درون منطقه‌ای در سطح کشورها بوده و سطح قدرت در نظام تابعه را معرفی می‌کند. در اولویت بعدی حفظ منافع اقتصادی، تجارت و ترانزیت کالا بین دو کشور مطرح است که از الگوی ماهیت ارتباط‌های درون منطقه‌ای اشیپگل و کانتوری منتج می‌شود.

از این نظر می‌توان طبق مصاحبه با بهشتی‌پور، تولید محتوای رسانه‌ها را با تکیه بر نیروهای حرفه‌ای رسانه‌ای و تمرکز بر موضوعاتی که نتیجه تبادلات اندیشمندان و صاحب‌نظران اتاق‌های فکر و اندیشکده‌ها است، در ابعاد گوناگون تهیه و توزیع رسانه‌ای کرد. نتیجه عملکرد مسنجم رسانه و محتوای مناسب، تعلق مخاطب فارسی‌زبان را به رسانه افزایش داده و در ادامه با همفکری و همیاری مخاطبان، ارتباطی کنش‌گرایانه شکل گرفته که با برآوردن سلايق به تدریج بر سبک زندگی افراد تأثیر گذاشته و بستر همیاری و همکاری دولت-ملت را بین دو کشور فراهم می‌آورد. بر اساس مصاحبه با امیراحمدیان، کلیشه‌هایی که نشان از برتری‌جویی ایران در رفتار و گفتار سیاست‌گذاران ایران نسبت به مردم و حکومت سرپرست طالبان دارد می‌تواند عامل مهمی در واگرایی دو ملت به‌شمار آمده و محتوای رسانه را تحت تأثیر قرار دهد، از این نظر بازبینی راهبردی سیاسی حوزه افغانستان باید در اهم امور قرار گیرد. همچنین بر اساس مصاحبه با جهان‌شاهی دسترسی شهروندان افغانستان و ایران به اطلاعات قابل اعتماد و تأیید صحت اطلاعات برای حفظ اعتبار رسانه‌ها، همچنین شفافیت در گزارش‌ها و اخبار با حفظ استقلال منابع معتبر، ایجاد زمینه بازنشر خبر و نحوه پوشش، می‌تواند تأثیر به‌سزایی در اعتماد مخاطب به رسانه و ارجاع مجدد به‌رسانه داشته باشد. در کنار این موضوع فرمت‌های چند رسانه‌ای مانند ویدئو، اینفوگرافیک و محتوای تعاملی که باعث افزایش درک مخاطب شود، ضروری است.

پیشنهاد‌های رسانه‌ای

با توجه به نظرات افراد مصاحبه‌شده بخشی از گزاره‌های مفید در دو گروه محور و قالب بهره‌برداری، پیشنهاد می‌شود.

جدول شماره ۶- محتوای رسانه‌ای قابل بهره‌برداری

محوورها و موضوعات	قالب بهره‌برداری
- آثار ملموس و ناملموس تمدنی، قومی، معماری، دینی و فرهنگی	- تولید مستندهای مردم‌نگارانه برای ترویج و بومی‌گرایی
- آئین‌ها و مراسم ویژه مناسبت‌های فرهنگی و ادبی مشترک ایران و افغانستان	- تولید سریال با موضوعات فرهنگی و قومی دو کشور با استفاده از بازیگران و لوکیشن‌های مرتبط
- معرفی و حمایت از سمن‌های ایرانی فعال در حوزه فرهنگ و ادب افغانستان و بالعکس	- بهره‌برداری از ظرفیت‌های موسیقی، مشاهیر، زبان فارسی، شعر، مراسم و آئین‌هایی همانند نوروز
- شرایط زندگی و مسائل مهاجران افغانستانی	- بهره‌برداری از ظرفیت سریال‌های ایرانی برای تأثیرگذاری بر سبک زندگی مردم افغانستان
- معرفی تروریسم و افراط‌گری	- تولید پادکست، پست‌بلاک، ویدئوکلپ و قطعات موسیقی برگرفته از اقوام، برنامه‌های گفتگو محور و...
- معرفی اندیشمندان و بزرگان افغانستانی و ایرانی	- ساخت انیمیشن‌هایی همانند مسافری از گانورا
- معرفی و گرامی‌داشت شهدای فاطمیون، مدافعان حرم و خانواده‌های آنها	- تولید بسته‌های آموزشی خصوصاً برای خانواده، کودکان و زنان
- حقوق زنان در افغانستان در چارچوب آموزه‌های اصیل اسلامی	- انتشار کتاب، پژوهش و نشریات
- سوء مصرف مواد مخدر، شهدای مرزبانی و...	- تئاتر، جشنواره‌های فرهنگی، موسیقی و...
	- تهیه و توزیع محتوا و دیجیتال مارکتینگ

پیشنهادهای رسانه‌ای که به‌طور کلی بهتر است مد نظر قرار گیرند عبارت‌اند از:

- واقعیت این است که جامعه پشتون در حال حاضر یکی از آخرین بازمانده نظام قبایلی منسجم باقی‌مانده در سطح جهانی است. شناخت جامعه پشتون که تأثیر مهمی در تحولات همسایگی شرقی ایران و در یک حوزه فرهنگی مهم و حیاتی این کشور قرار دارد، نباید کم اهمیت تلقی شود. زیرا در چند قرن گذشته تحولات افغانستان حول محور پشتون چرخیده و در آینده نیز چنین خواهد بود. بنابراین شناخت و ارتباط آگاهانه با اقوام پشتون در قالب پژوهش‌های رسانه‌ای، ضروری است.

- با توجه به سوءاستفاده رسانه‌ها از برخی موضوعات همانند ارتباط طالبان با برخی گروه‌های تروریستی که شائبه‌هایی را برای رسانه ایجاد می‌کند، سواد سیاسی و رسانه‌ای بالا در مواجهه با مسائل افغانستان اجتناب‌ناپذیر است. کشته شدن ایمن الظواهری رهبر القاعده در اوت ۲۰۲۲، توسط هواپیمای بدون سرنشین آمریکایی در حریم طالبان که شبهه ارتباط نزدیک بین این گروه



و طالبان را وجود آورد (Maizland, 2023)، مثال خوبی از این نوع است. هر چند که ممکن است افغانستان محیط امنی برای زندگی، جمع‌آوری کمک‌های مالی و آموزش نظامی این گروه باشد و این موضوع منجر به اختلافاتی با سایر دولت‌ها شود، اما تمایز قائل شدن بین شبه‌نظامیان افغانستان خصوصاً توسط رسانه‌ها حائز اهمیت بسیار است.

- بین اقوام مختلف در افغانستان باید تفاوت قائل شده و به تناسب هر کدام از این اقوام پیشنهادهای برنامه‌ای ارائه شود. کما اینکه این اشتباه راهبردی پس از ۱۱ سپتامبر، از سوی آمریکا و همسان تصور کردن مهاجمان القاعده و طالبان افغانستان که به بن‌لادن اظهار وفاداری کردند، بعدها «بن‌بست استراتژیک» واشنگتن را در کابل رقم زد.

- با توجه به اینکه غیرپشتون‌ها افغان نیستند و کلمه افغان تنها نام یک قوم در کشور افغانستان است که پشتوزبان هستند، لازم است مردم افغانستان تنها با همین نام شناخته شوند و از کاربرد لغت افغان برای همه مردم افغانستان خودداری شود.

- پیشنهاد می‌شود در رسانه‌های فارسی‌زبان خدمات ایران به افغانستان برای مقابله با سیاه‌نمایی رسانه‌های معاند، تبیین و پرداختن به مسئله مهاجران افغانستانی در ایران، قدردانی از خدمات افغانستانی‌ها به ایران، شناساندن ظرفیت‌های مختلف افغانستان و ایران برای تعمیق مناسبات دو کشور انجام شود.

- پیشنهاد می‌شود ایران رویکرد فرهنگی با ابزار رسانه‌ای را در اولویت قرارداد و از تبلیغات ایدئولوژیک صرف فعلاً خودداری کند. می‌توان این رویکرد را در قالب راه‌اندازی شبکه رادیویی مستقل برای تاثیرگذاری در نسل‌های گذشته پناهجویان ساکن در ایران و تربیت نسل جوان‌تر و جدید از آینده دنبال کرد.

- پرهیز از نگرش تک‌بعدی قومی در افغانستان و تأکید بر همکاری با همه اقوام افغانستان (پشتون، تاجیک، هزاره، ازبک و...)

- با توجه به تلاش فراوان آمریکا و قدرت‌های غربی برای نفوذ و تغییر سبک زندگی مردم افغانستان، ایجاد بدبینی به ایران و تقویت دوقطبی شیعه-سنی، توجه به فرهنگ و رسانه، اولویت دارد. برای فعالیت‌های رسانه‌ای در افغانستان، باید با بهره‌گیری از پتانسیل چندمیلیون پناهجوی افغانستانی ساکن ایران و تبدیل این تهدید به فرصت در موضوعات فرهنگی، رویکردی ایجابی اتخاذ کرد. لذا ایران باید از بعد فرهنگی- رسانه‌ای فعالیت خود را آغاز



نموده و پس از مدتی به سایر حوزه‌ها تسری دهد. زیرا تعلق فکری به فرهنگ ایرانی و زبان فارسی در سطوح مختلف اجتماعی افغانستان از جمله نخبگان فرهنگی دیده می‌شود.

منابع و مأخذ

منابع فارسی

- بیات، فرنگیس (۱۳۹۳). سیاست خارجی ایران و معضل مواد مخدر، سایت دیپلماسی ایرانی.
- حاجی‌وٹوق، ندا (۲۰۲۳). امکان‌سنجی همگرایی سیاسی - امنیتی بین ایران و افغانستان در دوران طالبان. *دوسالانه بررسی سیاسی خاورمیانه، بهار و تابستان*.
- خبرگزاری ایسنا (۱۴۰۲). افزایش ۲۲۴ میلیون دلاری صادرات غیرنفتی ایران به افغانستان. ۲۶ اردیبهشت، قابل دسترس در: <https://www.isna.ir/news/1402012614198>
- خبرگزاری دفاع مقدس (۱۴۰۰). «خون شهدای مبارزه با مواد مخدر پاسخی به ادعای رئیس‌جمهور آذربایجان/ ایران در خط مقدم مبارزه با مواد مخدر است»، ۲۵ مهر، قابل دسترس در: <https://defapress.ir/fa/news/484922>
- خرازی‌آذر، زهرا، نرگس احسانی (۱۳۸۸). *جریان‌شناسی جهانی رسانه‌های بزرگ*. انتشارات معاونت پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی.
- رضانی، رحمت و علیرضا محرابی (۱۳۸۹). ژئوپلیتیک دریای خزر و واگرایی کشورهای ساحلی، مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۷۲.
- روحی، محمد و ترابی اقدم، محمود (۱۳۹۵). راه اندازی سیمای دری برون مرزی، پژوهش‌های کاربردی معاونت برونمرزی صدا و سیما.
- سیف زاده، سید حسین (۱۳۸۴). نظریه‌های مختلف در روابط بین‌الملل فردی - جهانی شده: مناسبات و کارآمدی، تهران: وزارت خارجه.
- شفیعی، نوذر (۱۴۰۲). از همکاری تا منازعه: تحلیلی بر روابط ایران و طالبان، *رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی*، دوره ۱۴ شماره ۴.
- طباطبایی، سید علی (۲۰۲۱). *بایسته‌های دیپلماسی اقتصادی، ماهیت برداشت اول*، سال سوم، شماره ۲۱.
- ظریف، محمدجواد و سیدمحمد کاظم سجادیپور (۱۳۸۷). *دیپلماسی چندجانبه*. تهران: انتشارات وزارت خارجه، جلد اول.
- عالیشاهی، عبدالرضا، حس‌پور، ندا و کرم، سینا (۱۴۰۱). مدل راهبردی طالبان در روند دولت‌سازی دوم در افغانستان. *فصلنامه علمی ره‌یافت‌های سیاسی و بین‌المللی*، دوره ۱۴، شماره ۳.

فراسنخواه، مقصود (۱۳۹۸). روش تحقیق کیفی در علوم اجتماعی با تأکید بر نظریه پایه (گراند تئوری). تهران: نشر آگاه.

قاسمی، فرهاد (۱۳۹۰). نظریه‌های روابط بین‌الملل و مطالعات منطقه‌ای، تهران: میزان.
کاستلز، مانوئل (۱۳۸۹). عصر اطلاعات، اقتصاد، جامعه و فرهنگ: ظهور جامعه شبکه‌ای، انتشارات طرح نو.

کولایی، الهه و سازمند، بهاره (۱۳۹۰). همگرایی منطقه‌ای در آسیا: تحلیل تطبیقی اکو و آسه آن، فصلنامه رهیافت‌های سیاست بین‌الملل، پاییز شماره ۲۷.

محمودی، زهرا (۱۴۰۲). چالش‌های داخلی و خارجی حکومت سرپرست طالبان و چشم‌انداز آن. پژوهش‌های کاربردی معاونت برون‌مرزی صداوسیما.

مرتضوی‌امامی‌زواره، سید علی (۱۳۹۸). واکاوی سیاست خارجی ایران در برابر افغانستان. مرکز مطالعات راهبردی روابط فرهنگی، سال پنجم، شماره ۱۳۲، پاییز.

مقدس، اعظم (۱۴۰۰). بررسی علل و زمینه‌های بازگشت طالبان به قدرت در افغانستان. دوفصلنامه علمی جامعه‌شناسی سیاسی جهان اسلام، دوره ۹ شماره ۲.

میناوند، محمد قلی، جعفری چگینی (۱۳۹۸). بایسته‌های همکاری مطلوب رسانه‌ای میان کشورهای فارسی‌زبان. فصلنامه روابط بین‌الملل، دوره ۴، شماره ۴.

نادری فر، مهین؛ گلی، حمیده؛ قلیجایی، فرشته (۱۳۹۶). گلوله برفی روشی هدفمند در نمونه‌گیری تحقیقات کیفی، نشریه گام‌های توسعه در آموزش پزشکی، دوره ۱۴، شماره ۴۱.

نوروزی، مجتبی، لواسانی، شکوه‌السادات و نظیفی‌نائینی، نازنین (۱۴۰۰). بسترهای دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در افغانستان در دوره ریاست‌جمهوری حامد کرزای و اشرف غنی. مطالعات

روابط فرهنگی بین‌الملل، سال پنجم، شماره ۱۲، ۶۹-۳۱.

منابع انگلیسی

Abbas, Hassan (28 JULY 2023). "The internal splits that threaten the Taliban's rule", available: <https://www.chathamhouse.org/publications/the-world-today/2023-08/internal-splits-threaten-talibans-rule>

Barnett R. Rubin (2022). Afghanistan Under the Taliban: Findings on the Current Situation. October 20, Available at :<https://www.stimson.org/2022/afghanistan-under-the-taliban-findings-on-the-current-situation/>

Center for Preventive Action (August 17, 2023). "Instability in Afghanistan", available: <https://www.cfr.org/global-conflict-tracker/conflict/war-afghanistan>.

Gilboa, Eytan (2002). Mass communication and diplomacy: A theoretical framework. *Communication Theory*, PP. 275-309



- Hasmat Vejdani and Amit Kumar (2023). Analyzing the State of Afghan Journalism. Available at: <https://thediplomat.com/2023/08/analyzing-the-state-of-afghan-journalism/>
- Koole, S. L. (2009). The psychology of emotion regulation: An integrative review. *The psychology of emotion regulation: An integrative review*, ۲۳ (1), 4-41.
- Maizland, Lindsay (2023). The Taliban in Afghanistan, Available at: <https://www.cfr.org/backgrounder/taliban-afghanistan>
- Matteo Legrenzi (2024). Iran's Troubled Relations with Afghanistan and Tajikistan: A Compound Alignment Dilemma. *Instituto affair internazionali (IAI)*. Available at: <https://www.iai.it/en/publicazioni/irans-troubled-relations-afghanistan-and-tajikistan-compound-alignment-dilemma>
- Mohammad Bashir Elham, Shirali Samimi(2023). "The cultural relationship between Afghanistan and Iran during the reign of Amir Amanullah Khan", *Humanities and Social Sciences*, Available at: <http://sorinpub.com/sjahss>
- Strauss, A. & Corbin, J. (1998). *Basics of Qualitative Research: Techniques and Procedures for Developing Grounded Theory*. Sage Publications, Thousand Oaks, CA, US
- Tricia Bacon (2021). "De-Talibanization and the Onset of Insurgency in Afghanistan", Available at: <https://www.researchgate.net/publication/348507251>

سناریوهای راهبردی شبکه جهانی جام‌جم در افق ۵ ساله

محمودرضا نجف زاده شهری^۱، حمیدرضا حسینی دانا^۲، داوود نعمتی انارکی^۳

چکیده

مدیران رسانه‌ها برای مواجهه مناسب با تحولات نیازمند داشتن تصویری از احتمالات ممکن هستند تا بتوانند با اتخاذ تصمیم‌های پیش‌دستانه از غافلگیری مصون بمانند. بدون سناریوها یا تصاویر روشنی از آینده‌های ممکن، نمی‌توان برای شبکه‌های تلویزیونی برنامه‌ریزی کرد. شبکه جام‌جم از جمله این رسانه‌ها است که نیازمند سناریوپردازی است. بر این اساس، هدف این مقاله تدوین سناریوی مطلوب برای دیده شدن، جذب مخاطب و در دسترس بودن شبکه جهانی جام‌جم است. برای این منظور از روش سناریونویسی «جی بی ان» شوارتز با نمونه‌گیری هدفمند استفاده شده است. ۲۵ خبره در پژوهش مشارکت داشتند که به این تعداد براساس اصل اشباع نظری اکتفا و برای تبیین این ویژگی‌های شبکه جام‌جم از دیدگاه صاحب‌نظران از روش مصاحبه عمیق استفاده شد. در سپهر رقابت رسانه‌ای سناریوهای این شبکه برای بسترهای تولید و پخش برنامه‌ها عبارت‌اند از: هوشمندسازی رسانه، رسانه پاک، عبور از رسانه منفعل و خط قرمزهای غیرواقعی، برانگیختگی نوستالژیک و رسانه متعامل. شبکه جام‌جم براساس سناریوهای پیش‌رو دارای شش ویژگی کلیدی است که می‌تواند از آن برای تهیه و تولید برنامه‌ها استفاده کند. از دیدگاه صاحب‌نظران موارد حیاتی و لازمه فعالیت‌های این شبکه عبارت‌اند از: سرعت (نشر و توزیع مطالب)، تنوع (در دسترس بودن)، تجهیز شبکه به فناوری‌های روز، استفاده مطلوب از ظرفیت فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی تعامل با مخاطبان (دو سویه و مستمر)، تحریک احساس (حس نوستالژیک و جریان ساز).

کلیدواژه‌ها: ایرانیان خارج از کشور، سناریوی مطلوب، زیرساخت‌های فنی، شبکه‌های اجتماعی، فضای مجازی، شبکه جام‌جم،

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۷/۱۷ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۲/۰۱

۱ دانشجوی دکترای مدیریت رسانه، گروه مدیریت رسانه، دانشکده علوم انسانی و هنر، واحد دماوند دانشگاه آزاد اسلامی، دماوند، ایران. m.najfzadeh@stu.semnaniau.ac.ir

۲ دانشیار گروه مدیریت رسانه، دانشکده علوم انسانی و هنر، واحد دماوند دانشگاه آزاد اسلامی، دماوند، ایران (نویسنده مسئول). Hosseini.dana@damavandiau.ac.ir

۳ دانشیار گروه ارتباطات، دانشکده ارتباطات و رسانه، دانشگاه صداوسیما، تهران، ایران. nemati@iribu.ac.ir

DOI: 10.22034/imrl.2024.453905.1245



مقدمه

تحولات سریع در حوزه فناوری رسانه در زمینه‌های تولید و انتشار، تغییر نقش مخاطب در مواجهه با رسانه‌ها و تغییر الگوهای مصرف رسانه‌ای، محیط سازمان‌های رسانه‌ای را ناپایدار و پیچیده کرده و باعث شده است تا سازمان‌های رسانه‌ای در مواجهه با آینده‌های پیش‌رو با شرایط عدم قطعیت بیشتری مواجه باشند (اشتنهاگن و همکاران^۱، ۲۰۱۸: ۴۴). سرعت تغییر در صنعت رسانه به‌حدی است که در گزارش سال ۲۰۱۶ مؤسسه رویترز با مقایسه روند تحولات رسانه‌های مختلف تصریح شده بود که رسانه‌های چاپی و به‌طور مشخص روزنامه در حال افول، رسانه تلویزیون در حال روند کاهشی تدریجی و رسانه‌های اجتماعی در حال رشدی انفجاری هستند (نیلسن و همکاران^۲، ۲۰۱۶).

در گزارش سال ۲۰۱۹ این مؤسسه که در آن ۲۴ کشور اروپایی، ۶ کشور در قاره آمریکا و ۷ کشور آسیایی و یک کشور آفریقایی بررسی شده‌اند، دیگر مقایسه‌ای بین رسانه‌های اجتماعی و رسانه‌های جریان اصلی به چشم نمی‌خورد و ظاهراً کاهش مخاطب خبر از رسانه‌های جریان اصلی دیگر به‌عنوان روند پیش فرض دانسته شده است و گزارش به مسائل دیگری همچون چالش‌های سازمان‌های خبری برای کسب درآمد از ارائه اخبار در اینترنت، چالش‌های مربوط به مدل‌های کسب‌وکار دیجیتال در سازمان‌های رسانه‌ای پرداخته است (نیک نیومن^۳ و همکاران، ۲۰۱۹). در واقع اکوسیستم رسانه‌ای تغییر کرده و مسأله مورد بررسی فضای جدید حاکم بر رسانه‌ها است. در این گزارش تصریح شده است که اگرچه هنوز برندهای خبری مثل بی‌بی‌سی و سی‌ان‌ان دارای جایگاه هستند، اما این جایگاه به‌دلیل پخش تلویزیونی آنها نیست بلکه به‌دلیل فرمت‌های دیجیتال این سازمان‌های خبری است.

اگر چه رسانه‌های آنلاین و فرمت‌های دیجیتال، مصرف خبری را به نفع خودشان تغییر داده‌اند و تلویزیون در بخش خبر خود با چالش‌های جدی در رقابت با رسانه‌های جدید و مبتنی بر اینترنت مواجه است اما در بخش سرگرمی هنوز این رسانه دست برتر را دارد اما مشخص نیست در افق زمانی ۱۰ ساله چگونه باشد. چرا که با توجه به تحولات ناشی از دیجیتالیسم و فناوری‌های نوظهور محیط رسانه‌ای ویژگی‌های نوظهوری بروز یافته‌اند که از جمله مهم‌ترین آنها می‌توان به سرعت و تنوع و شگفتی‌آفرینی اشاره کرد. سرعت یعنی تولید و توزیع و

1. Achtenhagen & et al.
2. Nielsen & et al.
3. Nic Newman & et al



دسترسی به اطلاعات به شدت سریع شده است. تنوع و تکرر ابزارها و تعدد پلتفرم‌ها (سکوها/ بن‌سازه‌ها) و امکان حضور صدهای مختلف در ساختار شبکه‌ای رسانه‌های اجتماعی چنان است که می‌توان گفت تنوع را به مثابه یک اصل باید پذیرفت. همچنین شگفتی‌آفرینی جزو ویژگی‌های اصلی فناوری‌های نوشونده امروز است. در چنین محیط در حال ظهوری مدام با شگفتی‌ها مواجه هستیم و نمی‌توان تنها برای یک آینده محتوم برنامه‌ریزی کرد بلکه باید احتمالات مختلفی را که متصور است، در نظر گرفت و سپس با لحاظ کردن این سناریوها و احتمالات پیش‌رو برای حرکت در راستای تحقق سناریو مطلوب برنامه‌ریزی کرد و راهبردهایی پیشنهاد داد. سازمان صداوسیما جمهوری اسلامی ایران نیز به‌عنوان تنها متولی دولتی پخش رادیو-تلویزیونی در کشور (ماده ۱۷۵ قانون اساسی) و به‌عنوان یک رسانه‌های عمومی و عام‌المنفعه بزرگ با مسائل مختلف فناورانه، محتوایی، فرایندی و ... مواجه می‌باشد (باللی و همکاران، ۱۳۹۱؛ علی‌عسکری و همکاران، ۱۳۹۶؛ علوی‌وفا، ۱۳۹۶؛ شریفی و همکاران، ۱۳۹۸). شبکه جام‌جم از شبکه‌های برون‌مرزی صداوسیما است که در تاریخ ۲۶ آذرماه ۱۳۷۶ (۱۹۹۷ میلادی) تأسیس شد. جام‌جم فعالیت‌های خود را به زبان فارسی و با هدف اشاعه فرهنگ اسلامی- ایرانی، حفظ و گسترش ارتباط ایرانیان مقیم خارج از کشور، اطلاع‌رسانی و پاسخگویی به خواسته‌ها و نیاز بینندگان آغاز کرد. در ۱۹ بهمن ۱۳۷۸ کانال دو جام‌جم برای بینندگان مقیم آمریکا و کانادا و در ۸ خرداد ۱۳۸۱ کانال سه جام‌جم، با هدف تولید برنامه برای بینندگان منطقه آسیا و اقیانوسیه راه‌اندازی شد. این شبکه در راستای رسالت خود و با در نظر گرفتن سلايق تمامی اقشار جامعه اقدام به تولید و پخش محصولات رسانه‌ای می‌کند. عناوینی که در برنامه‌های این شبکه به آن پرداخته می‌شود، دربرگیرنده موضوعات اجتماعی، فرهنگی، ادبی، سیاسی، اقتصادی، برنامه‌های شاد و سرگرم‌کننده و فیلم و سریال است (وب‌سایت شبکه جهانی جام‌جم، بهمن ۱۳۹۹).

از میزان مهاجران ایرانی در خارج کشور آمار متفاوتی ارائه شده است. اما شاید بتوان به آماری که در سال ۱۴۰۰ در سالنامه آماری دانشگاه صنعتی شریف منتشر شده است، اشاره کرد. این سالنامه آماری هرچند دارای اطلاعات مناسبی در این حوزه است؛ اما نمی‌توان صرفاً آنها را مخاطبان شبکه جام‌جم دانست. شبکه جام‌جم دارای مخاطبان به مراتب بالاتری از این اطلاعات است. زیرا بخشی از ایرانیان مهاجر خروج خود را ثبت نکرده‌اند، آمار ثبتی صرفاً آمار مهاجرین هستند و شامل نسل‌های دوم و سوم و ... معمولاً نمی‌شود، در حالی که آنها دارای تابعیت کشور

دیگری هستند. اما به لحاظ اجدادی این افراد ایرانی هستند و معمولاً با زبان فارسی آشنایی دارند. از سوی دیگر در حوزه تمدنی ایران بزرگ کشورهایی مانند افغانستان، تاجیکستان و حتی هند، عراق، کویت، بحرین و ... قراردارند که اتباع آنها با زبان فارسی آشنایی داشته و مخاطبان بالقوه این شبکه هستند. «دبیرخانه شورای عالی امور ایرانیان خارج از کشور» وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۴۰۰، آماری از ایرانیان خارج از کشور منتشر کرده است. طبق این آمار، در کل ۴,۰۳۷,۲۵۸ ایرانی در خارج از کشور هستند. آمریکا بیشترین ایرانی مقیم را دارد (۱ میلیون و ۵۰۰ هزار نفر) و کانادا و انگلیس با اختلاف زیاد در رده دوم هستند (۴۰۰ هزار نفر). پس از آن امارات متحده عربی و پس از آن آلمان قرار دارد. این آمار به چهار حوزه «آمریکا»، «اروپا»، «عربی و آفریقا» و «آسیا و اقیانوسیه» تقسیم شده است. بیشتر ایرانیان خارج از کشور (۴۷ درصد: ۱۲ کشور در حوزه آمریکا هستند و سپس اروپا (۲۹ درصد: ۳۰ کشور)، عربی و آفریقا (۱۴ درصد: ۳۳ کشور) و آسیا و اقیانوسیه (۱۰ درصد: ۳۰ کشور). یعنی در مجموع آمار ۱۰۵ کشور در این گزارش منتشر شده است (صلواتی، ۱۴۰۱). شایان ذکر است بنا بر آمار اعلامی از سوی سازمان ثبت احوال کشور در سال ۱۴۰۲، حدود ۴ تا ۴/۵ میلیون نفر از ایرانیان، خارج از کشور زندگی می‌کنند (خبرگزاری ایرنا، ۱۴۰۲).

به نظر برخی از کارشناسان، تحولات سیاسی رخ داده همچون فتنه ۱۳۸۸ و آبان ۱۳۹۸ همراه با تحولات ساختاری شبکه در سال ۱۳۹۳ باعث شد تا میزان تعامل و مخاطبان شبکه دچار ریزش شود. از سوی دیگر ده‌ها شبکه فارسی‌زبان خارجی عمدتاً با محوریت خبررسانی و تحریک ایرانیان به فضا سازی سیاسی علیه نظام و در بطن آن فرهنگ ایرانی- اسلامی می‌پردازند. با توجه به فعالیت‌های چندجانبه رسانه‌های معاند و رقیب و ریزش مخاطبان شبکه جام جم، سؤال اصلی پژوهش این است که سناریوی مطلوب برای تحقق اهداف شبکه چیست؟ استراتژی‌های مناسب برای تحقق سناریوی مطلوب کدامند؟ بهترین استراتژی مبتنی بر سناریو برای شبکه جهانی جام جم برای موفقیت در حفظ، افزایش و تعامل حداکثری شبکه با مخاطبان چیست؟

ردیف	عنوان	نویسنده/سال	روش تحقیق	مهمترین یافته ها و نتایج
۳	سناریوهای حضور و فعالیت صداوسیما مرکز چهارمحال و بختیاری در فضای مجازی در افق ۱۴۰۷	رضایان و بیاتی (۱۳۹۶)	مصاحبه و پنل‌های خبرگی	برای سنجش اثرات متقاطع پیشران‌ها و تعیین سناریوهای سازگار از نرم‌افزار سناریو ویزارد استفاده شده است. نتایج پنج سناریوی حاصل شامل راهبردهای رسانه‌ای برای تقویت نقش و جایگاه صداوسیما این مرکز نزد مخاطبان است.
۴	شناسایی پیشران‌های مؤثر بر آینده خبرگزاری‌ها در ایران	صلواتیان و مسعودی (۱۳۹۵)	دلفی	چهار پیشران شناسایی شده است: پیشران‌های فناوری (همگرایی رسانه، قالب‌های جدید محتوا، افزایش سرعت تولید اخبار، هوشمندشدن شیوه کسب اطلاعات، گسترش پهنای باند و نسل جدید وب)، پیشران‌های سیاسی- حقوقی (وابستگی مالی به جریان‌های سیاسی، مالکیت معنوی اخبار و تولیدات رسانه‌ای و شکسته شدن انحصار رسانه‌ای)، پیشران‌های اجتماعی- فرهنگی (گسترش سواد رسانه‌ای، جهانی‌شدن، تغییر نسلی، تغییر مفهوم حریم خصوصی، قسمت‌بندی توجه مخاطبان، حرکت به سمت موضوعات منطقه‌ای و محلی، تشت افکار، گسیختگی اجتماعی و شهروند رسانه)، و پیشران‌های اقتصادی (سرعت و چابکی در مقابل تولیدات رسمی، تغییر ماهیت و ثروت از حقیقی به مجازی، برنامه‌ریزی بر اساس اقتصاد توجه و شکسته شدن انحصار رسانه).

ردیف	عنوان	نویسنده/سال	روش تحقیق	مهمترین یافته ها و نتایج
۵	آینده‌نگاری توسعه زیرساخت‌های فناوری اطلاعات و ارتباطات کشور در فضای مجازی با تأکید بر روش سناریو	عمرانی و همکاران (۱۳۹۴)	سوات (شناسائی قوت‌ها، ضعف‌ها، فرصت‌ها و تهدیدها)	کشور از لحاظ عوامل داخلی، نه دارای قوت زیاد و نه ضعف مفرط است؛ بنابراین امکان فعالیت و کار در آن زیاد است و ظرفیت بهبودی زیادی دارد.
۶	پیش‌بینی سناریوهای موجود صنعت رسانه در سال ۲۰۲۰	صلواتیان و مسعودی (۱۳۹۲)	کتابخانه‌ای	چهار سناریو برای صنعت رسانه در سال ۲۰۲۰ پیشنهاد شده است: عصر تاریکی‌ها، بقای اصلح، عصر طلایی و سرزمین عجایب
۷	طراحی فضای سناریوی ترویج و آموزش فرهنگ مهدویت از طریق رسانه ملی	موسویان (۱۳۹۰)	مصاحبه و پنل خبرگی؛ استفاده از نرم‌افزار میک‌مک	با توجه به ارتباط معنادار فرهنگ مهدوی و رسانه، دو عدم قطعیت با فضای دوبعدی شکل گرفته و با اضافه کردن عامل صداسیما به عنوان عامل حیاتی سناریو از دو بعد به سه بعد تغییر یافته است.
۸	شناسایی عوامل کلیدی مؤثر در مقیاس ملی و جهانی، زمینه تهیه سناریوهای ممکن و محتمل در سال‌های آینده سازمان صداسیما تا افق ۱۴۰۴	بلالی و همکاران (۱۳۹۱)	دلفی	نتایج حاصل شامل ۴۷ عامل است. تحلیل داده‌ها نشان می‌دهد که شش عامل به‌عنوان رویدادهای کلیدی و پیشران بیشترین تأثیر را بر آینده سازمان دارند، براساس این عوامل، هجده سناریو پیشنهاد و شرایط آینده این سازمان بسیار بزرگ و پیچیده، شبیه‌سازی و مدل‌سازی شده است.

هیچکدام از پژوهش‌های قبلی متکی بر منظر و روشی که در این مقاله برای آینده‌پژوهی شبکه جام‌جم به کار رفته، نیستند. تدوین استراتژی بر اساس رویکرد «برنامه‌ریزی مبتنی بر سناریو» یکی از نوآوری‌های این پژوهش بوده و بر تعارض بین دو مکتب استراتژی مبتنی بر فرایند و برنامه‌ریزی

غلبه دارد. این رویکرد بر نقاط قوت برنامه‌ریزی سناریو به روشی سنتی تکیه دارد؛ یعنی رویکردی باز و خلاقانه که گزینه‌های استراتژیک مختلف را مدنظر قرار می‌دهد و چشم‌اندازهای مختلفی را در بر دارد. این رویکرد بر نقاط ضعف سناریوی سنتی غالب بوده و فرایندی سیستماتیک (نظام‌مند) برای طراحی و تدوین سناریو ارائه می‌کند که بر اساس ابزارهای خاص مدیریتی اعمال آن ساده است. نتیجه چنین رویکردی مبتنی بر راهبردی اصلی بوده که توسط چندین راهبرد دیگر تکمیل می‌شود؛ این راهبردها خود برگرفته از سناریوهای مختلف هستند.

آینده‌پژوهی^۱

مطالعه آینده، مطالعه هر نوع تغییر نظام‌مند است و فقط از جنس اقتصادی، تحلیل جامعه‌شناختی یا پیش‌بینی فناوریانه نیست، بلکه بررسی میان‌رشته‌ای تغییر در عرصه‌های مختلف است. تاریخ‌نگاران درباره آنچه در «گذشته» روی داده است به ما می‌گویند و روزنامه‌نگاران، درباره آنچه در «حال» روی می‌دهد. آینده‌پژوهان نیز درباره آنچه ممکن است در «آینده» روی دهد، به ما می‌گویند و به ما کمک می‌کنند تا درباره آنچه دوست داریم روی دهد، بیندیشیم. آینده‌پژوهان نمی‌دانند چه اتفاقی خواهد افتاد؛ آنان ادعای پیامبری ندارند، ولی مدعی‌اند که درباره گستره‌ای از آینده‌های ممکن و مطلوب و چگونگی شکل گرفتن این آینده‌ها، بیشتر از ما می‌دانند. روش‌های آینده‌پژوهی توصیف‌های تمام، درست یا کاملی از آینده ارائه نمی‌دهند، ولی می‌کوشند تا: (۱) نشان دهند که چه چیزی ممکن است اتفاق افتد؛ (۲) گزینه‌های سیاستی را توضیح دهند؛ (۳) راهبردها و اقدامات بدیل را شناسایی و ارزیابی کنند. از این رهگذر دست‌کم تا حدودی از تله‌ها دور می‌شویم و فرصت‌های آینده را می‌رباییم.

آینده‌پژوهان برای مطالعه آینده، رسانه‌ها را با دقت می‌کاوند تا تمام چیزهای جدیدی را که می‌توانند بر تغییر بنیادی یا نظام‌مند دلالت کند، کنار هم بچینند. در ضمن، افراد کلیدی را که منابع معتبر اطلاعات در زمینه تغییر در حوزه‌های خاص به‌شمار می‌آیند و خودشان تغییرآفرین هستند و معمولاً با بینش‌ها و ایده‌های جدید وارد فرآیند تغییر می‌شوند، ردیابی می‌کنند. همچنین آینده‌پژوهان روش‌هایی را به کار می‌برند تا اعتبار روندهای جاری و شاید از آن مهم‌تر، پیشرفت‌های آینده را که قادر به منحرف ساختن روندهای جاری هستند، کشف کنند (گلن و گوردون، ۱۳۹۳: ۳۵-۳۲).



سناریوهای اکتشافی و هنجاری

سناریوهای اکتشافی^۱ با توصیف روندها و رویدادها، نحوه تأثیر آنها را بر آینده بر اساس فرضیات بدیل مورد بحث و بررسی قرار می‌دهند (گلن و گوردون، ۱۳۹۰: ۴۲ و ۱۷-۱۵). در این رویکرد زمان حال، نقطه آغازین بررسی آینده است و با طرح پرسش کلیدی «چه می‌شود اگر» بررسی ادامه پیدا می‌کند (سازمان توسعه صنعتی ملل متحد، ۱۳۹۲: ۱۶۱). در سناریوهای «اکتشافی» آنگاه که پیش‌بینی قطعی آینده از اهمیت خاصی برخوردار باشد، شاخص‌هایی به‌عنوان نشانگر در نظر گرفته می‌شود که در آینده، احتمال نزدیک شدن به هر یک از سناریوها را نشان دهد (چرماک، ۱۳۹۳: ۵۳ و ۶۴-۶۲ و ۱۸۵ و ۲۱۹).

سناریوهای هنجاری^۲ توضیح می‌دهند که آینده مطلوب چگونه از وضعیت کنونی پدید می‌آید (گلن و گوردون، ۱۳۹۰: ۴۲ و ۱۷-۱۵). هنگامی که رویکردهای هنجاری را به‌کار می‌بریم، بررسی خود را از نقطه زمانی در آینده آغاز می‌کنیم و پرسش‌هایی را با عبارت «چگونه» می‌سازیم. هر دو رویکرد را می‌توان در تحلیل سناریو به‌کار برد (سازمان توسعه صنعتی ملل متحد، ۱۳۹۲: ۱۶۱). در سناریوهای «هنجاری» یعنی در مواقعی که تصمیم‌گیری و انتخاب راهبرد مد نظر باشد، تأثیر سناریوها بر مدیریت راهبردی سازمان بررسی خواهد شد و سیاست‌ها یا توصیه‌هایی که می‌تواند مبنای تفکر راهبردی در کسب و کار قرار گیرد، ارائه می‌شود (خوش‌دهان، ۱۳۸۸: ۱۵).

میسون سه هدف عمده برای استفاده از سناریونویسی در سازمان‌ها قائل است. این سه هدف شامل موارد زیر می‌شود:

۱- تدوین استراتژی‌های جهت دهنده؛

۲- برنامه‌ریزی اقتضایی؛

۳- یادگیری و تشکیل تیم‌های کاری.

کاترین فولتون نیز که از اعضای اصلی سناریونویسی در شبکه جهانی کسب و کار است، یکی از اهداف این نوع پروژه‌ها را تدوین یک جهت استراتژیک در سازمان می‌داند (لیندگرن و بندهلد^۳، ۲۰۰۹: ۴۵).

آینده‌پژوهی، نگاه تک‌خطی به برنامه‌ریزی استراتژیک را به‌نگاه چند خطی تغییر داده است. به‌طور خلاصه در برنامه‌ریزی استراتژیک ابتدا چشم‌انداز و مأموریت سازمان مشخص می‌شود؛

1. Explorative Scenarios
2. Normative Scenarios
3. Lindgren & Bandhold

سپس اهداف کلان، اهداف میان‌مدت و اهداف کوتاه‌مدت مشخص می‌شوند و در نهایت اهداف کوتاه‌مدت به اهداف و برنامه‌های عملیاتی ترجمه می‌شوند. اما در آینده‌پژوهی، ابتدا یک تصمیم حیاتی در سازمان مشخص می‌شود، سپس متغیرهای اساسی تأثیرگذار کشف می‌شوند، سپس امکان تغییر این متغیرها در آینده بررسی و پیش‌بینی می‌شود، سپس از هم‌برکنش متغیرهای محوری، سناریوهایی استخراج می‌شود؛ بعد برای هر سناریو، راهبرد یا راهبردهایی تدوین می‌گردد؛ و در نهایت با استفاده از علائم راهنما، زمان به‌کارگیری راهبردهای خاص هر سناریو معلوم خواهد شد (ناصحی، ۱۳۹۴).

در واقع تفکر استراتژیک یعنی شناسایی پارادایم‌ها و شرایط محتمل آینده و برنامه‌ریزی مناسب جهت رویارویی با آنها. سناریونویسی مدیران را وادار می‌کند تا با ملاحظه آنچه باید بشود، نه آنچه هست، فرایند برنامه‌ریزی را آغاز کنند. آنان الگوهای متفاوت کسب‌وکار آینده را جست‌وجو کرده و به‌تصویر می‌کشند، نه برون‌یابی رفتار گذشته را. برنامه‌ریزی سناریو نوعی از برنامه‌ریزی استراتژیک کارآمد است که در شرایط عدم اطمینان به‌عنوان ابزاری برای برنامه‌ریزی، کمک می‌کند تا استراتژی‌ها شکل گیرند، برنامه‌های دور از تصور ترسیم کنیم و چشم‌انداز را در مسیر درست و در ارتباط با مسائل ترسیم کنیم (لیندگرن و بندهلد، ۲۰۰۹: ۴۵). هرمان کان، پدر برنامه‌ریزی مبتنی بر سناریو، سناریو را اینگونه تعریف می‌کند: «توصیف مجموعه‌ای از رویدادهای فرضی در آینده با هدف روشن ساختن زنجیره احتمالی رویدادهایی که به فرد امکان می‌دهد تا از موقعیت فعلی و واقعی به سمت موقعیتی در آینده حرکت کند». از نگاه او سناریو آینده را پیش‌بینی نمی‌کند بلکه با هدف گسترش دامنه تفکر افراد دست‌اندرکار در فرایند سناریونویسی، به کاوش موقعیت‌های احتمالی در آینده می‌پردازد (گودت، ۲۰۰۸: ۵۴). در واقع سناریوها متفاوت از پیش‌بینی‌ها هستند چون در سناریوها دامنه‌ای از نتایج احتمالی ناشی از عدم قطعیت بررسی می‌شود، در حالی که هدف پیش‌بینی شناسایی محتمل‌ترین راه‌ها و برآورد عدم قطعیت‌ها است (پلیکان، ۲۰۰۸: ۷۹). لذا باید در نظر داشت که برنامه‌ریزی مبتنی بر سناریو به‌دنبال پیش‌بینی محتمل‌ترین آینده نیست، بلکه ایجاد مجموعه‌ای از آینده‌های احتمالی است.

فنون برنامه‌ریزی مبتنی بر سناریو اغلب توسط مدیران برای بیان مدل‌های ذهنی درباره آینده با هدف تصمیم‌گیری‌های بهتر استفاده می‌شود. در حالت کلی سناریوها را می‌توان برای هر نوع چارچوب زمانی طراحی کرد، اما عموماً قابلیت این روش در بازه‌های طولانی‌مدت بیشتر



است (مارتلی، ۲۰۰۱: ۹۳). در واقع استفاده از سناریو به ما کمک می‌کند تا دوراندیشی‌های استراتژیک قابلیت سازگاری هرچه سریعتر با تغییرات را بیشتر می‌کند.

روش پژوهش

با توجه به حساسیت موضوع مورد مطالعه و ضرورت بررسی عمیق و همه‌جانبه آن و با در نظر گرفتن این نکته که عناصر حیاتی نظریه جامعه‌شناختی اغلب با استفاده از روش کیفی بهتر از هر روش دیگری کشف می‌شوند، در مطالعه حاضر از روش مصاحبه عمیق استفاده شد. جامعه تحقیق پژوهش شامل مدیران، کارشناسان و اساتید آشنا با فعالیت شبکه جهانی جام جم بوده‌اند. معیار قضاوت در این زمینه که نمونه‌گیری نظری چه زمانی به پایان می‌رسد، «اشباع نظری» یافته‌ها است. در این حالت، داده‌ها (نمونه‌های) اضافی، کمکی به تکمیل و مشخص کردن یک مقوله نظری نمی‌کنند و نمونه‌ها از آن پس، مشابه به نظر می‌رسند. به طور کلی روال بر این است که مقولات محوری پژوهش که بیشترین قدرت تبیینی را دارند، تا حد ممکن اشباع (کفایت) شوند. پس از انتخاب نمونه اول، براساس تحلیلی که از آن نمونه به عمل می‌آید و طبعاً نظریه‌ای که به تدریج به دست می‌آید، نمونه‌های بعدی انتخاب می‌شوند. از این رو در پژوهش حاضر، ۲۵ نفر از افراد صاحب نظر به صورت هدفمند برای مصاحبه عمیق انتخاب شده‌اند. در این جامعه تحقیق سعی بر این بوده است که مصاحبه با اشخاص مختلفی مرتبط با موضوع صورت پذیرد تا پژوهش از ابعاد مختلف و متنوع بررسی شود.

اطلاعات جمعیت‌شناختی خبرگان تحقیق (مصاحبه‌شوندگان) در جدول زیر ارائه شده است.

جدول . خبرگان منتخب و تعداد آنها برحسب سطح تحصیلات و سمت

ردیف	تحصیلات	تعداد
۱	دکتری	۱۰
۲	کارشناسی ارشد	۱۵
	جمع	۲۵
ردیف	سمت	تعداد
۱	مدیر	۸
۲	کارشناس	۱۴
۳	استاد دانشگاه	۳
	جمع	۲۵

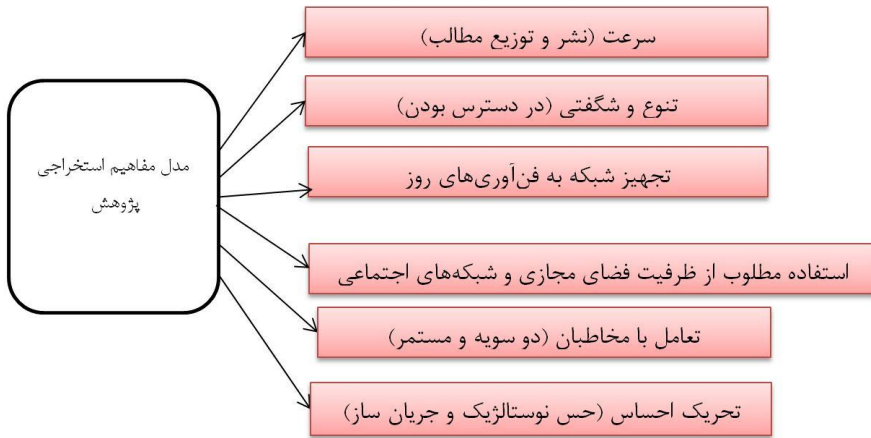


یافته‌های پژوهش

طبق یافته‌های پژوهش، مفاهیم کلیدی زیر از مصاحبه‌ها احصاء شده است:

جدول ۳. ماتریس خروجی مفاهیم (حد اشباع بالاتر از ۱۸ از ۲۵)

ردیف	مفاهیم	جزئیات	ضرورت	فراوانی از کل
۱	سرعت	در دسترس قرار دادن سریع در انتشار مطالب، آگاهی بخشی، پاسخگویی به‌نیاز آنی	منبع بودن و به‌دست آوردن اعتبار	۲۴
۲	تنوع و گستردگی	گسترده‌گی مطالب، شگفتی و جذابیت، فراگیر بودن، جامعیت مطالب و عدم نقص	قابل رؤیت در هر زمان و مکان	۲۴
۳	فن آوری روز	دیجیتالی شدن فعالیت، تجهیز زیرساخت‌ها و در دسترس بودن شبکه جام‌جم در هر نقطه و مکان	تجهیزات و امکانات به‌روز، اینترنت و تمامی بسترهای انتشار	۲۳
۴	فضای مجازی	استفاده از همه فضاها و بسترهای داخلی و خارجی، قابل دسترس بودن در هر نوع دستگاه، حجم بالای مطالب منتشرشده از طریق همه ظرفیت‌های جام‌جم ضروری است.	پیام‌رسان‌ها و شبکه‌های اجتماعی واتساپ، تلگرام، اینستاگرام، آپارات، یوتیوب، فیسبوک، توئیتر و...	۲۱
۵	تعامل	لزوماً تعامل، صرفاً شامل برنامه و شبکه نیست، تیریک اعیاد و مناسبت‌های فرهنگی تاریخی و دینی از طریق بستر شبکه‌های اجتماعی و فضای مجازی، ایمیل، پیامک و... نیز برای تقویت تعامل با مخاطبان و کاربران لازم است.	به‌جز رسانه، استفاده از شیوه‌های سنتی در تعامل همچنان در دستور کار باشد.	۲۰
۶	تحریک احساسات	ایجاد احساس تاریخی، هویتی، فرهنگی و دینی اطلاع‌رسانی مراسمات داخلی و اجتماعات با اعلام مکان و توصیف‌های زمانی اتفاقات داخل کشور از طرق مختلف	حس نوستالژیک را به هر طریق ممکن تحریک کنیم.	۱۹



شکل ۱. تأثیرگذاری عوامل در سناریوهای ویژگی‌های شبکه جهانی جام جم برای مخاطبان

نتایج بر اساس سناریوها

۱. سناریوی اول: هوشمندسازی رسانه

توسعه سریع و گسترده حسگرهای هوشمند، ابزارهای پوشیدنی، فناوری‌های هوش مصنوعی، امکانات انتقال برای حجم بالایی از داده‌ها، تقویت توان پردازشی، ورود دانش و اطلاعات به‌هنگام در تصمیم‌گیری، موجب ایجاد فضای کاری هوشمند و معرفی پدیده‌ای تحت عنوان سناریو هوشمندسازی رسانه خواهد شد. این پدیده، چارچوبی برای یکپارچه‌سازی و توسعه فناوری‌های درون و بیرون سازمان است. مفاهیم این نوع رسانه در کنار مفاهیم خاص صنعت رسانه، می‌تواند موجب افزایش بهره‌وری، کارایی و رضایت ذینفعان شود. صنعت رسانه، صنعتی خدمت‌محور است که بنا به ذائقه مخاطبان و تمایلی که در بهره‌مندی از امکانات نوین دارند، به‌شدت تحت تأثیر جریان‌های فناوری قرار داشته و جهت کسب و به‌کارگیری آن تلاش می‌کند. فناوری‌های دیجیتال از بسیاری جهات، از جمله از طریق وسیله‌های جدید ارتباط و همکاری و محصولات جدید که ابزارهای قوی دارند؛ نقش داده‌ها به‌عنوان محرک رشد اقتصادی؛ اتوماسیون وظایف با هوش مصنوعی^۱ و ظهور مدل‌های جدید تجاری مانند سیستم عامل‌ها،

1. AI

جوامع و اقتصادها را تحت تأثیر قرار می‌دهد. بنابراین استفاده از فناوری در زندگی روزمره از قبیل دیجیتال‌سازی ضرورت دارد. دیجیتال‌سازی اساساً روشی را که ما با هم زندگی می‌کنیم و کار می‌کنیم تغییر می‌دهد که این امر ضمن تأثیرات عمیق بر مشاغل در همه بخش‌های رسانه‌ای - از جمله تولید محتوا و سیگنال - تطبیق شرایط روزمره مخاطب با فناوری‌های رسانه‌ای جدید از طریق تأثیر بر بهره‌وری، اشتغال، مهارت، توزیع درآمد، تجارت و محیط‌زیست و به‌طور کلی بر رفاه و انسجام جامعه نیز تأثیر دارد که از نتایج تحقق این سناریو است. عوامل کلیدی این سناریو عبارت‌اند از:

شناخت زود هنگام/دیر هنگام فناوری و فوریت نیاز سازمان به فناوری‌های خاص؛
 تطبیق فناوری‌ها با زیرساخت‌های بومی و سازگار با دستگاه‌های گیرنده کشور؛
 افزایش ضریب نفوذ با گسترش پهنای باند و اینترنت پرسرعت؛
 مخابرات نسل آینده؛
 افزایش همگرایی صنایع IT و صوت و تصویر فراگیر؛
 سهولت دسترسی به فناوری در هر مکان و زمان برای (تماشا) دیدن یا شنیدن محتوا؛
 ترویج و به‌کارگیری فناوری‌های فشرده‌سازی و استاندارد؛
 مقرون به‌صرفه بودن خرید و هزینه‌های توسعه فناوری مشروط به غالب بودن آن در دنیا؛
 سهولت دسترسی آسان‌تر به فضای مجازی با بستر سازی مناسب محتوا.

۲. سناریوی دوم: رسانه پاک

عوامل تأثیرگذار در ظهور و بروز این سناریو متفاوت است و در صورت تحقق با چالش‌های مهمی مواجه خواهیم بود که البته بعد پاک بودن رسانه از منظر تعهد و وفادار بودن به مخاطب با امکان نظر به اسناد بالادستی، نقطه قوت این سناریو تلقی می‌شود. برای رویارویی با چالش‌های نهادی ناشی از دیجیتال‌سازی، یک رویکرد «کل دولت» در مورد حاکمیت لازم است. با توجه به ماهیت قضایی پیام‌ها، تنظیم و به‌کارگیری فناوری‌های دیجیتال مستلزم افزایش گفتگو و انسجام بین دستگاه‌های دولتی است. نیاز به پاسخ‌های خاص سازمانی از قبیل ایجاد سکوه‌های موضوعی به‌صورت آفلاین و برخط، جمع‌کردن بازیگران کلیدی مرتبط، و نقش برجسته‌تر رگولاتورها برای نظارت در به اشتراک گذاشتن تخصص و شیوه‌های خوب در زمینه‌های سیاست‌گذاری لازم است.



با توجه به سطح تخصص فنی درگیر، عدم قطعیت پیرامون تحولات دیجیتال و سرعت زیاد تحول دیجیتال، دولت‌ها بیش از هر زمان دیگری به فعالیت جدی طیف گسترده و متنوع از ذینفعان، آینده‌نگاری برای پیش‌بینی فناوری، رصد و توسعه آنها و اسکن افق و همچنین سرمایه‌گذاری در پیش‌بینی ارزیابی اثرات استفاده از فناوری نیاز دارند و با توجه به تأثیرات گسترده مرزی و فرامرزی و اقتصاد دیجیتال، راه‌حل‌های محدود به حوزه داخلی دیگر کفایت نخواهد کرد و لازم است از حقوق مصرف‌کننده به‌طور مؤثری محافظت و ترویج قابلیت همکاری در چارچوب‌های نظارتی و در عین حال ایجاد یک محیط مطلوب برای رونق اقتصاد دیجیتال انجام شود.

دولت‌ها همچنین لازم است تمهیدات لازم برای مقابله با تهدیدات سایبری و مضرات سایبر را در کنار هم اتخاذ نموده و برای پرداختن به چالش‌های دیجیتال‌سازی، عوامل اقتصاد سیاسی را در نظر گرفته و همچنین از طیف گسترده‌ای از رویکردهای ممکن (یک‌جانبه، دوجانبه و بین‌المللی) استفاده بهینه کنند. عوامل کلیدی این سناریو عبارت‌اند از:

تدوین شیوه‌نامه و اصول اخلاقی فناوری‌ها برای جلوگیری از بروز ناهنجاری‌ها؛
حفظ فرهنگ و تمدن ایرانی- اسلامی با انطباق سرویس‌ها و فناوری‌های آینده با سیاست‌های فرهنگی نظام؛

عدم به‌کارگیری افراد و تیم‌های خبره و هنرمند در تولید محتوای فاخر و قوی؛
درایت لازم در اجتهادات دینی در مواجهه با فناوری‌های جدید و پرهیز از تکرار اشتباهاتی نظیر حرام کردن پلتفرم‌های جدید موبایل مانند 3G؛
ناتوانی در ترکیب بروبند و برودکست در سیستم فعلی^۱.

۳. سناریوی سوم: عبور از رسانه منفعل و خط قرمزها

این سناریو برای ایجاد تغییر در نحوه تفکر، یادگیری و بهره‌برداری از داده‌های حاصل از تراکنش‌ها و تعاملات رسانه مهم است و تعیین ذینفعان دارای دسترسی به اطلاعات و دانش حاصل از فراداده نیز اهمیت ویژه دارد. اما دستیابی به یک آرای عمومی در خصوص سیاست‌گذاری‌های رسانه‌ای مستلزم ارائه راهنمای جامع، نیازمند همکاری تولیدکنندگان و شرکت‌های رسانه‌ای در قالب یک کنسرسیوم مشخص برای رسانه خواهد بود که دور از انتظار است. همچنین مغایرت بین فراداده با پروتکل‌های AI و مدیریت محتوا یکی از چالش‌های

1. HBBTV

مطرح در این سناریو است. از دلایل بروز مشکل و مغایرت را می‌توان فرض نمودن ارزش فراداده دانست که این فرضیه بدون در نظر داشتن پایگاه داده‌ای است که فراداده بر اساس آن استخراج شده است. روال استانداردسازی منتخب، باید کمترین تضاد و تناقض را در میان صنایع مختلف ایجاد کند. گزینه مطرح برای حفظ تغییرات محتوا، بهره‌برداری از XML و Rest APIs است که به‌عنوان گزینه‌های محبوب در تغییر داده مطرح شده‌اند و ظهور و بروز نخواهد یافت. به هرحال رویکرد این سناریو بسیار چالش‌برانگیز بوده و شکل زندگی مخاطب نیز متأثر از پدیده‌های نابهنجار توأم با ظهور بحران‌های شدید برای جدایی و انفعال مخاطب در مواجهه با رسانه دور از انتظار نیست. مهم‌ترین عوامل کلیدی تأثیرگذار در این سناریو عبارت‌اند از:

ناتوانی در فرهنگ‌سازی لازم برای پذیرش و استقبال از فناوری‌های جدید؛
چالش کمبود نیروی انسانی متخصص با مهارت‌های لازم و فقدان توان مدیریتی در رعایت شایسته‌سالاری؛

ظهور و بروز بحران‌های زیست‌محیطی از قبیل بیماری‌های اپیدمیک (کرونا)، جنگ آب، قطعی برق و ...؛
کاهش خدمات رگولاتوری در اثر فقدان نظارت محتوا بین مخاطبان و عدم کنترل فناوری در آینده.

۴. سناریوی چهارم: برانگیختگی نوستالژیک

ایجاد حس نوستالژیک، موضوعی چندگانه است که در آن می‌توان با تولید برنامه‌های تلویزیونی ضمن یادآوری روزها و اتفاقات مرتبط با تاریخ و هویت کشور از طریق پیام‌های غیرمستقیم، ایرانیان و فارسی‌زبانان را در جریان وقایع مهم تاریخی و هویتی قرار داد و یا درخواست کرد خاطرات، اتفاقات، عکس، دلنوشته در زمینه هویتی را برای رسانه کنند. این اقدام، ضمن ایجاد پیوند با هویت سرزمینی، مخاطبان را با هویت فرهنگی پیوند زده و در مورد هر اتفاقی که برای آن شکل می‌گیرد، حساس خواهد کرد. نمونه بارز این مورد مواردی مانند تغییر نام خلیج فارس، مراسمی مثل نوروز یا چهارشنبه‌سوری و حتی مراسم مذهبی مانند عاشورا و تاسوعا و ... است. مهم‌ترین عوامل کلیدی تأثیرگذار در این سناریو عبارت‌اند از:

هویت ملی، هویت قومی، هویت دینی و هویت مدرن؛
غرور و افتخار ملی.



۵. سناریوی پنجم: رسانه متعامل

تعامل دوسویه و مستمر با مخاطبان، چه برنامه‌های شبکه به ذائقه مخاطبان پاسخ دهد و چه پاسخ ندهد رابطه و تعامل با مخاطبان باید بطور مستمر و مداوم انجام شود. بسیاری از اطلاعات و اخبار منتشر شده در رسانه‌ها بدون هیچ منبع و اطلاعات موثقی در بستر وب و شبکه‌های اجتماعی تولید انتشار و پخش می‌شوند و بسیاری از مخاطبان معمولاً از صحت یا سقم آنها مطلع نیستند و بعضاً آنها را قبول می‌کنند در حالی که ارتباط و تعامل با مخاطبان باعث می‌شود شرح واقعیت از طریق این امور به آنها منتقل شود چیزی که همراه با اطمینان و ارتباط دوسویه اتفاق می‌افتد شاید بتوان عمده‌ترین روش این ارتباط را حتی یک‌طرفه و تنها از طرف این امور شبکه جام جم انجام داد آن هم با رصد و پاسخ به مسائل و موضوعاتی که به صورت شایعه تهیه، انتشار و اطلاع رسانی می‌شود. با دادن پاسخ صحیح می‌توان نسبت به این موارد جلب اعتماد نموده و ایرانیان را از اهم مسائل و واقعیات آن آگاه نموده و اطلاع رسانی نمود. مهم‌ترین عوامل کلیدی تأثیرگذار در این سناریو عبارت‌اند از:

- ✓ ارتباط دو سویه
- ✓ تعامل کاربران با یکدیگر و با رسانه

نتیجه‌گیری

آینده‌پژوهی یکی از روش‌های مدرن مطالعه آینده است که از طریق آن می‌توان به شناخت فرصت‌ها و چالش‌های رسانه‌ها دست یافته و برای جلوگیری از بحران‌های پیش‌رو و ممانعت از غافلگیری در منظومه رسانه‌ای جهان استفاده کرد. فرایندی نظام‌مند تلقی می‌شود که در فضاهای پیچیده و دارای عدم قطعیت، رسانه‌ها را در برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری توانمندتر می‌سازد. از طرفی نگاه به آینده رسانه و سناریوپردازی، همواره از جمله مسائل پیش‌روی سازمان صداوسیما بوده و شناسایی عوامل تأثیرگذار بر آینده و هوشیاری عملکرد سازمان و محیط بیرونی آن، دانش مورد نیاز را درباره آینده احتمالی و مسیرهای دستیابی به آن فراهم خواهد آورد. این در حالی است که امروزه، بر تعداد عواملی که به‌طور مستقیم بر عملکرد سازمان و محیط بیرونی آن تأثیر می‌گذارند، افزوده می‌شود و به‌نظر می‌رسد روش‌های قدیمی چون مدیریت استراتژیک توان خود را در برخورد با شرایط جدید از دست داده‌اند.

ظهور آینده‌نگاری بر اثر تحولات ایجاد شده مبتنی بر سناریو و با رویکرد GBN به‌عنوان توصیف داستانی از آینده از جمله روش‌های آینده‌پژوهی بوده که کاربرد آن روندی افزایشی داشته است و ارائه الگویی جهت همترازی استراتژیک صنایع رسانه‌ای به‌ویژه صوت و تصویر فراگیر با کمک سایر ابزارهای متنوع الزامی است و با توجه به کارکردهای متنوع تلویزیون، رادیو و شبکه‌های اجتماعی؛ همچنین توجه بیشتر به متغیرهای مختلف تاثیرگذار در فضای رسانه‌ای آینده از قبیل پاسخگویی آنلاین به نیازها، فناوری‌های سیار، امنیت اطلاعات، فناوری فلش، کلان‌داده، هزینه‌های فناوری، نفوذ اینترنت و فناوری‌های سبز، ما را قادر خواهد ساخت ضمن شناسایی روندهای آینده فناوری معطوف به حوزه رسانه، جهت‌گیری‌ها و راهبردهای صداوسیما را به نحوی هدایت کنیم که پیشگامی و پیشتازی آن در عرصه جنگ رسانه‌ای، به‌عنوان عنصری اساسی در تعیین مطلوبیت‌های زندگی فردی و اجتماعی مخاطب به‌شمار آمده و در نهایت آینده مطلوب رسانه از حیث فناوری، با نگاه واقع‌بینانه و در شرایط عدم قطعیت دست یافتنی باشد.

بر اساس مسائل کلیدی و توصیفی که از فضای کلی سناریوها به‌دست آمده مقایسه و جمع‌بندی بین سناریوها انجام شده است. در سناریوی هوشمندسازی رسانه، سیاستی که صداوسیما در قبال رسانه‌های اجتماعی اتخاذ می‌کند یکی از مهم‌ترین عوامل تعیین‌کننده آینده در این سناریو است. جمع‌بندی در این خصوص حاکی از آن است که در حال حاضر شبکه جهانی جام‌جم در بین ایرانیان خارج از کشور رسانه غالب و برتر نیست؛ اما در افق پنج‌ساله که مورد توجه این پژوهش است این وضعیت باید تغییر کند. با توسعه اینترنت ماهواره‌ای، فراگیری ابزارهای دیجیتال در زندگی روزمره و فراگیر شدن تلویزیون‌های هوشمند، حفظ مخاطب برنامه‌های خطی تلویزیون سنتی بسیار دشوار خواهد بود. در آن شرایط که نهایتاً در افق زمانی پنج‌ساله محقق خواهد شد، سازمان صداوسیما دیگر برتری غیرقابل مقایسه و جایگاه غالب خود (که متعلق به برتری رسانه برودکست است) را به‌طور کامل از دست خواهد داد. این تغییر، یک روند جهانی است و درک تغییر پارادایمیک در صنعت رسانه مهم‌ترین دلیل برای حضور جدی در رسانه‌های جدید و شبکه‌های اجتماعی است. در حال حاضر بیش از سه میلیارد و هشتصد میلیون نفر در جهان در رسانه‌های اجتماعی مختلف فعال هستند و روند مصرف رسانه‌ای به‌نفع رسانه‌های جدید و شبکه‌های اجتماعی در حال تغییر است. استدلال اصلی مخالفان حضور در پلتفرم‌های جدید این است که اینستاگرام زمین دشمن است، در اختیار آنها است و الگوریتم آن را آنها طراحی کرده‌اند. مخالفان معتقدند که باید مانند چین روی پلتفرم‌های بومی سرمایه‌گذاری کنیم.



این در حالی است که شرایط کشور چین با کشور ما متفاوت است، چه از لحاظ فنی و زیرساختی و چه از لحاظ میزان سرمایه‌گذاری و همچنین وضعیت ساختار تصمیم‌گیری برای توسعه پلتفرم‌ها. در سناریوی رسانه پاک در مورد میزان اهمیت و نحوه مقابله و راهکارهای حل موانع مفصل بحث شده است؛ اما به هر حال مساله اصلی این است که سازمان صداوسیما زمان آن را ندارد که منتظر بماند تا موانع فرهنگی و مدیریتی حل شوند و سکویی بومی فراگیری ایجاد شود تا بعد روی آن فعالیت کند؛ به این دلیل روشن که سرعت تحولات زیاد است. در حال حاضر ده‌ها شبکه و برنامه رادیو و تلویزیونی در اینستاگرام صفحه دارند. اما هنوز سیاست‌نامه نحوه فعالیت واحدها و برنامه‌های سازمان در اینستاگرام، نهایی نشده است.

اگر حضور مبتنی بر برنامه داشته باشیم و صفحات رسمی سازمان از سوی افراد آشنا با بازاریابی رسانه‌های اجتماعی اداره شوند قطعاً تبلیغ، ارتباط گرفتن، جذب مخاطب بیشتر و بازاریابی محتواهای تولیدی شبکه جام‌جم انجام می‌شود. مدیریت محتوا و نحوه بازاریابی رسانه‌های اجتماعی یک تخصص است. چون در بستر است که محتوا خودش را نشان می‌دهد. سازمان صداوسیما ارتباط گسترده‌ای با بازیگران، هنرمندان و ورزشکاران دارد. یکی از انواع بازاریابی در رسانه‌های اجتماعی «اینفلوئنسر مارکتینگ»^۱ است. یعنی استفاده از افراد معروف و مطرح و به اصطلاح اینفلوئنسر برای تبلیغ و انتقال پیام. سازمان صداوسیما در زمینه تولید ویدئو و تصویر دارای مزیت است، بنابراین باید از این ظرفیت استفاده کند. جدی نگرفتن تخصص بازاریابی رسانه‌های اجتماعی شب تعداد اندک دنبال‌کننده‌ها شده است. این حضور جدی مستلزم تدوین سیاستی روشن است.

در سناریوی عبور از رسانه منفعل و خط قرمزها، شایان ذکر است سازمان‌های رسانه‌ای اساساً «میانهم‌محور هستند»؛ یعنی اهمیت محوری را بدنه سازمان دارند و نه مدیران عالی سازمان. عملکرد سازمان‌های رسانه‌ای تا حد زیادی به خلاقیت مدیران گروه‌های تولید، برنامه‌سازان تلویزیونی، ذوق تهیه‌کنندگان تلویزیون، سوژه‌شناسی و جامعیت پژوهشگران و خلاقیت و مهارت خبرنگاران و دبیران خبر و سردبیران وابسته است. در واقع این نیروهای تولیدی بدنه هستند که عملکرد سازمان را نشان می‌دهند و سازمان را به‌پیش می‌برند. لذا شیوه انتخاب مدیران میانی در سازمان‌های رسانه‌ای بسیار مهم‌تر از دیگر سازمان‌ها است. متأسفانه در حال حاضر انتخاب مدیران میانی مبتنی بر معیارهای حرفه‌ای و بر اساس صلاحیت‌های حرفه‌ای نیست و اغلب با

ملاحظات غیر تخصصی انجام می‌شود. این در حالی است که حرفه‌ای بودن و اهلیت داشتن به‌عنوان مهم‌ترین عامل موثر بر آینده شبکه جام‌جم باید در نظر گرفته شود.

رفتار و نحوه مواجهه سیاستمداران و مسئولان مهمترین عامل تأثیرگذار بر امکان ایفای نقش رسانه‌ها برای ارتقای اعتماد سیاسی است. در واقع مجموعه نظام سیاسی باید به این تفاهم جمعی برسد که رسانه‌ها می‌توانند با استقلال حرفه‌ای خود به اعتماد سیاسی کمک کنند و کمک به ارتقای اعتماد سیاسی الزامات رسانه‌ای دارد که سیاستمداران و مسئولان باید به آنها تن دهند. یکی از موارد این است که رسانه‌ها را تربیون و بلندگوی خود ندانند. متأسفانه مسئولان برای دیده‌شدن می‌خواهند به هر بهانه در گزارش‌های خبری دیده شوند و رسانه‌ها را مجبور می‌کنند که رویدادهایی که واقعاً ارزش خبری ندارند، به خبر تبدیل شوند. اینکه مسئولان به هر بهانه‌ای در خبر حضور داشته باشند، به کارکرد اعتمادآفرینی رسانه خبری لطمه می‌زند. این اخبار، جلوه‌های ابزاری دیدن رسانه‌ها هستند که هم به اعتماد سیاسی در جامعه ضربه می‌زنند و هم امکان تحقق کارکردهای مطلوب رسانه‌های خبری برای ارتقای اعتماد سیاسی را سلب می‌کنند. نگاه ابزاری و سیاسی به رسانه و وارد کردن آن به منازعات سیاسی و قائل نشدن استقلال حرفه‌ای برای رسانه باعث می‌شود مخاطب نه‌تنها به رسانه، بلکه به نظام سیاسی بی‌اعتماد شود. لازمه ارتقای اعتماد سیاسی که یکی از مهمترین مسائل نظام سیاسی ایران از جنبه‌های گوناگون می‌باشد، آن است که تفاهمی جمعی میان ارکان و اصحاب قدرت و سیاست شکل بگیرد که از جایگاه و رسالت رسانه صیانت و استقلال حرفه‌ای رسانه‌ها به رسمیت شناخته شود. آنچه اعتماد سیاسی را می‌سازد رابطه میان رسانه و سیاست است و این چیزی است که باید موضوع یک گفتگوی ملی باشد.

معمولاً توجه و تمرکز مدیران رسانه‌ها بر کادر تولیدی است. این در حالی است که توانمندی یک مجموعه رسانه‌ای در گرو توانمندی همه اجزاء سازمان اعم از واحدهای صف و ستاد است. سازمان‌های رسانه‌ای اساساً سازمان‌های میانه‌محور هستند و بدنه سازمان تعیین‌کننده میزان قدرت آن به‌شمار می‌رود. حرکت در مسیر تحقق سناریوی مطلوب مستلزم آن است که مجموعه کارکنان و خبرنگاران حرفه‌ای، خلاق و برخوردار از دانش و توانایی‌های به‌روز باشند. از این رو آموزش و برگزاری دوره‌های آموزشی و ارائه محتوای آموزشی متناسب با نیازهای روز برای کارکنان شبکه ضروری است.

پیشنهادهای کاربردی و رسانه‌ای

با توجه به مسائل کلیدی که در مجموعه سناریوها وجود دارد برای تحقق سناریوی مطلوب، پیشنهادهایی بر اساس سناریوها به صورت زیر جمع‌بندی شده‌اند:

۱. داشتن سیاست واقع‌بینانه در قبال رسانه‌های اجتماعی؛
 ۲. توجه بیشتر به کیفیت فنی و زیرساختی سرویس‌های ارائه شده به کاربران؛
 ۳. شناسایی دلایل فرهنگی اجتماعی: اعتماد و نحوه مواجهه مردم با برندهای بومی؛
 ۴. داشتن دلایل مدیریتی و نظام تصمیم‌گیری؛
- الف) دستورالعمل نحوه فعالیت کارکنان (اعم از خبرنگار، برنامه‌ساز و مجری و...) در رسانه‌های اجتماعی.
- ب) دستورالعمل نحوه حضور واحدها (شبکه‌ها و بخش‌های مختلف برون مرزی) و برنامه‌ها در رسانه‌های اجتماعی.
۵. توجه به حرفه‌ای‌گرایی در بدنه مدیریتی؛
 ۶. برنامه‌ریزی برای ارتقای اعتماد سیاسی؛
 ۷. توانمندسازی کارکنان (خبری و ستادی)؛
 ۸. تولید محتوا بر اساس مخاطب‌محوری؛
 ۹. تولید برنامه‌های شاد و مفرح با توجه به نیاز مخاطبان؛
 ۱۰. تشکیل سه کانال خانواده، کودک و نوجوان، ورزشی و سرگرمی؛
 ۱۱. ایجاد تفاوت بین خطوط قرمز شبکه جام‌جم با سایر شبکه‌ها؛
 ۱۲. تغییر گام‌به‌گام ساختار موجود؛
 ۱۳. افزایش حضور مخاطبان داخلی و خارجی (ایرانی‌های ساکن در کشورهای دیگر) در برنامه‌ها؛
 ۱۴. آموزش مخاطب‌شناسی به کلیه کارکنان و مدیران؛
 ۱۵. تفکیک برنامه‌سازان براساس ساختار برنامه‌ها؛



منابع و مآخذ

- امانپور، سعید و دیگران (۱۳۹۷). تحلیل وضعیت و تعیین استراتژی‌های مبتنی بر سناریو در تاب‌آوری شهری (مورد پژوهی؛ کلانشهر اهواز). *فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی شهری*، ۹ (۳۵)، زمستان. امیر، آرمان (۱۳۸۹). روش‌های تحقیق در آینده‌پژوهی. *گزارش پژوهش*. مرکز پژوهش و سنجش افکار صداوسیما.
- باهنر، ناصر و رامین چابکی (۱۳۹۳). تحلیل سواد رسانه‌ای براساس مدل EC؛ مورد مطالعه: سیاست‌های شورای عالی انقلاب فرهنگی. *فرهنگ ارتباطات*. شماره ۶۰ صص ۳۴-۷.
- البرزی، هادی و نصراله‌ای، اکبر (۱۳۹۷). تحلیل روندها و پیش‌بینی‌های مؤثر بر خبر صداوسیما در ۵ سال آینده. *پژوهش‌های ارتباطی*، ۲۵ (۲)، ۱۲۷-۱۰۳.
- بلالی، مجید، روشندل اربطانی، طاهر، ذوالفقارزاده، محمد مهدی (۱۳۹۱). بررسی وضعیت رقابت در سپهر رسانه‌های کشور، *فصلنامه راهبرد*، ۲۳ (۷۳)، ۴۱-۵.
- چرماک، توماس، جی. (۱۳۹۳). *برنامه‌ریزی بر پایه سناریو*. ترجمه فرامرز شاه‌محمدی و عباس صبوری. تهران: سازمان مدیریت صنعتی.
- حاجیان، ابراهیم (۱۳۹۱). *مبانی، اصول و روش‌های آینده‌پژوهی*. تهران: دانشگاه امام صادق. خبرگزاری ایرنا، ۱۴۰۲/۱۱/۹.
- خزایی، سعید و امیر محمودزاده (۱۳۹۲). *آینده‌پژوهی*. اصفهان: علم‌آفرین و پارس‌ضیاء.
- خوش‌دهان، علی (۱۳۸۸). *آینده‌پژوهی با تکنیک سناریوسازی*. تهران: مرکز آموزش و تحقیقات صنعتی ایران.
- دیوید، فرد ار (۱۳۹۹). *مدیریت استراتژیک*. ترجمه علی پارسایان. تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی رضایان، احد و بیاتی، لیلا. (۱۳۹۶). سناریوهای حضور و فعالیت صداوسیما در مرکز چهارمحال و بختیاری در فضای مجازی در افق ۱۴۰۷، *فصلنامه پژوهش‌های ارتباطی*، ۲۳ (۴)، ۳۹-۹.
- رضانی، مریم و دیگران (۱۳۹۶). تعیین استراتژی‌های مبتنی بر سناریو در سازمان زمین و مسکن شهر مشهد. *فصلنامه علمی پژوهشی اقتصاد و مدیریت شهری*، ۵ (۴).
- شریفی، سید مهدی، حاج‌محمدی، علی، انصاری، نفیسه (۱۳۹۸). *مدیریت منابع انسانی در صنایع خلاق*. تهران: سازمان مدیریت صنعتی.
- سازمان توسعه صنعتی ملل متحد (یونیدو)، (۱۳۹۲). گزارش (۷).
- شوارتز، پیتر (۱۳۸۶). *هنر دورنگری؛ برنامه‌ریزی برای آینده در نیایی با عدم قطعیت*. ترجمه عزیز علیزاده. تهران: مؤسسه آموزشی و تحقیقاتی صنایع دفاعی، مرکز آینده‌پژوهی علوم و فناوری دفاعی.



شونکر، بورکهارت، ولف، تورستن (۱۳۹۳). *برنامه‌ریزی استراتژیک مبتنی بر سناریو*. ترجمه محمدحسین بیرامی. تهران. دنیای اقتصاد

صلواتی، بهرام (۱۴۰۱). سالنامه مهاجرتی ایران، رصدخانه مهاجرت ایران، پژوهشکده سیاستگذاری دانشگاه صنعتی شریف.

صلواتیان، سیاوش و مسعودی، سارا (۱۳۹۲). پیش‌بینی سناریوهای موجود صنعت رسانه در سال ۲۰۲۰، همایش ملی آینده‌پژوهی.

صلواتیان، سیاوش، فرهنگ، علی‌اکبر، طیبی، جمال‌الدین. (۱۳۹۴). نیازهای رسانه‌ای آسیب‌دیدگان از بلایای طبیعی: مطالعه موردی آسیب‌دیدگان از زلزله آذربایجان. *فصلنامه انجمن ایرانی مطالعات فرهنگی و ارتباطات*، ۱۱ (۳۹)، ۱۷۳-۲۰۶.

طالبیان، حامد؛ مولایی، محمد مهدی (۱۳۹۴). کاربرد روش مالتی‌پول و تحلیل تناظر در آینده‌پژوهی و خط‌مشی‌گذاری. تهران: *کنفرانس بین‌المللی الگوهای مدیریت در عصر پیشرفت*.

علوی‌وفا، سعید. (۱۳۹۶). چالش‌ها و موضوعات راهبردی رسانه ملی در افق ۱۴۰۴، *فصلنامه پژوهش‌های ارتباطی*، ۲۴ (۸۹)، ۶۴-۳۱.

علی‌عسکری، عبدالعلی، صلواتیان، سیاوش، البرزی، هادی (۱۳۹۳). آینده‌پژوهی راهبردی صداوسیما جمهوری اسلامی ایران در فضای اینترنت، *فصلنامه پژوهش‌های ارتباطی*. ۲۱ (۷۷)، بهار، ۶۹-۹۶. عمرانی، مهدی و همکاران (۱۳۹۴). آینده‌نگاری توسعه زیرساخت‌های فناوری اطلاعات و ارتباطات، *فصلنامه چشم‌انداز مدیریت دولتی*، ۶ (۱)، ۱۴۷-۱۳۳.

کورینش، ادوارد (۱۳۸۸). *آینده‌پژوهی پیشرفته: نگاهی ژرف به اصول، مبانی و روش‌های آینده‌پژوهی*. ترجمه سیاوش ملکی‌فر و فرخنده ملکی‌فر. تهران: اندیشکده صنعت و فناوری (آصف).

گروه آینده‌اندیشی بنیاد توسعه فردا (۱۳۸۴). *روش‌های آینده‌نگاری تکنولوژی*. تهران: بنیاد توسعه فردا. گلن، ژروم سی. و تئودور جی. گوردون (۱۳۹۰). *سناریوها: توصیف‌های داستان‌گونه از آینده‌های بدیل*. ترجمه مرضیه کیقبادی. تهران: آینده‌پژوه.

موسویان، سید مرتضی (۱۳۹۰). طراحی فضای سناریوی ترویج و آموزش فرهنگ مهدویت از طریق رسانه ملی، *نشریه علمی قرآن و روان‌شناسی* (۱۸).

مولایی، محمد مهدی؛ طالبیان، حامد؛ مولایی، زینب (۱۳۹۴). ارائه چارچوب دسته‌بندی موضوعی برای دیده‌بانی ملی و پوش محیط کلان ایران. تهران: *اولین کنفرانس ملی علوم مدیریت نوین و برنامه‌ریزی پایدار ایران*.

ناصری، مصطفی (۱۳۹۴). تفاوت کلیدی آینده‌پژوهی با برنامه‌ریزی استراتژیک، nasehi.blog.ir، تاریخ بازبازی ۱۴۰۲/۰۷/۰۴.

نوریان، فرشاد، فلاح زاده، سجاد (۱۳۹۴). بازآفرینی بافت قدیم شهر آمل مبتنی بر استراتژی توسعه گردشگری و برنامه ریزی راهبردی سناریویی. نشریه هنرهای زیبا-معماری و شهرسازی، دوره ۲۰، شماره ۳، پاییز.

یزدانی، حمیدرضا، نوح پیشه، نیما (۱۳۹۵). برنامه ریزی استراتژیک مبتنی بر سناریو (مطالعه موردی: شرکت گروه اقتصاد سایین). *چهارمین کنفرانس بین‌المللی مدیریت استراتژیک*، ۱۶ و ۱۷ آذر ۹۵.

Godet, M., Durance, P. & Gerber, A (2008). Strategic Foresight La Prospective Use and Misuse of Scenario Building, LIPSOR Working Paper (10), Paris.

Lindgren, mats. Bandhold, Hans (2009). *Scenario planning. The link between future and strategy*. England: Publishedby Palgrave Macmilan.

Achtenhagen, L., Inwinkl, P., Björkorp, J., Källenius, R. (2018). More than two decades after the Cadbury Report: How far has Sweden, as role model for corporate-governance practices, come? *International Journal of Disclosure & Governance*, 15(4), 235-251

Puppis, M. (2019). A media policy for the digital future: Realizing the public interest and communication rights. Paper presented at the ECREA-CLP Workshop 2019

Nic Newman et al. (2019). Digital news report. *Reuters Institute for the Study of Journalism*. Available at:
<https://reutersinstitute.politics.ox.ac.uk/sites/default/files/2019->

Nielsen, Rasmus Kleis, Sambrook, Richard (2016). WHAT IS HAPPENING TO TELEVISION NEWS?. Digital news project. *Reuters institute*. Available at:
<https://reutersinstitute.politics.ox.ac.uk/sites/default/files/2017-0>

طراحی الگوی دیپلماسی فرهنگی ایران و ترکیه با تأکید بر صنایع فرهنگی (اصول و عوامل)*

مهدی منیری^۱، سیدرضا صالحی امیری^۲، ابوذر ابراهیمی ترکمان^۳

چکیده

ترکیه و ایران، همسایه‌های بسیار مهم یکدیگر محسوب می‌شوند. پژوهش حاضر برای ترسیم الگویی کاربردی از دیپلماسی فرهنگی بین ایران و ترکیه با برجسته کردن نقش صنایع فرهنگی از جمله رسانه‌ها انجام شده است. سؤال اصلی پژوهش این است که الگوی دیپلماسی فرهنگی ایران و ترکیه با تأکید بر صنایع فرهنگی مبتنی بر چه اصول و عواملی است؟ روش پژوهش، نظریه داده‌بنیاد بوده است. جامعه تحقیق متشکل از ۱۲ نفر از صاحب‌نظران بوده که به‌صورت نظری انتخاب شده‌اند. روش جمع‌آوری اطلاعات در بخش نظری شامل استفاده از منابع کتابخانه‌ای و اینترنتی و در بخش عملی استفاده از پرسشنامه محقق‌ساخته و مصاحبه نیمه‌ساختاریافته بوده است. پس از پیاده‌سازی مصاحبه‌ها، در فرآیند کدگذاری باز، محوری و گزینشی، مفاهیم و مقوله‌ها در ابعاد مرتبط دسته‌بندی شده است. بر اساس یافته‌های پژوهش، روابط دو کشور در شرایط علی متأثر از عواملی چون «سیاست‌های فرهنگی، جاذبه‌های فرهنگی و هنری متقابل، صنایع دستی و خلاق و تعاملات متقابل فرهنگی»، در شرایط زمینه‌ای متأثر از «اشتراکات و افتراقات فرهنگی دو کشور و کاربردهای صنایع فرهنگی»، در عوامل مداخله‌گر مربوط به ایران متأثر از عواملی مانند «مشکلات زیربنایی، اقتصادی، بین‌المللی، رسانه‌ای، مدیریت ناکارآمد و بی‌اعتنایی مسئولان» و در عوامل مداخله‌گر مربوط به ترکیه متأثر از عواملی مانند «مشکلات اقتصادی، فرهنگی و بین‌المللی»، در راهبردها «اتخاذ راهبردهای مدیریتی و کاربردی» و در مورد پیامدها شامل مقایسه «دستاوردهای سینمایی، دستاوردهای فرهنگی، رسانه‌ای، هنری و افتخارات» دو کشور بوده است.

کلیدواژه‌ها: دیپلماسی فرهنگی، صنایع فرهنگی و خلاق، ایران، ترکیه، رسانه.

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۲/۰۵

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۸/۱۸

* این مقاله مستخرج از رساله دکتری نویسنده اول با راهنمایی نویسنده دوم و مشاوره نویسنده سوم است.

۱. دانشجوی دکترای مدیریت امور فرهنگی، گروه مدیریت و برنامه‌ریزی فرهنگی، دانشکده مدیریت و اقتصاد،

دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران. Moniri8955@gmail.com

۲. دانشیار گروه مدیریت و برنامه‌ریزی فرهنگی، دانشکده مدیریت و اقتصاد، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و

تحقیقات، تهران، ایران (نویسنده مسئول). Dr.salehiamiri@gmail.com

۳. استادیار گروه حقوق خصوصی، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و

تحقیقات، تهران، ایران. Ab.ebrahimi245@gmail.com



مقدمه

تحولات دهه‌های اخیر در حوزه روابط بین‌الملل حاکی از اهمیت مقوله فرهنگ و رسانه در دستیابی به اهداف و بهبود روابط میان دولت‌ها و ملت‌هاست. به همین سبب کسب وجهه و اعتبار بین‌المللی و نفوذ در افکار عمومی و یا به تعبیری، دسترسی به قدرت نرم از جمله اهداف مهم و در عین حال تصریح نشده دیپلماسی کشورها در حوزه سیاست بین‌الملل است که این مهم به تناسب موقعیت، جایگاه، امکانات، فرصت‌ها و ظرفیت‌های فرهنگی هر کشور به شیوه‌ها و مکانیسم‌های مختلف دنبال می‌شود. بدیهی است که دولت‌ها می‌کوشند با مکانیسم اقناع فرهنگی به جای کاربرد زور، اذهان و افکار عمومی جهانیان را در راستای منافع و اهداف خود همسو نمایند (جوادی ارجمند، ۱۳۹۲: ۱۶۳). دیپلماسی فرهنگی ایران بعد از انقلاب اسلامی اهمیت مضاعفی پیدا نمود چرا که ج.ا. ایران در محاصره تحریم‌های مختلف از جانب کشورهایی که از منافعشان در خاک ایران محروم شده بودند، قرار گرفت. ایالات متحده آمریکا از جمله این کشورها بود و با توجه به اینکه از نظر اقتصادی و سیاسی یکی از تأثیرگذارترین قدرت‌های جهان محسوب می‌شد تحریم‌هایی که علیه ج.ا. ایران اعمال نمود شرایط سختی را برای نظام نوپای اسلامی رقم زد. بنابراین، دولتمردان ج.ا. ایران در راستای کاستن از فشار تحریم‌ها و برای تثبیت موقعیت منطقه‌ای، راهکارهایی از جمله دیپلماسی فرهنگی را مد نظر قرار دادند که بر عوامل فرهنگی، تمدنی و تاریخی اتکا می‌نماید. در همین راستا، تقویت و توسعه روابط متقابل فرهنگی به‌ویژه با کشورهای منطقه از جمله ترکیه در دستور کار قرار گرفت. ترکیه‌ای که واجد اشتراکات فراوان فرهنگی، تاریخی، دینی، ادبی و هنری با ایران بوده است. نکته مهم اینکه ترکیه پل ارتباطی ایران با غرب بوده و حسن همجواری می‌تواند منافع دو کشور را در دراز مدت تأمین کند. ترکیه همچنین در منطقه غرب آسیا یک متحد برای ایران محسوب می‌شود. در ارتباطات دو کشور نباید نقش مهم رسانه را نادیده گرفت. انعکاس و تبیین تعاملات سازنده فرهنگی، اقتصادی و سیاسی بین دو کشور در صداوسیما به ویژه رسانه‌های برون‌مرزی آن در پایداری روابط حسنه دو کشور نقش مهمی دارد. هدف این تحقیق ترسیم الگوی روابط فرهنگی ایران و ترکیه بر اساس داده‌های حاصل از اطلاعات مشارکت‌کنندگان در پژوهش و همچنین پاسخ به این پرسش است که چه اصول و عواملی در ترسیم الگوی دیپلماسی فرهنگی ایران و ترکیه در حوزه صنایع فرهنگی دخیل هستند؟

پیشینه تحقیق

تحقیقاتی که در زمینه موضوع دیپلماسی فرهنگی بین ایران و ترکیه انجام شده، حاکی از توجه نویسندگان به مسائل مختلف از جمله چالش‌ها، اهداف و ابزارهاست که هر کدام از دیدگاه خود به موضوع دیپلماسی فرهنگی پرداخته‌اند. در ادامه به برخی از این پژوهش‌ها اشاره می‌شود.

جدول ۱. پیشینه تحقیقات انجام شده درباره دیپلماسی فرهنگی ایران و ترکیه

عنوان پژوهش و یافته‌های اصلی	نویسندگان و تاریخ
پژوهش «دیپلماسی فرهنگی ایران به مثابه قدرت نرم» با طرح این سؤال که دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران با رویکرد قدرت نرم چگونه قابل تحلیل است به این پاسخ رسیده است که ترویج ارزش‌های انقلاب اسلامی از مسیر دیپلماسی فرهنگی یکی از اهداف اساسی انقلاب و زمینه قدرت نرم آن است. برای تبیین مسئله و پاسخ به این سؤال از نظریه قدرت نرم بهره‌گیری و عنوان شد که ارزش‌ها و فرهنگ انقلاب اسلامی با ویژگی‌های جهان شمولی همچون عدالت‌خواهی، آزادی‌خواهی، استقلال‌طلبی، استکبار و ظلم‌ستیزی، دفاع از مظلومان و مستضعفان، و... از طریق ابزارهای مختلف دیپلماسی فرهنگی مانند دیپلماسی رسانه‌ای، علمی، آموزشی، هنری، گردشگری، مذهبی و زبانی؛ و با استفاده از ظرفیت سازمان‌ها و نهادهای مختلف متولی امر فرهنگ؛ و بهره‌مندی از نیروی انسانی کارآمد؛ در صدد ایجاد نظم نوین می‌باشد.	رحمانی تیرکلایی ۱۴۰۲
پژوهش «چالش‌های دیپلماسی فرهنگی ایران و ترکیه در آسیای مرکزی» را با طرح این فرضیه انجام داده‌اند که امنیتی شدن دستور کارهای فرهنگی ایران برای ترکیه، زرمه نوعثمانی‌گری و هراس از تسلط منطقه‌ای ترکیه، چالش اساسی فراروی دیپلماسی فرهنگی ایران در آسیای مرکزی است. بر اساس نتایج این پژوهش، به نظر می‌رسد نتیجه دوره سی ساله کنشگری فرهنگی بین دو کشور ناکامی نسبی بوده است.	کولایی و باقری ۱۴۰۰
پژوهش «منابع، اهداف و ابزارهای دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران» را انجام داده‌اند. نتایج حاکی از این است که «فعالیت‌های علمی، آموزشی و فناورانه»، «جهانگردی و مهاجرت» و «فعالیت‌های فرهنگی و هنری» به‌عنوان مهمترین ابزارهای دیپلماسی فرهنگی کشور محسوب می‌شوند. همچنین به نظر می‌رسد ج.ا. ایران قابلیت‌های چشمگیری در خصوص استفاده از ظرفیت‌های دیپلماسی فرهنگی دارد که استفاده بهینه از آن‌ها می‌تواند به ارتقای مؤلفه‌های قدرت نرم در سیاست خارجی کشور کمک نماید.	رجبی و عساری ۱۴۰۰
پژوهش «نگاهی بر ابعاد و دستاوردهای دیپلماسی اقتصادی و فرهنگی در کشور ترکیه» را انجام داده است. نتایج حاکی از این است که ترکیه در دیپلماسی فرهنگی خود به این	مشفق ۱۴۰۰



عنوان پژوهش و یافته‌های اصلی	نویسندگان و تاریخ
عوامل توجه کرده است: «ایجاد تناسب در مدیریت دیپلماسی اقتصادی با استانداردهای جهانی، هماهنگی و انسجام بین نهادهای تصمیم‌گیر، استفاده از ظرفیت نیروهای متخصص بومی در شبکه تجاری، شفاف‌سازی دستگاه دیپلماسی در مذاکره با طرف‌های تجاری، ایجاد و تقویت شبکه تجاری (توزیع و پشتیبانی)، بازاریابی محصولات ایرانی، استفاده از مؤلفه‌های فرهنگی در سیاست خارجی و حضور مؤثرتر در نمایشگاه‌های بین‌المللی اکسپو و تقویت برندسازی ملی».	
پژوهش «مقایسه دیپلماسی فرهنگی ایران و ترکیه در آسیای مرکزی» را با هدف پاسخ به این سؤالات انجام داده‌اند که اولاً علل همگرایی و افزایش روابط ایران و ترکیه با جمهوری‌های آسیای مرکزی چیست؟ و ثانیاً چه عواملی بر میزان موفقیت دیپلماسی فرهنگی دو کشور در منطقه موثر بوده است؟ نتایج حاکی از این است که اولاً اشتراکات تاریخی، فرهنگی، مذهبی، زبانی و قومی میان جمهوری‌های آسیای مرکزی و دو کشور ایران و ترکیه علل همگرایی و افزایش روابط بوده و ثانیاً ترکیه نسبت به ایران در دیپلماسی فرهنگی و کسب اهداف خود مؤثرتر عمل کرده است.	بصیری، موسایی و ایزدی ۱۳۹۹
پژوهش «بررسی تطبیقی دیپلماسی فرهنگی ایران و ترکیه در آسیای مرکزی» را با چارچوب نظریه قدرت نرم و دیپلماسی فرهنگی انجام داده که یافته‌های پژوهش علیرغم همانندی‌ها و ناهمانندی‌های دیپلماسی فرهنگی ایران و ترکیه همچون نحوه استفاده از ابزارهای رسانه‌ای، آموزش زبان ملی، برپایی نمایشگاه‌های فرهنگی و تصویرسازی مثبت از وجهه ملی در کشورهای آسیای مرکزی، به عملکرد اثربخش دیپلماسی فرهنگی ایران در تاجیکستان و همچنین موفقیت نسبی ترکیه در قزاقستان اشاره دارد.	رنجکش ۱۳۹۷
پژوهش «ارائه استراتژی مناسب دیپلماسی فرهنگی ج. ا. ایران مبتنی بر مقایسه تطبیقی ایران و ترکیه» را انجام داده و به بررسی ویژگی‌های فرهنگی ایران و ترکیه بر اساس مطالعات گلوب و هافستد ^۲ ، بررسی وضعیت موجود و ارائه راهبرد مناسب دیپلماسی فرهنگی ایران پرداخته‌اند. یافته‌های تحقیق حاکی از آن است که در ماتریس ارزیابی عوامل خارجی، فرصت‌های سازمان از تهدیداتش بیشتر بوده و بهره‌گیری از این فرصت‌ها می‌تواند آینده بهتری را فراهم نماید.	منیری، صالحی‌امیری و چاوش‌باشی ۱۳۹۷
هدف نویسنده «آینده صنایع خلاق و نیروی کار» اول، ارائه مروری کوتاه بر سیر تحول تحقیقات صنایع خلاق به‌عنوان زیرشاخه جغرافیای اقتصاد، و دوم، تعیین دستور کار برای	بریجیز ^۳ ۲۰۲۴

1. The Global Leadership and Organizational Behavior Effectiveness
2. Hofstede Model
- 3 Taylor Brydges

عنوان پژوهش و یافته‌های اصلی	نویسندگان و تاریخ
<p>مطالعه صنایع خلاق و نیروی کار در آینده است. تعقیب هدف اول، با برجسته کردن مفاهیمی مانند اقتصاد خلاق، شهرهای خلاق و طبقه خلاق آغاز می‌شود. جغرافیدانان اقتصاد با رویکرد فمینیستی استدلال کرده‌اند که نابرابری عمیقی در صنایع خلاق نهفته است. آنان نشان داده‌اند که چگونه این صنایع بر اساس مفهوم‌سازی محدود خلاقیت تعریف می‌شوند. درواقع، بسیاری از تحقیقات اولیه در این زمینه، نابرابری‌های ریشه‌دار (در سراسر جنسیت، نژاد، طبقه و غیره) را در جغرافیای اقتصادی تقویت و بازتولید کرد.</p>	
<p>پژوهش «نقش قدرت نرم در روابط بین‌الملل» نشان می‌دهد که راهبردهای موفق قدرت نرم عناصر متنوعی مانند دیپلماسی فرهنگی، همکاری اقتصادی و ارتباطات دیجیتال را در بر گرفته و بر اهمیت روایت‌های تاریخی، انسجام سیاست داخلی و همسویی با تصاویر پیش‌بینی‌شده برای طرح قدرت نرم مؤثر تأکید می‌کند. این مطالعه به درک دقیقی از نحوه عملکرد قدرت نرم در چشم‌انداز پیچیده روابط بین‌الملل کمک کرده و با توضیح در مورد نقش قدرت نرم در روابط بین‌الملل با ارائه درک دقیقی از راهبردهای متنوعی که کشورها برای نفوذ پروژه در سطح جهانی به کار می‌برند، به پایان می‌رسد. این مطالعه با اصلاح چارچوب‌ها و برجسته کردن ماهیت مکمل قدرت نرم و سخت به درک نظری کمک می‌کند.</p>	<p>چارلز^۱، ۲۰۲۴</p>
<p>مقاله «گذشته و آینده دیپلماسی فرهنگی» به بررسی این موضوع می‌پردازد که دیپلماسی فرهنگی چگونه تکامل یافته، چه جغرافیایی و حوزه‌های موضوعی را در گذشته پوشش داده و آینده این رشته چیست. این مقاله گواه بر این است که تحقیقات به سرعت در حال پیشرفت است و زمینه‌های موضوعی جدیدی را برای کاوش یافته و همچنین جغرافیای فرهنگی و سیاسی گسترده تری را پوشش می‌دهد. یافته‌های تحقیق مسیرهای بیشتری را برای توسعه دیپلماسی فرهنگی به‌عنوان یک تحقیق دانشگاهی، با تمرکز بر مسیرهای دیپلماتیک مختلف، شیوه‌های عملیات، ساختارها، بازیگران، معانی و مفاهیم پیشنهاد می‌کند.</p>	<p>گرینچویوا^۲ ۲۰۲۳</p>
<p>پژوهش «روان‌شناسی تاریخی روابط همسایگی ترکیه و ایران» را انجام داده و معتقد است تعاملات فرادولتی بین کشورهای همسایه توسط «قوانین احساسی» متقابل و «تبادل عاطفی» جمعی مدیریت می‌شود. ماهیت محلی هنجارهای همسایگی بیانگر وضع رسمی، دیپلماتیک، غیررسمی و غیرقانونی قواعد رابطه در تعاملات دوجانبه و</p>	<p>آکیف کومرال^۳ ۲۰۲۰</p>

1 Sharon Charles

2 Natalia Grincheva

3. Mehmet Akif Kumral

عنوان پژوهش و یافته‌های اصلی	نویسندگان و تاریخ
منطقه‌ای است. هنجارهای بین‌المللی همسایگی همیشه در مفهوم جهانی قواعد عرفی و حقوقی نمی‌گنجد. نهایتاً نویسنده یک چارچوب ترکیبی (خرد/متن-کلان/متن) را برای تحلیل تحول روانی-اجتماعی شیوه‌های عاطفی-گفتمانی و ساختارهای عاطفی-زمینه-ای در سیاست بین‌المللی همسایگی پیشنهاد می‌کند.	
پژوهش «اقناع از طریق فرهنگ، ارزش‌ها و ایده‌ها: مورد مطالعه: دیپلماسی فرهنگی ترکیه» را انجام داده است. این مقاله با تکیه بر مفهوم‌سازی دیپلماسی فرهنگی، ویژگی‌ها، ساختار، بازیگران و امکانات فرهنگی خارجی ترکیه را بررسی می‌کند. به‌طور خاص، بر تجزیه و تحلیل ابعاد دوگانه دیپلماسی فرهنگی ترکیه، فرهنگ عالی و فرهنگ عامه، تأکید می‌کند که موفقیت دومی به ترکیه اجازه داده است آسیب به قدرت نرم خود ناشی از آشفتگی سیاسی داخلی را محدود کند.	دونلی ^۱ ۲۰۱۹

وجه تمایز پژوهش حاضر با مواردی که ذکر شد در تمرکز بر کارایی صنایع فرهنگی است. صنایع فرهنگی از مهمترین مؤلفه‌های دیپلماسی فرهنگی محسوب شده و در صورت توسعه این صنایع، امکانات راهبردی برای ارتباطات فرهنگی بین ایران و سایر کشورها از جمله ترکیه فراهم می‌شود. باتوجه به سابقه تاریخی و تمدنی مشترک بین ایران و ترکیه، ظرفیت قابل توجهی در این زمینه وجود دارد که با حذف موانع از یک سو و تقویت تعاملات فرهنگی از سوی دیگر می‌توان آن را به فعل تبدیل نمود. این پژوهش با ارائه راهکارهای کاربردی به‌ویژه برای رسانه‌های برون‌مرزی صداوسیما می‌تواند بستر تعاملات فرهنگی را افزایش دهد و به حل مشکلات در این زمینه کمک کند.

تعریف مفاهیم کلیدی

فرهنگ^۱: تعاریف بسیاری از فرهنگ ارائه شده است. در یک تعریف می‌توان گفت فرهنگ عبارت است از کیفیت یا شیوه بایسته یا شایسته برای آن دسته از فعالیت‌های حیات مادی و معنوی انسان‌ها که مستند به طرز تعقل سلیم و احساسات تصعید شده آنان در حیات معقول تکاملی باشد (جعفری، ۱۳۷۹: ۱۰).

1. Federico donelli
2. Culture



دیپلماسی: ^۱ دیپلماسی فن و عمل رهبری مذاکرات بین ملت‌ها به منظور حصول سازش که مورد رضایت متقابل همگان باشد و نیز آیین و آداب و مراسم و طرق رهبری این مذاکرات است (لغت‌نامه دهخدا). فرهنگ روابط بین‌الملل لانگمن در تعریف واژه دیپلماسی آن را عمل هدایت روابط میان دولت‌ها از طریق نمایندگان رسمی می‌داند.

دیپلماسی فرهنگی: ^۲ بر اساس تعریف میلتن کامینگز ^۳ دیپلماسی فرهنگی عبارت است از «مبادله و تبادل ایده‌ها، انگاره‌ها، ایده‌آل‌ها، اندیشه‌ها، اطلاعات، هنر، دانش، مهارت‌ها، باورها، سنت‌ها و سایر خاصه‌ها و عناصر فرهنگی میان یک کشور با دیگر کشورها و ملت‌ها برای ایجاد و تقویت درک و فهم متقابل» (کامینگز، ۲۰۰۳: ۱).

صنایع فرهنگی: ^۴ صنایع فرهنگی یعنی کالاها و خدمات فرهنگی در مقیاسی وسیع و هماهنگ با راهبردی که بیشتر مبتنی بر ملاحظات اقتصادی است و نه بر اساس توسعه فرهنگی به صورت صنعتی یا تجاری تولید، بازتولید، انبار و یا توزیع شود (وحدتی، ۱۳۹۵: ۱۹). آنکتاده ^۵ صنایع فرهنگی را اینگونه دسته‌بندی نموده است:

- الف. نمایش و اظهارات فرهنگی (جشنواره‌ها و...)
- ب. مکان‌های فرهنگی (موزه‌ها، آثار تاریخی، کتابخانه و ...)
- ج. هنرهای تجسمی (نقاشی، مجسمه‌سازی، عتیقه و عکاسی)
- د. هنرهای نمایشی (تئاتر، اجرای موسیقی، رقص‌های محلی و...)
- ه. تکثیر و انتشار (کتاب، روزنامه، مطبوعات و نشریات)
- و. رسانه‌های دیداری و شنیداری (تلویزیون، رادیو و...)
- ز. رسانه‌های جدید (انیمیشن، نرم‌افزار، محتواهای دیجیتالی و...)
- ح. طراحی داخلی (انواع گرافیک، مد و لباس، اسباب‌بازی و جواهرات)
- ک. خدمات خلاق (تبلیغات، معماری و...) (کیقبادی و همکاران، ۱۳۸۷).

1. Diplomacy
2. Cultural Diplomacy
3. Cummings, Milton
4. Cultural Industries
5. United Nations Conference on Trade and Development

مبانی نظری

برای تبیین موضوع پژوهش باید به نظریاتی استناد نمود که پاسخگوی مسائلی باشد که پژوهش به آن منظور انجام شده است. این پژوهش به منظور بررسی روابط فرهنگی بین دو کشور انجام شده و یکی از نظریاتی که به اثرگذاری فرهنگ در تعاملات بین‌المللی پرداخته نظریه سازه-انگاری است. از سوی دیگر با توجه به اینکه دیپلماسی فرهنگی یکی از اصلی‌ترین مؤلفه‌های قدرت نرم محسوب می‌شود استناد به مبانی نظریه قدرت نرم جوزف نای پاسخگوی مسائلی است که از تعاملات غیرخشونت‌آمیز و اقناعی در روابط بین‌الملل ناشی می‌شود. به همین منظور، نگارنده با بررسی مبانی این دو نظریه و تعمیم مؤلفه‌های آنها به موضوع مورد نظر، چارچوب نظری این پژوهش را تبیین کرده است.

سازه‌انگاری^۱ در روابط بین‌الملل: این نظریه برخلاف نظریه‌های خردگرا، مدعی است که فرهنگ نقش مهمی در روابط بین‌الملل دارد. به همین سبب، سازه‌انگاران یکی از دلایل ناکامی رئالیست‌ها و لیبرال‌ها را در تجزیه و تحلیل درست مسائل بین‌المللی در بی‌توجهی به بخش فرهنگی می‌دانند (رضایی و ترابی، ۱۳۸۹: ۶۶). نقطه عطف این نظریه در اواخر دهه ۱۹۸۰ با فروپاشی شوروی اتفاق افتاد. اتحاد و پایان جنگ سرد مردم را وادار کرد تا در توانایی تبیینی نظریه‌های جریان اصلی تجدید نظر کنند (هاف، ۱۹۹۸: ۱۷۱). در نتیجه، بحث جدیدی مطرح شد. بر این اساس، نظریه توسعه سازه‌گرایی الکساندر ونت در دانشگاه مورد توجه قرار گرفت و برجسته شد (لپید، ۲۰۰۷). سازه‌انگاران در روابط بین‌الملل به دنبال بازگرداندن فرهنگ و سیاست‌های داخلی به عرصه نظریه روابط بین‌الملل هستند و در این روند سعی می‌شود مختصات فرهنگ، سیاست و جامعه داخلی بررسی و با هویت و رفتار دولت در سیاست جهانی ارتباط یابد (خضری، ۱۳۸۸: ۷۹). این نظریه با افزایش وابستگی متقابل، احترام به ارزش‌ها و هنجارهای داخلی، ضمن ارج نهادن متقابل به هنجارهای جهانی باعث می‌شود دولت‌ها بر اساس احترام متقابل با یکدیگر رفتار کنند و به همین دلیل روابط میان آنها کمتر منازعه‌آمیز می‌گردد (ازغندی، ۱۳۸۳: ۲۳). سازه‌انگاری معتقد است که ساختارهای کلیدی در نظام دولتی به جای مادی، بین‌الذهانی هستند و بر نقش ایده‌ها، باورها و هویت‌ها در شکل دادن به نتایج بین‌المللی تأکید دارند (فازز، ۲۰۲۴: ۱۹۰). یکی از ابعاد مهم این نظریه دیدگاهی است که با استفاده از مبانی فرانتزری خود نسبت به تجزیه و تحلیل سیاست خارجی ارائه می‌دهد. دیدگاهی که بر اساس قوام متقابل



ساختار - کارگزار و عدم تقدم هستی‌شناسی یکی بر دیگری، نسبت به سیاست خارجی شکل گرفته و این حوزه را جدای از حوزه سیاست بین‌الملل نمی‌داند (رسولی ثانی‌آبادی، ۱۳۹۱: ۱۷۸). این نظریه به دولت‌هایی توجه می‌کند که بیش از حد بر هنجارها و ارزش‌های کهن خود تأکید داشته و خواهان واردکردن این عناصر در سیاست خارجی خود و به تبع آن مقابله با سیاست‌های جهانی هستند (تقی پور، ۱۳۹۶: ۷۹).

نظریه قدرت نرم^۱ جوزف نای: از دیدگاه نای موفقیت در سیاست‌های جهانی مستلزم استفاده از قدرت نرم به‌همراه قدرت سخت است: «قدرت، توانایی ترغیب دیگران برای انجام آنچه شما می‌خواهید، می‌باشد». از نظر او در عصر اطلاعات کشورهایی صاحب قدرت هستند که فرهنگ و ایده‌های مسلط آن‌ها به هنجارهای جهانی تبدیل شده باشد. بدین ترتیب فرهنگ سیاست‌های مقبول داخلی و خارجی و در اختیار داشتن ابزارهای ارتباطی به‌مثابه مؤلفه‌های شکل جدید قدرت (قدرت نرم) به حساب می‌آیند. همچنین عواملی مانند انسجام ملی، فرهنگ جهان - شمول و نهادهای بین‌المللی تحت تأثیر تحولات جهانی، اهمیت مضاعفی یافته‌اند (عسگری، ۱۳۸۹: ۶۴). ماهیت قدرت نرم بر مبنای شکل‌دهی بر ترجیحات دیگران استوار بوده و این امر به گونه‌ای ناملموس و با استفاده از جاذبه‌های فرهنگی، ارزش‌ها و نهادهای سیاسی انجام می‌شود (عسگری، ۱۳۸۹: ۶۷). از دیدگاه نای، برای ترغیب طرف مقابل به انجام رفتار دلخواه با قدرت نرم سه راه «پاداش»،^۲ جذب و^۳ اقناع^۴ وجود دارد. به‌عبارت دیگر، قدرت نرم توان یک کشور برای دستیابی اهدافش از طریق جذابیت و نه اجبار یا تنبیه می‌باشد. این جذابیت از فرهنگ، ایده‌های سیاسی و سیاست‌های یک کشور ناشی می‌گردد، به خصوص زمانی که این سیاست‌ها در نگاه دیگران مشروع به نظر برسد، قدرت نرم اعمال شده است (نای، ۱۳۸۲).

همانگونه که در ابتدای این بخش ذکر شد، کاربرد نظریه‌های یاد شده در این پژوهش، تأکید بر نقش فرهنگ و تعاملاتی است که از آن سرچشمه می‌گیرد. به این منظور با بهره‌گیری از نظریات سازه‌نگاری و قدرت نرم، نوع تعاملات فرهنگی ایران و ترکیه بررسی می‌شود. دلیل انتخاب این نظریات راهکارهایی است که هر کدام در راستای بهینه‌سازی روابط متقابل فرهنگی ارائه می‌دهند. در نظریه سازه‌نگاری رفتار هر بازیگر، ذهنیت و عکس‌العمل بازیگر دیگر را شکل

1. Soft Power
2. Payment
3. Attraction
4. persuasion

می‌دهد. بنابراین ج.ا. ایران با در نظر گرفتن جایگاه خود و منافع که از تعاملات با ترکیه حاصل می‌شود دیپلماسی فرهنگی خود را اعمال می‌نماید. در رابطه با کاربرد نظریه قدرت نرم نیز با تأکید بر نقش صنایع فرهنگی در ایجاد و بسط روابط بین دو کشور و خودداری از هر گونه اقدام خشونت-آمیز، می‌توان سیاست‌های فرهنگی ایران را توجیه نمود. قدرت فرهنگی، دیگر عرصه‌ها را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد. پیشرفت در حوزه فرهنگ، منجر به پیشرفت‌های اقتصادی و سیاسی می‌شود.

روش تحقیق

این تحقیق با روش گراند تئوری یا تئوری زمینه‌بنیان انجام شده است. روش گراند تئوری یک شیوه پژوهش کیفی است که به وسیله آن با استفاده از یک دسته داده‌ها، نظریه‌ای تکوین می‌یابد. این روش در شرایطی استفاده می‌شود که هدف مطالعه تدوین، تعدیل یا اصلاح یک نظریه باشد (بازرگان، ۱۳۸۷).

روش داده بنیاد معمولاً به سه شیوه اجرا می‌شود: شیوه نظام‌مند (سیستماتیک)، شیوه نخواست‌ه و شیوه سازگرا. در این تحقیق از روش سیستماتیک که به استراوس^۱ و کوربین^۲ نسبت داده می‌شود برای تجزیه و تحلیل داده‌ها استفاده شده است. روش سیستماتیک خود دارای سه مرحله اصلی کدگذاری باز، محوری و انتخابی است. کدگذاری باز بلافاصله بعد از اولین مصاحبه انجام می‌شود. به عبارت دیگر محقق پس از هر مصاحبه شروع به پیدا کردن مفاهیم و انتخاب برچسب‌های مناسب برای آنها و ترکیب مفاهیم مرتبط می‌کند. در کدگذاری محوری پژوهشگر یکی از طبقه‌ها را به‌عنوان طبقه محوری انتخاب کرده و آن را تحت عنوان پدیده محوری در مرکز فرآیند مورد کاوش قرار داده و ارتباط سایر طبقه‌ها را با آن مشخص می‌کند (استراوس و کوربین، ۱۳۹۲: ۱۹۰). کدگذاری گزینشی روند انتخاب مقوله اصلی به‌طور منظم و سیستماتیک با سایر مقوله‌ها، اعتبار بخشیدن به روابط و پر کردن جاهای خالی با مقولاتی که نیاز به اصلاح و گسترش دارند، است (دانایی فر و اسلامی، ۱۳۸۹: ۱۱۲).

شرایطی که بر پدیده محوری پژوهش تأثیرگذار بودند، عبارتند از:

الف. شرایط علی در نظریه مبنایی به چرایی و چگونگی واکنش سوژه‌ها به یک پدیده خاص اشاره دارد (استراوس و کوربین، ۱۳۹۲: ۱۵۳).

1. Anselm Strauss (1916-1996)
2. Juliet Corbin (1942)



ب. شرایط زمینه‌ای مجموعه خاصی از شرایط هستند که در یک زمان و مکان خاص پدید می‌آیند تا مجموع اوضاع و احوال یا شرایطی را به وجود آورند که اشخاص یا افراد (گروه‌ها) با عمل و تعامل‌های خود به آنها پاسخ دهند. شرایط زمینه‌ای منشأ در شرایط علی و دخیل داشته و محصول چگونگی تلاقی و تلفیق آنها با یکدیگر برای شکل‌دادن به الگوهای مختلف با ابعاد گوناگون اند (استراوس و کوربین، ۱۳۹۲: ۱۵۴).

ج. شرایط مداخله‌گر و میانجی وضعیتی است که بر اتخاذ راهبردها و کنش و تعامل تاثیرگذار است. به عبارت دیگر این شرایط به عوامل و عناصری مناسب یا نامناسب اشاره دارند که اثرات یک یا چند عامل تغییر را کندتر یا فعال‌تر می‌سازند (محسنی تبریزی، ۱۳۹۵: ۱۴۸).

د. راهبرد، مکانیزم و تدبیری است که در برخورد با پدیده به کار گرفته می‌شود. کنشگران برای تحقق پدیده به تدابیری می‌اندیشند و بر اساس شرایط و امکانات موجود راهبردی را اخذ می‌کنند. استروس و کوربین راهبرد را چگونگی مدیریت توسط افراد در مواجهه با مسائل تعریف می‌کنند (استراوس و کوربین، ۱۳۹۲: ۱۵۵).

ه. آخرین اصطلاح پارادایمی در روش استروس و کوربین پیامدهاست. هر جایی که انجام یا عدم‌انجام عمل، تعامل معینی در پاسخ به امر یا مسئله‌ای یا به‌منظور اداره یا حفظ موقعیتی از سوی فرد یا افرادی انتخاب شود، پیامدهایی پدید می‌آید. برخی از این پیامدها خواسته و برخی ناخواسته‌اند (استراوس و کوربین، ۱۳۹۲: ۱۵۶). در دسته‌بندی مفاهیم و مقوله‌ها از نرم‌افزار «مکس.کیو.دی.ای» استفاده شده است.

جامعه تحقیق شامل ۱۲ نفر از صاحب‌نظران در زمینه روابط بین‌الملل، رسانه‌های بین‌المللی، صنایع فرهنگی، رایزنی فرهنگی و اساتید دانشگاه بوده که به‌صورت نظری انتخاب شده‌اند. مشخصات این افراد در جدول ۲ آمده است.

جدول ۲: مشخصات مشارکت‌کنندگان در پژوهش

ردیف	تحصیلات	سمت
۱	دکتری	رایزن فرهنگی سابق ایران در ترکیه
۲	فوق لیسانس	کارشناس فرهنگی و رسانه‌ای ترکیه در برون‌مرزی صداوسیما
۳	فوق لیسانس	کارشناس غرب آسیا
۴	لیسانس	کارشناس قفقاز

ردیف	تحصیلات	سمت
۵	لیسانس	وابسته فرهنگی سابق ایران در ترکیه
۶	دکتری	رایزن فرهنگی ایران در ترکیه
۷	فوق لیسانس	کارشناس فرهنگی معاونت فرهنگی سازمان فرهنگ و ارتباطات
۸	فوق لیسانس	کارشناس معاونت بین‌الملل سازمان فرهنگ و ارتباطات
۹	دکتری	مدیرکل روابط عمومی سازمان فرهنگ
۱۰	فوق لیسانس	کارشناس فرهنگی سابق ایران در ترکیه
۱۱	فوق لیسانس	کارشناس فرهنگی آسیا معاونت بین‌الملل
۱۲	دکتری	پژوهشگر صنایع فرهنگی و عضو هیات علمی دانشگاه

روش جمع‌آوری اطلاعات استفاده از منابع کتابخانه‌ای و اینترنت و در بخش عملی از طریق مصاحبه نیمه‌ساختاریافته و پرسشنامه محقق ساخته با الهام از موارد مشابه بوده که جمع‌آوری داده‌ها تا رسیدن به اشباع نظری ادامه یافته است. از مصاحبه دهم به بعد اطلاعات جدیدی توسط مشارکت کنندگان در پژوهش ارائه نشد ولی نگارنده برای اطمینان از اشباع نظری، مصاحبه‌ها را تا ۱۲ نفر ادامه داده است. روایی و پایایی پرسشنامه توسط استاد راهنما و مشاور و چهار نفر از استادان مرتبط با مدیریت امور فرهنگی بررسی و تأیید شد.

یافته‌های پژوهش

با توجه به نتایجی که از تجزیه و تحلیل داده‌های حاصل از پرسشنامه‌ها و پیاده‌سازی مصاحبه‌ها به دست آمد، روابط فرهنگی ایران و ترکیه متأثر از عواملی است که هر کدام به نحوی در شکل‌گیری تعاملات متقابل دخیل بوده‌اند. صورت‌بندی و بیان مفاهیم در چارچوب گونه‌های صنایع فرهنگی که در بخش مبانی نظری معرفی شده‌اند، است. هر چند ممکن است به دلیل ماهیت انعطاف‌پذیر مفاهیم در علوم انسانی، برخی از این مفاهیم تناظر یک‌به‌یک با آن گونه‌ها نداشته باشند.

الف. شرایط علی: جدول شماره ۳ بر شرایطی تأکید می‌کند که پدیده محوری پژوهش یعنی دیپلماسی فرهنگی ایران و ترکیه را مستقیم تحت تأثیر قرار داده و آن را تقویت نموده‌اند.



جدول ۳: مؤلفه‌های دیپلماسی فرهنگی ایران و ترکیه در شرایط علی

مفاهیم	مقوله
<ol style="list-style-type: none"> ۱. تسهیل اخذ ویزا از طرف دولت ایران برای نخبگان ترکیه ۲. انتقال هویت فرهنگی و تمدنی ایران با صنایع دستی ۳. حمایت از ساخت زیورآلات با آلیاژهای مختلف در جنوب و غرب ایران ۴. معرفی هویت اصیل ایرانی به واسطه زیورآلات باستانی ۵. اهمیت دادن به صنعت سرمه‌دوزی در صنایع دستی ایران ۶. اتصال فرهنگی بین شهرهای ایران با ترویج صنایع دستی ۷. تسهیل و سرعت بخشیدن به توسعه هنرهای دستی توسط دولت ۸. توجه به نقش بخش خصوصی و فعالان اقتصادی در موفقیت صنایع دستی ۹. توجه به نقش مهم آثار هنری در انتقال هویت فرهنگی و تمدن ایران ۱۰. پایه‌گذاری تمدن فرهنگی و تاریخی توسط مفاخر هنری و ادبی ایران ۱۱. انتخاب افراد شایسته به‌عنوان رایزن فرهنگی ۱۲. همکاری نخبگان در عرصه دیپلماسی فرهنگی کشور ۱۳. تاسیس سازمان فرهنگ و ارتباطات مجازی مجهز به فناوری نوین 	سیاست‌های فرهنگی ایران
<ol style="list-style-type: none"> ۱. استقبال مخاطبان ترک از سریال‌های تاریخی ساخت ایران ۲. علاقه مردم ترکیه به موسیقی ایران خصوصاً موسیقی سنتی ۳. استقبال ترک‌ها از موسیقی ایرانی در فضای مجازی و رسانه‌های سنتی ۴. علاقه‌مندی مردم ترکیه به صنایع دستی ایران (با نقوش اسلامی و ایرانی) ۵. علاقه هنرمندان ترک به هنرهای تجسمی ایران ۶. استقبال از ترجمه کتاب‌های حوزه ادبیات کودک به ترکی ۷. هویت‌یابی کشورها با فرهنگ و تاریخ تمدنی ۸. فراگیری زبان فارسی توسط ترک‌ها از طریق رسانه‌ها ۹. اعتلای زبان ترکی با کمک زبان فارسی 	جاذبه‌های فرهنگی و هنری
<ol style="list-style-type: none"> ۱. استفاده از دیپلماسی فرهنگی برای ایستادگی در برابر حمله‌های فرهنگی ۲. همکاری با ترکیه برای استفاده از پلتفرم‌های بین‌المللی پخش فیلم ۳. حضور ایران در نمایشگاه کتاب بین‌المللی ترکیه ۴. حضور ناشران ترک در نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران ۵. ترجمه بیش از ۵۰۰ عنوان کتاب فارسی به ترکی در چهار دهه اخیر ۶. افزایش سفر گردشگران ترک به ایران به واسطه اشتراک‌گذاری تجربیات سفر ۷. همکاری بخش خصوصی جهت معرفی موسیقی ایرانی ۸. افزایش اشتغال با تبادلات فرهنگی متقابل بین ایران و ترکیه 	تعاملات متقابل فرهنگی

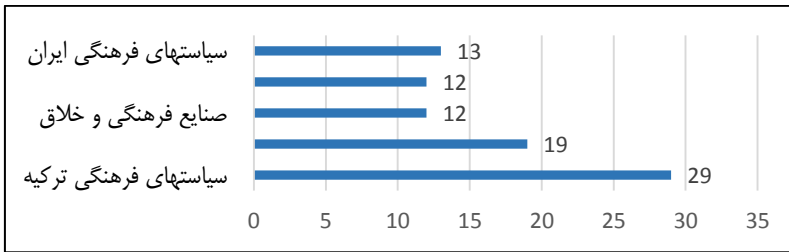


مفاهیم	مقاله
<p>۹. گسترش روابط با ترکیه با اتکاء به اشتراکات فرهنگی</p> <p>۱۰. برگزاری همایش‌ها و کنفرانس‌های علمی جهت تبادلات فرهنگی و انعکاس رسانه‌ای آنها</p> <p>۱۱. انعقاد موافقتنامه فرهنگی میان موزه‌ها، مراکز اسناد و کتابخانه‌های دو کشور</p> <p>۱۲. افزایش تعاملات فرهنگی بین دو کشور از طریق گردشگری</p> <p>۱۳. نمایش قدرت سیاسی، نظامی و اقتصادی با استفاده از هنر</p> <p>۱۴. نقش مؤثر مناسبات فرهنگی در روابط بین ایران و ترکیه</p> <p>۱۵. توسعه محتوای اطلاعاتی با هم‌اندیشی دانشگاهیان و سیاست‌مداران</p> <p>۱۶. گسترش همکاری‌های بین‌المللی به واسطه رتبه علمی دانشگاه تهران</p> <p>۱۷. گسترش روابط ایران و ترکیه با توجه به شرایط منطقه‌ای</p> <p>۱۸. اهمیت دادن مردم ترکیه به مسائل کشورهای اسلامی مثل فلسطین</p> <p>۱۹. وجود اشتراکات فرهنگی، تاریخی، قومیتی و مذهبی و هنری ایران با ترکیه</p>	
<p>۱. رشد و غنای کسب و کارها با صنایع فرهنگی و خلاق</p> <p>۲. نمود دانش، نبوغ، خلاقیت، حکمت و خرد ایرانی در صنایع فرهنگی</p> <p>۳. انتقال آموزه‌ها و اندیشه‌های فرهنگی از طریق صنایع فرهنگی</p> <p>۴. انتقال میراث فرهنگی یک کشور به نسل بعدی با صنایع فرهنگی</p> <p>۵. حفظ و احیای سنن و میراث بومی کشور با صنایع فرهنگی</p> <p>۶. اشتغال‌زایی رشته‌های هنرهای صناعی و صنایع دستی</p> <p>۷. تأثیرگذاری آموخته‌های فرهنگی در تولید صنایع دستی</p> <p>۸. تحقق اهداف صنایع فرهنگی با کمک متخصصان رشته‌های مرتبط</p> <p>۹. اهداء صنایع دستی به زائران امام هشتم(ع) جهت انتقال فرهنگ ایرانی</p> <p>۱۰. پشتیبانی بانک‌ها از صنایع دستی، فیلم و سینما</p> <p>۱۱. شرکت متولیان صنایع فرهنگی ایران در جشنواره‌ها و نمایشگاه‌های ترکیه</p> <p>۱۲. ورود به بازارهای جهانی با توسعه صنایع فرهنگی</p>	<p>صنایع فرهنگی و خلاق</p>
<p>۱. توسعه دیپلماسی فرهنگی با ساخت سریال‌های ترکی</p> <p>۲. سرمایه‌گذاری در زمینه ساخت شهرک‌های سینمایی</p> <p>۳. سیاست‌های کارآمد در جذب سرمایه و مخاطب</p> <p>۴. بازنمایی تاریخ حماسی ترکیه با ساخت آثار تاریخی فاخر</p> <p>۵. سهولت دسترسی به سریال‌های ترکی در پلتفرم‌های مختلف</p> <p>۶. شناخت مکان‌های تاریخی ایران توسط گردشگران ترک</p> <p>۷. حمایت دولت ترکیه از صنعت سینما</p>	<p>سیاست‌های فرهنگی ترکیه</p>



مفاهیم	مقاله
۸. معرفی صنعت گردشگری و تجارت ترکیه با ساخت فیلم‌های سینمایی	
۹. حمایت قانون ترکیه از صنایع دستی	
۱۰. جذب هنرمندان مختلف در ترکیه با اعطای تسهیلات ویژه	
۱۱. ساخت سریال‌های عامه‌پسند جهت جذب مخاطب خارجی	
۱۲. معرفی فرهنگ، تاریخ و تمدن ایران و ترکیه به‌واسطه تبادلات فرهنگی	
۱۳. درآمدزایی و معرفی فرهنگ ترکی با صنعت فیلم‌سازی	
۱۴. تحول در بازار فرش و قالی با توجه به تغییرات زیست محیطی	
۱۵. تأسیس دفتر توسعه صنایع دستی با حمایت آمریکا	
۱۶. جذاب‌سازی محصولات منتخب صنایع دستی ترک برای بازار آمریکا	
۱۷. بهبود ذائقه مخاطبات ترک با ساخت سریال‌های تاریخی	
۱۸. پیشرفت ترکیه در استفاده از ظرفیت‌های فرهنگی	
۱۹. درآمدزایی از محل فروش سریال‌های تلویزیونی	
۲۰. افزایش تأثیرگذاری سینمای ترکیه بر مخاطب	
۲۱. فروش صنایع دستی ترک به‌واسطه تبلیغات در سریال‌های ترکی	
۲۲. پویایی و برنامه‌ریزی کارآمد در حوزه مد و پوشاک ترکیه	
۲۳. رونق صنعت توریسم به‌واسطه زیرساخت‌های مناسب	
۲۴. رشد و توسعه صنایع دستی با استفاده از مس و مصنوعات فلزی	
۲۵. رشد و توسعه صنعت شیشه‌گری	
۲۶. پیشرفت ترکیه در صنعت مبلمان و مصنوعات چوبی	
۲۷. رشد قابل توجه رسانه در ترکیه	
۲۸. درآمدزایی قابل توجه از صادرات فرش ماشینی	
۲۹. عملکرد موفق ترکیه در جذب توریست و گردشگر	

در شرایط علی با توجه به نمودار شماره ۱ و مقایسه فراوانی مولفه‌های مندرج در آن، بیشترین فراوانی به سیاست‌های فرهنگی ترکیه اختصاص یافته که حاکی از توجه دولت ترکیه به رشد و توسعه امور فرهنگی است. در این زمینه عملکرد ایران از نصف عملکرد ترکیه نیز کمتر است. فراوانی تعاملات متقابل فرهنگی در قیاس با سایر مؤلفه‌ها غیر از سیاست‌های فرهنگی ترکیه نشان می‌دهد که هر دو کشور از این روابط متفهم می‌شوند.



نمودار ۱: فراوانی مؤلفه‌های فرهنگی در شرایط علی

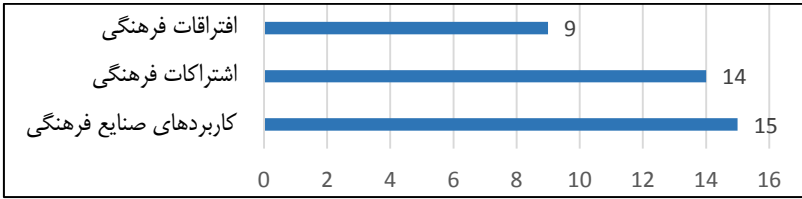
ب. شرایط زمینه‌ای: در جدول شماره ۴ شرایط و زمینه‌هایی مطرح شده که بستر تعاملات متقابل بوده و زمینه‌ساز تحقق اهداف دو کشور در برقراری ارتباطات فرهنگی هستند. شناخت مختصات فرهنگی هر دو کشور در واقع راه را برای شناخت نقاط ضعف و قوت ارتباطات هموار می‌کند. اشراف و شناخت ظرفیت‌های بالقوه فرهنگی، دو کشور را قادر می‌سازد طرح تعاملات فرهنگی را بر آن اساس پی‌ریزی نمایند.

جدول ۴: مؤلفه‌های زمینه‌ساز دیپلماسی فرهنگی بین ایران و ترکیه

مفاهیم	مقوله
۱. نقش اقتصاد فرهنگ در شکوفایی اقتصاد کشور	کاربردهای صنایع فرهنگی
۲. اهمیت دستاوردهای مالی کشورها از صنایع فرهنگی	
۳. سنجش توسعه‌یافتگی کشورها با توسعه صنایع خلاق	
۴. اتکای صنایع خلاق به ابتکار، خلاقیت، پشتوانه فکری و سرمایه	
۵. صنایع فرهنگی در خدمت نیازهای روحی و معنوی انسان‌ها	
۶. تغییر ذائقه فرهنگی مردم به‌واسطه صنایع مدرن فرهنگی	
۷. قابلیت صنایع فرهنگی در ایجاد شغل و درآمد پایدار	
۸. کاربرد دیپلماسی فرهنگی در منافع اقتصادی و سیاسی	
۹. آسیب‌شناسی ساختار، مدل و فرآیندهای موجود دیپلماسی فرهنگی	
۱۰. بهبود و ارتقاء جایگاه تلویزیون و سینما با توجه به دیپلماسی فرهنگی	
۱۱. اثرگذاری عمیق فیلم و سریال بر مخاطب	
۱۲. همذات‌پنداری مخاطب با شخصیت‌های داستانی	
۱۳. تجلی فرهنگ هر منطقه در صنایع دستی آن	
۱۴. هویت‌بنیان بودن صنایع دستی	
۱۵. قوام‌بخشی دیپلماسی سیاسی به‌واسطه دیپلماسی علمی با هم‌اندیشی سیاست‌مداران و دانشگاهیان	

مقاله	مفاهیم
اشتراکات فرهنگی بین دو کشور	<ol style="list-style-type: none"> ۱. تعاملات در زمینه نشر کتاب و ترجمه آثار ترکی و فارسی به یکدیگر ۲. نقش نمایشگاه‌های مختلف در تبادلات فرهنگی بین ایران و ترکیه ۳. وجود تعاملات مثبت در حوزه موسیقی بین ایران و ترکیه ۴. وجود اشتراکات در صنایع دستی ایران و ترکیه ۵. وجود تشابه در صنعت نقره‌کاری ایران و ترکیه ۶. تأکید ایران بر اشتراک برخی مفاخر فرهنگی و ادبی با ترکیه ۷. وجود اشتراکات هنری بسیار بین ایران و ترکیه ۸. علاقه و ارادت مردم ترکیه به اهل بیت (علیهم السلام) ۹. وجود رقص‌های محلی مشترک در دو کشور ۱۰. تأثیرپذیری اقوام ترک از فرهنگ و تمدن ایرانی به‌دلیل مسیر مهاجرت ۱۱. وجود اشتراکات در صنایع فرهنگی ایران و ترکیه ۱۲. ظرفیت رسانه‌های جدید در ایجاد تعاملات متقابل ۱۳. اشتراکات منطقه‌ای با ارتباطات هنر و تمدن انسانی ۱۴. تبادل ارزش‌های ملی و فرهنگ به‌واسطه صنایع دستی
افتراقات فرهنگی بین دو کشور	<ol style="list-style-type: none"> ۱. تفاوت در سفالگری ایران و ترکیه ۲. تمایز نقره‌کاری ایران و ترکیه در رنگ و شکل ۳. تمایز ایران از ترکیه در میناکاری روی مس، طلا، نقره و زیورآلات ۴. تفاوت صنعت شیشه ایران و ترکیه در نقوش و مینیاتور ایرانی ۵. وجود تمایز بین صنایع دستی ایران و صنایع مدرن ۶. تفاوت فرش‌های ایران و ترکیه در طرح و رنگ ۷. وجود تفاوت در صنایع دستی ایران و ترکیه در استفاده از مس و فلزات ۸. سیاست‌های ترکیه در مواجهه با صدور فرهنگ ایرانی ۹. سیاست‌های ترکیه در مصادره فرهنگی آداب و رسوم ایرانی مثل نوروز

در نمودار شماره ۲ و در بحث شرایط زمینه‌ساز برای تعاملات فرهنگی متقابل، فراوانی مؤلفه‌ها نشان می‌دهد که اشتراکات فرهنگی و کاربردهای صنایع فرهنگی بیشتر از تفاوت‌های فرهنگی مورد توجه قرار گرفته‌اند. این مساله می‌تواند زمینه‌ساز بسط و توسعه اهداف دیپلماسی فرهنگی دو کشور باشد.



نمودار ۲: فراوانی عوامل زمینه‌ساز برای تعاملات فرهنگی ایران و ترکیه

ج. عوامل مداخله‌گر: جدول شماره ۵ نشان می‌دهد چه عواملی در ایجاد تعاملات فرهنگی بین دو کشور اخلاص ایجاد کرده‌اند.

جدول ۵: عوامل مداخله‌گر در تعاملات متقابل ایران و ترکیه

عوامل مداخله‌گر در دیپلماسی فرهنگی ایران	
مفاهیم	مقوله
<ol style="list-style-type: none"> نگاه انحصارگرایانه به تصدی امور فرهنگی توسط دولت نبود زیرساخت در برگزاری نمایشگاه هنرهای تجسمی ایران ناچیز بودن فعالیت در بخش دیپلماسی فرهنگی وجود مشکلات ساختاری و اداری در سازمان فرهنگ و سازمان ارتباطات و سازمان صداوسیما برای همکاری فرهنگی با سایر دولت‌ها کمبود تولید محتوای فرهنگی برای مخاطبان خارجی در بستر رسانه‌ها فقدان نظام آینده‌پژوهی و آینده‌نگری در حوزه فرهنگ و رسانه عدم ریل‌گذاری متناسب با تغییر ساختارها و ظرفیت‌های فرهنگی و رسانه‌ای عدم همکاری سمن‌ها و بخش غیردولتی در دیپلماسی فرهنگی 	مشکلات زیربنایی
<ol style="list-style-type: none"> عدم توجه کافی به اقتصاد فرهنگ و رسانه در ایران بهره‌وری پائین اقتصادی در صنایع دستی ایران ضعف ایران در مراودات اقتصادی در هنرهای سنتی و صنایع دستی سهم ناچیز ایران از بازار جهانی صنایع دستی عدم سرمایه‌گذاری مناسب در حوزه صنایع فرهنگی ایران عدم تناسب اعتبارات و امکانات در سازمان فرهنگ و ارتباطات و معاونت برون‌مرزی صداوسیما کسری بودجه و فشار مضاعف به سازمان فرهنگ و ارتباطات تحمیل فشار به حوزه دیپلماسی فرهنگی و رسانه‌ای با کاهش اعتبار و نیروی انسانی کمبود اختصاص سهم به صنایع فرهنگی در سبد معیشت خانوار گسترش فساد اقتصادی و تبعات آن برای اقتصاد فرهنگ ظن پولشویی تحت لوای صادرات صنایع فرهنگی ایران 	مشکلات اقتصادی

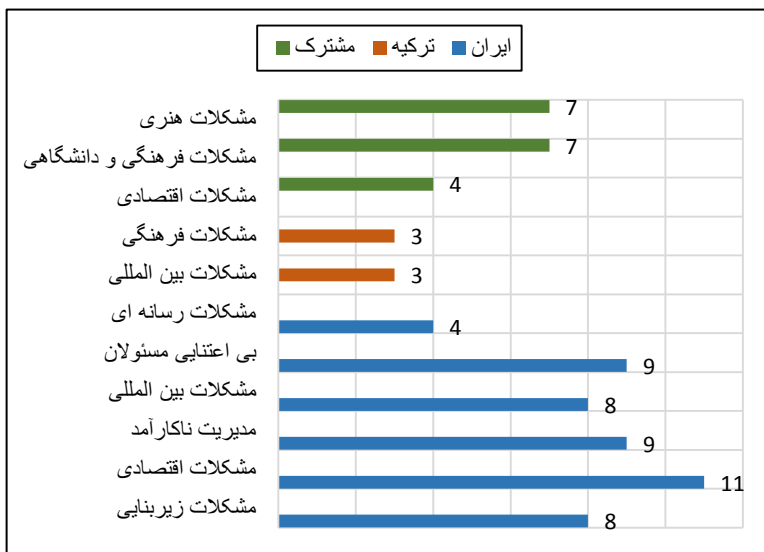


عوامل مداخله‌گر در دیپلماسی فرهنگی ایران	
مفاهیم	مقوله
<ol style="list-style-type: none"> ۱. ایجاد فاصله بین فرهنگ بومی و زندگی مدرن به‌واسطه اختلاط فرهنگی ۲. تهدید صنایع فرهنگی اصیل ایرانی با کپی‌برداری کشورهای دیگر ۳. عدم توجه به پژوهش در صنایع فرهنگی و خلاق ۴. بی‌توجهی به سبب فرهنگی مردم در ایران ۵. کمبود استفاده ایران از ظرفیت‌های فرهنگی در کشور ۶. کمبود اطلاعات دقیق از صنایع دستی کشور ۷. رفتار سلیقه‌ای و تجربیات شخصی در مواجهه با فرهنگ ۸. موازی‌کاری، تناقض و مغایرت در فعالیت‌های فرهنگی کشور ۹. عدم اتخاذ‌های فرهنگی واحد در ایران 	<p>مدیریت ناکارآمد</p>
<ol style="list-style-type: none"> ۱. ضعف دیپلماسی فرهنگی به دلیل اجرای پروژه ایران‌هراسی ۲. کمبود موفقیت تولیدات رسانه‌ای و هنری ایران به‌دلیل تحریم‌های غرب از منظر اقتصاد فرهنگ ۳. عدم موفقیت تولید و فروش فیلم‌ها و سریال‌های ایرانی در خارج از کشور ۴. تاثیر مخرب تحریم‌ها بر ارتباطات بین‌المللی در صنایع دستی ایران ۵. عدم توجه به عمق اثربخشی دیپلماسی فرهنگی در مناسبات کشورها ۶. تولید صنایع دستی بی‌پشتوانه فرهنگی و هنری توسط کشورهای دیگر ۷. تاثیر نامطلوب سیاست خارجی بر صنایع فرهنگی در ایران ۸. عدم بالندگی تجارت ایران به‌واسطه سیاست خارجی محدود 	<p>مشکلات بین‌المللی</p>
<ol style="list-style-type: none"> ۱. قصور متولیان صنایع دستی ایران در باز زنده‌سازی هنرهای فراموش شده ۲. کم‌توجهی مسئولان به فعالیت‌های فرهنگی خارج از کشور ۳. عدم جدی گرفتن دیپلماسی فرهنگی از طرف مسئولان ذیربط در سازمان‌های فرهنگی و رسانه‌ای ۴. عدم شکل‌گیری نگاه ملی به سازمان فرهنگ و ارتباطات و معاونت برون مرزی صداوسیما ۵. وجود نگاه حاشیه‌ای به دیپلماسی فرهنگی در کل نظام ۶. تداوم پس‌رفت دیپلماسی فرهنگی به‌واسطه بی‌اعتنایی مسئولان ذیربط ۷. کمبود آگاهی برخی دولتمردان از ماهیت امور فرهنگی ۸. کم‌توجهی متولیان سیاست خارجی به دیپلماسی فرهنگی ۹. عدم تسلط، دانش و بینش سفیران در خصوص فواید دیپلماسی فرهنگی 	<p>بی‌اعتنایی مسئولان</p>
<ol style="list-style-type: none"> ۱. ضعف بازاریابی ایران در حوزه صنایع دستی ۲. عدم موفقیت بازاریابی در صنعت گردشگری توسط ایران ۳. عدم وجود زنجیره ارزش، برندینگ و تبلیغات مؤثر در صنایع دستی ۴. برجسته‌سازی کم فعالیت‌های فرهنگی از طریق رسانه 	<p>مشکلات رسانه‌ای</p>

عوامل مداخله‌گر در دیپلماسی فرهنگی ایران	
مقوله	مفاهیم
عوامل مداخله‌گر در دیپلماسی فرهنگی ترکیه	
مشکلات بین‌المللی	۱. پائین بودن قدرت خرید در ترکیه در حوزه صنایع دستی ایران ۲. امکان کم ترویج صنایع دستی دیگر کشورها در ترکیه ۳. آسیب محصولات چینی به فرش و گلیم ترکیه
مشکلات فرهنگی	۱. تناسب کم میان زندگی مردم ترکیه با محتوای سریال‌های تولید شده ۲. استقبال کم از سریال‌های عامه‌پسند در ترکیه با سبک زندگی اسلامی ۳. ضعف محتوا در فیلم و سریال‌های ترکی
عوامل مداخله‌گر در دیپلماسی فرهنگی ایران و ترکیه	
مشکلات اقتصادی	۱. امکان کم مبادلات بین‌المللی به دلیل تحریم‌های آمریکا ۲. عدم تمایل واردکنندگان صنایع فرهنگی به معامله با ایران ۳. وجود مشکل در دریافت پول توسط صادر کنندگان صنایع خلاق ۴. ضعف بازاریابی صنایع دستی ایران در ترکیه
مشکلات فرهنگی و دانشگاهی	۱. وجود چالش در روابط فرهنگی دو کشور به دلیل اختلافات مذهبی ۲. ادعای ترکیه مبنی بر مصادره مولانا، شاهنامه و نوروز ۳. عدم وجود تعامل در حوزه خدمات خلاق ۴. عدم موفقیت در ایجاد رشته‌های مشترک و فرصت‌های مطالعاتی متقابل ۵. تحقق کم تعاملات علمی بین دو کشور از جمله تبادل دانشجوی ۶. عدم اثربخشی تعاملات دانشگاهی بین ایران و ترکیه ۷. تعاملات ناچیز تبادلات و تعاملات علمی دانشگاه‌های ترکیه با دانشگاه ایران ۸. کم توجهی رسانه‌ها برای بسترسازی افزایش تعاملات فرهنگی و دانشگاهی و علمی
مشکلات هنری	۱. عدم حصول توافق در مورد اجرای تئاتر مشترک ۲. وجود مشکل زبان در برگزاری جشنواره تئاتر مشترک با ترکیه ۳. عدم کفایت مبادلات فرهنگی ایران و ترکیه در جشنواره‌های مختلف ۴. عدم موفقیت تعاملات دوجانبه در زمینه هنرهای تجسمی بین ایران و ترکیه ۵. حذف صنایع دستی به‌واسطه شهرنشینی و مکانیزاسیون ۶. عدم موفقیت تئاتر ایران در ترکیه به دلیل تفاوت زبان ۷. عدم موفقیت ایران در ترویج صنایع دستی خود در ترکیه ۸. تمرکز رسانه‌های برون‌مرزی صداوسیما بر امور سیاسی و کم‌توجهی در ترویج موضوعات هنری و فرهنگی



با توجه به نمودار شماره ۳ مشکلات اقتصادی، بی‌اعتنایی مسئولان و مدیریت ناکارآمد بیشترین فراوانی و نقش را در عدم کارایی فرهنگی ایران ایفا می‌کنند. وجود مشکلات اقتصادی در هر زمینه‌ای محتمل و ناگزیر است اما بحث مدیریت ناکارآمد و بی‌اعتنایی مسئولان به مقوله فرهنگ و عرصه‌های مرتبط با آن به‌ویژه رسانه، جای تأمل بسیار دارد. نظر یکی از مشارکت‌کنندگان در پژوهش این مطلب را اثبات می‌نماید: «متأسفانه موازی‌کاری و وجود دستگاه‌های متعدد اجرایی در زمینه صادرات فرهنگی یکی از اصلی‌ترین علل رکود صادرات می‌باشد. سیاست خارجی بر صنایع فرهنگی سایه انداخته است. به دلیل ممیزی از طرف ارگان‌های مختلف از جمله دارایی، صادرکنندگان ناگزیر از صدور فاکتورهای صوری و دور زدن قوانین می‌شوند». مثال دیگر: «مشکل اساسی فقدان نگاه ملی به مقوله دیپلماسی فرهنگی و رسانه‌ای و کم‌توجهی سکان‌داران اصلی سیاست خارجی به این حوزه، هم در داخل و هم در خارج از کشور است؛ دستگاه سیاست خارجی کشور به تبع فقدان نگاه ملی، به عمق اثربخشی دیپلماسی فرهنگی و رسانه‌ای در مناسبات کشورها توجه لازم و کافی را ندارد. در همین راستا، سفرای ما نیز از تسلط، دانش و بینش لازم در این خصوص به صورت کامل برخوردار نیستند و نوعاً بر اساس تجربه‌های شخصی و سلايق رفتار می‌کنند. البته بخشی از این مشکلات به نوع انتخاب و گزینش رایزنان فرهنگی نیز برمی‌گردد».



نمودار ۳: فراوانی عوامل مداخله‌گر در دیپلماسی فرهنگی ایران و ترکیه

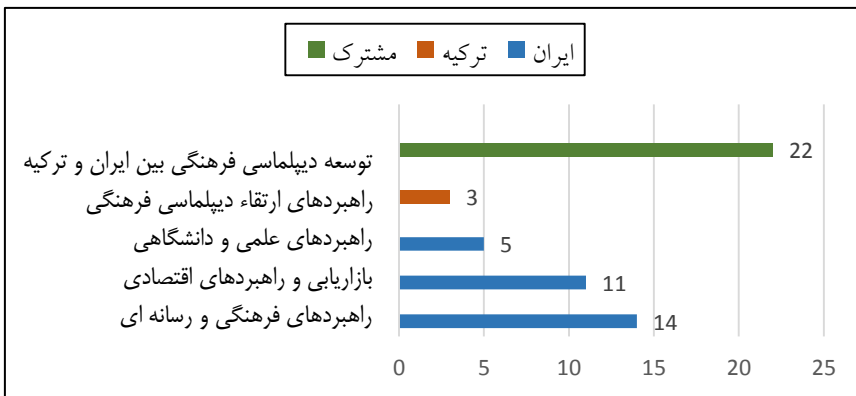
د. راهبردها: جدول شماره ۶، راهبردهایی را نشان می‌دهد که دو کشور ایران و ترکیه جهت بسط و توسعه روابط فرهنگی و غلبه بر مشکلاتی که ذکر شد در نظر گرفته‌اند.

جدول ۶: راهبردهای مؤثر در تقویت صنایع فرهنگی به‌منظور تعاملات متقابل

راهبردهای مدیریتی	
مفاهیم	مقوله
<ol style="list-style-type: none"> ۱. استفاده از بستر اینترنت برای فروش صنایع دستی ایران ۲. تلاش موردی ایران در تأسیس وب سایت‌هایی برای فروش صنایع دستی ۳. الگوپذیری از کشورهای همسایه در استفاده تبلیغاتی از سریال و فیلم و سایر تولیدات رسانه‌ای ۴. استفاده از فناوری‌های جدید در دیپلماسی فرهنگی و رسانه‌ای ۵. استفاده از ظرفیت شبکه‌های اجتماعی در تاثیرگذاری بر افکار عمومی ۶. معرفی صنایع فرهنگی ایران به جهان از طریق گردشگری مذهبی ۷. الگوپذیری از کشورهای همسایه در توسعه هنرهای دستی ۸. احیای هنرهای فراموش شده مثل کوبه‌بافی و شعربافی ۹. الگوبرداری سریال‌سازان ایرانی از سریال‌های ترکی ۱۰. توسعه فعالیت‌های فرهنگی در خارج از کشور ۱۱. کارآفرینی و حضور نیروهای خلاق در صنایع فرهنگی ۱۲. شناخت ارزش‌های فرهنگی مردم جامعه به‌واسطه صنایع فرهنگی ۱۳. جلوگیری از مصادره مفاخر ایرانی مثل ابن سینا توسط ترکیه ۱۴. استفاده از شبکه‌های اجتماعی و فضای مجازی در صنعت گردشگری ۱۵. نقش‌آفرینی بیش از پیش رسانه‌های برون‌مرزی صداوسیما در معرفی کالاهای فرهنگی، هنری و رسانه‌ای ایران 	<p>راهبردهای فرهنگی و رسانه‌ای</p>
<ol style="list-style-type: none"> ۱. توجه به جنبه‌های اقتصادی در صنایع فرهنگی ایران ۲. جذب سرمایه و مخاطب با استفاده از جاذبه‌های گردشگری ۳. مخاطب‌شناسی صنعت‌گران ایرانی در بازارهای ترکیه ۴. حمایت از صنعت ترمه ایرانی ۵. سیاستگذاری و برنامه‌ریزی جهت کسب دستاوردهای مالی ۶. سرمایه‌گذاری و اهتمام ویژه در بخش صنایع فرهنگی و خلاق ۷. تسهیل روابط بین صادرکننده ایرانی و بازارهای جهانی ۸. ایجاد مراکز مشترک تبادلات جهت منتفع شدن کشورهای دیگر ۹. ایجاد کربدوره‌های تخصصی صادرات صنایع فرهنگی ایران ۱۰. محدود نکردن صادرات صنایع فرهنگی به سفرهای مقامات 	<p>بازاریابی و راهبردهای اقتصادی</p>

راهبردهای مدیریتی	
مفاهیم	مقاله
۱۱. توجه به اقتصاد فرهنگ در بازاریابی صنایع دستی	
۱. مستندسازی اصول صنایع دستی قدیمی ۲. توجه به اشتغال‌زایی صنایع فرهنگی برای دانش‌آموختگان دانشگاهی ۳. ارتقاء صنایع فرهنگی با نگاه آکادمیک و تأسیس رشته‌های مرتبط ۴. توسعه صنایع دستی با برگزاری همایش‌ها، نشر کتب و مقالات تخصصی ۵. مطالعه و بررسی صنایع فرهنگی تاثیرگذار در جهان جهت الگوگیری	راهبردهای علمی و دانشگاهی
راهبردهای کاربردی	
۱. حل اختلافات مذهبی با توسعه همکاری‌های دینی ۲. توافق جهت شرکت متقابل ترکیه و ایران در نمایشگاه‌های کتاب دو کشور ۳. توجه به دستاوردهای دو کشور در جشنواره‌های مختلف ۴. برنامه‌ریزی در حوزه موسیقی به‌واسطه اشتراکات فرهنگی ۵. تمرکز بر دین مشترک توسط دو کشور به‌عنوان مرکز ثقل روابط ۶. استفاده از ظرفیت‌های فرهنگی دین اسلام در تقویت روابط دو کشور ۷. افزایش اشتغال در صنایع فرهنگی با ترویج هنرهای تجسمی و نمایشی ۸. هدف‌گذاری دقیق جهت توسعه بازارهای صادرات صنایع دستی ۹. تعاملات ایران و ترکیه در حوزه آثار تاریخی و موزه‌ها ۱۰. انعقاد تفاهم‌نامه ساخت فیلم و سریال‌های مشترک ۱۱. گسترش همکاری‌های علمی بین دانشگاه تهران و دانشگاه‌های بزرگ ترکیه ۱۲. تقویت جایگاه علمی ایران و ترکیه با اشتراک‌گذاری نقاط قوت یکدیگر ۱۳. تقویت ارزش‌های مشترک منطقه‌ای، بین‌المللی، فرهنگی و دانشگاهی ۱۴. تأسیس گروه‌های زبان فارسی و ترکی در دانشگاه‌های دو کشور ۱۵. اجرای طرح‌های مشترک تحقیقاتی ۱۶. برگزاری هفته فرهنگی دانشگاه‌های ایران و ترکیه ۱۷. برگزاری نمایشگاه‌های کتب خطی بین دو کشور ۱۸. شکل‌گیری همکاری بین دانشگاهی با محور گردشگری ۱۹. اعزام اساتید دانشگاه‌های ایران و ترکیه جهت فرصت مطالعاتی ۲۰. راه‌اندازی دفتر پارک علم و فناوری دانشگاه تهران در آنکارا ۲۱. راه‌اندازی گروه زبان ترکی در دانشکده زبان‌ها و ادبیات خارجی ۲۲. پایداری و اثربخشی روابط متقابل با گسترش همکاری‌های علمی دانشگاهیان ۲۳. راه‌اندازی باشگاه رسانه‌ای متشکل از رسانه‌های ترکیه و ایران	راهبردهای گسترش دیپلماسی فرهنگی بین ایران و ترکیه

همانگونه که در نمودار شماره ۴ مشاهده می‌شود بیشترین فراوانی مربوط به راهکارهای مشترک در ارتقاء دیپلماسی فرهنگی بین دو کشور می‌باشد. می‌توان نتیجه گرفت که در سایه تعاملات متقابل، راه دسترسی به اهداف مد نظر دو کشور هموار می‌شود. به نظر یکی از مصاحبه شونده‌گان: «نمایشگاه‌های مختلف فرهنگی، گردشگری، صنایع دستی، فیلم و کتاب می‌تواند در تبادلات فرهنگی میان دو کشور نقش اساسی داشته باشد. علاوه بر این، برگزاری همایش‌ها و کنفرانس‌های علمی و فرهنگی میان دو کشور قابل توجه می‌باشد. عمده‌ترین دستاوردهای دو کشور در جشنواره‌های مختلف را می‌توان ایجاد شناخت و همگرایی میان نخبگان فرهنگی و تقویت روحیه یکپارگی در میان توده‌های مردم دانست».



نمودار ۴: راهبردهای تعاملات فرهنگی بین ایران و ترکیه

۵. پیامدها: جدول شماره ۷ پیامدهای حاصل از بکارگیری و یا عدم بکارگیری راهبردهایی است که بر مبنای نظرات مشارکت‌کنندگان در پژوهش ارائه شده است.

جدول ۷: دستاوردهای حاصل از بکارگیری دیپلماسی فرهنگی

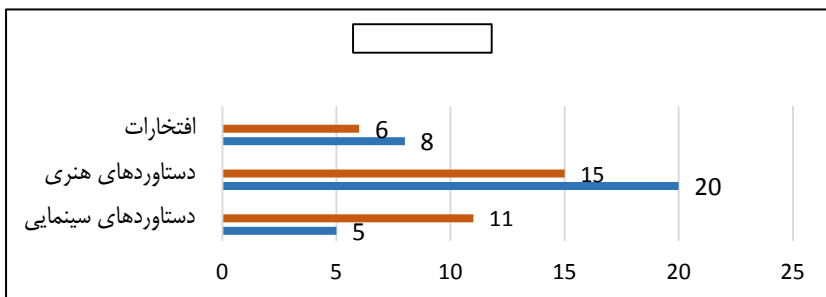
مفاهیم	مقوله
۱. موفقیت سریال یوسف پیامبر در جذب مخاطبان ترک ۲. برتری پویانمایی و انیمیشن ایرانی نسبت به ترکی ۳. برتری ایران در غنای محتوا در حوزه فیلم و سینما ۴. ارجحیت محتوای معنوی فیلم‌های ایرانی نسبت به فیلم‌های ترکی ۵. موفقیت سینمای ایران در زمینه ارزش‌های هنری	دستاوردهای سینمایی ایران

مفاهیم	مقوله
<ol style="list-style-type: none"> ۱. موفقیت سریال‌های ترکی در جذب مخاطب از کشورهای مختلف ۲. موفقیت سینمای ترکیه در جذب مخاطبان ایرانی ۳. موفقیت ترکیه در حوزه فیلم و سینما ۴. موفقیت سینمای ترکیه با استفاده موثر از فناوری روز ۵. برتری ترکیه در عکاسی دیجیتال و استفاده از فناوری غربی ۶. موفقیت ترویج فرهنگ و زبان ترکی با سینما و اقتصاد فرهنگ ۷. موفقیت صنعت سینما در ترکیه به‌واسطه همراهی با صنایع فرهنگی ۸. موفقیت اقتصادی ترکیه از ساخت سریال‌ها و فیلم‌های ترکی ۹. موفقیت ترکیه در حوزه هنرهای نمایشی ۱۰. موفقیت ترکیه در فیلم‌سازی به‌واسطه نبود ممیزی ۱۱. موفقیت فیلم‌های ترکی به‌واسطه جذابیت‌های بصری 	<p>دستاوردهای سینمایی ترکیه</p>
<ol style="list-style-type: none"> ۱. درخشش هنرهای تجسمی ایران در نمایشگاه‌های بین‌المللی ۲. برتری ایران در زمینه نقاشی، مجسمه‌سازی و عتیقه جات ۳. پیشرو بودن ایران در ترویج صنایع دستی ۴. پیشرو بودن ایرانیان در صنعت شیشه‌گری ۵. موفقیت ایران در فلزکاری و مسگری ۶. موفقیت ایران در صادرات محصولات معرق و میناکاری ۷. سهم قابل توجه صنایع چوبی از صادرات ایران ۸. شهرت ایران در هنر قلاب‌دوزی ۹. برتری فرش و گلیم دستباف ایرانی نسبت به نمونه ترکی ۱۰. پیشرفت ایران در منبت، معرق و صنایع ترکیبی با چوب ۱۱. وجود بازار جهت صنایع دستی با کیفیت و اصیل ایرانی ۱۲. دستاوردهای فراوان اقتصادی و اجتماعی از صنایع فرهنگی ۱۳. افزایش توان اقتصادی و کسب هویت بین‌المللی به‌واسطه صنایع خلاق ۱۴. موفقیت ایران در معرفی هنر قلاب‌دوزی به جهان به‌واسطه صادرات ۱۵. موفقیت ایران در صادرات صنایع مزین شده با سرمه ۱۶. طرفدار داشتن فرش ایرانی در جهان به‌واسطه قیمت مناسب ۱۷. شهرت فرش دستباف و گلیم ایرانی در جهان به‌واسطه زیبایی و کیفیت ۱۸. محبوبیت هنرهای چوبی ایران در ابعاد بین‌المللی ۱۹. شهرت سفال و سرامیک ایران در بازارهای جهان ۲۰. اقرار شعرای ترک به اصالت و دوام شعر فارسی 	<p>دستاوردهای هنری ایران</p>
<ol style="list-style-type: none"> ۱. موفقیت پوشاک ترک در حوزه اسلامی و غیر اسلامی ۲. موفقیت ترکیه در فرآوری نقره و صدور مجدد آن به ایران ۳. موفقیت ترکیه در توسعه صنایع فرهنگی ۴. شهرت صنعت فرش ترکیه به‌واسطه مرغوبیت و تجملی بودن 	<p>دستاوردهای هنری ترکیه</p>

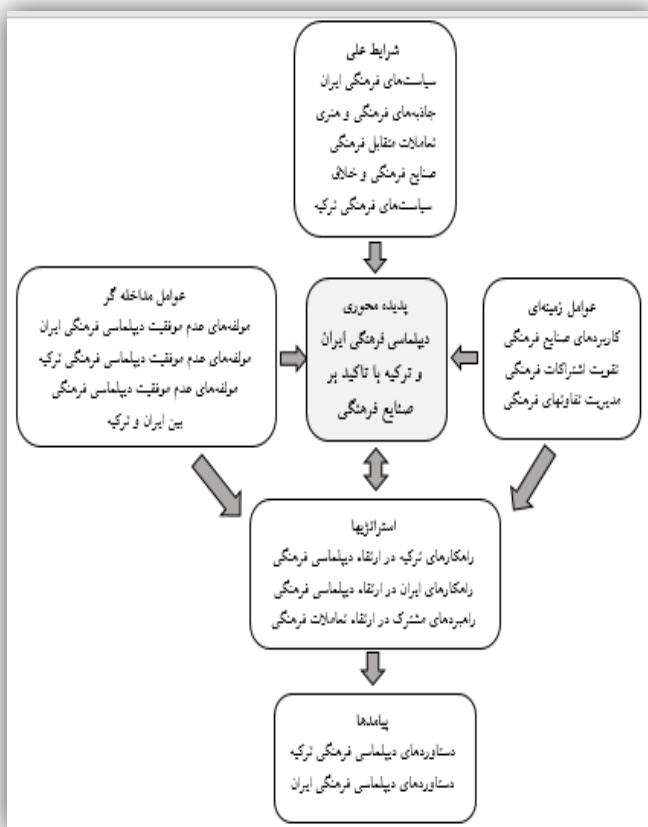


مفاهیم	مقوله
<p>۵. شاخص بودن فرشهای ترکیه به‌واسطه استفاده از طلا و تزئینات اسلیمی در آن ۶. موفقیت ترکیه در تولید کفپوش ماشینی و دستباف ۷. موفقیت ترکیه در تولید موکت و چمن مصنوعی ۸. پیشتازی ترکیه در صادرات فرش به ایران ۹. اصالت و گران قیمتی فرش دستباف ترک در فرهنگ ترکیه ۱۰. موفقیت سرمایه‌گذاری ترکیه در صنعت توریسم و گردشگری ۱۱. موفقیت ترکیه در صنعت نساجی، بافت پارچه و پوشاک مدرن ۱۲. پیشی گرفتن ترکیه در توسعه صنایع دستی از ایران به‌واسطه خلاقیت ۱۳. برتری ترکیه در فروش محصولات صنایع دستی با استفاده از فناوری‌های وب ۱۴. موفقیت صنایع دستی ترک به‌واسطه نگاه توأمان اقتصادی فرهنگی ۱۵. تعدد و تکثر رسانه در ترکیه نسبت به ایران ۱۶. وجود رسانه‌های نیمه‌دولتی در ترکیه در کنار رسانه‌های دولتی</p>	
<p>۱. کسب جوایز بین‌المللی توسط سینماگران ایرانی ۲. رضایت مشتریان بین‌المللی از طراحی فرش‌های ایرانی ۳. جایگاه شاخص ایران از نظر کیفیت و اصالت هنرهای سنتی ۴. محبوبیت صنایع دستی ایران برای گردشگران خارجی ۵. تمایز و کسب اعتبار صنایع دستی ایران به‌واسطه اصالت فرهنگی ۶. اطلاق سینمای معناگرا به صنعت فیلمسازی ایرانی ۷. تعلق ۱۴ شهر صنایع دستی به ایران ۸. ثبت ۳۰۰۰ گونه مختلف هنری در ایران به روایت کارشناسان</p>	افتخارات ایران
<p>۱. اختصاص ۶۵ درصد تولید فرش ماشینی جهان به ترکیه ۲. کسب عنوان صادر کننده پیشرو فرش ماشینی جهان توسط ترکیه ۳. موفقیت ترکیه در فروش صنایع دستی به مصرف کنندگان خارجی ۴. کسب رتبه اول صادرات فرش ماشینی توسط ترکیه ۵. اطلاق لقب ترکیه خلاق به‌واسطه عملکرد در صنایع دستی این کشور ۶. کسب جایگاه برتر منطقه در حوزه رسانه به‌واسطه تنوع کانال‌های رسانه‌ای</p>	افتخارات ترکیه

نمودار شماره ۵ مقایسه پیامدهای کاربرد راهبردهای فرهنگی دو کشور است که نشان می‌دهد علیرغم کاستی‌های فراوان در بدنه فرهنگی ایران، به جز دستاوردهای سینمایی، ایران در مؤلفه‌های دستاوردهای هنری و کسب افتخارات فرهنگی نسبت به ترکیه برتری دارد. البته در حوزه رسانه، ترکیه به‌دلیل داشتن رسانه‌های متعدد دولتی و نیمه‌دولتی، از ایران پیشتاز است.



نمودار ۵: پیامدهای به‌کارگیری راهبردهای پیشنهادی



شکل ۱: مدل خلاصه شده تحقیق

نتیجه‌گیری

این پژوهش در تجزیه و تحلیل نوع رفتار و تعاملات ایران و ترکیه با یکدیگر بر مبنای هستی‌شناختی سازه‌انگاری از یک سو و کارایی صنایع فرهنگی به‌عنوان یکی از اصلی‌ترین مؤلفه‌های قدرت نرم از سوی دیگر مبتنا دارد. در تعمیم شاخص‌های نظریه سازه‌انگاری به روابط ایران و ترکیه می‌توان گفت که ذهنیاتی که در عرصه بین‌الملل از سیاست‌های یک کشور وجود دارد، در واقع ساخته عملکرد دولت می‌باشد. هر کنش یا واکنشی در قبال مسائل بین‌المللی، سیگنالی را برای کشورهای دیگر ارسال می‌کند که نشان‌دهنده موضع انجام‌دهندگان آن است. ایران تلاش نموده با اتکا به مبنای دین مبین اسلام و تلفیق آن با فرهنگ و تمدن ایرانی، هویت خود را باز تعریف نموده و با استفاده از قدرت رسانه‌های جمعی (صداوسیما و غیر صداوسیما) به اطلاع کشورهای دیگر برساند. صنایع فرهنگی در حوزه قدرت نرم از ابزار مهمی هستند که دستیابی به این هدف را تسهیل می‌نمایند. نمایش فیلم‌های معناگرای ایرانی در جشنواره‌های سینمایی، شرکت در نمایشگاه‌های کتاب بین‌المللی، شرکت در جشنواره‌های موسیقی، اجرای تئاتر در زمینه‌های مختلف، توسعه صنعت گردشگری از مصادیق این کاربردهاست. در کنار مواردی که کم‌وبیش حوزه صنایع فرهنگی را پوشش می‌دهند توجه به نقش بی‌بدیل صدا و سیما ضروری به نظر می‌رسد. در واقع به‌واسطه رسانه می‌توان تمامی عناصر فرهنگی را به کشورهای دیگر ارائه نمود.

لازم به ذکر است در بررسی مطالعاتی که در این زمینه انجام شده (پیشینه پژوهش)، هیچیک بر کارایی صنایع فرهنگی در ارتقاء دیپلماسی فرهنگی تاکید ننموده و این مطلب مهم به نوعی مغفول مانده است. این پژوهش در صدد بود ظرفیت‌های صنایع فرهنگی را در بهبود و گسترش تعاملات فرهنگی بین ایران و ترکیه برجسته نموده و نقاط ضعف و قوت آن را شناسایی نماید. با توجه به مدلی که از تجزیه و تحلیل داده‌های حاصل از مصاحبه‌ها به دست آمده مشخص است که ترکیه از چه روش‌هایی در راستای موفقیت دیپلماسی فرهنگی خود بهره برده و همچنین ایران در چه زمینه‌هایی نقطه ضعف و قوت دارد. در یک جمع‌بندی کلی می‌توان گفت دولت‌ها می‌توانند با استفاده از قدرت نرم، منویات مورد نظر خود را از طرق مسالمت‌آمیز و غیرمستقیم به جامعه بین‌الملل القاء نمایند. از آنجائی که فرهنگ با سرشت بشر پیوند ناگسستنی و مستحکمی دارد، استفاده از فاکتورهای فرهنگی و مدیریت آنها می‌تواند اثر بخشی قابل ملاحظه‌ای در پذیرش سیاست‌های منطقه‌ای از سوی دولت‌های دیگر داشته باشد. ج.ا.ا. ایران نیز



با اتکاء به پیشینه فرهنگی، دینی و تمدنی خود، سیاست‌هایی را در عرصه بین‌الملل دنبال می‌نماید که مبتنی بر شناساندن چهره فرهنگی کشور بوده و نشان‌دهنده صلح‌طلبی و رفتار مسالمت‌آمیز با دولت‌های منطقه و همچنین جلوگیری از موفقیت دشمنان در تصویرسازی نادرست از نظام و سیاست‌های خارجی ج.ا.ایران می‌باشد.

پیشنهادهای کاربردی و رسانه‌ای

۱. با توجه به قدرت رسانه در تبیین سیاست خارجی و ارائه تصویر صحیح از هویت یک کشور، پیشنهاد می‌شود کارگروهی متشکل از سیاست‌مداران، متولیان فرهنگی کشور و اصحاب رسانه به‌طور تخصصی اهداف سیاست خارجی ج.ا.ایران را از طریق رسانه‌های درون مرزی و برون مرزی و از طریق رسانه‌های جدید مثل اینترنت و ماهواره تشریح نمایند.
۲. با توجه به ظرفیت شبکه‌های تلویزیونی و رادیویی برون مرزی مثل «سحر» و «سحاب»، پیشنهاد می‌شود جهت ارتقاء ذائقه مخاطبان در راستای توجه به هویت ج.ا.ایران و مقابله با ایران‌هراسی، برنامه‌هایی با اهداف بلندمدت را استمرار دهند تا توطئه‌های دشمنان را خنثی نماید.
۳. از نقاط ضعف ایران در تعاملات فرهنگی با ترکیه، کمبود رسانه‌های ویژه در این حوزه است. بر این اساس پیشنهاد می‌شود رادیو استانبولی برون مرزی توسعه یابد و همچنین تلویزیون استانبولی در یک سطح کیفی بالا و همسان با رسانه‌های ترکیه راه‌اندازی شود. همچنین حضور برون مرزی صداوسیما در پلتفرم‌های اینترنتی در انعکاس اهداف ایران به طرف ترکی و تنویر افکار عمومی ترکیه مؤثر است.
۴. با توجه به جاذبه‌های تاریخی، فرهنگی و تمدنی ایران و ظرفیت بسیار در رونق صنعت گردشگری، پیشنهاد می‌شود برون مرزی صداوسیما به نحو مقتضی مستندهایی را در معرفی صنعت گردشگری ایران تهیه و در پلتفرم‌های موجود به نمایش بگذارد.
۵. برون مرزی صداوسیما می‌تواند در انجام تورهای مجازی از طبیعت ایران در تلویزیون ملی ج.ا.ایران، انجام تورهای مذهبی مجازی از مکان‌های زیارتی و موزه‌گردی مجازی در حوزه ترکیه، پیشرو باشد.

۶. پیشنهاد می‌شود با ابتکار برون‌مرزی صداوسیما، باشگاه رسانه‌ای متشکل از رسانه‌های دولتی و نیمه‌دولتی ترکیه و ایران برای ترویج فرهنگ مشترک و معرفی کالاهای فرهنگی مشروع دو کشور در یکدیگر تشکیل شود.
۷. ردیف بودجه جهت حمایت از صنایع خلاق و استارت‌آپ‌های صنایع دستی و فرهنگی توسط سازمان‌های مرتبط اختصاص یابد.
۸. سازمان فرهنگ و ارشاد اسلامی در انتخاب متولیان امور فرهنگی و همچنین سفیران و رایزنان فرهنگی بر اساس دانش و توانمندی‌های تخصصی‌بازنگری نماید.
۹. متولیان سیاست‌گذاری‌های کلان فرهنگی در راستای دستیابی به یک رویه واحد، از موازی-کاری و هدررفت منابع جلوگیری نمایند.
۱۰. جلسات مشترک بین متولیان سیاست خارجی و متولیان فرهنگی و رسانه‌ای کشور جهت تبیین نقش فرهنگ در سیاست خارجی برگزار شود.
۱۱. دولت با تسهیل صادرات کالاهای فرهنگی و حذف بروکراسی اداری از تولیدکنندگان آثار فرهنگی، هنری و رسانه‌ای حمایت نماید.

منابع و مأخذ

- ازغندی، علیرضا (۱۳۸۳). *سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران*. چاپ دوم، تهران: قومس.
- استراوس، آنسلم و کوربین، جولیت (۱۳۹۲). *مبانی پژوهش کیفی: فنون و مراحل تولید نظریه زمینه‌ای*. چاپ سوم، ترجمه ابراهیم افشار، تهران: نشر نی.
- بازرگان هرندی، عباس (۱۳۸۷). *روش تحقیق آمیخته: رویکردی برتر برای مطالعات مدیریت*. دانش مدیریت، (۸۱)، ۲۱-۱۹، ۳۶.
- بصیری، محمدعلی، موسایی، علی، و ایزدی، امیرمحمد (۱۳۹۹). *مقایسه دیپلماسی فرهنگی ایران و ترکیه در آسیای مرکزی، جستارهای سیاسی معاصر*، (۱۱(۲)، ۶۳-۲۹.
- تاووز، روث (۱۳۹۵). *درآمدی پیشرفته بر اقتصاد فرهنگ*. تهران: تیسرا.
- تقی‌پور، عادل (۱۳۹۶). *سازمان‌گاری و مطالعه ایران و فرهنگ در سیاست جهانی. مطالعات روابط فرهنگی بین‌المللی*، (۵)، ۳، ۷۳-۹۴.
- جعفری، محمدتقی (۱۳۷۹). *فرهنگ پیرو فرهنگ پیشرو*. تهران: مؤسسه تدوین و نشر آثار علامه.
- جوادی ارجمند، محمدجعفر (۱۳۹۲). *تاثیر جهانی شدن فرهنگ بر جایگاه دیپلماسی عمومی در سیاست خارجی ایران. مطالعات انقلاب اسلامی*، شماره ۳۴، ۱۶۳-۱۸۰.

چیانی، فروز (۱۳۹۴). «دیپلماسی فرهنگی ایران و ترکیه در آسیای مرکزی از فروپاشی شوروی ۱۹۹۱ تا ۲۰۱۴». پایان‌نامه کارشناسی ارشد، مشهد: دانشگاه فردوسی مشهد، دانشکده علوم اداری و اقتصادی، گروه علوم سیاسی.

خضری، رویا (۱۳۸۸). جایگاه فرهنگ در نظریه‌های بین‌الملل. *رهیافت انقلاب اسلامی*، ۱۰، ۷۷-۹۰. دانایی فرد، حسن، و اسلامی، آذر (۱۳۸۹). کاربرد نظریه داده بنیاد در عمل: ساخت نظریه بی‌تفاوتی سازمانی. تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق.

رجیبی، محمد، و عساری، احمدرضا (۱۴۰۰). منابع، اهداف و ابزارهای دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران. *فصلنامه مطالعات قدرت نرم*، (۲)، ۱۱، ۱۰۵-۱۲۳. رحمانی تیرکلایی (۱۴۰۲). دیپلماسی فرهنگی ایران به مثابه قدرت نرم. *مطالعات قدرت نرم*، (۳)، ۱۳، ۵۱-۶۶.

رسولی ثانی‌آبادی، الهام (۱۳۹۱). بررسی هویت نظام جمهوری اسلامی ایران از منظر سازه‌انگاری. *علوم سیاسی*، (۵۸)، ۱۵، ۱۷۷-۲۰۰.

رضایی، علیرضا، و ترابی، قاسم (۱۳۸۹). تبیین جایگاه فرهنگ در نظریه‌های سیاست و روابط بین‌الملل: فرهنگ به‌عنوان عرصه‌ای برای تعامل یا تقابل. *علوم سیاسی*، شماره ۱۳، ۵۳-۸۲. رنجکش، محمدجواد (۱۳۹۸). بررسی تطبیقی دیپلماسی فرهنگی ایران و ترکیه در آسیای مرکزی. *سیاست و روابط بین‌الملل*، سال دوم، ۶۹-۸۴. دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۲۵). لغتنامه دهخدا.

عسگری، محمود (۱۳۸۹). رویکردی انتقادی به نظریه قدرت نرم. *راهبرد دفاعی*، (۲۸)، ۸، ۶۱-۸۶. کولایی، الهه، و باقری، یوسف (۱۳۹۹). چالش‌های دیپلماسی فرهنگی ایران و ترکیه در آسیای مرکزی. *مطالعات اوراسیای مرکزی*، (۲)، ۱۵، ۲۸۹-۳۱۳.

کیقبادی، مرضیه. فخراپی، مرضیه. علوی، سارا. زواری، عبدالمجید (۱۳۸۷). از صنایع فرهنگی تا صنایع خلاق، شناخت صنعت فرهنگی، اندیشکده صنعت و فناوری (آصف)، اداره تبلیغات اسلامی، قم. محسنی تبریزی، علیرضا (۱۳۹۵). روش تحقیق کیفی در مکاتب تفسیری. تهران: نشر اطلاعات. مشفق، زهرا (۱۴۰۰). نگاهی بر ابعاد و دستاوردهای دیپلماسی اقتصادی و فرهنگی در کشور ترکیه. *ماهنامه علمی‌امنیت اقتصادی*، (۱۱)، ۹، ۷۱-۹۴.

منیری، مهدی، صالحی امیری، سیدرضا، و چاوش‌باشی، فرزانه (۱۳۹۷). ارائه استراتژی مناسب دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران مبتنی بر مقایسه تطبیقی ایران و ترکیه، *مطالعات فرهنگ ارتباطات*، (۴۱)، ۱۹، ۱۲۱-۱۴۹.



- Akif Kumral, M. (2020). Introduction: Historical Psychology of Turkey-Iran Neighborhood Relations, In book: *Exploring Emotions in Turkey-Iran Relations*, 1-67. DOI: 10.1007/978-3-030-39029-7_1
- Brydges, T. (2024). *The Future of Creative Industries and Labour*. Bristol university press. Pp 327-339. DOI: 10.51952/9781529220599.ch025
- Charles, S. (2024). The Role of Soft Power in International Relations. *International Journal of Political Science Studies*, 1(1), 25–35.
- Cummings, Milton C. (2003). *Cultural Diplomacy and the US Government: A Survey*. Washington DC: Centre for Arts and Culture.
- Donelli, F. (2019). Persuading through Culture, Values, and Ideas: The Case of Turkey's Cultural Diplomacy, *Insight Turkey*, 21(3), 113-134. DOI: 10.25253/99.2019EV.04
- Fares, A. (2024). The Evolution and Impact of Constructivism in International Relations Theory. *Journal of International and Prospective Studies*, 1(1), 190-230. <https://oj.uit.ac.ma/index.php/jips/article/view/47>
- Grincheva, N. (2023). The past and future of cultural diplomacy. *International Journal of Cultural Policy* 30(1):1-20. DOI:10.1080/10286632.2023.2183949
- Hopf, Ted (1998). The Promise of Constructivism in International Relations Theory. *International Security* 23(1), 171-200.
- Lapid, Yosef (2007). The Third Debate: On the Prospects of International Theory in a Post-Positivist Era. *International Studies Quarterly* 33(3), 235-254
- Nye, J.S. (2004). *Soft power: the means to success in world politics*. New York: public affairs.

بررسی مبانی حقوقی ورود شورای امنیت به مباحث حقوق بشر دوستانه بین‌المللی (با ارائه پیشنهاد‌های رسانه‌ای)

سید حسام‌الدین لسانی^۱

چکیده

شورای امنیت به‌عنوان مجری حفظ صلح و امنیت بین‌المللی در ساختار سازمان ملل متحد عمل می‌کند. با توجه به ممنوعیت توسل به زور در منشور ملل متحد در ابتدا تصور وجود داشت که ورود شورا به مسئله حقوق بشر دوستانه بین‌المللی (IHL) به منزله مشروعیت جنگ است. به همین دلیل شورای امنیت تا پیش از ۲۰ سال پس از آغاز فعالیتش به IHL ورود پیدا نکرد. عملکرد شورا پس از این زمان هم حاکی از آن است که این رکن با ایجاد ارتباط میان صلح و امنیت بین‌المللی و مسئولیت حمایت، از یک سو و IHL از سوی دیگر نگاهی ویژه به این حقوق دارد. با توجه به افزایش نقش رسانه‌های بین‌المللی در پوشش اخبار، خصوصاً اخبار مربوط به درگیری‌های مسلحانه، شورای امنیت نیز از تأثیر رسانه‌ها در واکنش به موارد نقض حقوق بشر دوستانه مصون نمانده است. در این مقاله سعی شده است که به این سؤال پاسخ داده شود که شورای امنیت چگونه در روند رشد و نمو IHL نقش آفرینی کرده است و با موضوع‌گیری‌های خود در مواردی حتی حقوق مذکور را نقض کرده است؟ این مقاله با روش توصیفی و استدلالی و با استناد به منابع مختلف کتابخانه‌ای و اسناد بین‌المللی به این نتیجه می‌رسد که هر چند شورا در مواردی به دلیل ساختار خود یا منافع اعضای دائم این شورا واکنش مناسبی به موارد نقض حقوق بشر دوستانه نشان نداده است اما با گذشت زمان و نقش آفرینی بیشتر رسانه‌ها، نسبت به قبل به موضوعات حقوق بشر دوستانه توجه بیشتری پیدا کرده است.

کلیدواژه‌ها: شورای امنیت، قطعنامه، حقوق بشر دوستانه بین‌المللی، غیر نظامیان، صلح و امنیت بین‌المللی، رسانه‌های جهانی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۶/۰۸ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۰/۰۳

۱. دانشیار گروه حقوق، دانشگاه حضرت معصومه (س)، قم، ایران. h.lesani@hmu.ac.ir

DOI: 10.22034/imrl.2024.414071.1199



مقدمه

حقوق بشردوستانه بین‌المللی^۱ (IHL) مجموعه قواعد حاکم بر درگیری‌های مسلحانه است و مخاصمات مسلحانه بین‌المللی و همچنین غیر بین‌المللی را شامل می‌گردد. با توجه به تعداد فراوان درگیری‌های مسلحانه در خلال قرن بیستم، شاهد رشد و توسعه روز افزون این بخش از حقوق بین‌الملل، خصوصاً از دوران پس از جنگ جهانی دوم هستیم. قواعد IHL که زمانی شامل تنها تعداد اندکی بیانیه و اعلامیه بود امروزه رشدی فزاینده کرده است و در زمینه حقوق قراردادی و همچنین حقوق عرفی ارتقا یافته است. از سوی دیگر نقش سازمان ملل متحد در تحولات پس از جنگ جهانی دوم غیرقابل انکار است. در این نهاد بزرگ بین‌المللی نقش سیاسی شورای امنیت در تحولات بین‌المللی نقشی رو به رشد بوده است؛ به نحوی که این شورا در موارد بسیاری از محدوده منشور ملل متحد خارج شده و برای تحقق هدف و وظیفه اصلی خود یعنی حفظ صلح و امنیت بین‌المللی اقدام به توسعه حدود اختیارات مندرج در منشور ملل متحد نموده است. امروزه این شورا به قدری به مباحث حقوق بشردوستانه ورود پیدا کرده که شاید بی‌توجهی گذشته به این موضوع را به فراموشی سپرده است.

شورای امنیت تنها رکن سازمان ملل است که مطابق منشور، هیچ اختیار صریحی در خصوص حقوق بشر و حقوق بشردوستانه ندارد چرا که در زمان ایجاد منشور ملل متحد حقوق بشر یک مسئله داخلی برای دولت‌ها محسوب می‌شد و لذا خارج از حدود اختیارات این شورا بود. در این دوران امنیت نیز به مفهوم امنیت دولتی بود و جدای از مباحث حقوق بشری و حقوق بشردوستانه در نظر گرفته می‌شد. قابل توجه است که شورا در خلال جنگ سرد در بیشتر اوقات به دلیل استفاده فراوان دو ابرقدرت از حق وتو در خصوص مسائل حقوق بشردوستانه قادر به اتخاذ تصمیم نبود.

واکنش مثبت شورای امنیت به مباحث IHL از دهه ۹۰ میلادی و با تأسیس دو دیوان بین‌المللی کیفری یوگسلاوی سابق و رواندا آغاز گردید. با گذشت زمان، میزان توجه شورا به این موضوع افزایش یافت و نهایتاً در بحران سوریه و توجه ویژه به وضعیت رعایت IHL در این کشور درگیر جنگ داخلی به اوج خود رسید. علیرغم عدم توافق برخی اعضای دائم شورای امنیت در صدور قطعنامه در خصوص وضعیت سوریه، بحران مزبور را می‌توان یکی از نشانه‌های حساسیت این شورا به مسائل IHL دانست؛ هرچندکه در عمل به موفقیت چشمگیری در آن

1. International Humanitarian Law



دست نیافت. با توجه به اینکه امروزه نقش این شورا در توسعه و اجرای IHL به عنوان بخشی که منشور ملل متحد به آن نپرداخته است را نمی‌توان انکار کرد در این مقاله سعی ما بر این است که به این سؤال پاسخ دهیم که شورای امنیت چگونه در روند رشد و نمو IHL نقش‌آفرینی کرده است؟ در پاسخ به این سؤال به دنبال تحلیلی دقیق از عملکرد شورای امنیت خواهیم بود و با بررسی رویه و عملکرد این شورا در پرونده‌های مختلف سعی در رسیدن به یک ارزیابی از این موضوع داریم. در این راستا پس از بررسی روند تاریخی ورود شورا به مباحث حقوق بشردوستانه، تهدید علیه صلح را به عنوان مستمسک شورا برای ورود به مباحث حقوق بشردوستانه مورد ارزیابی قرار خواهیم داد و سپس به نقش عرف بین‌المللی برای هدایت شورا به سمت مسائل حقوق بشردوستانه می‌پردازیم. در ادامه پس از بررسی نقش مسئولیت حمایت به عنوان محرک شورا برای ورود به مباحث حقوق بشردوستانه در سالیان اخیر، به تأثیر رسانه‌ها بر ورود شورا به مباحث حقوق بشردوستانه خواهیم پرداخت و نهایتاً چند نمونه از موضع‌گیری‌های شورا در خصوص مسائل حقوق بشردوستانه را مورد اشاره قرار خواهیم داد.

پیشینه پژوهش

بررسی و جستجو در منابع مختلف حقوق بین‌الملل حاکی از آن است که اکثر منابع مختلف فارسی و انگلیسی تنها به بخش خاصی از رویکرد شورای امنیت نسبت به IHL پرداخته‌اند و سعی در تحلیل همان بخش خاص داشته‌اند. تنها در زبان انگلیسی یک مقاله (نوشته رابرت کرایر^۱ مذکور در ردیف ۴ این مبحث) توسط نگارنده یافت شد که نگاهی کلی و جامع به موضوع ورود شورای امنیت به مباحث IHL داشته است. البته مقاله اخیرالذکر موضع‌گیری‌های شورای امنیت بین سال ۱۹۹۰ تا ۲۰۰۶ را بررسی نموده است و بازه زمانی محدودی را شامل می‌شود و نگاهی مبتنی بر تحلیل حقوقی این موضوع ندارد. در ادامه به معرفی این آثار می‌پردازیم.

جدول ۱. پیشینه پژوهش

سال تألیف	محور اصلی	نویسندگان	عنوان	ردیف
۱۳۹۶	دیدگاه شورای امنیت در اجرای دکترین مسؤولیت حمایت. دکترین مسؤولیت حمایت در نگاه شورای امنیت و نحوه ایجاد و رشد این دکترین و محدودیت‌های کاربرد آن در این مقاله مورد بررسی کامل قرار گرفته است.	فرزانه سیف زاده، قاسم زمانی و...	بررسی مأموریت شورای امنیت در اعمال دکترین مسؤولیت حمایت	۱
۱۳۹۹	ارزیابی استناد شورای امنیت به دکترین مسؤولیت حمایت. دکترین مسؤولیت حمایت و نقش آن در موضع‌گیری‌های شورای امنیت بطور کلی و نه خاص حقوق بشر دوستانه در این مقاله به خوبی تحلیل شده است.	رضا موسی زاده و سارا حسین زاده	ارزیابی عملکرد شورای امنیت سازمان ملل متحد در بهره‌گیری از دکترین مسؤولیت حمایت	۲
۱۳۸۹	حقوق اشغال نظامی. در قسمتهایی از این رساله رویکردهای شورای امنیت نسبت به دوران اشغال نظامی و توجه به حقوق بشر دوستانه از سوی شورا در همین دوران تحلیل شده است.	سید حسام الدین لسانی	جایگاه حقوق اشغال نظامی در حقوق بین‌الملل بشردوستانه (رساله دکتری)	۳
۲۰۰۶	شورای امنیت و واکنش‌های آن به موارد نقض حقوق بشردوستانه. این مقاله به رویکردهای بشر دوستانه شورای امنیت البته تا سال ۲۰۰۶ پرداخته است.	رابرت کرایر	The Security Council and International Humanitarian Law, in Testing the Boundaries of International Humanitarian Law	۴
۱۹۹۶	تحلیل توسل شورای امنیت به اختیارات نظامی مذکور در منشور. در	جو دیس گاردام ^۱	Legal Restraints on Security Council Military Enforcement Action	۵

1. Judith G Gardam

ردیف	عنوان	نویسندگان	محور اصلی	سال تألیف
			این مقاله صرفاً نحوه توسل شورای امنیت به ابزارهای نظامی طبق ماده ۴۲ منشور البته در صورت احراز مصادیق مذکور در ماده ۳۹ پرداخته است.	
۶	Threat to Peace: The Interpretation by The Security Council of Article 39 Of the United Nations Charter	اینگر آستردهال ^۱	تحلیل ماده ۳۹ منشور ملل متحد در احراز تهدید علیه صلح و امنیت بین-المللی. در این مقاله نویسنده به چگونگی احراز تهدید علیه صلح و امنیت بین‌المللی توسط شورای امنیت پرداخته است.	۱۹۹۸
۷	Article 39, in The United Nations Charter	فراوین جاکن و کریش نیکو ^۲	تفسیر ماده ۳۹ منشور ملل متحد. در این قسمت از تفسیر منشور، نویسنده به تعریف و ذکر مصادیق ماده ۳۹ منشور شامل تجاوز، نقض صلح و تهدید علیه صلح پرداخته است.	۲۰۰۲
۸	The Law and Practice of the United Nations	بندیتو کانفورتی و کارلو فوکارلی ^۳	تحلیل قواعد سازمان ملل متحد در مواجهه با تحولات جهانی. در این مقاله نویسنده به نقش قدرتهای جهانی در سمت و سو دادن به جهت‌گیری‌های شورای امنیت در مسائل مختلف پرداخته است.	۲۰۱۶

نوآوری پژوهش حاضر در آن است که تقریباً تمامی اقدامات شورای امنیت در حوزه IHL را شامل می‌شود و محدود به دوره زمانی خاصی نیست. از سوی دیگر نگاه این پژوهش به اقدامات شورا در حوزه IHL نگاهی حقوقی است و نه سیاسی. در حقیقت این تحقیق به دنبال آن است

1. Inger Osterdahl
 2. Frowein Jochen and Krisch Nico
 3. Benedetto Conforti and Carlo Focarelli

که مبنای حقوقی ورود شورا به مباحث حقوق بشردوستانه را علیرغم سکوت منشور در این خصوص پیدا کند و این کار تنها با بررسی مورد به مورد قطعنامه‌های شورا و دقت در خصوصاً مقدمه آنها امکان‌پذیر بود. نهایتاً نوآوری پژوهش حاضر در نگاه رسانه‌ای آن است. رسانه‌ها می‌توانند با موضع‌گیری‌های دقیق و با مبنای اولویت حمایت از انسان‌ها در زمان جنگ‌ها اعم از داخلی و بین‌المللی، شورای امنیت را وادار به استفاده از اختیارات و قدرت خود در محکومیت موارد نقض حقوق بشردوستانه و برخورد جدی با عاملان این موارد نمایند. رسانه‌های برون مرزی صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران نیز می‌توانند از پتانسیل خود در جذب مخاطبان مسلمان در سراسر جهان استفاده کنند و شورای امنیت را به حرکت در راستای حمایت از IHL و خودداری از سوء استفاده اعضای دائم این شورا از حق وتوی خود در مباحث حقوق بشردوستانه وادار نمایند.

چارچوب نظری و ادبیات پژوهش

با توجه به برخورد انفعالی منشور ملل متحد با مسائل بشری و بشردوستانه مشخص است که در ابتدای ایجاد سازمان ملل، شورای امنیت ورود خاصی به مسائل مزبور نداشته است. اگر چه عبارت «احترام به حقوق بشر» در بحث اهداف سازمان ملل در بند ۳ ماده ۱ منشور آمده است اما نه در ماده ۱ و نه در ماده ۲ منشور به حقوق و عرف‌های جنگی هیچ اشاره‌ای نشده است. عدم توجه به مسائل بشردوستانه در منشور ملل متحد می‌توانست در نتیجه نگرانی از ایجاد این تصور در ذهن جهانیان باشد که ورود منشور به مسائل مزبور ممکن است منجر به این تعبیر شود که نقض حقوق بشردوستانه به معنای عدم موفقیت سازمان ملل در رسیدن به هدف اصلی آن یعنی حفظ صلح و امنیت بین‌المللی تلقی شود و اشاره و توجه به حقوق بشردوستانه به معنای شکست اصل ممنوعیت توسل به زور، مندرج در بند ۴ ماده ۲ منشور، تفسیر گردد. به همین دلیل سازمان ملل در ۲۰ سال اول از زمان تاسیسش، به مانند حقوق بشر در اجرای IHL نیز نقشی بر عهده نگرفت. با این وجود حقوق بشر به نحوه گسترده‌ای در سازمان ملل تفسیر شده است؛ چرا که در دهه ۶۰ میلادی عبارت «حقوق بشر در مخاصمات مسلحانه» که شامل IHL هم می‌شود در کنفرانس تهران سازمان ملل در ۱۹۶۸ در مورد حقوق بشر مطرح و بعدها در چندین قطعنامه مجمع عمومی هم ذکر شد که نخستین آن‌ها قطعنامه ۲۴۴۴ در ۱۹ دسامبر ۱۹۶۸ بود. در



قطعنامه ۹/۹ (۲۰۰۸) شورای حقوق بشر صراحتاً اشاره شده است که هر رفتاری که نقض IHL باشد ممکن است نقض شدید حقوق بشر هم باشد (Bailey, 1994:29).

به طور کلی دو مبنا در ورود شورای امنیت به مباحث حقوق بشردوستانه بین‌المللی بیش از سایر عوامل مؤثر بوده است: در اوایل دهه ۹۰ میلادی مبنای اصلی شورای امنیت برای ورود به مباحث IHL استناد به تهدید علیه صلح و امنیت بین‌المللی است که به این مسئله در ادامه پرداخت خواهد شد. بعد از طرح تئوری مسئولیت حمایت در اوایل قرن بیست و یکم و پر طرفدار شدن این نظریه، از این زمان مبنای ورود شورا به مباحث حقوق بشردوستانه تئوری مسئولیت حمایت بوده است. به این موضوع نیز در ادامه مقاله پرداخته خواهد شد.

تاریخچه ورود شورا به مباحث IHL

اولین ورود شورا به مباحث IHL را می‌توان پیرو درگیری‌های اردن و اسرائیل در ژوئن ۱۹۶۷ دانست که شورای امنیت در راستای آن قطعنامه ۲۳۷ را به تصویب رسانید که در آن از طرفین درگیری خواسته شد در خلال مخاصمه مسلحانه، حقوق بشر و اصول حقوق بشردوستانه را در خصوص اسیران جنگی رعایت کنند و به تأمین امنیت و رفاه سکنه غیرنظامی بپردازند. (SC Res.237, 1967: para 1,2) این شورا همچنین در سال ۱۹۷۱ در قطعنامه ۳۰۷ اعلام کرد که طرفین درگیر در جنگ هند و پاکستان بایستی کنوانسیون‌های ژنو را رعایت نمایند (SC Res.307, 1971: para.3). شورا همچنین در سال ۱۹۷۸ در قطعنامه ۴۳۶ به طرفین درگیری در جنگ داخلی لبنان اعلام کرد که به واحدهای صلیب سرخ اجازه دهند که به مناطق درگیری دسترسی یابند، مجروحان را خارج کنند و خدمات امداد رسانی ارائه دهند (SC Res.436, 1978: para.2). این برای نخستین بار بود که کمیته بین‌المللی صلیب سرخ و حقوق متعلق به این کمیته در یک قطعنامه شورای امنیت مورد اشاره قرار می‌گرفت و همچنین برای نخستین بار بود که شورای امنیت به بحث مخاصمات مسلحانه غیر بین‌المللی ورود پیدا می‌کرد. این شورا در سال ۱۹۷۹ در قطعنامه ۴۴۶ پا را از این نیز فراتر گذاشت و ضمن لازم الاجرا دانستن کنوانسیون‌های ۱۹۴۹ ژنو در خصوص سرزمین‌های اشغال شده توسط رژیم اسرائیل و ممنوعیت شهرک‌سازی در مناطق اشغالی، مستقیماً از اسرائیل خواست که برخی ترتیبات داخلی خود را که مغایر با قواعد بین‌المللی هستند، ابطال نماید (SC Res.446, 1979: para.3).

شورای امنیت در خلال جنگ نخست خلیج فارس میان عراق و ایران (۱۹۸۰ تا ۱۹۸۸) بارها از هر دو طرف درگیری خواست که مفاد کنوانسیون های ژنو را رعایت نمایند. هرچند اولین ورود شورا به جنگ مزبور سه سال پس از آغاز درگیری‌ها در قالب قطعنامه ۵۴۰ به سال ۱۹۸۳ بود که خود حاکی از عدم علاقه این شورا به ورود به مباحث IHL و چه بسا کارشکنی برخی اعضا در آن زمان بوده است. در این قطعنامه نقض مفاد IHL و مورد هدف قرار دادن غیر نظامیان و شهرهای محل سکونت آن‌ها از سوی شورای امنیت محکوم شده است (SC Res.540,1983,para.2). نهایتاً شورا به موجب قطعنامه ۵۹۸ به سال ۱۹۸۷ از طرفین درگیری (عراق و ایران) خواست که به استفاده از سلاح شیمیایی در این مخاصمه هر چه سریعتر پایان دهند، طرفین درگیری آتش بس را بپذیرند و همچنین مفاد کنوانسیون سوم ۱۹۴۹ ژنو در خصوص اسیران جنگی را رعایت نمایند (SC Res.598,1987,preamble para.2 and para.1,3).

اما هرچه شورای امنیت در چهل سال اول فعالیتش نسبت به مسائل حقوق بشردوستانه کم‌رنگ و تقریباً انفعالی عمل کرد، جبران مافات را در دهه ۹۰ میلادی به عمل آورد. شروع توجه شورا به مباحث حقوق بشردوستانه در دهه ۹۰ را بایستی در سخنرانی رئیس این شورا در سال ۱۹۹۲ دید که اظهار داشت: «عدم وجود جنگ میان دولت‌ها به خودی خود تضمین‌کننده صلح و امنیت بین‌المللی نیست. مسائل اقتصادی، اجتماعی و اکولوژیکی و همچنین مسائل بشردوستانه هم علیرغم غیرنظامی بودن، خود تهدیدکننده صلح و امنیت بین‌المللی‌اند. اعضای سازمان ملل بایستی توجه به این امور را در اولویت کاری خود قرار دهند.»^۱ شورای امنیت در سال ۱۹۹۳ در بحران بوسنی و هرزگوین در قطعنامه ۸۰۸ نقض IHL را تهدیدی علیه صلح و امنیت بین‌المللی دانست (SC Res.808,1994,preamble para.5,6,8) و در سال ۱۹۹۴ با صدور قطعنامه ۹۵۵ که در آن سنگ بنای تشکیل دیوان بین‌المللی کیفری برای رواندا گذاشته شد، نقض حقوق بشردوستانه در خلال یک مخاصمه داخلی یعنی رواندا را تهدیدی علیه صلح و امنیت بین‌المللی دانست (SC Res.955,1994,preamble para.5) و نهایتاً در سال ۱۹۹۹ با صدور قطعنامه ۱۲۶۵ صراحتاً به بحث حمایت از غیرنظامیان در خلال مخاصمات مسلحانه پرداخت. (SC Res.1265,1999) شاید بتوان بزرگترین اقدام شورا در توجه به IHL را اقدام آن شورا در تاسیس دو نهاد قضایی دیوان بین‌المللی کیفری برای یوگسلاوی سابق و دیوان بین‌المللی کیفری برای رواندا دانست که مهمترین صلاحیت آن‌ها پیگرد جنایتکاران جنگی ناقص

1. U.N. Doc. S/PRST/1992/23500(1992)



IHL بود. توجه شورای امنیت به IHL در خلال سال های ۲۰۰۰ به بعد به شدت افزایش یافت و شورا در قطعنامه های خود صراحتاً به لزوم رعایت حقوق مزبور، خصوصاً قواعد ۱۹۰۷ لاهه و کنوانسیون های ۱۹۴۹ ژنو اشاره کرده است که نمونه بارز آن قطعنامه ۱۴۸۳ در سال ۲۰۰۳ در خصوص اشغال عراق توسط نیروهای ائتلاف است. (SC Res.1483,2003) توجه ویژه شورای امنیت به وضعیت حقوق بشر دوستانه در سوریه در خلال جنگ داخلی این کشور موضوع قطعنامه های متعددی در خلال سال های ۲۰۱۳ تا ۲۰۱۸ بوده است. شاید بتوان کمتر بحرانی را در جهان نام برد که شورای امنیت تا این حد به مسائل بشر دوستانه آن توجه خاص نشان داده باشد. یکی از آخرین اقدامات شورا در توجه ویژه به IHL صدور قطعنامه ۲۶۰۱ در سال ۲۰۲۱ با موضوع حمایت جامع از غیرنظامیان در خلال مخاصمات مسلحانه بدون نام بردن از درگیری خاصی است. هر چند شورا در درگیری های سال ۲۰۲۳ سودان نیز با صدور قطعنامه به نقض حقوق بشر دوستانه واکنش نشان داد که در ادامه به آن پرداخته خواهد شد.

استناد به «تهدید علیه صلح» توسط شورای امنیت به عنوان مبنایی برای توجه به حقوق بشر دوستانه

مطابق ماده ۳۹ منشور ملل متحد هرگاه شورای امنیت یکی از سه وضعیت تهدید علیه صلح و امنیت بین المللی، نقض صلح و امنیت بین المللی و یا تجاوز را احراز کند می تواند بر اساس اختیاراتی که در مواد ۴۰، ۴۱ و ۴۲ منشور به آن داده شده است عمل نماید و حتی تصمیمات مستلزم توسل به نیروی نظامی اتخاذ کند. مسئله این است که آیا نقض IHL می تواند به وسیله شورای امنیت تهدیدی علیه صلح محسوب شود یا خیر؟ اگرچه ایجادکنندگان منشور این مفهوم را به استفاده بین المللی از نیروی نظامی پیوند داده بودند ولی قلمرو آن به وسیله شورای امنیت رشد و توسعه پیدا کرده است (Osterdahl, 1998: 85). کاسکنمی^۱ تمایل شورای امنیت به استفاده از اختیارات سخت افزاری اش در صدور قطعنامه های الزام آور، اعمال تحریم های اقتصادی و استفاده از نیروی نظامی با هدف برقراری عدالت بین المللی را مورد توجه خود قرار داده است. او مدعی شده است که مفهوم صلح از اعمال نیروی نظامی توسط یک دولت (سخت افزاری) به هر گونه تغییر وضعیت سرزمینی در دولت دیگر (نرم افزاری) توسعه پیدا کرده و صلح به مفهوم سخت افزاری آن وابسته است (Koskenniemi, 1995: 325). می توان استدلال

1. Koskenniemi

کرد که اگرچه در اصل وظیفه اولیه شورای امنیت حفظ صلح و امنیت بین‌المللی است اما این ضرورتاً معادل مجازات هر عمل خطای بین‌المللی نیست؛ هر چند در عمل میان آن‌ها اصطکاک وجود دارد و شورا می‌تواند موارد گوناگون نقض حقوق بین‌الملل را به عنوان تهدیدی علیه صلح در نظر بگیرد. شاید چیزی که ایجاد کنندگان منشور هرگز تصور آن را هم نمی‌کردند اینکه نقض حقوق بشردوستانه را تهدید علیه صلح و امنیت بین‌المللی تلقی کنند (Jochen & Nico, 2002, para.19). با این وجود رویکرد شورا در عمل آن بوده است که نقض حقوق بشردوستانه را تهدیدی علیه صلح و امنیت بین‌المللی ارزیابی نماید. در اینجا سوال این است که آیا هر نوع از موارد نقض IHL به کیفیتی هست که تهدیدی علیه صلح در مفهوم ماده ۳۹ منشور محسوب شود یا خیر؟ هر چند شورای امنیت در تشخیص وجود چنین تهدیدی احتیاط زیادی کرده است اما صلاحیت شورا در تعیین صلاحیت خود نامحدود نیست. دیوان بین‌المللی کیفری برای یوگسلاوی سابق این مسئله را شفاف کرده است که تهدید علیه صلح فراتر از یک مفهوم سیاسی است اما تعیین این مسئله که چنین تهدیدی وجود دارد یا خیر مسئله‌ای است که احتیاط و دقت زیاد می‌طلبد، به نحوی که حداقل بایستی در چارچوب اهداف و اصول منشور باشد. (Tadic case, ICTY, 1995, para.29). طبق نظر کونفورتی عمل یک دولت اگر از نظر بیشتر دولت‌ها و مردمان آن‌ها محکوم نشود نمی‌تواند تهدید علیه صلح محسوب شود. او می‌نویسد: «درست است که هیچ کنترل قضایی مستقیمی نسبت به اعمال شورای امنیت به عمل نمی‌آید اما به نحو غیرمستقیم این کنترل اعمال می‌شود و آن هم عبارت است از اعتراض به اجرای قطعنامه شورا توسط دولت عضو از طریق سرپیچی از انجام مفاد آن قطعنامه؛ یا کنترل قضایی غیرمستقیم، زمانی که یک قطعنامه مرتبط با یک پرونده قضایی در یک محکمه ملی یا بین‌المللی مطرح می‌شود و همچنین ضرورت پذیرش اقدام شورای امنیت به وسیله جامعه بین‌المللی» (Conforti & Focareli, 2016: 177).

شاید بتوان اولین اقدام شورا در خصوص تلقی تهدید علیه صلح بودن نقض IHL را صدور قطعنامه ۶۸۸ در سال ۱۹۹۱ در خصوص کردهای عراق دانست که در آن آمده است «شورا سرکوب مردمان غیرنظامی عراقی در بخش‌های مختلف عراق از جمله مناطق کردنشین را محکوم می‌کند و این را تهدیدی علیه صلح و امنیت بین‌المللی می‌داند.» (SC Res.688, 1991, para.1) تصور ابتدایی شورا این بود که برای اینکه بخواهد نقض حقوق بشردوستانه را تهدیدی علیه صلح و امنیت بین‌المللی بداند لازم است این نقض، جنبه «فرامرزی و برون مرزی» داشته باشد. در مورد کردهای



عراق، شورا آغاز موج مهاجرت آن‌ها به کشورهای همسایه را ملاک عنصر برون مرزی بودن نقض حقوق بشر دوستانه علیه آن‌ها دانست. اما شورا بعداً بر این رویکرد خود پافشاری بیشتری نکرد و در خصوص جنگ داخلی سومالی بدون آن‌ها که به عنصر «برون مرزی» توجه داشته باشد، به تهدید علیه صلح و امنیت بین‌المللی اشاره کرد. شورا در این خصوص می‌گوید: «تراژدی انسانی ناشی از جنگ سومالی در اثر موانعی که در راه توزیع کمک‌های بشردوستانه ایجاد شده به شدت افزایش یافته است و این تهدیدی علیه صلح و امنیت بین‌المللی محسوب می‌شود» (SC Res.794,1992, preamble para.2) و «شورا در مورد وضعیت رواندا (SC Res.827,1993, preamble para.3) و سوریه (SC Res.2165,2014, preamble para.18) صادر نمود نیز این رویکرد خود را تکرار کرده است.

یکی از تلاش‌های شورا برای برقراری ارتباط میان رعایت حقوق بشر دوستانه و صلح و امنیت بین‌المللی صدور قطعنامه ۱۲۹۶ در سال ۲۰۰۰ بوده که در آن، شورا بدون اشاره به یک مخاصمه خاص و با یک دیدگاه کلی، نقض حقوق بشر دوستانه را تهدیدی علیه صلح و امنیت بین‌المللی دانست. در این قطعنامه شورا بر اهمیت دسترسی امن و بدون محدودیت پرسنل امداد رسانی به غیرنظامیان در خلال مخاصمات مسلحانه تأکید کرد و ممانعت بر سر راه چنین امداد رسانی‌هایی را تهدیدی علیه صلح و امنیت بین‌المللی دانست (SC Res.1296,2000, para.8) این قطعنامه در واقع الگوی شورا در خصوص برخورد با موانع امداد رسانی در درگیری‌ها خصوصاً مخاصمات مسلحانه غیر بین‌المللی بود. رویکرد شورا در جنگ داخلی سوریه نیز متأثر از همین قطعنامه است. شورا همین رویکرد را در قطعنامه ۱۶۷۴ نیز تکرار کرده و هدف‌گیری غیر نظامیان و سایر افراد مورد حمایت و همچنین نقض سیستماتیک، فاحش و گسترده IHL را در زمان مخاصمات مسلحانه تهدیدی علیه صلح و امنیت بین‌المللی تلقی نموده است (SC Res.1674,2006, para.26) شورا حتی در قطعنامه ۲۶۰۱ به سال ۲۰۲۱ در بحث حمایت از مدارس و اماکن آموزشی کودکان در خلال درگیری‌های مسلحانه، پرداختن به این موضوع را در راستای انجام وظیفه اصلی خود در حفظ صلح و امنیت بین‌المللی دانست (SC Res.2601,2021, preamble para.2).

شورای امنیت برای اینکه تهدید علیه صلح را در اثر نقض یک قاعده حقوق بشر دوستانه احراز کند به سلسله مراتب و اعتبار قاعده نقض شده و شدت نقض آن توجه می‌کند. آنچه از عملکرد شورا در قطعنامه‌های ۸۰۸ (۱۹۹۳)، ۹۵۵ (۱۹۹۴)، ۱۲۹۶ (۲۰۰۰)، ۱۳۱۴ (۲۰۰۰)،

۱۶۷۴ (۲۰۰۶)، ۱۷۳۸ (۲۰۰۶) و ۱۸۹۴ (۲۰۰۹) بر می‌آید آن است که نقض IHL زمانی از نظر شورا تهدید علیه صلح محسوب می‌شود که سیستماتیک، گسترده و شدید باشد. از جمله دیگر اقدامات شورا در راستای ماده ۴۱ منشور، ایجاد محاکم کیفری یوگسلاوی سابق و رواندا و همچنین ایجاد کمیسیون جبران خسارت برای عراق است. علاوه بر این شورای امنیت با تصویب قطعنامه ۱۵۹۳ در سال ۲۰۰۵ در چارچوب فصل هفتم منشور، وضعیت دارفور^۱ را به دیوان بین‌المللی کیفری ارجاع داد. (SC Res.1593,2005, para.1) دیوان‌های بین‌المللی کیفری یوگسلاوی سابق (Tadic case, ICTY, 1995, para.32) و رواندا (Kanyabashi^۲ case, ICTR, 1997, para.17) در آراء خود خاطر نشان کرده‌اند که شورا با ایجاد نهادهای قضایی برای تعقیب موارد نقض حقوق جنگ از اختیارات خود تجاوز نکرده است.

تأثیر حقوق بین‌الملل عرفی بر موضع‌گیری‌های شورای امنیت در IHL

حقوق بین‌الملل عرفی چنانکه در بسیاری از جنبه‌های حقوق بین‌الملل ایفای نقش کرده و در توسعه آن‌ها موثر بوده، سازمان‌های بین‌المللی را نیز از تأثیر خود بی‌بهره نکرده است. حقوق سازمان‌های بین‌المللی از جمله حوزه‌هایی است که عرف بین‌المللی در توسعه آن نقش آفرینی کرده است. بسیاری از اختیاراتی که امروزه برای ارکان مختلف سازمان ملل قائل هستیم نتیجه قواعد عرفی است که مفاد منشور ملل متحد را اصلاح کرده‌اند. واقعیت آن است که منشور، یک سند متعلق به سال ۱۹۴۵ است که با نیازهای امروزه تطابق چندانی ندارد. اصلاح معاهدات به وسیله عرف‌های بین‌المللی که بعداً ایجاد شدند، یکی از واقعیت‌ها در حقوق بین‌الملل است. حقوق بین‌الملل عرفی موجب اصلاح تعدادی از مفاد منشور هم شده است. چنانکه بسیاری از اختیاراتی که امروزه برای برخی ارکان سازمان ملل متحد قائل هستیم، نتیجه تأثیر حقوق عرفی بعدی بر اختیاراتی است که در منشور برای آن‌ها تصریح شده است (صابری انصاری، ۱۳۹۴: ۱۷۸).

یکی از قواعد قراردادی تبدیل شده به قواعد عرفی که امروزه از پذیرش بالایی برخوردار است ماده یک مشترک کنوانسیون‌های ژنو ۱۹۴۹ است که به موجب آن دول متعاقد مکلف

۱. دارفور (Darfur) منطقه‌ای در غرب سودان است که از سال ۲۰۰۳ درگیر مناقشات مختلفی بوده است و بیش از دویست هزار نفر در این مناقشات جان باخته‌اند.

۲. جنگ داخلی رواندا، یک جنگ داخلی در رواندا بود که یک طرف آن، نیروهای مسلح رواندا به‌عنوان نماینده‌ی حکومت وقت رواندا، و طرف دیگر آن شورشی‌های جبهه‌ی وطن‌پرستان رواندا بود. این جنگ از ۱ اکتبر ۱۹۹۰ تا ۱۸ ژوئیه ۱۹۹۴ در جریان بود و منجر به مرگ و آوارگی صدها هزار نفر گردید.



می‌گردند نه تنها خود کنوانسیون‌های حاضر را اجرا کنند بلکه بایستی اجرای آن توسط سایر دولت‌ها را هم تضمین نمایند. واقعیت آن است که سازمان ملل، عضو کنوانسیون‌های ژنو نیست اما دیوان کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی سابق خاطر نشان کرده است که ماده یک مشترک یک اصل کلی است که نه فقط برای دولت‌ها بلکه برای سایر نهادهای بین‌المللی از جمله سازمان ملل هم یک تکلیف ضروری ایجاد می‌کند. (Tadic case, ICTY, 1995, para. 93)

اگرچه به طور ضمنی نمی‌توان این ماده را «تعهد به اقدام» تعبیر کرد اما مفاد عرفی منعکس شده در ماده یک مشترک، زیرساختی حقوقی برای شورای امنیت ایجاد می‌کند تا به عنوان رکنی از منشور که اختیارات اجرایی دارد، بتواند در تمام شرایط چنین اختیاراتی را در راستای تضمین مطابقت با IHL اعمال کند؛ خواه نقض صورت گرفته موجب بی‌ثباتی صلح و امنیت بین‌المللی شود و یا خیر. علاوه بر این چنانکه برخی استدلال کرده اند شورا می‌تواند در یک زمان واحد هم به عنوان نهادی از یک سازمان بین‌المللی سنتی عمل کند؛ یعنی این نهاد به وسیله اختیاری که اعضایش به آن داده اند اهداف تعریف شده در منشور را البته در چارچوب محدودیت‌هایی که برایش مقرر شده، پیگیری می‌نماید. از سوی دیگر نهاد مذکور به عنوان یک نهاد اساسی جامعه بین‌المللی به موجب حقوق بین‌الملل عرفی برای حفاظت از تعهدات ارگا اومنس^۱ عمل می‌نماید؛ بدین معنا که اجرای اختیارات و صلاحیت‌های جدید به وسیله شورای امنیت می‌تواند به عنوان یک پدیده جدید خود را نشان دهد (Fassbender, 1998: 592).

مسئولیت حمایت به عنوان مبانی جدید برای ورود شورای امنیت به

IHL مباحث

طبق ماده ۲۴ منشور ملل متحد، مسئولیت حمایت بر صلاحیت‌های شورای امنیت در رابطه با پیشگیری از نقض حقوق بشری گسترده و مهار آن تأکید می‌کند، سعی در بالا بردن آستانه معیارهایی دارد که برای اقدام شورای امنیت لازم است، به کاهش سوءاستفاده از حق وتو کمک می‌کند. مسئولیت حمایت همچنین بیان می‌دارد که شورای امنیت نه تنها حق مداخله دارد بلکه مسئولیت دارد تا از طرف جامعه بین‌المللی مانع از جنایات جدی دولت حاکم نسبت به

۱. از تعهدات Erga Omnes به تعهدات عام الشمول در ادبیات حقوقی تعبیر شده است و تعهداتی هستند که یک دولت در مقابل نه تنها دولت مقابل خود بلکه در مقابل سایر دولت‌ها دارد. وجود این تعهدات برای نخستین در دعوای بارسلونا تراکشن مورد تأیید دیوان بین‌المللی دادگستری قرار گرفت.

غیرنظامیان شود. (سیف زاده و دیگران، ۱۳۹۶: ۵۴) برای نخستین بار دکترین موسوم به مسئولیت حمایت توسط نهادی به نام کمیسیون بین‌المللی مداخله و حاکمیت دولتی^۱ در تلاش برای ایجاد ساختاری جامع و بین‌المللی در خصوص مشروعیت مداخلات بشردوستانه به وجود آمد؛ البته آن هم در زمانی که مشروعیت مداخله بشردوستانه تبدیل به یک مسئله مناقشه‌آمیز شده بود. نوآوری کمیسیون مزبور طرح این مسئله بود که مداخله را از حقی برای یک دولت به تعهد آن دولت درباره حمایت از شهروندانش تبدیل کرد و این رویکرد از پذیرش بالایی هم برخوردار شد. کمیسیون مزبور به این نتیجه رسید که مسئولیت اولیه حمایت از جمعیت غیرنظامی بر عهده دولت متبوع آن هاست. بنابراین در جایی که یک گروه جمعیتی متحمل آسیب‌های شدید ناشی از جنگ، شورش و سرکوب می‌شود و یا در زمانی که دولت مربوطه آن‌ها قصد یا توانایی جلوگیری از افزایش این آسیب‌ها را ندارد، اصل عدم مداخله در امور داخلی کشورها به اصل مسئولیت بین‌المللی برای حمایت تبدیل می‌شود. توصیه‌نامه‌های کمیسیون مزبور در گزارش پنل عالی تهدیدها، چالش‌ها و تغییرات، مشارکت داده شد^۲ و نهایتاً کوفی عنان، دبیرکل وقت سازمان ملل، در نشست جهانی ۲۰۰۵ این مفهوم را در گزارش خود تحت عنوان «آزادی گسترده‌تر» مورد توجه قرار داد.^۳ کمیسیون مزبور به این امر باور داشت که مداخله نظامی برای حمایت از مردم یک کشور یک امر استثنایی و خارج از قاعده است. به اعتقاد این کمیسیون مداخله بایستی آخرین راه باشد و مجوز آن را بایستی شورای امنیت صادر نماید. (لسانی، ۱۳۹۸: ۲۴۵) امروزه مسئولیت حمایت به عنوان یک دکترین با اقبال گسترده پذیرفته شده و مورد استناد شورای امنیت هم قرار گرفته است. در پاراگراف ۱۳۹ سند نهایی نشست سال ۲۰۰۵ آمده است: «جامعه بین‌المللی از طریق سازمان ملل همچنین مسئولیت دارد که مطابق با فصول ۶ و ۷ منشور ملل متحد از ابزارهای مناسب دیپلماتیک، بشردوستانه و سایر ابزارهای صلح‌آمیز برای کمک به حمایت از جمعیت انسانی در مقابل جنایات جنگی، پاکسازی قومی و جنایت علیه بشریت استفاده نماید. در این چارچوب ما آماده‌ایم که اقدامات دسته جمعی را به‌شکلی فوری و قاطعانه از طریق شورای امنیت و مطابق با منشور به عمل آوریم...» (GA Res. A/60/L.1, 2005, para.139)

1. International Commission on Intervention and State Sovereignty (ICISS)

2. U.N. Doc. A/59/565: A More Secure World: Our Shared Responsibility, Report of the High-Level Panel on Threats, Challenges and Change.(2004) Available at www.un.org/secureworld/report.

3. U.N. Doc. A/59/2005 in Larger Freedom: Towards Development, Security and Human Rights for All. Report of the Secretary General(2005)



در این پاراگراف بر نقش فعال شورای امنیت در حمایت از جمعیت غیرنظامی در مقابل موارد نقض فاحش حقوق بشر دوستانه تاکید شده است.

نخستین قطعنامه‌ای که در آن شورا به این دکتترین در مباحث IHL استناد کرد قطعنامه ۱۶۷۴ در سال ۲۰۰۶ در خصوص وضعیت یمن بود که در پاراگراف ۴ آن بر مفاد پاراگراف‌های ۱۳۸ و ۱۳۹ سند نهایی نشست ۲۰۰۵ در خصوص مسئولیت حمایت از جمعیت غیرنظامی در مقابل نسل‌کشی، جنایت جنگی، پاکسازی نژادی و جنایت علیه بشریت تاکید شده است. (SC Res.1674,2006, para.4) در مقدمه قطعنامه ۱۸۹۴ در سال ۲۰۰۹ در خصوص حمایت از غیرنظامیان در خلال مخاصمات مسلحانه نیز شورا با عباراتی مشابه قطعنامه قبلی، بر دکتترین مسئولیت حمایت صحه گذاشت. (SC Res.1894,2009,Preamble para.6) شورا با صدور قطعنامه ۱۹۷۰ در سال ۲۰۱۱ در خصوص وضعیت لیبی وضعیت موجود در این کشور را با توجه به حملات گسترده علیه جمعیت غیرنظامی تهدیدی علیه صلح و امنیت بین‌المللی دانست و این قطعنامه را در چارچوب ماده ۴۱ منشور تصویب نمود و در آن بر مسئولیت دولت لیبی بر حمایت از جمعیت خود تاکید کرد (SC Res.1970,2011,Preamble para.9) و در قطعنامه ۱۹۷۳ به همه دولت‌ها اجازه داد که از طریق اقدامات ملی یا از طریق سازمان‌های منطقه‌ای برای حمایت از شهروندان نشان که در معرض حملات معمر قذافی قرار داشتند، اقدامات لازم را به عمل آورند. (SC Res.1973,2011, para.4) تنها ممنوعیت قطعنامه مذکور استفاده از نیروی زمینی در لیبی بود. شورا در بحران سوریه نیز در چند قطعنامه بر مسئولیت دولت سوریه مبنی بر حمایت از اتباعش تاکید کرده است. پاراگراف ۹ قطعنامه ۲۱۳۹ در سال ۲۰۱۴ (SC Res.2139,2014, para.9) ، مقدمه قطعنامه ۲۱۶۵ در سال ۲۰۱۴ (SC Res.2165,2014, para.12) و مقدمه قطعنامه ۲۲۵۴ در سال ۲۰۱۵ (SC Res.2254,2015,Preamble para.4) از آن جمله‌اند. از دیگر اقدامات شورا در خصوص استناد به این دکتترین قطعنامه ۲۴۶۷ مربوط به سال ۲۰۱۹ در موضوع حمایت از زنان در مقابل خشونت‌های جنسی در زمان مخاصمات مسلحانه است که در مقدمه این قطعنامه به دکتترین مسئولیت حمایت استناد شده است (SC Res.2467,2019, Preamble para.6) شورا در قطعنامه ۲۵۷۳ نیز به مسئولیت اولیه دولت‌ها در حمایت از جمعیت ساکن در قلمرو سرزمینی آن‌ها اشاره می‌کند. (SC Res.2573,2021, Preamble para.4) در این قطعنامه شورا در خلال درگیری‌های مسلحانه قوی‌ترین حمایت خود را از غیر-نظامیان بدون نام بردن از درگیری خاصی به عمل آورده است.



تأثیر رسانه‌های بین‌المللی بر توجه شورای امنیت نسبت به آی اچ ال

رسانه‌های بین‌المللی با کارکردهای اطلاع‌رسانی، آگاهی بخش و نظارتی خود موجب مطالبات جهانی برای جلوگیری از نقض حقوق بشردوستانه و در نتیجه سوق دادن شورای امنیت به ورود به این موضوع شده‌اند، هر چند که شورا در همه موارد هم ورود موفق نداشته است یا اینکه در ورود به این موضوع نیز جانب بی‌طرفی را رعایت نکرده است. در ادامه چند مصداق بین‌المللی مورد اشاره قرار می‌گیرد.

شورای امنیت در خصوص جنگ روسیه و اوکراین به دلیل موقعیت روسیه در این شورا، به عنوان عضو دائم و دارای حق وتو، تا حد زیادی ناکام مانده است. این ایراد البته نه به شورا بلکه به ساختار سازمان ملل متحد باز می‌گردد. با این وجود دیوان بین‌المللی کیفری صرفاً پنجاه روز پس از آغاز این جنگ، تحت تأثیر فعالیت گسترده رسانه‌ها و خصوصاً نشر اخبار متعدد در مورد نقض حقوق غیر نظامیان و حملات متعدد به مناطق مسکونی، به این موضوع واکنش نشان داد و برای ولادیمیر پوتین، رئیس جمهوری روسیه و یکی از دستیارانش، به اتهام جنایت جنگی در قالب انتقال اجباری کودکان اوکراینی به خاک روسیه، قرار جلب بین‌المللی صادر کرد (Selvarajah & Fiorito, 2023: 761). اما علیرغم ارتکاب جنایات بین‌المللی از جمله جنایت جنگی و نسل‌زدایی توسط رژیم اسرائیل در غزه در ۲۰۲۳، دیوان بین‌المللی کیفری از اقدام مشابه علیه بنیامین نتانیاهو، نخست وزیر رژیم صهیونیستی، خودداری کرد.

پوشش گسترده اخبار مربوط به نقض حقوق بشردوستانه در جنگ سوریه توسط رسانه‌های مختلف بین‌المللی و منطقه‌ای از جمله الجزیره خصوصاً در مورد محدود سازی ارسال کمک‌های بشردوستانه، استفاده از سلاح‌های کشتار جمعی و آسیب فراوان به کودکان و غیرنظامیان، شورای امنیت را وادار کرد چند بار در قالب صدور قطعنامه‌های فصل هفتمی در مورد محکومیت نقض حقوق بشردوستانه در سوریه واکنش نشان دهد که در مباحث مختلف این مقاله، به مواردی از آن اشاره قرار شد (Doucet, 2018: 142). در بحران سوریه، شورای امنیت بارها در قبال جنایات گروه‌های تکفیری سکوت کرد. فجایع رخ داده در جنگ یمن نیز از چشم خبرنگاران رسانه‌های بین‌المللی دور نمانده است و رسانه‌ها نه فقط موارد متعدد نقض حقوق بشردوستانه در قالب کشتار مردم غیرنظامی بی‌دفاع و انسداد مسیر کمک‌های بشردوستانه و در خطر قحطی قرار گرفتن سیزده و نیم میلیون نفر را خبررسانی کردند بلکه ارسال تسلیحات کشتار جمعی از سوی دولت‌های غربی به عربستان سعودی را هم محکوم نمودند و خواهان محکومیت جهانی در این



مورد شدند. این موارد از چشم شورای امنیت هم دور نمانده و شورا را وادار به واکنش و صدور بیش از پانزده قطعنامه نموده است (Philp, 2022: 2).

علیرغم تحقق فاجعه انسانی در منطقه قراباغ در سال ۲۰۲۳، محدودسازی مسیر ارسال کمک‌های انسانی برای مردم این منطقه و با وجود انعکاس این وضعیت در رسانه‌های مختلف بین‌المللی، شورای امنیت نسبت به این امر واکنش محکمی نشان نداده است.

فجایع رخ داده در جنگ غزه در اواخر سال ۲۰۲۳ مورد توجه بسیاری از رسانه‌ها در سطح جهان قرار گرفت و تلاش رسانه‌های رژیم اسرائیل برای وارونه جلوه دادن حقایق راه به جایی نبرد و بجز تعداد بسیار اندکی از کشورها، قتل عام‌های گسترده غیرنظامیان خصوصاً زنان و کودکان در نوار غزه و حملات متعدد به بیمارستان‌ها که از چشم رسانه‌های بین‌المللی دور نماندند محکومیت بین‌المللی این رژیم را در پی داشت.

۱. مصادیق اقدامات شورای امنیت در راستای IHL

با کاوشی در قطعنامه‌های شورای امنیت به این برآورد خواهیم رسید که ورود شورا به مباحث IHL در قالب‌های متفاوتی انجام شده است که در ادامه به این موضوع خواهیم پرداخت.

۱-۱. درخواست از دول عضو برای تصویب و انتشار قواعد IHL

شورای امنیت در چندین قطعنامه از دولت‌ها خواسته است که اقدام به تصویب، اجرا و انتشار معاهدات مربوط به IHL نمایند. قطعنامه ۱۲۶۵ مربوط به سال ۱۹۹۹ نخستین قطعنامه‌ای است که صراحتاً به بحث حمایت از غیرنظامیان در مخاصمات مسلحانه می‌پردازد. در بخشی از این قطعنامه آمده است که: «شورای امنیت به تمامی دولت‌هایی که تاکنون اقدامی برای تصویب اسناد مهم IHL انجام نداده‌اند اعلام می‌کند که اقدامات قانونگذاری، قضایی و اداری لازم را برای اجرایی کردن این اسناد در سطح داخلی به عمل آورند» (SC Res.1265,1999, para.5).

شورا همچنین در قطعنامه ۱۶۷۴ سال ۲۰۰۶ به نقش آموزش در جلوگیری از سوءاستفاده و نقض حقوق غیرنظامیان و بکارگیری کودکان در خلال مخاصمات مسلحانه اشاره کرده (SC Res.1674,2006, para.7) و از نیروهای حافظ صلح و سایر مأموریت‌های ملل متحد می‌خواهد که اطلاعات خود در ارتباط با حقوق بشردوستانه و حقوق بشر را میان مردم منتشر نمایند. (Ibid, para.17) با توجه به نقش مهم رسانه‌ها در امر آموزش همگانی، رسانه‌ها می‌توانند با تهیه برنامه‌های آموزشی در مورد حقوق بشردوستانه به تحقق اهداف این قطعنامه شورا کمک

شایانی نمایند. توجه به آموزش حقوق بشر بحث جدیدی نیست و به اواخر قرن بیستم باز می‌گردد اما آموزش حقوق بشردوستانه مبحث نسبتاً جدیدی است که رسانه‌ها در تحقق آن نقش مؤثری دارند.

۲-۱. رعایت قواعد IHL به طور کلی

شورای امنیت در تعدادی از قطعنامه‌ها از دولت‌ها خواسته است که به قواعد IHL احترام بگذارند. در اوایل دهه ۹۰ میلادی شورا به جای عبارت «اعلام می‌کند» که قبلاً در قطعنامه‌هاش استفاده می‌کرد، شروع به استفاده از عبارت «تقاضا می‌کند» و یا «می‌خواهد» نموده است. چنین تغییر رویه‌ای را می‌توان در قطعنامه‌های کلی که ارتباطی با یک مخاصمه خاص ندارند و حتی برخی قطعنامه‌های مرتبط به یک مخاصمه خاص مشاهده کرد. یک نمونه مناسب در این خصوص باز هم قطعنامه ۱۲۶۵ مربوط به سال ۱۹۹۹ است که در آن آمده است: «شورای امنیت از تمامی طرف‌های مرتبط «می‌خواهد» که به طور دقیق به تعهدات خود در قبال IHL، حقوق بشر بین‌المللی و حقوق پناهندگان، به خصوص مواد مذکور در مقررات لاهه ۱۸۹۹ و ۱۹۰۷ و کنوانسیون‌های ژنو ۱۹۴۹ و پروتکل‌های الحاقی آن، عمل نمایند (SC Res.1265,1999, para.4)».

چنین تغییر رویکردی را در بیانیه رئیس شورا در خصوص جنگ افغانستان (U.N. Doc. S/PRST,2000: at.1، جمهوری دموکراتیک کنگو (U.N. Doc. S/PRST,1998: at.1) و سومالی (U.N. Doc. S/PRST,2001: at.2) و همچنین قطعنامه‌های صادره در خصوص جنگ‌های آنگولا (SC Res.834,1993, para.13)، ارمنستان و آذربایجان (SC Res.822,1993, para.3)، اتیوپی و اریتر (SC Res.1227,1999, para.6)، یوگسلاوی سابق (SC Res.771,1992, para.1)، گرجستان (SC Res.1036,1996, Preamble)، لیبیا (SC Res.1041,1996, para.9)، گینه بیسائو (SC Res.1233,1999, para.11)، رواندا (SC Res.812,1993, para.8) و سیرالئون (SC Res.1260,1999, para.14) مشاهده کرد. این قطعنامه‌ها حاکی از توجه ویژه شورای امنیت به مسائل IHL در مقایسه با دوران جنگ سرد است. در مورد جنگ روسیه و اوکراین تا زمان نگارش این مقاله متأسفانه شورای امنیت به دلیل برخورداری روسیه از حق وتو، از واکنش قاطع در مقابل فجایع انسانی و نقض گسترده حقوق بشردوستانه توسط طرفین درگیری ناکام مانده است و شورا صرفاً



با صدور قطعنامه‌ای بر مبنای قطعنامه اتحاد برای صلح^۱ موضوع درگیری مزبور را به مجمع عمومی ارجاع داده است (SC Res.2623,2022, para.2).

۳-۱. اعلام لزوم رعایت موارد خاصی از مفاد IHL

غیر از آن که شورای امنیت در قطعنامه‌های متعددی بر لزوم رعایت قواعد IHL به طور کلی توجه نموده است، در مواردی هم دولت‌ها را به رعایت برخی از بخش‌های این حقوق فراخوانده و در مواردی نیز نقض بخش‌های خاصی از این حقوق را محکوم نموده است. این موارد عبارتند از:

۱-۳-۱. حمایت از غیرنظامیان در خلال مخاصمات مسلحانه

شورای امنیت در دو قالب به بحث حمایت از غیرنظامیان در خلال مخاصمات مسلحانه پرداخته است. در یک قالب شورا به حمایت از غیرنظامیان به طور کلی اقدام می‌نماید و در قالبی دیگر به حمایت از آن‌ها در خلال مخاصماتی خاص اقدام کرده است. قطعنامه ۱۶۷۴ مربوط به سال ۲۰۰۶ شورا از جمله مواردی است که شورا به طور کلی و بدون اشاره به درگیری خاصی اقدام به حمایت از غیرنظامیان کرده است. در این قطعنامه شورا «مجدداً اعلام می‌کند که در وضعیت مخاصمه مسلحانه حمله عامدانه به غیرنظامیان و سایر افراد مورد حمایت قرار گرفته، نقض فاحش IHL است و شورا ضمن محکوم نمودن این عمل از تمامی طرف‌های درگیری می‌خواهد که هر چه سریع‌تر به چنین اقداماتی پایان دهند» (SC Res.1674,2006, para.3) شورا در قطعنامه ۱۷۳۸ در سال ۲۰۰۶ نیز با استناد به کنوانسیون‌های چهارگانه ۱۹۴۹ ژنو و پروتکل اول الحاقی ۱۹۷۷ به وضوح به هدف‌گیری غیرنظامیان و افراد مورد حمایت واکنش نشان داده است. (SC Res.1738,2006, Preamble para.5) شاید بتوان مشهورترین و یکی از نخستین موضع‌گیری‌های شورای امنیت در حمایت کلی از غیرنظامیان را قطعنامه ۱۲۶۵ در سال ۱۹۹۹ دانست که در آن صراحتاً به وضعیت مخاصمات مسلحانه ای که در آن غیرنظامیان مورد حمله قرار می‌گیرند واکنش نشان داده شده است. در قطعنامه ۱۲۶۵ همچنین بر خودداری از مانع‌تراشی عمدی در جریان یاری‌رسانی بشردوستانه به غیرنظامیان از طریق اتخاذ اقدامات متناسب در حدود اختیارات شورا، مطابق با منشور ملل متحد، تاکید شده است. (SC Res.1265,1999, para.10) یکی از دیگر اقدامات انجام شده از سوی شورا در این خصوص صدور قطعنامه ۲۴۷۴ در سال ۲۰۱۹ است که در آن با استناد به قواعد لازم‌الاجرای حقوق مخاصمات مسلحانه و ماده

یک مشترک کنوانسیون‌های ژنو به تعهد طرفین درگیری به حمایت کلی از غیرنظامیان و خصوصاً جستجوی افراد مفقود شده در خلال درگیری‌ها^۱ می‌پردازد (SC Res.2474,2019) (para.3&4) در قطعنامه ۲۴۷۵ صادره در همان سال (۲۰۱۹) شورا بدون نام بردن از مخاصمه‌ای خاص به حمایت از غیرنظامیان، خصوصاً افراد دارای معلولیت، در خلال مخاصمات مسلحانه می‌پردازد که در نوع خود قطعنامه‌ای کاربردی است (SC Res.2475,2019, para.4) قطعنامه ۲۵۷۳ در سال ۲۰۲۱ نیز اقدام به حمایت کلی از غیرنظامیان کرده و تخریب تأسیسات و ساختارهای ضروری برای تداوم بقای جمعیت غیرنظامی را بشدت محکوم نموده است (SC Res.2573,2021, para.5). این قطعنامه را می‌توان یکی از کامل‌ترین تصمیمات شورا در حمایت از غیرنظامیان در خلال درگیری‌های مسلحانه دانست.

در خصوص حمایت شورای امنیت از غیرنظامیان در خلال یک مخاصمه خاص مثال‌های متعددی وجود دارد. این شورا در قطعنامه ۱۰۱۹ سال ۱۹۹۵ درباره وضعیت بوسنی و هرزگووین، نگرانی شدید خود را در خصوص گزارش‌های حاکی از نقض شدید حقوق بشردوستانه و حقوق بشر بین‌المللی در داخل و اطراف شهر سربیتسا^۲، مناطق بانجا لوکا^۳ و سانسکی موست^۴ ابراز می‌دارد. (SC Res.1019,1995, Preamble para.2) تنها در بحران سوریه، شورا سال ۲۰۱۳ با صدور قطعنامه ۲۱۱۸ استفاده از تسلیحات شیمیایی را ممنوع کرد (SC Res.2118,2013, para.2). قطعنامه ۲۱۳۹ سال ۲۰۱۴ از طریق تأکید بر رعایت حقوق بشردوستانه و منع حمله به اماکن غیرنظامی (SC Res.2139,2014, para.1)، قطعنامه ۲۱۶۵ سال ۲۰۱۴ با تأکید بر خودداری طرفین درگیری از مانع تراشی بر سر راه امدادسانی به غیرنظامیان گرفتار (SC Res.2165,2014, para.6) و قطعنامه ۲۲۵۴ سال ۲۰۱۵ (SC Res.2254,2015, para.1&3) بر لزوم حمایت از غیرنظامیان در خلال جنگ داخلی سوریه تأکید می‌کند. دبیر کل سازمان ملل در گزارشی خطاب به شورای امنیت موارد اجرا و نقض این قطعنامه و سایر قطعنامه‌های صادره در مورد سوریه را به تفصیل بیان کرده است.^۵ شورا در قطعنامه ۲۶۷۷ سال

۱. شایان ذکر است مجمع عمومی نیز در ۲۶ ژوئن ۲۰۲۳ با صدور قطعنامه‌ای به شماره A/77/L.79 به موضوع مفقودشدگان در زمان جنگ‌ها پرداخته است.

2. Srebrenica
3. Banja Luka
4. Sanski Most
5. U.N.Doc.S/2019/508(2019)



۲۰۲۳ در مورد جنگ داخلی سودان، طرفین درگیری را با استناد به IHL ملزم به حمایت از غیر- نظامیان، اماکن غیرنظامی و کمپ‌های آوارگان جنگ مزبور کرده است. (SC Res.2677,2023) (para.9) شورا معمولاً در قطعنامه‌هایی که به بحث حمایت از غیرنظامیان می‌پردازد سعی در برقراری ارتباط میان نقض حمایت از غیرنظامیان با صلح و امنیت بین‌المللی می‌کند که به این قضیه قبلاً پرداخته شده است.

۳-۱-۲. حمایت از زنان و کودکان در مخاصمات مسلحانه

شورای امنیت در کنار توجه کلی به غیرنظامیان در خلال مخاصمات مسلحانه، توجه خاصی را به حمایت از زنان و کودکان در زمان مخاصمات نشان داده است زیرا آن‌ها غیرنظامیانی آسیب‌پذیرتر هستند. در این راستا شورا قطعنامه‌هایی را هم در مورد زنان و هم در مورد کودکان تصویب نموده است. یکی از مهمترین این قطعنامه‌ها قطعنامه ۱۳۲۵ در خصوص زنان و صلح و امنیت در سال ۲۰۰۰ است که اعلام نمود تمامی طرفین مخاصمه مکلفند در زمان درگیری‌های مسلحانه کلیه اقدامات لازم را برای حمایت از زنان و دختران در مقابل خشونت‌های جنسی، به خصوص تجاوز و سایر اشکال سوء استفاده جنسی و سایر اشکال خشونت به عمل آورند. (SC Res.1325,2000, para.9) شورا همچنین در قطعنامه ۱۸۲۰ سال ۲۰۰۸ (SC Res.1820,2008, para.1&3) و قطعنامه ۱۸۸۹ در سال ۲۰۰۹ (SC Res.1889,2009, para.2&3) و سال ۱۸۸۸ (SC Res.1888,2009,Preamble para.2&3) و قطعنامه ۲۲۴۲ سال ۲۰۱۵ (SC Res.2242,2015, para.9&10) نیز بر حمایت از زنان در مقابل خشونت‌های جنسی در زمان مخاصمات مسلحانه تأکید کرده است. این شورا در قطعنامه ۲۴۶۷ سال ۲۰۱۹ نیز به ضرورت حمایت از زنان و دختران در زمان درگیری‌های مسلحانه اشاره کرده است (SC Res.2467,2019, para.1). شورا در قطعنامه‌های (SC Res.1071,1996, para.9) و ۱۰۸۳ (SC Res.1083,1996, para.6) که هر دو را در سال ۱۹۹۶ صادر کرد، وضعیت جنگ در لیبیا و استفاده از کودکان در جنگ مزبور را بشدت نکوهش نمود. شورا همچنین در قطعنامه ۱۱۸۱ سال ۱۹۹۸ از اقدامات دولت سیرالئون به منظور تأمین نیازهای کودکان تحت تأثیر جنگ داخلی این کشور، استقبال (SC Res.1181,1998, para.14) و در قطعنامه ۱۲۳۱ سال ۱۹۹۹، نقض حقوق کودکان توسط گروه‌های مسلح غیر دولتی و استفاده از آنان در جنگ اخیرالذکر را محکوم نمود (SC Res.1231,1999, para.3) یکی از مشهورترین اقدامات شورا در حمایت کامل از کودکان در زمان مخاصمات مسلحانه،

صدور قطعنامه ۱۲۶۱ در سال ۱۹۹۹،^۱ ۱۳۱۴ در سال ۲۰۰۰،^۲ ۱۳۷۹ در سال ۲۰۰۱،^۳ ۱۵۳۹ در سال ۲۰۰۴،^۴ ۱۶۱۲ در سال ۲۰۰۵^۵ و ۱۸۸۲ در سال ۲۰۰۹^۶ است که در آن‌ها به جنبه‌های مختلف حمایت از کودکان پرداخته شده است. شورا همچنین در اقدامی منحصر به فرد کلیه دولت‌ها را مکلف نمود که اقدام به توقیف اموال و دارایی‌های شخصیت‌های سیاسی و نظامی دخیل در جنگ داخلی جمهوری دموکراتیک کنگو نمایند که مرتکب جنایت بکارگیری کودکان در جنگ مزبور می‌شوند (SC Res.1698,2006, para.13).

۱-۳-۳. امداد رسانی بشردوستانه

ممانعت از دسترسی انسان‌های درگیر در جنگ‌ها از امداد رسانی بشردوستانه، یکی از اقدامات متداول در خلال مخاصمات مسلحانه است که در قرن بیست و یکم افزایش رو به رشدی هم داشته است. توجه شورای امنیت به این مسئله امروزه بسیار بیشتر از قبل است هر چند در گذشته نیز شورا به آن واکنش نشان داده است. شورای امنیت در مخاصماتی مثل یوگسلاوی سابق (SC Res.752,1992, para.7)، جنگ ارمنستان و آذربایجان (SC Res.853,1993, para.11)، سیرالئون (U.N. Doc. S/PRST,1991,at.2) و جمهوری دموکراتیک کنگو (SC Res.1234,1999, para.9) و ایتوپی و اریتره (U.N. Doc. S/PRST,1991,at.2) به این مسئله توجه کرده است. شورای امنیت در قطعنامه‌های خود و همچنین بیانیه‌های رؤسای شورا از ممانعت از امداد رسانی اظهار نگرانی کرده و از طرفین درگیری خواسته است که دسترسی بدون محدودیت، کامل و فوری پرسنل مربوط به فعالیت‌های بشردوستانه را امکان‌پذیر نمایند. یکی از آخرین واکنش‌های شورا به ممانعت از امداد رسانی بشردوستانه در خلال مخاصمات مسلحانه، صدور قطعنامه‌های ۲۱۳۹ در سال ۲۰۱۴ (SC Res.2139,2014, para.5) و ۲۱۶۵ سال ۲۰۱۴ (SC Res.2165,2014, para.2) و ۲۲۵۴ سال ۲۰۱۵ (SC Res.2254,2015, para.12) در خصوص جنگ داخلی سوریه است. شورا از سال ۱۹۹۹ با صدور قطعنامه ۱۲۶۵ رویه‌ای را آغاز کرد که بر اساس آن نه تنها از دولت‌های مربوطه دسترسی بشردوستانه به

1. S.C. Res. 1261, U.N. Doc. S/RES/1261 (1999)
2. S.C. Res. 1314, U.N. Doc. S/RES/1314 (2000)
3. S.C. Res. 1379, U.N. Doc. S/RES/1379 (2001)
4. S.C. Res. 1539, U.N. Doc. S/RES/1539 (2004)
5. S.C. Res. 1612, U.N. Doc. S/RES/1612 (2005)
6. S.C. Res. 1882, U.N. Doc. S/RES/1882 (2009)



نیازمندان امدادرسانی را تقاضا می‌کند بلکه این تقاضا را از تمامی طرف‌های درگیری از جمله بازیگران غیردولتی نیز به عمل می‌آورد که در آن بازیگران غیردولتی در موقعیتی برابر با دولت‌ها قرار می‌گیرند. این می‌تواند سبب توسعه حقوق عرفی شود و قاعده‌ای را ایجاد کند که بر اساس آن بازیگران غیردولتی متعهدند که یاری رسانی بشردوستانه به مردم نیازمند کمک را به نحوی برابر با دولت‌ها تضمین نمایند (Henckaerts and Doswald-Beck, 2005, at. 194 & 195). موقعیت عرفی ماده یک مشترک کنوانسیون‌های ژنو ۱۹۴۹ این رویکرد شورای امنیت در خصوص التزام برابر دولت‌ها و گروه‌های مسلح غیر دولتی به رعایت IHL در خلال مداخلات مسلحانه را بیشتر تقویت می‌کند (Robson, 2020: 5).

ایرادات وارده به عملکرد شورای امنیت در خصوص IHL

علیرغم اختیارات وسیعی که شورای امنیت از آن برخوردار است، نقشی که این شورا در اجرای IHL ایفا کرده است از جنبه‌های مختلفی جای انتقاد دارد. نخستین ایراد وارده به عملکرد شورای امنیت رویکرد گزینشی این نهاد نسبت به حقوق بشردوستانه است؛ به طوری که شورا در برخی مداخلات بسیار خوب عمل کرده است اما در برخی دیگر عملکرد ضعیفی داشته و یا هیچ اقدامی انجام نداده است و آن به دلیل دسته‌بندی‌ها در داخل شورا و یا نبودن منافع سیاسی برای برخی اعضا بوده است. نمونه آن در خصوص عملکرد نیروهای حافظ صلح در جمهوری دموکراتیک کنگو است که شورا جرائم جنسی ارتکاب یافته توسط این نیروها را صرفاً در حد یک «بد اخلاقی» توصیف نمود (SC Res.1603,2005, para.2) حال آنکه در موارد مشابه، آن اعمال را نقض فاحش IHL دانسته است. علاوه بر این شورا تلاش کرده است که برخی از مفاد و قواعد حقوق بشردوستانه را اجرا کند اما بقیه را اجرا ننماید (مثلاً شورا بدون هیچ گونه توجیهی در اغلب موارد از استناد به مقررات لاهه خودداری کرده اما به کنوانسیون‌های ژنو ۱۹۴۹ مکرراً استناد کرده است) و این سبب شده که در مواردی نقض‌های ارتكابی به وسیله یک طرف مداخله را محکوم کند و در برخی موارد اقدامات قاهرانه‌ای را تصویب نماید در حالی که در موارد مشابه بدون آنکه توجیهی وجود داشته باشد، انجام اقدامات ضعیف‌تری را تصویب نماید. به عبارتی تا زمانی که پای منافع اعضای شورای امنیت در میان نباشد شورا نسبت به نقض‌های IHL واکنش متناسبی از خود نشان نمی‌دهد (Cryer, 2006: 274) از سوی دیگر چنانکه کمیته بین‌المللی صلیب سرخ تاکید کرده است، اقدامات مصوب شورای امنیت، حسب فصل هفتم

منشور، در مفهوم IHL اقداماتی بی‌طرفانه محسوب نمی‌شوند؛ اگرچه هدف غایی آنها در برخی موارد ممکن است پایان دادن به نقض قواعد حقوق مزبور باشد. در این چارچوب کمیته نام برده به نحو شفافی پیشنهاد کرده است که بایستی میان اقداماتی که هدف آن‌ها حفظ و اعاده صلح و امنیت بین‌المللی است و اقداماتی که هدفشان تسهیل اعمال IHL است، قائل به تفکیک شویم. بر این اساس اقدامات صرفاً بشردوستانه شورا بایستی رضایت متخصصین را به همراه داشته باشد، در حالی که اقدامات با هدف حفظ و اعاده صلح و امنیت بین‌المللی می‌تواند اجباری و بدون کسب رضایت متخصصین باشد (ICRC, 1993: 428).

ایراد دیگر در عملکرد شورا آن است که جدای از تلاشی که این شورا برای الزام دولت‌ها به رعایت IHL انجام می‌دهد، در مواردی در اجرای این حقوق به نحوی مداخله می‌نماید که به ضرر اجرای این حقوق تمام می‌شود. چنانکه شورا در سال ۲۰۰۳ با تصویب قطعنامه ۱۴۹۷ مجوز ایجاد نیروهای چند ملیتی در لیبیا را در راستای حمایت از روند صلح در این کشور صادر کرد. مطابق پاراگراف ۷ این قطعنامه، دولت‌های اعزام‌کننده نیرو به لیبیا که عضو اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری نباشند، در خصوص جرائم ارتكابی توسط نیروهایشان در لیبیا از صلاحیت قضایی انحصاری برخوردارند؛ مگر آنکه از چنین صلاحیتی صراحتاً بوسیله کشور اعزام‌کننده نیرو صرف نظر گردد (SC Res.1497,2003, para.7). پاراگراف مشابهی در قطعنامه ۱۵۹۳ صادره در سال ۲۰۰۵ در مورد سودان هم وجود دارد که در آن شورای امنیت تصمیم گرفت وضعیت دارفور را به دادستان دیوان بین‌المللی کیفری ارجاع دهد (SC.Res.1593,2005, para.6) قبل از تصویب این قطعنامه، دبیرکل سازمان ملل از شورای امنیت تقاضای ایجاد یک کمیسیون جبران خسارت کرده بود که شورا تصمیم به ارجاع پرونده به دیوان بین‌المللی کیفری را گرفت.^۱ نکته در اینجا است که هم قطعنامه ۱۴۹۷ و هم قطعنامه ۱۵۹۳ هیچ‌کدام کشور اعزام‌کننده نیرو (که عضو اساسنامه دیوان نیست) را ملزم نمی‌کنند که در صورت ارتكاب جرم توسط نیروهای دولت مزبور و عدم محاکمه آنها توسط کشور محل اعزام نیرو (به دلیل وجود این قطعنامه‌ها)، صلاحیت قضایی خودش را بر افراد مزبور اعمال نماید و از این طریق مانع بی‌کیفری شود. این بدین معناست که صلاحیت قضایی انحصاری دولت اعزام‌کننده نیرو که در این قطعنامه‌ها آمده ممکن است منتهی به بی‌کیفری شود. می‌توان مدعی شد که قطعنامه‌های فوق‌الاشاره تا حدی که مربوط به موارد نقض فاحش کنوانسیون‌های ژنو شوند،

1 . U.N. Doc. S/2005/60 (2005)



نمی‌توانند با ماده ۴۹ کنوانسیون اول، ماده ۵۰ کنوانسیون دوم، ماده ۱۲۹ کنوانسیون سوم و ماده ۱۴۶ کنوانسیون چهارم که در خصوص صلاحیت جهانی و تعهد دولت‌های عضو مبنی بر محاکمه یا استرداد مجرمین تحت مواد ذکر شده است، قابل تطبیق باشند.

در مواردی هم شورا در قطعنامه‌های خود اقدام به نقض صریح IHL کرده است. در این مقوله می‌توان به قطعنامه ۱۴۸۳ صادره در سال ۲۰۰۳ (SC Res.1483,2003, para.4) اشاره کرد که در آن شورای امنیت کاملاً فراتر از آنچه ماده ۴۳ مقررات لاهه ۱۹۰۷ مقرر داشته است اقدام به افزایش حقوق دولت‌های اشغالگر در عراق نمود. صدور دستور به انجام اقداماتی در راستای افزایش رفاه مردم عراق، ایجاد صندوق توسعه برای عراق و برنامه مقام موقت ائتلاف در خصوص نفت و سایر منابع عراق، تماماً خارج از قلمرو حقوق اشغال است که ضرورتاً هدف آن حفظ وضع موجود در سرزمین اشغال شده است و هرگز مجوز انجام تغییرات در آن سرزمین را نمی‌دهد. قطعنامه ۱۴۸۳ همچنین اجرا و اعمال ماده ۴۲ مقررات لاهه را اصلاح کرد و دولت لهستان را دارای شرایط اشغالگری در عراق نشناخت؛ هر چند که بخشی از جنوب عراق به نحو واقعی تحت اختیار نیروهای این کشور قرار داشت. (لسانی، ۱۳۸۹:۲۲۹) موردی مشابه را در قطعنامه ۱۵۴۶ سال ۲۰۰۴ (SC Res.1546,2004, para.2) می‌توان یافت که پایان اشغال عراق را آخر ژوئن ۲۰۰۴ اعلام کرد؛ هر چند عراق بعد از این تاریخ همچنان در اختیار دولت‌های اشغالگر بود و اشغال نظامی در این کشور تداوم داشت.

موارد بالا باعث طرح این سوال می‌شود که آیا شورای امنیت می‌تواند زمانی که حفظ صلح و امنیت بین‌المللی در مفهوم محدود خود اقتضا نمود IHL را کنار بگذارد یا خیر؟ پاسخ به نظر منفی می‌باشد. دیوان بین‌المللی کیفری یوگسلاوی سابق هم این قضیه را خاطر نشان کرده است که نه متن منشور و نه روح آن به شورای امنیت معافیت از قانون اعطا نکرده است. (ICTY,1995, para.28) تعهد به رعایت IHL در تمام شرایط ضرورتاً نه فقط دولت‌ها بلکه سازمان ملل را هم متعهد می‌کند. (Ibid, para.93) برای مثال در ارتباط با قطعنامه ۱۴۸۳ که در پاراگراف بالا به آن اشاره شد نماینده پاکستان در شورای امنیت تاکید کرد که «طبق منشور، اختیارات اعطا شده به شورای امنیت به موجب این قطعنامه بدون شرط نیست. این اختیارات بایستی به نحوی اجرا شوند که مطابق با اصول عدالت و حقوق بین‌الملل مذکور در ماده یک منشور باشند و در کنار منشور خصوصاً با کنوانسیون‌های ژنو و مقررات لاهه، تطبیق داشته باشند.»^۱

علاوه بر این دیوان بین‌المللی دادگستری در رای مشورتی سلاح‌های هسته‌ای اشاره می‌کند که تعداد قابل توجهی از قواعد IHL که در مخاصمات مسلحانه قابل اجرا هستند، بایستی به وسیله تمامی کشورها رعایت شوند؛ خواه آن‌ها کنوانسیون‌هایی را که مشتمل بر این قواعد هستند، تصویب کرده باشند یا خیر زیرا این‌ها اصول غیرقابل تخطی حقوق بین‌الملل عرفی هستند. (ICJ, 1996, para.79) این خیلی عجیب است اگر دولت‌ها زمانی که از طریق یک سازمان بین‌المللی اقدام می‌کنند مجاز باشند که قواعد غیرقابل تخطی را نقض کنند؛ حال آنکه خود در سایر مواقع موظف به رعایت آن‌ها باشند. (De Wet, 2004:189) دیوان بین‌المللی کیفری یوگسلاوی سابق نیز این مسئله را عنوان کرده است که بیشتر قواعد IHL، خصوصاً آن‌هایی که جنایت‌های جنگی را ممنوع می‌کنند، قواعد آمره حقوق بین‌الملل هستند؛ یعنی خصوصیت برجسته و غیرقابل فسخ دارند. (ICTY, 2000, para.520) در خصوص اختیار شورا برای نقض حقوق بین‌الملل عرفی هیچ کس شک و شبهه‌ای ندارد که قطعنامه‌های ناقض قواعد آمره باطل و بلااثر هستند و بنابراین دولت‌های عضو را ملزم نمی‌کنند. (De Wet, op-cit:189) با وجود این، عملکرد انفعالی شورای امنیت در واکنش به برخی نقض‌های رخ داده در جهان به دلیل سیاست‌های برخی از دولتهای عضو دائمی این شورا قابل اغماض نیست و بر اعتبار این شورا تأثیرگذار است. نمونه آشکار آن جنگ ۲۰۲۳ غزه است که شورا علی‌رغم مشاهده موارد متعدد نقض قواعد IHL، به دلیل مخالفت برخی کشورها از جمله آمریکا نتوانست به این نقض‌ها واکنش نشان دهد بلکه از صدور قطعنامه‌ای در مورد آتش‌بس هم ناکام ماند و پس از تلاش‌های مکرر برخی اعضا تنها با صدور یک قطعنامه، ضرورت امدادرسانی به غیرنظامیان را مورد تأکید قرار داد (SC Res.2720, 2023, para.1&2).

نتیجه‌گیری

ورود شورای امنیت به مباحث IHL نتیجه تغییر رویکرد این شورا از بدو تاسیس و فاصله گرفتن از اهداف اولیه آن است. شورایی که روزی با هدف برقراری و حفظ صلح و امنیت بین‌المللی به وجود آمد و هرگز یکی از مصادیق این هدف، توسعه و اجرای IHL نبود، کم‌کم و در طی مراحل کاری خود، تحت تأثیر مطالبات افکار عمومی جهانی، افزایش نقش رسانه‌ها و دکترین مسؤلیت حمایت، تغییر رویکرد داد و به مباحث IHL هم وارد شد. نقش شورا در حمایت از غیرنظامیان، زنان و کودکان در خلال مخاصمات مسلحانه و تأکید این نهاد بر انجام یاری‌رسانی



بشردوستانه در خلال مخاصمات از دهه نود میلادی به بعد و خصوصاً^{۱۱} در بحران های رخ داده در قرن بیست و یکم، از جمله بحران سوریه، قابل توجه است. ارجاع پرونده عمر البشیر (رئیس جمهور وقت سودان) به دیوان بین المللی کیفری از سوی شورای امنیت، بدلیل عملکرد وی در جنگ داخلی سودان و نقض حقوق غیرنظامیان در خلال این جنگ بوده است. امروزه دکترین مسئولیت حمایت هم برای شورای امنیت راه ورود دیگری به مباحث IHL باز کرده است. شاید بتوان یکی از بهترین روش ها برای درک نقش شورای امنیت در مقوله حقوق بشردوستانه را از طریق ورود این نهاد به مباحث عرف بین المللی و تشکیل ساختار عرفی برای قواعد IHL دانست. کاوشی در کتاب حقوق بین الملل بشردوستانه عرفی تهیه شده توسط کمیته بین المللی صلیب سرخ که در سال ۲۰۰۵ برای معرفی ۱۶۱ قاعده عرفی حقوق بشردوستانه معرفی شد، به سرعت این بینش را در خواننده ایجاد می کند که شورای امنیت با صدور قطعنامه های خود، راه را برای عرفی شدن بسیاری از مفاد IHL که در مورد قراردادی بودن آن ها شک و شبهه وجود داشته، فراهم کرده است. در بیش از ۴۵ قاعده از ۱۶۱ قاعده کتاب مزبور که مورد تایید بسیاری از دولت ها و حقوقدانان بین المللی است، به نقش شورای امنیت در شکل گیری قواعد عرفی حقوق بشردوستانه اشاره شده است که البته بررسی دقیق این نقش خود مستلزم نگارش مقاله ای مجزا است. به جرأت می توان گفت اگر منافع سیاسی دولت ها، خصوصاً دول عضو دائم این شورا، مانع تصمیم گیری های این نهاد در امور حقوق بشردوستانه نگردد (چنانکه در مورد جنگ روسیه و اوکراین چنین شد) این شورا با قدرت فراوانی که دارد روز به روز در توسعه و اجرای IHL نقشی فعال تر خواهد داشت و با ارتباط دادن هرچه بیشتر نقض این حقوق با صلح و امنیت بین المللی و در راستای نظریه مسئولیت حمایت می تواند قدم های محکم تری برای اجرایی کردن هر چه بیشتر IHL بردارد. در دهه های اخیر افزایش روز افزون نقش رسانه ها در جامعه جهانی، افزایش میزان سواد رسانه ای میان افراد و بالا رفتن اعتماد مردم به رسانه ها موجب شده است مطالب منتشر شده توسط رسانه ها درباره موارد نقض حقوق بشردوستانه در نقاط مختلف جهان، توجه افکار عمومی را به خود جلب کند و شورای امنیت را تحت فشار قرار دهد تا موارد نقض حقوق مزبور را نادیده نگیرد و به آن ها واکنش نشان دهد. چنانکه خودداری شورا از ورود به نقض حقوق بشردوستانه در جنگ روسیه و اوکراین افکار عمومی را علیه شورای امنیت به واکنش وادار کرده و شورا را تحت فشار شدیدی قرار داده است. با این وجود، فشار افکار عمومی در نتیجه فعالیت گسترده رسانه ها در بازتاب اخبار جنگ غزه ۲۰۲۳ و کشتار وحشتناک غیرنظامیان و حتی

حمله به بیمارستانها در این منطقه نتوانست شورای امنیت را وادار به واکنش مناسب کند و جنگ غزه را می‌توان از ناکامی‌های مهم شورا در اجرای قواعد IHL دانست.

پیشنهاد‌های رسانه‌ای - کاربردی

پیشنهاد می‌شود رسانه‌های برون مرزی صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران شامل پرس‌تی‌وی، العالم، الکوثر و هیسپان تی‌وی از پتانسیل تعداد بالای بینندگان خود در میان مسلمانان جهان استفاده کنند و در موارد زیر اقداماتی بعمل آورند:

۱. ساخت برنامه‌های تلویزیونی مناسب در راستای آشنایی مخاطبین با ساختار شورای امنیت سازمان ملل متحد و اختیارات این شورا در مواجهه با تنش‌های بین‌المللی و خصوصاً واکنش‌هایی که این شورا می‌تواند در مواجهه با درگیری‌های مسلحانه در حمایت از غیرنظامیان به عنوان قربانیان این درگیری‌ها انجام دهد.

۲. برگزاری نشست‌های تخصصی با حضور کارشناسان مجرب در حوزه حقوق بین‌الملل برای تحلیل حقوقی در مورد درست یا نادرست بودن واکنش‌های انجام شده توسط شورای امنیت در مورد درگیری‌های مختلف موجود در جهان و انعکاس رسانه‌ای آن.

۳. ساخت برنامه‌های تلویزیونی در راستای آشنایی مخاطبین شبکه‌های برون مرزی با حقوق بشردوستانه بین‌المللی و ایجاد آگاهی در آنان در خصوص حقوقی که غیرنظامیان ساکن در مناطق درگیری و از جمله سرزمین‌های اشغالی فلسطین بر مبنای حقوق بشردوستانه از آن برخوردارند.

۴. با توجه به اینکه غرب آسیا همواره صحنه تنش‌های بین‌المللی و حتی درگیری‌های مسلحانه بوده است آشنایی بینندگان شبکه‌های برون مرزی با حقوق خود به موجب حقوق بشردوستانه بین‌المللی، دولت‌های طرف درگیری را وادار به رعایت حقوق مزبور در کشورهای خود و نسبت به اتباع طرفین درگیری خواهد نمود.

۵. واکنش‌های منطبق با قواعد حقوقی بین‌المللی توسط شبکه‌های برون مرزی و صداوسیما نسبت به خودداری شورای امنیت از ورود به برخی درگیری‌های داخلی یا بین‌المللی به دلیل منافع خاص برخی اعضای دائم این شورا سبب خواهد شد شورای امنیت تحت فشار افکار عمومی بین‌المللی و به طور خاص مسلمانان جهان قرار گیرد و وادار به واکنش مناسب گردد. ۶. عدم ورود شورای امنیت به مباحث حقوق بشردوستانه در جنگ روسیه و اوکراین به دلیل



قدرت بالای روسیه در این شورا و امکان استفاده از حق وتوی خود از جمله مواردی است که می‌تواند مورد توجه رسانه‌های برون مرزی قرار گیرد و شورا را برای واکنش مناسب تحت فشار قرار دهد.

۷. تحلیل واکنش‌های جانبدارانه شورای امنیت در قبال موارد نقض حقوق بشردوستانه بر حسب منافع اعضای این شورا. چنانکه شورا در مقابل نقض فاحش حقوق مزبور توسط رژیم اسرائیل نسبت به مردم فلسطین از جمله شهرک‌سازی در مناطق اشغالی و یا فجایع رخ داده در جنگ غزه ۲۰۲۳ یا واکنشی نشان نداده یا واکنش بسیار ضعیف بوده است. عملکرد ضعیف شورای امنیت در جریان جنایات رژیم صهیونیستی علیه مردم غزه (۲۰۲۳)، ناکارآمدی این شورا در جلوگیری از نقض حقوق بشردوستانه بین‌المللی را هر چه بیشتر عیان ساخت.

۸. تحلیل نقض برخی قواعد حقوق بشردوستانه توسط شورای امنیت در بعضی قطعنامه‌ها برای تأمین منافع برخی اعضای دائم این شورا مانند قطعنامه‌های صادره پس از اشغال عراق در سال ۲۰۰۳.

پیشنهاد‌های پژوهشی

۱. بررسی عواقب عدم ورود شورای امنیت به مباحث حقوق بشردوستانه بین‌المللی در برخی درگیری‌های خاص و ورود گزینشی این شورا به این موضوع بر حسب منافع اعضای دائم. ۲. بررسی امکان پیگرد حقوقی آن دسته از اعضای دائم شورا که حاضر به مشارکت در واکنش نسبت به موارد نقض حقوق بشردوستانه در برخی درگیری‌های خاص به دلیل منافع خود نیستند در مراجع قضایی بین‌المللی.

۳. تحلیل راهکارهای حقوقی برخورد با ناقضین حقوق بشردوستانه در مخاصمات مسلحانه‌ای که شورا به آن‌ها ورود نکرده است از طریق دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی.

منابع و مأخذ منابع فارسی کتاب

صابری انصاری، بهزاد (۱۳۹۴). معاهدات در گذر زمان؛ اصلاح معاهدات در اثر رویه بعدی دولت های عضو، تهران، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش

مقاله

سیف زاده، فرزانه و زمانی، سید قاسم و سواری، حسن و راعی دهقی، مسعود (۱۳۹۶). بررسی مأموریت شورای امنیت در اعمال دکترین مسئولیت حمایت، *فصلنامه پژوهش های حقوق تطبیقی*، ۲۱(۱)، ۷۹-۵۳

لسانی، سید حسام الدین (۱۳۹۸). بررسی تعهد دولت ها به قبول و ارسال کمک های بشردوستانه در زمان سوانح طبیعی، *فصلنامه مطالعات حقوق عمومی*، ۴۹(۱)، ۲۳۱-۲۴۸
موسی زاده، رضا و حسین زاده، سارا (۱۳۹۹). ارزیابی عملکرد شورای امنیت سازمان ملل متحد در بهره گیری از دکترین مسئولیت حمایت، *فصلنامه مطالعات حقوق عمومی*، ۵۰(۲)، ۴۶۵-۴۹۰

پایان نامه

لسانی، سید حسام الدین (۱۳۸۹). جایگاه حقوق اشغال نظامی در حقوق بین‌الملل بشردوستانه، رساله برای دریافت درجه دکتری در رشته حقوق بین‌الملل عمومی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران

منابع انگلیسی

A. Books

- Bailey, Sydney (1994). *The UN Security Council and Human Rights*, London, Palgrave Macmillan
- Conforti, Benedetto and Focarelli, Carlo (2016). *The Law and Practice of the United Nations*, Leiden, Brill/ Nijhof Publisher
- Cryer, Rober (2006). *The Security Council and International Humanitarian Law, in Testing the Boundaries of International Humanitarian Law* (Susan C. Breau & Agnieszka Jachec-Neale eds) London, British Institute of International and Comparative Law (BIICL)
- De Wet, Erica (2004). *The Chapter VII Powers of the United Nations Security Council* (Studies in International Law), Oxford, Hart Publishing, 2004



Henckaerts Jean-Marie & Doswald-Beck Louise (eds.) (2005). *Customary International Humanitarian Law* (Volume I: Rules), Cambridge, Cambridge university press

Jochen A. Frowein & Nico Krisch, (Bruno Simma ed) (2002). *Article 39, in The United Nations Charter: A Commentary*, London, Oxford University Press

B. Articles

Doucet, Lyse (2018). Syria & the CNN Effect: What Role Does the Media Play in Policy-Making? *the Journal of the American Academy of Arts & Sciences*, 147(1),141-157

Fassbender, Bardo (1998). The United Nations Charter as Constitution of the International Community, *Columbia Journal of Transnational Law*,36(3),529-619

Philip,Rowan (2022). Global Lessons from Exposing War Abuses in Yemen, Available at: <https://gijn.org/global-lessons-from-exposing-war-abuses-in-yemen/> (Last Visited: 3 Oct 2023)

Gardam, Judith G.(1996)Legal Restraints on Security Council Military Enforcement Action, *17 Mich. J. Int'l L.* 285-322

Koskenniemi, Martii (1995). The Police in the Temple. Order Justice and the UN: A Dialectical View, *European Journal of International Law*,6(3),325-348

Osterdahl, Inger (1998). Threat to Peace: The Interpretation by The Security Council of Article 39 Of the United Nations Charter, *Studies in International Law*,13(2),136-179

Robson, Verity (2020). The Common Approach to Article 1: The Scope of Each State's Obligation to Ensure Respect for the Geneva Conventions, *Journal of Conflict & Security Law*,25(1),101-115

Selvarajah, Senthan and Fiorito, Lorenzo (2023). Media, Public Opinion, and the ICC in the Russia–UkraineWar, *Journalism and Media*, 4(3), 760-789

C. Documents

Security Council Report, Protection of Civilian 9 (Oct. 14, 2008), <http://www.securitycouncilreport.org/atf/cf/0/07B65BFCF9B-6D27-4E9C-8CD3-CF6E4FF96FF90/07D/XCuttingPOC2008.pdf>

U.N. Doc. S/PRST/2000/12 (April 7, 2000)

U.N. Doc. S/PRST/1998/26 (Aug. 31, 1998)

U.N. Doc. S/PRST/ 2001/1 (Jan. 11, 2001)

U.N. Doc. S/PRST/ 2001/4 (Feb. 9, 2001)

U.N. Doc. S/PRST/ 1991/1 (Jan.7,1991)

U.N. Doc. S/PRST/1992/23500 (Jan. 31, 1992)

U.N. Doc. S/PV.4761 (May 22,2003)

U.N. Doc. S/2005/60 (Feb. 1,2005)

U.N. Doc.S/2019/508 (Jun. 19,2019)

U.N. Doc. A/59/565 (2004): A More Secure World: Our Shared Responsibility, Report of the High-Level Panel on Threats, Challenges and Change. Available at www.un.org/secureworld/report.

U.N. Doc. A/59/2005 (2005) In Larger Freedom: Towards Development, Security and Human Rights for All. Report of the Secretary General.

D. Judgments

Legality of the Threat or Use of nuclear weapons (1996) Advisory Opinion, I.C.J.(July,8,1996)

Prosecutor v. TadiC (1995), ICTY, Case No. IT-94-1, Decision on the Defence Motion for Interlocutory Appeal on Jurisdiction (Oct. 2, 1995)

Prosecutor v. Kanyabashi (1997), ICTR, Case No. ICTR-96-15-T, Decision on the ; Defence Motion on Jurisdiction (Jun,18,1997)

Prosecutor v. Kupreskic (2000), ICTY, Case No. IT-95-16-T, Judgment (Jan. 14,2000)



نقش جمهوری آذربایجان در سیاست تقابلی رژیم اسرائیل علیه جمهوری اسلامی ایران (۲۰۲۴-۱۹۹۲)

شیوا علی‌زاده^۱، حمیدرضا جوادی قلعه^۲

چکیده

فروپاشی اتحاد شوروی فرصت جدیدی برای رژیم اسرائیل پدید آورد تا بر پایه مهم‌ترین اصل امنیت ملی که بر لزوم دفاع پیش‌دستانه و از بین بردن تهدیدهای ادعایی در بیرون از مرزهای آن تأکید می‌کند، به تقابل گسترده‌تر با جمهوری اسلامی ایران بپردازد. پرسش اصلی این نوشتار این است که رژیم اسرائیل چگونه از جمهوری آذربایجان برای تضعیف امنیت ملی ایران بهره‌برداری می‌کند؟ پژوهش حاضر اکتشافی، از نوع کیفی با رویکرد توصیفی - تحلیلی است که داده‌های لازم برای آن با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و رسانه‌ای گردآوری شده‌اند. یافته‌ها نشان می‌دهد که جمهوری آذربایجان به‌علت قرار گرفتن در موقعیت مهم ژئوپلیتیکی در شمال مرزهای ایران، گسل‌های فعال در روابط خویش با ایران، تهدیدانگاری از سوی اشتراکات تاریخی و فرهنگی با ایران، تهدیدانگاری از جانب اسلام سیاسی ملهم از جمهوری اسلامی ایران، مجاورت با استان‌های آذری‌زبان ایران، قرار گرفتن در مسیر اقتصادی ایران به اروپا، همسویی سیاسی با رژیم اسرائیل، گرایش به توسعه همکاری‌ها با متحدان رژیم اسرائیل و داشتن انگیزه قوی برای ایجاد دالان تورانی ناتو (زنگزور) و اتصال کشورهای عضو سازمان دولت‌های ترک به یکدیگر، از ظرفیت‌های بالایی برای بهره‌برداری‌های رژیم اسرائیل برخوردار است. در واقع رژیم صهیونیستی با تمرکز بر این مسائل تنش‌زا، از این کشور در جنگ ترکیبی خود بر ضد ایران استفاده می‌کند.

کلیدواژه‌ها: اسرائیل، امنیتی‌سازی، بیشینه‌سازی قدرت، جمهوری آذربایجان، ایران، موازنه
تهدید

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۲/۱۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۰/۰۵

۱. استادیار گروه مطالعات منطقه‌ای، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران (نویسنده مسئول). shiva_alizadeh@ut.ac.ir
۲. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد مطالعات منطقه‌ای، گروه مطالعات منطقه‌ای، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.



مقدمه

بعد از ترکیه و مصر، جمهوری آذربایجان سومین کشور اسلامی بود که روابط سیاسی، اقتصادی و راهبردی خود را با اسرائیل گسترش داد. در واقع بعد از دوره جنگ سرد و فروپاشی شوروی، اسرائیل با توجه به تغییرات پدیدآمده در نظام بین‌المللی، بر آن شد تا به تغییر تمرکز خود از مناطق عربی پیرامونی به مناطق شمالی اقدام کرده و در جهان به رهبری ایالات متحده آمریکا به توسعه نفوذ دستگاه سیاست خارجی خود و خروج از انزوای چندین ساله اقدام نماید. رژیم اسرائیل که بعد از سال‌ها جنگ با اعراب مسلمان تنها موفق به عادی‌سازی روابط با یکی از این کشورها شده بود (مصر)، با فروپاشی شوروی شاهد تشکیل شش کشور اسلامی در همسایگی شمالی غرب آسیا بود که ارتباط با آنها می‌توانست جدای از ثمرات اقتصادی و سیاسی گسترده، در مواضع کشورهای عربی غرب آسیا نیز در خصوص اسرائیل اثر قابل ملاحظه‌ای داشته باشد. البته رژیم اسرائیل در گسترش روابط خود با جمهوری‌های تازه‌تأسیس، مسیر توسعه و تقویت منافع مشترک خود با ایالات متحده آمریکا را نیز دنبال می‌کرد و در پی آن بود تا در کنار ایالات متحده آمریکا از نفوذ اسلام سیاسی در این کشورها و انتقال فناوری‌ها و تجهیزات راهبردی بجامانده از شوروی از این کشورها، به‌ویژه به همسایگان اسلامی جلوگیری کرده و امنیت انرژی غرب را نیز تضمین کند.

جمهوری آذربایجان که در موقعیتی ژئوپلیتیکی و در شمال مرزهای ایران واقع شده، به‌علت مجاورت با حوزه دریایی کاسپین، هم‌مرز بودن با استان‌های آذری‌زبان ایران، تکاپوهای جدی و دامنه‌دار برای ترویج اندیشه‌های پان‌ترکی و پان‌آذربایجانی، تلاش برای توسعه مناسبات با کشورهای غربی و قدرت‌های فرامنطقه‌ای، همکاری‌های گسترده سیاسی و نظامی و اقتصادی با ترکیه در راستای تغییر مرزهای منطقه و استفاده از توان اطلاعاتی و نظامی اسرائیل برای پیگیری سیاست‌های توسعه‌طلبانه ارضی، مدت‌هاست که در حال تهدید منافع و امنیت ایران است. در شرایطی که هر دو کشور به علت جهت‌گیری‌های مختلف و حتی متباین در طیف گسترده‌ای از مسائل از نظام حکمرانی و سیاست‌های فرهنگی تا نوع کنشگری در منظومه مناسبات منطقه‌ای و جهانی، مسیرهای متفاوتی را دنبال می‌کنند، روابط دو طرف به مرور زمان مسیر واگرایی را ادامه داده و همین مسأله امکان تقابل در سال‌های اخیر را چند برابر کرده است. در این نوشتار، پس از بررسی رهنامه امنیت ملی اسرائیل، و فرآیند، جزئیات، پیشران‌ها و



انگیزه‌های گسترش روابط جمهوری آذربایجان و اسرائیل، به پیامدهای منفی این روابط برای جمهوری اسلامی ایران پرداخته می‌شود.

پیشینه پژوهش

پژوهش‌هایی در رابطه با موضوع مناسبات جمهوری آذربایجان و رژیم اسرائیل و پیامدهای آن برای جمهوری اسلامی ایران به انجام رسیده است که می‌توان به موارد زیر اشاره کرد.

جدول ۱. پیشینه پژوهش

ردیف	عنوان	نویسندگان/سال	یافته اصلی
۱	عوامل مؤثر بر همگرایی اسرائیل و جمهوری آذربایجان (۲۰۱۷-۱۹۹۱)	جوانپور هروی و جعفری‌فر / ۱۳۹۷	مهم‌ترین عوامل مؤثر بر همگرایی اسرائیل و جمهوری آذربایجان راهبرد پیرامونی اسرائیل (دکترین بن‌گوریون) و دکترین خاورمیانه جدید شیمون پرز، همکاری نظامی، اهمیت ژئوپلیتیکی، وجود ذخائر انرژی و یهودیان جمهوری آذربایجان است.
۲	تقابل ایران و اسرائیل و تأثیر آن بر گسترش روابط سیاسی - امنیتی اسرائیل و جمهوری آذربایجان	مؤمنی و رحیمی / ۱۳۹۶	با وجود مؤلفه‌های هویتی مشترک بین ایران و جمهوری آذربایجان، برخی چالش‌ها از جمله بحران قراباغ، سیاست‌های قوم‌گرایانه باکو و سیاست‌های مذهبی ایران که به سردی روابط دو کشور منجر شده است، سبب شده تا تقابل ایران و اسرائیل به‌عنوان عاملی مهم و تأثیرگذار، گسترش روابط سیاسی - امنیتی جمهوری آذربایجان و اسرائیل را موجب شود که هدف اسرائیل از آن، مقابله با ایران است.
۳	بررسی اهداف راهبردی دوسویه اسرائیل و جمهوری آذربایجان از گسترش روابط فی‌مابین	همتی / ۱۴۰۲	محور روابط اسرائیل و جمهوری آذربایجان همکاری‌های نظامی و امنیتی و اقتصادی، بر پایه اشتراکاتی نظیر تقابل با جمهوری اسلامی ایران است.
۴	روابط اسرائیل و آذربایجان و تأثیر آن بر امنیت ملی	اکبری و غنی‌زاده / ۱۳۹۹	روابط اسرائیل و جمهوری آذربایجان در حوزه‌های سیاسی، اقتصادی، نظامی رو به



ردیف	عنوان	نویسندگان / سال	یافته اصلی
	جمهوری اسلامی ایران		گسترش بوده و همسایگی جمهوری آذربایجان با ایران و نفوذ اسرائیل در این کشور می‌تواند تهدیدی علیه منافع ملی ایران باشد.
(۵)	روابط اسرائیل و آذربایجان و تأثیر آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران	محبوبی، موسوی و عزیزموسوی / ۱۴۰۰	جمهوری آذربایجان یکی از نشان‌گاه‌های ویژه اسرائیل است که شکل مرزهای ایران و جمهوری آذربایجان، توسعه‌نیافتگی و ویژگی‌های دموگرافیک منطقه، انگیزه رژیم صهیونیستی برای انجام فعالیت‌های خرابکارانه و اقدامات جاسوسی و مسائل چگونگی تحریکات ضد دولتی در مرزهای ایران را افزون‌تر می‌کند. حمایت آمریکا و غرب از حضور اسرائیل در قفقاز و به‌ویژه جمهوری آذربایجان، برای اعمال فشار به ایران است که سبب شده ایران با ائتلافی از کشورها در مرزهای شمالی خود روبرو شود.

از تفاوت‌ها و نوآوری‌های پژوهش پیش‌رو در مقایسه با ادبیات موضوعی موجود، استفاده از منابع عبری و ارائه بازنمایی رژیم اسرائیل از موضوع و همچنین پوشاندگی بیشتر پژوهش از منظر شناسایی و بررسی پیشران‌های گسترش و تعمیق روابط جمهوری آذربایجان و اسرائیل در تقابل با جمهوری اسلامی ایران و محورهای این همکاری تقابلی، و دربرگرفتن تحولات پس از دو بزنگاه مهم، جنگ ۲۰۲۰ قراباغ و تبعات آن، و عملیات طوفان الاقصی و پیامدهای آن، و البته ارائه پیشنهادها کاربردی و رسانه‌ای در جهت مقابله با جنگ ترکیبی جاری علیه ایران، به‌ویژه جنگ شناختی است.

چارچوب نظری: واقع‌گرایی نوکلاسیک

جان جوزف مرشایمر و استفان والت از نظریه‌پردازان واقع‌گرایی نوکلاسیک هستند که بهره‌گیری از دیدگاه‌های آنها می‌تواند به تبیین سیاست و رفتار رژیم اسرائیل در تقابل با ایران، به‌ویژه نزدیکی و اتحاد آن با جمهوری آذربایجان کمک کند. مرشایمر بر این باور است که حس نیاز به



امنیت و در نهایت بقاء، دولت‌ها را به بیشینه‌سازی قدرت تهاجمی سوق می‌دهد. وی فرضیه خود را بر پایه ۵ اصل بنا کرد: ۱) نظام بین‌المللی یک سیستم آنارشیک است و هیچ قدرت فائقه‌ای برای قضاوت در مورد مناقشات میان دولت‌ها وجود ندارد. ۲) تمامی دولت‌ها از مقداری توانمندی نظامی برخوردار هستند که به آنها توان صدمه زدن و یا انهدام یکدیگر را می‌دهد. ۳) دولت‌ها هیچ‌گاه نمی‌توانند نیت طرف مقابل را به روشنی بخوانند. ۴) تضمین بقا اصلی‌ترین هدف هر دولتی است زیرا دولت‌ها در پی حفظ تمامیت ارضی، استقلال و نظم سیاسی داخلی‌شان هستند. ۵) دولت‌ها بازیگران عقلانی بوده که به دنبال ارتقا منافع خودشان هستند. بنابر نظر مرشایمر این شرایط به دولت‌ها انگیزه کافی می‌دهد تا نسبت به یکدیگر رفتار تهاجمی داشته باشند. او در نهایت به این نتیجه می‌رسد که از آنجایی که دولت‌ها نمی‌توانند با قطعیت مقاصد فعلی و آینده دولت‌های دیگر را دریابند احتیاط شرط می‌کند تا اقدامات پیش‌دستانه‌ای را انجام داده و قدرت نظامی خود را افزایش دهند (قاسمی، ۱۳۹۹: ۱۵۰-۱۵۱).

استفان والت در نظریهٔ موازنهٔ تهدید خود دلایل اتحاد کشورها را در برابر یک تهدید درک‌شده تشریح می‌کند و بر آن است که دولت‌ها در برابر دولت‌هایی که آنها را منبع تهدیدی برای خود می‌دانند متحد می‌شوند. به باور والت، مبنای تشکیل اتحادها در بین کشورها، می‌تواند «توازن تهدید» باشد نه «توازن قدرت». مقصود او تهدیداتی است که بر اساس ادراک دولت‌ها موجودیت و منافع آنها را به خطر می‌اندازد. بنابراین، بیشتر این تهدیدها می‌توانند تهدیدهای بالقوه باشند و بزرگترین تهدید لزوماً بزرگترین قدرت نیست. منابع تهدید از نظر والت عبارتند از: مجموع قدرت (جمعیت، ظرفیت‌های اقتصادی و صنعتی و تکنولوژیکی)، نزدیکی جغرافیایی، قدرت تهاجمی و مقاصد تهاجمی. بدیهی است درک کشورهایی که در برابر این تهدیدات دست به ائتلاف و اتحاد می‌زنند، ضرورتاً منطبق با واقعیت نیست (Walt, 1990).

رهنامه امنیت ملی رژیم اسرائیل

وقتی بحث از مفهوم امنیت ملی به میان می‌آید ابتدا لازم است ارزش‌ها و منافع پایه ملی مورد بررسی قرار بگیرد تا به وضوح مشخص شود که نیروهای سیاسی و امنیتی یک کشور باید از چه چیزی دفاع کنند و چه خطرهایی وجود دارد که باید نسبت به آنها هوشیار باشند. «اساس اسرائیل بر این اصل بنیان نهاده شده که مردم جهان به دو دسته کلی «یهودستیز آشکار»^۱ و «یهودستیز

پنهان»^۱ تقسیم می‌شوند و همه در پی نابودی مردم یهود هستند» (Herzl, 1943: 21): لذا یهود باید طوری ساختارسازی کند که به دوران ادعایی آوارگی دو هزار ساله خود بازنگردد. با همین نگاه است که کوچکترین تهدیدات در نگاه مقام مسئول اسرائیل بزرگ انگاشته شده و برنامه‌ریزی برای نابودی آن فوراً در دستور کار قرار می‌گیرد.

اگر بخواهیم به سیاست‌های تقابلی برآمده از مبانی استراتژی امنیت ملی و رویه‌های رژیم اسرائیل در برابر جمهوری اسلامی ایران اشاره کنیم، می‌توانیم موارد ذیل را ذکر کنیم:

۱) /امنیتی‌سازی: یکی از راهبردهای قدیمی یهودیان در مواجهه با تهدیدات، امنیتی‌سازی مسائل و به‌اصطلاح از کاه کوه ساختن است. این نوع نگاه امنیتی به مسائل در جهان امروز در چارچوب نظریات برآمده از مکتب کپنهاگ قابل بررسی است. بر اساس نظریات ارائه‌شده توسط اندیشمندان این مکتب سیاسی، «در روابط بین‌الملل هنگامی که موضوعی تبدیل به یک مسأله امنیتی می‌شود علت این نیست که آن موضوع تهدیدی عینی را برای کشور مورد نظر ایجاد کرده بلکه در واقع به این سبب است که یک بازیگر سیاسی چیزی را به‌مثابه یک تهدید تعریف کرده است؛ بنابراین یک پدیده تنها هنگامی به موضوعی امنیتی تبدیل می‌شود که به آن برچسب امنیتی زده شود. عاملی که شروع به ساختن روایت‌های امنیتی از برخی از مسائل می‌کند، با گفتن این گزاره که پدیده مورد نظر از جنبه وجودی مورد تهدید واقع شده، مدعی حق مسلم خود برای تضمین امنیت و حفظ و بقای پدیده مورد تهدید می‌شود. با این اقدام مسأله مورد نظر از «بعد سیاست‌های معمولی»^۲ خارج شده و وارد «قلمرو سیاست‌های اضطراری»^۳ می‌شود» (Taureck, 2006: 3). بنیامین نتانیاهو نخست‌وزیر وقت اسرائیل حین سخنرانی در مجمع عمومی سازمان ملل متحد در ۱ اکتبر ۲۰۱۵ (۹ مهر ۱۳۹۴)، ضمن انتقاد از برجام، کتاب فلسطین مقام معظم رهبری را به نمایش درآورد و اعلام کرد که رهبر ایران چند روز پس از حصول توافق هسته‌ای بین ایران و قدرت‌های جهانی، کتابی چهارصد صفحه‌ای منتشر کرده و در آن به تشریح برنامه خویش برای نابودی دولت اسرائیل پرداخته است (The Times of Israel, 01.10.2015).

۲) /ایجاد اتحادهای منطقه‌ای با استفاده از موازنه تهدید: سردمداران اسرائیل از همان ابتدا اهمیت این سیاست را تشخیص داده و کوشیده‌اند تا از طریق گسترش روابط با کشورهای غرب

1. Covertly Anti-Semitic
2. the sphere of normal politics
3. the realm of emergency politics



آسیا به کاهش تهدیدات بپردازند. در طول سال‌های ۱۹۷۷-۱۹۷۴ از یک‌سو توافقات موقتی بین اسرائیل و سوریه و مصر حاصل شد و از سوی دیگر رژیم اسرائیل مذاکراتی را با اردن بر سر دستیابی به یک توافق ارضی در کرانه‌باختری دنبال کرد، اما به ادعای طرف اسرائیلی درک متقابل میان طرفین در این مذاکرات محدود بود؛ در نتیجه اردن از فرآیند صلح کنار گذاشته شد و مصر جایگزین آن شد. در نتیجه مذاکراتی که به دنبال بازدید انور سادات از بیت‌المقدس در نوامبر ۱۹۷۷ آغاز شد، مصر در مارس ۱۹۷۹ و به‌رغم مخالفت‌های شدید اعراب، توافق صلحی را با اسرائیل به امضا رساند. این اتفاق اولین شکاف آشکار را در میان جبهه متحد کشورهای عربی بر ضد اسرائیل ایجاد کرد. در طول دهه ۱۹۸۰، مخالفت قاطع کشورهای عربی برای صلح با اسرائیل به‌صورت آهسته و تدریجی از بین رفت و پس از به‌رسمیت شناخته‌شدن ضمنی اسرائیل در «طرح فهد»^۱ در اجلاس اتحادیه عرب در سپتامبر ۱۹۸۲ در «فاس»^۲ مراکش، به اوج خود رسید (۱۹۸۲، ۶۷۱: 2020)؛ البته اتحادیه عرب در ۲۰۰۲ نیز با طرح صلح جدیدی تحت عنوان «ابتکار صلح عرب»^۳ ملک عبدالله بن عبدالعزیز کوشید تا در پیچه‌ای را برای به‌رسمیت شناختن اسرائیل بگشاید (Anti-Defamation League, 05.03.2022).

فروپاشی شوروی یک فرصت استثنایی برای تغییر مرکز ثقل جهان اسلام به سمت شمال و در نتیجه تغییر توازن قدرت به نفع اسرائیل از طریق به حاشیه بردن اهمیت حوزه عربی در غرب آسیا پدید آورد. تلاش اسرائیل برای برقراری ارتباط با این کشورها را می‌توان به نوعی بازنویسی رهنامه پیرامونی بن‌گوریون دانست. در ادامه، ابتکار صلح آبراهام و به‌رسمیت شناخته شدن اسرائیل توسط امارات متحده عربی، بحرین، سودان و مراکش گامی در همین راستا بود که به تأسی از نظریه موازنه تهدید استفن والت و برای مقابله با تهدید ایران تدوین شده بود. تهدید ایران از چنان نقش محوری در این پیمان برخوردار بود که تنها چند ماه پس از انعقاد این پیمان‌ها شاهد انعقاد قراردادهای نظامی بین رژیم اسرائیل و کشورهای یاد شده، برگزاری رزمایش‌های نظامی مشترک و حتی حضور دائمی نماینده اسرائیل در برخی از آنها از جمله در بحرین بودیم (۱۰۰۳۰۲۲، ۱۶۵). نیویورک‌تایمز نیز در گزارشی در ۲۰ ژوئن ۲۰۲۲ تشکیل این اتحادیه منطقه‌ای را در برابر تهدیدات ایران، از زبان بنی‌گانتس وزیر دفاع پیشین اسرائیل تأیید کرد (The New York Times, 20.06.2022). این بررسی نشان می‌دهد که اتحادسازی و

1. Eight Point Peace Plan by Crown Prince Fahd ibn Abd al-Aziz of Saudi Arabia

2. FEZ

3. The Arab Peace Initiative

واگذاری نقش هدایت‌گر آمریکا به اسرائیل برای پیشبرد بیشتر این قبیل اتحادها جهت مقابله با تهدید ادعایی مشترک جمهوری اسلامی ایران، طی روندی خزانده به اوج خود رسیده و این یکی از سیاست‌های موفق تقابلی اسرائیل در مقابله با ایران بوده است.^۱

۳) *بیشینه‌سازی قدرت*: با توجه به نظریهٔ مرشایمر و نظر به واقعیت‌های بنیادین شرایط امنیتی اسرائیل، به نظر می‌رسد که سردمداران اسرائیل از همان روزهای اولیه بر آن بوده‌اند تا از نظر نظامی به قدرت شماره یک منطقه تبدیل شوند و تلاش دیگر کشورهای منطقه را در دستیابی به سلاح‌های متعارف و غیرمتعارف ناکام بگذارند. در اصطلاح گفته می‌شود که اسرائیل باید از شاخص کیفی نظامی خود محافظت کرده و هیچ کشوری در منطقه حق به چالش کشیدن این شاخص را ندارد. کمک‌های مالی و تسلیحاتی سالانه دولت آمریکا به اسرائیل نیز در عمل برای حفاظت از این لبه کیفی است. «قانون کنترل صادرات تسلیحات نظامی»^۲ آمریکا (به تاریخ ۱۹۶۸)، قانون پایه‌ای است که فروش تسلیحات و محصولات نظامی - بازرگانی و خدمات دفاعی و آموزشی را تنظیم می‌کند؛ در سال ۲۰۰۸ اصلاحیه‌ای برای این قانون به تصویب رسید که دولت‌های آمریکا را متعهد و ملزم می‌کند تا توانایی اسرائیل را برای مقابله و شکست هرگونه تهدید نظامی قابل توجه متعارف از سوی هر دولت، ائتلافی از دولت‌ها و یا عناصر غیردولتی تضمین کند (Scott, 2021: 1). این قانون در واقع یکی از سیاست‌های قدیمی آمریکا در منطقه را که در طول جنگ سرد نیز دنبال می‌شد، به صورت مدون درآورد.

۴) *هدایت کارزار شناختی*: جنگ در طول چند دهه گذشته به شکل شایان توجهی تغییر کرده و تا حدودی از تهدیدات فیزیکی فاصله گرفته است. جنگ در دنیای امروز توسط رسانه‌های عمومی و

۱. البته نباید فراموش شود که عملیات طوفان الاقصی و پیامدهای آن به‌عنوان یک تغییردهندهٔ بازی، دست‌کم در کوتاه‌مدت، بسیاری از این طرح‌ها و اجرای آنها را با وقفه و مانع مواجه خواهد کرد؛ اقدامات رژیم اسرائیل علیه مردم فلسطین و ماه‌ها کشتار مردم بی‌دفاع غزه و ترور شماری از سران و فرماندهان حماس و دیگر گروه‌های جبهه مقاومت، و اظهارات تند نمایندگان راست افراطی اسرائیل بر ضد برخی از کشورهای عربی و حتی ترکیه، فشار افکار عمومی منطقه بر حاکمان خود مبنی بر قطع روابط دیپلماتیک و اقتصادی با رژیم صهیونیستی را افزایش داده است. شواهد حاکی از این است که این موج در همان گام نخست بخش‌هایی از دستاوردهای سال‌های گذشته اسرائیل در منطقه را از میان برده است. در چنین فضایی است که عربستان سعودی به‌منزلهٔ رهبر بلوک کشورهای سنی عمل‌گرا، شرط اصلی عادی‌سازی روابط خود با اسرائیل را تشکیل دولت فلسطین عنوان می‌کند و بر آن تأکید می‌ورزد. پیش‌شرطی که جریان راست اسرائیل آن را نخواهد پذیرفت و اگر جریان میانه به آن تن دهد، موجی از ناآرامی و خشونت گروه‌های افراطی یهودی را برای رژیم اسرائیل به دنبال خواهد آورد.

2. The Arms Export Control Act (AECA)



پیشرفت‌های به‌وجود آمده در حوزه فن‌آوری هدایت می‌شود و تهدیدات آن عمدتاً اجتماعی و ایدئولوژیکی است. این مدل جدید «جنگ شناختی» نام دارد؛ اگرچه جنگ شناختی تشابهات زیادی به دیگر انواع جنگ‌های غیرمعارف و «غیرجنبشی»^۱ دارد، اما در نحوه اجرا و اهدافی که دنبال می‌کند منحصر به فرد است. جنگ شناختی مسلح کردن افکار عمومی با هدف اثرگذاری بر سیاست‌های عمومی و دولتی و بی‌ثبات‌سازی نهادهای عمومی است. این اقدامات با هدف گسترش نارضایتی در درون جامعه و یا تحریک مجموعه‌ای از باورها و یا برانگیختن کنش‌هایی خاص صورت می‌گیرد (Bernal et al., 2020: 3-10). در همین راستا اسرائیل با برگزاری برنامه‌هایی برای جوانان یهودی خارجی، اقدام به تربیت سفیرانی غیررسمی برای خود کرده تا ضمن نزدیک کردن گفتمان یهودیان بیرونی رژیم به یهودیان داخلی اسرائیل، آنها را به مدافع حقوق اسرائیل در شبکه‌های اجتماعی تبدیل کند. سازمان غیرانتفاعی «تگلیت»^۲ که تحت نظر وزارت دیاسپورای اسرائیل مشغول فعالیت است یکی از نمونه‌های برجسته در همین چارچوب است. بر اساس نظرسنجی «موسسه راشینک»^۳، ۸۰ درصد از جمعیت اسرائیل بر این باورند که این سازمان نقش بسیار مهمی در مقابله با محتوای ضد اسرائیلی منتشر شده در شبکه‌های اجتماعی دارد و به بهبود وجهه اسرائیل در عرصه بین‌المللی کمک می‌کند (Israel Hayom, 2023).

شکل‌گیری روابط رسمی رژیم صهیونیستی و جمهوری آذربایجان

با فروپاشی اتحاد شوروی دوره جدیدی از سیاست‌های جهانی و بین‌المللی آغاز شد. این تحول بر جمهوری آذربایجان تازه استقلال یافته نیز تأثیر شایان توجهی گذاشت. جمهوری آذربایجان بعد از دستیابی به استقلال در سال ۱۹۹۱ با مسأله سازماندهی سیاست خارجی خود مواجه شد. این کشور به دنبال شرکای سیاسی، اقتصادی و استراتژیک بود تا بتواند از استقلال خود محافظت کند. از آنجایی که این مأموریت بسیار پیچیده بود جمهوری آذربایجان از همان روزهای ابتدایی استقلال خود کوشید تا روابط دیپلماتیک خود را با کشورهای پیشگام در جهان برقرار سازد؛ از همین رو بود که این جمهوری به برقراری ارتباط کامل با کشورهایی نظیر ایالات متحده آمریکا، ترکیه و همسایه جنوبی خود ایران پرداخت. در این بین درک جامع مسئولان اسرائیل از موقعیت حساس جمهوری آذربایجان در منطقه قفقاز و تکاپوهای دامنه‌دارشان برای گسترش نفوذ

1. non-kinetic

2. תגלית

3. Rushinek institute

پیرامونی، آنها را بر آن داشت تا ضمن حمایت تمام‌قد از جمله در حوزه نظامی، از این کشور تازه‌تاسیس در مقابل ارمنستان، از این قافله عقب نیفتاده و زمینه حضور خود را در قفقاز و برقراری روابط گرم با جمهوری آذربایجان فراهم آورند (Abilov, 2009: 147-148).

بعد از آغاز روابط دیپلماتیک اسرائیل و جمهوری آذربایجان در ۷ آوریل ۱۹۹۲، رژیم اسرائیل در ۱۹۹۳ اقدام به تأسیس سفارت در باکو کرد؛ البته جمهوری آذربایجان برای حفظ روابط خود با کشورهای مسلمان منطقه محتاطانه عمل کرد و متقابلاً به راه‌اندازی سفارت در تل‌آویو اقدام نکرد، اما مشتاق توسعه روابط و همکاری‌ها بود. در سال‌های اخیر و به‌خصوص بعد از انعقاد پیمان‌های صلح آبراهام، جمهوری آذربایجان نیز کوشید تا از قافله کشورهای اسلامی که اقدام به تأسیس سفارتخانه در اسرائیل می‌کنند عقب نیفتد. از طرفی رژیم صهیونیستی نیز در طول این سال‌ها حساسیت‌های جمهوری آذربایجان را درک کرد و طرفین کوشیدند روابط را در الگویی توسعه دهند که بعدها بر اساس اسناد ویکی‌لیکس در ۲۰۰۹ به تعبیر الهام علیف به کوه یخی بدل شد که نه دهم آن زیر آب و از دیده‌ها پنهان بود (Perry, 28.03.2012). طرفین طی سه دهه روابط را در حوزه‌های مختلف امنیتی، نظامی، اقتصادی، ارتباطات، دارویی، تجاری، آموزشی و فرهنگی توسعه دادند.

همکاری‌های دو طرف در طول سال‌های پس از استقلال جمهوری آذربایجان به سرعت گسترش یافت و طرفین که هر دو موجودیت‌های پدیدآمده در سده بیستم میلادی بودند، کوشیدند که دستاویزهای تاریخی نیز برای این همکاری‌ها بیابند چنان‌که وفا قلی‌زاده مشاور ارشد سابق دستگاه سیاست خارجی جمهوری آذربایجان، این همراهی و همگرایی متقابل را دارای بنیان و اساس تاریخی برشمرده است (Murinson, 2014: 15). شیمون پرز در ۲۵ ژوئن ۲۰۰۹ به جمهوری آذربایجان سفر کرد. سفر پرز نقطه عطفی در روابط تل‌آویو - باکو بود و در واقع می‌توان آن را مرحله جدیدی از عادی‌سازی و آشکارسازی مناسبات جمهوری آذربایجان - اسرائیل ارزیابی کرد. پیش از پرز، در ۱۹۹۷ بنیامین نتانیاهو نخست‌وزیر وقت اسرائیل از باکو دیدار کرده بود، اما تفاوتی که سفر پرز با سفر نتانیاهو داشت در آن بود که سفر نتانیاهو به صورت پنهانی و شبانه و بدون هیچ تبلیغی از سوی طرفین انجام گرفت، اما در سفر پرز، برنامه سفر دست‌کم از یک ماه پیش علنی شده بود (حسینی تقی‌آباد، ۱۴۰۰: ۵۵-۵۶).

یکی دیگر از نشانه‌های تعمیق روابط جمهوری آذربایجان و رژیم اسرائیل را می‌توان در همکاری‌های طرفین در مقوله امنیت انرژی و حمل‌ونقل ایمن مواد پتروشیمی مشاهده کرد. البته



نباید تأثیر بهبود روابط اسرائیل و ترکیه و قرار گرفتن «سیاست تنش صفر با همسایگان»^۱ در دستورکار آنکارا [در دهه نخست حکومت حزب عدالت و توسعه] را در تعمیق روابط اسرائیل و جمهوری آذربایجان نادیده گرفت (Murinson, 2014: 29). از سوی دیگر مناقشات ارضی جمهوری آذربایجان و ارمنستان و از جمله بحران قراباغ، سبب شد تا جمهوری آذربایجان اتصال به توان فنی اسرائیل در زمینه تولید و طراحی پیشرفته‌ترین تسلیحات نظامی را یکی از نیازهای اساسی خود دانسته و به تعمیق روابط با اسرائیل در این حوزه ویژه بپردازد.

نکته مهم در روابط جمهوری آذربایجان با رژیم اسرائیل، حرکت خزنده و روند فزاینده آن است که انگیزه‌های اصلی طرفین در آن نقش مهمی داشته‌اند؛ از جانب دولت باکو تفوق در بحران قراباغ و موازنه‌سازی در برابر جمهوری اسلامی ایران و از طرف رژیم صهیونیستی تأمین امنیت انرژی خویش و رخنه و استقرار در جوار مرزهای جمهوری اسلامی ایران.

اعاده اراضی از دست رفته در جنگ اول قراباغ در طول تمامی سال‌های سپری‌شده از آتش‌بس ۱۹۹۴، یکی از اهداف اصلی سیاست خارجی جمهوری آذربایجان بود. دولت باکو اعلام کرده بود که اگر مذاکرات دیپلماتیک به سرانجام نرسد درگیری نظامی از سرگرفته خواهد شد. مسأله قراباغ و ناکامی گروه‌های سیاسی بین‌المللی در حل این مناقشه، به‌ویژه گروه مینسک سازمان امنیت و همکاری اروپا که متولی رسمی صلح‌سازی در بحران قراباغ بود، عزم مقامات آذربایجانی معطوف به توانمندسازی نظامی خود برای روز احتمالی نبرد را در تقویت کرد. از همین رو اسرائیل اهمیت زیادی برای مقامات آذربایجانی پیدا کرد و آنها توانستند به کمک مراکز تحقیق و توسعه نظامی و دفاعی اسرائیل به تقویت توان نظامی خود بپردازند. به‌رغم ممنوعیت تأمین تسلیحاتی جمهوری آذربایجان در جنگ اول قراباغ توسط «سازمان امنیت و همکاری اروپا»^۲، اسرائیل تنها کنشگری بود که در آن زمان تمایل خود برای کمک به جمهوری آذربایجان را آشکار ساخت (Lindqvist, 2015: ۶۳-۶۱).

در روابط بین اسرائیل و جمهوری آذربایجان، نفت یکی از مهم‌ترین عوامل مؤثر است. به گفته برخی از منابع، جمهوری آذربایجان قریب به ۴۰ درصد از نفت مورد نیاز اسرائیل را تأمین می‌کند (Lindqvist, 2015: ۶۷). روابط اسرائیل با جمهوری آذربایجان با هدف تأمین

1. Policy of Zero Problems with the Neighbours
2. the Organization for Security and Cooperation in Europe

انرژی را می‌توان در راستای رهنامه اتحاد پیرامونی بن‌گوریون و به جهت خروج از انزوای ایجاد شده توسط کشورهای عربی دانست.

جمهوری آذربایجان در ابتدای روابط خود با اسرائیل، تلاش می‌کرد کمتر حساسیت مقامات ایرانی را برانگیزد، اما با گذشت زمان و گسترده‌تر شدن و تعمیق این روابط، مواضع ضد ایرانی مسئولان آذربایجانی نیز شدت گرفت و علنی‌تر شد. برای نمونه، حین نخستین سفر وزیر خارجه دولت باکو به اسرائیل، سفر چهار روزه المار ممدیاراف که از ۳۱ فروردین ۱۳۹۲ (۲۰ آوریل ۲۰۱۳) شروع شده بود، راسیم موسی بیگ‌اف نماینده پارلمان جمهوری آذربایجان در مصاحبه با دویچه‌وله گفت: «آذربایجان مواضع خود را دارد و نارضایتی ایران در انجام این سفر تأثیری ندارد. ایران با اسرائیل رابطه ندارد و آذربایجان نیز با ارمنستان ارتباط ندارد. مقام‌های ایرانی هیچ‌وقت درباره سفرهایی که به ارمنستان داشتند به ما توضیحی نداده‌اند. مقام‌های ایرانی در زمانی که خاک ما در اشغال ارمنستان است به این کشور سفر می‌کنند و با رهبران ارمنستان روابط دوستانه‌ای برقرار کرده‌اند. وقتی ایران در این باره به ما هیچ توضیحی نمی‌دهد، حق ندارد درباره مناسبات ما با اسرائیل توضیحی بخواهد.» (حسینی تقی‌آباد، ۱۴۰۰: ۵۸-۵۹). آغاز جنگ دوم قراباغ، پیشروی سریع جمهوری آذربایجان در این جنگ و بازپس‌گیری مناطق اشغالی از ارمنستان سبب افزایش جسارت مقامات آذربایجانی شد و کار را به جایی رساند که دولت باکو (مستظهر به حمایت ترکیه و اسرائیل از ماشین جنگی این کشور) درصدد تحقق رؤیای ایجاد کریدور به اصطلاح زنگزور و اتصال نخجوان به خاک خود برآمد. با بازپس‌گیری مناطق اشغالی، نگرانی جمهوری آذربایجان از قطع حمایت دولت‌های اسلامی به‌طور کامل برطرف شد و شرایطی فراهم آمد که جمهوری آذربایجان را بعد از ۳۰ سال امتناع، به سمت افتتاح سفارت در تل‌آویو سوق داد.

این یک واقعیت است که هیچ کشوری در اوراسیا روابطی نزدیک‌تر و گرم‌تر از روابط جمهوری آذربایجان با اسرائیل نداشته است. آویگدور لیبرمن وزیر خارجه وقت اسرائیل، در سفر به باکو در ۲۰۱۲ به صورت کنایه‌آمیزی اعلام کرده بود که اهمیت جمهوری آذربایجان برای اسرائیل از اهمیت فرانسه بیشتر است (Just Security, 10.03.2021). به هر روی روابط باکو و تل‌آویو مسیر رو به رشد خود را طی کرد و در جنگ ۲۰۲۰ قراباغ نقطه عطفی را رقم زد، آنجا که دولت جمهوری آذربایجان پیروزی قاطع در این نبرد را مرهون تسلیحات اسرائیلی و ترکیه‌ای خواند و به دفعات از کمک‌های نظامی تل‌آویو تشکر کرد (حسینی تقی‌آباد، ۱۴۰۰: ۶۳).



موضوع مسئولان سیاسی و دینی آذربایجان در قبال عملیات طوفان الاقصی و پیامدهای آن از آخرین نمونه‌های ابراز سرسپردگی دولت باکو به رژیم اسرائیل است که عمق روابط دو طرف را به روشنی بازنمایی می‌کند. این درحالی است که این عملیات و پیامدهای آن چنان تأثیری بر افکار عمومی جهان و البته منطقه بر جای گذاشت که دولت‌های اسلامی، دیگر نمی‌توانستند در برابر آن سکوت کنند. این موج بزرگ در گوشه‌ای از نقشه منطقه‌ای، عربستانی سعودی را به‌عنوان رئیس بلوک کشورهای سنی عملگرا که در حال نهایی کردن توافق عادی‌سازی روابط خود با رژیم اسرائیل بود، از اسرائیل دور کرد. در گوشه‌ای دیگر، کشورهای حاشیه خلیج فارس که در سال‌های پس از انعقاد پیمان‌های صلح آبراهام مشغول تعمیق روابط خود با رژیم صهیونیستی بودند را به بازاندیشی واداشت و در گوشه‌ای دیگر، ترکیه را که در سال‌های اخیر به فکر بازیابی روابط خود با رژیم اسرائیل افتاده بود و پس از تسلیت تلفنی اردوغان به اسحاق هرتزوغ رئیس‌جمهور اسرائیل به دنبال درگذشت مادرش (Staff, 13.01.2022)، و احوالپرسی تلفنی هرتزوغ از اردوغان مبتلا به کرونا (Timesofisrael, 06.02.2022)، روابط در مسیر تحکیم قرار داشت، به مرام سابق اخوانی بازگرداند تا بار دیگر شعار «اسرائیل دولت ترور» سر دهد. اگرچه وزارت امور خارجه جمهوری آذربایجان در اولین واکنش رسمی و تقریباً بی‌طرفانه خود به جنگ طوفان الاقصی خشونت بر ضد غیرنظامیان در مناقشه اسرائیل و فلسطین را محکوم کرده و تأسف خود را نسبت به افراد کشته‌شده در این جنگ (چه در اسرائیل و چه در غزه) ابراز داشت، اما مختار ممدوف سفیر این کشور در تل‌آویو در پیامی مستقیم «اقدامات اخیر حماس بر ضد اسرائیل» را به‌شدت محکوم کرد. وی در بیانیه‌ای که از طریق شبکه اجتماعی ایکس منتشر کرده بود، ضمن تأکید بر همبستگی خود با شهروندان اسرائیلی، حملات گروه‌های فلسطینی را تروریستی قلمداد کرد. به‌مدت چند روز در باکو، به‌نشانه همبستگی و حمایت از اسرائیل برج‌های شعله‌به‌رنگ پرچم اسرائیل درآمد. در همین اثناء، رسانه‌های جمهوری آذربایجان شروع به انتشار محتواهای ضد فلسطینی، ضد ایرانی و ضد ارمنی کردند که در این مطالب ایران به سازمان‌دهی تحریک‌آمیز علیه اسرائیل متهم شد. در این محتواها تأکید شد که ایران از حماس به‌صورت کامل حمایت مالی می‌کند. علاوه بر این، رسانه‌های جمهوری آذربایجان یاسر عرفات، رئیس‌درگذشته تشکیلات خودگردان و مردم فلسطین را به جانبداری از ارمنی‌ها متهم کردند (رمان سوانسکی، ۱۴۰۲/۸/۲۶). نمایندگان مجلس ملی این کشور نیز در چارچوب «کارگروه روابط بین پارلمانی

آذربایجان و اسرائیل^۱، در همان ۷ اکتبر حمله صورت گرفته بر ضد اسرائیل را به شدت محکوم کرده و ضمن همدردی با خانواده قربانیان این حملات بی‌رحمانه، برای شفای مجروحان دست به دعا برداشتند (Azernews, 07.10.2023).

در آخرین تحولات صحنه منطقه‌ای نیز که در یکی از آنها سیدرضی موسوی در منزل مسکونی‌اش در دمشق و در دیگری، محمدرضا زاهدی و محمدهادی حاج‌رحیمی به اتفاق پنج تن از همراهان در حمله‌های موشکی رژیم اسرائیل به ساختمان کنسولگری جمهوری اسلامی ایران در پایتخت سوریه به شهادت رسیدند، جمهوری آذربایجان واکنش رسمی نداشت، و تنها در پی عملیات «وعده صادق» بود که در پیامی رسمی در حساب کاربری وزارت امور خارجه این کشور در شبکه اجتماعی ایکس، دو طرف را به آرامش دعوت کرده و از آنها خواست تا مانع از گسترش تنش‌های منطقه‌ای شوند (خبرگزاری آنا، ۱۴۰۲/۱۰/۲۷). مختار ممدوف سفیر جمهوری آذربایجان در اسرائیل نیز همین پست را بازنشر کرد. البته شبکه دولتی «باکو تی‌وی» در اقدامی معنادار به دیدار جورج دیک سفیر رژیم اسرائیل در جمهوری آذربایجان رفته و مصاحبه‌ای را با وی ترتیب داد. سوینچ گلامدوا مجری جنجالی این شبکه که چند روز پیش از این مصاحبه با پوششی نامتعارف به دیدار سیدعباس موسوی جهت ضبط مصاحبه در محل سفارت جمهوری اسلامی ایران رفته بود (تابناک، ۱۴۰۲/۱۱/۱۱)، مصاحبه‌ای که حاوی پرسش‌های گستاخانه و مداخله‌جویانه‌ای نیز بود (Baku.tv, 14.03.2024)، در مصاحبه با دیک به طرح سوالاتی پرداخت که به سفیر رژیم صهیونیستی در مقام پاسخ‌دهی فرصت توهین و تهدید آشکار ایران را داد. او در این مصاحبه ایران را محور بی‌ثباتی در منطقه معرفی کرده و اعلام می‌کند که این حمله بی‌سابقه از سوی ایران با پاسخ قطعی مواجه خواهد شد (Baku.tv, 18.04.2024).

چگونگی همکاری رژیم صهیونیستی و جمهوری آذربایجان علیه منافع ملی ایران

رژیم اسرائیل، جمهوری آذربایجان را به‌عنوان بستری مناسب برای مستحکم‌سازی توان و ظرفیت خود بر ضد ایران برگزیده و در سه دهه اخیر کوشیده تا از ظرفیت‌های این کشور بر ضد امنیت ملی ایران استفاده کند. در ادامه به بررسی برخی از ظرفیت‌ها و بسترهای موجود پرداخته می‌شود:

1. the working group on inter-parliamentary relations between Azerbaijan and Israel



فعال شدن گزینه جنگ شناختی باکو علیه آذری زبان‌های ایران: زبان ترکی، زبان بخش‌هایی از جمعیت ایران بوده و استان‌های با جمعیت غالب آذری زبان آن در مجاورت مرزهای شمال غربی کشور و در همسایگی جمهوری آذربایجان قرار گرفته است؛ همین مجاورت جغرافیایی باعث شده تا در امتداد تکاپوهایی که حتی از پیش از تأسیس کشوری به نام جمهوری آذربایجان در ۱۹۱۸ در جریان بود و در دوره شوروی پی گرفته شد و بعد از شکست فرقه دست‌نشانده دموکرات آذربایجان و عقب‌نشینی شوروی از قلمرو ایران نیز متوقف نشد، زمامداران این کشور از همان اوان استقلال بعد از فروپاشی شوروی تلاش کنند تا با تحریف تاریخ و به راه انداختن جنگ رسانه‌ای علیه یکپارچگی و تمامیت ایران، به تحریک احساسات و عواطف قومی جمعیت ساکن در این مناطق بپردازند. آنها با تداوم و تشدید استفاده از اصطلاحات جعلی و ادبیات دست‌اندازانه تولید شده در دوره شوروی، مناطق آذری زبان شمال غرب ایران را آذربایجان «جنوبی» خطاب کرده و به لفاظی‌های تحریک‌آمیز در مورد آن پرداخته‌اند. ادعاهای ارضی این کشور علیه مناطق آذری زبان ایران در تمامی کتب درسی آن نیز گنجانده شده و این روایت بی‌پایه و خصمانه در ذهن بسیاری از مردم این کشور به‌منزله یک امر مسلم رسوب کرده است؛ به‌علاوه دولت این کشور از طریق برجسته‌سازی کمک‌های نظامی اسرائیل به جمهوری آذربایجان در درگیری‌های نظامی قراباغ و همزمان کتمان و نادیده‌گرفتن کمک‌های مؤثر جمهوری اسلامی ایران از یک‌سو و بزرگنمایی همکاری‌های ایران و ارمنستان و تأکید بر به‌اصطلاح انفعال ایران در مسأله قراباغ از سوی دیگر، کوشیده تا افکار عمومی مناطق آذری زبان ایران را با خود همراه کرده و آنها را نسبت به روایت مقامات ایران بی‌اعتماد کند. هرچند جمهوری آذربایجان کوشید تا قراباغ را که اساساً مسأله افکار عمومی آذری‌زبانان ایران نبود را با روایت‌سازی‌های بی‌پایه خویش به یک مسأله تبدیل کند، اما در عمل و در بزنگاه‌های مختلف ثابت شد که افکار عمومی مناطق آذری زبان ایران، اساساً قراباغ را مسأله خویش نمی‌داند. در کل باید گفت که اصرار مقامات جمهوری آذربایجان بر جذب افکار عمومی آذری‌زبانان ایران و اشاعه گفتمان تجزیه‌طلبانه موسوم به «آذربایجان جنوبی»، یکی از بسترهای قابل بهره‌برداری مقامات اسرائیلی در جمهوری آذربایجان بر ضد امنیت ملی ایران بوده است.

استقرار نیروهای امنیتی و اطلاعاتی اسرائیل در مرزهای ایران: یکی از استراتژی‌های اغلب کشورها برای مقابله با تهدیدات بالقوه، استراتژی غلبه بر «منطقه خاکستری»^۱ است. منطقه خاکستری در اصطلاح به محدوده بین دو طیف جنگ و صلح گفته می‌شود؛ در واقع اقداماتی که هر کشور در محدوده خاکستری به انجام می‌رساند، فعالیت‌هایی هستند که در مرحله پایین‌تر از آستانه نبرد مستقیم نظامی قرار گرفته و نوعی مستحکم‌سازی در برابر تهدیدات احتمالی جدی‌تر در آینده به‌شمار می‌روند. نقش‌آفرینی هر بازیگری در منطقه خاکستری معمولاً با هدف از بین بردن تهدیدات بالقوه احتمالی در مناطق پیرامونی انجام می‌شود.

در قالب همین چارچوب مفهومی بود که جمهوری اسلامی ایران لزوم افزایش حضور منطقه‌ای خود به‌ویژه در مناطق پیرامونی اسرائیل را دریافت و با کمک به تأسیس جنبش حزب‌الله لبنان در سال ۱۹۸۵ جبهه جدیدی را در پیش‌روی رژیم صهیونیستی گشود. با جدی‌تر شدن این حضور منطقه‌ای، اسرائیل به کمک دستگاه‌های تبلیغاتی غرب کوشید تا حضور منطقه‌ای ایران را در چارچوب اراده برای احیای هژمونی تاریخی این کشور بازنمایاند و از آن به‌عنوان دستاویزی برای ایجاد اجماع منطقه‌ای علیه ایران، دامن زدن به ایران‌هراسی، پدید آوردن اتحادهای منطقه‌ای و حتی بین‌المللی علیه ایران و سخت‌تر کردن شرایط برای حضور ایران در منطقه خاکستری استفاده کند (דאָקטרינע פֿאַר אַיראַן، ۲۰۲۱، ۳، ۲۵).

روند تثبیت حضور ایران در منطقه خاکستری، مسئولان اسرائیل را از مدت‌ها پیش به فکر مقابله با آن انداخته و رده‌های سیاسی و نظامی این رژیم را بر آن داشته تا همزمان با خنثی‌سازی حضور ایران در این محدوده، حضور خود در محدوده خاکستری جهت اقدام بر ضد امنیت ملی ایران را افزایش دهند. اگرچه شروع عملیات «صلح الجلیل»^۲ در سال ۱۹۸۲ از سوی مناخیم بگین به بهانه مقابله با قدرت‌گیری و فعالیت گروه‌های مقاومت فلسطینی فعال در جنوب لبنان انجام شد، اما جنگ دوم لبنان در سال ۲۰۰۶ مستقیماً با هدف از بین بردن زیرساخت‌های حزب‌الله لبنان به‌عنوان نیروی نیابتی ایران [به تعبیر رژیم اسرائیل] در این منطقه آغاز شد؛ اسرائیل از چنان عزم راسخی برای از بین بردن حضور به‌زعم خود نیروی نیابتی ایران در این محدوده برخوردار بود که از «رهنامه ضاحیه»^۳ که توسط گادی ایزنکوت تدوین شده بود برای وارد آوردن

1. Gray Zone

2. Operation Peace for Galilee (מבצע שלום הגליל)

3. The Dahiya doctrine (דוקטרינת הדאחיה)



ضربات سنگین و جبران‌ناپذیر به مراکز غیرنظامی لبنان و به زانو درآوردن هر چه سریع‌تر حزب‌الله استفاده کرد. اسرائیل برای مقابله با فعالیت‌های ایران در منطقه خاکستری، گسترش نفوذ در مناطق پیرامونی ایران را نیز در دستورکار قرار داده است؛ جمهوری آذربایجان یکی از همین مناطق پیرامونی است که در فرآیندی ممتد و رو به فزونی از زمان استقلال خود به پایگاهی مستحکم و مطمئن برای حضور نیروهای اسرائیلی تبدیل شده است. روزنامه فرانسوی «لوموند دیپلماتیک»^۱ در سال ۲۰۱۰ مدعی شد که واحد ۸۲۰۰ اسرائیل در حال هدایت یک شبکه شنود و جاسوسی بین‌المللی گسترده از طریق پایگاه‌های متنوع خود در زمینه جاسوسی سیگنال است. بر اساس اعلام برخی منابع، که سابقه خبر آنها به دو دهه پیش می‌رسد، ممکن است اسرائیلی‌ها ایستگاه‌های شنود الکترونیکی خود را نیز در کنار دریای کاسپین و مرزهای ایران مستقر کرده باشند (Abilov, 2009: 153; The Washington Institute, 30.3.2005). از سوی دیگر نمی‌توان پیوستن جمهوری آذربایجان به سازکارهای جدید منطقه‌ای مانند «اتحاد پدافند هوایی خاورمیانه» را که بنی‌گانتس وزیر دفاع وقت اسرائیل شکل‌گیری آن را تأیید کرده بود و در جریان عملیات «وعده صادق» شاهد برخی از نمودهای آن بودیم، نامحتمل دانست (The Organization for World Peace, 18.07.2022). خبرگزاری ایلاف در هنگام افزایش تنش‌ها بین ایران و جمهوری آذربایجان در سال ۲۰۲۱ مدعی شده بود که رژیم اسرائیل دو فروند هواپیمای نسل پنجمی خود را در جمهوری آذربایجان مستقر کرده و دولت باکو انتظار دارد در صورت بروز درگیری بین دو کشور از حمایت هوایی اسرائیل برخوردار شود (Robin Fabbro, 07.10.2021). همچنین ادعایی در خصوص برنامه‌ریزی ارتش اسرائیل برای استفاده از جمهوری آذربایجان به‌عنوان ایستگاه سوخت‌گیری در صورت حمله هوایی به تأسیسات هسته‌ای ایران مطرح شده بود که مختار ممدوف سفیر جمهوری آذربایجان در اسرائیل آن را تکذیب کرد (IRNA, 10.03.2023). البته به‌رغم این تکذیب‌ها، در گذشته نه چندان دور شاهد حملات پهبادی رژیم اسرائیل از خاک جمهوری آذربایجان به ایران بودیم؛ در ۲۴ اوت ۲۰۱۴ سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ایران در اطلاعیه‌ای خبر داد که یک هواپیمای بدون سرنشین رادارگریز رژیم صهیونیستی را که قصد نفوذ به حریم منطقه هسته‌ای نطنز داشته سرنگون کرده است (بی‌بی‌سی، ۲۸/۱۰/۲۰۱۴)؛ پایگاه خبری «دبکا فایل» نزدیک به سازمان جاسوسی رژیم صهیونیستی طی گزارشی مدعی شده بود که پهباد سرنگون شده بر فراز

تأسیسات نطنز «هرمس ۴۵۰» بود که از پایگاه هوایی نخجوان جمهوری آذربایجان برخاسته بود (دیپلماسی ایرانی، ۱۳۹۳/۶/۵). البته گزارش‌های دیگری نیز در مورد نفوذ پهپادی رژیم اسرائیل از خاک جمهوری آذربایجان به سمت اهداف ایرانی وجود دارد که هیچ‌یک توسط رژیم اسرائیل و یا جمهوری آذربایجان رسماً پذیرفته نشده است.

در خطر قرار گرفتن منافع اقتصادی کشور با افزایش خطر تغییر مرزهای ژئوپلیتیکی در شمال مرزهای ایران: جمهوری آذربایجان با وجود اینکه در ابتدای مسیر استقلال از اتحاد شوروی با مشکلات ارضی و از دست دادن برخی از بخش‌های سرزمینی خود توسط ارمنستان مواجه شد، از همان ابتدا و با لحن‌های مختلفی از مقاصد پنهانش برای تغییر مرزهای ژئوپلیتیکی ایران و الحاق استان‌های آذری‌زبان شمال غرب این کشور به جمهوری آذربایجان و یا دست‌کم جا انداختن عنوان مجعول «آذربایجان جنوبی» برای این مناطق که دست‌پخت دستگاه استالینی در جهت زمینه‌سازی برای توسعه ارضی شوروی بوده است، پرده برداشته است. این کشور در برنامه‌ای مدون و کاملاً فکرسده که به‌وضوح گویای مقاصد آنگلساکسونی و صهیونیستی آن است، اقدام در این زمینه را در جنبه‌های مختلفی از جمله تحریف گسترده تاریخ و درج تحریفات در کتب درسی تا طلب کمک از رژیم اسرائیل برای توانمندسازی نظامی و بازپس‌گیری اراضی اشغالی از ارمنستان آغاز کرده و قدم در مسیر طرح دالان تورانی ناتو (به‌اصطلاح زنگروز) برای اتصال جمهوری خودمختار نخجوان به خاک آذربایجان، قطع اتصال سرزمینی ایران به ارمنستان، اتصال سرزمینی کشورهای عضو سازمان دولت‌های ترک به یکدیگر، راه‌اندازی کریدور میانی و در نهایت استقرار نظم آنگلساکسونی بر محوریت پان‌تورانیسم در مقابل نظم ایرانی و روسی در قفقاز و جلوگیری از گذار به نظم نوین منطقه‌ای با محوریت ایران، روسیه و چین، و تشیع‌زدایی و ایران‌ستیزی در قفقاز گذاشته است (کاظمی، ۱۴۰۲/۱۰/۲۲). اساساً پروژه جنگ دوم قراباغ نه صرفاً برای آزادی قراباغ، بلکه به‌عنوان پوششی برای اجرای «دالان تورانی ناتو» بود که تاکنون ناکام مانده است؛ در این فرآیند قرار است ایده پان‌ترکیسم مانند ایده نازیسم و دالان تورانی آن مانند دالان دانزیک هیتلر در قبل از جنگ جهانی دوم برای تغییرات ژئوپلیتیکی ایفای نقش کند و در چهار محور: (۱) ترانزیتی؛ از طریق کریدورهای لاجوردی و میانی، (۲) انرژی؛ برای انتقال مستقیم گاز از ازبکستان، قزاقستان و ترکمنستان به باکو که اروپا را از گاز روسیه در قالب خطوط لوله استراتژیک نورد استریم و ایران بی‌نیاز می‌کند و ظرفیت‌های ژئوپلیتیکی روسیه و ایران در حوزه انرژی را تضعیف و چین را در تأمین انرژی مورد نیاز خود از آسیای مرکزی با مشکل مواجه



خواهد کرد، ۳) مسائل قومی؛ با ایجاد زنجیره‌ای از کشورهای ترک‌زبان در حدفاصل میان سین‌کیانگ و ترکیه و ۴) ناتو؛ به‌عنوان مکمل طرح محاصره روسیه از سمت دریای سیاه، محاصره چین از دریای جنوبی چین و محاصره ایران از سمت خلیج فارس که به‌عنوان مقدمه تقویت سازمان کشورهای به‌اصطلاح ترک‌زبان و تأسیس به‌اصطلاح «ناتوی ترکی» در قالب این سازمان، ضرباتی را متوجه سه کشور مذکور بنماید (کاظمی، ۱۴۰۱/۶/۱۲). البته نباید از خاطر برد که مواضع دولت روسیه مبنی بر استقبال از احداث دالان به‌اصطلاح زنگزور نشان داده که دست‌کم در فضای کنونی کشمکش تمام‌عیار مسکو و غرب در جبهه اوکراین، و بسته شدن راه‌های روسیه به سمت غرب و برسرکار بودن دولت غرب‌گرایی برآمده از انقلاب مخملی در ایروان، و همکاری‌های روزافزون روسیه - جمهوری آذربایجان، مسکو بر مخاطرات پیش‌روی خویش در نتیجهٔ احداث این کریدور چشم بسته است و منافع جاری‌اش چه در مسیرهای مواصلاتی و چه مناسباتش با دولت باکو در مقوله دور زدن تحریم‌ها را اولویت داده است. از همین‌رو بود که مقام معظم رهبری در دیدار با پوتین در ۲۸ تیر ۱۴۰۱، در همان روزی که به اردوغان گوشزده کردند که «اگر سیاستی مبنی بر مسدود کردن مرز ایران و ارمنستان وجود داشته باشد، جمهوری اسلامی با آن مخالفت خواهد کرد چرا که این مرز یک راه ارتباطی چند هزار ساله است»، به رئیس‌جمهور روسیه نیز اعلام داشتند که: «جمهوری اسلامی، سیاست‌ها و برنامه‌هایی را که منجر به بسته شدن مرز ایران و ارمنستان شود، هرگز تحمل نخواهد کرد» (KHAMENEI.IR, 19.07.2022).

در صورت اجرای نقشه‌های جمهوری آذربایجان در استان سیونیک ارمنستان و قطع ارتباط این کشور با ایران، علاوه بر آسیبی که بر روابط بین ایران و ارمنستان و فرصت‌های اقتصادی پیش‌روی هر دو کشور وارد خواهد آمد، ایران نیز از برخی از منافع خود که هم‌اکنون نیز از آنها بهره‌مند است محروم خواهد شد. یکی از ذی‌نفعان بزرگ راه‌اندازی این مسیر ترکیه است. این کشور پشتیبان جدی جمهوری آذربایجان برای احداث هر چه زودتر این کریدور بوده است. این کریدور دروازه ورود ترکیه به حوزه کاسپین خواهد بود و یکی از سریع‌ترین مسیرهایی است که می‌تواند این کشور را به آسیای مرکزی و چین متصل سازد و ظرفیت‌های زیادی را برای آن در زمینه‌های اقتصادی و انرژی و البته فرهنگی و سیاسی به‌وجود بیاورد. از سوی دیگر جنگ اوکراین نیز به‌منزلهٔ یکی از عوامل مؤثر در این فرآیند عمل کرده و بر تمایل کشورهای آسیای مرکزی برای ایجاد این مسیر افزوده است. راه‌اندازی این کریدور، توسعه کریدور میانی را نیز

تضمین خواهد کرد که تأثیر اقتصادی بالایی بر کل منطقه دارد (کاظمی، ۱۴۰۲/۱۱/۳). «کریدور میانی» مسیری است که چین و آسیای مرکزی را از طریق قزاقستان، دریای کاسپین، جمهوری آذربایجان و گرجستان به اروپا متصل می‌کند؛ این کریدور، جایگزین «کریدور شمالی» است، که خط اتصالی چین به اروپا از طریق روسیه بود. این کریدور در کنار کریدورهای شمالی و جنوبی در زمره سه کریدور تجارت جهانی چین و اروپا قرار می‌گیرد و طول جاده‌ای و ریلی آن ۴۲۵۶ کیلومتر و مسیر دریایی آن ۵۰۸ کیلومتر است. این کریدور از شهر کاشغر در سین‌کیانگ چین شروع می‌شود و از آنجا به قزاقستان، دریای کاسپین، جمهوری آذربایجان و ترکیه می‌رسد.

با افزایش روزافزون اهمیت کریدور میانی و جهت‌گیری چین و اتحادیه اروپا به سمت کاهش هر چه بیشتر نقش روسیه در مسیرهای تجاری، جمهوری آذربایجان نیز به دنبال ایجاد این کریدور جهت بهره‌مندی از منافع آن است. از طرفی این کریدور زمینه اتصال جغرافیایی ترکیه به کشورهای ترک‌زبان آسیای مرکزی را نیز فراهم خواهد آورد و لذا راه‌اندازی آن می‌تواند پیگیری سیاست‌های پان‌ترکی از سوی ترکیه در منطقه آسیای مرکزی و قفقاز را بیش از پیش افزایش دهد؛ جای تعجب ندارد که اسرائیل نیز از ایجاد این کریدور حمایت می‌کند. «ایوب قرا»، نماینده پیشین حزب لیکود و وزیر اسبق ارتباطات این رژیم در یادداشتی برای پایگاه اینترنتی «مدرن دیپلماسی» می‌نویسد: «به‌عنوان یک وزیر پیشین اسرائیل معتقدم که اسرائیل باید از ایجاد کریدور میانی حمایت کند، چرا که اگر این کریدور با عضویت اسرائیل و امارات متحده عربی و کشورهای دیگر در منطقه توسعه پیدا کند، توافق‌های صلح آبراهام را تقویت خواهد کرد. ترکیه مانند جمهوری آذربایجان از شیوه رفتار رژیم آخوندی حاکم بر ایران با جمعیت آذربایجانی ساکن در ایران بیزار است. اگر این کریدور تکمیل شود ما نیز می‌توانیم به آن بپیونددیم، چرا که کمک می‌کند تا از طریق ایجاد پیوند قوی‌تر میان جمهوری‌های ترک، اسرائیل و جهان عرب با ایران مقابله کنیم.» (Modern Diplomacy, 07.12.2022)؛ اسرائیل در راستای تحقق این کریدور جهت منزوی‌سازی ایران، صرفاً به تولید محتوای رسانه‌ای اکتفا نکرده و در میدان عمل نیز به صحنه‌گردانی برای تسهیل تحقق این طرح مشغول است. یکی از کارت‌های اسرائیل در این بازی، مناطق آذری‌زبان ایران و گروه‌های فعال در حوزه جدایی‌طلبی است که عموماً تحت نظارت دولت علیف فعالیت دارند. مسلماً تحقق این پروژه نه تنها مسیر ایجاد دالان تورانی به‌اصطلاح زنگزور و میانی را میسر خواهد کرد بلکه آزادی عمل چشمگیری را برای اجرایی



کردن نقشه‌های شوم علیه تمامیت و موجودیت ایران پدید خواهد آورد. رژیم اسرائیل که از ابتدای تأسیس خود حامی هرگونه تحرک جدایی‌طلبانه‌ای در منطقه بوده و کوشیده تا با پشتیبانی همه‌جانبه از این قبیل ادعاها و فعالیت‌ها، شرکای جدیدی برای خود فراهم کند، در خصوص ادعاها بی‌پایه و اساس جمهوری آذربایجان نسبت به تمامیت ارضی ایران نیز سکوت نکرده و تا جایی که توانسته به حمایت از آن پرداخته است. یکی از جدیدترین نمونه‌های این هم‌صدایی با جریان‌های پان‌ترکیستی مورد حمایت دولت جمهوری آذربایجان را باید در نامه ۳۲ نماینده کنست رژیم اسرائیل به الی کوهن وزیر امور خارجه وقت این رژیم در ۲۷ آوریل ۲۰۲۳ جستجو کرد که خواستار پشتیبانی از آرمان‌های ملی در «آذربایجان جن‌وبی» و ارتقا جایگاه مسأله «آذربایجان جن‌وبی» در دستور کار بین‌المللی برای ضربه زدن به ایران شده بودند: «جنب حمایت‌های بین‌المللی برای تشکیل کشور مستقل «آذربایجان جن‌وبی» ضربه مهلکی به جمهوری اسلامی ایران وارد خواهد آورد و با تشکیل کشور مذکور اسرائیل در کنار جمهوری آذربایجان متحد دیگری در منطقه خواهد یافت» (Aznews.tv, 2.5.2023). بعد از انتشار این نامه، جماعت پان‌ترک جدایی‌طلبی که با عناصر و عوامل رژیم اسرائیل در ارتباط تنگاتنگی هستند در بیانیه‌ای مشترک از نامه انتشار یافته و نمایندگانی که پای این نامه را امضا کرده بودند به شدت قدردانی کرده و برای رژیم اسرائیل آرزوی موفقیت کردند. از جمله گروه‌هایی که از این نامه تقدیر کردند می‌توان به «حزب مرکزی آذربایجان» به ریاست صالح کامرانی، «سازمان مقاومت ملی آذربایجان»، «حزب راه آزادی قشقای»، «حزب دموکراتیک آذربایجان جن‌وبی» و «جنبش آزادی ملی آذربایجان جن‌وبی» اشاره کرد (Aznews.tv, 2.5.2023). درست یک روز قبل از انتشار نامه درخواست اسرائیلی‌ها بود که خبر تشکیل یک سازمان جدید با نام «شورای ملی کشور آذربایجان جن‌وبی» منتشر شد. هدف از تأسیس این سازمان احیای ایده دولت ملی آذربایجان عنوان شد که در سال‌های ۱۹۴۵ و ۱۹۴۶ به سرکردگی سیدجعفر پیشه‌وری در ایران اعلام وجود کرد (Turan, 26.4.2023).

شواهد نشان می‌دهد که تشکیل شورای ملی کشور آذربایجان «جن‌وبی» در چنین برهه‌ای از تاریخ اتفاقی نبوده است؛ این سازمان را می‌توان مولود نامشروع همگرایی فزاینده رژیم صهیونیستی و دولت باکو در سال‌های اخیر دانست. این سازمان بعد از آن افتتاح شد که الی کوهن در ۲۹ مارس ۲۰۲۳ و در مصاحبه با خبرنگاران در اسرائیل از توافق خود با همتای آذربایجانی‌اش برای ایجاد یک «جبهه مشترک بر ضد ایران» پرده برداشت. بر اساس

گزارش‌های موجود، این سازمان با حمایت مستقیم باکو و تل‌آویو ایجاد شده است. به‌وضوح پیداست که روابط رژیم اسرائیل و جمهوری آذربایجان بعد از جنگ قراباغ و به‌خصوص بعد از افتتاح سفارت جمهوری آذربایجان در تل‌آویو افزایش یافته و حمایت وزیر امور خارجه وقت اسرائیل از ایجاد جبهه مشترک با جمهوری آذربایجان بر ضد ایران و نامه ۳۲ نماینده کنست اسرائیل به وی برای ارتقا جایگاه مسأله آذربایجان «چن‌وبی» در دستور کار بین‌المللی تا تشکیل شورای ملی کشور آذربایجان «چن‌وبی» را می‌توان نتیجه یک اقدام هماهنگ مشترک، دست‌کم بین تل‌آویو و باکو دانست. برای جمهوری آذربایجان حتی اولی بر حل مسأله قراباغ، تمرکز بر روی دالان تورانی زنگزور و اتصال سرزمینی دولت‌های ترک به یکدیگر، و برای تل‌آویو افزایش آزادی عمل در استفاده از شرایط حاصل‌شده برای ایجاد زیرساخت‌های نظامی مورد نیاز جهت هدف قرار دادن ایران، مد نظر خواهد بود. هدف اصلی همکاری‌های تنگاتنگ رژیم اسرائیل و جمهوری آذربایجان، تقویت گرایش‌های جدایی‌طلبانه در شمال غرب ایران است (The Armenian Weekly, 9.5.2023).

نتیجه‌گیری

جمهوری آذربایجان به یکی از منابع تضمین‌شده و مطمئن تأمین انرژی رژیم صهیونیستی بدل شده است؛ جایگاهی که در محک‌های گوناگون از جمله عملیات طوفان‌الاقصی و پیامدهای آن در تهاجم رژیم اسرائیل به غزه آزموده شد و باکوی تحت امر علیف ثابت کرده که شریک بسیار مطمئنی برای تل‌آویو است.

در مجموع، با توجه به واقعیت‌های بنیادین استراتژیک رژیم اسرائیل (عمق کم استراتژیک، جمعیت نامتقارن، نداشتن اقبال در جلب حمایت افکار عمومی منطقه و ناتوانی در دستیابی به پیروزی قاطعانه در برابر دشمنان خود که به‌ویژه طی عملیات طوفان‌الاقصی و پیامدهای آن آشکارتر شد)، سیاست‌های امنیت ملی این رژیم (تقویت توانمندی‌های نظامی و عدم وابستگی، نمایش برتری نظامی و ایجاد توانمندی بازدارنده، حفظ برتری کیفی در حوزه نظامی، برخورداری از یک بدنه اطلاعاتی بزرگ و کارآمد، افزایش توانمندی‌ها در حوزه سایبری، ایجاد تغییر در برنامه‌های نظامی به‌موازات افزایش روزافزون توانمندی‌های نظامی دشمنان اسرائیل، تقویت بودجه دفاعی و نظامی، خودداری از جنگ‌های غیرضروری، کشاندن درگیری‌ها به خاک دشمن، ایجاد امکان نبرد در همه جهات (زمین، هوا، دریا)، وارد کردن ضربات سنگین و جبران‌ناپذیر به



طرف مقابل برای ایجاد نفوذ بلامنازع، سلطه بر کشورهای همسایه و حفظ جایگاه خود به‌عنوان قدرت غالب منطقه (انگاره‌ای که با عملیات طوفان‌الاقصى و سلسله رویدادهای پس از آن دچار تزلزل جدی شد)، ترکیب جسارت تاکتیکی با احتیاط استراتژیک، کسب مشروعیت و مقبولیت عمومی، ایجاد ارتباط قوی بین تکاپوهای نظامی و اقدامات دیپلماتیک و حفظ و تقویت روابط خارجی) و نقش این رژیم در سیاست خارجی ایالات متحده آمریکا و محور یورو - آتلانتیکی (کمک به تحقق طرح خاورمیانه بزرگ، مبارزه با اسلام سیاسی و حفظ و حراست از دستاوردهای ایالات متحده آمریکا در منطقه از طرق مختلف از جمله ایجاد و هدایت پیمان‌های منطقه‌ای)، این رژیم در برابر جمهوری اسلامی ایران یک رویکرد چندنظریه‌ای را در پیش گرفته (امنیتی‌سازی، ایجاد اتحادهای منطقه‌ای با استفاده از موازنه تهدید، پیشینه‌سازی قدرت، بازدارندگی و هدایت کارزار شناختی) که امیدوار بود استفاده همزمان آنها، مرگ با هزار ضربه چاقو را محقق کند که هرچند تحولات ۷ اکتبر ۲۰۲۳ به بعد تردیدهای اساسی در آن پدید آورده است، اما نه تنها نمی‌توان پیشبرد این سیاست توسط رژیم اسرائیل را خاتمه‌یافته قلمداد کرد، بلکه می‌توان انتظار داشت که با پیچیدگی‌های بیشتر و در بردارهای متنوع و با جدیت مضاعف دنبال شود.

جمهوری آذربایجان و رژیم صهیونیستی، هر دو، جمهوری اسلامی ایران را تهدیدی جدی برای منافع و موجودیت خود تلقی می‌کنند. مؤلفه‌های گفتمانی و هویتی، این انگاره تهدید را قوی‌تر می‌کند. این دو به‌عنوان موجودیت‌های تازه‌تأسیس و متزلزل در حقوق بین‌الملل، میل به حداکثرسازی قدرت تهاجمی خود دارند و در برابر تهدید مشترک دست به ائتلاف و اتحاد می‌زنند. بررسی تاریخچه تأسیس جمهوری آذربایجان از ۱۹۱۸ تا به امروز، اثبات می‌کند که گفتمان کشور آذربایجان از بدو تأسیس در زمان محمدامین رسول‌زاده و حزب مساوات تا به اکنون، دیگرسازی و مرزبندی‌های جدی با ایران، انجام فعالیت‌های ایذایی و تحریک‌آمیز و البته، طرح ادعاهای ارضی علیه ایران بوده است. اسرائیل با شناسایی گرایش مقامات باکو به ارتباط با غرب از بدو فروپاشی شوروی، نیاز این کشور به تسلیحات پیشرفته برای اعاده تمامیت ارضی‌اش و نفوذ نظامی بر ارمنستان، و نزدیکی این کشور به مرزهای ایران، فرصت را غنیمت دانست و در روندی بی‌وقفه و خزنده، جای پای خود را در این کشور محکم کرد. در واقع تثبیت حضور اسرائیل در جمهوری آذربایجان محور سه‌گانه اسرائیل - ترکیه - جمهوری آذربایجان را پررنگ‌تر ساخت. محوری که با همکاری قزاقستان، در جنگ اسرائیل علیه غزه نقش کلیدی در تأمین و

تضمین امنیت انرژی رژیم صهیونیستی ایفا کرد. رژیم اسرائیل با افزایش نفوذ منطقه‌ای خود در اطراف ایران، مجموعه ابزارهای خویش جهت بکارگیری علیه ایران را افزایش داده است. در این بین کشوری مانند جمهوری آذربایجان در تکمیل طرح‌های منطقه‌ای اسرائیل از موقعیت ویژه‌ای برخوردار است که استفاده از آن می‌تواند تهدیدهای جدی علیه ایران به دنبال داشته باشد. تسریع روند حضور منطقه‌ای اسرائیل در سال‌های اخیر و ارزیابی مقامات اسرائیل از ایران به منزله مهم‌ترین سد در برابر توسعه‌طلبی‌های آن، عرصه منطقه‌ای را به سمت جنگی ترکیبی پیش برده که جمهوری آذربایجان یکی از قطعات آن به‌شمار می‌رود. یکی از جنبه‌های کلیدی و مهم جنگ ترکیبی موسوم به «مرگ با هزار ضربه چاقو» رویدادهای همزمان و مبهمی است که در زیر آستانه وقوع جنگ در جریان هستند و می‌توان آنها را اقدامات طراحی‌شده برای منطقه خاکستری نامید. عملیات‌های نیروی هوایی اسرائیل در سوریه تحت استراتژی جنگ میان جنگ‌ها، حضور در کشورهای عرب حاشیه خلیج فارس و افزایش سطح روابط در عرصه‌های مختلف با کشورهای عضو پیمان‌های صلح آبراهام در این منطقه، کمک اطلاعاتی و ابزاری به نیروهای کرد مخالف جمهوری اسلامی ایران در اقلیم کردستان عراق، کمک به بسط اندیشه‌های پان‌ترکی، تسلیح هر چه بیشتر جمهوری آذربایجان برای اجرای طرح‌های توسعه‌طلبانه خود در منطقه قفقاز بعد از اعاده تمامیت ارضی این کشور، و قطع ارتباط ترانزیتی قفقازی ایران به اروپا، همگی در ذیل یک طرح کلی قرار دارند که هدف همه آنها به زانو درآوردن جمهوری اسلامی ایران است. اسرائیل با همراه کردن کشورهای منطقه به بهانه همکاری در حوزه‌های کارکردی و فنی، به نوعی به دنبال جبران عمق کم استراتژیک خود و تضمین امنیت ملی و تحقق اهداف توسعه‌طلبانه خود در آینده است. جمهوری آذربایجان به‌علت داشتن نظام سیاسی سکولار، خاطره جمعی به‌نسبت مثبت از یهودیان ساکن در این سرزمین، تمایل قوی به برقراری ارتباط با اردوگاه کشورهای غرب به‌سرکردگی ایالات متحده آمریکا، ضدیت با مذهب تشیع و اسلام سیاسی و مخالفت ذاتی با جمهوری اسلامی ایران و برخورداری از گسل‌های فعال در روابط خود با این کشور، یکی از بهترین گزینه‌های اسرائیل در رویکرد تقابلی این رژیم بر ضد جمهوری اسلامی ایران است؛ البته باید توجه داشت که نگاه ویژه اسرائیل به بحران قراباغ و حمایت تسلیحاتی از جمهوری آذربایجان در برخورد با این مسأله یکی از علل مهم نزدیکی طرفین و همسویی این دو بازیگر با یکدیگر بوده است. در واقع مسأله قراباغ بزرگترین دغدغه سیاست خارجی مقامات آذربایجانی را تشکیل می‌داد و اگر کمک‌های تسلیحاتی، مستشاری و نظامی اسرائیل و ترکیه و پاکستان و



حمایت‌های پشت پرده انگلستان نبود بازپس‌گیری مناطق اشغالی غیرممکن می‌شد. البته نباید سیاست اصولی جمهوری اسلامی ایران در حمایت دائمی از تمامیت ارضی جمهوری آذربایجان و اعاده قراباغ در مجامع و سازمان‌های بین‌المللی و کمک‌های انساندوستانه و نظامی ایران به جمهوری آذربایجان در جنگ اول و حمایت‌های نظامی و سیاسی ایران از این کشور در جنگ دوم قراباغ را از خاطر برد، تاریخچه‌ای که به‌صورت نظام‌مند از سوی دولت جمهوری آذربایجان و بالتبع آن رسانه‌های این کشور مکتوم نگاه داشته می‌شود، و خود مؤید وجود نقارهای عمیق و موضع منفی بنیادین دولت جمهوری آذربایجان در قبال ایران است. رژیم اسرائیل و جمهوری آذربایجان در حال حاضر گفتمان مشترکی در قبال ایران دارند و هر دو، جمهوری اسلامی ایران را تهدیدی مشترک و چه بسا وجودی برای خود می‌دانند. با چنین رویکردی، جمهوری آذربایجان یکی از فعال‌ترین بازیگران ضدایرانی در منطقه است که به‌علت دنباله‌روی از سیاست‌های پان‌ترکی، تلاش برای تغییر مرزهای خود با ارمنستان و اتصال ترکیه به دامنه جغرافیایی کشورهای ترک‌زبان، محدودسازی دسترسی‌های منطقه‌ای و ارتباطی ایران با دنیای بیرون، و از طرفی ژرفا یافتن روابط همه‌جانبه با رژیم صهیونیستی و اعطای مجوز به عناصر نظامی و امنیتی این رژیم برای حضور عملیاتی در خاک این کشور، مستقیماً در چارچوب سیاست‌های تقابلی اسرائیل بر ضد ایران قرار دارد.

پیشنهاد‌های کاربردی و رسانه‌ای

- توصیه می‌شود تهدیدهای رژیم صهیونیستی به‌ویژه از طریق همسایگان جمهوری اسلامی ایران، به‌صورت دقیق شناسایی و دسته‌بندی شوند. یکی از این حوزه‌ها، حوزه شناختی است که در عصر ارتباطات و اطلاعات بر تمامی حوزه‌ها سایه افکنده است. لذا ارتقای شناخت از جامعه جمهوری آذربایجان و فاصله گرفتن از باورهای کلیشه‌ای غلط در مورد صحنه، ما را در مسیر آگاهی‌بخشی صحیح افکار عمومی جمهوری آذربایجان و شکست تریبون‌های ضد ایرانی این کشور یاری خواهد کرد.
- با توجه به ماهیت ترکیبی جنگ رژیم صهیونیستی علیه جمهوری اسلامی ایران و نقش جمهوری آذربایجان در این جنگ، به ویژه جنگ شناختی، ضروری است بهره‌گیری از ابزارهای دیپلماسی دیجیتال برای خنثی کردن تکاپوهای خصمانه علیه کشورمان به‌طور جدی در دستور کار قرار گیرد.

- واقعیت، ابعاد و پشت‌پرده‌ها و پیامدهای روابط جمهوری آذربایجان و رژیم غاصب اسرائیل باید در قالب فیلم‌های مستند به تصویر کشیده شود و به زبان‌های فارسی، ترکی آذربایجانی، ترکی استانبولی، انگلیسی، روسی و عربی از طریق شبکه‌های برون‌مرزی و نیز شبکه‌های اجتماعی هرچه بیشتر منتشر شود. ظرفیت‌های بالفعل نظیر شبکه سحر آذری و شبکه‌های رادیویی ترکی آذربایجانی، ارمنی، روسی، عبری و ترکی استانبولی صداوسیما جمهوری اسلامی ایران می‌توانند در این جهت مورد بهره‌برداری بهینه و مؤثر واقع شوند.
- تولید محتوا در مورد واقعیت هم‌زیستی مسالمت‌آمیز پیروان ادیان و مذاهب گوناگون در ایران باید در دستور کار قرار گیرد و جنبه‌ی نمایشی برندسازی دولت جمهوری آذربایجان از خود، برملا شود. در واقع آنچه که جمهوری آذربایجان به‌منزله مزیت خویش به‌عنوان جغرافیای هم‌زیستی مسالمت‌آمیز ادیان و مذاهب می‌نمایاند، یکی از مشخصه‌های تاریخی و فرهنگی ایران است.
- تولید فیلم‌های سینمایی و سریال‌ها با هدف به تصویر کشیدن واقعیت‌های تاریخی و به چالش کشیدن روایت‌های مورد تبلیغ باکو و حامیان آن، باید به‌طور جدی در دستور کار شبکه‌های مختلف صداوسیما و البته شبکه نمایش خانگی قرار داشته باشد.
- ساخت و انتشار مستندهایی با هدف رسوایی مبلغان و حامیان ایرانی گفتمان باکو و تل‌آویو در فضای مجازی هر چه بیشتر پیگیری شود.
- در رسانه‌های دیداری، شنیداری و مجازی برون‌مرزی از مطالب وب‌سایت‌های مرتبط با حوزه جمهوری آذربایجان مانند ahmadkazemi.com هر چه بیشتر بهره گرفته شود.

منابع و مأخذ

منابع فارسی

- بنیاد مطالعات قفقاز (۱۱ آبان ۱۴۰۲). گزارش نشست رونمایی از تارنمای تخصصی در حوزه قفقاز، حقوق بین‌الملل و رسانه، ۱۴۰۲/۱/۲۲، <https://www.ccsi.ir/fa/news/25251>
- تابناک (۱۱ فروردین ۱۴۰۲). ویدئوی مصاحبه جنجالی سفیر ایران در آذربایجان با خبرنگار زن، ۱۴۰۲/۱/۲۰، <https://www.tabnak.ir/gh0059>
- تحولات جهان اسلام (۱۳ آذر ۱۴۰۱). کریدور میانی؛ طرح ترکیه برای اتصال به چین، ۱۴۰۲/۲/۲۵، <https://iswnews.com/83419>



حسینی تقی‌آباد، مهدی (خرداد ۱۴۰۰). روابط تهران-باکو در تنگنای یک در تنگنای یک الگوی ثابت و تکراری. فصلنامه فرهنگی و اجتماعی گفتگو، ۸۸، ۶۰-۳۵.

<https://www.magiran.com/volume/180033>

خبرگزاری آنا تولی (۱ اردیبهشت ۱۴۰۲). آذربایجان، ایران و اسرائیل را به خویشتنداری دعوت کرد، ۳۱/۱/۲۷، ۱۴۰۲/۱/۲۷، <https://www.aa.com.tr/fa/3191422>

دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای (۲۸ تیر ۱۴۰۱). دیدار رئیس‌جمهور ترکیه با رهبر انقلاب، ۲۸/۱/۱۴۰۲، <https://farsi.khamenei.ir/news-content?id=50653>

دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای (۲۸ تیر ۱۴۰۱). دیدار رئیس‌جمهور روسیه با رهبر انقلاب، ۲۸/۱/۱۴۰۲، <https://farsi.khamenei.ir/news-content?id=50657>

دیپلماسی ایرانی (۵ شهریور ۱۳۹۳). ادعای رسانه اسرائیلی: پیمان اسرائیلی از آذربایجان برخاسته بود، ۱۳۰/۲/۱۴۰۲، <https://irdiplomacy.ir/fa/news/1937538>

سوانسکی، رمان (۲۸ آبان ۱۴۰۲). جمهوری آذربایجان؛ خیانت به همبستگی اسلامی در پشت پرده تراژدی فلسطین، ۲۸/۱/۱۴۰۲، دیپلماسی ایرانی.

<http://www.irdiplomacy.ir/fa/news/2023048>

علی‌زاده، شیوا (۱۴۰۱/۷/۴). پشت پرده مأموریت باکو - آنکارا در ایجاد دالان تورانی ناتو، ۴/۲/۱۴۰۲، <https://www.tasnimnews.com/fa/news/1401/07/04/2779140/>

کاظمی، احمد (۱۲ شهریور ۱۴۰۱). دالان تورانی ناتو؛ توطئه مشترک ناتو صهیونیسم بین‌المللی علیه ایران، روسیه و چین، ۱۵/۱۱/۱۴۰۲، دکتر احمد کاظمی.

<https://ahmadkazemi.com/notes/>

کاظمی، احمد (۳ بهمن ۱۴۰۲). نشست اختلاف‌های سرزمینی جمهوری آذربایجان و ارمنستان پس از جنگ ۲۰۲۰ و پیامدهای آن برای ج.ا.ایران، ۱۵/۱۱/۱۴۰۲، دکتر احمد کاظمی.

<https://ahmadkazemi.com/other-sites/>

کاظمی، احمد (۲۲ دی ۱۴۰۲). مدل کالینینگراد قابل اعمال برای نخجوان نیست، ۱۴/۱۱/۱۴۰۲، <http://www.irdiplomacy.ir/fa/news/2024059>. دیپلماسی ایرانی.

قاسمی، فرهاد (۱۳۹۹). اصول روابط بین‌الملل. تهران: نشر میزان.

منابع انگلیسی

- Abilov, Shamkhal. (2009). THE Azerbaijan-Israel Relations: A Non Diplomatic, But Strategic Partnership. *Uluslararası Stratejik Araştırmalar Kurumu*, 4 (8), 147-167. <https://www.acarindex.com/dosyalar/makale/acarindex-1423910554.pdf>
- Ahronheim, Anna, (2021, Oct 5), IDF Weapons Flooding the Streets, 2023.4.12, <https://www.jpost.com/israel-news/its-not-stolen-idf-weapons-flooding-the-streets-681122>.

- Amidror, Yaakov, (2021), Israel's National Security Doctrine, 2023.2.25, <https://jiss.org.il/en/amidror- israels- national-security-doctrine/>.
- Anti-Defamation League, (Jan 2016), Arab Peace Initiative, 2023.3.1, <https://www.adl.org/resources/glossary-term/arab-peace-initiative>.
- Azernews, (2023, Oct 7), Working Group for Azerbaijan – Israel Interparliamentary Relations condemns large – scale attacks on Israel, 2023.8.21, <https://www.aznews.az/nation/215818.html>
- Aznews.tv, (2023, May 2), Statement of the South Azerbaijan and Qaşqayi Organizations about the letter of the Israeli MPs about South Azerbaijan, 2023.10.25, <https://www.aznews.tv/statement-of-the-south-azerbaijan-and-qasqayi-organizations-about-the-letter-of-the-israeli-mps-about-south-azerbaijan/>
- BBC, (2014, Aug 24), Iran shoots down Israeli drone near Natanz nuclear site, 2024.05.03, <https://www.bbc.com/news/world-middle-east-28920361>
- Bernal, A., Carter, C., Singh, I., Cao, K., & Madreperla, O. (2020), Cognitive Warfare: An Attack on Truth and Thought, 2022.11.20, <https://www.innovationhub-act.org/sites/default/files/2021-03/Cognitive%20Warfare.pdf>
- Cagaptay, Soner, (2005, March 30), Good Relations between Azerbaijan and Israel: A Model for Other Muslim States in Eurasia, 2022.6.18, <https://www.washingtoninstitute.org/policy-analysis/good-relations-between-azerbaijan-and-israel-model-other-muslim-states-eurasia>
- Eisenkot, Gadi & Siboni, Gabi, (2019), Israel's National Security Strategy, 2022.11.25, <https://www.washingtoninstitute.org/media/4613>
- Fabbro, Robin, (2021, Oct 7), Report claims Israeli F-35 fighter jets stationed in Azerbaijan, 2024.05.04, <https://oc-media.org/report-claims-israeli-f-35-fighter-jets-stationed-in-azerbaijan/>
- Financial Tribune, (2021, Oct 11), Iran, Armenia Agree to Establish New Transport Corridor, 2023.5.31, <https://financialtribune.com/articles/domestic-economy/110660/iran-armenia-agree-to-establish-new-transport-corridor>
- Financial Tribune, (2023, Feb 11), Armenian Minister Predicts \$1b Trade with Iran in Near Future, 2023.5.31, <https://financialtribune.com/articles/domestic-economy/117065/armenian-minister-predicts-1b-trade-with-iran-in-near-future>
- Fink, Madeline, (2022, July 18), Israel Developing an Air Defense Alliance in the Middle East, 2023.5.10, <https://theowp.org/israel-developing-an-air-defense-alliance-in-the-middle-east/>
- Herzl, Theodor, (ED.) (1943), The Jewish State, 2023.2.8, <https://www.pdfdrive.com/herzl-theodor-the-jewish-state-e3740367.html>
- IRNA, (2022, March 4), South-North Corridor Top Priority in Tehran-Yerevan Ties: Iran Min, 2023.4.25, <https://en.irna.ir/news/84670616/South-North-Corridor-top-priority-in-Tehran-Yerevan-ties-Iran>

- IRNA, (2023, March 10), Azerbaijan not to let its airports be used against Iran: Azeri amb. to Israel, 2024.05.04, <https://en.irna.ir/news/85052839/Azerbaijan-not-to-let-its-airports-be-used-against-Iran-Azeri>
- Isayev, H., & Mejlumyan, A. (2021, Sep 14), Azerbaijan Starts Charging Iranian Trucks Supplying Armenia, 2023.5.20, <https://eurasianet.org/azerbaijan-starts-charging-iranian-trucks-supplying-armenia>
- Israel Hayom, (2023, Feb 24), Taglit-Birthright Most Influential Organization in Diaspora-Israel Relations, 2023.2.25, <https://www.israelhayom.com/2023/02/23/birthright-israel-most-influential-organization-in-diaspora-israel-relations/>
- Kara, Ayoob, (2022, Dec 7), Why Israel Should Support the Establishment of the Middle Corridor, 2023.4.28, <https://modern diplomacy.eu/2022/12/07/why-israel-should-support-the-establishment-of-the-middle-corridor/>
- Lavrina, Anastasia, (2022, Aug 9), Zangezur Corridor: New Transport Route to Connect Europe and Asia, 2023.5.6, <https://www.dailysabah.com/opinion/oped/zangezur-corridor-new-transport-route-to-connect-europe-and-asia>
- Meridor, Dan & Eldadi, Ron, (2019), Israel's National Security Doctrine: The Report of the Committee on the Formulation of the National Security Doctrine (Meridor Committee), 2023.2.13, <https://www.inss.org.il/publication/israels-national-security-doctrine-report-committee-formulation-national-security-doctrine-meridor-committee-ten-years-later/>
- Ministry of Digital Development and Transport, (2023), Azerbaijan Cybersecurity Center to Train Highly Qualified Personnel, 2023.5.5, <https://mincom.gov.az/en/view/news/1792/azerbaijan-cybersecurity-center-to-train-highly-qualified-personnel>
- New York Post, (2021, Feb 2), The Cyrus Accords and Other Commentary, 2023.2.19, <https://nypost.com/2021/02/02/the-cyrus-accords-and-other-commentary/>
- Perry, Mark, (2012, March 28), Israel's Secret Staging Ground, 2023.8.10, <https://foreignpolicy.com/2012/03/28/israels-secret-staging-ground/>
- Poghosyan, Benyamin, (2021, May 25), Armenia – Iran Relations and Their Perspectives After the 2020 Karabakh War, 2023.6.10, <https://www.newgeopolitics.org/2021/05/25/armenia-iran-relations-and-their-perspectives-after-the-2020-karabakh-war/>
- Scott, Patrick, (2021, Dec 13), Israel's Qualitative Military Edge: U.S. Arms Transfer Policy, 2023.2.5, <https://www.e-ir.info/2021/12/13/israels-qualitative-military-edge-u-s-arms-transfer-policy/>
- Staff, Toi, (2022, Jan 13), Erdogan calls Herzog to offer condolences for his mother's passing, 2023.4.8, <https://www.timesofisrael.com/erdogan-calls-herzog-to-offer-condolences-for-his-mothers-passing/>

- Tashjian, Yeghia, (2023, May 9), After Nagorno-Karabakh, Iran may be next, 2023.10.25, <https://armenianweekly.com/2023/05/09/after-nagorno-karabakh-iran-may-be-next/>
- Taureck, Rita. (2006). Securitization Theory and Securitization Studies. Journal of International Relations and Development. 9, 53-61. <https://doi.org/10.1057/palgrave.jird.1800072>
- The news agency Turan, (2023, April 26), The National Council of Statehood of South Azerbaijan has been established. What is its purpose?, 2023.10.26, <https://turan.az/en/difficult-question/the-national-council-of-statehood-of-south-azerbaijan-has-been-established-what-is-its-purpose-765154>
- The Times of Israel, (2015, Oct 1), Full Text of Netanyahu 2015 Address to The UN General Assembly, 2023.3.2, <https://www.timesofisrael.com/full-text-of-netanyahu-2015-address-to-the-un-general-assembly/>
- The Times of Israel, (2022, Feb 6), Herzog calls Erdogan to wish him speedy recovery from COVID, 2023.4.8, https://www.timesofisrael.com/liveblog_entry/herzog-calls-erdogan-to-wish-him-speedy-recovery-from-covid/
- Walt, Stephen M. (1990), the Origins of Alliance, *Cornell University Press*.

منابع آذربایجانی

- Baku.tv, (2024, Mart 14), İran səfirindən gözlənilməz açıqlamalar - RƏSMİLƏR, 2024.4.29, <https://baku.tv/siyaset/iran-sefirinden-gozlenilmez-aciqlamalar-resmiler/>
- Baku.tv, (2024, Aprel 18), İran və İsrail arasında müharibə başlaya bilər? İsrail səfiri Baku TV-yə danışdı - RƏSMİLƏR, 2024.4.29, <https://baku.tv/siyaset/iran-ve-israil-arasinda-muharibe-baslaya-biler-israil-sefiri-baku-tv-ye-danisd-r-smil-r/>

منابع عبری

- מאי, 2023). מכתב הח"כים נגד "דיכוי האזרים" באיראן - שערור 01אייכנר, איתמר.) את זעמו של יורש השאה הגולה. ידיעות אחרונות [https://www.ynet.co.il/news/article/hyymdypx3\(2023.09.28](https://www.ynet.co.il/news/article/hyymdypx3(2023.09.28) (ניגש ב: 2023.09.28)
- דבורי, נ., ורוזנצווייג, א. (9 יוני, 2022). ישראל תשתף פעולה ביטחונית עם עיראק, [https://www.mako.co.il/news-military/2022_q2/Article-76c195796a84181026.htm\(2023.05.26](https://www.mako.co.il/news-military/2022_q2/Article-76c195796a84181026.htm(2023.05.26) (ניגש ב: 2023.05.26)
- וינטר, אופיר. (דצמבר 2019). כי לא לעולם חוסן: תרחישי איום קיומיים על מדינת ישראל. המכון למחקרי ביטחון לאומי. <https://www.inss.org.il/he/publication/no-thing-is-forever/>

منשה، کرמלה. (۱۰ مرץ، ۲۰۲۲). ישמש כנספה צבאי בין שתי המדינות: קצין צה"ל יוצב (ניגש ב: <https://www.kan.org.il/item/?itemid=123700> בבכחריין. חדשות כאן.

(۲۰۲۳.۲.۲۸)

נועם, איציק. (۲۵ مرץ، ۲۰۲۱). האיום האיראני על אילת גובר: נפרסה סוללת פטריוט.

<https://www.yomyom.net/article.asp?id=51381> חדשות אילת

עמידרור, יעקב. (۲۰۲۱). תפיסת הביטחון הלאומי של מדינת ישראל.

<https://www.idf.il/media/r3gebykq/>



پیوند ایران‌شناسی و دیپلماسی عمومی ایران (با تأکید بر نقش فرهنگ و رسانه)

رضا ذبیحی^۱

چکیده

ایران‌شناسی به‌عنوان یک علم مستقل از شرق‌شناسی، با توجه به ماهیت میان‌رشته‌ای خود نیازمند تعامل و هم‌افزایی با سایر رشته‌ها از جمله روابط بین‌الملل و دیپلماسی عمومی، فرهنگی و رسانه‌ای است. بنابراین می‌توان با بررسی اسنادبالادستی، اهداف مرتبط با دو حوزه دیپلماسی عمومی و ایران‌شناسی را شناسایی کرد و انطباق آن با وظایف و مسئولیت‌های سازمان‌های متولی هر کدام از این دو حوزه را سنجید. با این اقدام پژوهشی، اهداف مشترک مشخص می‌شود که عبارتند از: «اشاعه تصویر مطلوب از ایران، تقویت روحیه تعامل‌گرایی فرهنگی، مقابله با ایران‌هراسی، هم‌افزایی و در نهایت افزایش قدرت نرم ایران». در مرحله بعد و ناظر بر اهداف مستخرج، الزامات پیوند مطلوب میان ایران‌شناسی و دیپلماسی عمومی مشتمل بر مواردی نظیر ایجاد همگرایی با دیگر کشورها و کاستن از زمینه‌های واگرایی مشخص می‌شود. در نهایت سؤال اصلی پژوهش حاضر اینگونه مطرح می‌شود که «چه راهکارهایی برای پیوند میان ایران‌شناسی و دیپلماسی عمومی کشور وجود دارد به‌گونه‌ای که ظرفیت‌های ایران‌شناسی برای پیشبرد اهداف دیپلماسی عمومی فعال شود؟» روش انجام این پژوهش، توصیفی و تحلیلی است و به‌منظور کاربست آن، مطالعه اساسنامه سازمان‌های مرتبط از جمله صداوسیما و نیز مفاد اسنادبالادستی مبنای قرار گرفته است. به‌عنوان فرضیه، این امر مستلزم مجموعه راهکارهایی مرکب از اقدامات ساخت‌افزاری و نرم‌افزاری است که به‌طور همپوشان و حمایت‌کننده، مکمل یکدیگر باشند. موارد نرم‌افزاری نظیر دیپلماسی رسانه‌ای مبتکر و خلاق با محوریت ایران‌شناسی و موارد ساخت‌افزاری نظیر ایجاد ارتباط ساختاری میان ایران‌شناسی با حوزه بین‌الملل.

کلیدواژه‌ها: ایران‌شناسی، دیپلماسی عمومی، دیپلماسی فرهنگی، دیپلماسی رسانه‌ای، اسناد بالادستی.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۰/۱۱ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۲/۱۵

۱. استادیار روابط بین‌الملل، گروه مطالعات جغرافیای ایران، بنیاد ایران‌شناسی. تهران، ایران.

r.zabihi@iranology.ir

DOI: 10.22034/imrl.2024.465963.1258



مقدمه

ایران‌شناسی که در ابتدا به‌عنوان یکی از شاخه‌های شرق‌شناسی مطرح شد، امروزه با توجه به فراوانی تولیدات محتوایی پژوهشگران علاقه‌مند به این حوزه و اقدامات ساختاری نظیر تاسیس بنیاد ایران‌شناسی در سال ۱۳۷۶، در قامت یک علم نوین و مستقل مطرح شده است. اما با توجه به نوپا بودن ایران‌شناسی در شکل امروزی آن، بسیاری از ظرفیت‌های این علم بالفعل نشده و نیازمند توسعه است. این مهم، نیازمند کنکاش و احصاء ظرفیت‌های بالقوه فراوانی است که این علم برخوردار از آن است و در این مسیر می‌تواند در عرصه‌های گوناگون به رونق ساحت علم کاربردی کمک کند. این علم می‌تواند برای کمک به دیپلماسی عمومی کشور استفاده شود. این مهم نیازمند بهره‌مندی از انواع دیپلماسی عمومی از جمله دیپلماسی رسانه‌ای و ایفای نقش مطلوب توسط شبکه‌های برون‌مرزی صداوسیما و نیازمند توجه به عناصر فرهنگی ایران برای تعمیق و توسعه تعاملات و تبادلات فرهنگی است. بدین منظور، سؤال اصلی این پژوهش نیز بر همین مبنا شکل گرفته است که فعال‌سازی ظرفیت‌های مربوط به ایران‌شناسی چگونه می‌تواند باعث پیشبرد اهداف دیپلماسی عمومی کشور شود؟ به دیگر سخن در این پرسش به دنبال راهکارهای پیوند میان دو حوزه هستیم. و پیشتر نیز این سوالات مطرح است که اهداف و الزامات برای پیوند میان ایران‌شناسی و دیپلماسی عمومی ایران چیست؟ روش انجام این پژوهش، توصیفی و تحلیلی است و به‌منظور کاربست آن، مطالعات اسنادی با اساسنامه سازمان‌های مرتبط و نیز مفاد مربوط در اسناد بالادستی مبنا قرار گرفته است. در راستای نیل به پاسخ این پرسش اساسی، توصیف وضعیت و یافتن ظرفیت‌های ایران‌شناسی و استخراج اهداف آن و نیز اهداف مرتبط با دیپلماسی عمومی کشور، در این پژوهش ابتدا، مهمترین اسناد بالادستی موجود که مرتبط با این حوزه‌ها بوده استخراج و سپس انطباق این اهداف با سازمان‌های اصلی متولی این دو حوزه محک زده شده است. در واقع مجموعه مطالعات اسنادی مذکور، مبنایی برای تبیین و ترسیم اهداف مشترک میان دو حوزه ایران‌شناسی و دیپلماسی عمومی است. اسناد موردنظر از یک‌سو دربرگیرنده اسناد بالادستی شامل قانون اساسی، سند چشم‌انداز ایران ۱۴۰۴ و نیز قانون برنامه هفتم توسعه است و از سوی دیگر ناظر بر اساسنامه سازمان‌های متولی این دو حوزه و نیز سند تحول رسانه ملی در افق ۱۴۰۵ است. این موارد، در حوزه ایران‌شناسی شامل بنیاد ایران‌شناسی و در حوزه دیپلماسی عمومی مشتمل بر وزارت امور خارجه، سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی و سازمان صداوسیما است. در این میان سازمان صداوسیما به‌ویژه معاونت



برون مرزی آن که شبکه‌های برون مرزی و بین‌المللی صداوسیما نظیر العالم و الکوثر در سطح منطقه‌ای و پرس‌تی‌وی در سطح بین‌المللی و جهانی ذیل آن قرار می‌گیرند، از جایگاه و نقش حائز اهمیتی در پیشبرد اهداف دیپلماسی عمومی کشور مبتنی بر رویکردهای ایران‌شناسانه برخوردار هستند.

در مرحله بعد و برای تحلیل داده‌ها و با توجه به مطالعات اولیه، الزامات ناشی از پیوند مطلوب این دو حوزه استنتاج می‌گردد. در نهایت بر اساس نتایج حاصل از کلیه مطالعات انجام شده، راهکارهای مناسب در جهت پیوند میان این دو حوزه و نیز فعال سازی ظرفیت‌های ایران‌شناسی در راستای پیشبرد اهداف دیپلماسی عمومی کشور ارائه گردیده است. بطوری که پیشبرد اهداف مذکور مستلزم مجموعه راهکارهایی مرکب از اقدامات سخت‌افزاری و نرم افزاری است که بطور همپوشان و حمایت کننده مکمل یکدیگر باشند. اقدامات نرم افزاری نیازمند تهیه نقشه راه مدون برای فعال سازی ظرفیت‌های ایران‌شناسی است؛ شامل مواردی نظیر: بازساخت و بکارگیری عناصری فرهنگ ایران باستان و پس از اسلام در تعاملات فرهنگی کشور، شناسایی ریشه‌های مشترک فرهنگی، مذهبی و قومی با سایر ملل و اقوام و تبیین چگونگی کاربست آن در ارتقاء روابط ایران با سایر کشورها، تهیه متون برای آگاهی بیشتر و ملموس‌تر و همه جانبه سفرا و رایزنان فرهنگی ایران و نیز تولید محتوا در جهت مقابله با ایران‌هراسی. اقدامات سخت‌افزاری نیز مواردی نظیر ایجاد ارتباط ساختاری میان ایران‌شناسی با حوزه بین‌الملل، تلاش به منظور تاسیس کرسی‌های ایران‌شناسی و نیز حمایت مالی از پژوهشگران ایران‌شناسی در داخل و خارج، را شامل می‌شود.

پیشینه پژوهش

پیشینه این پژوهش را می‌توان حداقل به دو دسته کلی تقسیم کرد. نخست مواردی که متمرکز بر دیپلماسی فرهنگی ایران هستند و به دنبال آسیب‌شناسی و ارائه راهبرد در این زمینه‌اند. دسته دوم پژوهش‌هایی هستند که به بررسی تصویر ایران و دیپلماسی رسانه‌ای کشور پرداخته‌اند.

جدول ۱- پیشینه پژوهشی

ردیف	عنوان	نویسندگان / سال	یافته‌های اصلی
۱	نقش «قدرت نرم» ایران در مقابله با ایران‌هراسی	میرمحمدصادقی و حاجی‌مینہ (۲۰۱۹)	بدون توسل به زور و برهم زدن تعادل در روابط بین‌الملل، با استفاده از ابزارهای گوناگون در عرصه دیپلماسی عمومی و قدرت نرم ایران، می‌توان در کاهش فضای جهانی و منطقه‌ای ایران‌هراسی و تضعیف ضدیت علیه ایران اقدامات مؤثر انجام داد.
۲	آسیب‌شناسی دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران و ارائه راهبرد	اژدری و همکاران (۱۳۹۷)	ایران در زمینه دیپلماسی فرهنگی در موقعیت استراتژی محافظه‌کارانه قرار دارد و لازم است اشتراکات دینی، فرهنگی و تاریخی، گسترش مناسبات و همکاری فرهنگی، اقتصادی و علمی تقویت شود.
۳	بررسی وضعیت و جایگاه سیاست‌گذاری دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران	بهزادنسب (۱۳۹۶)	ایران در حوزه فرهنگ و تمدن ایرانی ظرفیت‌های چشمگیر دارد که بهره‌گیری مناسب از این منابع، مستلزم برنامه‌ریزی و دستورکارهای اجرایی است و می‌تواند پیشبرد اهداف سیاست خارجی کشور را تسهیل کند.
۴	درآمدی بر دکترین مطلوب دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران	حق‌پرست و خدابین (۱۳۹۹)	حاصل تحریم و تهاجم فرهنگی به ایران، بدبینی مردم جهان به ایرانیان با وجود تاریخ و تمدن کهن ایران است. اکنون مهمترین اقدام لازم، فعال کردن دیپلماسی فرهنگی مطلوب در سیاست خارجی است.
۵	مدیریت تصویر بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران: آسیب‌شناسی و توصیه‌ها	حاتم‌زاده و همکاران (۱۴۰۱)	فقدان درک مشترک از منافع ملی در میان سیاست‌گذاران، امنیت‌محور بودن سیاست خارجی و مبادلات فرهنگی، فقدان یک نهاد ملی مستقل و مسئول در عرصه تصویرسازی ملی، آسیب‌ها در این زمینه هستند.

<p>ایران در دهه‌های اخیر به دلیل آرمان‌های انقلابی، آماج حمله‌های رسانه‌ای و تبلیغاتی با پروژه‌های اسلام‌هراسی، شیعه‌هراسی و ایران‌هراسی بوده است، اما نقشه راه مناسبی برای مقابله با این هجمه‌ها نداشته است.</p>	<p>سلطانی‌فر و خانزاده (۱۳۹۲)</p>	<p>دیپلماسی رسانه‌ای جمهوری اسلامی ایران</p>	<p>۶</p>
<p>معاونت برون‌مرزی صداوسیما، این ظرفیت را دارد که با اقداماتی از قبیل تشکیل و تأسیس مجامع رسانه‌ای مشترک، تقویت تولید محتوا بر اساس ذائقه مخاطبان منطقه در جهت ارتقاء دیپلماسی رسانه‌ای و تأمین منافع ملی کشور گام‌های بیشتری بردارد.</p>	<p>نیک‌روش و پویا (۱۳۹۹)</p>	<p>ظرفیت‌های برون‌مرزی رسانه ملی در ارتقای دیپلماسی رسانه‌ای جمهوری اسلامی ایران</p>	<p>۷</p>

بررسی پژوهش‌های پیشین نشان می‌دهد که تلاش آنها برای آسیب‌شناسی و بهبود دیپلماسی عمومی کشور کمتر متمرکز بر رویکردهای ایران‌شناسانه و ضرورت پیوند سازمانی و محتوایی میان این دو حوزه بوده است. از سوی دیگر این پژوهش در مقایسه با نمونه‌های پیشین درصدد بوده است که با مطالعات اسنادی مبتنی بر اسناد بالادستی و مبتنی بر اساسنامه‌های سازمان‌های متولی، بایسته‌های لازم درباره چگونگی و شیوه تحقق این پیوند را با تأکید بر ابعاد فرهنگ و رسانه تبیین نماید.

۱. چارچوب مفهومی

با توجه به اینکه این پژوهش در نظر دارد دو حوزه مطالعاتی مشابه اما مختلف را تحلیل و آنگاه اقدام به پیوند این دو به یکدیگر کند، از دو دسته مفاهیم در قالب چهارچوب مفهومی به شرح ذیل استفاده کرده است.

۱-۱. دیپلماسی عمومی

ساده‌ترین تعریف درباره دیپلماسی آن است که آن را به‌عنوان «ارتباط مستقیم با مردم خارجی، با هدف تأثیرگذاری بر تفکر آنها و در نهایت بر روی دولت‌های آنها» توصیف می‌کند (Malone, 1995: 199). در تعریفی دیگر، دیپلماسی عمومی، شیوه‌ای است که در آن دولت، افراد و گروه‌های خصوصی به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم بر نگرش‌ها و نظرات عمومی تأثیر می‌گذارند

که باعث می‌شود مستقیماً بر تصمیمات سیاست خارجی دولت دیگر مؤثر باشد (Signitzer & Coombs, 1992: 138). یک طبقه‌بندی ساده نیز اجزای دیپلماسی عمومی را شامل این مؤلفه‌ها می‌داند: گوش دادن، حمایت، دیپلماسی فرهنگی، تبادل و پخش بین‌المللی^۱ (Cull, 2008: 31). دیپلماسی عمومی امروزه به‌عنوان مکمل دیپلماسی سنتی یا رسمی کاربردهای وسیعی پیدا کرده و پیشبرد سیاست خارجی کشورها بدون آن در عمل دچار نقصان و کمبود است. بنابراین اکثر کشورها و به‌ویژه قدرت‌های بزرگ و کشورهایی که دارای قدمت تاریخی هستند و نیز کشورهایی که مدعی نظم‌سازی بین‌المللی مدعی هستند، سعی می‌کنند دیپلماسی عمومی فعالی داشته باشند.

از جنبه تاریخی، دیپلماسی عمومی در جنگ سرد الهام‌بخش بسیاری از مطالعات درباره ابزارهای مختلف ابرقدرت‌ها و سایر دولت‌ها برای دستیابی به اهداف بین‌المللی خود شد (Gilboa, 2008: 55). زیرا دیپلماسی عمومی در قرن بیستم از دو جنگ جهانی و چارچوب توازن قدرت بین شرق کمونیستی و غرب سرمایه‌داری نشأت گرفته است. اما احیای آن در قرن بیست‌ویکم در چارچوب اعلان جنگ پس از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ بر ضد تروریسم و تلاش آمریکا و انگلیس برای به‌دست آوردن قلب و ذهن جمعیت‌های بومی در غرب آسیا ریشه دارد (Snow & Taylor, 2009: Preface). تحقیقات در زمینه دیپلماسی عمومی نقطه تلاقی فکری رشته‌های مختلف دانشگاهی از جمله روابط عمومی بین‌المللی، ارتباطات جمعی، روابط بین‌الملل، مطالعات استراتژیک و مطالعات دیپلماتیک است (Golan & Yang, 2015: 1) و از زمانی که ادmond گالیون^۲، رئیس دانشکده حقوق و دیپلماسی در دانشگاه تافتس^۳، واژه دیپلماسی عمومی را در سال ۱۹۶۵ ابداع کرد، حوزه دیپلماسی عمومی به‌طور فزاینده‌ای مطرح شد (Cull, 2009: 19). اولین و فوری‌ترین بُعد دیپلماسی عمومی، ارتباطات روزانه است که شامل تبیین زمینه تصمیمات سیاست داخلی و خارجی است. بُعد روزمره باید شامل آمادگی برای مقابله با بحران‌ها و مقابله با حملات باشد. یکی دیگر از ابعاد، توسعه روابط با افراد کلیدی در سال‌های متمادی از طریق بورسیه تحصیلی، مبادلات، آموزش، سمینارها، کنفرانس‌ها و دسترسی به کانال‌های رسانه‌ای است. هر یک از این سه بعد دیپلماسی عمومی نقش مهمی در کمک به ایجاد تصویری جذاب از یک کشور ایفا می‌کند و می‌تواند چشم‌انداز آن را بهبود بخشد (Nye, 2004: 107-)

1. international broadcasting
2. Edmund Gullion
3. Tufts University



110). دیپلماسی عمومی همچنین به عنوان ابزاری برای ارتقای قدرت نرم یک کشور کاربرد دارد (Nye, 2008: 94). در قدرت نرم، بازیگر به نتیجه مطلوب خود از طریق روش‌های غیرمستقیم دست می‌یابد. در نتیجه قدرت نرم با نفوذ متفاوت است، چرا که نفوذ ممکن است بر مبنای قدرت سخت، تهدید و یا پاداش باشد، اما قدرت نرم توانایی جلب دیگران بر اساس رضایت است (عسگری، ۱۳۸۹: ۶۷).

دیپلماسی فرهنگی نیز که به عنوان «تبادل اندیشه‌ها، اطلاعات، هنر و سایر جنبه‌های فرهنگ میان ملت‌ها و مردمانشان به منظور تقویت درک متقابل» تعریف شده است، محور دیپلماسی عمومی است. زیرا در فعالیتهای فرهنگی است که ایده یک ملت از خود به بهترین وجه نشان داده می‌شود (United States. Advisory Committee on Cultural Diplomacy, 2005: 4). اما از آنجایی که دیپلماسی فرهنگی باید منافع عمومی و همچنین منافع استراتژیک ملی را ارزش‌گذاری کند، کشورها باید یک بازی دوگانه انجام دهند، برای مثال ایجاد تعادل بین بی‌طرفی و مزیت استراتژیک در فعالیتهای پخش بین‌المللی برای دستیابی به اعتبار و مشروعیت (Ang, Isar & Mar, 2018: 37). دیپلماسی فرهنگی کارآمد به عنوان نمونه بارز و اعلا دیپلماسی عمومی و قدرت نرم از مهمترین سازوکارها و ابزارهای تأمین اهداف سیاست خارجی، تدوین، تنظیم و اعمال آن است. دیپلماسی فرهنگی توسط دولت‌ها هدایت می‌شود اما در برخی اوقات توسط سایر بازیگران غیردولتی نیز اجرا می‌گردد که به عنوان پشتیبان اهداف سیاست خارجی و ابزاری برای دیپلماسی عمومی محسوب می‌شود (میرمحمدصادقی و حاجی‌مینه، ۱۳۹۷: ۱۲۳).

دیپلماسی رسانه‌ای با حضور در قلب دیپلماسی عمومی، دیپلماسی ایده‌آلی برای دستیابی به اهداف و منافع ملی فراهم می‌کند (رزمجو و همکاران، ۱۳۹۵: ۶۲). دیپلماسی رسانه‌ای به معنای استفاده از رسانه‌های جمعی، برای برقراری ارتباط با بازیگران دولتی و غیردولتی و جهت‌دهی آنها، تأثیرگذاری بر نگرش‌های مردم و طبقات گوناگون جامعه هدف درباره موضوعات و تحولات روز و فراهم کردن شواهد درباره رویدادها در راستای اهداف و منافع کشوری است که دیپلماسی رسانه‌ای را انجام می‌دهد. به عبارت دیگر دیپلماسی رسانه‌ای در بردارنده تمامی جنبه‌هایی از دیپلماسی عمومی است که در آن با رسانه طرف است (حق شناسی و اکبری، ۱۳۹۹: ۱۱۷). چرا که امروزه دیپلماسی رسانه‌ای به عنوان یکی از شاخه‌های اصلی فعالیتهای دستگاه دیپلماسی و سیاست خارجی پدیدار شده است و بخش قابل توجهی از دیپلماسی عمومی کشورها را به خود

اختصاص داده است. اکنون فناوری‌های نوین ارتباطات و اطلاعات، گستره دیپلماسی و سیاست خارجی را به تحریریه روزنامه‌ها، شبکه‌های اینترنتی، تلویزیون‌ها و رادیوهای جهانی کشانده‌اند (نیک‌روش و پویا، ۱۳۹۹: ۲۳۳).

در دیپلماسی رسانه‌ای، فناوری ارتباطات مدرن به این معنی است که ایده حاکمیت ملی که توسط مرزهای غیرقابل نفوذ ایجاد شده است به سرعت در حال تبدیل شدن به یک شرایط جدید است و در این میان شبکه‌های رادیویی و تلویزیونی سهم ایفا می‌کنند (Rawnsley, 1999: 135). همگرایی فزاینده سیاست و ارتباطات نشان می‌دهد که جهان به سمت سیستم حکومتی تحت سلطه رسانه‌ها در حال حرکت است. در حالی که برخی از محققان این سیستم را رسانه‌گرایی می‌نامند، برخی دیگر آن را «دموکراسی از راه دور» می‌دانند. دموکراسی از راه دور به‌عنوان مؤلفه اصلی دیپلماسی رسانه‌ای شناخته می‌شود. اما اگر دولت حاکم با ایجاد سوگیری بر خودمختاری رسانه‌ها تأثیر بگذارد، تبدیل به وضعیت چالش برانگیزی می‌شود (Khan, 2021). بنابراین نمی‌توان انتظار داشت که دیپلماسی عمومی در چنین شرایطی کارکرد مورد نظر خود را داشته باشد. دیپلماسی دیجیتال نیز معمولاً به‌صورت شکلی از دیپلماسی عمومی درک و به‌عنوان استراتژی مدیریت تغییر از طریق ابزارهای دیجیتال و همکاری مجازی تعریف می‌شود (Bjola Holmes, 2015: 15).

۱-۲. ایران‌شناسی

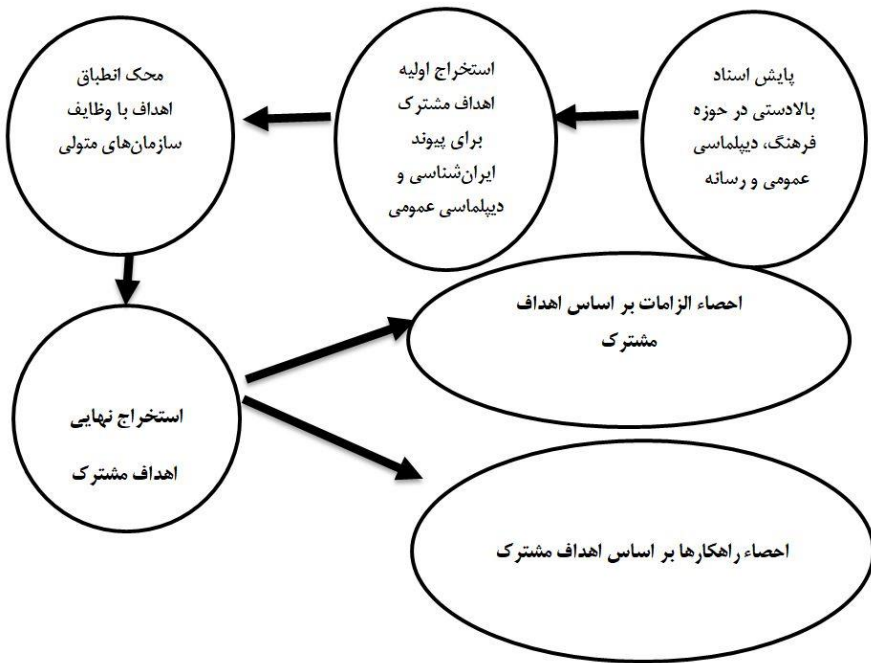
ایران‌شناسی یک علم برای شناسایی ایران و فراتر از آن یک دانش و نیز یک هنر به‌منظور شناختن ایران برای پیشبرد اهداف داخلی نظیر انسجام ملی و اهداف بین‌المللی همچون منافع ملی کشور است. در خصوص ایران‌شناسی تعاریف مختلفی ارائه شده و به‌طور کلی ایران‌شناسی عبارت است از «آگاهی از تاریخ، تمدن، فرهنگ، ادب، رسوم و علم ایران از گذشته تاکنون» (حبیبی، ۱۳۸۹: ۱۲). بر اساس تعریفی دیگر، مجموعه‌ای از مطالعات منظم و علمی مربوط به تمامی شاخه‌های علوم انسانی درباره ایران، فرهنگ، تمدن و زبان‌های ایرانی، در دوره‌های مختلف تاریخ، «ایران‌شناسی» نامیده می‌شود که در ابتدا یکی از زیرمجموعه‌های خاورشناسی بوده است و خاورشناسان آن را بنیاد نهاده‌اند (زرشناس، ۱۳۹۱: ۴۳). چنانکه از حدود سه دهه پیش و بیشتر بر پایه یافته‌های تاریخ‌نگاران و جهانگردان و با یاری داده‌های باستان‌شناسی و زبان‌شناسی، خاورشناسان نگاه ویژه و فراخ‌تری به ایران انداختند و دانش «ایران‌شناسی» به معنای نوین آن پا گرفت؛ و شناسایی ایران و فرهنگ و تاریخ آن در شاخه‌های پیشرفته علوم



انسانی پیش رفت (زند، ۱۴۰۲: ۴۵). این علم بر شناسایی هر چه بیشتر ارزش‌های فرهنگی و مدنی ایران متکی است. هدف از مطالعه دقیق هزاران سند باستانی ایران که به زبان‌های مختلف به دست آمده- مطالعه در زبان‌های متعدد ایرانی، مطالعات باستان‌شناختی، مطالعه تاریخ کهن و دین‌های باستانی، مطالعه در هنر، علم، ادب، فلسفه، عرفان، معماری ایران و جنبه‌های اجتماعی تاریخ ایران- همه برای این است که این فرهنگ عظیم انسانی هر چه روشن‌تر و کامل‌تر در معرض شناسایی بشر امروز قرار بگیرد (شفا، ۱۳۴۸: مقدمه). در واقع ایران‌شناسی به‌عنوان علمی که به مطالعه تاریخ، تمدن و فرهنگ ایران معطوف است، به آنچه به‌عنوان رجوع به گذشته و زنده کردن میراث‌های آن بوده می‌پردازد، که همانا جز «گردشگری فرهنگی» و تلاش برای جلب توجه جهانیان نیست (آشوری، ۱۳۷۷: ۸۶-۶۹). بنابراین هدف از ایران‌شناسی صرف شناسایی ایران نیست، بلکه اهداف غائی‌تری در این موضوع وجود دارد. در نتیجه شناسایی ایران، گام اساسی و حیاتی است، اما این گام ابتدایی و پلی است برای اینکه بتوان مسئله‌های ایران را حل نمود. به‌عنوان نمونه شناسایی ایران موجب آگاهی عمومی در مورد پیشینه و هویت تاریخی می‌شود و در نهایت انسجام و وحدت ملی در عین تکثر را تقویت می‌کند. همچنین تلاش به‌منظور شناساندن ایران باعث می‌شود اقدامات مخرب که علیه تصویر بین‌المللی ایران در جریان است، ناکام مانده و یا حداقل کم اثر شوند.

روش پژوهش

روش انجام این پژوهش، توصیفی و تحلیلی است و به‌منظور کاربست آن، مطالعات اسنادی با اساسنامه سازمان‌های مرتبط و نیز مفاد مربوط در اسناد بالادستی مینا قرار گرفته است. همچنان که در مقدمه به تفصیل بیان شد، برای اجرای پژوهش، ابتدا پایش اسناد بالادستی در حوزه فرهنگ، دیپلماسی عمومی و رسانه انجام شده و سپس استخراج اولیه اهداف مشترک برای پیوند ایران‌شناسی و دیپلماسی عمومی صورت گرفته است. آنگاه محک انطباق اهداف با وظایف سازمان‌های متولی انجام و بر اساس آن اهداف مشترک استخراج شده است. در نهایت بر اساس این اهداف مشترک، الزامات و راهکارها احصاء شده است. در نمودار ۱ مراحل و مسیر عملیاتی پژوهش ترسیم مشخص است.



نمودار ۱- مراحل و مسیر عملیاتی پژوهش

یافته‌های پژوهش

اهداف مشترک ایران‌شناسی و دیپلماسی عمومی

برای دست یافتن به اهمیت و دلایل ایجاد پیوند مستحکم‌تر میان ایران‌شناسی و دیپلماسی عمومی ضروری است با انجام مطالعه اسنادی و بررسی اسناد بالادستی اهداف مشترک میان این دو احصاء شود تا بتوان از این رهگذر ابتدا به تبیین وجوه مختلف اشتراک میان این دو اقدام نمود و سپس الزامات این پیوند و آنگاه راهکارهای آن را مورد کنکاش قرار داد. برای این منظور دو اقدام صورت گرفته است:

نخست، اسناد بالادستی تفسیر و تاویل شده‌اند و بر اساس آن اهداف مشترک احتمالی میان ایران‌شناسی و دیپلماسی عمومی استخراج شده است.



دوم، انطباق این اهداف مشترک در ارتباط با اهداف و وظایف دستگاه‌های متولی هر بخش مورد آزمون قرار می‌گیرد. یعنی پس از اینکه مهمترین متولیان هر دو حوزه ایران‌شناسی و دیپلماسی عمومی شناسایی گردید، با مبنا قرار دادن اساسنامه این متولیان، انطباق یا عدم انطباق آنها با اهداف مستخرج شده در مرحله قبل احصاء گردیده است و در نهایت اهداف مشترک میان دو این حوزه مشخص شده‌اند.

بنابراین این مطالعات اسنادی مذکور به شرح ذیل انجام شده است:

اهداف مشترک ایران‌شناسی و دیپلماسی عمومی مبتنی بر اسناد بالادستی

در این مرحله به‌عنوان مرحله ابتدایی، اسناد بالادستی که شامل قانون اساسی، سند چشم‌انداز ایران در افق ۱۴۰۴ و برنامه هفتم توسعه است، مورد واکاوی قرار می‌گیرد و محورهایی که حدس زده می‌شود به‌عنوان اهداف مشترک میان دیپلماسی و ایران‌شناسی مطرح باشد، استخراج می‌گردد.

الف- قانون اساسی: قانون اساسی به‌عنوان بالاترین میثاق ملی هر کشور می‌تواند نقش

تعیین‌کننده در راستای ترسیم اهداف و سیاست‌های کلان یک کشور از جمله در حوزه فرهنگی داشته باشد. به همین منظور ابتدا نقاط تقارب میان دو حوزه ایران‌شناسی و دیپلماسی عمومی بر اساس این قانون مستخرج شده است.

جدول ۲- استخراج اهداف مشترک ایران‌شناسی و دیپلماسی عمومی بر اساس قانون اساسی

ردیف	محور مرتبط با اهداف استخراج شده	مستند در قانون اساسی	هدف مستخرج
۱	استفاده از علوم و فنون و تجارب پیشرفته بشری و تلاش در پیشبرد آنها	اصل ۲	تقویت روحیه تعامل‌گرایی فرهنگی در جامعه
۲	تقویت روح بررسی و تتبع و ابتکار در تمام زمینه‌های علمی، فنی، فرهنگی و اسلامی از طریق تاسیس مراکز تحقیق و تشویق محققان	اصل ۳- بند ۴	تقویت روحیه تعامل‌گرایی فرهنگی در جامعه
۳	سیاست خارجی کشور بر اساس معیارهای اسلام، تعهد برادرانه نسبت به همه مسلمانان	اصل ۳- بند ۱۶	هم‌افزایی فرهنگی افزایش قدرت نرم ایران

هدف مستخرج	مستند در قانون اساسی	محور مرتبط با اهداف استخراج شده	ردیف
هم‌افزایی فرهنگی افزایش قدرت نرم ایران	اصل ۱۱	دولت موظف است سیاست کلی خود را بر پایه ائتلاف و اتحاد ملل اسلامی قرار دهد و کوشش پیگیر به عمل آورد تا وحدت فرهنگی جهان اسلام را تحقق بخشد.	۴
هم‌افزایی فرهنگی افزایش قدرت نرم ایران	اصل ۱۵۲	روابط صلح‌آمیز متقابل با دول غیرمحابرب	۵

ب- سند چشم‌انداز ایران در افق ۱۴۰۴

جدول ۳. استخراج اهداف مشترک ایران‌شناسی و دیپلماسی عمومی بر اساس سند

چشم‌انداز

چگونگی تطبیق ایران‌شناسی و دیپلماسی عمومی	سند چشم‌انداز ایران در افق ۱۴۰۴	محور مرتبط با اهداف استخراج شده	ردیف
هم‌افزایی فرهنگی افزایش قدرت نرم	بند اول بند نهم	- تعامل سازنده و موثر در روابط بین‌الملل - تعامل سازنده و موثر با جهان بر اساس اصول عزت، حکمت و مصلحت	۱
اشاعه تصویر مطلوب از ایران مقابله با ایران‌هراسی	بند ششم	مفتخر به ایرانی بودن	۲
افزایش قدرت نرم اشاعه تصویر مطلوب از ایران مقابله با ایران‌هراسی	بند هشتم	الهام‌بخش، فعال و مؤثر در جهان اسلام	۳
هم‌افزایی فرهنگی افزایش قدرت نرم	بند هشتم	تأثیرگذار بر همگرایی اسلامی و منطقه‌ای	۴

ج- برنامه هفتم توسعه

جدول ۴. استخراج اهداف مشترک ایران شناسی و دیپلماسی عمومی بر اساس برنامه هفتم توسعه

ردیف	محور مرتبط با اهداف استخراج شده	برنامه هفتم توسعه	چگونگی تطبیق ایران شناسی و دیپلماسی عمومی
۱	کنشگری فعال در دیپلماسی رسمی و عمومی توسط دستگاه‌های اجرایی کشور با هماهنگی وزارت خارجه	ماده ۱۰۰	هم‌افزایی فرهنگی افزایش قدرت نرم ایران تقویت روحیه تعامل‌گرایی فرهنگی در جامعه
۲	تقریب ادیان و مذاهب و مقابله با توطئه دشمنان در ایجاد تفرقه در جهان اسلام	بند الف ماده ۱۰۰	هم‌افزایی فرهنگی افزایش قدرت نرم مقابله با ایران‌هراسی
۳	تبیین دیدگاه‌های ایران در گستره فرامرزی با اولویت کشورهای منطقه با استفاده از ابزار نوین دیپلماسی	بند الف ماده ۱۰۰	اشاعه تصویر مطلوب از ایران مقابله با ایران‌هراسی
۴	برقراری روابط متوازن با کشورهای منطقه و توسعه آن	تبصره بند ب ماده ۱۰۰	هم‌افزایی فرهنگی افزایش قدرت نرم
۵	تلاش برای استمرار ارتباط فرهنگی ایرانیان خارج از کشور با سرزمین مادری با همکاری تمامی دستگاه‌های اجرایی ذیربط	بند ب ماده ۱۰۰	هم‌افزایی فرهنگی افزایش قدرت نرم تقویت روحیه تعامل‌گرایی فرهنگی در جامعه

بر اساس مطالعه حاضر و برگرفته از جداول فوق، مؤلفه‌ها و مضامین اصلی به‌عنوان اهداف مشترک احتمالی استخراج شد. چنانکه مضامین اصلی نشان می‌دهد اشاعه تصویر مطلوب از ایران (افزایش منزلت و پرستیژ بین‌المللی)، تقویت روحیه تعامل‌گرایی فرهنگی در جامعه، مقابله با ایران‌هراسی، هم‌افزایی فرهنگی (از طریق گسترش تعاملات فرهنگی، علمی، آموزشی، رسانه‌ای و ...) و در نهایت افزایش قدرت نرم ایران مهمترین محورهایی هستند که می‌توانند به‌عنوان اهداف مشترک میان ایران شناسی و دیپلماسی عمومی مطرح باشند.





بررسی انطباق اهداف مشترک استخراج شده با اساسنامه مهمترین متولیان ایران‌شناسی و دیپلماسی عمومی

در این مرحله انطباق اهداف مشترک احتمالی استخراج شده با اساسنامه مهمترین متولیان ایران‌شناسی و دیپلماسی عمومی بررسی می‌شود. اساسنامه سازمان‌های زیر به شرح ذیل مطالعه شد:

الف- ایران‌شناسی: مهمترین متولی امر ایران‌شناسی در ایران، بنیاد ایران‌شناسی است. همچنان که در اساسنامه آن، ایجاد هماهنگی در کلیه فعالیت‌ها، مطالعات و پژوهش‌ها و طرح‌ها درباره ایران‌شناسی در سطح ملی و بین‌المللی میان تمامی سازمان‌ها و نهادهای دولتی و جلوگیری از کارهای موازی، بر عهده این نهاد گذاشته شده است (اساسنامه اصلاحی بنیاد ایران‌شناسی، ۱۴۰۰).

ب- دیپلماسی عمومی: مهمترین متولیان دیپلماسی فرهنگی و دیپلماسی عمومی حسب قوانین مصوب در کشور، وزارت امور خارجه، سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی و صداوسیما جمهوری اسلامی ایران هستند. بر این اساس اساسنامه این سه نهاد نیز مورد مطالعه اسنادی قرار گرفته است.

جدول ۵- محک اهداف مشترک ایران‌شناسی و دیپلماسی عمومی بر اساس اساسنامه

سازمان‌های متولی

همسانی با وظایف یا اهداف نهادهای متولی دیپلماسی عمومی	همسانی با وظایف یا اهداف نهادهای متولی دیپلماسی عمومی			هدف مستخرج	ردیف
	سازمان صداوسیما	سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی	وزارت امور خارجه		
۱- معرفی ایران به ایران‌شناسان و انجمن‌های ایران‌شناسی جهان از طریق انجمن ایران‌شناسان ۲- ایجاد احیا و تقویت کرسی‌های ایران‌شناسی در داخل و	۱- هدف اصلی سازمان به‌عنوان یک دانشگاه عمومی، نشر فرهنگ اسلامی در سراسر جهان است. این هدف‌ها در چهارچوب برنامه‌های ارشادی،	۱- عرضه صحیح فرهنگ و تمدن ایران و ویژگی‌های فرهنگی، جغرافیایی و تاریخی آن (اساسنامه سازمان فرهنگ و	همکاری با وزارت ارشاد اسلامی و دستگاه‌های ذیربط در اشاعه فرهنگ اسلامی در کشورهای خارجی (قانون وظایف وزارت امور خارجه، ماده ۲ بند ۹)	اشاعه تصویر مطلوب از ایران (افزایش منزلت و وجه بین‌المللی)	۱

<p>خارج و کمک به آنها و پژوهش‌های آن. (ماده ۳- بند ۱۰ اساسنامه بنیاد)</p> <p>۳- معرفی بنیاد و ایران شناسی و ایران شناسان به زبان فارسی و زبان‌های بیگانه (ماده ۳- بند ۱۳ اساسنامه بنیاد)</p> <p>۴- برگزاری همایش‌های ملی و بین‌المللی با حضور دانشمندان و پژوهشگران ایرانی و غیرایرانی در ایران و یا در خارج (ماده ۳- بند ۱۷)</p>	<p>آموزشی، خبری و تفریحی تأمین می‌شود (اساسنامه سازمان صداوسیما، ماده ۹)</p> <p>۲- تصویرسازی مطلوب از چشم‌انداز پیشرفت مادی و معنوی جامعه ایرانی (سند تحول رسانه ملی، ص ۹)</p>	<p>ارتباطات اسلامی- ماده ۲، بند ۵)</p> <p>۲- اشاعه تقویت کرسی‌های زبان فارسی و مراکز ایران شناسی (اساسنامه سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی- ماده ۳، بند ج۷)</p> <p>۳- تألیف ترجمه و انتشار کتب و نشریات مناسب به‌منظور معرفی فرهنگ و تمدن اسلامی و ایرانی (اساسنامه سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی- ماده ۳، بند ج۸)</p>			
<p>همه موارد بالا</p>	<p>روایت هوشمندانه و صحیح تاریخ اسلام و ایران و استفاده حداکثری از دستمایه‌های تاریخی در مسیر هویت‌بخشی و تمدن‌سازی (سند تحول رسانه ملی، ص ۹)</p>	<p>همه موارد بالا و نیز: مقابله فکری با اسلام‌ستیزی و شیعه‌هراسی (اساسنامه سازمان - ماده ۲، بند ۷)</p>	<p>مورد بالا</p>	<p>مقابله با ایران‌هراسی</p>	<p>۲</p>
<p>۱- بهره‌گیری از دانشمندان،</p>	<p>۱- گسترش مبادلات و</p>	<p>۱- گسترش مناسبات فرهنگی</p>	<p>۱- فراهم آوردن زمینه‌های شرکت</p>		<p>۳</p>



<p>هم افزایی فرهنگی (از طریق گسترش تعاملات فرهنگی، علمی، آموزشی، رسانه‌ای و ...)</p>	<p>و عضویت دستگاه‌های دولتی در مجامع، سازمان‌ها و کنفرانس‌های بین‌المللی (قانون وظایف وزارت امور خارجه بند ۸) ۲- همکاری با وزارت ارشاد و دستگاه‌های ذیربط در اشاعه فرهنگ اسلامی در کشورهای خارجی (قانون وظایف وزارت امور خارجه بند ۹) ۳- همکاری با وزارت علوم و سایر دستگاه‌های ذیربط در انجام امور دانشجویان ایرانی خارج از کشور و بورس‌های واگذاری به جمهوری اسلامی ایران و بالعکس (قانون وظایف وزارت امور خارجه ماده ۲، بند ۱۱)</p>	<p>با ملل و اقوام مختلف (اساسنامه سازمان - ماده ۲، بند ۳) ۲- فراهم آمدن زمینه‌های وحدت میان مسلمانان (اساسنامه سازمان- ماده ۲، بند ۶) ۳- حمایت مادی و معنوی از شخصیت‌ها، انجمن‌ها و تشکل‌های اسلامی و مردمی فعال در مسایل فرهنگی - تبلیغی خارج از کشور (اساسنامه سازمان- ماده ۳، بند الف ۴) ۴- مبادلات فرهنگی، علمی، آموزشی، هنری، سینمایی، خبری و مطبوعاتی (با همکاری دستگاه‌های اجرایی ذیربط) (اساسنامه سازمان، ماده ۳، بند ج ۱) ۵- کمک به ایجاد و گسترش فعالیت‌های</p>	<p>ارتباطات بین‌المللی (از طریق تولید برنامه‌های مفید رادیو تلویزیونی و عرضه آن در سطح جهانی) (اساسنامه سازمان، ماده ۱۱) ۲- تقویت ظرفیت‌های مشترک تعامل با مسلمانان جهان (سند تحول رسانه ملی، ص ۹)</p>	<p>دانش‌پژوهان و دانشجویان ایرانی و غیرایرانی علاقمند به مباحث ایران‌شناسی (ماده ۲، بند ۲ اساسنامه بنیاد) ۲- همکاری‌های علمی، پژوهشی و آموزشی با تمامی گروه‌های علمی، کرسی‌ها، مؤسسات فرهنگی و مراکز آموزشی ایران‌شناسی در گستره ملی و بین‌المللی (برای ارتقاء دانش چندوجهی ایران‌شناسی) (ماده ۲، بند ۷ اساسنامه بنیاد) ۳- عقد تفاهم‌نامه و قرارداد همکاری در زمینه‌های مشترک با دیگر دستگاه‌ها و سازمان‌ها و مؤسسات و بنیادهای فرهنگی خارجی (ماده ۳- بند ۱۹ اساسنامه بنیاد)</p>
--	--	---	--	--

		حزوی و دانشگاهی در خارج از کشور (اساسنامه سازمان، ماده ۳، بند ج۳)			
	عقد تفاهم‌نامه و قرارداد همکاری در زمینه‌های مشترک با دیگر دستگاه‌ها و سازمان‌ها و مؤسسات و بنیادهای فرهنگی داخلی (ماده ۳- بند ۱۹ اساسنامه بنیاد)	انجام مطالعات و تحقیقات فرهنگی بین‌المللی در زمینه شناخت ادیان، فرق، فرهنگ ملل و ساختار جریان‌های فکری جوامع مختلف (اساسنامه سازمان، ماده ۳، بند ب)	همکاری با دستگاه‌های اجرایی کشور برای بررسی و تهیه طرح‌های مربوط به برقراری و گسترش مناسبات، فرهنگی و علمی (قانون وظایف وزارت امور خارج، بند ۷)	تقویت روحیه تعامل‌گرایی فرهنگی در جامعه	۴
همه موارد بالا	بازنمایی قدرت نرم ایران اسلامی در جهان (سند تحول رسانه ملی، ص ۹) و همه موارد بالا	همه موارد بالا	همه موارد بالا	افزایش قدرت نرم ایران	۵

در نهایت مشاهده می‌شود متولیان هر دو حوزه دارای شرح وظایف و مسئولیت منطبق با اهداف مستخرج شده در مرحله پیشین هستند و بنابراین اهداف مورد اشاره به‌عنوان اهداف مشترک برای پیوند میان دو حوزه ایران‌شناسی و دیپلماسی عمومی مدنظر قرار می‌گیرند.

الزامات پیوند ایران‌شناسی و دیپلماسی عمومی

الزامات، مشتمل بر مواردی است که برای رسیدن به اهداف باید آنها را رعایت کرد و به‌عنوان بخش سلبی و ضرورت‌های اولیه در برابر راهکارها مطرح می‌شوند که بخش ایجابی راهبردهایی است که باید اتخاذ شود. اکنون و در این مرحله از پژوهش، با لحاظ کردن اهداف مستخرج از

اسناد پیشین، الزامات و ضرورت‌های ابتدایی و اساسی، به‌منظور پیشبرد آن اهداف بررسی می‌شوند. البته این الزامات علاوه بر اینکه لازم است بر مجموعه سیاستگذاری دیپلماسی عمومی و دیپلماسی فرهنگی کشور حاکم باشد، باید در عملکرد و اقدامات یک دیپلمات فرهنگی یا رایزن فرهنگی و به‌طور کلی مجموعه دیپلماسی فرهنگی نیز مشاهده شود. موارد ذیل در خصوص الزامات پیوند میان ایران‌شناسی و دیپلماسی عمومی ایران قابل ذکر است:

شناخت مناسب از ایران

یکی از مهم‌ترین چالش‌ها و آسیب‌های دیپلماسی عمومی کشور و به‌طور کلی سیاست خارجی ایران، معضل شناختی است. برای غلبه بر این ضعف بنیادین، ایران‌شناسی به‌عنوان منبع شناختی، معرفتی و فکری سیاست خارجی ایران می‌تواند نقشی اساسی ایفا نماید. چرا که لازمه سیاست خارجی واقع‌بینانه مبنی بر تأمین منافع ملی حقیقی و حداکثری، شناخت کامل، دقیق و درست ایران است (دهقانی‌فیروزآبادی و ذبیحی، ۱۴۰۲: ۵۵). به‌دیگر سخن دیپلماسی عمومی کشور و ایران‌شناسی زمانی می‌توانند از پیوندی عمیق، موثر و کارآمد برخوردار باشند که شناخت از ایران مبتنی بر واقعیات و به‌دور از تعصبات صورت گیرد و این شناخت پایه و اساسی برای انجام سایر اقدامات و تعاملات ایران با دیگران شود. چرا که شناخت درست و صحیح از توانمندی‌ها و ضعف‌های خود باعث بروز رفتارهای مناسب در مواجهه با دیگران برای استفاده از فرصت‌های موجود و پرهیز از تهدیدهای بالقوه و بالفعل است. در واقع تجلی اصل «مفتخر به ایرانی بودن» (سند چشم‌انداز ایران ۱۴۰۴، ۱۳۸۳: بند ششم)، مبتنی بر اهدافی نظیر اشاعه تصویر مطلوب از ایران (افزایش منزلت و پرستیژ بین‌المللی) و مقابله با ایران‌هراسی در سایه شناخت مناسب از ایران شکل خواهد گرفت.

شناخت مناسب از دیگری‌های ایران به‌ویژه در مورد همسایگان

فرهنگ‌ها و تمدن‌ها برای تمایز هویتی و رشد و تکامل تاریخی خود، همیشه به دیگری نیاز داشته و دارند. زیرا هرچه حکومت‌ها بزرگتر و نیرومندتر می‌شدند، به «دیگری» نیرومندتری به‌عنوان رقیب و هم‌اورد نیاز داشتند (زند، ۱۴۰۲: ۳۲). در واقع امروزه، هم به‌سبب گسترش تعاملات جهانی و هم ناشی از به‌روزرسانی‌های علمی، هویت همچون گذشته متصلب تعریف نمی‌شود. هویت ایرانی نیز چون هر هویت دیگری متأثر از رابطه خود و دیگری است. پس هویت، دیگر امری یکسان نیست، بلکه سیال است، همچنان که بر ساخته‌گرایان اجتماعی نظیر



آنتونی گیدنز در مخالفت با ذات‌انگاری بر ماهیت اجتماعی و رابطه‌ای هویت بر «خود» در مقابل «دیگری» تأکید ورزیده اند (Cerulo, 1197: 387). لذا این هویت، در ارتباط و متأثر از روابط ایران و ایرانیان با جهان و جهانیان است و از آن اثر می‌پذیرد، همانطور که هر هویت دیگری چنین وضعیتی دارد.

در این شرایط توجه به این نکته ضرورتی است که هر آنچه در درون ایران است، به‌تنهایی نشان‌دهنده و نمایشگر ایران‌شناسی نیست، بلکه ایران‌شناسی علاوه بر اینها، اولاً نحوه و چگونگی تعامل میان خود و دیگری را نیز دربر می‌گیرد و بنابراین با این پرسش‌ها روبرو است: «عناصر ارتباطی ایران، نحوه و چگونگی برقراری ارتباط ایران با سایرین چگونه بوده است؟ میزان توانایی برای برقراری ارتباط مطلوب از سوی ایران با سایر کشورها چگونه بوده است؟ چه تنگناها و چه فرصت‌ها و مسائلی در زمینه این روابط وجود دارد؟ چگونه می‌توان با شناخت در نوع روابطی که ایران برقرار کرده است، کیفیت این روابط را بهبود بخشید؟»

ثانیاً چگونگی کنش و اندرکنش میان خود و دیگری نیز اهمیت دارد. زیرا با توجه به اینکه شناخت از خود در گرو برداشت دیگری نیز است و هر گونه تعامل میان ایران در هر جنبه فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی وابسته به برداشت دیگری است، شناخت این تعاملات و روابط که در آئینه آن هویت تکامل می‌یابد، امری ضروری محسوب می‌شود. توجه به این مهم همچنین به دلیل روحیه بین‌الملل‌گرایی تاریخی ایرانیان و تعامل محوری آنها متأثر از قرار گرفتن در چهارراه ارتباطی جهان، دارای اهمیت ویژه است. در نتیجه ایران‌شناسی ابعاد جهانی نیز خواهد داشت و منحصر در مرزهای درون ایران نیست. در واقع هدف هم‌افزایی فرهنگی (از طریق گسترش تعاملات فرهنگی، علمی، آموزشی، رسانه‌ای و ...) که یکی از اهداف پیوند میان ایران‌شناسی و دیپلماسی عمومی ایران است، جز با شناخت دگر ایران مسیر نیست و راه تعامل با دیگران در هر عرصه‌ای، زمانی باز خواهد بود که شناخت مناسب و کافی از فرهنگ، آداب، رسوم، عقاید و رفتارهای آنان ایجاد شده باشد.

ایجاد الفت میان کشورها

ایجاد الفت میان کشورها، جنبه عاطفی، هیجانی و احساساتی ارتباطات بین‌المللی است که عمدتاً مبتنی بر اقدامات فرهنگی است. چنانکه تألیف قلوب به‌عنوان یک قاعده در فقه سیاسی اسلام نیز می‌تواند مبنای بسیاری از احکام و اصول اجتماعی و سیاسی آن حتی در نحوه مواجهه با غیرمسلمانان باشد (طالبی‌طادی و همکاران، ۱۳۹۹: ۱۰۸). همچنان که در قانون اساسی به‌ویژه

در ارتباط با کشورهای جهان اسلام تأکید شده است: «دولت موظف است سیاست کلی خود را بر پایه ائتلاف و اتحاد ملل اسلامی قرار دهد و کوشش پیگیر به عمل آورد تا وحدت فرهنگی جهان اسلام را تحقق بخشد» (قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، ۱۴۰۲: اصل ۱۱). در چنین فضایی امکان پیوند میان اهداف دیپلماسی عمومی و ایران‌شناسی که هر دو متمرکز بر هم‌افزایی فرهنگی از طریق گسترش تعاملات فرهنگی هستند مسیر خواهد شد.

ایجاد همگرایی حداکثری

ایجاد همگرایی حداکثری میان کشورها عمدتاً مبتنی بر جنبه‌های اقتصادی و سیاسی است و کشورها با افزایش و حتی تعریف منافع مشترک می‌توانند به سمت همگرایی بیشتر گام بردارند. زیرا این شرایط وجود دارد که رابطه ایجاد شود و گسست آن هزینه‌های زیادی برای هر دو طرف به بار می‌آورد، به طوری که اگر یک نظام آسیب ببیند دیگر نظام‌ها نیز دچار آسیب می‌شوند (Waltz, 1970:89). در واقع ایجاد زمینه‌های سیاسی و اقتصادی می‌تواند بستر لازم برای گسترش و بهبود روابط فرهنگی میان کشورها را فراهم آورد. هرچه کشورها برخوردار از روابط مستحکم‌تر سیاسی به‌عنوان مثال از حیث وجود و فعال بودن سفارت و نمایندگی‌ها و کنسولگری‌های سیاسی در کشورهای یکدیگر باشند، امکان توسعه روابط فرهنگی بیش از پیش فراهم خواهد بود. همچنین بهبود روابط اقتصادی مانند افزایش صادرات و واردات، تعدد برگزاری نمایشگاه‌های اقتصادی و بازرگانی و توسعه همکاری‌های فنی و اقتصادی همگی زمینه برای گفتگو و تعامل بیشتر فرهنگی را فراهم می‌آورد. همچنان که در سند چشم‌انداز ایران ۱۴۰۴ نیز بر تعامل سازنده و مؤثر در روابط بین‌الملل و با جهان و نیز تأثیرگذاری بر همگرایی اسلامی و منطقه‌ای تأکید شده است (سند چشم‌انداز ایران ۱۴۰۴، ۱۳۸۳: بندهای اول، هشتم و نهم).

چرا که نگاه تعاملی - تفاهمی در جهت هم‌تکمیلی و هم‌افزایی فرهنگی در چارچوب نهادهای بین‌المللی زمینه ارتقای تحرک ایران در صحنه بین‌الملل را محقق می‌سازد (درخشنده‌لزرجانی و دهشیری، ۱۳۹۷: ۳۷). در مجموع می‌توان گفت هدف مرتبط با افزایش قدرت نرم ایران که جز کلیدی در پیوند میان دیپلماسی عمومی و ایران‌شناسی است در صورتی تحقق خواهد یافت که جنبه‌های مختلف در تعاملات میان کشورها به کمک یکدیگر بیابند، به طوری که روابط سیاسی، اقتصادی و فرهنگی هر یک به‌طور جداگانه بتواند بهبود در حوزه دیگر را به‌طور متقابل توسعه بخشد. زیرا زمانی که بسترهای سیاسی و اقتصادی برای توسعه روابط فراهم شد، روابط فرهنگی



ارتقاء می‌یابد و آنگاه که توسعه فرهنگی در روابط فراهم شد، انگیزه‌ها و تمایلات و ارجحیت‌ها به‌منظور گسترش روابط سیاسی و اقتصادی افزایش خواهد یافت.

کاهش واگرایی‌ها

کاستن از میزان واگرایی میان کشورها عمدتاً مبتنی بر بُعد سیاسی است و در قالب اقداماتی نظیر تنش‌زدایی و یا قبول میانجیگری کشور یا کشورهای ثالث تجلی می‌یابد. وقتی التهابات سیاسی در روابط میان کشورها افزایش می‌یابد، نمی‌توان انتظار داشت روابط فرهنگی رو به پیشرفت باشد و در بهترین حالت شکل موجود خود را حفظ خواهد کرد. در نتیجه اقدامات پر هزینه سیاسی با هدف مرعوب ساختن کشورها و ملت‌های دیگر، اقداماتی که مداخله در امور داخلی کشورها ارزیابی می‌شود، تنش‌آفرینی در روابط با سایر کشورها بدون درنظر گرفتن منافع ملی و هرگونه اقدامی که حسن همجواری و حسن نیت در صحنه روابط بین‌الملل را تحت‌الشعاع قرار دهد، می‌تواند زمینه‌های افزایش واگرایی در روابط با کشورها را ایجاد نماید. این در حالی است که در قانون اساسی نیز بر روابط صلح‌آمیز متقابل با کلیه دول غیرمحراب تأکید شده است (قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، اصل ۱۵۲) و یا اینکه در برنامه هفتم نیز مقابله با توطئه دشمنان در خصوص ایجاد تفرقه در جهان اسلام مطرح شده است (قانون برنامه هفتم توسعه، ۱۳۹۹: ماده ۱۰۰). بنابراین در چنین فضایی رونق روابط فرهنگی بیشتر جلوه‌گر خواهد شد و پیوند میان ایران‌شناسی با دیپلماسی عمومی با تکیه بر اهدافی نظیر مقابله با ایران‌هراسی و اشاعه تصویر مطلوب از ایران قابل تحقق خواهد بود.

راهکارهای پیوند ایران‌شناسی و دیپلماسی فرهنگی

اکنون با توجه به مطالعات انجام شده و مبتنی بر اهداف مشترک در پیوند میان ایران‌شناسی و دیپلماسی عمومی که از اسناد بالادستی به‌دست آمده است و نیز ناظر به الزاماتی که متناظر با این اهداف، استنتاج شده است؛ می‌توان راهکارهای ایجاد پیوند میان این دو حوزه را تبیین و ترسیم کرد. این راهکارها در دو بخش مختلف نرم‌افزاری و سخت‌افزاری قابل تحلیل است.

راهکارهای نرم‌افزاری (تهیه نقشه راه مدون در زمینه ایران‌شناسی)

راهکارهای نرم‌افزاری مبتنی بر قدرت اندیشه، نوآوری، خلاقیت و تقویت جنبه‌های غیرمادی و بین‌الذهانی در تعاملات و روابط فرهنگی با سایر کشورها است. این راهکارها بر سیاست‌های

کشور در زمینه بسط اندیشه‌ها و گفتمان‌ها، تصویرسازی‌های ذهنی و تولید محتواهای مؤثر، خردورزانه، باکیفیت و مطلوب، متمرکز شده‌اند. راهکارهای مزبور در جهت پیوند میان این دو حوزه، ناظر بر تهیه نقشه راه مدون در زمینه ایران‌شناسی است که می‌تواند شامل این موارد باشد:

۱. به‌کارگیری عناصری فرهنگی ایران (دوره باستان و پس از اسلام)

سیاست خارجی هر کشور که شامل دیپلماسی عمومی آن نیز می‌شود، برون‌داد تعامل دیالکتیک عوامل مادی محیطی و زمینه‌های فرهنگی، هویتی و تاریخی آن است. در این میان، فرهنگ ملی یکی از مهم‌ترین عوامل مؤثر در ساخت هویت ملی، انگاره‌های ذهنی نخبگان، نقش و منافع ملی و جهت‌گیری‌ها و استراتژی‌های سیاست خارجی است (موسوی‌زاده و جاودانی‌مقدم، ۱۳۸۷: ۱۸۷). سرزمین‌ها و اقوام کهن که در طول تاریخ تداوم داشته‌اند، دارای اسطوره‌هایی هستند که هویت آنها را در میان مردمان جهان تعیین کرده و به آنها غیریت بخشیده است. ایران نیز جز سرزمین‌های کهنی است که برخوردار از اسطوره‌هایی با قوام و حماسه‌هایی ملی است که در هر دوره تاریخی باززایی شده‌اند، به‌طوری که می‌توان مجموعه متناظری از عناصر تشکیل دولت همچون وجود سرزمین، جمعیت، حکومت و حاکمیت را در اسطوره‌های ایران باستان یافت (حسین‌خانی و امام‌جمعه‌زاده، ۱۳۹۵: ۱۴۵). بنابراین بازشناخت و به‌کارگیری عناصری فرهنگی ایران باستان و همچنین پس از اسلام در تعاملات فرهنگی کشور یکی از مهم‌ترین اقداماتی است که در جهت پیوند میان ایران‌شناسی و دیپلماسی عمومی کشور ضرورت دارد. به‌ویژه توجه بیشتر به عناصر فرهنگی ایران باستان که بعضاً مغفول مانده است، دارای اهمیت ویژه است. زیرا ریشه‌های تاریخی کهن از یک‌سو قابلیت ویژه برای نمادسازی دارد و از سوی دیگر بسترهای قابل اتکایی به‌منظور تقریب و هم‌افزایی فرهنگی با کشورهای هم‌جوار دارد.

۲. کاربست ریشه‌های مشترک فرهنگی برای ارتقا روابط با سایر ملل

شناسایی ریشه‌های مشترک فرهنگی، مذهبی و قومی با سایر ملل و اقوام و تبیین چگونگی کاربست آن، نقش موثری در ارتقاء روابط ایران با سایر کشورها ایفا می‌کند. به‌عنوان نمونه نوروز نقطه اشتراک و توافق میان ملت‌هایی است که شاید هم‌مرزی جغرافیایی با هم نداشته ولی با نوروز هم‌مرز فرهنگی شده‌اند و بر این اساس، ایران به‌عنوان خاستگاه و میراث‌دار این ثروت بی‌نظیر می‌تواند صلح، نوع‌دوستی، احترام متقابل و همیاری با همسایگان را برای پیشبرد روابط خارجی خود مبنا قرار دهد (لنگرودی و لنگرودی، ۱۴۰۰: ۶۶). در این زمینه گام اول شناسایی



نمادها و ریشه‌های مشترک و گام دوم بسط اندیشه‌هایی است که این اشتراکات را تقویت می‌نماید. در این گام شناسایی استفاده‌هایی که می‌توان به نفع تعاملات فرهنگی نمود، حائز اهمیت است. به‌عنوان مثال ایران می‌تواند پس از آنکه مشاهیر مشترکی را که با هر کشور پیرامونی دارد، شناسایی کرد، برای ارتقاء روابط فرهنگی خود با سایر کشورها از آنها سود جسته و برنامه‌ریزی فرهنگی در قالب‌های متنوعی نظیر همایش‌ها و جشنواره‌های فرهنگی انجام دهد. اقدام مؤثر دیگر، پاسخ به نیاز هویتی همسایگان است که در بند بعدی شرح داده شده است.

۳. پاسخ مناسب به نیاز هویتی همسایگان ایران

در سال‌های اخیر تعدادی از کشورهای همجوار ایران اقدام به انتساب برخی نمادها و مشاهیر ایران به نفع خود کرده‌اند. این موضوع در اقدامات ترکیه برای انتساب مولانا به فرهنگ این کشور، تلاش آذربایجان در خصوص نظامی گنجوی و رویکرد افغانستان درباره ابوریحان بیرونی و سنایی قابل مشاهده است. همچنین می‌توان به تلاش‌های تاجیکستان برای مصادره به مطلوب بسیاری از نمادهای ایران از زرتشت گرفته تا رودکی اشاره کرد. نوع برخورد ایران با چنین اقداماتی اهمیت و حساسیت ویژه‌ای دارد. زیرا تنها در صورت پذیرا بودن تکثر فرهنگی است که می‌توان هویت فرهنگی ایرانی را سایه‌بانی ریشه‌دار بر سر فرهنگ‌های متنوع قرار داد و وحدت هویت فرهنگی را تحقق بخشید (یحیایی و کیا، ۱۳۸۸: ۱۳۵). واکنش منفی ایران، به‌عنوان یک کشور برخوردار از نمادها و مشاهیر فراوان، به این اقدامات می‌تواند به‌عنوان بی‌توجهی به نیاز هویتی آنها برای برساختن هویت مستقل خود باشد. ایران می‌تواند از تلاش‌ها برای شناخته شدن این عناصر فرهنگی به‌عنوان عناصر مشترک با فرهنگ و تمدن ایران حمایت کند. برخورد اینگونه با موضوع از سویی، نوع مواجهه منفی کشورهای ذینفع در این موضوع را از میان می‌برد و از سوی دیگر زمینه را برای نشان دادن اقتدار فرهنگی و هویتی ایران فراهم می‌آورد و همزمان باعث گسترش بیش از پیش تعاملات میان فرهنگی بین ایران و آن کشورها خواهد شد.

۴. ایجاد زمینه برای شناخت کافی سفرا و رایزنان فرهنگی و اقتصادی از ایران

عدم شناخت مناسب و درک کافی و درست از ایران و ظرفیت‌ها و پتانسیل‌های آن در عرصه‌های مختلف، یک خطا و معضل شناختی مهمی محسوب می‌شود. در این راستا تهیه متون واحد برای آگاهی بیشتر، ملموس‌تر و همه‌جانبه سفرا و رایزنان فرهنگی و اقتصادی ایران در مورد موضوعات و مسائل پیش‌روی ایران و به‌روزرسانی اطلاعات آن به‌صورت روزمره گامی اساسی

محسوب می‌شود. البته همه سفرا و رایزنان اطلاعات کلی و مبنایی زیادی درباره ایران دارند؛ اما اینکه به‌عنوان نمونه قرار است در هر سال چه رویداد فرهنگی و در چه زمینه‌هایی در ایران برگزار شود و یا اینکه چه فرصت‌های گردشگری جدیدی برای گردشگرهای خارجی ایجاد شده است، ضرورت آگاهی‌های مداوم و روزمره درباره رویدادها و تحولات ایران را گوشزد می‌کند.

۵. تولید محتوا در جهت مقابله با ایران‌هراسی

بدون توسل به زور و برهم زدن تعادل در روابط بین‌الملل، با استفاده از ابزارهای گوناگون در عرصه دیپلماسی عمومی و قدرت نرم ایران می‌توان در کاهش ایران‌هراسی و تضعیف ضدیت علیه ایران در سطح منطقه و جهان اقدامات مؤثر انجام داد (Mirmohammad Sadeghi & Hajimineh, 2019: 216). یک معضل شناختی دیگر در مورد ایران که جنبه بیرونی دارد و مانع از پیشرفت دیپلماسی عمومی کشور می‌شود، وجود، ترویج و استمرار ایران‌هراسی در خارج از کشور است. در این زمینه تولید محتواهای مناسب، علمی، دوراندیشانه و تعاملی برای مقابله با ایران‌هراسی لازم است. زیرا متونی که با شناخت کافی درباره ایران و بدون تعصبات سیاسی و فرهنگی به رشته تحریر درآمده باشد، باعث می‌شود هرگونه شناخت ناقص و نادرست از ایران در مسیر اصلاح قرار بگیرد. موضوعی که ضرورت جدی برای دیپلماسی عمومی کشور است و از رهگذار شناخت و درکت صحیح و مناسب از ایران می‌گذرد.

۶. تولید محتواهای کارآمد برای دیپلماسی رسانه‌ای با محوریت ایران‌شناسی

دیپلماسی رسانه‌ای فعال، مبتکر و خلاق مبتنی بر نگرش‌های علمی و تحولات تکنولوژیکی می‌تواند نقش کلیدی در راستای پیوند میان ایران‌شناسی و دیپلماسی عمومی و پیشبرد اهداف کلان دیپلماسی کشور ایفاء نماید. در حالی که کم‌کاری در این زمینه و عدم انعکاس سیاست‌های داخلی و خارجی ایران به ملل جهان با استفاده از ابزارهای مناسب باعث شده زمینه برای ایران‌هراسی فراهم گردد. این امر سبب شده زمینه برای سوء استفاده برخی از رسانه‌های کشورها و سازمان‌های جهانی فراهم شود تا به هر شکلی که مایل باشند در ساختن افکار عمومی جهان علیه ایران وارد عمل گردند (سلطانی‌فر و خانزاده، ۱۳۹۲: ۱۸۱). این وضعیت نیازمند بازاندیشی در سیاست‌های رسانه‌ای کشور به خصوص در زمینه معرفی ایران است. همچنان که در سند تحول رسانه ملی نیز توجه چندوجهی به ایران با تکیه بر وجه مردمی و پیشرفت‌های علمی و فناورانه و برجسته سازی مفاخر ایران در همه حوزه‌ها جزء وظایف سازمان مربوطه تعریف شده



است (سند تحول رسانه ملی در افق ۱۴۰۵، ۱۴۰۱: ۱۷). تولید محتوای مفید برای پیشبرد دیپلماسی رسانه‌ای کشور با محوریت ایران‌شناسی از جمله مهمترین اقدامات در پیشبرد اهداف دیپلماسی عمومی کشور است. معاونت برون‌مرزی صداوسیما می‌تواند با تکیه بر تولید محتوایی که بهره‌مند از تمامی عناصر فرهنگی ایران شامل دوره باستان و پس از اسلام است و هدف آن معرفی واقعی ایران، گسترش تعاملات فرهنگی و مبارزه با ایران‌هراسی است، در این خصوص نقش محوری داشته باشد.

راهکارهای سخت‌افزاری (ساختاری)

راهکارهای سخت‌افزاری مبتنی بر انجام اقدامات ساختاری است تا بتوان شیوه‌های نرم‌افزاری مورد اشاره را پیاده‌سازی، اجرا و عملیاتی کرد، به طوری که چنانچه این دو وجه مکمل یکدیگر قرار گیرند، می‌توانند نتایج مناسبی برای ارتقاء دیپلماسی عمومی ایران از طریق پیوند آن با ایران‌شناسی داشته باشند. بر این مبنا حداقل اقدامات ذیل ضروری است:

۱. ایجاد ارتباط ساختاری میان ایران‌شناسی با حوزه بین‌الملل

توجه به ایران‌شناسی در دیپلماسی عمومی کشور و ضرورت بسط و توسعه آن و ایجاد ارتباط وثیق میان حوزه‌هایی که متولی این زمینه‌ها هستند، ضرورتی جدی در بعد ساختاری محسوب می‌شود. زیرا در شرایطی که دستگاه‌های متولی دیپلماسی عمومی کشور و دستگاه متولی ایران‌شناسی رابطه سازمانی و پیوسته با یکدیگر ندارند، دشوار خواهد بود که این دو حوزه به کمک یکدیگر بیایند و بتوانند در نتیجه پیوند میان خود، به‌طور متقابل باعث توسعه یکدیگر شوند. اقدامات مقطعی و گذرا پاسخگوی این نیاز مبرم در عرصه دیپلماسی کشور نیست و ایجاد رابطه ساختاری میان دو حوزه ایران‌شناسی و بین‌المللی برای بسط و توسعه دیپلماسی عمومی کشور ضروری است، به طوری که بتوان برنامه‌ریزی‌ها و نیازهایی که در مرحله نرم‌افزاری تبیین شده است، در این مرحله عملیاتی کرد.

۲. تلاش برای تأسیس کرسی‌های ایران‌شناسی

بسط و گسترش حجم ایران‌هراسی در سطح بین‌المللی و تبلیغات سوء مربوط به این مسائل از سوی قدرت‌ها و رسانه‌های جهانی، تضعیف بیش از پیش مطالعات ایران‌شناسی در سطح جهان و جایگزین کردن آن با مطالعات عرب‌شناسی یا ترک‌شناسی را سبب شده است (پایگاه

اطلاع‌رسانی دولت، ۱۴۰۰). در این شرایط هرگونه تلاش برای افزایش قدرت نرم کشور و توسعه دیپلماسی عمومی دچار ناکارآمدی خواهد بود. بنابراین لازم است تفاهم‌نامه‌های همکاری با مراکزی که قصد ایجاد و یا توسعه دانش ایران‌شناسی را در خارج از کشور دارند، منعقد شده و زمینه‌های تشویقی بدین منظور در نظر گرفته شود.

۳. حمایت مالی و معنوی از پژوهشگران ایران‌شناسی در داخل و خارج

حمایت مالی و معنوی از کلیه پژوهشگرانی که قصد دارند در زمینه ایران‌شناسی اقدام به مطالعه و پژوهش نمایند، ضرورتی انکارناپذیر برای ایجاد پیوند میان ایران‌شناسی و دیپلماسی عمومی کشور است. اقداماتی نظیر حمایت از پایان‌نامه‌هایی که در زمینه ایران‌شناسی و بسط دیپلماسی عمومی با محوریت ایران نگارش یافته است، از جمله موارد قابل انجام در این زمینه است. پشتیبانی از تولید محتواهایی که باعث تقویت اشتراکات میان ایران و دیگر فرهنگ‌ها می‌شود، ارتباط با پژوهشگران خارجی و دعوت آنها برای حضور در همایش‌های بین‌المللی و ایجاد انگیزه برای آنها جهت انجام مطالعات و پژوهش‌ها در خصوص ایران راهکار دیگر در این خصوص است.

۴. اجرای دیپلماسی رسانه‌ای توسط شبکه‌های برون‌مرزی صدا و سیما با راهبردهای مناسب

اتخاذ راهکارها و راهبردها مناسب در قالب شبکه‌های برون‌مرزی صدا و سیما به منظور پیاده سازی دیپلماسی رسانه‌ای و مشخص نمودن ساز و کار آن از جمله اقدامات ضروری در بخش سخت‌افزاری است. در این راستا راهبردهای رقابتی، مناسب‌ترین راهبرد برای شبکه‌های رادیویی و تلویزیونی برون‌مرزی در راستای ارتقای دیپلماسی عمومی جمهوری اسلامی ایران هستند (امین‌فرد، ۱۳۹۹: ۸۹). در این خصوص معاونت برون‌مرزی صداوسیما که شبکه‌های برون‌مرزی و بین‌المللی صداوسیما نظیر العالم و الکوثر در سطح منطقه‌ای و پرس‌تی‌وی در سطح بین‌المللی و جهانی ذیل آن قرار می‌گیرند، از جایگاه و نقش حائز اهمیت در پیشبرد اهداف دیپلماسی عمومی کشور مبتنی بر رویکردهای ایران‌شناسانه برخوردار هستند.

نتیجه‌گیری

ایران‌شناسی و دیپلماسی عمومی در ظاهر امر دو عرصه جداگانه فعالیت هستند، اما یافته‌های این پژوهش نشان داد که اولاً امکان پیوند میان این دو حوزه وجود دارد چرا که اساساً بسیاری از



اهداف آنها مشترک محسوب می‌شود و ثاباً در صورت برقراری پیوند میان آنها، اهداف مورد نظر هر کدام از این حوزه‌ها با شمولیت و گستره بیشتری در سطح عملیاتی قابل تحقق است. در واقع دیپلماسی عمومی ایران در راستای تحقق مأموریت‌های متعددی که برایشان در اسناد بالادستی تعریف شده است، نیازمند پیوند عمیق با ایران‌شناسی است. زیرا عدم توجه به این نکته باعث ابر ماندن هدف اصلی دیپلماسی عمومی کشور خواهد شد که همانا افزایش قدرت نرم ایران است. بنابراین برنامه‌ریزی در جهت پیوند وثیق میان این دو نه تنها ایران‌شناسی را در دستیابی به اهداف خود موفق خواهد کرد، بلکه همزمان باعث اثرگذاری و اثربخشی مؤثرتر، بلندمدت و کارآمدتر دیپلماسی عمومی ایران در همه حوزه‌های موضوعی آن خواهد شد. به بیان دیگر گسترش و عمومیت یافتن ایران‌شناسی در داخل و خارج از کشور به رفع برخی موانع پیش‌روی دیپلماسی عمومی کشور به‌ویژه خطاها و معضلات شناختی کمک شایانی می‌نماید و همزمان با اتکا به پستوانه فرهنگ و تمدن غنی ایران، ابزارها و فرصت‌های مغتنم و متعددی را در اختیار دستگاه دیپلماسی کشور به‌ویژه در عرصه دیپلماسی عمومی قرار می‌دهد. بنابراین در راستای تحقق پیوند مزبور، در این پژوهش علاوه بر اینکه الزامات و ضروریات اولیه ناشی از آن برشمرده شد، راهکارهای عملیاتی شدن آن احصا گردید تا با کاربست آنها فرصت‌های بیشتری در عرصه تعاملات فرهنگی میان ایران با سایر کشورها ایجاد شود و همزمان زمینه افزایش بیش از پیش قدرت نرم کشور فراهم شود. این راهکارها جنبه‌های مختلفی از دیپلماسی عمومی کشور را شامل می‌شود و در بردارنده توجه ویژه به عناصر فرهنگی ایران از یکسو و تحولات ساختاری از سوی دیگر است که در جدول زیر ترسیم شده است:

جدول ۶. چگونگی پیوند ایران‌شناسی و دیپلماسی عمومی

اهداف		الزامات	راهکارها
			سخت‌افزاری
- اشاعه تصویر مطلوب از ایران (افزایش منزلت و پرستیژ بین‌المللی)	- تقویت روحیه تعامل‌گرایی فرهنگی در	- شناخت مناسب از ایران - شناخت مناسب از دیگری‌های ایران بوئژه نسبت به	تهیه نقشه راه مدون در زمینه ایران‌شناسی مشمول بر: - به‌کارگیری عناصری فرهنگی ایران - کاربست ریشه‌های مشترک برای ارتقاء
- ایجاد ارتباط ساختاری میان ایران‌شناسی با حوزه بین‌الملل	- تلاش برای تاسیس کرسی‌های ایران‌شناسی		

راهکارها		الزامات	اهداف
سخت‌افزاری	نرم‌افزاری		
<ul style="list-style-type: none"> - حمایت از پژوهشگران ایران‌شناسی در داخل و خارج - اجرای دیپلماسی رسانه‌ای توسط شبکه‌های برون‌مرزی صداوسیما با راهبردهای مناسب 	<ul style="list-style-type: none"> روابط با سایر ملل - پاسخ مناسب به نیاز هویتی همسایگان ایران - ایجاد زمینه برای شناخت کافی سفرا و رایزنان ایران - تولید محتوا در جهت مقابله با ایران‌هراسی - تولید محتوای کارآمد برای دیپلماسی رسانه‌ای با محوریت ایران‌شناسی 	<ul style="list-style-type: none"> همسایگان - ایجاد الفت میان کشورها - ایجاد همگرایی حداکثری - کم‌کردن واگرایی‌ها 	<ul style="list-style-type: none"> جامعه - مقابله با ایران‌هراسی - هم‌افزایی فرهنگی (از طریق گسترش تعاملات فرهنگی، علمی، آموزشی، رسانه‌ای و ...) - افزایش قدرت نرم ایران

در پایان دو دسته پیشنهاد در ارتباط با این پژوهش طرح می‌شود:

پیشنهاد‌های رسانه‌ای و کاربردی

پیشنهاد‌های رسانه‌ای برای حوزه دیپلماسی رسانه‌ای ایران بر اهمیت دیپلماسی رسانه‌ای از طریق ایفای نقش مطلوب و مناسب شبکه‌های برون‌مرزی و بین‌المللی صداوسیما نظیر العالم، الکوثر و پرس‌تی‌وی از طریق اتخاذ راهبردهای رقابتی تأکید دارد. به لحاظ محتوایی نیز معاونت برون‌مرزی صداوسیما می‌تواند با تکیه بر تولید محتواهایی که بهره‌مند از تمامی عناصر فرهنگی ایران شامل دوره باستان و پس از اسلام است و هدف آن معرفی واقعی ایران، گسترش تعاملات فرهنگی و مبارزه با ایران‌هراسی است، نقش محوری داشته باشد. در این راستا، تعامل با سایر نهادهای متولی در زمینه ایران‌شناسی و دیپلماسی عمومی برای پیشبرد این اهداف ضروری است.

پیشنهاد‌های پژوهشی برای تحقیقات آتی

بررسی متون و عناصر فرهنگی ایران و استخراج عناصر ایرانی که بر جنبه‌های تعاملی فرهنگ و تمدن ایران تکیه دارد و کشش‌هایی که در این فرهنگ برای تعامل با سایر فرهنگ‌ها وجود دارد



و نحوه کاربست آن در دیپلماسی عمومی و دیپلماسی رسانه‌ای کشور اقدامات پژوهشی بعدی در راستای این پژوهش است که می‌تواند بر غنای اقدام فعلی بیفزاید.

منابع و مأخذ

منابع فارسی

- آشوری، داریوش (۱۳۷۷). *ما و مدرنیت*. تهران: موسسه فرهنگی صراط.
- اژدری، لیلا؛ فرهنگی، علی‌اکبر؛ صالحی‌امیری، سیدرضا و سلطانی‌فر، محمد (۱۳۹۷). آسیب‌شناسی دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران و ارائه راهبرد. *فصلنامه راهبرد اجتماعی فرهنگی*، سال هفتم، شماره ۲۸، صص ۱۵۹-۱۲۳.
- امین‌فرد، احمد (۱۳۹۹). راهبردهای ارتقای دیپلماسی عمومی جمهوری اسلامی ایران برای برون‌مرزی صداوسیما. *پژوهشنامه رسانه بین‌الملل*.
- بهزادنسب (۱۳۹۶). بررسی وضعیت و جایگاه سیاست‌گذاری دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران. سال دوم. شماره ۳. ۲۹۲-۲۶۷.
- حاتم‌زاده، عزیرالله؛ صناعی، علی و شکری، مرتضی (۱۴۰۱). مدیریت تصویر بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران: آسیب‌شناسی و توصیه‌ها. *فصلنامه مطالعات راهبردی*، سال ۲۵، شماره ۴، صص ۲۸۱-۲۴۹.
- حسین‌خانی، الهام و امام‌جمعه‌زاده، سیدجواد (۱۳۹۶). واکاوی عناصر تشکیل دولت در اسطوره‌های هویت‌ساز ایران باستان. *فصلنامه تخصصی علوم سیاسی*، دوره ۱۳، شماره ۳۸، صص ۱۷۲-۱۴۵.
- حق‌پرست، هادی و خدایین، زهرا (۱۳۹۹). درآمدی بر دکتترین مطلوب دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران. *مجله بین‌المللی پژوهش ملل*، دوره ۵، شماره ۵۴، صص ۱۰۰-۸۸.
- حق‌شناسی، محمدمیر و اکبری، کمال (۱۳۹۹). بایسته‌های محتوایی دیپلماسی رسانه‌ای ایران در مناطق روس‌زبان. *پژوهشنامه رسانه بین‌الملل*، سال پنجم، شماره ششم، صص ۱۳۵-۱۱۱.
- حبیبی، حسن (۱۳۸۹). *طراحی مقدماتی برای ایران‌شناسی نظام یافته*. تهران: فرهنگستان زبان و ادبیات فارسی.
- درخشنده‌لرزجانی، مریم و دهشیری، محمدرضا (۱۳۹۷). چندجانبه‌گرایی فرهنگی؛ الگویی تعاملی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران. *فصلنامه علمی مطالعات میان فرهنگی*، سال ۱۳، شماره ۳۶، صص ۶۵-۳۷.
- دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال و ذبیحی، رضا (۱۴۰۲). ایران‌شناسی و سیاست خارجی ایران، ظرفیت‌ها و زمینه‌های تعامل. *مطالعات ایران‌شناسی*، دوره ۸، شماره ۲۲، صص ۶۵-۳۸.

- رزمجو، علی‌اکبر، خسروی، افسانه، عنایتی‌شبکلائی، علی (۱۳۹۵). *درآمدی بر دیپلماسی رسانه‌های ایران* (مطالعه موردی دیپلماسی رسانه‌های صداوسیما)، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- زرشناس، زهره (۱۳۹۱). *درآمدی بر ایران‌شناسی*. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- سلطانی‌فر، محمد و خانواده، لیلا (۱۳۹۲). *دیپلماسی رسانه‌های جمهوری اسلامی ایران* (فرصت‌ها، چالش‌ها، آسیب‌شناسی و راهبردها). *مطالعات فرهنگ-ارتباطات*، دوره ۱۴، شماره ۲۲، صص ۲۰۵-۱۸۱.
- سند تحول رسانه ملی در افق ۱۴۰۵ (۱۴۰۲). *ویراست دوم*، خرداد ۱۴۰۱.
- شفا، شجاع‌الدین (۱۳۴۸). *جهان‌شناسی*. جلد اول، تهران: کتابخانه سلطنتی.
- زند، زاگرس (۱۴۰۲). *ایران‌شناسی: هویت، فرهنگ و خلیقات ایرانی*. تهران: نشر نگاه معاصر.
- طالبی‌طادی، بهنام؛ عزیزپور، قاسم و حاجی‌کرم‌رعیت، محمدرضا (۱۳۹۹). *قاعده‌نگاری تالیف قلوب در فقه سیاسی*.
- عسگری، محمود (۱۳۸۹). *رویکردی انتقادی به نظریه قدرت نرم*. *فصلنامه راهبرد دفاعی*، دوره ۸، شماره ۲۸، صص ۲۱۶-۱۹۵.
- لنگرودی، امیر و لنگرودی، احمد (۱۴۰۰). *نوروز؛ تجلی پیوند سیاست همسایگی*. *مجله امنیت*، سال چهارم. شماره ۳۶، صص ۷۴-۶۶.
- موسوی‌زاده، علیرضا و جاودانی‌مقدم، مهدی (۱۳۸۷). *نقش فرهنگ ملی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران*. *دانش سیاسی*، سال دوم، شماره ۴، صص ۲۲۵-۱۸۷.
- میرمحمدصادقی، سیدمهدی و حاجی‌مین، رحمت (۱۳۹۷). *تبیین دیپلماسی فرهنگی ایران در قبال ایران‌هراسی*. *فصلنامه علمی مطالعات میان‌فرهنگی*، سال سیزدهم، دوره ۳۶، صص ۱۴۶-۱۲۳.
- نیک‌روش، مسعود و پویا، علیرضا (۱۳۹۹). *ظرفیت‌های برون‌مرزی رسانه ملی در ارتقای دیپلماسی رسانه‌های جمهوری اسلامی ایران* (مطالعه موردی: منطقه خلیج فارس). *پژوهشنامه رسانه بین‌الملل*، سال پنجم، شماره ششم، صص ۲۴۵-۲۲۷.
- یحیایی، سبجان و کیا، سیده‌مرضیه (۱۳۸۸). *مطالعه موردی انگاره‌های هویت فرهنگی و هویت ملی ملت‌های ایران و افغانستان با تأکید بر نگره‌های مهاجران افغانی به ایرانیان*. *مطالعات ملی*، دوره ۱۰، شماره ۳۷، صص ۱۵۶-۱۳۵.

منابع انگلیسی

- Ang, I., Isar, Y. R., & Mar, P. (2018). Cultural diplomacy: beyond the national interest?. In *Cultural Diplomacy: Beyond the National Interest?* (pp. ۱۴-۴۲). Routledge.
- Bjola, C., & Holmes, M. (2015). *Digital diplomacy: Theory and practice*. Routledge.



- Cerulo, K. A. (1997). Identity construction: New issues, new directions. *Annual review of Sociology*, 23(1), 385-409.
- Cull, N. J. (2009). Public diplomacy before Gullion: The evolution of a phrase. In *Routledge handbook of public diplomacy* (pp. 19-23). Routledge.
- Cull, N. J. (2008). Public diplomacy: Taxonomies and histories. *The annals of the American academy of political and social science*, 616(1), 31-54.
- Golan, G. J., & Yang, S. U. (2015). Introduction: The integrated public diplomacy perspective. *International public relations and public diplomacy: Communication and engagement*, 1-14.
- Gilboa, E. (2008), "Searching for a theory of public diplomacy", *The annals of the American academy of political and social science*, 616(1), 55-77.
- Khan, M. (2021), "Role of Media in Diplomacy", Issue 3 Int'l JL Mgmt. & Human., 4, 3459.
- Malone, G. D. (1985), "Managing public diplomacy", *Washington Quarterly*, 8(3), 199-213.
- Mirmohammad Sadeghi, M. S., & Hajimineh, R (2019), "The role of Iran's soft power in confronting Iranophobia", *Вестник МГИМО Университета*, (4 (67)), 216-238.
- Nye, J. S. (2004), "Soft power: The means to success in world politics", *Public affairs*. 107-110.
- Nye Jr, J. S. (2008), Public diplomacy and soft power. *The annals of the American academy of political and social science*, 616(1), 94-109.
- Snow, N., & Taylor, P. M. (2009), *Preface and introduction. Routledge Handbook on Public Diplomacy*, New York: Routledge, pp. ix-xi.
- Signitzer, B. H., & Coombs, T. (1992), "Public relations and public diplomacy: Conceptual convergences", *Public relations review*, 18(2), 137-147.
- Rawnsley, G. (1999), Monitored broadcasts and diplomacy. In *Innovation in diplomatic practice* (pp. 135-150). London: Palgrave Macmillan UK.
- United States. Advisory Committee on Cultural Diplomacy. (2005). *Cultural Diplomacy, the Linchpin of Public Diplomacy: Report of the Advisory Committee on Cultural Diplomacy*. US Department of State.
- Waltz, Kenneth (1970), "The Myth of National Interdependence", in: *Globalism versus Realism*, Routledge, Vol. 3, pp. 81-96.



منابع آنلاین

- اساسنامه اصلاحی بنیاد ایران‌شناسی (۱۴۰۰)، تارنمای مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، قابل دسترس در: <https://rc.majlis.ir/en/law/show/1675327>
- اساسنامه سازمان صداوسیما (۱۴۰۲)، تارنمای مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، قابل دسترس در: <https://rc.majlis.ir/fa/law/show/90402>
- اساسنامه سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی (۱۴۰۱)، تارنمای سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی، قابل دسترس در: <https://www.icro.ir>
- پایگاه اطلاع‌رسانی دولت (۱۴۰۰)، برپایی کرسی‌های ایران‌شناسی یک ضرورت فرهنگی در جوامع بین‌المللی است، قابل دسترس در: <https://dolat.ir/detail/364953>
- سند چشم‌انداز ایران ۱۴۰۴ (۱۳۸۳)، متن کامل ابلاغیه رهبر معظم انقلاب اسلامی و چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴ هجری شمسی، خبرگزاری ایسنا، قابل دسترس در: <https://www.isna.ir/news/03577-8305>
- قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران (۱۴۰۲)، تارنمای شورای نگهبان، قابل دسترس در: <https://www.shora-gc.ir/fa/news/4707>
- قانون برنامه هفتم توسعه (۱۳۹۹)، تارنمای شناسنامه قانون، قابل دسترس در: <https://www.shenasname.ir>
- قانون وظایف وزارت امور خارجه (۱۴۰۲)، تارنمای مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، قابل دسترس در: <https://rc.majlis.ir/fa/law/show/91058>

داوری مقاله

حد اکثر امتیاز	امتیاز	توضیحات	معیار	ردیف
۵			تناسب عنوان و چکیده با محتوای مقاله و محورهای موضوعی نشریه	۱
۱۰			کیفیت طرح مقدمه	۲
۱۰			غنا و نوآوری پیشینه پژوهش و مبانی نظری و ارتباط منطقی آنها با سایر بخش‌ها	۳
۱۰			روش‌مندی و نظام‌مندی	۴
۱۵			تحلیل راهبردی مسئله، تجزیه و تحلیل داده‌ها، تبیین شاخص‌های رویکردی و رفتاری بازیگران	۵
۱۰			بازنمایی رسانه‌ای پدیده مورد مطالعه در رسانه‌های برون‌مرزی ایران یا رسانه‌های رقیب	۶
۱۰			بحث و نتیجه‌گیری	۷
۱۰			داشتن رویکرد رسانه‌ای در کل مقاله و دستیابی به یافته‌های کاربردی برای دستگاه‌های دیپلماسی عمومی کشور به‌ویژه رسانه‌های برون‌مرزی صداوسیما	۸
۱۰			رعایت قواعد علمی نگارش	۹
۱۰			اعتبار منابع و مأخذ	۱۰
۱۰۰			جمع امتیازها	

The link Link between Iranology and Iran's Public Diplomacy (with Emphasis on the role of Culture and Media)

Reza Zabihi¹

Abstract

Iranology, as an independent science from Orientalism, due to its interdisciplinary nature, requires interaction and synergy with other disciplines, including international relations and public, cultural and media diplomacy. Therefore, it is possible to identify the objectives related to the two fields of public diplomacy and Iranology by examining the above documents and measure its compliance with the duties and responsibilities of the organizations in charge of each of these two fields. With this research action, the common goals are determined, which are: "spreading a favorable image of Iran, strengthening the spirit of cultural interactionism, countering Iranophobia, synergy and finally increasing Iran's soft power". In the next stage, looking at the objectives, the requirements for the optimal link between Iranology and public diplomacy, including things such as creating convergence with other countries and reducing the areas of divergence, are specified. Finally, the main question of the current research is posed as "What are the solutions for the connection between Iranology and the country's public diplomacy in such a way that the capacities of Iranology are activated to advance the goals of public diplomacy?" The method of conducting this research is descriptive and analytical, and in order to apply it, the study of the statutes of related organizations, including radio and television, as well as the provisions of the above documents is based. Hypothetically, this requires a set of solutions composed of hardware and software measures that overlap and support each other. Software cases such as innovative and creative media diplomacy centered on Iranology and hardware cases such as creating a structural connection between Iranology and the international field.

Keywords: Iranology, public diplomacy, cultural diplomacy, media diplomacy, upstream documents

1. Assistant Professor of International Relations, Department of Iranian Geography Studies, Iranology Foundation, Tehran, Iran. r.zabihi@iranology.ir.

The Role of the Republic of Azerbaijan in Israel's Confrontational Policy against the Islamic Republic of Iran (1992-2024)

Shiva Alizadeh¹, Hamidreza Javadi Qal'eh²

Abstract

The collapse of the Soviet Union created a new opportunity for Israel to be engaged in a broader confrontation with the Islamic Republic of Iran based on its most important principle of national security, which emphasizes the need for preemptive defense and the elimination of the alleged threats outside Israel's borders. The main question of this article is how Israel exploits the Republic of Azerbaijan to weaken Iran's national security. This essay is exploratory, of qualitative method with a descriptive-analytical approach, for which the necessary data have been collected using library and media sources. The findings show that the Republic of Azerbaijan, which is located in an important geopolitical position in the north of Iran's borders, has serious problems in its relations with Iran, considers the historical and cultural commonalities with Iran as threat, and considers the political Islam inspired by the Islamic Republic of Iran as threat, geographically adjacent to the Azari-speaking provinces of Iran, located on Iran's economic route to Europe, has political alignment with Israel, has attitude toward enhancing cooperation with Israel's allies and has a strong motivation to construct NATO's Turan Corridor (Zangezur Corridor) and connect the member countries of the Organization of Turkic States to each other, has high capacities to be used by Israel against Iran. In fact, Israel is recruiting this country in its hybrid warfare against Iran by focusing on these potential and actual tensions and problems.

Keywords: Israel, Securitization, Power Maximization, Republic of Azerbaijan, Iran, Threat Balance

1. Assistant Professor, Department of Regional Studies, Faculty of Law and Political Science, University of Tehran; shiva_alizadeh@ut.ac.ir

2. MA in Regional Studies, Department of Regional Studies, Faculty of Law and Political Science, University of Tehran

Examining the Legal Foundations of Security Council's Engagement with International Humanitarian Law (Recommendations for Media)

Seyyed Hesam Aldin Iesani¹

Abstract

The Security Council serves as the enforcer of international peace and security within the framework of the United Nations. Initially, there was concern that the Council's involvement in international humanitarian law (IHL) would appear to legitimize war, given the UN Charter's prohibition on the use of force. As a result, the Council refrained from engaging with IHL for over 20 years after its establishment. However, the Council's approach has evolved, reflecting its heightened focus on IHL. It has established a link between international peace and security and the responsibility to protect. Additionally, with the growing influence of international media, especially in reporting on armed conflicts, the Security Council is not immune to the media's impact on its response to violations of humanitarian law. This article aims to explore the role played by the Security Council in the growth and development of IHL, including instances where it has violated these laws through its stances. By employing a descriptive and argumentative approach and drawing on various library sources and international documents, the article concludes that despite occasional failures to respond adequately to humanitarian law violations, whether due to its structure or the interests of its permanent members, the Council has increasingly prioritized humanitarian law issues over time, particularly with greater media involvement.

Keywords: Security Council, Resolution, International Humanitarian Law, Civilians, International Peace and Security, International Media.

1. Associate Professor, Department of International and Public Law, Faculty of Law, Qom University, Qom, Iran.

Designing a Model for Cultural Diplomacy between Iran and Turkey with a Focus on Cultural Industries (Principles and Factors)

Mahdi Moniri¹, Sayed Reza Salehi Amiri², Abouzar Ebrahimi Torkaman³

Abstract

Iran and Turkey are two important neighboring countries with a deep mutual connection. This research seeks to establish a practical model for cultural diplomacy between the two nations by emphasizing the role of cultural industries such as media. The central question addressed in this study is "What are the principles and factors underlying the cultural diplomacy model between Iran and Turkey, with a particular focus on cultural industries? The grounded theory was used as the research method. Furthermore, the statistical population included 12 experts who were selected using theoretical sampling. Data collection methods consisted of desk studies and online resources for the theoretical phase, and the researcher-made questionnaire and semi-structured interviews for the practical phase. Following the transcription of the interviews, the concepts and categories were organized into relevant dimensions using open, axial, and selective coding processes. The research results indicate that the bilateral relations in causal conditions are shaped by factors such as "cultural policies, shared cultural and artistic attractions, handicrafts, creative industries, and mutual cultural exchanges". In terms of contextual factors, these relations are influenced by "cultural commonalities and differences between the two countries and the roles of cultural industries". In terms of intervening factors in Iran, the relations are influenced by factors such as "infrastructural, economic, international, and media challenges, inefficient management, and government authorities' indifference" but for Turkey, they are affected by "economic, cultural, and international problems". Moreover, the relations are influenced by "implementing managerial and practical approaches" in terms of strategies and comparing the "cinematic achievements, cultural, media, and artistic contributions, and recognitions" of the two nations in terms of outcomes.

Keywords: Cultural diplomacy, Cultural and creative industries, Iran, Turkey, Media

1. PhD student in Cultural Affairs Management, Department of Cultural Management and Planning, Faculty of Management and Economics, Islamic Azad University, Science and Research Branch, Tehran, Iran.

2. Associate Professor, Department of Cultural Management and Planning, Faculty of Management and Economics, Islamic Azad University, Science and Research Branch, Tehran, Iran

3. Assistant Professor, Department of Private Law, Faculty of Law, Theology and Political Science, Islamic Azad University, Science and Research Branch, Tehran, Iran.

Strategic Scenarios for the Jame- Jam TV Network in the Next 5-Year Horizon

Mahmoudreza Najafzadeh Shahry¹, Hamidreza Hosseini Dana², Davood Nemati Anaraki³

Abstract

Media managers, facing changes, need to have visions of likely future possibilities to cope reasonably with the next developments, because they can make decision preventively to avoid being surprised. Without scenarios or clear imagination of possible prospects, we cannot plan anything. This article has been written to realize demanded scenario about being seen and attracting the audience, and availability of the universal network Jaam-e-Jam. Writing scenario was done using the Shwartz GBN method and a targeted sampling method. 25 experts participated in the research, which this number was enough according to the theoretical saturation principal. The viewpoint of the experts and in-depth interview method have been used to explain these features of the universal network Jaam-e-Jam. In the field of media competition, the scenarios of this network for beds of producing and broadcasting programs are: making media intelligent, clean media, passing inactive media and red lines, nostalgic excitement, and interactive media. The findings of the research have shown six key features which the most important ones are: rapidity (releasing and distributing contents), variety (availability), equipping network with modern technologies, optimal usage of cyberspace and social media capacities on interaction with audience and feeling excitement (nostalgic feeling).

Key Words: Iranians Abroad, Optimal Scenario, Technical Infrastructure, Social Networks, Virtual Space, Jame-Jam TV

1 PhD Student of Media Management, Semnan Branch, Islamic Azad University, Semnan, Iran

2 Assistant Professor, Department of Media Management, Faculty of Humanities and Arts, Damavand Branch, Islamic Azad University, damavand, Iran

3 Associate Professor, Department of Communication and Media, IRIB University, Tehran, Iran

Iranian Media Diplomacy Approaches to Convergence with Afghanistan after the Taliban Return to Power (August 2021)

Roya Movaffagh¹, Nowruz Hashem Zahi², Mandana Saniei³, Rahmat Haji Mina⁴,

Abstract

Following the Taliban's Re-establishment in Afghanistan in August 2021, ensuring security and stability in the country has become particularly significant due to its proximity to Iran. The media play a crucial role in fostering unity and promoting convergence between the two neighboring countries. The Taliban's caliphate-oriented tendencies have led to increased media restrictions compared to previous years. Accordingly, Iran's foreign media should seek ways to preserve and enhance the influence and unity of the people in both countries. Thus, the primary research question is: 'How can media diplomacy enhance convergence between the two nations following the return of the Taliban?' This study was conducted based on the theories of media diplomacy and convergence, employing the database method. Based on this framework, semi-structured interviews were conducted to analyze the perspectives of 16 experts in Afghanistan, with MAXQDA software employed to streamline the coding and data analysis processes. The research findings indicate that the factors influencing media diplomacy are as follows: a) Background factors, which include security concerns, military readiness, strategic culture, and religious dynamics; b) Causal factors, encompassing deep historical and cultural ties, customs, and both internal and external political influences; c) Mediating factors, consisting of Afghan refugees, ethnic diversity and minorities, economic considerations, environmental factors, and issues related to women. Furthermore, Iran's stance of neutrality toward the Taliban-led government has significantly contributed to media diplomacy. Leveraging the resources of Persian culture and civilization is identified as the most important and effective means of fostering convergence between the two countries.

Keywords: Media Diplomacy, Convergence, Iran, Taliban, Afghanistan,

1. PH. D student, Department of Communication Sciences, Tehran Sharg branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. Rmovaffagh2003@yahoo.com.

2. Corresponding Author: Assistant professor, Department of Communication Sciences, Tehran Sharg branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. no_hashemzahi@yahoo.com.

3. Assistant professor, Department of Communication Sciences, Tehran Sharg branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran .

4. Associate Professor in International Relations, ◊Department of law, East Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

Representation of the Russia-Ukraine War News in Foreign Persian-Language News Networks: "Case Study: BBC Persian and Iran International TVs"

Raziye Shirvani Dastgerdi¹, Ardeshir Zaboli Zadeh² Aliasghar keya³

Abstract

This research focuses on a case study of BBC Persian and Iran International TV networks examining the representation of the Ukraine-Russia war in foreign Persian-language news media. The conflict between these two countries has received extensive media coverage, with various actors using media platforms to advance their diplomatic agendas. The purpose of this research is to analyze the representation and framing of the Ukraine-Russia war in the news coverage of BBC Persian and Iran International. The data for this research has been analyzed using news framing techniques applied to the Ukraine-Russia war coverage on these news networks. The research sample consists of four weeks and 28 days of news from 2021 to 2023, selected purposefully. The findings discuss the approaches and viewpoints of BBC Persian and Iran International news channels in their conflict-related narratives. Iran International News Network has attempted to maintain peace and promote diplomatic and economic agreements between the two countries, striving not to infringe on Ukraine's independence and national rights while maintaining an impartial approach to both sides. In contrast, BBC Persian has focused on movements, popular uprisings, and criticisms favoring Ukraine. Among the general news frameworks, both news networks have given more attention to the "attribution of responsibility" and "human interest" frames than others, while the "moral consequences" frame received less attention.

Keywords: Representation, News framing, BBC PersianTV, Iran International TV, Ukraine-Russia war

1. M.A., Department of Communication, Allameh Tabatabai University, Tehran, Iran

2. Associate Professor, Faculty of Communication and Media, IRIB University, Tehran, Iran

3. Professor, Department of Journalism, Faculty of Communication Sciences, Allameh Tabatabaei University, Tehran, Iran

Twitter Diplomacy of Iran's 13th Administration during Nuclear Negotiations: "A Case Study of the Official Page of the Ministry of Foreign Affairs of Iran on Twitter"

Alireza Khosravi¹, Mohammadgholi Minavandchal², Farid Asghari Tazehkand³

Abstract

With the spread of social networks, politicians have increasingly turned to pervasive social networks to express their opinions and declare their positions. Expressing every politician and diplomat's views is considered his/her official position in public. The social network X - formerly Twitter- is also one of the social networks that politicians are interested in, due to its text-oriented features. Nuclear negotiations and lifting the sanctions have been among the most important issues in Iran's diplomacy in recent years. Since then, the Government has used this social network to announce its positions and address its messages. So, to find the approach and manner of interactions of the 13th "Iran Administration" headed by the late Ebrahim Raisi, with the opposite parties of the nuclear negotiations, the tweets sent by the official page of the Ministry of Foreign Affairs of I. R. Iran under the chairmanship of the late Hossein Amir Abdullahian were examined in this research from Shahrivar 1400 (August 2021) Until Esfand 1400 (March 2022). Analyzing and reviewing the tweets related to the nuclear talks, published during this period, were conducted by the Qualitative content analysis method. After selecting 53 sample tweets from a total of 104, their contents were reviewed and 9 codes were extracted. Eventually, the resulting codes were categorized into three basic concepts including "mistrust of the other side", "Iran's positive view of diplomacy", and "securing Iran's interests and lifting sanctions". The categories from which these concepts were taken were: "The US is the main culprit for the ineffectiveness of the negotiations", "lack of "change in American policy in the Biden administration", "inability of other parties of the negotiations", "Failure of western parties to fulfill mutual obligations", "Iran's seriousness and readiness to negotiate", "cooperative approach in negotiations", "effective negotiation while maintaining the dignity and respect of the Iranian people"

Keywords: Media diplomacy, Twitter diplomacy, Foreign policy, JCPOA, Sanctions

1. phd student of Media Management, Faculty of Communication, Allameh Tabatabai University, Tehran, Iran

2. Department of Media Management, Faculty of Communication and Media, IRIB University.

3. Master's degree in Media Management, Faculty of Communication, Sedavasima University, Tehran, Iran

Representation of Iran among Lebanese Twitter Users in the 2022 Lebanese Parliamentary Election

Reza Jahanbazi¹, MohamadReza Borzooei², Saeed Ghaffari³

Abstract

Understanding how countries are perceived, especially in the field of political communication, is very important and needs to examine the factors that shape the image of a country. The purpose of this research is to explain the representation and false beliefs and at the same time provide an insight into the views of the Lebanese society regarding Iran. This research seeks to answer the basic question of how Iran was represented in Lebanon's cyber space during the country's parliamentary elections in 2022, and what implications these representations have for Iran's position in Lebanon's socio-cultural and foreign policy environment. The research method in the current study was qualitative and text mining method, but the data analysis method in this research was thematic analysis method. It is worth noting that the method of data collection in this research was through the Twitter API and using keywords related to Iran during May 2022, i.e. two weeks before and two weeks after the Lebanese parliamentary elections. After analyzing the data, 5 overarching themes were obtained, which are actually the "components and elements of Iran's representation among Lebanese Twitter users in the 2022 Lebanese parliamentary elections". Some Lebanese users highlighted Iran as a permanent and benevolent supporter of Lebanon and other countries in the region and its power components. On the other hand, other users have represented Iran as a country with special political connections and high influence in the region, as well as a country with internal problems. In addition, the results of the theme analysis showed that users have reacted to Iran's various events and news by continuously monitoring them, which is a sign of their sensitivity regarding the issue of Iran.

Keywords: Representation, Social media, Twitter, Iran, Lebanon

1. PhD student in Culture and Communication, Imam Sadegh University (Corresponding Author). R.Jahanbazi@isu.ac.ir

2. Associate Professor in Department of Communication and Media, Faculty of Culture and Communication, Imam Sadegh University. Borzooei@isu.ac.ir

3. Assistant Professor and Faculty Member, Faculty of Islamic Education, Culture and Communication, Imam Sadegh University. Ghaffatitv@gmail.com

The Optimal Communication Model for The Islamic Republic of Iran, Dealing with The Federal Republic of Brazil

Masoumeh Moradjani¹, Jalal Ghafari², Peyman Jebelli³, Akbar Nasrollahi⁴

Abstract:

In the past, the relations between countries were often focused on official diplomacy, but with the expansion of communication, a profound transformation was created in human societies, traditional structures, governments and their behaviors in the international arena, and other dimensions of social influence and relations between nations-states appeared. Meanwhile, two countries, the Islamic Republic of Iran and the Federative Republic of Brazil, have adopted an independent policy and desire to stabilize their international position; Therefore, considering the 120 years of diplomatic relations between the two countries, the positive view of Iran and Brazil on mutual cooperation, balancing, diversification and deepening of relations between the two countries, both want to meet the strategic goal of strengthening multilateral relations between the two countries. The main question of the present research is what should be the communication model of Iran in the Republic of Brazil in order to establish a strong, effective and constructive relationship with this country? The conceptual literature of this research is development communication, communication model and emerging powers. In this research, a combination of document study method and contextual theory was used, and results was obtained by referring to books, articles, and authoritative reports of international organizations, as well as conducting in-depth interviews with 12 elite people. Based on the results, Brazil's behavioral model in the international system is very cautious and economy-oriented; Therefore, it is necessary for the Islamic Republic of Iran to use a fixed strategy with changing tactics in accordance with the changes of the target society in facing the government, society, civil institutions and social media of Brazil. Also, according to the discourse and media atmosphere of this country, the Republic of Iran should activate the multi-dimensional capacities of public diplomacy by focusing on media diplomacy, cultural diplomacy and exchange diplomacy.

Keywords: Communication Model, Communication for Development, Emerging Power, Islamic Republic of Iran, Federative Republic of Brazil.

1. PhD student of Communication Sciences, Faculty of Social Sciences, Communication and Media, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

2. Associate Professor, Department of Culture and Communication, Faculty of Social and Cultural Sciences, Imam Hossein University, Tehran, Iran

3. Assistant Professor, Department of Communication, Faculty of Communication and Media, IRIB University, Tehran, Iran

4. Assistant Professor, Department of Media Management, Faculty of Social Sciences, Communication and Media, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

Members of Editorial Board (in alphabetical order)

- **Dr. Hadi Ajili** Associate Professor at Faculty of Law and Political Science, Allameh Tabatabai University (International Relations)
- **Dr. MohammadReza Dehshiri** Full Professor at Faculty of International Relations, Ministry of Foreign Affairs (International Relations)
- **Dr. Taher RoshandelArbatani** Full Professor at Faculty of management ,Tehran University (Media Management)
- **Dr. Ardeshir ZaboliZadeh** Associate Professor at IRIB University (Communication)
- **Dr. Ahmad ZabetiJahromi** Full Professor at the Radio and Television Faculty, IRIB University (Dramatic Arts)
- **Dr. Asghar Fahimifar** Associate Professor, Art Research Group, Faculty of Art and Architecture, Tarbiat Modares University (Art Research and Television Studies)
- **Dr. Seyyed Mohamamd Marandi** Full Professor at Tehran University (North American Studies and English Literature)
- **Dr. Reza Mousazadeh** Full Professor at Faculty of International Relations, Ministry of Foreign Affairs (International Law)
- **Dr. Davood Nematianaraki** Associate Professor at IRIB University (Communication)
- **Dr. Mohammad Hossein Ramezani Ghavamabadi** Associate Professor at Shahid Beheshti University (International Law)

IN THE NAME OF ALLAH



Scientific Publication of

International Media Research Letters

Volume 8, Issue 1, Serial Number 12, Autumn and Winter 2024

Managing Director: **Dr. Ahmad Noroozi**
Deputy of Managing Director: **Dr. Mansoureh Akhavan**
Editor-in-Chief: **Dr. Mohammad Gholi Minavand**
Executive Manager: **Dr. Mahmoud Torabi Aghdam**
Persian Editor: **Maryam Mohajeri and Behnam Khosravi**
English Editor: **Dr. Mohammad Gholi Minavand**
Layout: **Masoumeh Pourhejazi**
Graphic Designer: **Elahe Velayati**
Distribution Coordinator: **Soheila Nemati**
Publisher: **IRIB World Service Applied Researches Center**
Litography, Print & Binding: **Negaresh**

Editorial Office

**IRIB World Service Applied Researches Center, 5th Floor, IRIB
Office Building, in front of the Bilal Mosque, ValiAsr Ave, Tehran, Iran.**

P.C. 1999713113

Tel: 021-22167153

Websites: <http://imrl.arc.iriborg.ir/> and <http://arc.irib.ir>

ISSN: ۲۷۸۵-۷۵۳۸